











یری صابری



اعتماد مقدم



فاضل مجلسی



مرتضوی



مستوفی



مجیدی

## چند اندیشه تلاش در باره این شماره تلاش

خوشمچین در این شماره دانه هائی «خارج از زمان و مکان» و آنچه که باید نگهداشت، «سرب و گوگرد» و «هنر حکومت کردن» و «مردی که مرده بود و خود نمی‌دانست» و شکست آپولو ۱۳، از خاک کشورمان و نیز از فضاهای نزدیک و دور، از هرخرمن، مطلبی گردآورده است و شمارا با مرکب تصور خود گاه نزد آدم سبیرتنیک می‌برد و گاه به فرانسه و گاه به امریکا و گاه به سرزمین شوش و با گفته‌های داریوش و صنایع نو خوزستان آشنایان می‌کند و آنوقت از نان و نمک هم سخن ها در صفحه ۶ برایتان دارد.

یک عنصر الکترونیکی بنام «ترانزیستور» چند سالی پیش نیست که کشف گشته و اکنون در رادیو و تلویزیون و صنایع امروزی مورد استفاده است و نقشی بزرگ در تمدن امروزی جهان برعهده دارد.

آقای مهندس آژیبر فاضل مجلسی دانشجوی رشته تخصصی علوم انفورماسیون و ارتباطات از دانشگاه مونیخ آلمان مقاله‌ای برایشان درباره ترانزیستور فرستاده (در صفحه چهاردهم) که خواندنی است.

آقای مجید رهنا وزیر علوم، چهل و شش سال دارد.

وی از دانشگاه پاریس درجه دکترای دولتی علوم اقتصاد و سیاسی گرفته است و پس از طی مدارج وزارت خارجه، آخرین سمت وی سفیر ایران در سوئیس بود. و اکنون در سمت وزیر علوم و تعلیمات عالی کار می‌کند.

یکی از نوشته‌های او کتابی است درباره مسائل کشورهای آفریقائی و آسیائی.

صحبت او درباره یادگارهای لنین را در صفحه ۱۸ آورده‌ایم.

آقای علینقی عالیخانی ۴۲ سال دارد. وی در ۲۱ سالگی رشته علوم سیاسی دانشکده حقوق دانشگاه تهران را تمام کرد و سپس در رشته علوم سیاسی از دانشگاه پاریس باخذ درجه دکترای دولتی نائل گشت. از جمله تالیفات وی نوشته هائی است درباره «روش صنعتی کردن هندوستان» و «ترکیب عوامل تولید برای صنعتی کردن کشور های عقب مانده» (بزبان فرانسه).

عالیخانی سی و چهار سال داشت که وزیر اقتصاد شد و هفت سال در این سمت باقی بود و از ۲۸ تیر ۱۳۴۸ اداره دانشگاه تهران را برعهده دارد.

در گفتگویی که با وی انجام گرفت عالیخانی کوشید تا به سؤالاتی مانند «چرا عربی را از مواد امتحانی کنکور حذف کرده‌اید» و «برای کسانی که پشت دانشگاه می‌مانند چه فکری کرده‌اید؟» و «آیا پذیرش دانشجویان با نیازمندی های اجتماعی کشور هماهنگی دارد یا نه؟» و «چرا نمی‌خواهید دانشگاه‌های دیگر را به پایه دانشگاه تهران برسانید» و «در حال حاضر کدام یک از رشته ها بیشتر مورد توجه است»، جواب گوید.

ما قضاوت در این جوابها را به خوانندگان خود وامی‌گذاریم و بر نظر های آنها مانند همیشه ارج می‌نهیم.

تلاش در دانشگاه پاریس (سوربن) به ملاقات پرفسور ژیلبر لازار استاد زبان و فرهنگ ادبیات ایران رفت و توانست در

گوشه های از این شهر زیبا که بعضی می‌گویند علم آن بیشتر است و بعضی دیگر زیبایی و کشش آنرا بیشتر می‌انگارند، چند ساعتی با لآزار گفتگو کند. مطالب مختلف و گيرائی با وی در میان گذاشته شد، از جمله اینکه «آیا در ادبیات شرق و غرب هم هست؟» و او به همه سؤال ها با صراحت يك معلم وارد و مسلط بکار پاسخ ها داد. که در صفحه ۳۲ آمده است.

اصفهان بدون شك گنجینه‌ای است از ثمره کار ها و سلیقه‌ها و ذوق های ایرانی. در هر گوشه این «نصف جهان» روزها وقت باید تا آدمی بخشی از این همه زیبایی را دریابد.

در باره هشت بهشت اصفهان خیلی ها مطلب ها نوشته‌اند. و تقریباً هرکس آنرا در این سه قرن اخیر دیده از اظهار ستایش و شگفتی خودداری نکرده است.

و ما کوشش کرده‌ایم در سه صفحه مطلب و عکس سیاه و سفید و چندین عکس دیدنی رنگی در صفحه ۳۶ چند تلووژ و جلوه و چند گوشه از هشت بهشت را نشان دهیم. ولی برآستی خود می‌دانیم که فقط تصویری از حقیقت را عرضه کرده‌ایم و بس.

آقای عبدالمجید مجیدی در سال ۱۳۰۷ در تهران متولد شد. از دانشگاه تهران لیسانس و از دانشگاه پاریس دکترا گرفت. سی و یک ساله بود که رئیس دفتر بودجه سازمان برنامه شد.

سی و شش سال داشت که کار تهیه بودجه کل کشور به وی محول شد و چهار سال این کار را ادامه داد و در سال ۱۳۴۵ معاون نخست وزیر و رئیس دفتر مرکزی بودجه شد و یکسال بعد سمت وزیر تولیدات کشاورزی و مواد مصرفی به مجلس معرفی شد و حدود یکسال است که در سمت وزیر کار و امور اجتماعی کار می‌کند.

در مصاحبه‌ای که تلاش با وی داشت سؤال هائی درباره کارگر و کارفرما و امکان تطبیق قوانین کار با پیشرفت های کشورمان و دنیا با او در میان گذاشته شد.

مجیدی عقیده دارد که هر سرمایه‌گرزاری در کشور ما باید موجب ایجاد کار شود و نظر هائی دیگر هم دارد که در صفحه ۴۱ خواهید دید.

در صفحه ۴۶ شعر «شاید...» را که حبیب‌الله شریفی سروده و بخط خودش برایتان آورده‌ایم.

مهندس غلامحسین مقتدر دانش معماری را در فرانسه آموخته و تا بحال کار های چشم گیری در زمینه معماری کرده که از آن جمله باید چندین خانه مسکونی جالب در تهران و شیراز و قسمتی از دانشگاه شیراز و مشهد را ذکر کرد.

درباره شهرهای ایرانی وی در پاسخ به سؤال های تلاش، ظرفداری جدی خود را از «کاهگل» قدیم بناهای ایران نشان داد که با حرف های دیگر در صفحه ۴۷ آمده است.

پرفسور سمعی استاد دانشگاه تهران و جراح با سابقه مغز معتقد است که جراحی مغز امروز دیگر جراحی تزئینی و لوکس نیست چرا؟ جواب های او را در صفحه ۵۵ خواهید دید.

شعر بسیار زیبا و دلنشین «ترانه‌ای از کویر» را آقای صالح عطارزاده سیاهی دانش برای تلاش فرستاده‌اند ص ۵۶

مشکلات دورنمای صنایع شیمیائی در کشور های در حال توسعه از آقای باقر مستوفی است.

ایشان درجه بی. اس. سی در رشته مهندسی را از دانشگاه انگلستان دارند و مدتی هم مدیر شرکت ملی نفت ایران بودند و اکنون مدیر عامل شرکت ملی پتروشیمی هستند. باقر مستوفی در مطبوعات فرهنگ هم تاکنون مکرر از خود کار هائی انتشار داده است.

در صفحه ۶۵ داستان جذاب کوتاهی داریم بنام «عقرب» از ابوالقاسم فقیری.

نظریات خانم یری صابری کارگردان تئاتر را که در تئاتر و سینمای ایران زحمات بسیار کشیده‌اند در باره مسائل تئاتر دیروز و امروز و نمایشنامه نویسی در صفحه ۶۶ خواهید خواند.

مقاله «نیروی انسانی مورد نیاز کشور» توسط آقای پرویز اعتماد مقدم که دکتر مهندس شیمی نفت می‌باشد تهیه شده است. ایشان در حال حاضر رئیس تحقیقات آنالیز شرکت ملی نفت ایران هستند. (ص ۷۰)

آقای دکتر مرتضوی رئیس دانشکده ادبیات تبریز را «تلاش» در شهر تبریز ملاقات کرد و از ایشان از جمله پرسید که «آیا ما چیزی بنام ادبیات معاصر داریم؟ و اگر آری تدوین ادبیات معاصر در دانشگاه مورد نیاز هست یا نه؟»

و مطلب دیگری با ایشان در میان گذاشت و آن اینکه «برای تحقیق در رشته ادبیات چه روشی بنظرشان می‌رسد و آیا ما مجبوریم راه فرنگی ها را در پیش بگیریم و از آنها تقلید صرف بکنیم؟»

و دیگر اینکه «از نظر نقد، مخصوصاً نقد ادبی چکار بکنیم؟ و از چه روش هائی در نقد ادبی پیروی کنیم؟» و دیگر اینکه «آیا راست است که پیشرفت تکنولوژی و صنعتی شدن دنیا این توهم را بوجود آورده که جوان ها از ادبیات روگردان هستند؟»

باین سؤال ها و سؤال های دیگر ایشان جوابها دادند! در شان یک استاد که در صفحه هفتاد و دوم آورده‌ایم.

و بعد چندین عکس جالب از کار های هنرمندان ایرانی و باله هنرمندان شوروی در تالار رودکی داریم.

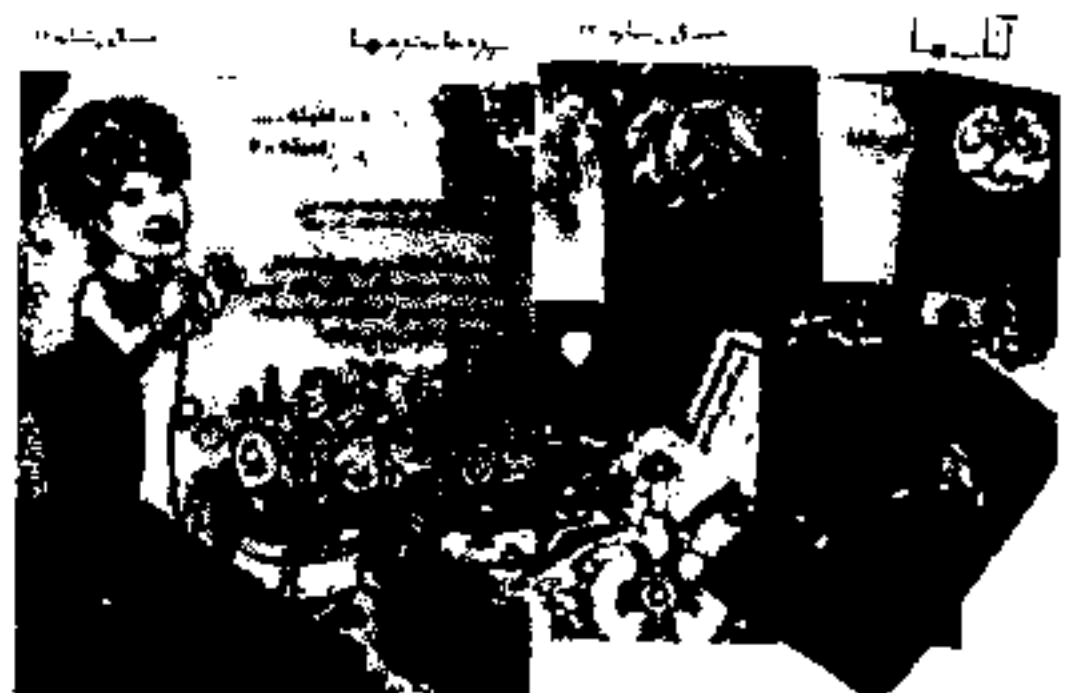
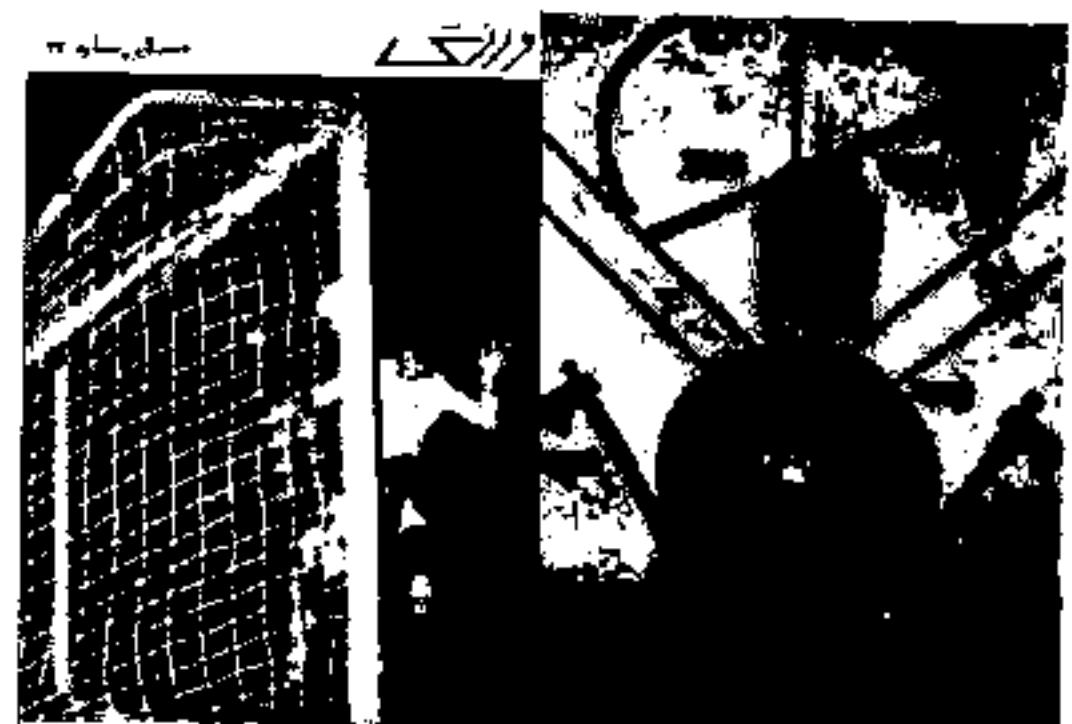
رویداد های ایران را در صفحه هشتاد و یک می‌بینید که بخشی کوچک از کار ها و فعالیت های گوناگون کشورمان است که ما ناچار در صفحات محدود گنجاندیم.

و در پایان روی داده‌ها گفتگویی است بی‌پیرایه و صریح با سوسن که ترانه هایش امروز مورد بازگو و گفتگو و بحث ها است و جواب هایش ساده و دلنشین.

تلاش هفت ضمیمه هم دارد درباره «قوانین» و «علوم» و «هنر» و «کدبانو» و «ورزش» و «کتابها» و «بریده چاپ شده‌های» کشورمان.

باشد که تلاش شماره ۲۲ چند لحظه‌ای شما را بخود مشغول کند.

تلاش هر گونه انتقاد و اظهار نظر و یادآوری در قبال کمبودها و کوتاهی‌های تلاش را استقبال می‌کند و هر یادآوری را در این زمینه‌ها برای بهبود کارش «سنگ بنائی» می‌داند.



پریده‌های رنگ از جلوه‌های کیست؟ میدانم

طییده‌های دل ز آواز پای کیست؟ میدانم

چشم‌برد و عالم حلقه‌بیرودن در باشد

حریم‌سینه‌ام خلوت‌سرای کیست؟ میدانم

روشن‌نغم، فکر شب‌تارندام

آینه‌صحسم، غم‌زنگارندام

از دولت‌عشق تو زیانم همه سودست

با سود و زیان دو جهان کارندام

از دیوان‌حسنین لایه‌بجی

تولد در اسفهان سال ۱۱۰۳ هـ. ق

فوت در تبریز سنه ۱۱۸۰ هـ. ق

ملالتش

شماره بیست و دوم آریه‌بشت - خرداد ۱۳۴۹

نویسندگان و گویندگان مسؤل نوشته‌ها و گفته‌های خود هستند.

محل اداره: خیابان شاه - کوچه جسم - شماره ۲۷ - بجا ۲۵ ریه



روی جلد : گل‌های اردی‌بهشت عکس از ر. نگاه.

داخل جلد : خارهای اردی‌بهشت عکس از ر. نگاه

| مطالب                                                 | صفحه                    |
|-------------------------------------------------------|-------------------------|
| بیانات شاهنشاه آریامهر                                | ۲                       |
| اعلامیه کنفرانس از میر                                | ۴                       |
| از هر خرمن دانه‌ای                                    | خوشه‌چین ۶              |
| يك عنصر الكترونيكي بنام ترانزیستور                    | آژیر فاضل مجلسی ۱۱      |
| یادگارهای نئین                                        | مجید رهنما ۱۸           |
| دانشگاه موجود زنده‌ای است                             | علینقی عالیخانی ۲۲      |
| شرق و غرب یعنی چه                                     | پرفسور ژیلبر لازار ۳۲   |
| هشت بهشت                                              | ۳۶                      |
| سرمایه‌گذاری باید اشتغال را باشد                      | عبدالمجید مجیدی ۴۱      |
| شاید (شعر)                                            | حبیب‌الله شریفی ۴۶      |
| شهرهای ایران : توسعه يك قلعه قدیمی                    | غلامحسین مقتدر ۴۷       |
| مغز                                                   | پرفسور ابراهیم سمیعی ۵۴ |
| ترانه‌هایی از گویر                                    | صالح عطارزاده ۵۵        |
| مشکلات و دورنمای صنایع شیمیائی                        | باقر مستوفی ۵۶          |
| عقرب (داستان)                                         | ابوالقاسم فقیری ۶۵      |
| گفتگو                                                 | پری صابری ۶۶            |
| نیروی انسانی مورد نیاز کشور                           | پرویز اعتماد مقدم ۷۰    |
| سعدی و حافظ                                           | منوچهر مرتضوی ۷۲        |
| فهرست رویدادها                                        | ۸۱                      |
| داخل پشت جلد: سوسن عکس از غلامحسین ملک عراقی          |                         |
| پشت جلد : يك تابلو اثر صادق وزیري (اختصاصی برای تلاش) |                         |
| عکسهای رنگی داخل : هشت بهشت عکس از ر. نگاه            |                         |
| عکس‌های سیاه و سفید : از غلامحسین ملک عراقی           |                         |
| کاریکاتور : از کامبیز درم‌بخش                         |                         |
| تنظیم صفحات : با همکاری فرشید مثقالی                  |                         |
| چاپ سکه                                               |                         |

این شماره هفت ضمیمه علمی، کتاب، ورزشی، کدبانو، قوانین، بریده چاپ شده‌ها و هنری همراه دارد.  
بهای تلاش با ضمیمه‌ها ۲۵ ریال است.

- کارفرمای ایرانی باید خودش را با آخرین متدها تطبیق بدهد ، هر روز یاد بگیرد و کتاب بخواند و در کنفرانس ها شرکت بکند . کارگر ما نیز باید سعی بکند در کلاس های مختلف شرکت بکند و کارگر حرفه ای تمام معنی کارگر متخصص و کارگر متبحر بشود .
- حمایت از سرمایه داخلی تا حدی است که بضرر مصرف کننده ایرانی تمام نشود .

افرادی که در این کنفرانس شرکت دارند بوسیله پیامی که فرستادم ، البته با قسمتی از نظرات من آشنائی پیدا کردند . و لابد اغلب آنها نیز در موارد مختلف چه بوسیله صحبت ها و سخنرانی هایی که کرده ام و چه با مراجعه و مرور کتاب انقلاب سفید طرز فکر و فلسفه ای را که نسبت باین موضوع داریم میدانند . ولی کار بقدری بزرگ و مهم است که تکرار آنرا من حتی زائد نمیدانم و حالا که چنین کنفرانس با اهمیتی تشکیل شده است ممکن است که آینده قابل پیش بینی (فرض بکنید پنج سال ده سال) را بتوانید طرح ریزی بکنید . و پیشرفت مملکت را با قسمتهای تکنولوژیک و مدیریت و در عین حال رفاه کارگر و در عین حال استفاده عادلانه و معقولانه از سرمایه طرح ریزی بکنید ؛ بشرطی که همه دنبال این فکر باشیم که اولاً ضوابط مقایسه ها و طرز فکر اگر خشک باشد باعث عقب افتادگی و شکست در کار میشود در صورتیکه اگر همیشه بتوانیم خودمان را با آخرین راههای تکنولوژیک و بهترین روشهای اجتماعی و عقلانی تطبیق بدهیم مسلماً همیشه شاهد موفقیت خواهیم بود .

ما گفتیم بعضی امور هست که نمیتواند در دست افراد خصوصی باشد و باید مال جامعه و مال ملت باشد و بوسیله دولت که نماینده ملت است اداره بشود مانند صنایع بزرگ مادر که در قیمتها مؤثر است مثل نفت و مشتقات نفت که يك قدری بالا و پائین رفتن قیمتهای آن در تمام شئون زندگی تاثیر دارد .

و بالا رفتن قیمت فولاد که ماده اولیه آن آهن است در زندگی مؤثر میتواند باشد و شاید هم بهمین ترتیب مواد اصلی صنایع پتروشیمی که مستقیماً از پالایشگاهها و سایر مؤسسات ملی ایران خارج میشود که البته مشتقاتش میتواند حتی در بخش خصوصی هم باشد . اینها صناعی است که با فلسفه ما و پیشرفت اجتماعی در دست ملت ، بوسیله دولت اداره خواهد شد . این تصمیم غیر قابل تغییر هم هست . برای اینکه هیچ استدلالی تا جائی که میشود پیش بینی کرد نمیتواند بیاید عکس این را بگوید که آنچه اختصاص بعموم دارد میتواند در دست یکعده معدودی باشد . همین اصل و همین فلسفه باعث ملی شدن جنگلها بود . همانطور که در مورد نفت زیر زمین ، بشر در ذخیره کردن آن و در ایجاد آن دستی نداشته است همینطور بشر در ایجاد جنگل های طبیعی نیز دخالتی نداشته است و در واقع زحمتی برای ایجاد آن نکشیده است ، پس نمیتواند بفرد تعلق داشته باشد . همینطور آب ، آب را بهمین جهت ملی کردیم . اضافه بر اینکه در این مملکت آب کم است . اما اگر يك کسی بیاید و نیت او قابل قبول باشد و آب را با اجازه وزارت آب و برق تحمیل بکند و برای آبیاری جنگل های مصنوعی استفاده بکند و جنگل مصنوعی را هم مورد بهره برداری قرار بدهد ، آنجا حق تملك نسبت بآن جنگل مصنوعی خواهد داشت . برای آنکه کار خودش است و زحمت خودش است و از طبیعت برفع شخصی استفاده نکرده است .

ولی از این چیزهای اولیه و مهم که بگذریم امروز در مملکت ما برای شرکت دادن عموم افراد مملکت در کارها ، در سایر قسمت های صنایع ، بعکس سرمایه گذار را تا حدودی که میشود تشویق میکنیم و حمایت میکنیم . البته باز هم با يك حدودی که اگر شما سرمایه گذار دوراندیش و عاقل باشید باید بدانید که بهترین ضامن پیشرفت کار شما در اداره کارتان در منافع کارتان اینست که کارگری که در آنجا کار میکند نه فقط از لحاظ دستمزد راضی باشد بلکه يك حس اشتراکی داشته باشد که آنرا ما بوسیله قانون سهام کردن شاید بهترین وجهی عملی کردیم که کارگر دیگر خودش را استثمار شده حس نکند . بدانند که اگر زحمت هم میکشد يك قسمت کار برای خودش است . و بهمین جهت بوزارت کار تأکید میکنم که دائم هر سال به بیند هر جای این قانون سهام شدن اگر احیاناً نقصی داشته باشد آنرا ترمیم بکند و سرمایه دار ما هم باید اذعان بکند که از روییکه این قانون وضع شده است عوض اینکه منافع او با اصطلاح ظاهری ۲۰ درصد کمتر بشود ، کمتر نشده بلکه بیشتر شده است .

چرا؟

برای اینکه کارگر بهتر کار کرده و سهمی هم ضمناً بکارگر رسیده است. و اما از لحاظ بیمه‌های اجتماعی دائم باید بکوشیم از بهترین و آخرین پیشرفتهائی که در این امر حاصل شده بنفع کارگر استفاده کنیم و هر حقوقی که روی این زمین پیدا میشود بنفع این طبقه زحمتکش ما باید انجام بدهیم و این کار را خواهیم کرد. می‌ماند موضوع دستمزدها.

البته این باید برای همه روشن باشد که دستمزد باید مطابق تولید و راندمان کار باشد. دستمزد باید به نسبت تبخیر و تخصص بالا برود. و این باین معنی است که بازده کار یک کارخانه ایرانی، بشرط البته تشابه ماشین و مدرن بودن، مثل یک کارخانه دیگر خارجی چه در اروپا، چه در امریکا، اگر تولیداتش بهمان اندازه نباشد بدو علت است یکی: بد اداره شدن بوسیله کارفرما. دوم کمبود اطلاعات فنی از طریق کارگر.

پس هم کارفرمای ایرانی باید خودش را با آخرین متدها تطبیق بدهد، هر روز یاد بگیرد و کتاب بخواند و در کنفرانسها شرکت بکند، خجالت نکشد؛ اگر بلد نیست متخصصش را بیاورد و از او یاد بگیرد. و کارگر ما نیز هر روز باید سعی بکند در کلاسهای مختلف شرکت بکند و کارگر حرفه‌ای بنام معنی کارگر متخصص و کارگر متبحر بشود.

البته این کار، کار خود کارگر نیست که ایجاد مدارس حرفه‌ای بکند و این کلاسها را تشکیل بدهد. این هم کار دولت است و هم کارفرما. همین است که گفته بودیم کارفرمایان جمع بشوند. یا حتی هر کارگاهی که بیش از سه هزار نفر کارگر دارد باید حتماً یک مدرسه حرفه‌ای پهلوی کارخانه‌اش باشد. برای پیشرفت کار چه از لحاظ صرفه‌جویی وقت چه از لحاظ روحیه افراد. گفتیم باز هم می‌گوئیم و تأکید میکنیم که کارگاه‌های ما باید خانه‌های سازمانی نزدیک کارخانه برای کارگرهایشان بسازند مگر اینکه در یک موقعیت استثنائی باشد؛ وسط شهری باشد که امکان این کار نباشد. ولی صنایع ما که در قطب‌های جدید ایجاد میشود نزدیک هر قطبی هر کارخانه‌ای باید قبلاً پیش‌بینی شود. همان اندازه که پیش‌بینی میکنید که چند متر زیر بنا برود و چند تا ماشین بخرید بهمان اهمیت و در همان زمان باید بفکر ساختن خانه کارگر هم باشید.

خوشبختانه موقعیت ایران از لحاظ داخلی و خارجی طوری است که امروز نه فقط سرمایه‌گذار ایرانی با طیب خاطر، با آسودگی خیال میتواند سرمایه خودش را بکار بیندازد بلکه این سرمایه‌حمایت شده است. این را هم بگویم حمایت از سرمایه داخلی تا حدی است که بضرر مصرف‌کننده ایرانی تمام نشود. فکر نکنید که ما بهر قیمتی که هست صنایع داخلی را حفظ میکنیم و لولاینکه شما به سه برابر قیمت بمصرف‌کننده داخلی اجحاف بکنید. خیر حمایت معقول، حمایت استحقاقی، برای اینکه صنایع جوانی راه بیفتد وقتی راه افتاد دیگر اصلاً احتیاج به حمایت هم نخواهد داشت؛ مگر برای صادرات و مانند همان کاری که ممالک اروپائی میکنند. نه فقط سرمایه‌گذار ایرانی میتواند با طیب خاطر و آسودگی خیال سرمایه خودش را بکار بیندازد بلکه حس میکنیم هر روز این موقعیت استثنائی ایران باعث میشود هر کسی در هر نقطه‌ای از دنیا در صدد اینست که بتواند سرمایه خودش را در ایران بکار بیندازد و از فوائد استقرار و آرامش و نظم و ترتیب و اطمینانی که در این مملکت پیدا شده است استفاده بکند و این کار دو حسن دارد:

یکی اینکه یک سرمایه‌ای می‌آید و نسل فعلی ما از خرج کردن بیشتر و تحمل این مخارج یک قدری آسوده‌تر میشود و در زمان کوتاهی سرمایه‌گذاری بیشتری میشود و دوم اینکه تکنیک جدید و مخصوصاً مدیریت را میتواند با خودش بیاورد و در نتیجه همان دستگاهها بخوبی کار بکنند و ما هم می‌دانیم که مدیریت امروزه تا چه حدی در بهبود و پیشرفت مؤثر است.

البته این کنفرانس اگر نظراتی داشته باشد، پیشنهاداتی داشته باشد مطرح کند. و حتی از اینهم بیشتر، بین کارگر و کارفرما وسیله ارتباط و گفت و شنود ایجاد بشود و آن حس خانوادگی که من میل دارم بین این دو کاملاً برقرار بشود. هر چیزی که بنظر تان میرسد البته خواهید گفت. اگر فکر میکنید که دستگاههای دولتی، وزارت کار، و دستگاههای دیگر وظائفی دارند که برای پیشرفت کار باید انجام بدهند و منظور از این وظائف حتماً این نیست که بگوئیم بنفع مثلاً کارگاه باشد. نخیر حتی رفع اشکالات ممکن است خودش یک کار مهمی باشد. هنوز ممکنست در مملکت ما مقررات بیجا و دست و پاگیری باشد، مشکلات بی‌معنی در کار باشد که با رفع آنها بشود کار را بهتر و سهل‌تر پیش برد. بهر صورت تمام این نظرات را با مطالعه کامل خواهید داد. این قبیل کنفرانسها هر چند وقت بچند وقت باید تکرار بشود. ببینیم این ادغام اطاقهای صنایع و تجارت چه تسهیلاتی در پیشرفت کار ایجاد خواهد کرد و چه مشکلی میتواند سرمایه داخلی ایران را بهتر بسیج بکنید و از آن بهتر و سریعتر نتیجه بگیرید.

بهر صورت در هر قسمتی که فکر و نظر داشتید البته خواهید داد و مسلماً همه در چهارچوب فلسفه انقلاب ۱۳۴۱ مملکت خودمان.

# ● اختلاف‌های بین‌المللی باید از طریق مسالمت آمیز حل و فصل شود

● اظهارنگرانی عمیق نسبت بوضع آسیای جنوب شرقی و لزوم جلوگیری از افزایش وخامت‌وضع این منطقه

● لزوم تخلیه سرزمین‌های اشغالی اعراب از قوای اسرائیل براساس قطعنامه شورای امنیت .

● رئیس‌جمهوری پاکستان بوضع موجود در روابط هند و پاکستان اشاره کردند و اظهار داشتند که هیچ پیشرفتی در زمینه حل اختلافات دوگانه اساسی بین دو کشور حاصل نشده است .

● مخالفت با اعمال زور برای تصرف اراضی و تحصیل مزایای سیاسی

● سران سه کشور اظهار عقیده کردند که توسعه تجارت از ضروریات همکاری منطقه‌ای محسوب می‌شود و متذکر شدند که میزان تجارت بین کشورهای همکاری عمران منطقه‌ای در بدو امر بسیار قلیل بوده و علیرغم مساعی که از جنبه اداری در این زمینه بعمل آمده هنوز هم ناچیز است .

● حفظ صلح و ثبات خلیج فارس و همکاری و تفاهم متقابل بین دول ساحلی بدون هیچگونه دخالت خارجی و با توجه به حقوق حقه ایران ضروری است .

اعلامیه مشترک ایران ، پاکستان و ترکیه

در پایان مذاکرات دو روزه رهبران ایران ، پاکستان و ترکیه روز هیجدهم اردیبهشت اعلامیه‌ای باین شرح انتشار یافت :

اعلیحضرت همایون محمد رضا پهلوی شاهشاه آریامهر .  
حضرت آقا محمد یحیی‌خان رئیس‌جمهوری پاکستان .  
حضرت جودت سونای رئیس‌جمهوری ترکیه . جناب آقای  
امیر عباس هویدا نخست‌وزیر ایران . جناب آقای سلیمان  
دمیرل نخست‌وزیر ترکیه .

در روز های شانزدهم و هفدهم اردیبهشت ۱۳۴۹  
( ۶ و ۷ مه ۱۹۷۰ ) در ازمیر با یکدیگر ملاقات کردند .

در این ملاقات ،

جناب آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه ایران .  
جناب آقای احسان صبری چاگلایانگیل وزیر خارجه ترکیه .  
جناب آقای احسان الحق وزیر بازرگانی پاکستانی . وعده‌ای  
از مامورین عالیرتبه سه کشور حضور داشتند . روسای سه کشور  
و دول ضمن مذاکرات خود اوضاع بین‌المللی و رویدادهای  
ناحیه‌ای و همکاری بین کشورهای خود را مورد بررسی قرار  
دادند .

مذاکرات در محیطی کاملاً صمیمانه و دوستانه انجام  
پذیرفت .

سران سه کشور و دول تصمیم کشورهای خود را بمنظور  
حفظ صلح و اعتقاد راسخ خود را برعایت اصول استقلال و  
تمامیت ارضی و عدم دخالت در امور داخلی سایر کشورها

تایید و ایمان خود را به اصول منشور ملل متحد تأکید کردند. و اظهار امیدواری کردند که این سازمان بیش از پیش وسیله مؤثرتری برای حفظ و امنیت بین‌المللی گردد. همچنین با ابراز اعتماد باینکه اختلاف‌های بین‌المللی باید از طریق مسالمت‌آمیز حل و فصل شود و خلع سلاح عمومی و کامل را که لازمه صلح و امنیت پایدار است تحت نظارت مؤثر بین‌المللی خواستار شدند.

در مورد اوضاع بین‌المللی سران سه کشور و دول مراتب رضامندی و خشنودی خود را از مساعی مبذوله بمنظور تقلیل بحران و ایجاد محیط اعتماد و حسن تفاهم بین شرق و غرب ابراز داشتند و ضمن اظهار نگرانی عمیق خود نسبت بوضع آسیای جنوب شرقی لزوم جلوگیری از افزایش وخامت وضع این منطقه را تأکید و باردیگر امیدواری خود را برای پایان یافتن سریع کشمکش‌های منطقه براساس موافقتنامه ۱۹۵۴ ژنو اظهار داشتند. سران سه کشور و دول نگرانی خود را در مورد اوضاع خاورمیانه که همچنان صلح منطقه را مورد تهدید شدید قرار میدهد و نیز وضع کنونی و غیرقابل قبول شهر بیت‌المقدس را بار دیگر تأکید کردند و مخالفت خود را با اعمال زور برای تصرف اراضی و تحصیل مزایای سیاسی ابراز داشتند و حل فوری مناقشات اعراب و اسرائیل منجمله تخلیه سرزمینهای اشغالی اعراب را از قوای اسرائیل براساس اصول مندرج در قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت خواستار شدند و در این مورد سران کشورها پیام مشترکی بعنوان پرزیدنت نیکسون و کاسیگین نخست‌وزیر شوروی ارسال داشتند.

رؤسای سه کشور دول اظهار داشتند انگیزه جدیدی که طی کنفرانس سران کشورها در رباط و کنفرانس وزیران خارجه در جده برای تقویت روابط کشورهای شرکت کننده ایجاد شده در کنفرانس آینده که قرار است در دسامبر ۱۹۷۰ در پاکستان تشکیل شود افزایش خواهد یافت.

شاهنشاه آریامهر تحولات اخیر در روابط ایران و عراق را باطلاع رهبران دو کشور دیگر رساندند و رؤسای جمهوری پاکستان و ترکیه از اینکه روابط مزبور اخیراً بوخامت گراییده اظهار تأسف کردند و ابراز امیدواری کردند که اختلاف بین دو کشور همسایه بطور دوستانه و مسالمت‌آمیز براساس اصول حقوقی و عرف قانون بین‌المللی حل و فصل شود. رؤسای کشورها و دول اقدام مدبرانه شاهنشاه آریامهر را در مورد بحرین مورد تقدیر فراوان قرار دادند و استنتاج نماینده دبیر کل سازمان ملل در مورد این جزایر را بمنظور تعیین خواسته‌های مردم آن با خشنودی تلقی کردند و در این نکته توافق داشتند که حفظ صلح و ثبات خلیج فارس و همکاری و تفاهم متقابل بین دول ساحلی بدون هیچگونه دخالت خارجی و با توجه بحقوق حقه ایران ضروری است. حضرت رئیس جمهوری پاکستان بوضع موجود در روابط هند و پاکستان اشاره کردند و اظهار داشتند که هیچ پیشرفتی در زمینه حل اختلافات دوگانه اساسی بین دو کشور حاصل نشده است. شاهنشاه آریامهر و حضرت رئیس جمهوری ترکیه توافق داشتند که اختلاف جامو و کشمیر باید طبق قطعنامه‌های سازمان ملل حل و فصل شود و ضمناً موافقت کردند که اختلاف مربوط به تقسیم آبهای رود گنگ باید در آتیه نزدیکی از طریق مذاکره براساس منصفانه متضمن تأمین حقوق پاکستان مرتفع شود.

رؤسای کشورها و دول با توجه به تحولات اخیر قبرس تأیید کردند که رفع اختلاف باید مبتنی بر شناسایی مشارکت هردو جامعه و تضمین حقوق متعادل و حقه آنها در این جمهوری مستقل باشد یعنی حقوقی ناشی از موافقتنامه‌های مربوطه بین‌المللی. رؤسای کشورها و دول اعتماد راسخ خود را مبنی براینکه همکاری عمران منطقه‌ای اساس مفید قدرت عظیمی را برای پیشبرد همکاری اجتماعی و اقتصادی سه کشور فراهم میسازد. مجدداً تأکید کردند و موافقت داشتند که بمنظور تقویت و گسترش هرچه بیشتر و تشریک مساعی آنها در زمینه همکاری عمران منطقه‌ای اقدامات مثبت مداوم باید بعمل آید.

سران سه کشور اظهار عقیده کردند که توسعه تجارت از ضروریات همکاری منطقه‌ای محسوب میشود و متذکر شدند که میزان تجارت بین کشورهای همکاری عمران منطقه‌ای در بدو امر بسیار قلیل بوده و علیرغم مساعی که از جنبه اداری در این زمینه بعمل آمده هنوز هم ناچیز است.

سران سه کشور و دول ابتکار دبیر کل همکاری عمران منطقه‌ای را مورد تقدیر قرار دادند و متذکر شدند که گزارش کنفرانس توسعه و تجارت ملل متحد که هم اکنون تحت مطالعه است توسعه و آزادی تجارت بین کشورهای عضو را مورد توجه قرار داده است. رؤسای سه کشور به وزیران خویش دستور دادند که در جلسه آتی. خود در ماه ژوئن تصمیمات مؤثری نسبت به تقلیل سدهای تعرفه گمرکی و تخفیف محدودیتهای و سایر موانع غیر تعرفه‌ای اتخاذ کنند و ضمناً بوزیران دستور دادند برنامه‌ای برای اجرای سریع این تصمیم تنظیم کنند.

رؤسای سه کشور و دول با توجه به تصمیم متخذ در کنفرانس سران که در کراچی منعقد شده بود راجع به هماهنگی طرحهای عمرانی کشورهای عضو موافقت کردند که دولتهای آنها برای منعکس کردن برنامه‌های همکاری عمران منطقه‌ای در برنامه‌های عمرانی خود پیش‌بینی‌های لازم را بکنند و کمیته مخصوصی برای هماهنگ ساختن برنامه ایجاد شود.

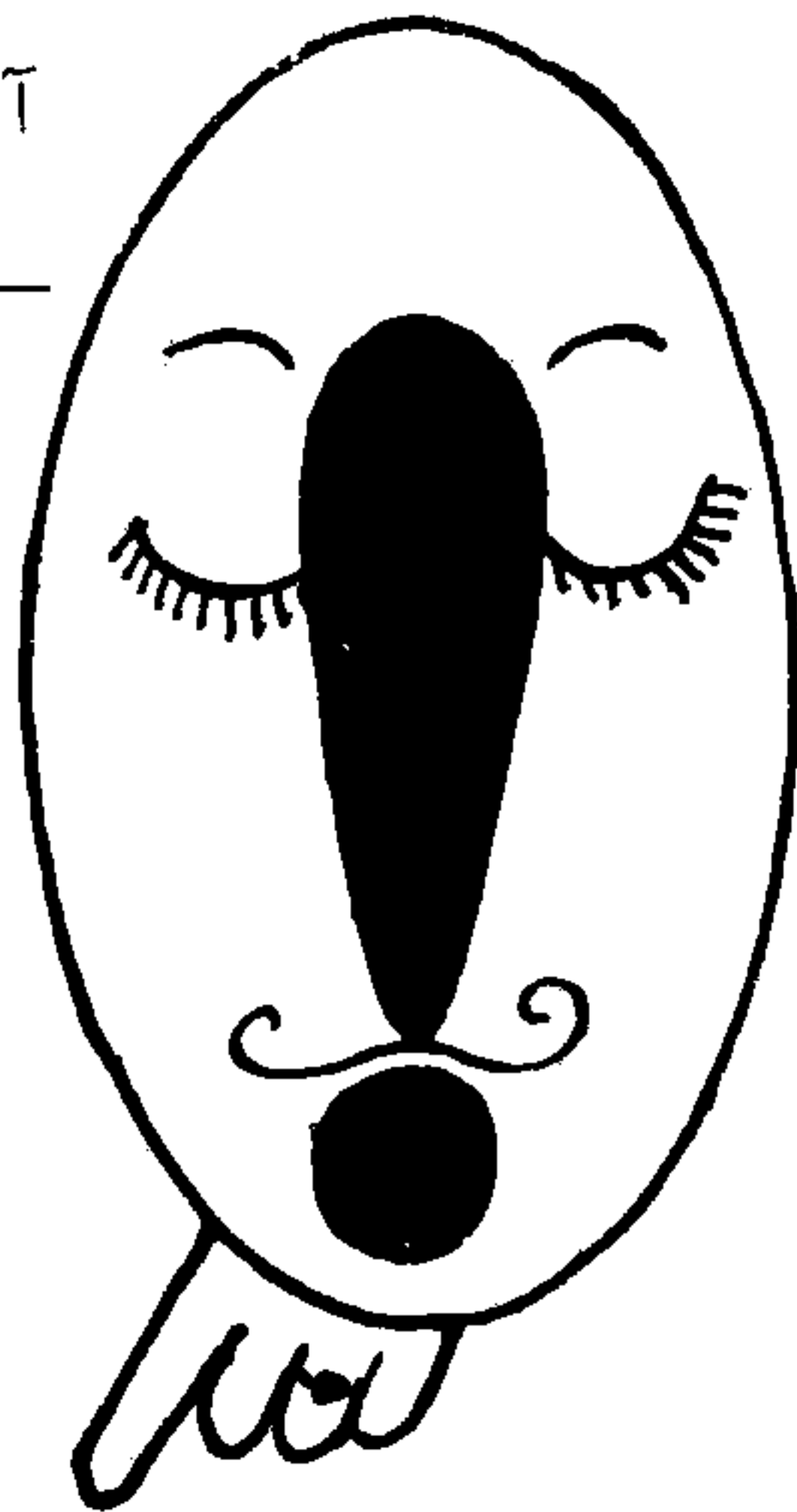
سران سه کشور با اعلان نظر به دستورالعمل صادره در کنفرانس مذکور راجع به ایجاد خطوط هوایی مشترک سازمان همکاری عمران منطقه‌ای تصمیم گرفتند که امکان بکار انداختن هواپیمای مادون و مافوق صوت براساس مشترک فوراً بررسی شود و شرکت‌های هواپیمایی ملی برای توسعه سایر زمینه‌های همکاری بین خود مساعی لازم را بعمل آورند.

رؤسای کشورها و دول مراتب رضایت خود را نسبت بهمکاری روز افزون در زمینه نفت ابراز داشتند و اهمیت اقتصاد منطقه‌ای عملیات مشترک نفتی بین ایران و پاکستان و طرح ایجاد خط لوله بین اهواز و اسکندرون که اجرای آنرا دول ترکیه و ایران تعقیب خواهند کرد اقدامات لازم در آن مورد بعمل خواهند آورد تأکید کرده‌اند.

رؤسای کشورها و دول از اینکه فرصت دیگری یافته‌اند تا به تبادل نظرهای پر ارزشی بپردازند ابراز خرسندی کردند و موافقت کردند که مجدداً در سال ۱۹۷۱ در ایران با یکدیگر ملاقات کنند.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و حضرت آقا محمد یحیی‌خان از میهمان نوازی صمیمانه و برادرانه‌ای که هنگام توقف در ترکیه نسبت به معظم‌لها بعمل آمده است قلباً سپاسگزاری کردند.

## آنچه که باید نگهداشت ،



## از هر خرمن دانه‌ای

\*\*\*

و ناراحتی در افکار و در دل ها.  
در مجله « زندگی فرانسوی » رنه  
سدیو نوشته بود :  
فرانسویها اصولا در حقیقت  
منظم‌تر و مرتب‌تر از آن هستند  
که خود می‌گویند و تظاهر می‌کنند.  
فرانسویها دوست دارند فریاد بکشند  
اما از فریاد دیگران ناراحت می  
شوند. بدون آنکه همیشه به این حقیقت  
اقرار کنند ، علاقه دارند و می -  
خواهند که کاری که در دست دارند  
درست انجام دهند و مخصوصا  
تعطیلات خود را در سلامت و صفا  
و آرامش بسر برند . در يك دنیای  
دیوانه ، کشور فرانسه سال ۱۹۷۰  
مانند يك جزیره « عقل » بنظر می  
رسد .

گو اینکه امروز « همه اظهار  
عقیده‌ها » ابراز سلیقه شده است .  
اما از گونت دوگوبینو نویسنده  
کتاب « سه سال در آسیا » نقل می‌کنند  
که گویا گفته است از لحاظ اخلاق  
و رفتار ، ایرانی‌ها فرانسویهای آسیا  
هستند .  
آیاشما با او هم عقیده هستید ؟

به مطبوعات فرانسه که از  
پاریس رسیده بود نگاه می‌کردم :  
در مورد افکار و اندیشه‌های  
مردم فرانسه ژان مینکله نوشته بود :  
وقتی ترن تاخیر دارد ، وقتی  
مقرراتی تازه برای عبور و مرور  
وضع می‌شود ، وقتی لزوم کنترل  
و نظارت ها در باره تجار مطرح  
می‌گردد : همشهریهای فرانسوی  
آشفته خاطر می‌شوند و آماده  
مقاومت در مقابل تصمیم‌های جامعه.  
و نویسنده « کارفور » گفته بود  
در کشور ما فرانسه کار نابود  
کردن و خراب کردن بطور منظم  
با دقت و مراقبت خاص دنبال می -  
شود . مثل اینکه گاه مفسرین بدون  
اینکه خود بخواهند و بشکل  
ناخواسته و نا آگاه تحت تاثیر  
حرفهائی قرار می‌گیرند و آن سخنان  
را بنحوی بیان می‌کنند که اعتماد  
مردم را متزلزل می‌سازد . اعتماد  
مردم اول نیست بخودشان و بعد  
نسبت بکسانی که آنها را اداره  
می‌کنند ، از راه وارد کردن ،  
شک و نگرانی و آشفتگی و شلوغی

سال پیش آدم ها بوده‌اند و  
اندیشیده‌اند . درباره سیرت ها و  
اخلاق ها و عادات و رفتارهای آنها ،  
زیباترین و بهترین سخنان را  
ربوده‌اند . و بدنبال قدیمی‌ها و آنها  
که در میان جدیدی ها با مزه‌تر  
هستند ، اکنون اشخاص فقط خوشه  
چینی می‌کنند .

در این اثر تازه او کار  
پیش برد يك تمدن با اصطلاح « مصری »  
را گروهی از دانشمندان علم سیرنیتیک  
برعهده دارند و از طرف دیگر يك  
زندانی قدیمی هست که در جستجوی  
معنی واقعی زندگی و مرگ می‌زود  
که میتوان وی را قهرمان این درام  
تلقی کرد .

سه سال پیش در گفتگویی که  
« سول جنی تسین » با يك نویسنده  
اسلوواک بنام پاول لیکو داشت باو  
گفته بود : « می‌خواستم چیزی  
بنویسم که از سیاست بدور باشد  
و نیز از مرزهای کشور و کشورها.  
می‌خواستم مسائل اخلاقی کشور  
های در حال توسعه را چه سوسیالیست  
و چه سرمایه‌داری مطرح کنم ... »

\*\*\*

و آن اندیشه ژرف و احساس  
عمیق و نیروی تصور بسیار دور بین  
استانی کوبریک امریکائی و این  
حسن خطر انسانی « سول جنی تسین »  
روس مرا بیاد حرف لایبر ویر  
فرانسوی انداخت که در مقدمه  
کتاب معروف خودش بنام « سیرت‌ها »  
les caracteres در سیصدسال  
پیش نوشت :  
« همه چیز را گفته‌اند : و ما  
خیلی دیر رسیده‌ایم . از هفت هزار

های حسابگر را از کار بیاندازد.  
یکی از کومپیوترها باو می‌گوید  
« نه این کار را نکن . این کاری  
که درباره آن فکر می‌کنی بضرر  
هدفی است که در پیش داری و  
بضرر خودت ... »

اما این انسان که خود را  
خالق آن ماشین حسابگر می -  
پنداشت می‌بیند که ماشین هم  
مانند يك برده مامور با او رفتار  
می‌کند و ماشین را از کار می‌اندازد و  
البته خودش را هم نابود می‌سازد و  
سفینه را و آنچه که در آن هست ...

\*\*\*

در خبر بود که از « سول  
جنی تسین Soljenitsyne » نویسنده  
شوروی اخیرا کار تازه‌ای در مجله  
« ایل دراما » که در ایتالیا چاپ  
می‌شود انتشار یافته است .

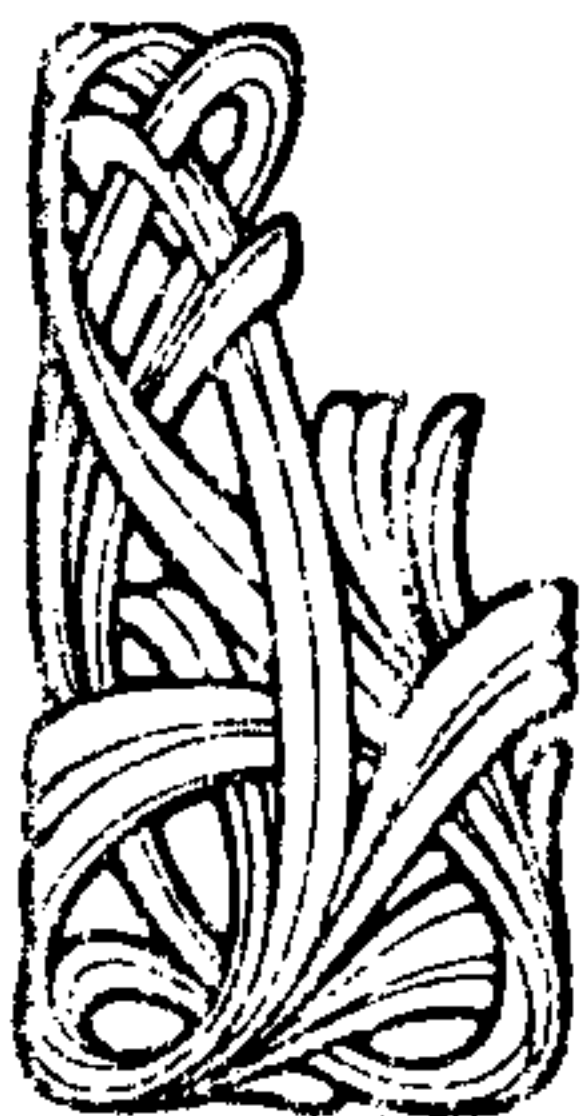
اولین کار تئاتری این نویسنده  
« شمعی در زیر باد » نام داشت که  
در سال ۱۹۶۰ تدوین شد .  
این اثر گویا « ترقی » نام  
دارد و درامی است که در ۶ تابلو  
تهیه شده ولی بخلاف همه کار  
های تئاتری ، خارج از زمان و  
مکان است . در این درام « سول  
جنی تسین » مسئله ارتباط میان  
وجدان و علم را مطرح می‌کند .

## خارج از زمان و مکان

استانی کوبریک در « حماسه  
دو هزار و يك » فکر ، قیام انسان را  
علیه ماشین مطرح ساخت .

در این اثر هنری بزرگ که  
گویا موفق‌ترین فیلم در تاریخ سینما  
بشمار می‌رفت وی انسانی رام‌چشم  
می‌سازد که با انسان‌های دیگر در  
يك سفینه بسوی یکی از ستاره‌ها در  
پرواز است . این پرواز را ماشین  
های حسابگر با نهایت دقت و با تمام  
ریزه کاری های لازم تنظیم کرده‌اند  
و نه فقط مسیر حرکت و ارتباط با

زمین و سایر سفینه‌ها را زیر مراقبت  
خویش دارند بلکه اندیشه ها و  
احساسات سرنشینان و رسول‌های این  
سفینه را نیز کنترل می‌کنند. بطوریکه  
یکی از سرنشینان ناگهان خود را  
غلامی احساس می‌کند در کف  
نیرومند این کومپیوترها و از غلام  
هم اسیرتر زیرا که غلام می‌تواند  
اندیشه و احساس خود را از ارباب  
خویش مخفی دارد و این غلام عصر  
سیرنیتیک که هنوز اسم انسان آزاد را  
بر خود می‌گذارد ناگهان احساس  
می‌کند که این آزادی غلامان قدیم  
هم از او سلب شده است .  
و آنگاه فکر می‌کند که ماشین



## هنر حکومت کردن

در فیگارو ادبی ژان مارتین شوفیه مطلبی داشت بدین مضمون: «حکومت کردن هنری است که باید در پرورش آن کوشید حکومت کردن وظیفه نیست که بشود آن را مانند امور جاری تحویل دیگری داد.

از طرفی هم اقبال و شانس یک ملت را در تلفیق و هم آهنگی حقوق و وظایف کسانی باید جستجو کرد که آن ملت را تشکیل می دهند نه در مجموع خودخواهی های افراد آنها.

وقتی این اصول مقدماتی از نظر ها دور می شود بیم وقایعی نا بهنگام می رود. و آنوقت نه فقط هیچکس نخواهد توانست از فرانسه کشوری بزرگ و نو بسازد، بلکه بیم می رود که بزودی وضعی اجباری پیش آید...

\*\*\*

اینها که می خواندم فکر کردم وقتی دوگل رفت فرانسویها گفتند دوگل رفت اما گولیسیم و شیوه حکومت و بقول مارتین شوفیه نحوه «هنر حکومت کردن» وی باقی ماند و باقی خواهد ماند.

\*\*\*

اینرا نزدیک به یک سال پیش گفتند اما امروز؟

دوگل کجانی؟ هستی و نگاه می کنی که در کشورت سخن از افرادی می رود که در میان آنها خودخواهی حکومت می کند؟ خودخواهی بجای هنر حکومت کردن؟

## سرب و گوگرد

در مطبوعات و کنگره مشترک های بزرگ ممالک متحده امریکا موضوع روز اکنون سرب و گوگرد.

مشاور علمی نیکسون رئیس جمهوری امریکا باو گزارش داده که باید فکری برای سرب موجود در هوای شهرهای امریکا کرد. چندی قبل هم مسئله بالارفتن مقدار گوگرد در هوای شهرها و نقاط مسکونی امریکا مطرح شده اسمش را گذاشته بودند خطر آلودگی هوا و مشکلات آن.

مسئولیت زیادی سرب و گوگرد در هوای کشور امریکا به دوش سوخت های مایع هیدرو کاربور است. مطلب بقدری حاد شد که کنگره امریکا سخن از حذف مطلق سرب در بنزین اتومبیل ها و کاهش گوگرد در هیدرو کاربور های موند انرژی شدو در بازار دنیا فروش مواد نفتی که گوگرد کمتر داشت بالا رفت.

بلافاصله بعد کمپانی معروف شل و پس از آن بی بی اعلام کرد که بزودی بنزین معمولی بدون سرب به بازار عرضه خواهد کرد. حتی کمپانی شل اطلاع داد که در پائیز امسال این نوع بنزین را در بازار امریکا خواهد فروخت. خبر دیگری هم رسید مبنی بر اینکه کمپانی اتومبیل سازی فورد دارد موتور بنزین سوز تهیه می کند که در آن فقط بنزین بدون سرب مصرف خواهد شد.

آنها که با مطبوعات امریکا آشنائی دارند این احساس را می کنند که ناگهان ترس و وحشت عظیمی سراسر امریکا را فرا گرفته از سرب و گوگرد در هوای آن کشور.

این ترس و وحشت بجا است یا بیجا؟ نمی دانم.

اما وقتی کار باینجا ها می کشد باید یک مسئله اقتصادی و اجتماعی با مشکلات و حتی معضلاتی روبرو شده باشد که اینطور راه حل ها برایش پیشنهاد می کنند.

\*\*\*

بد نبود اگر دکتر نیک پی شهردار جوان و تحصیل کرده پایتخت ما و شهرداران بیدار شهر های دیگر کشور ما، نظر خود را در مورد تهران و شهرهای ایران در این موضوع بمردم اطلاع می دادند.



## این معادله را چگونه باید حل کرد؟

می گیرد:

«آیا آنچه که در آنجا روی داده حالت یک نوع مجازات را دارد؟»

ما ایرانیان خود را در این فاجعه و مصیبت با برادران ترک شریک می دانیم و ایران هر کمکی را که توانسته به برادران ترک خود کرده و بازهم خواهد کرد.

اما سؤال اینست که:

این بشر که بدنبال مداوای سرطان و دسترسی بر صفر مطلق و یافتن میدانی و فضائی دیگر برای پرورش سلول ها و «ژن های» تازه با بهر علت دیگر خود را بر فضا و ستاره ها پیروز می داند آیا کی بر آنچه که زیر پای خود می گذرد و یکی از آن آفات زلزله نام دارد پیروز خواهد شد؟

یا حداقل کی قادر خواهد بود که بفاصله چند لحظه و دقیقه دریابد و بفهمد و آگاه گردد که زمین زیرپایش کی و چه وقت خواهد لرزید تا لااقل آدم ها را از خطرات آن بموقع آگاه کند؟

همین انسانی را می گویم که امروز بوسیله اقمار مصنوعی خود و وسائل دیگر در میلیونها متر فاصله زمین می تواند از طریق سنجش حرارت اقیانوس ها بفهمد که فلان زیردریائی در کدام نقطه در زیر آبهای فلان اقیانوس و دریا قرار دارد و در کدام عمق است؟ آنجا این همه عجز و اینجا اینهمه توانائی؟

این معادله را چگونه باید

حل کرد؟

خبر هائی که از زلزله ترکیه رسید بار دیگر ثابت کرد که آدمی در مقابل طبیعت تاجه پایه ضعیف و بی چاره است.

از دوهزار ساکنان ده آچالان فقط یک هزار نفر هنوز باقی هستند. و از آن یک هزار باقی مانده پانصد نفر در بیمارستان بسر می برند و سیصد نفر دیگر در میان دیوارهایی که هنوز نیمه خراب بر جا مانده اند زندگی می کنند.

مسجد اودوکه پنج قرن پیش در شهر گدیز بنا شده مثل آدمی که شکمش را باز کرده باشد از درون شکافته شده است. و در گوشه ای زنی با دو قطعه سفال در دست، خانه اش را که مانند خمیری درهم فرو رفته نشان می دهد.

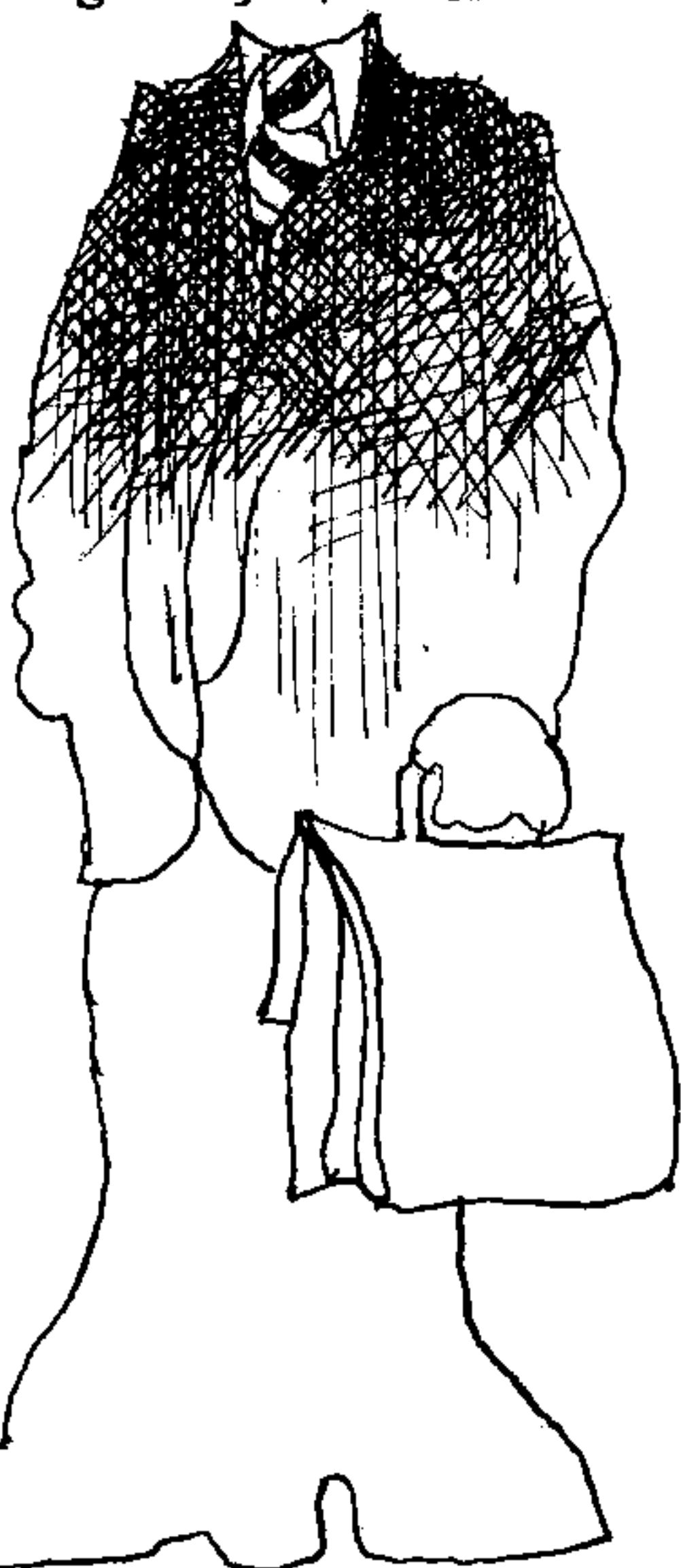
ژان لاکتور نماینده لوموند می گوید کسانی که کشور مغلوب آلمان را در هفته های آخر جنگ بین المللی دوم دیده اند تصور می کنند خرابی بیش از آنچه که در یاد دارند ممکن نیست اما اینجا در آچالان خرابی و شکستگی نیست آنچه که هست ته شده و ذوب شده و تبدیل به یک خمیر سیاهی شده است که هنوز هم دود از این خمیر تاریک بر می خیزد و آنچه که پا برجاست گوئی حالت اعتراض را دارد و آنچه که دیده می شود گوئی برگردانده شده و حتی آنچه که مدفون شده گوئی آماده است که مانند مواد مذاب تحریک شده دوباره بیرون بیرد.

ژان لاکتور چنین نتیجه

مردی که مرده بود و خود  
نمی دانست

تالار بیست و پنج شهریور  
در جنوب و در کنار اولین باغ  
ملی که شهر تهران بخود دید قرار  
دارد. در محل کنونی این تئاتر  
سابقا عودلاجان و سنگلج بهترین  
محله سکونت نیم قرن پیش شهر  
تهران واقع بود. تالار ۴۵ شهریور  
بسیار ارزان و ساده ساخته شد  
برای آنکه همه طبقات مردم بتوانند  
از آن دیدن کنند و به تئاتر رفتن  
خوبگیرند. (گران ترین بلیت  
ورودی آن فعلا شش تومان است)  
به سفارش یکی از دوستان  
در یکی از آخرین شبهای فروردین  
ماه برای دیدن پسر «مردی که مرده  
بود و خود نمی دانست» به تالار ۴۵  
شهریور رفتم. نویسنده آن پرویز  
صیاد است و انتظامی، علی نصیریان  
و گروهی دیگر از هنرمندان خوب  
کشور ما مانند محمدعلی کشاورز،  
مهرین شهابی، ناصر نجفی، لاله  
تقیان، اسمعیل محرابی، ایرج  
راد و اسمعیل دارو فرو سایرین نقش  
های خود را بخوبی در آن بازی  
کردند.

وقتی پرده بکنار می رود  
تماشاگر تاریخ ۱۳۳۹ را برتقویمی  
که به دیوار نصب کرده اند می



## سرزمین قبل از میلاد مسیح و صنعت نو



را از لبنان و عاج و آبنوس را  
از هندوستان آوردم». و  
بعد سرستون ها و نقاشی  
های تمام رنگی عظیم دیواری را  
می بینید که اصل آن در موزه های  
فرنگ است و نسخه ای از آن در  
این موزه.

و بعد هفت تپه و مزارع  
نیشکر و کارخانه شکر اهواز، و  
تصفیه شکر اهواز و کارخانه کاغذ  
سازی و فوله سازی و نورد سازی  
منطقه صنعتی اهواز و مزارع عظیم  
این منطقه قرار دارد.

کسی چه می داند شاید این صنایع  
نو که در اینجا پا گرفته و پیش  
می رود روزی در آمدش مساوی نفت  
و گاز زیر زمین منطقه خوزستان  
بشود که سال گذشته از یک میلیارد  
دلار هم تجاوز کرد.

بهر حال دنیای قبل از میلاد  
مسیح پایبای صنایع تازه در این  
منطقه هست و بنظر من خوبست که  
هر ایرانی برای دیدن آنچه که  
داشتیم و آنچه که داریم و آنچه  
که بزودی خواهیم داشت سری به  
سرزمین خوزستان که آثاری از  
یکهزار و دوپست و پنجاه سال قبل  
از میلاد مسیح تا نوترین صنایع  
را در خود جای داده بزنند.

درخت، ارغوان پوشیده از گل  
قرار دارد که افق را از قله های  
پر درخت و گل ارغوان را از آسمان  
آبی مجزا می سازد.  
راه میان تهران و اهواز را  
می توان با اتومبیل در ده ساعت به  
راحتی پیمود.

قبل از رسیدن به اهواز باز  
همه جا سبز و خرم و کشت و چمن  
و مزرعه است.

و آنگاه دنیای کهن و دنیای  
نودست در دست هم دیده می شود.  
بعد از اندیشک در طرف  
راست، شوش همان پایتخت قدیم  
هخامنشی ها را که داریوش آنرا  
از نو ساخت می بینید.

در محل یکی از قصر های  
داریوش موزه ایران باستان شوش،  
را بنا کرده اند و قسمتی از آثار  
یافت شده در شوش را در آنجا  
جای داده اند که راستی دیدنی و  
قابل تحسین است.

در این موزه می بینید که  
چگونه داریوش اسامی همه کسانی  
را که در ساختمان مجلد شوش  
و قصرهای آن بوی یاری کرده اند  
ذکر کرده و حتی گفته است موادی  
که در این قصر ها بکار رفته از  
کجای ایران آن زمان آمده است.  
مثلا می گوید: «چوب سدر

خوزستان سرزمین آثار قرن  
ها قبل از میلاد مسیح و صنعت نو  
راه تهران به اهواز در نوروز  
امسال دیدنی بود. آن خشکی و سنک  
ها که معمولا در دو طرف جاده  
هادیده می شود جای خودش را  
به سبزه های رنگ برنگ و گل  
های وحشی و چمن ها و مرتع ها  
داده بود که گاه از دور گل ها  
یکپارچه زرد می شد و گاه قرمز.

نرسیده به شهر اراك کوههای  
پوشیده از برف که ما بدان  
کوه بختیاری می گوئیم و فرنگی  
ها اسم آنرا رشته جبال زاگروس  
گذاشته اند با طراوت تمام بنظر  
می رسید.

بروجرد شهر بسیار زیبایی  
است که در شمال کوهستان بسیار  
بلند و در دامنه ای بسیار قشنگ قرار  
گرفته و بعد از آن گل های قشنگ  
و پر عطر کوهستانی و سپس خرم  
آباد است.

مناظر این قسمت در این فصل  
سال دیدنی است. کوهها را درختان  
زیبای بلوط پوشانده و در زیر هر  
درخت بتهای گل دیده میشود. اینها  
در یک طرف و در یکطرف دیگر جاده  
رودخانه های خروشان راه خود را  
بسوی دریا می پیمايند. در میان  
جنگل سبز پر رنگ بلوط صد ها

## شکست آپولو ۱۳؟

روز پنجشنبه ۲۷ فروردین وقتی خبر دادند که کشتی‌های شوروی، آلمان، انگلیس و فرانسه بسوی محل فرود آمدن سه قهرمان آپولو ۱۳ حرکت کردند و شوروی‌ها هم کلیه مأمورین نظامی و غیر نظامی خود را برای نجات فضا نوردان بسیج کرده‌اند، فکر کردم که افراد بشری صرفنظر از رژیم‌های حکومتی خود، قلب دارند و قلب‌ها ی آنها در مقابل بعضی وقایع به يك آهنگ می‌تپد و این تپش چه دوست داشتنی و چه قابل احترام است.

این هم‌آهنگی در مقابل يك پيش‌آمد ناگهانی نشان می‌دهد که انسان‌ها می‌توانند برای هدف‌های بزرگتر و عالی‌تر مانند تسخیر فضاها یا پیروزی بر طبیعت هم دل و هم فکر شوند و اختلاف‌های زودگذر را فراموش کنند.

وقتی سه فضانورد قهرمان ساعت نه و نیم جمعه شب تهران به جو زمین رسیدند و لحظاتی تماس آنها با زمین قطع شد همه آنها که از طریق تلویزیون در ایران و سایر کشورهای جهان بی‌تابانه شاهد و ناظر ورود آنها بسوی زمین بودند نفس‌ها را در سینه‌ها حبس کرده بودند و وقتی سفینه از جو زمین رد شد قیافه‌ها بی‌اختیار از شادی روشن شد. گوئی سونیکرت، فرد هیز و لاول برادران واقعی همه مردم روی زمین بودند و فقط از جانب امریکا نرفته بودند بلکه از طرف همه مردم روی زمین در فضاها مأموریت داشتند.

(تلویزیون ملی ایران دینامیسم و تحرکی در کار خود نشان می‌دهد که باید نمونه‌ای بشود برای بسیاری از دستگاه‌های دیگر بخش دولتی و غیردولتی.

آسان می‌توان دکمه تلویزیون را چرخاند و با کشتی ایوجیما و آپولو ۱۳ تماس گرفت و لحظه به لحظه در روی صفحه تلویزیون در کناری، در کشور ما ایران کار آنها را دنبال کرد.

اما آیا همه می‌دانند که برای همین کار بظاهر راحت تلویزیون ملی و رضا قطبی چه زحماتی را تحمل کرده‌اند تا با تصاویری به این روشنی و با صدائی بدین وضوح مردم ایران بتوانند این بزرگ‌ترین واقعه سال را مشاهده و دنبال

انتخاب شغل نامناسب سالی چند میلیون بمرم کشور ضرر وارد می‌شود؟

و باز آیا آماری هست که نشان دهد افرادی که باصلاح قانون و مقررات بازنشسته شده‌اند هنوز می‌توانند در بخش‌های مورد نیاز مملکت خدمت کنند؟ و اگر آری آیا از نیروی آنها، نیروی دانش و تجربه آنها با پرداخت مزد و پاداش یا بدون آن استفاده می‌شود؟

حقیقتی دیگر هست و آن این که اگر کسی کار خود را دوست نداشته باشد یا استعداد انجام آنرا نداشته باشد ضایعات کارش به سی تا ۷۵ درصد و گاه تا ۹۰ درصد هم می‌رسد.

در کشور های نسبتا پیشرفته طبق برآوردی که شده در مقابل هر چهار متخصص دارای تعلیم و تربیت دبیرستانی يك متخصص عالی دارای تعلیم و تربیت دانشگاهی مورد نیاز است.

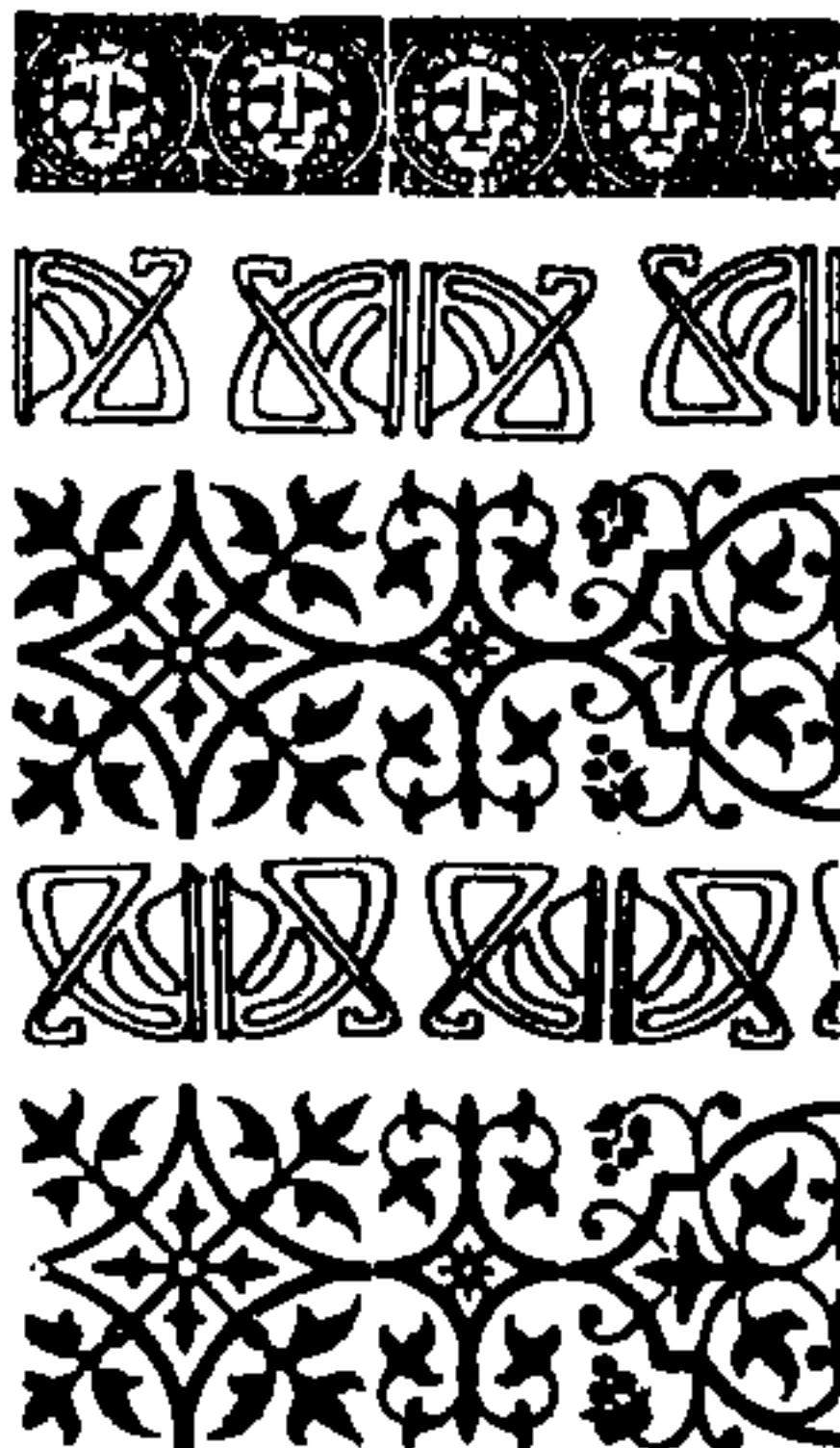
و نه فقط دانشگاهها بلکه بخصوص دبیرستانها و گاه دبستانها هم باید در تهیه و آماده کردن متخصص بکوشند.

چرا در کشور ما از همان سال اول دبیرستان گام‌های نخست برای تربیت متخصص برداشته نشود؟ و چرا از همان سال‌های اول سعی نشود در کشف استعداد و انتخاب شغل‌ها کوشش شود؟

شاید بتوان با تهیه و آماده کردن و در دسترس گذاشتن اطلاعات دقیق و کافی در مورد هر کار و شغل و پیشه در هر دبیرستان و دانشگاه و حتی دبستان و با آزمایش هوش و استعداد افراد از سال اول دبیرستان و دانشگاه این مشکل بزرگ را که مبتلا به همه کشور های جهان از جمله ایران خودمان است، حل کرد.

وقت آنست که دانشمندان و متخصصین ایران که در حل این مسئله برای کشور ما راه حل‌هایی بنظرشان می‌رسد در ارائه آن دریغ نورزند.

صفحات تلاش برای ارائه نظر های مثبت و عملی در این زمینه برای همه صاحبان اندیشه و مخصوصا آنها که خود را صاحب نظر می‌دانند باز است.



## انتخاب شغل

در دنیای ما یکی از مسائلی که در حل آن بیشتر کشور ها کوشش‌های فراوان آغاز کرده‌اند انتخاب شغل است. پول رامی‌شود قرض کرد، کمبود غذا رامی‌توان از طریق انتخاب بدر صحیح و کود کافی و مبارزه با آفات حتی در هندوستان تامین کرد و آن کشور را بی‌نیاز ساخت. اما پرورش يك انسان و آماده کردن وی برای يك کار سالها وقت و زمان می‌خواهد و از اینرو امروز در هر کشور مطالعات فراوان در باره شغل‌های مورد نیاز انجام می‌شود.

در برنامه چهارم کشور ما به تعداد ۴۳۶ هزار مشاغل تازه اشاره‌ای شده بود.

اما چگونه می‌توان افراد را بسوی این مشاغل سوق داد؟ این سؤال اصلی است.

تعداد دانش آموزان ایران از چهار میلیون نفر متجاوز است و تعداد دانشجویان ایرانی دانشگاه ها را در ایران و خارج از ایران به بیش از ۸۵ هزار نفر تخمین می‌زنند.

آیا همه این دانشجویان و همه آنها که از دانشگاهها خارج خواهند شد در همان رشته هائی کار می‌کنند که باید کار کنند؟

آیا در هر سال در کشور ما چند نفر کار خود را عوض می‌کنند؟ آیا چند نفر هم‌اکنون واقعا در همان رشته‌ای که دوست دارند یا در همان شغلی که استعداد واقعی آنها دارند هستند؟

آیا ما می‌دانیم که برائسر

ببند. و پيس انتقاد بسيار جالبی است از برخورد بعضی از پشت میز نشین‌ها با حقایق واقعی زندگی: بعضی از پشت میز نشین‌ها که شرم ندارند از اینکه مرد زنده‌ای را مرده قلمداد کنند و بخاطر اشتباهی که کرده‌اند سخت ایستادگی می‌کنند.

بر اثر يك اشتباه یا يك بدجنسی اعلان مجلس ترحیم در باره فوت عبدالعبدلی در روزنامه‌ای انتشار می‌یابد. این اعلان ونیز عدم حضور این شخص در اداره‌اش موجب می‌شود که کار گزینی هم او را مرده پندارد و حقوق او را پردازد و روی پرونده وی یادداشتی گذاشته شود که «مرده است».

عبدالعبدلی می‌کوشد ثابت کند که زنده است. اما نمی‌تواند. تمام دستگاه اداری برای آنکه نگوید خودکار خلاف کرده علیه او بکار می‌افتد. تنها يك طبیب با وجدان از ذکر واقعیت که این شخص همان عبدالعبدلی است بیم نمی‌کند و به حمایت اووزنده‌ای که از لحاظ پرونده اداری مرده است بر می‌خیزد.

همه دستگاه اداری و رئیس اداره عبدالی و حتی رفقای وی که یکی از آنها روزنامه نویس است خواسته یا ناخواسته علیه وی کار می‌کنند. هر جا می‌رود جواب یاس می‌شود. حرفهایش را همه قبول دارند اما عملا نمی‌توانند کاری برایش انجام دهند.

زنده بودن این مرد که از لحاظ اداری مرده حتی رئیس اداره را وامیدارد که به طبیب توصیه کند وضع روحی او را مختل اعلام دارد و وی را دیوانه گواهی کند. طبیب باز مقاومت می‌کند.

باقی داستان را نمی‌گویم بخاطر آنها که شاید بخواهند این پيس را ببینند.

\*\*\*

کار بازی‌کنان در این قطعه تناثری در سطح بالابود. و استقبال مردم تهران از آن بسیار و بیش از انتظار.

امید است که نویسند و کارگردان و بازی‌کنان همین راهی را که می‌روند همچنان ادامه دهند و نیز بتوانند در آتیه کار هائی در سطح بین‌المللی انجام دهند.

در دنیای ما امروز هنرمند نه زمان می‌شناسد و نه مکان.

کنند ؟)

شاید این واقعه‌ای که بعضی آنرا يك «شكست» برای آپولو ۱۳ فرض کردند و اگر شکست نبود بهر حال سانحه ناراحت‌کننده‌ای برای همه مردم روی زمین بود ، موجب گردد که با تپش قلب همه مردم روی

زمین با يك آهنگ و با يك علاقه مشترك ، دولت‌ها هم از قلب ملتها پیروی کنند .

اگر آپولو ۱۳ بایجاد این «آهنگ مشترك» و پیدایش هم‌دلی و هم‌فکری میان ملل كمك کرده باشد سفرش را باید توام با

## نان و نمك

یکی از رشته‌های الفت میان انسان‌ها را تا چندی پیش در ایران نان و نمك می‌دانستند :

ناصر خسرو می‌گوید :

نان بشکنند همی و نمكدان را صدق‌اش نبین و مهر نپندارش  
این روزها در سر بعضی میزها و بعضی سفره‌ها نان و نمك رفته رفته يك حالت تشریفاتی پیدا می‌کند و نه نان را غذای اصلی بشمار می‌آورند و نه نمك را قاتق آن .

اما نان و نمك در زمان قدیم هم‌اشاره‌ای بود بر رمزی و نشانه‌ای که مراد از آن پیوند و بستگی میان انسان‌ها بود و باید که چنین باشد.

اگر آنها که نان و نمك خوردن ( با بزرگتر یا با هم‌ردیف ، یا با کوچکتر از خود) را قدر بدانند و احترام آنرا نگاهدارند بدون شك بسیاری از مشکلات عصر و زمان ما ، زودتر و راحت‌تر قابل حل خواهد بود .

اگرچه هر شکل درسی امروز برای همه کس خسته‌کننده بنظر می‌رسد بخصوص آنچه که مربوط به اخلاق کهن باشد ، امانی‌توان منکر این واقعیت شد که در همان خوراکی که افراد باهم می‌خورند يك حالت ارتباط و يك رشته‌پیوندی بوجود می‌آید مخصوص بخود و بسیار مهم .

راستی چه خوب بود اگر مردم امروز کشور ما همانند آنها که در زمان کوروش بودند فکر و نیز عمل می‌کردند . در آن زمان بزرگترین گناهان در میان ایرانیان حق ناسپاسی بود .

ویارسیان حق ناسپاسی را «مادر دروغ» و «سایر گناهان و پلییدی‌ها» می‌دانستند و این را گرتفون یونانی در کتاب تربیت کوروش می‌گوید نه مورخین ایرانی .

آری پارسیان در بیش از ۲۵۰۰ سال پیش اینگونه فکر می‌کردند و تا این حد برای پیوند میان انسان‌ها احترام قائل بودند. امروز که حرکت و جنبش کشور ما زمان کوروش را بیاد می‌آورد خوبست به راز قدرت پیشینیان خودمان هم لحظه‌ای بیاندیشیم .

ولت) کار می کند. در صورتیکه لامپ های تقویت کننده با اختلاف سطح های ۲۰۰ ولت و بالاتر کار می کنند.

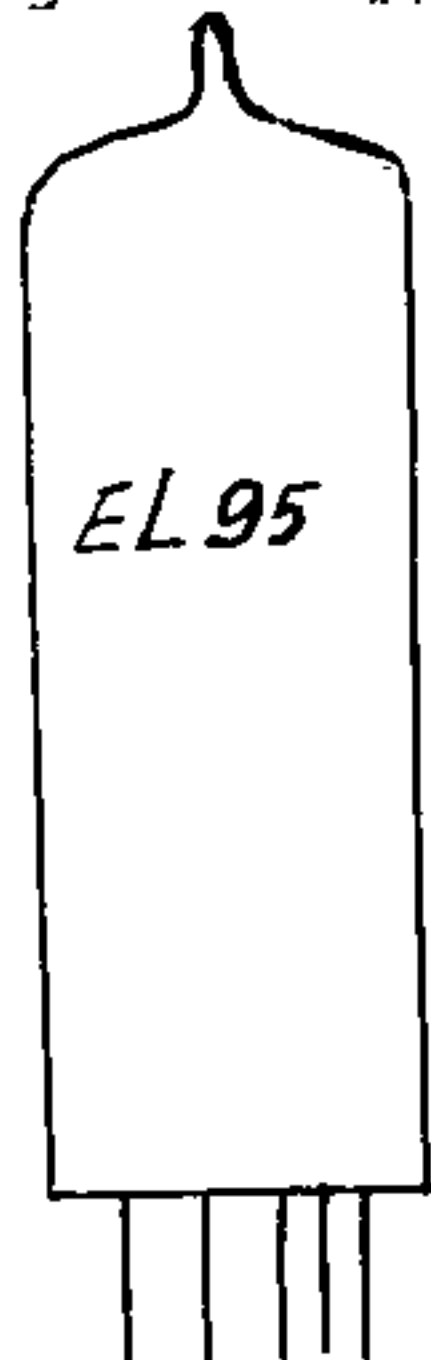
اما مهم ترین حسن يك ترانزیستور آنست که احتیاج به گرم شدن ندارد.

همان طوریکه می دانیم در يك لامپ الکترونیکی عبور جریان تابعی از تغییرات حرکت الکترون در گاز و یا خلأ است و حرکت الکترون ها در خلأ (از کاتد به آنند) وقتی موجود است که کاتد لامپ مزبور گرم شود. بهمین علت موزیک يك رادیو با لامپ الکترونیکی چند دقیقه پس از روشن کردن رادیو شنیده می شود چون ابتدا باید لامپ مزبور گرم شود تا الکترون ها بتوانند از کاتد به آنند پرتاب شوند.

برخلاف این موضوع چون در ترانزیستور حرکت الکترون ها در گاز و یا خلأ نبوده بلکه این موضوع در يك جسم جامد نیم رسانا صورت می گیرد، لذا حرکت الکترون ها بلافاصله بعد از وصل کردن مدار موجود است و گرم کردن جسم لازم نیست.

خوب یاد می آید که وقتی در سال پنجم دبیرستان تحصیل می کردم پدرم برایم يك رادیوی ترانزیستوری كوچك بعنوان هدیه عيد نوروز خریده بود و خیلی تعجب کردم که می توانستم بلافاصله بعد از روشن کردن رادیو صدا را بشنوم ولی متأسفانه فهمیدن علت این موضوع در آن موقع برایم کمی دشوار بود.

قبل از پیدایش ترانزیستور همیشه در تقویت کننده های مخابرات بی سیم و با سیم از لامپ های الکترونیکی (لامپ های تقویت کننده) استفاده می شد. ولی پس از ساختن ترانزیستور و پی بردن به خواص مهم آن کم کم موارد استعمال لامپ ها کمتر و موارد استعمال ترانزیستور روز به روز بیشتر شد. موارد استعمال ترانزیستور بقدری زیاد است که در باره آن می توان چندین کتاب نوشت. در این مورد باید گفته شود که در



صورت نبودن ترانزیستور شاید بشر قادر نبود که در این قرن به ماه دست یابد و پیشرفت در خیلی از قسمت های مهم تکنیک صفحه باروم

می تواند بعنوان قطع و وصل کردن يك مدار الکترونیکی و یا بعنوان ژنراتور فرکانس (Oscillator) بکار برده شود.

در رادیو تلویزیون و غیره از ترانزیستور بعلت خاصیت تقویت کنندگی و در ماشین های حساب الکترونیکی از ترانزیستور بعلت خاصیت قطع و وصل کردن جریان معمولاً استفاده می شود.

یکی از خواص ترانزیستور كوچك بودن آن نسبت به يك لامپ الکترونیکی است (شکل شماره ۱)

OC 139



شکل ۱: نمایه یک لامپ الکترونیکی با یک ترانزیستور

یکی دیگر از خواص و برتری ترانزیستور نسبت به لامپ الکترونیکی آنست که ترانزیستور با اختلاف سطح های كوچك (حدود ۱۲

## يك عنصر الکترونیکی بنام ترانزیستور

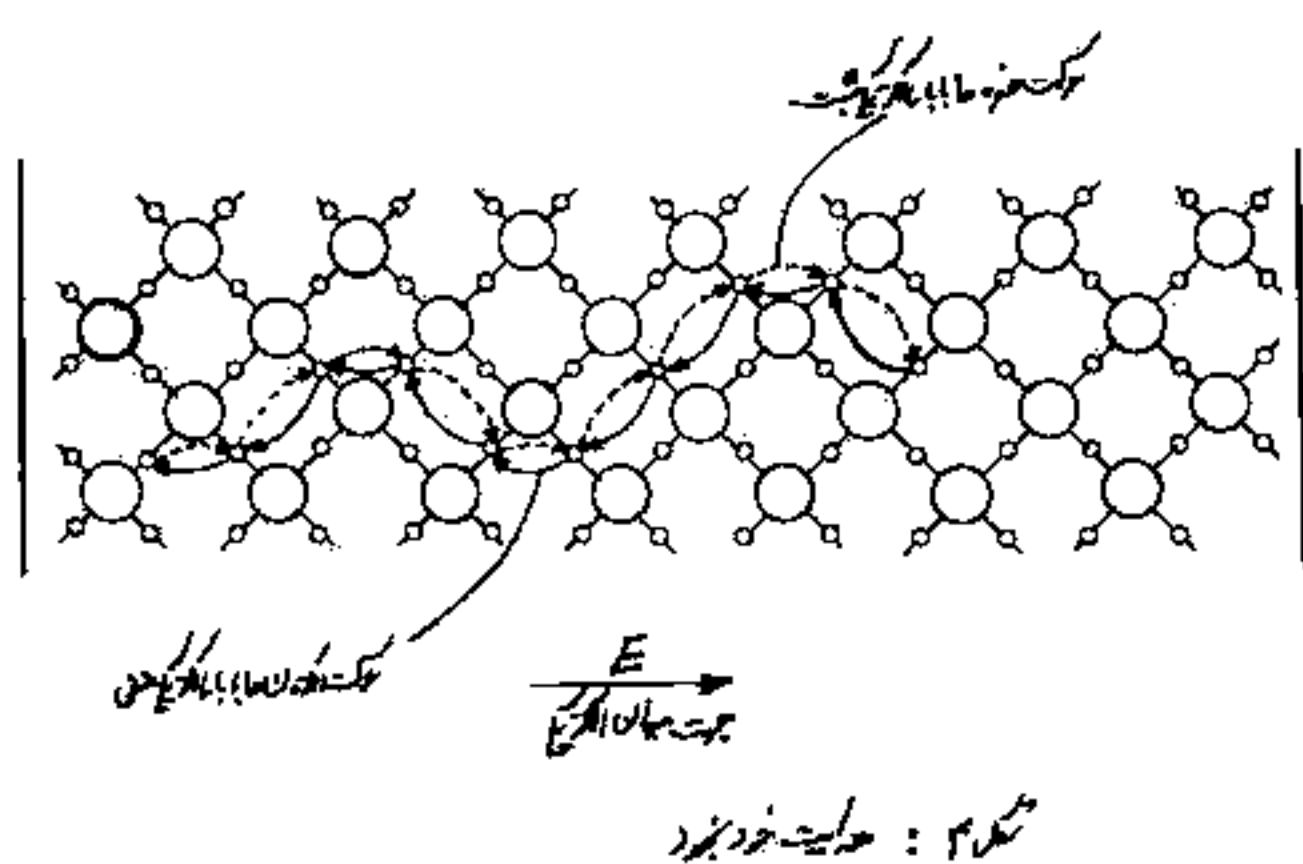
از: مهندس آذیر فاضل مجلسی - دانشجوی رشته تخصصی علوم انفورماسیون و ارتباطات

در شهر مونیخ آلمان

قبل از اینکه راجع به علوم انفورماسیون و مخابرات مطالبی بنویسم مایلم که اولین مقاله این سری را با ساختمان و طرز کار ترانزیستور که امروزه یکی از مهمترین عناصر الکترونیکی بشمار می رود شروع کنم. چون وقتی که طرز کار این عنصر بطور خلاصه شرح داده شود استفاده کردن از مقالات بعدی که راجع به فرستنده ها - گیرنده ها - طرز کار تلویزیون - ماشین حساب های الکترونیکی و غیره که شعب کوچکی از علوم انفورماسیون و ارتباطات بشمار می آیند، آسان تر خواهد شد.

ترانزیستور یکی از جدید ترین عناصر الکترونیکی در علوم ارتباطات است. این نمودار برای اولین بار بعد از جنگ دوم جهانی در سال ۱۹۴۸ توسط W. Shockly در کارخانجات معظم Bell-Telephone Company اختراع و ساخته شد و در همان سال دو همکارش J. Barder و W.H. Braltain اولین تقویت کننده الکترونیکی با ترانزیستور را ساخته و به جهان عرضه کردند.

ترانزیستور مانند يك لامپ الکترونیکی (لامپ رادیو) يك تقویت کننده است. ولی



نیم رساناها می توانند بدو طریق جریان الکتریک را هدایت کنند .

۱- هدایت خودبخود (در نیم رساناهای

خالص) : **Eigenleitung**

۲- هدایت توسط يك اتم خارجی (در

نیم رسانا های غیر خالص)

**Stoerstellenleitung**

۱- هدایت خودبخود

همانطوریکه گفته شد ژرمنیوم (Ge) يك عنصر چهار ظرفیتی است . یعنی اینکه دارای چهار والانس الکترون در آخرین مدار اتمی خود است .

در يك کریستال ژرمنیوم (جسم جامد بلورین ژرمنیوم) که خیلی خالص است و عناصر خارجی در آن وجود ندارند تمامی این والانس الکترون های يك اتم، با والانس الکترون های اتم مجاور ترکیب شده و يك مدار بسته را تشکیل می دهند بطوریکه هیچکدام از این والانس الکترون ها دیگر آزاد نیستند .

در این حالت کریستال ژرمنیوم يك عایق بتمام معنی است یعنی اینکه اگر این کریستال در يك میدان الکتریکی قرارداده

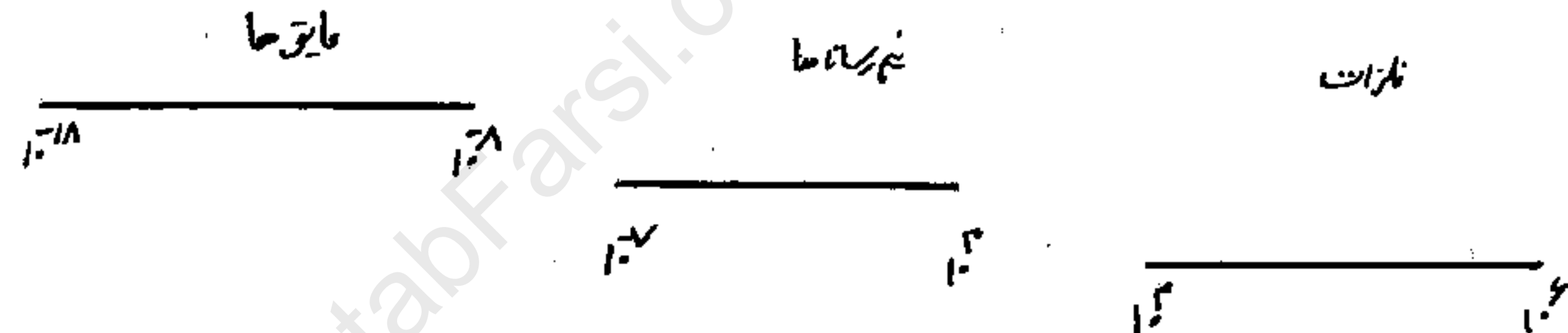
ماترما

از جمله علوم ماشین و الکترونیک و بخصوص علوم انفورماسیون و مخابرات - ساختن ماشین حساب های الکترونیکی **Computer** و غیره بجدی که فعلاً موجود است نمیرسد این مقاله فقط برای بالا بردن سطح اطلاعات عمومی خوانندگان عزیز است و روی این اصل سعی شده حدالمقدور فرمولی در مقالات فوق استفاده نشود بطوریکه هرکس از هر طبقه بتواند از مقاله فوق استفاده کند . چون طرز کار ترانزیستور شبیه به يك نیم رسانا می باشد لذا ابتدا خلاصه ای راجع به فیزیک نیم رسانا ها و سپس راجع به ترانزیستور و موارد استعمال آن در علوم انفورماسیون نوشته شده است .

خلاصه ای راجع به فیزیک نیم رسانا ها نیم رسانا ها اجسامی هستند که از لحاظ خواص فیزیکی بخصوص خواص هدایت کردن جریان الکتریک بین عایق ها و فلزات (رسانا ها) قرار گرفته اند .

ضریب هدایت مخصوص نیم رساناها

معمولاً بین ۱۰ تا ۱۰ می باشد . شکل شماره ۲ مقایسه نیم رساناها را با فلزات و عایق ها نشان می دهد .



ضریب هدایت مخصوص  
بشکل [Ω⁻¹·cm]

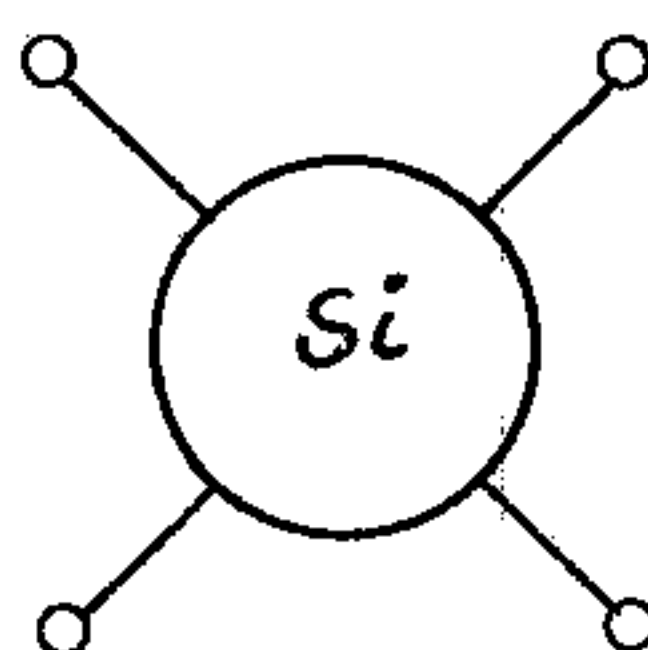
شکل ۲

شود جریان الکتریک را هدایت نمی کند . البته این فقط در صورتی است که کریستال فوق در حرارت صفر درجه سانتی گراد، مساوی با ۲۷۳ درجه کلوین قرار گیرد .

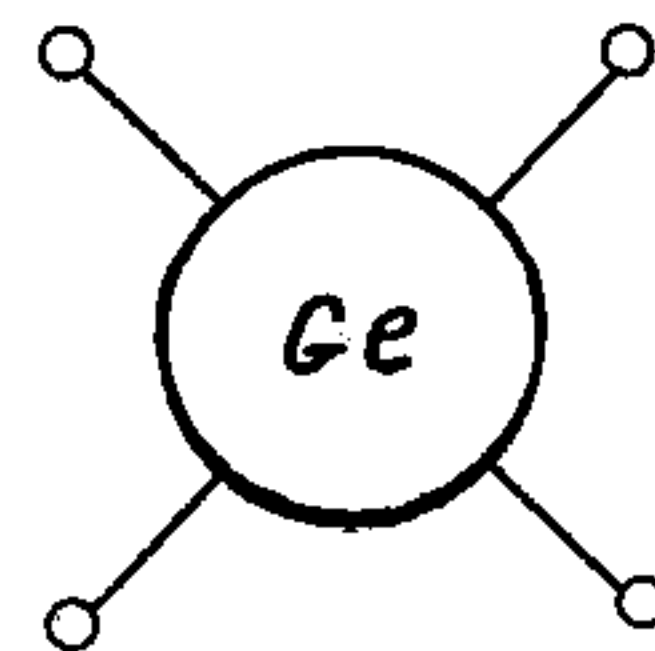
حال اگر این کریستال ژرمنیوم در حرارت کمی بالاتر از صفر درجه سانتی گراد قرار گیرد (شکل شماره ۴)

عناصری که برای ساختن ترانزیستور و نیم رساناها استفاده می شوند معمولاً سیلیسیم (Si) و ژرمنیوم (Ge) هستند که هر دو عنصر چهار ظرفیتی می باشند . یعنی اینکه در آخر مدار اتمی خود چهار الکترون ( والانس الکترون Valenzelektron ) دارند .

شکل شماره ۳ این دو عنصر را با چهار والانس الکترون در آخرین مدار اتم نشان می دهد .



اتم سیلیسیم (سیلیس) با چهار الکترون آزاد



اتم ژرمنیم با چهار الکترون آزاد

در این صورت اتم های کریستال فوق در تحت تاثیر مقدار انرژی حرارتی موجود حرکات نوسانی انجام می دهند . بطوریکه يك بيك الکترون های اتم از هم جدا می شوند و هرچه حرارت زیادتر شود انرژی حرارتی بیشتر بوده و در نتیجه اثر فوق بیشتر است .

بدین ترتیب الکترون ها تحت تاثیر انرژی حرارتی بسیار کمی که موجود است بحرکت در می آیند تا اینکه با يك اتم مجاور برخورد کنند . در نتیجه می بینیم که جزئی حرارت باعث می شود که کریستال ژرمنیوم مقدار کمی جریان الکتریک را هدایت کند .

جدا شدن الکترون ها (Generation) و دوباره بهم رسیدن الکترون ها (Rekombination) با تغییرات حرارت تغییر می کنند ولی همیشه باهم در حالت تعادل هستند .

هدایت جریان الکتریک در فلزات (رساناها) فقط به فقط در اثر حرکت الکترون ها صورت می گیرد ، یعنی حامل جریان الکتریک در يك فلز و یا بطور کلی در يك رسانا الکترون ها هستند که بار الکتریکی منفی دارند . در نیم رساناها مطلب فوق کاملاً صدق نمی کند . این موضوع با مراجعه به شکل شماره ۴ اینطور شرح داده می شود . يك تغییر حرارت بسیار جزئی (مثلاً حدود يك درجه سانتی گراد) باعث می شود که مثلاً حداقل يك الکترون از مدار خودش خارج شده و بطور آزاد از قطب منفی به قطب مثبت حرکت کند .

تذکر : وقتی که يك الکترون از مدار خود خارج شود جای قبلی اش خالی می ماند . این جا که قدر مسلم مقدار بسیار کمی حجم دارد در الکترونیک حفره و یا کمبود الکترون Defektelektron نامیده می شود .

همانطوریکه می دانیم الکترون ها دارای بار الکتریکی منفی هستند . یعنی اینکه در اثر آزاد شدن الکترون از مدار کمبود بار الکتریکی منفی وجود دارد بنابراین يك حفره همیشه دارای بار الکتریکی مثبت

است .

حفره ایجاد شده می تواند توسط الکترون مجاور که آزاد می شود دوباره پر شود و این موضوع بارها تکرار می شود بطوریکه مثلاً الکترونی که مجاور قطب منفی بوده بعد از مدت بسیار کوتاهی در اثر حرکت خود مجاور قطب مثبت قرار می گیرد .

حرکت الکترون ها با بارالکتریکی منفی از قطب منفی باتری به قطب مثبت باتری را می توان اینطور مجسم کرد که حفره ها با بارالکتریکی مثبت از قطب مثبت باتری به قطب منفی باتری حرکت می کنند .

بدین ترتیب می بینیم که یک نیم رسانا در تحت تأثیر یک جزئی حرارت جریان الکتریک را هدایت می کند شرح بالا را می توان اینطور خلاصه کرد :

حامل جریان الکتریک در نیم رسانا ها دو نوعند .

**A - الکترون های منفی :** جهت حرکت از قطب منفی به قطب مثبت باتری (در شکل ۴ از راست به چپ)

**B - حفره های مثبت :** جهت حرکت از قطب مثبت به قطب منفی باتری (در شکل ۴ از چپ به راست)

این دو موضوع در فیزیک نیم رسانا ها خیلی مهم هستند .

### ۳- هدایت توسط یک اتم خارجی

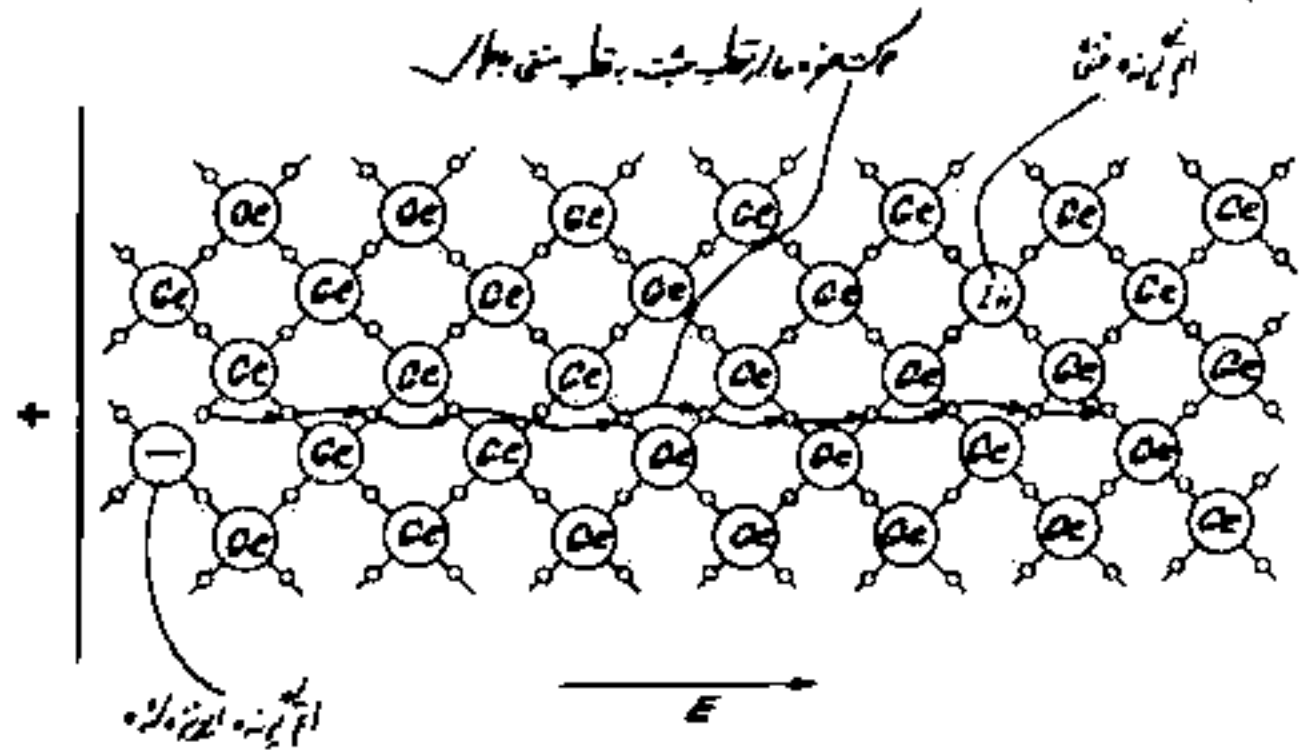
همانطوریکه قبلاً گفته شد غیر خالص بودن یک کریستال نیم رسانا باعث می شود که ضریب هدایت جریان الکتریکی نیم رسانا زیاد شود یعنی اینکه در این حالت نیم رسانا جریان الکتریک را بهتر هدایت می کند .

مقصود از غیر خالص بودن یک کریستال، مثلاً : کریستال ژرمنیوم، اینست که کریستال ژرمنیوم فقط از اتم ژرمنیوم ساخته نشده بلکه مقدار بسیار کمی اتم های دیگر داخل ساختمان این کریستال موجود هستند .

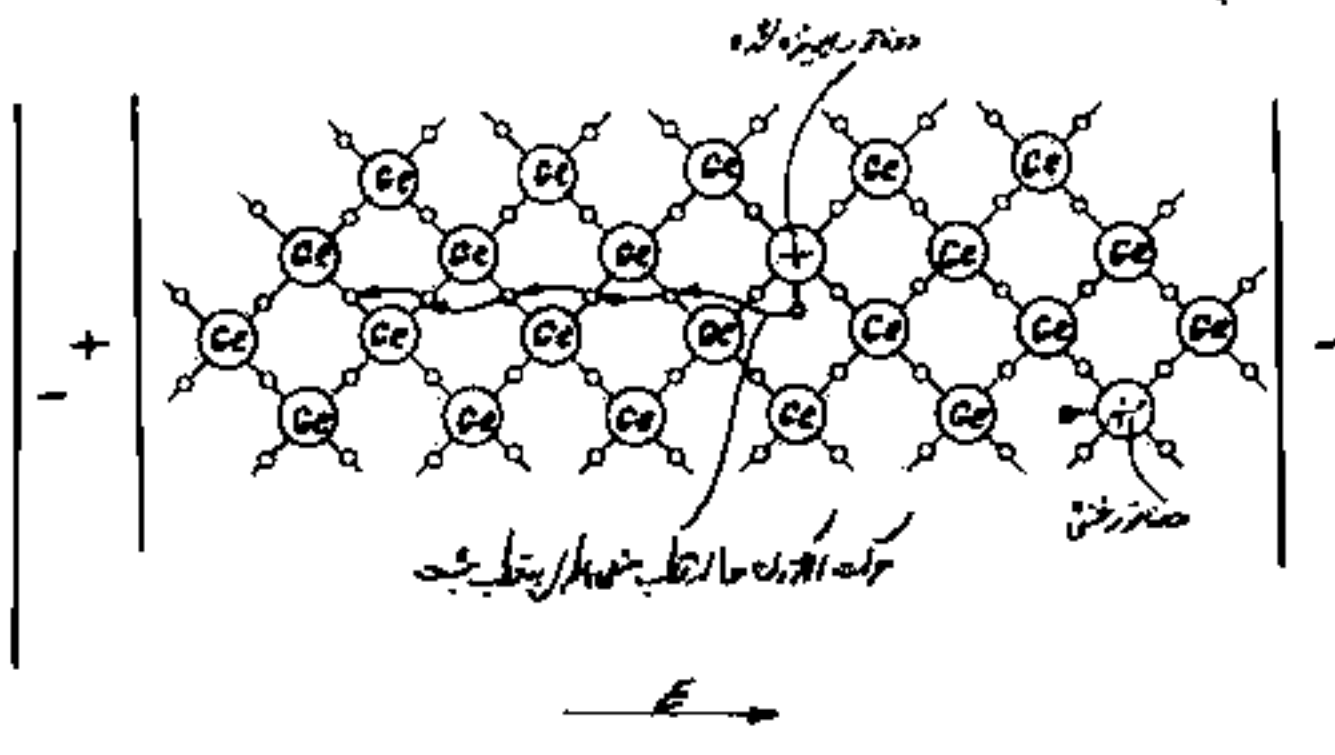
تذکر : مقصود از یک کریستال ژرمنیوم یک جسم جامد بلورین است که از میلیونها اتم ژرمنیوم تشکیل شده است . معمولاً برای غیر خالص کردن یک نیم رسانا مثلاً ژرمنیوم (Ge) و سیلیسیم (Si) که دارای چهاروالانس الکترون هستند از عناصری استفاده می شوند که یا سه ظرفیتی (دارای سه والانس الکترون در آخرین مدار) و یا پنج ظرفیتی (دارای پنج والانس الکترون در آخرین مدار الکترونی اتم) باشند .

غیر خالص کردن عمدی نیم رساناها در الکتروتکنیک مخلوط کردن نامیده می شود . البته ضریب نسبی مخلوط کردن یعنی نسبت اتم های خارجی به اتم های اصلی یک کریستال بسیار کوچک است . معمولاً برای هریک میلیون اتم ژرمنیوم حداکثر یک اتم خارجی در کریستال ژرمنیوم وجود دارد . در اینجا می توان پی برد که تکنولوژی و طرز ساختن ترانزیستور چقدر مهم و دشوار است . ابتدا فرض می کنیم که چند اتم آرسن

(As) که پنج ظرفیتی است داخل یک کریستال ژرمنیوم مخلوط شده (شکل شماره ۵)



شکل ۵: نیم رسانای n-Ge



شکل ۵: نیم رسانای n-Ge

اینندیم (In) در آخرین مدار خود سه الکترون دارد و همانطوریکه می دانیم ژرمنیوم (Ge) چهار الکترون در آخرین مدار خودش دارد یعنی اینکه سه والانس الکترون ژرمنیوم (Ge) می توانند با سه والانس الکترون های ایندیم (In) ترکیب شوند و یکی از الکترون های ژرمنیوم (Ge) ترکیب نشده باقی می ماند در نتیجه یک حفره اضافی با بار الکتریکی مثبت باقی می ماند در صورتی که یک میدان الکتریکی موجود باشد این حفره ها می توانند مثل الکترون ها حرکت کنند .

حرکت این حفره ها برعکس الکترون ها از قطب مثبت به قطب منفی است (در شکل شماره ۶ از چپ به راست) اتم ایندیم (In) که یک الکترون کم دارد و یا بعبارت دیگر یک حفره اضافی (با بار الکتریکی مثبت) دارند و در موقع ترکیب شدن با ژرمنیوم (Ge) یک الکترون می گیرند بعنوان اتم گیرنده (Akzeptor) نامیده می شود .

این نوع نیم رسانا ها که دارای یک حفره اضافی با بار الکتریکی مثبت هستند نیم رسانای مثبت (P-Halbleiter) نامیده می شوند . در این حالت حرکت حفره های مثبت باعث حرکت جریان الکتریک می شوند . یعنی اینکه حامل جریان الکتریک در این نوع نیم رسانا ها حفره های مثبت هستند .

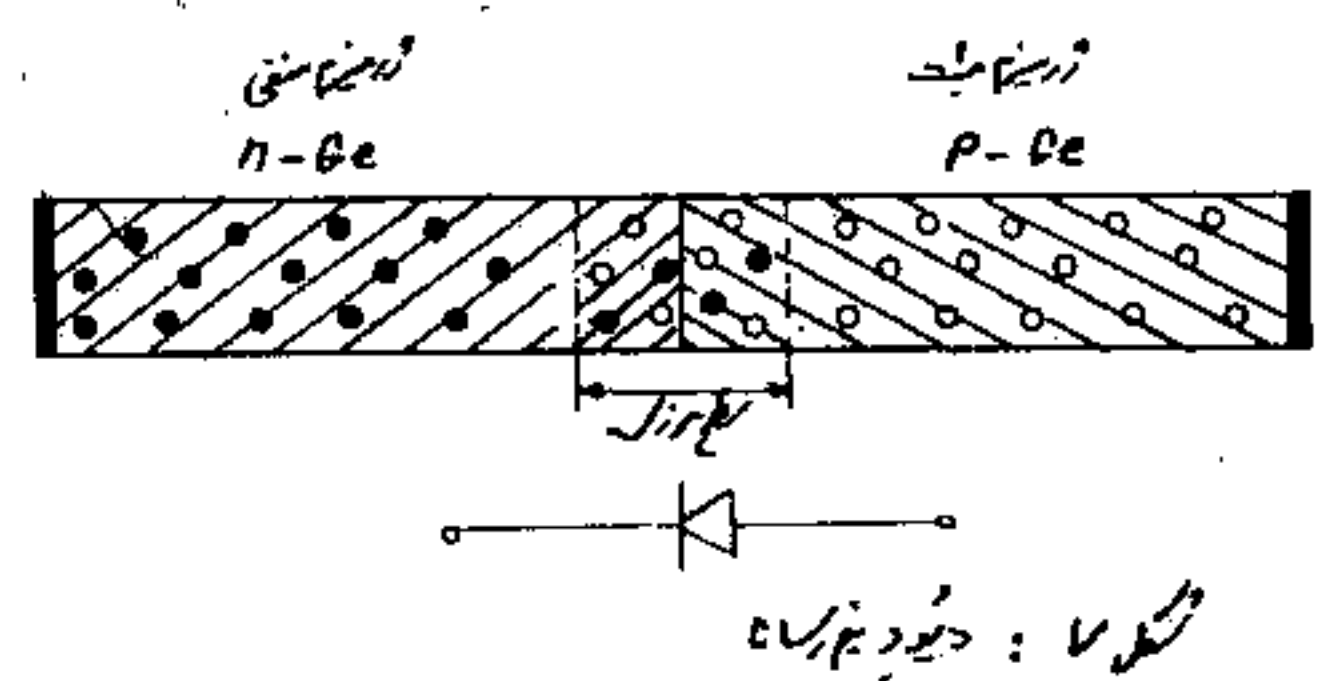
دو مبحث نیم رسانای مثبت و نیم رسانای منفی اصل و اساس ساختمان یک ترانزیستور را تشکیل می دهند .

یک ترانزیستور معمولی از سه نیم رسانای مثبت و منفی تشکیل شده . برای بهتر فهمیدن خواص فیزیکی ترانزیستور بهتر است که ابتدا در باره دیود های نیم رسانا که فقط از دو نیم رسانای مثبت و منفی تشکیل شده اند مختصری شرح داده شود .

### دیود های نیم رسانا

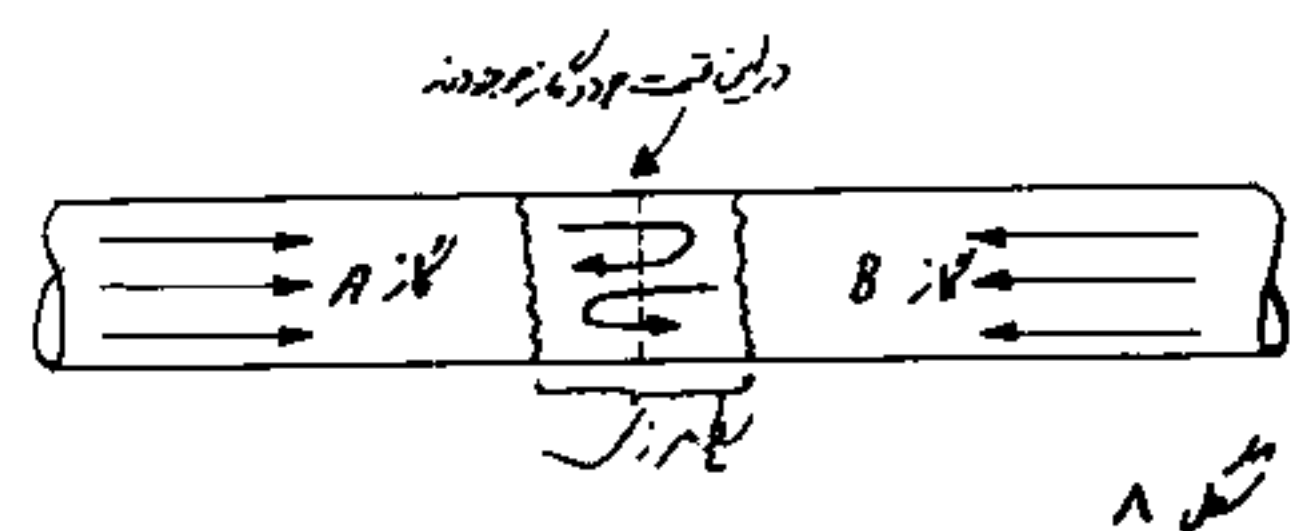
اگر یک نیم رسانای مثبت مثلاً ژرمنیوم مثبت (p-Ge) با یک نیم رسانای منفی مثلاً ژرمنیوم منفی (n-Ge) طوری بهم وصل شوند بطوریکه در یک سطح (سطح مرزی) با یکدیگر ترکیب شده و یک عنصر فیزیکی تشکیل بدهند در این صورت این عنصر را

بعنوان دیود نیم رسانا (Halbleiter-Diode)  
می نامیم (شکل شماره ۷)



مقصود از سطح مرزی، سطحی است که در آن دو نیم رسانا باهم ترکیب شده اند. یعنی اینکه در این سطح نه فقط نیم رسانای مثبت و یا منفی بلکه هر دو نیم رسانا موجودند. چگونگی و ساختمان دیود های نیم رسانا بامراجعه به شکل شماره ۷ اینطور بیان می شود.

وقتی که یک کریستال نیم رسانای منفی بایک کریستال نیم رسانای مثبت در سطح مرزی باهم برخورد کنند در این صورت الکترون های منفی ژرمینوم منفی وارد ژرمینوم مثبت می شوند و یا بعبارت دیگر حفره های مثبت نیم رسانای مثبت (ژرمینوم مثبت) وارد ژرمینوم منفی می شوند. (وقتی که حرارت کمی بالاتر از ۲۷۳ درجه کلوین باشد) این موضوع را می توانیم اینطور مجسم کنیم (شکل شماره ۸)



اگر دو گاز مختلف از دو جهت مخالف بایکدیگر برخورد کنند: در سطح مرزی (حوالی محل برخورد) دو گاز A و B در یکدیگر رخنه می کنند یعنی اینکه در این حوالی هر دو گاز موجودند.

شکل شماره ۷ در قسمت چپ یک ژرمینوم منفی (n-Ge) یعنی کریستال ژرمینوم با الکترون های منفی (دایره های پر) و در قسمت راست یک ژرمینوم مثبت (p-Ge) یعنی کریستال ژرمینوم با حفره های مثبت (دایره های تو خالی) را نشان می دهد.

هر کدام از کریستالها برای خود از لحاظ بارالکتریکی در حالت تعادل هستند چون در یک ژرمینوم منفی بتعداد الکترون

صفحه چهاردهم

های منفی آزاد ایون های مثبت وجود دارد که در کریستال هستند و حرکت نمی کنند. و درست بالعکس در ژرمینوم مثبت بتعداد حفره های مثبت آزاد ایون های منفی وجود دارند که جسم را از لحاظ خاصیت الکتریکی خنثی نگه میدارند.

تذکر: برای خلاصه کردن شکل ایون های مزبور در شکل ۷ کشیده نشده اند:

حرکت بعضی از الکترون ها از طریق سطح مرزی و وارد شدن آن ها به قسمت نیم رسانای مثبت باعث می شود که نیم رسانای مثبت، که تا بحال از لحاظ الکتریکی خنثی بوده، مقداری بارالکتریکی منفی بگیرد و درست برعکس: حرکت بعضی از حفره ها از طریق سطح مرزی و وارد شدن آن ها به قسمت نیم رسانای مثبت باعث می شود که نیم رسانای منفی که تا بحال از لحاظ الکتریکی خنثی بوده مقداری بارالکتریکی مثبت بگیرد. در این حالت دیود نیم رسانای فوق دیگر از لحاظ الکتریکی خنثی نیست یعنی اینکه در دو سر الکتروود های دیود نیم رسانای فوق (دو سر الکتروود های A و B) در اثر اختلاف بارالکتریکی یک اختلاف پتانسیل الکتریکی ایجاد می شود.

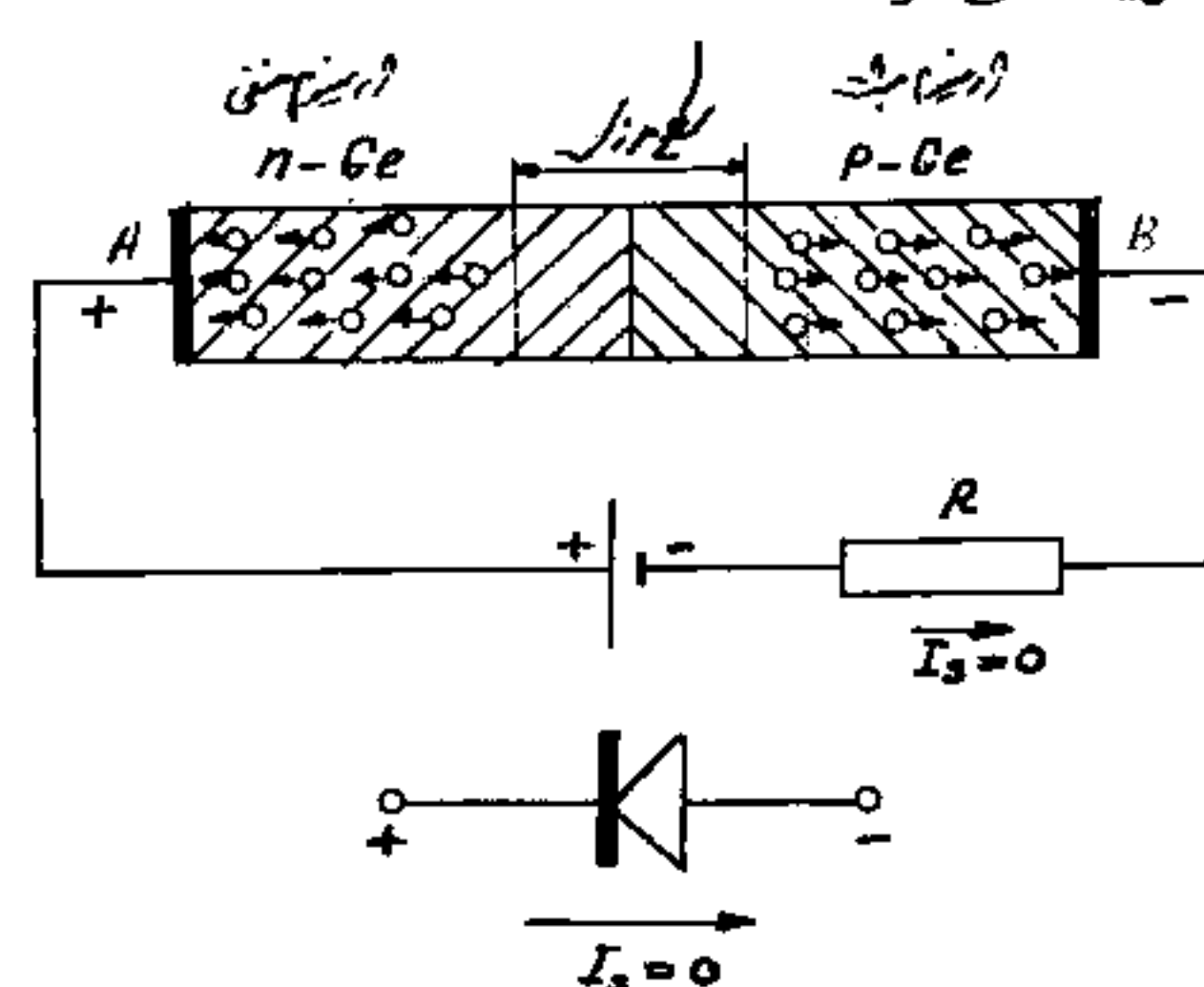
این اختلاف سطح الکتریکی بسیار ناچیز بوده و معمولاً حدود ۲۵ درصد ولت است. تذکر: در این حالت فقط الکترون ها و حفره هایی که در حدود سطح مرزی هستند از سطح فوق عبور می کنند و بقیه حامل ها (الکترون ها و حفره ها) در جای خود باقی می مانند. باین علت از لغت بعضی الکترون ها و بعضی حفره ها استفاده شده.

سطح مرزی فوق یک خاصیت یکسو کنندگی به دیود های نیم رسانا می دهد که ذیلاً توضیح داده می شود.

خاصیت یکسو کنندگی دیود ها

با شناختن خواص فیزیکی دیود ها می توانیم از آنها بعنوان یکسو کننده جریان الکتریک استفاده کنیم.

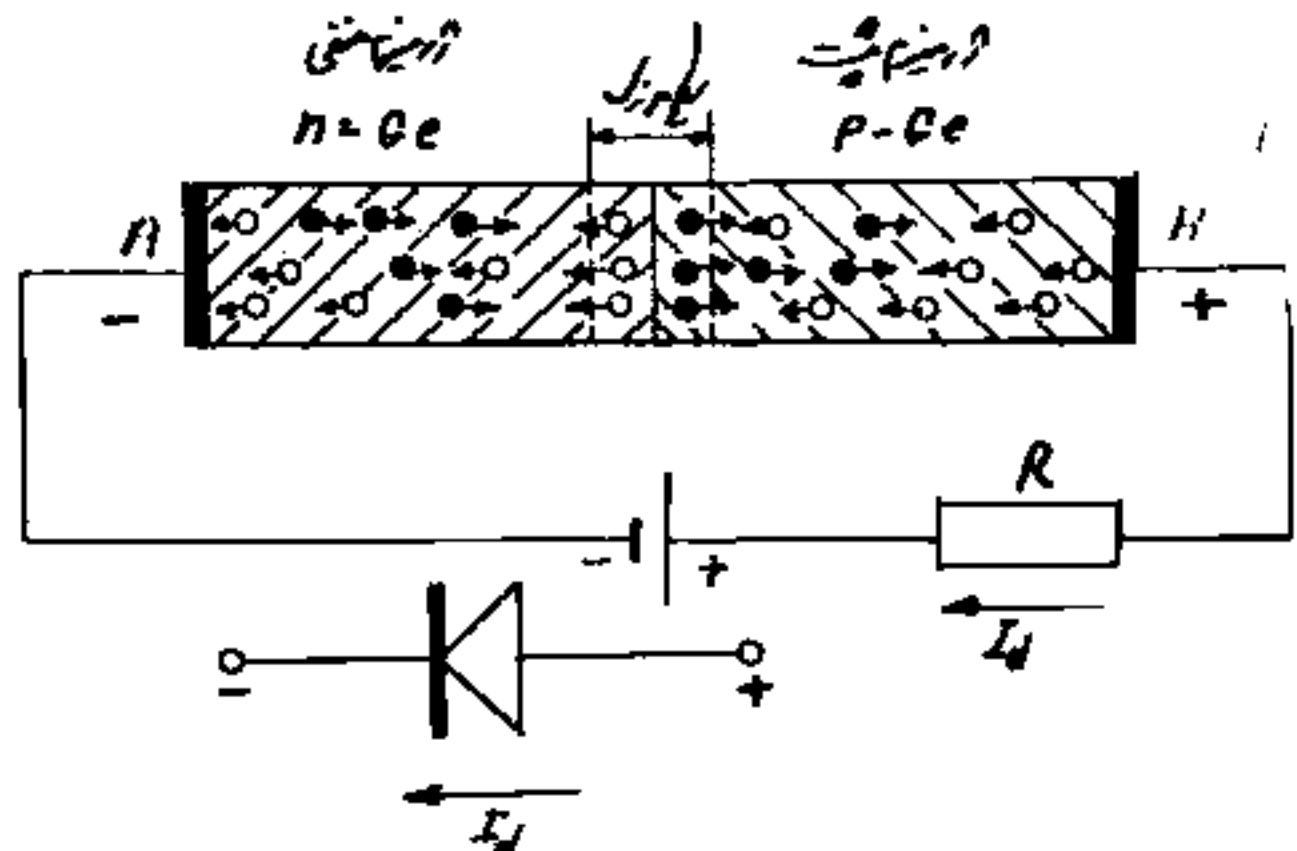
تذکر: یکسو کننده ها عناصری هستند که شدت جریان الکتریکی را فقط در یک جهت عبور می دهند و در جهت مخالف مانع حرکت جریان الکتریک می شوند. خاصیت یکسو کنندگی فوق طبق شکل شماره ۹ اینطور تعریف می شود.



شکل ۹: دیود نیم رسانا در حالت مانع جریان الکتریکی

اگر دو الکتروود یک دیود را طوری به باطری ببندیم بطوریکه قطب مثبت باطری به ژرمینوم منفی و قطب منفی باطری به ژرمینوم مثبت وصل شود در نتیجه در دیود جریان الکتریک نمی تواند عبور کند علت آن اینست که الکترون های منفی نیم رسانای منفی بطرف قطب مثبت (در شکل ۹ از راست به چپ) و حفره های مثبت نیم رسانای مثبت بطرف قطب منفی (در شکل ۹ از چپ به راست) به حرکت در می آیند و در نتیجه حوالی سطح مرزی کم کم خالی شده و فاقد الکترون و حفره (دو حامل جریان الکتریک در نیم رسانا ها) می شود و در این حالت دیود خاصیت یک عایق را دارد و همان طوریکه می دانیم یک عایق جریان الکتریک را هدایت نمی کند.

در این حالت می گوئیم که دیود مانع حرکت جریان الکتریک می شود و یا بعبارت دیگر جریان الکتریک را قهر می کند. حال اگر همین دیود را طبق شکل شماره ۱۰



شکل ۱۰: دیود نیم رسانا در حالت عبور جریان الکتریکی

در این حالت مانع جریان الکتریکی

طوری به باطری ببندیم که قطب مثبت باطری به ژرمینوم منفی و قطب منفی باطری به ژرمینوم مثبت وصل شود می بینیم که در این حالت دیو فوق جریان الکتریک را هدایت می کند.

علت عبور جریان از این قرار است: در صورت بستن باطری طبق شکل ۱۰ الکترون های منفی نیم رسانای منفی که در قسمت چپ شکل قرار دارند به قطب مثبت باطری (بطرف راست) حرکت می کنند و در میان راه از سطح مرزی دیود می گذرند و درست برعکس حفره های مثبت نیم رسانای مثبت که در قسمت راست شکل قرار دارند به قطب منفی باطری (سمت چپ) حرکت می کنند و در میان راه از سطح مرزی دیود عبور می کنند در نتیجه سطح مرزی سرشار از الکترون و حفره (دو حامل جریان الکتریک در نیم رسانا ها) می شود و بدین ترتیب جریان الکتریک را هدایت می کنند.

در این حالت می گوئیم که دیود جریان الکتریک را عبور می دهد.

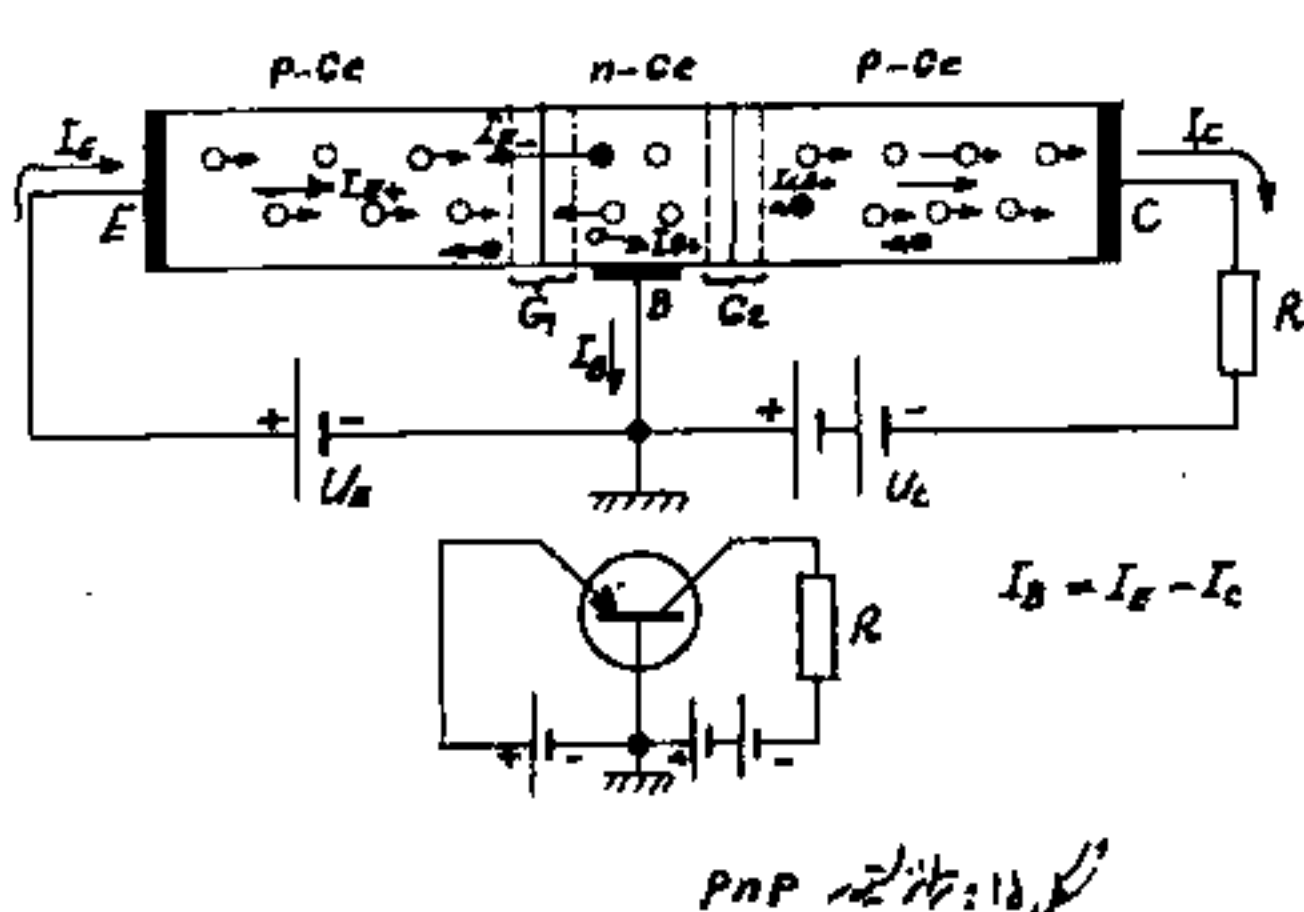
پس یک دیو نیم رسانا (یکسو کننده نیم رسانا) دو حالت دارد.

۱- حالتی که جریان الکتریک را

کولکتور و بازیس  $I_{cbo}$  عبور می کند ولی چون مقدار این جریان نسبت به جریان کولکتور  $I_c$  و یا نسبت به جریان امی تر  $I_e$  بسیار کوچک است لذا از مقدار این جریان معمولاً صرف نظر می شود و  $I_{cbo}$  تقریباً مساوی صفر فرض می شود :

در این حالت ، که جریان بین  $C$  و  $B$  عبور نمی کند ، می بینیم که قسمت راست ترانزیستور در شکل ۱۴ بتنهائی مثل یک دیود نیم رسانا است که جریان الکتریک را در صورت بستن باطری طبق شکل ۱۴ عبور نمی دهد و در صورت برعکس بستن باطری جریان الکتریک را عبور می دهد :

حال اگر امی تر ترانزیستور فوق را طبق شکل شماره ۱۵ به قطب مثبت باطری  $UE$  ببندیم در نتیجه قسمت چپ ترانزیستور در شکل



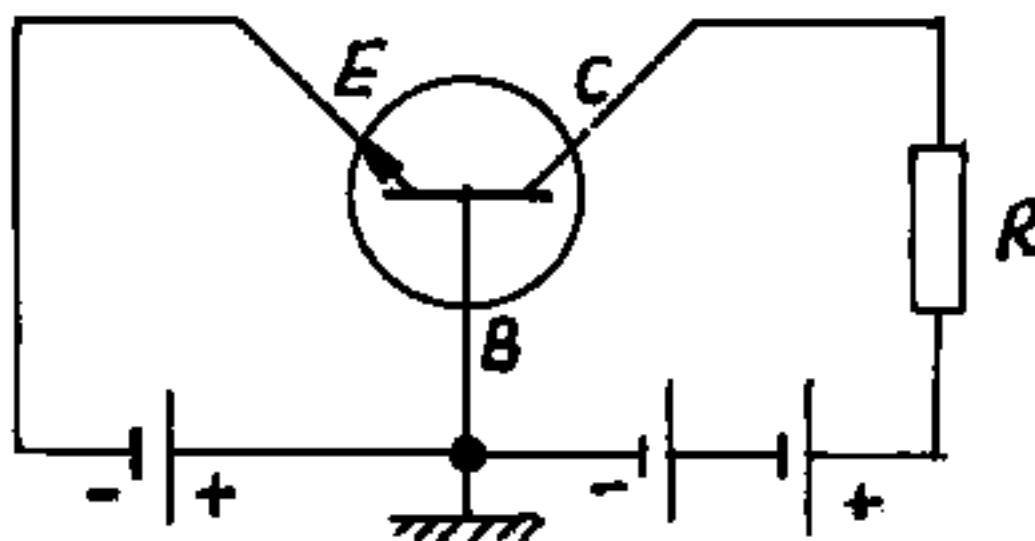
شکل ۱۵: ترانزیستور PNP

فوق ( ورقه مثبت و منفی قسمت چپ ) جریان الکتریک را مثل یک دیود نیم رسانا هدایت می کند . در این حالت کافی است که بایک اختلاف سطح الکتریکی کم ( تقریباً یک ولت ) حفره های نیم رسانای مثبت امی تر را از طریق سطح مرزی  $G$  به نیم رسانای بازیس که یک نیم رسانای منفی است پرتاب کرد ( جریان  $IE+$  ) و یا بعبارت دیگر الکترون های نیم رسانای منفی بازیس را از طریق سطح مرزی  $G$  به نیم رسانای مثبت امی تر ب حرکت در آورد ( جریان  $IE-$  ) در نتیجه سطح مرزی  $G$  سرشار از الکترون و حفره ( دو حامل جریان در نیم رسانا ) شده و در این حالت جریان الکتریک را هدایت می کند .

برای آنکه قسمت اعظم حفره هائی که از امی تر  $E$  پرتاب می شوند به الکترو د بازیس  $B$  نروند و مستقیماً به کولکتور  $C$  برسند باید اولاً نیم رسانای بازیس بسیار نازک باشد ( حدود ۳۰ تا ۸۰ میکرو متر ) و ثانیاً باید تعداد الکترون های آزاد بازیس  $B$  بمراتب کمتر از تعداد حفره های آزاد امی تر  $E$  باشد ( یعنی اینکه ضریب نسبی مخلوطی نیم رسانای بازیس باید بمراتب کوچکتر از ضریب مخلوطی نیم رسانای امی تر باشد ) فقط در این حالت امکان دوباره ترکیب شدن الکترون ها با حفره ها در بازیس بسیار کم

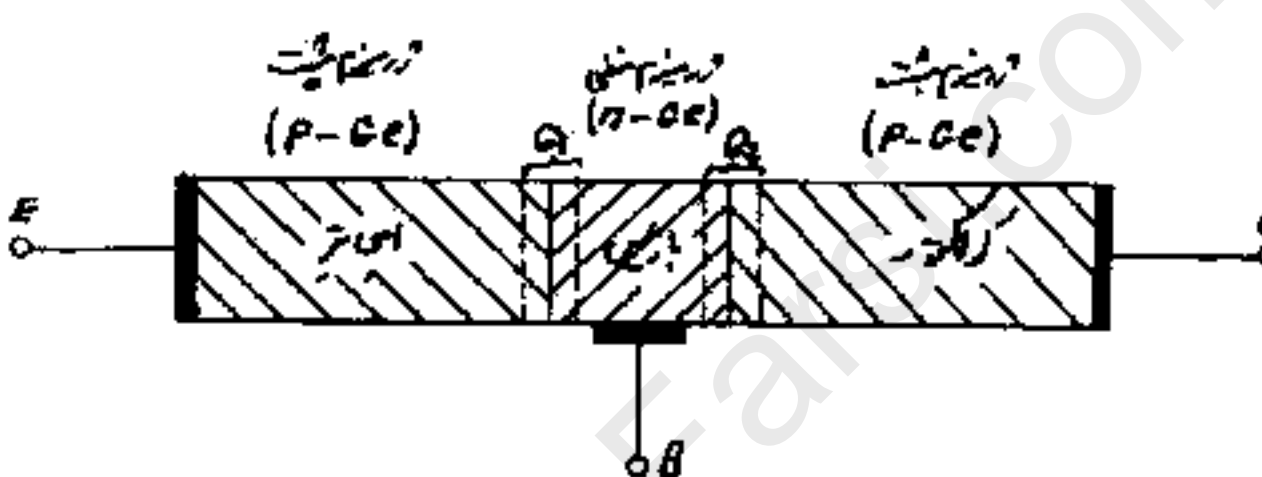
صفحه پانزدهم

برای شرح دادن چگونگی و خواص فیزیکی ترانزیستور در این مقاله از یک ترانزیستور مثبت - منفی - مثبت  $npn$  استفاده می شود : یک ترانزیستور منفی - مثبت - منفی  $npn$  درست مثل یک ترانزیستور  $npn$  کار می کند . ( شکل ۱۲ ) و بدین جهت از شرح دادن مجزای ترانزیستور  $npn$  صرف نظر می شود .



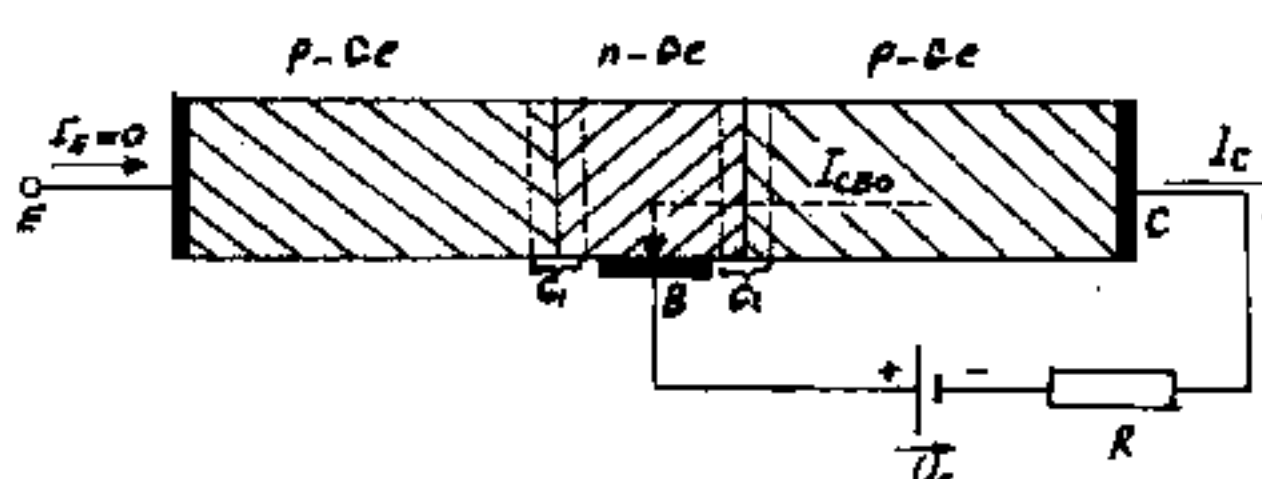
شکل ۱۲: ترانزیستور NPN

ترانزیستور  $npn$  همانطوریکه قبلاً شرح داده شد این ترانزیستور از دو ورقه نیم رسانای مثبت  $p-Ge$  و یک ورقه بسیار نازک نیم رسانای منفی  $n-Ge$  تشکیل شده ( شکل شماره ۱۳ )



شکل ۱۳: ترانزیستور NPN

در صورتی که فقط قسمت کولکتور و بازیس یک ترانزیستور طبق شکل شماره ۱۴ به باطری بسته شود ( قطب منفی به  $C$  و قطب مثبت به  $B$  )

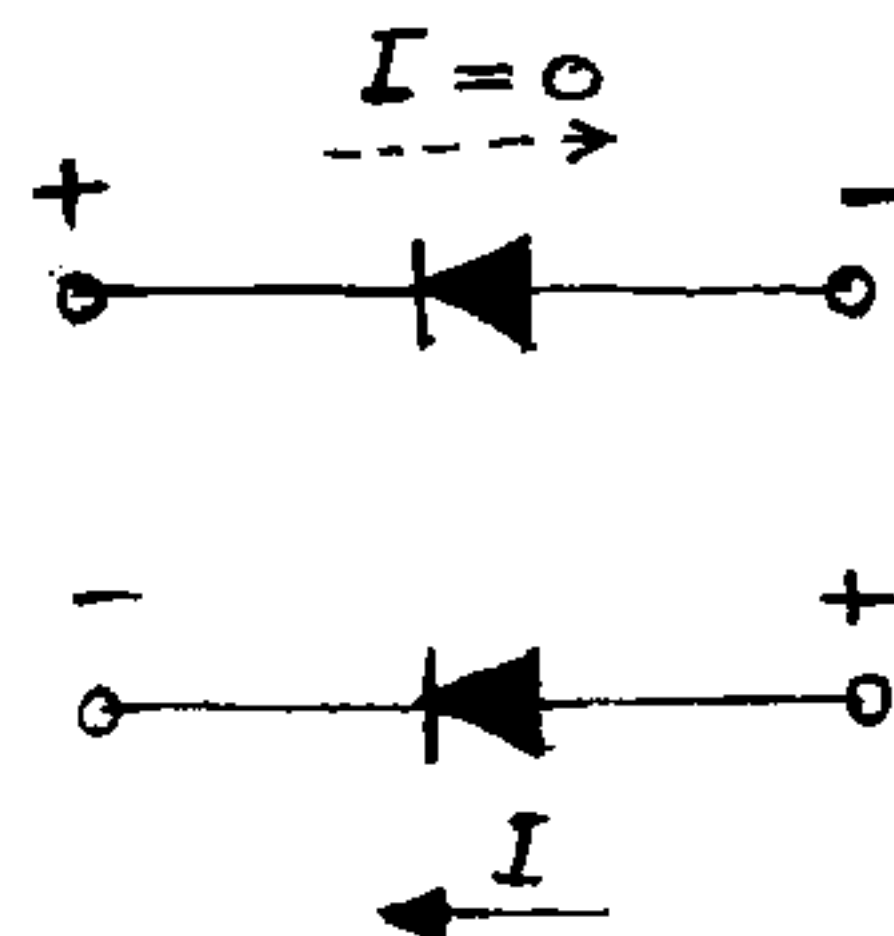


شکل ۱۴: ترانزیستور NPN

در نتیجه سطح مرزی  $G2$  یعنی سطح مرزی بین کولکتور  $C$  و بازیس  $B$  فاقد حامل جریان الکتریک ( الکترون و حفره ) شده و در نتیجه می توان گفت که تقریباً جریانی عبور نمی کند ( این موضوع در قسمت دیود شرح داده شده ) .

تذکر : در این حالت در تحت تأثیر هدایت خود بخود که در قسمت نیم رسانا ها توضیح داده شده یک جریان بسیار کم بین

هدایت نمی کند ( Sperrbereich )  
۲- حالتی که جریان الکتریک را عبور می دهد ( Durchlassbereich )



جهت عبور جریان ترانزیستور

اکنون که ساختمان و خواص فیزیکی دیود نیم رسانا بطور خلاصه شرح داده شد تعریف کردن خواص فیزیکی ترانزیستور بسیار آسان است .

اگر دو دیود نیم رسانا طوری ترکیب شوند که مابین دو ورقه نیم رسانا یک ورقه بسیار نازک نیم رسانای مخالف وجود داشته باشد در این صورت این عنصر را ترانزیستور می نامند .

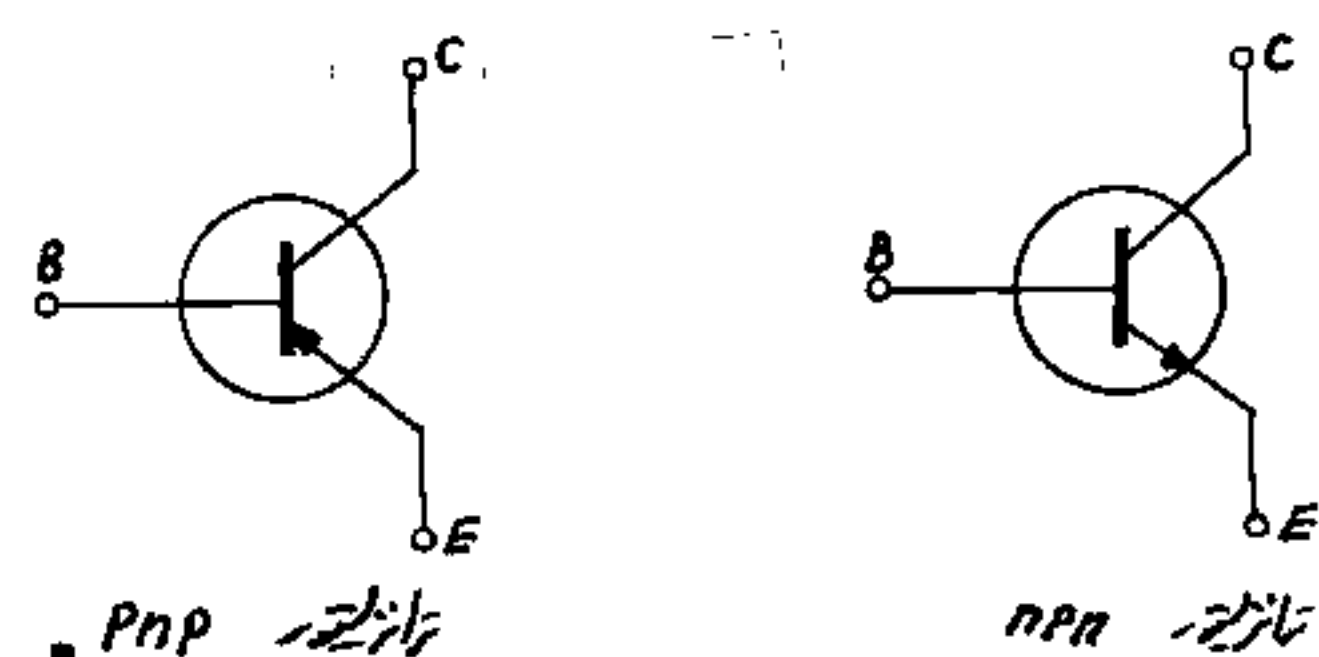
ترانزیستورها دو نوعند . اگر یک ترانزیستور از دو ورقه نیم رسانای منفی ، مثلاً ژرمنیوم منفی  $n-Ge$  و یک ورقه نیم رسانای مثبت ، مثلاً ژرمنیوم مثبت  $p-Ge$  تشکیل شده باشد در این صورت این ترانزیستور را ترانزیستور منفی - مثبت - منفی (  $npn$ -Transistor ) می نامند .

حال اگر ترانزیستور از دو ورقه نیم رسانای مثبت مثلاً ژرمنیوم مثبت  $p-Ge$  و مابین آن یک ورقه نیم رسانای منفی مثلاً ژرمنیوم منفی  $n-Ge$  تشکیل شده باشد در این صورت آنرا ترانزیستور مثبت - مثبت - منفی (  $pnp$ -Transistor ) می نامند .

یک ترانزیستور دارای سه الکترو د است .

- ۱- کولکتور (C) Kollektor
- ۲- بازیس (B) Basis
- ۳- امی تر (E) Emitter

ترانزیستور در یک مدار الکترونیکی ، بسته بآنکه  $npn$  و یا  $npn$  باشد طبق شکل شماره ۱۱ کشیده می شود .



شکل ۱۱: ترانزیستور PNP

شکل ۱۱: ترانزیستور NPN

داخلی (متناوب) ترانزیستور بین کولکتور و بازیس  $R_{cb}$  خیلی بزرگ است (تقریباً حدود ۵۰۰۰۰ اهم).

چون با صرف نظر کردن جریان  $I_b$  جریان  $I_c$  تقریباً مساوی جریان  $I_e$  است ( $I_e = I_c$ ) ثانیاً چون  $R_{cb}$  به مراتب بزرگتر از  $R_{eb}$  است پس باید اختلاف سطح متناوب بین کولکتور و بازیس  $u_{cb}$  به مراتب بزرگتر از اختلاف سطح متناوب بین امی تر و بازیس  $u_{eb}$  باشد.

اگر ترانزیستور فوق را بایک چهار پل الکتریکی مقایسه کنیم در نتیجه می توانیم بنویسیم:

$$\left. \begin{aligned} U_1 &= U_{EB} \\ U_2 &= U_{CB} \end{aligned} \right\} \Rightarrow U_a = \frac{U_2}{U_1} = \frac{U_{CB}}{U_{EB}}$$

اگر بخواهیم بطور دقیق این ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح را محاسبه کنیم باید علت متناوب بودن اختلاف سطح نسبت تغییرات اختلاف سطح را بنویسیم در نتیجه:

ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح در مدار بازیس

$$U_a = \frac{\Delta U_{CB}}{\Delta U_{EB}}$$

ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح در مدار بازیس

در یک مدار بازیس ضریب فوق تقریباً حدود ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ می باشد. یعنی اینکه اختلاف سطحی که به مقاومت مصرف کننده می رسد تقریباً ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر اختلاف سطح متناوبی است که به ترانزیستور برای تقویت کردن بین الکتروود های امی تر و بازیس داده می شود.

برعکس ضریب تقویت کنندگی جریان در مدار بازیس حداکثر مساوی یک می باشد چون جریان  $I_1 = I_e$  تقریباً مساوی جریان  $I_2 = I_c$  می باشد و در نتیجه:

ضریب تقویت کنندگی جریان در مدار بازیس

$$U_a = \frac{I_2}{I_1} = \frac{I_c}{I_e} = \frac{\Delta I_c}{\Delta I_e} = 1$$

ضریب تقویت کنندگی جریان در مدار بازیس جهت اختلاف سطح  $U_1$  همیشه مساوی جهت اختلاف سطح  $U_2$  می باشد

$$V_1 = \frac{I_2}{I_1}$$

یعنی مثلاً اگر  $V_u = 200$  باشد و یک اختلاف سطح الکتریکی ولت  $U = 2$  به چهار پل داده شود در نتیجه در آخر چهار پل یک اختلاف سطح  $U_2$

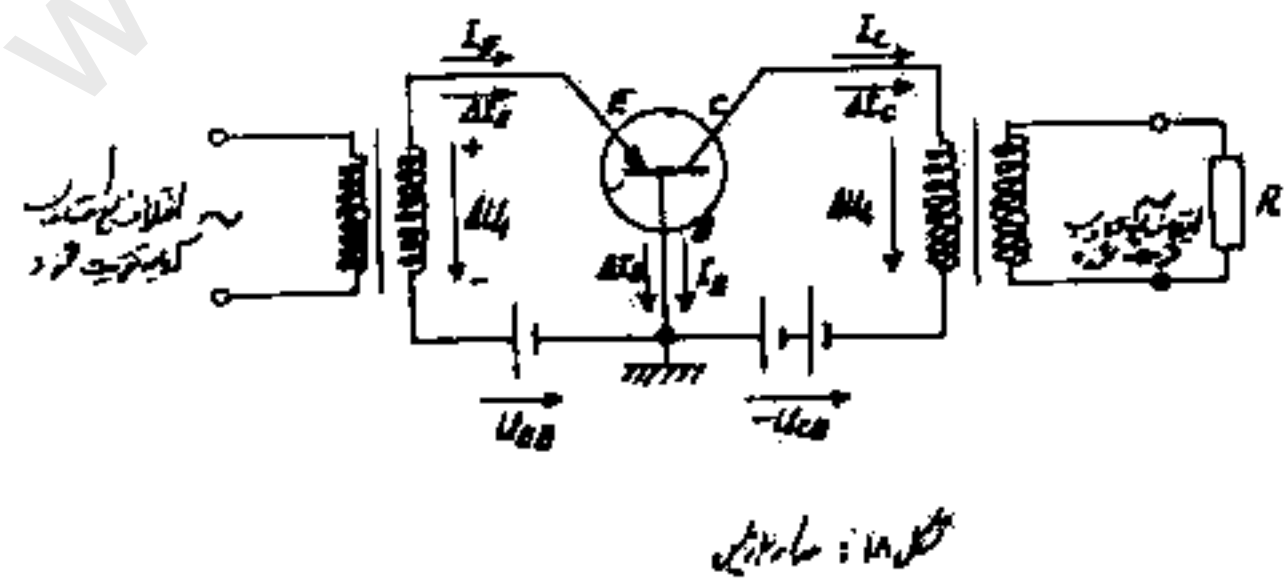
ولت  $U_2 = V_u \times U = 200 \times 2 = 400$  وجود است که در مقاومت مصرف کننده مصرف می شود.

یک ترانزیستور هم در یک مدار الکتریکی طبق شکل شماره ۱۱ یک چهار پل الکتریکی است.

ترانزیستور را می توان به سه طریق مختلف در یک مدار الکتریکی بکار برد. بسته باینکه کدامیک از الکتروود های ترانزیستور به بدنه دستگاه (زمین) وصل شده باشد: سه حالت مدار فوق عبارتند از:

- ۱ - مدار بازیس (Basisschaltung)
  - ۲ - مدار امی تر (Emitterschaltung)
  - ۳ - مدار کولکتور (Colektorschaltung)
- برای خلاصه کردن مقاله فوق فقط مدار بازیس تعریف می شود و در دو مدار دیگر فقط به خواص آنها اکتفاء می شود.

۱ - مدار بازیس  
در صورتیکه بازیس  $B$  یک ترانزیستور به بدنه دستگاه الکتریکی (زمین) وصل شود از یک مدار بازیس (Basisschaltung) صحبت می شود. در این حالت اختلاف سطح الکتریکی تقویت می شود. علت تقویت شدن اختلاف سطح را می توان اینطور تعریف کرد. (شکل شماره ۱۸)



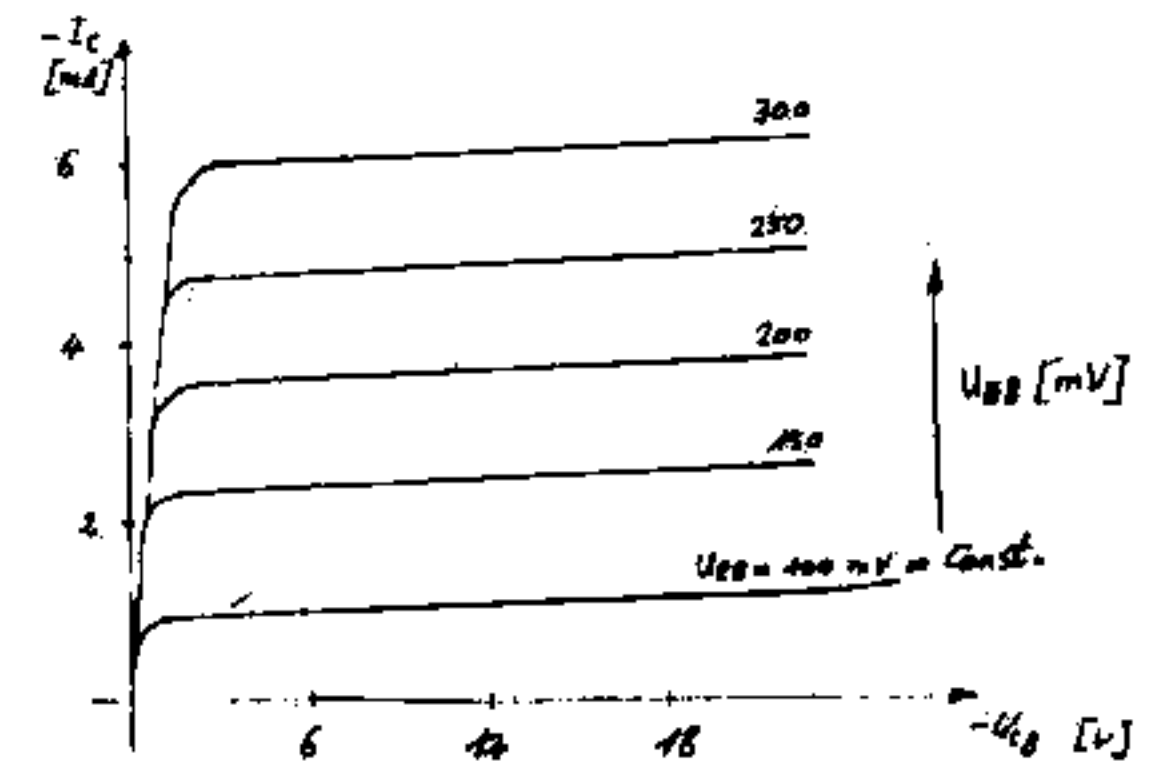
تذکر: جریان و یا اختلاف سطحی که تقویت می شوند همیشه اختلاف سطح و جریان متناوب هستند:

جریان متناوبی که در مدار خارجی کولکتور  $I_c$  عبور می کند تقریباً مساوی جریان متناوبی است که از مدار خارجی امی تر  $I_b$  عبور می کند چون جریان بازیس  $I_B$  بسیار کوچک بوده و قابل صرف نظر کردن است. برای ایجاد کردن این چنین جریان متناوب  $I_e$  در امی تر فقط یک اختلاف سطح الکتریکی متناوب بسیار کم لازم است چون مقاومت داخلی (متناوب) یک ترانزیستور بین امی تر و بازیس  $R_{eb}$  کوچک است (حدود ۱۰۰ اهم). و برعکس مقاومت

بوده و در نتیجه جریان  $I_B + I_C$  و  $I_E$  تقریباً مساوی صفر است. در این حالت جریان امی تر ( $I_E$ ) تقریباً مساوی جریان کولکتور ( $I_C$ ) می باشد. ( $I_C = I_E$ )

یعنی اینکه تقریباً تمام جریانی که از باطری  $U_E$  به امی تر  $E$  حرکت می کند در میان راه منحرف نشده و به کولکتور  $C$  رسیده و بعنوان جریان خارجی کولکتور  $I_C$  از مقاومت مصرف کننده  $R$  عبور کرده و باعث ایجاد یک اختلاف سطح الکتریکی در مقاومت  $R$  می شود.

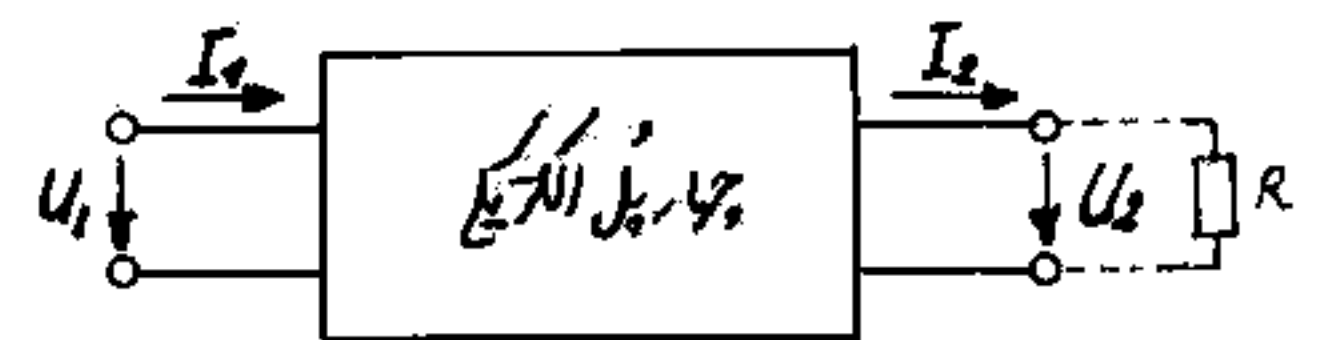
تغییرات جریان  $I_C$  نسبت به تغییرات اختلاف سطح  $U_{CE}$  (اختلاف سطح بین  $C$  و  $E$ ) در شکل شماره ۱۶ کشیده شده.



شکل ۱۶: منحنیهای جریان کولکتور و ولتاژ کولکتور-امی تر یکی از خواص ترانزیستور اینست که جریان و یا اختلاف سطح الکتریکی را تقویت می کند.

قبل از آنکه خواص تقویت کنندگی ترانزیستور توضیح داده شود باید بطور عمومی شرح داده شود که اصولاً مقصود از ضریب تقویت کنندگی چیست؟

شکل شماره ۱۷ یک چهار پل الکتریکی (یک دستگاه الکتریکی با چهار الکتروود) را نشان می دهد.



شکل ۱۷: چهار پل الکتریکی

یک چهار پل الکتریکی دستگاهی است که از یک طرف یک انرژی الکتریکی  $U-I$  گرفته و از طرف دیگر یک انرژی الکتریکی  $U_2 I_2$  پس می دهد که در مقاومت  $R$  مصرف می شود.

ضریب تقویت کنندگی اینطور بیان می شود:

ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح

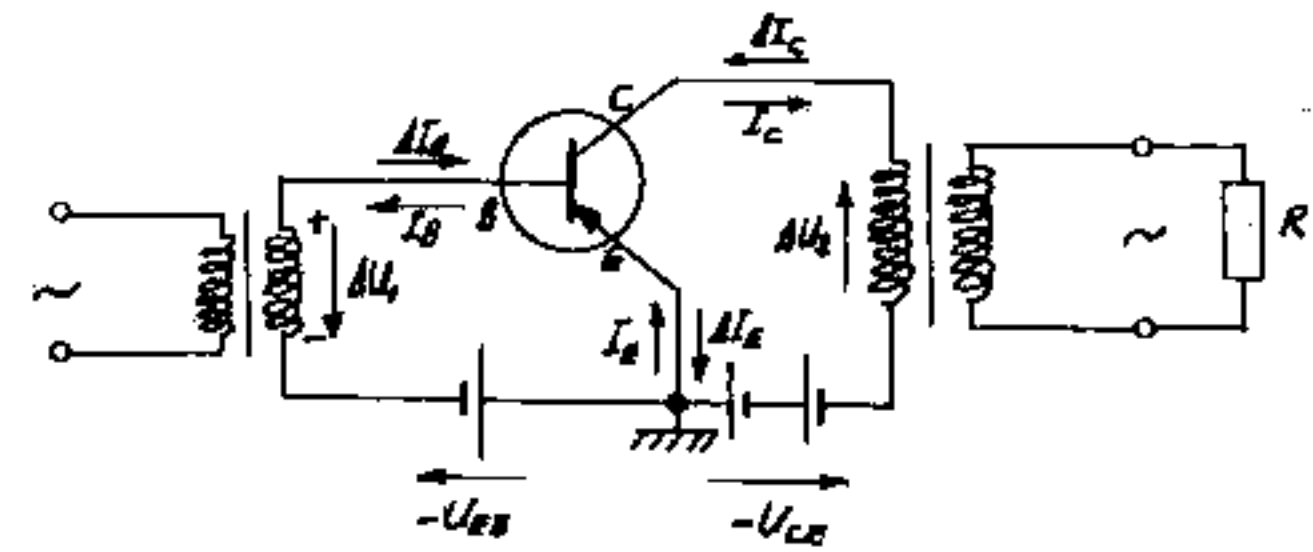
$$V_a = \frac{U_2}{U_1}$$

کنند ( کولکتور را به بدنه ترانزیستور وصل می کنند بطوریکه گرمائی که در اثر عبور جریان الکتریک در کولکتور ایجاد می شود به ترانزیستور صدمه ای نرساند و در این صورت ترانزیستور بهتر شود :

برای نوشتن مقاله فوق و تعریف کردن خواص فیزیکی نیم رسانا ها و ترانزیستور در چند مبحث از کتابهای انگلیسی و بخصوص آلمانی استفاده شده که ذیلا نوشته شده اند : آن عده از خوانندگان عزیز که احتیاج به اطلاعات دقیق تری راجع به ترانزیستور دارند

صفر درجه  
طرز ساختن ترانزیستور ها  
تکنولوژی ترانزیستور يك بحث مفصل بوده و متدهای زیادی برای ساختن ترانزیستور موجود است که در کارخانجات بزرگ نیم رسانا سازی بطور مختلف بکار برده می شوند . جهت اطلاع عمومی در مقاله فوق یکی از متدهای ساختن ترانزیستور انتخاب شده که بطور خلاصه شرح داده می شود . ( شکل شماره ۲۱ )

یعنی اینکه بین دو اختلاف سطح  $U_1$  و  $U_2$  هیچگونه اختلاف فازی موجود نیست .  
۳ - مدار امی تر  
در مدار فوق امی تر ترانزیستور طبق شکل شماره ۱۹ به بدنه دستگاه ( زمین ) وصل شده .

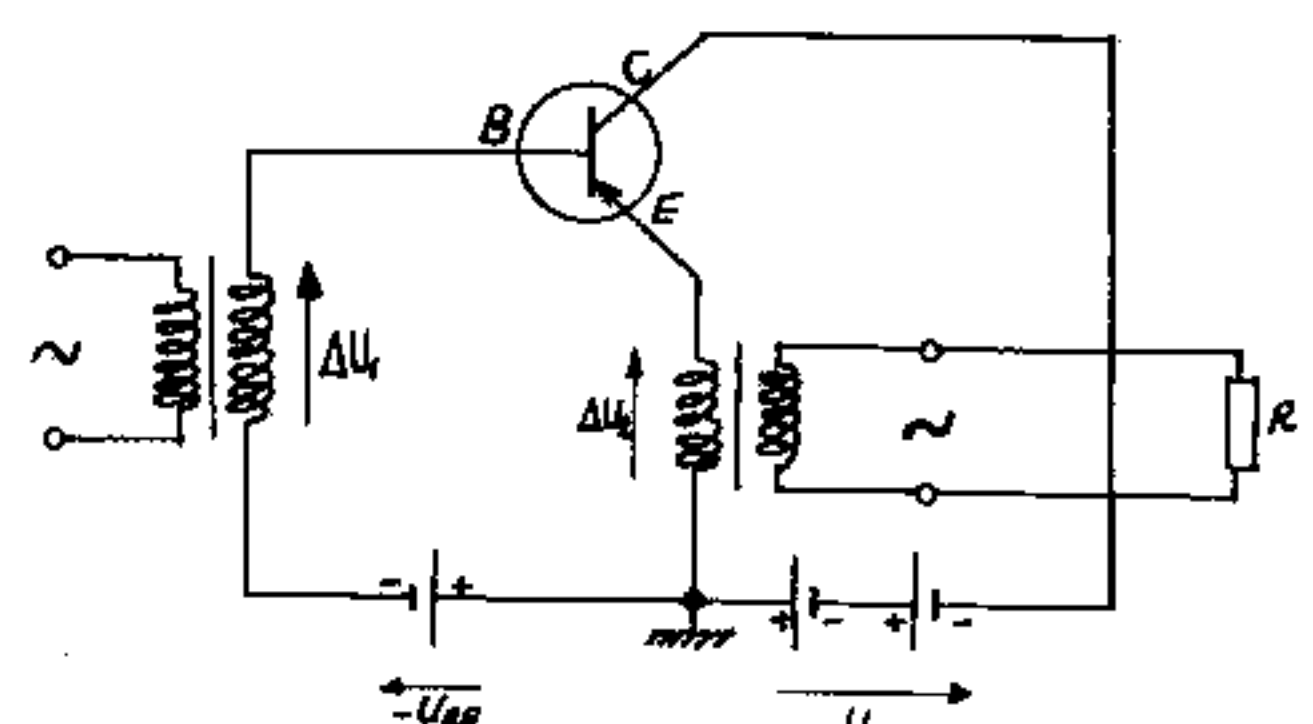


شکل ۱۹ : مدار امی تر

خواص مهم این مدار :  
مقاومت داخلی  $R_{eb}$  : ۴۰۰ تا ۲۰۰۰ اهم  
مقاومت داخلی  $R_{ce}$  : ۱۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰ اهم  
ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح : ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ برابر  
ضریب تقویت کنندگی جریان : ۱۵ تا ۵۰ برابر  
اختلاف فاز بین دو اختلاف سطح  $U_1$  و  $U_2$  : ۱۸۰ درجه یعنی اینکه جهت اختلاف سطح  $U_2$  همیشه برعکس جهت اختلاف سطح  $U_1$  می باشد .

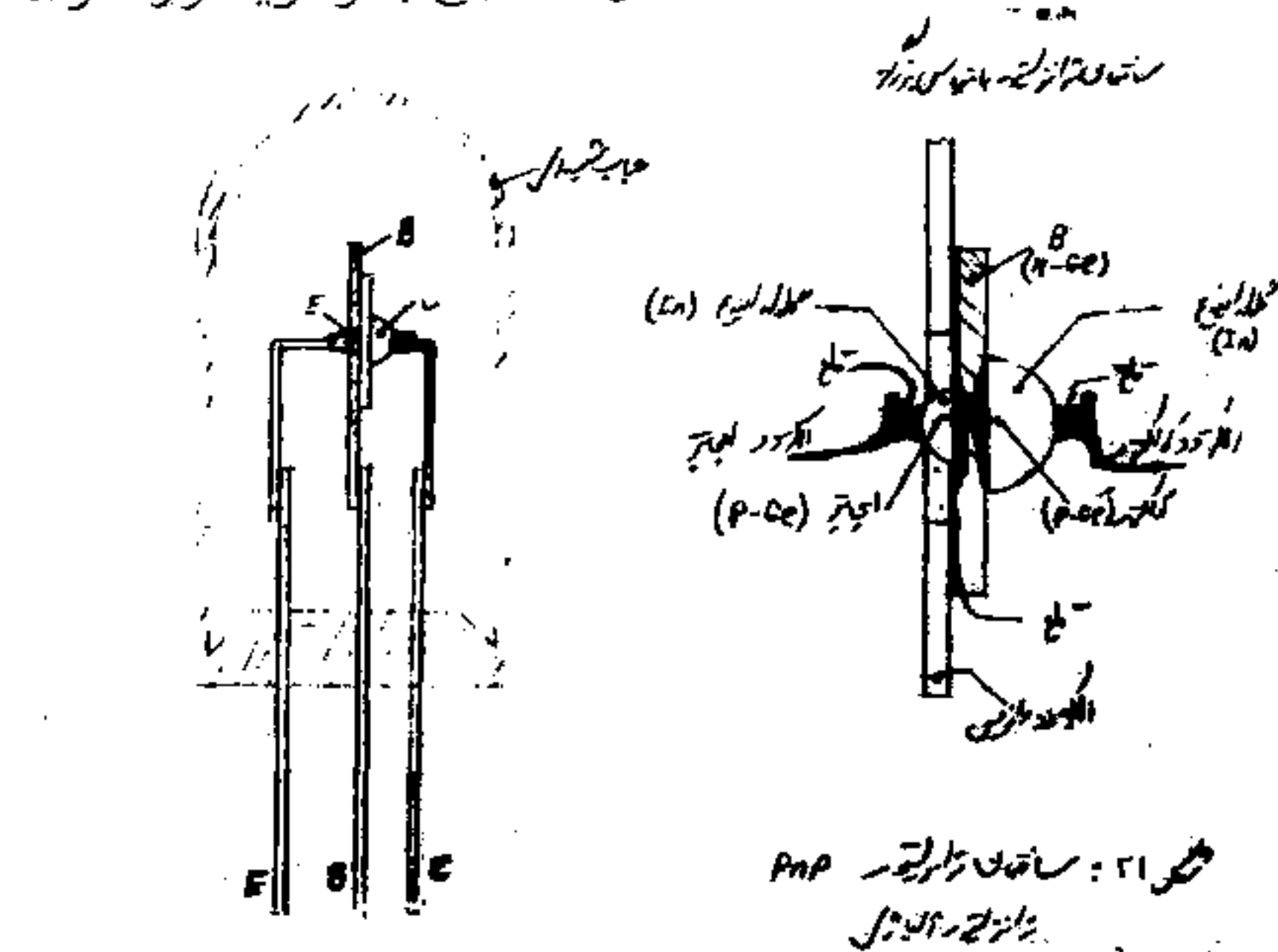
### ۳ - مدار کولکتور

در مدار فوق کولکتور ترانزیستور طبق شکل شماره ۲۰ به بدنه دستگاه ( زمین ) وصل شده .



شکل ۲۰ : مدار کولکتور

خواص مهم مدار کولکتور  
مقاومت داخلی  $R_{bc}$  : ۱۰۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰۰ اهم  
مقاومت داخلی  $R_{ec}$  : ۱۰۰ تا ۶۰۰ اهم  
ضریب تقویت کنندگی اختلاف سطح : حداکثر مساوی ۱  
ضریب تقویت کنندگی جریان : ۲۰ تا ۶۰ برابر  
اختلاف فاز بین دو اختلاف سطح  $U_1$  و  $U_2$



شکل ۲۱ : ساختن ترانزیستور PNP

می توانند در صورت آشنائی بدو زبان کتابهای را مطالعه کرده و یا اینکه با اینجانب تماس بگیرند - شاید بتوانم اطلاعات بیشتری در اختیارشان بگذارم .

### فهرست منابع

Technische Elektromik I/II  
prof. Dr. Ing. Knoll-Eichmeier  
Springer - Verlag - Berlin Heidelberg/  
New York  
Der Transistor I/II  
Telefunken - Fachbuch  
Franzis-Verlag-Muenchen  
Elektronische Bauelemente und Netz-  
werke I  
H.G. Unger / W. Schult z  
Vieweg - Verlag-Braunschweig  
Elektrische nachrichtentechnik II  
Dr. Ing. H. Schroeder  
Verlag fuer Radio - Foto - Kinotechnik  
Berlin  
Transistortechnik  
Shea  
Berliner Union - Stuttgart  
Der Transistor  
Joachim Dosse  
R. oldenburg - Verlag - Muenchen  
Adler - Smith - Longini  
Introduction to semiconductor physics  
Wiley

برای ساختن يك ترانزیستور PNP ابتدا از يك ورقه ژرمنیوم منفی ضخامت ۲۰۰ میکرو متر استفاده می شود که بعنوان بازیس ترانزیستور کار می کند .

در دو طرف ورقه فوق دو گلوله کوچک عنصر ایندیم ( In ) گذاشته می شود ( برای کولکتور و امی تر ) گلوله کولکتور باید بزرگتر از گلوله امی تر انتخاب شود تا آنکه جریانی که از ورقه امی تر حرکت می کند در میان راه به بازیس نرفته بلکه تقریباً تمام آن به کولکتور برود .

این ورقه منفی با دو گلوله فوق در حرارت حدود ۵۰۰ درجه سانتی گراد گرم می شود و در نتیجه دو گلوله ایندیم In طرفین ورقه فوق ذوب شده و در داخل ورقه ژرمنیوم منفی n-Ge رخنه می کنند و نتیجه يك آلیاژ ایندیم و ژرمنیوم دو ظرف ورقه فوق بدست می آید .

وقتی که ماده ایندیم پس از رخنه کردن در ژرمنیوم منفی يك فاصله حدود ۴۵ تا ۵۰ میکرو متر پیدا کردند حرارت دادن تمام شده و پس از آن ورقه فوق را کم کم سرد می کنند .

سه الکترود های ترانزیستور را توسط قلع با امی تر - کولکتور و بازیس لحیم می کنند و سپس آنها را در يك حباب شیشه ای (ویا حباب فلزی) می آورند .

تذکر : در صورتیکه حباب فلزی بکار برده شود ( معمولاً برای ترانزیستور هائی که قدرت الکتریکی زیادی را تقویت می -

سخنرانی آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی و رئیس کمیته مخصوص صدمین سال ولادت لنین در تالار دانشکده ادبیات دانشگاه تهران - ۳۱ فروردینماه .

# یادگارهایی

## از لنین

سال گذشته بود که در همین تالار صدمین سال ولادت گاندی را جشن گرفتیم و نکات برجسته شخصیت تاریخی او را یادآور شدیم . این سنت بسیار خوبی است که اکنون از طرف یونسکو برقرار شده که در بزرگداشت چهره‌هایی که بنحوی از انحاء در بایه‌گذاری

یا تحول تمدن جهانی سهم مؤثر و مفید داشته‌اند قدم بردارد و همه ملت‌ها را شرکت در مراسم تجلیل آنها دعوت کند . شکی نیست که تمدن فردای بشریت، تمدن جامعیت و ارزشهای همگانی خواهد بود و از تلاشهای بیشماری بوجود خواهد آمد که از طرف ملت‌های گوناگون و رهبران فکری آنان برای ایجاد فردا هائی زیباتر و جهانی بهتر و انسانی‌تر میشود . و نیز تردیدی نیست که گاندی و لنین هر دو از کسانی بودند که در جهت دادن به گرایشهای بزرگ فکری زمان معاصر ، هر يك سهم خود (البته با سبک‌هایی مطلقا متفاوت) نقشی مؤثر و مهم ایفا کرده‌اند . از اینرو دو سال پیش که موضوع تجلیل شخصیت این دو نفر بلحاظ سهمی که در پیدایش ارزشهای فرهنگی زمان ما داشته‌اند به کنفرانس عمومی یونسکو پیشنهاد شد نمایندگی ایران به هر دو پیشنهاد رای موافق داد . و در اجرای یکی از آن قطعنامه‌هاست که اینک دور هم گردآمده‌ایم تا صدمین سال ولادت ولادیمیر ایلیچ او لیانوف ملقب به لنین را در اینجا برگزار کنیم .

با علم به اینکه شخصیت‌های برجسته‌ای مثل جناب آقای حکمت و جناب آقای انصاری و سپس جناب آقای یروفیف سفیر شوروی در دربار شاهنشاهی مطالب ارزنده‌ای را در این زمینه بترتیب بیان خواهند نمود ، بنظرم آمد که بنده بعنوان مقدمه بشرح‌جنبه‌هایی از شخصیت لنین بپردازم که در کتب عالمانه و بسیار جدی رسمی ، شاید به هیچ‌کدام از آنها اهمیت فوق‌العاده داده نشود ولی بهمان جهت ممکن است ما را به گوشه‌های گویا و پرمعنائی از شخصیت انسانی او آشنا تر سازد . مطالبی را که به شکل حکایت یا نقل قول یا واقعه می‌خواهم بطور پراکنده ذکر کنم ، در چند هفته اخیر از نوشته‌ها و کتاب‌هایی بدست آورده‌ام که از نزدیکان لنین و دوستانی که با او محشور بودند و در زندگی خصوصی با او نزدیکی داشتند بما رسیده است .

از کودکی او شروع میکنم . همه میدانند که لنین از يك خانواده مرفه که نمونه تیپ خانواده های اینتلیگنتسیای پایان قرن نوزدهم روسیه بود می‌آمد و از ابتدا علاقه شدیدی به کتاب و افکار نو داشت . یکی از معلمانش در مدرسه سیمبیرسک موسوم به فیودور میخایلوویچ کرنسکی Fiodor Mikhailovitch Kerenski ، که تصادفا بعلت شهرتی که پسرش « کرنسکی » بعنوان نخست وزیر اولین حکومت انقلابی روسیه بدست آورد ، در همه دروس به او حداکثر نمرات یعنی + ۵ داده بود .

در باره آن ایام نینا گور فینکل در کتاب خود موسوم به لنین مینویسد :

بانو اولیانوا (مادرش) برای اینکه پسر دومش را از معاشرت های خطرناك دور سازد مزرعه‌ای در نزدیکی ده‌الا کایو کا Alakaievka در شهرستان سیمبیرسک Samara می‌خرد و سعی میکند ولادیمیر را به کشاورزی علاقمند سازد . ولی بجای اینکه پسر به فن کشاورزی علاقمند شود به روستائیان دل می‌بندد . از دهی به ده دیگر میرود ، وضع آنها را بدقت مورد غور و بررسی قرار میدهد ، شرایط زندگی آنان را مطالعه میکند ، با یکایک آنها گفتگو میکند و چون رفتارش ساده و مستقیم و توأم با خوشروئی است روستائیان به همه سؤالات او پاسخ میدهند . . . در این مزرعه است که در باغی بزرگ ، در ته يك خیابانی که دو طرف آن درخت‌های زیرفون بودند ولادیمیر پنج تابستان متوالی پشت يك میز چوبی بکار و تحصیل پرداخت . هر روز صبح همانجا ناشتا می‌خورد و تا سه بعد از ظهر برای تهیه دیپلم دانشگاهی خود بکار مشغول میشد .

لنین مرد بسیار ساده و متواضعی بود . ستالین تعریف میکند که چگونه آشنائی او با لنین در کنفرانس بلشویک‌های فنلاند او را به تعجب انداخته بود :

« عادتاً قبول شده که اشخاص مهم دیر به مجامع میرسند تا مردم با دلهره انتظار ظهورشانرا داشته باشند . بعلاوه حاضرین ورود شخص مهم را با کلمات « سس ... ساکت ... آمد ! » اعلام میکنند . بنظر من هم این تشریفات زائد بنظر نمیرسید ؛ حتی میتوانم بگویم لازم می‌آمد و احترام بیشتر بوجود می‌آورد . با این زمینه فکری ، عجیب و اخوردم وقتی که بمن گفتند مدتی است لنین قبل از نمایندگان دیگر وارد شده و در گوشه‌ای با عادی‌ترین نمایندگان مشغول عادی‌ترین مذاکرات است ... مخفی نمیکم که این کار او را در آئزمان بعنوان نقض نوعی مقررات مستقر تلقی کردم ... بعد ها فهمیدم که این سادگی و فروتنی لنین یکی از قویترین جنبه های شخصیت او بود . »

(نقل از نطق استالین در مدرسه نظامی کرملین - ۱۹۲۴)

عقاید لنین در باره تعلیم و تربیت حاکی از توجه خاص او به جنبه‌های پرورش دهنده و اثرات علمی آن در رشد فکری مردم معمولی بود . به گفته لونا چارسکی کمیسر فرهنگ و آموزش وقت شوروی ، لنین معتقد بود که باید روش‌های جدید و شهادت آمیزی در زمینه تعلیم و تربیت و خودآموزی اتخاذ کرد و دروغ و دورویی و خرافات را از آن بیرون راند و میگفت که تعلیم مواد درسی نباید بصورت کتابی و بی روح بلکه با ارتباط عمیق با واقعیات روزانه زندگی ما صورت گیرد .

بابوشکین Babouchkine یکی از مریدان او که در معادن نمک کار میکرد در باره طرز تعلیم و استدلال او میگوید : «همیشه بدون یادداشت صحبت میکرد . غالباً برداشت مطالب او طوری بود که ما را مجبور به مخالفت با او میکرد تا از آنرا صحت نظر خود را بالمآل واضحتر سازد . آرزویش این بود که همه ما را سخنرانان خوب کند ... شدیداً علاقمند بود که هر يك از ما تنها کار کردن را بیاموزیم و در کار خود مستقل بار بیائیم و بتوانیم اطلاعات لازم را در زمینه مطالعاتمان خود بدست آوریم .»

در گزارشی که به دومین کنگره خدمات فرهنگ سیاسی روسیه ( ۱۷ اکتبر ۱۹۲۱ ) داد مینویسد :

«کافی نیست که بی سواد را از میان ببریم ، مهمتر آنست که اقتصاد شوروی را پایه گذاری کنیم و برای این مقصود خواندن و نوشتن کافی نیست . باید نهضت غول آسائی در زمینه فرهنگ و آموزش و پرورش آغاز گردد . باید طوری کرد که مردم بتوانند در عمل از آنچه که میخوانند و مینویسند استفاده کنند ، مواد خواندنی و روزنامه و نشریات تبلیغاتی در اختیار داشته باشند و این مواد بطور مناسب بین آنها توزیع شود و به همه برسد . نه اینکه میان راه گم شود یا نیمی از آن خوانده شود یا چه میدانیم در ادارات بچه مصارف دیگری برسد و در پایان فقط يك ربع آن بملت برسد . بیایید یاد بگیریم که از منابع محدودمان استفاده واقعی بکنیم .» «این روزها همه خودشان را مارکست میخوانند . ولی هیچوجه نمیفهمند که اساسی ترین نکته مارکسیزم ، دیالکتیک انقلابی آنست . حتی صریح ترین راهنمایی های مارکس را اصلاً نفهمیده اند که میگوید در لحظات انقلاب حداکثر انعطاف لازم است .» کلارا تزتکین Clara Zetkine از قول او نقل میکند که میگفت :

«ما نمیتوانیم همه نیازمندیهای خود را از حیث کادر های رهبری تامین کنیم . مجبوریم که بوروکراتهای تپ قدیم را به کار دعوت کنیم و نتیجه آن شده که در مملکت ما بوروکراسی از نو ظهور کرده است . من با تار و پود وجودم از بوروکراسی متنفرم و مقصودم این یا آن بوروکرات خاص نیست که ممکن است آدم با عرضه و لایقی باشد . اصلاً بوروکراتیزم بخودی خود تنفرآمیز است . چون بدن را در همه سطوح آن فلج و فاسد میکند و بهترین و مطمئن ترین راه از بین بردن و ریشه کن ساختن آن تعمیم تعلیم و تربیت و بالا بردن سطح دانش و علم در وسیع ترین مقیاس آنست ... البته ما کار های زیادی در این زمینه کرده ایم و نسبت به آنچه که بوده موفقیت های بزرگ بدست

آورده ایم ولی این موفقیت ها هنوز نسبت به آنچه که باز باید بشود کوچک است .» «لنین اعتقاد عجیبی به قدرت سازنده و خلاق مردم معمولی داشت و به همین جهت بود که بالا بردن سطح فرهنگ و آموزش آنها را مهمترین هدف انقلاب میدانست . معتقد بود که انقلاب تنها از راه تعمیم تعلیم و تربیت موفق میشود و قدرت آینده نیز از آن کسانی است که بر علوم و فنون تسلط می یابند . «پروزی نهائی را مازمانی بدست می آوریم که شبکه برق سراسر کشور ما را فرا گرفته باشد و کشاورزی و حمل و نقل براساس يك تکنیک محکم و مترقی صنایع سنگین استوار شده باشد ... نیرو ، روشنائی و انرژی است که بالاخره ملت روس را از خواب هزار ساله اش بیدار خواهد کرد ... هرچه جهش بلندتر باشد و دیدها وسیع تر ، تعداد آنهائی که در اثر کارما بحرکت خواهند آمد بیشتر خواهد شد . برای آنکه ما بتوانیم در عمق عمل کنیم ، باید علاقه آگاهانه میلیونها و دهها میلیون انسان را نسبت به کارهایمان برانگیزیم ...»

در نخستین کنگره کارکنان تعلیم و تربیت در اکتبر ۱۹۱۸ لنین این شعارمشهور را میدهد که «تنها با ایجاد مدارس است که میتوان پروزی انقلاب را پایدار ساخت» و در همان کنگره ، پیکار ملی را برای تسویه بیسوادى از سن هشت تا پنجاه سال اعلام میکند و ملت را بیاری می طلبد که توده عظیم بیسوادان کشور را که ۷۰ درصد کل جمعیت را تشکیل میدهند باسواد کند . و بدنبال آن برنامه بلند پروازانه تعلیمات اجباری و مجانی را برای دختران و پسران تا سن ۱۷ سالگی بتصویب رساند که در اثر آن شوروی بسرعت در راه پیشرفت قرار گرفت و در مدتی نسبتاً کوتاه تعداد قابل توجهی مدرسه عمومی و حرفه ای ، کلاس های اکابر ، کتابخانه و قرائتخانه های گوناگون در سراسر شوروی ایجاد نمود .

تشکیلات کتابخانه ها در کشورهای مختلف و طرز استفاده از آنها بنظر لنین آنقدر مهم می آمد که این امر برایش ملاک سنجش رشد آن کشورها شده بود . در یکی از یادداشتها مینویسد که در سوئیس به مردم اعتماد میکنند و اجازه میدهند که به قفسه های کتاب مستقیماً مراجعه کنند ، کاتالوک های فوق العاده خوب تهیه کرده اند و هنگامیکه انسان به کوه میرود کتابهای مورد نیاز او را با پست و در بسته هائی که میتواند برای عودت دادن آنها مورد استفاده قرار گیرد برایش میفرستند . و آرزو میکرد که «اگر روزی انقلاب روسیه عملی شود امیدوارم ماهم چنین تشکیلاتی را در کشور خود ترتیب بدهیم .»

لنین معتقد بود که بزرگترین نیروی يك تشکیلات صحیح و وسیع انقلابی آنست

که مردم را نسبت به منافع واقعی آنها بطور منظم روشن ساخت و با توضیحات مداوم و صبورانه که با احتیاجات عملی آنها منطبق باشد آنها را در جریان مسائل واقعی آنها گذاشت .

لنین همیشه به رفقای روسش میگفت که تماس با جوانان را زیاده تر کنند و با آنها به گفتگو بپردازند و آنها را جلب کنند . یکجا مینویسد : «ماهراس احمقانه ای از جوانان داریم . این هراسی است که از طبقه خورده بورژوازی بما ارث رسیده و ناشی از تنبلی فکری است ... من توصیه میکنم همه آنها را که بخود اجازه داده میگویند ما در روسیه آدم نداریم تیرباران کنند ... روسیه پر از آدم است بشرطی که جوانان آنها با سخاوت و شهامت بیشتر بحساب آورند و از آنها استفاده کنند ... عادات رکود و طبقه بندی اجتماعی و تقدم مقام را کنار بگذارید و صدها کانون جوانان بوجود آورید ...»

از لحاظ سلیقه هنری ، لنین معجون غریبی بود . اصولاً از هنرهای نوع جدید خوشش نمی آمد و بجز آثار سینمایی هنرمندان معاصرش که علاقه خاصی بدان داشت به تلاشهای نوآورانه آنها زیاد خوش بین نبود . نسبت به مایاکوفسکی که ستالین با همه کج سلیقه گی هایش او را شاید بحق بزرگترین شاعر شوروی میخواند اساساً یا مخالف یا بی تفاوت بود و در باره او میگفت : «داد میزند و کلمات عجیب و غریب از خود در می آورد . که چه ؟ این که شعر نمیشود ! قابل فهم هم نیست ... میگویند که با ذوق است ؟ حالا خواهیم دید . وانگهی خیال نمیکنید که این روزها مردم زیاده از حد شعر میگویند ؟» در نامه ای به لوناچارسکی ( Lounacharski ) کمیسر مردم برای فرهنگ بتاریخ ۶ مه ۲۱ ، لنین باو تندی میکند که چرا اثر بی سرتیه «۱۵۰۰۰۰۰۰» ایسن آدم را در ۵۰۰۰۰ نسخه منتشر کرده است . به پاره ای از نویسندگان از قبیل پوشکین ، لرمونتف ، نکراسف و بخصوص چرینشفسکی علاقه زیاد نشان میداد . اصولاً نویسندگان انگلیسی رادوست نداشت . اپتن سینکلر ( Upton Sinclair ) بنظرش ضعیف و بیچگانه بود . از دیکنز هیچ خوشش نمی آمد . در مقابل زلا و هانری باربوس و بخصوص کتاب های روشنائی ( Clarté ) و آتش « Le Feu » او رادوست میداشت .

کتاب مشهور ولی نه چندان تعریفی «چه باید کرد ؟» اثر چرینشفسکی از آثار بسیار مورد علاقه لنین بود ، شاید از این جهت که بیشتر خطوط شخصیت خود را در آن میدید . بطوریکه میدانند این کتاب داستان يك فرد انقلابی مبارز را نقل میکرد که نسبت به رنجهای ملت خود اشک نمیریخت ،

خوش بین و امیدوار و شاد بود و نفع شخصی خود را بهیچوجه مغایر بانفع اجتماع نمی دانست. لنین درباره این کتاب میگفت: «این ادبیات واقعی است، چون هم آموزنده است و هم راهنمایی میکند و هم الهام بخش است!» و میگفت: «در طی يك تابستان پنج بار آنرا خواندم و هر بار افکار جدید و تحریک آمیزی را در آن پیدا کردم.» این کتاب آنقدر در او اثر گذاشته بود که نام آنرا یکی از مهمترین آثار خودش درباره هدفهای انقلاب روسیه داد.

در این زمینه کلارا تستکین از دوستان مشهور و نزدیک او باز چنین نقل میکند: «شب زیبایی بود و ایلچ میخواست ببیند که جوانها چگونه در مجامع اشتراکی خود «Commune» زندگی میکنند. تصمیم گرفتیم که به سراغ واریا آرمان (Varia Armand) که در آن وقت دانشجوی دانشکده هنر و تکنیک بود برویم.

با وجود قحطی، جوانان شور خود را مطلقاً از دست نداده بودند. حتی بزحمت می توانستند روی زمین لخت «کمون» بخوابند. نان نداشتند ولی یکی از دانشجویان با لبخند بما گفت: «در مقابل، جوی خوب داریم». با این جو، آش فوق العاده ای برای ما ساختند که تصادفاً خیلی بی نمک بود. ایلچ به چهره های نورانی ارتست های جوانی که دور او را گرفته بودند نگاه میکرد و شادی خاص آنها بر صورتش منعکس شده بود. بچه ها نقاشی های عجیب و غریب خود را به او نشان میدادند، معنای هر يك را برایش تشریح میکردند و او را با سؤالات بیشمار بمباران میکردند. او میخندید، گاهی جواب مستقیم نمیداد و گاهی با سؤالات دیگری از این قبیل جواب آنها را میداد:

«چی میخوانید؟ آیا پوشکین را می خوانید؟» یکی از آنها بلند گفت: «نخیر! پوشکین بورژواست. ما مایا کوفسکی را می خوانیم.» ایلچ لبخند زد و گفت: «بنظر من پوشکین بهتر است.» بعد از آن شب رویهمرفته ایلچ روی مساعدتری به مایا کفسکی نشان داد و هر بار که اسم او را می شنید یاد این جوانان را میکرد که پر از شادی و نشاط و زندگی بودند ولی در عین حال، در زبان روسی معاصر، کسی را بجز مایا کفسکی و شعر بسته او برای ادای احساساتشان قبول نداشتند. شاید به همین جهات بود که عده ای معتقد بودند که لنین مطلقاً سلیقه هنری نداشت. اما در حقیقت سلیقه اش ساده و بی توجه به مد روز بود و در عین حال معتقد به آزادی آفرینش هنری بود. از جمله میگفت: «هر هنرمندی که برای خود ارزش قائل است حق دارد که آزادانه و طبق ایده آل خود

بدون هیچگونه فشاری به کار خلاق هنری بپردازد».

درباره عقاید دیگر او نسبت به نوآوری هنری، کلارا ترتکین در خاطرات خود حرفهای زیر را از لنین نقل میکند:

«زیبایی را باید حفظ کرد و سرمشق قرار داد، حتی اگر «قدیمی» باشد. چرا باید پشت به زیبایی واقعی کرد و آنرا از ابتدائی کرد تنها به بهانه اینکه «کهنه» شده است؟ چرا باید هر تازه گی را مثل خدا پرستید و اصلاً هر چیز تازه ای را بعنوان اینکه منحصرأ تازه است پرستید؟ در این زمینه من جرأت دارم که خودم را وحشی و بی تمدن بخوانم. من نمیتوانم آثار اکسپرسیونیست، فوتوریست، کوبیست و ایستهای دیگر را بعنوان مظاهر عالی ژنی هنری تلقی کنم. سر از آنها در نمی آورم و لذتی هم بمن نمیدهند.

لنین (در مقابل يك نقاشی عجیب و غریب کوبیست) از ته دل خندید و گفت:

— آری، کلارای عزیز، کاری نمیشود کرد، ما هر دو پیر هستیم. کافست که لااقل در کار انقلاب جوان بمانیم و خود را همچنان در صفوف اول آن نگهداریم. با هنر جدید این کار از ماساخته نیست و همیشه ته صف خواهیم بود و بعد اضافه کرد:

— تازه عقیده من و شما در این زمینه مهم نیست. در جمعیتی که بالغ بر میلیونهاست آن چیزی که هنر به صدها بلکه هزار هافرد میدهد مهم نیست. هنر مال ملت است و ریشه های هنر باید عمیقاً در مردم رخنه کند. مردم باید بدان دسترسی حاصل کنند و آنرا دوست داشته باشند. هنر باید احساسات و افکار و اراده مردم را بیکدیگر نزدیک و متحد سازد و سطح فکر و بینش آنها را بالا ببرد. باید همه آنها را هنرمند بکند... ولی برای اینکه هنر بتواند به ملت نزدیک بشود و در دسترس مردم قرار گیرد ما باید سطح عمومی فرهنگ و تعلیم و تربیت را بالا ببریم... و در این زمینه بدون خودنمایی میتوانیم بگوئیم که کارهای زیاد، کارهای خیلی زیاد، انجام داده ایم. آنطور که منشویکهای همه کشورها از جمله کاوتسکی (Kautsky) شما ما را متهم میسازند نمیتوان گفت که ما فقط «سر بریده ایم»، سرهای زیادی را هم روشن کرده ایم!

يك داستان دیگر که همسر او نادیژدا کروپسکایا نقل کرده است بشکل دیگری معرف این جنبه از شخصیت اوست:

«يك زن فرانسوی روزی یکی دو ساعت پیش مامی آید که خانه را تمیز کند. یکبار ایلچ آوازی از او شنید که آنرا زیر لب می خواند. آواز آلزاسی بود و ایلچ از خدمتکار خواست که آنرا برایش بخواند و کلماتش را دقیقاً بازگو کند. بعدها غالباً

همان آواز را با کلمات زیر همه جا می خواند:

شما الزاس ولرن را اشغال کرده اید.  
ولی ما علی رغم شما فرانسوی میمانیم.  
شما موفق شدید که صحراها و مزارع ما را آلمانی کنید

ولی هیچگاه قلب ما را بدست نخواهید آورد.

این جمله آخر را بارها بخصوص در سالهای دشوار ۱۹۰۹ باشکوه خاصی می خواند. **MAIS NOTRE COEUR VOUS NE L'AUREZ JAMAIS !**

درباره ساخت عاطفی و انسانی شخصیت لنین کمتر نوشته اند، حال آنکه شاید این موضوع نهایت اهمیت را برای درك زندگی و آثار او داشته باشد. لنین اساساً انسان حساس و وفاداری بود. نسبت به عقاید و افکارش و همه کسانی که مورد احترام و علاقه اش بودند شدیداً وفادار بود. عاطفه عجیبی هم به مادرش داشت. خودش هیچگاه پدر نشد ولی علاقه زیادی نسبت به کودکان نشان می داد. گورکی می گفت: «کودکان را با احتیاط نوازش می کرد و با لطافت عجیبی به آنها دست میزد...»

چنین بنظر می رسد که این جنبه از شخصیت لنین با تصمیمات و رفتار سیاسی شدید و خشونت آمیزی که گاه در زندگی خود میگرفت آنچنان هم آهنگ نبود. اما کسانی که او را از نزدیک می شناختند این جنبه های بظاهر متضاد شخصیت او را ناشی از اعتقاد راسخش به افکاری که زندگی و روح او را تماماً در بر می گرفت می دانستند.

در این زمینه ما کسیم گورکی مینویسد: «لنین میتوانست طوفانهای نهفته ای که روحش را متلاطم می ساخت مسکوت نگاهدارد. يك روز که کودکانی را نوازش میداد گفت: «اینها بهتر از ما زندگی خواهند کرد. شاید قسمت اعظم حرمانها و مرارت های امروز ما را نبینند. قساوت و خشونت زندگی آنها کمتر خواهد بود. و سپس با نگاهی که به دور دوخته و آمیخته با فکری عمیق شده بود اضافه کرد: با اینهمه به آنها غبطه نمیخورم. نسل ما در کاری موفق شده که اثرات تاریخی آن حیرت آساست. روزی قساوت و خشونت زندگی ما که جبر وقایع آنرا بما تحمیل کرده درك و توجیه خواهد شد. روزی خواهد رسید که همه، همه چیز را خواهند فهمید.»

غالباً دوست داشت که لحظاتی از زندگی روزانه دور شود و خیال بافی کند و خود را در جهاتی که فارغ از مشکلات و ناپسانمانی های اطرافش بود مجسم نماید. جملاتی که در زیر از آثار کامل او نقل خواهیم کرد در این زمینه بسیار قابل توجه است:

«باید به خیالبافی و رؤیا پرداخت ! هنوز این کلمات را ننوشته‌ام که ناگهان ترسم گرفته است . خودم را در کنگره «وحدت سازی» مجسم میکنم که روبرویم کارکنان و هیات تحریریه «رابوچه» دیه‌لو، Rabotcheye Dielo نشسته‌اند. و پیش خودم فکر میکنم که رفیق مارتینف Martynov با تهدید برخاسته و بمن میگوید :

«اجازه بدهید ! آیا يك هیات تحریریه مستقل هنوز حق آنرا دارد که بدون کسب نظر کمیته های حزبی به خیالبافی و رؤیا پردازد؟» و بعد رفیق کریچفسکی Kritchevski با قیافه‌ای باز هم تهدیدآمیزتر فریاد میزند: «من یکقدم فراتر میروم و از شما میپرسم : اصولا آیا يك مارکسیست حق دارد به خیالبافی و رؤیا پردازد؟»

به احتمال قوی لنین از قدرت خیالبافی عجیب خود در عذاب بود و تمایل دائمیش به فرار بسوی دنیائی که شاید بیشتر با روح او وفق میداد او را راحت نمیکذاشت. نادیژا کروپسکایا تعریف میکند :

«يك شب لنین و گورکی و چند نفر دیگر در آپارتمان زن سابق گورکی یکاترینا پاولوونا پشکوا Yekaterina Pavlovna

Peshkova جمع شده بودند که به قطعاتی از بتهوون که ایزایا دیرووین Isaiah Debrovein بازی میکرد گوش بدهند. نوازنده اپاسیوناتا را مینواخت. لنین بی‌اختیار گفت: «من هیچ چیزی را بهتر از اپاسیوناتا سراغ ندارم . این موسیقی سحرآسا و مافوق انسانی است . همیشه با غرور در این فکر — که شاید از ناحیه من بچگانه باشد — هستم که موجودات بشر چه کار های فوق العاده‌ای میتوانند انجام دهند .»

و بعد گزارش گورکی چنین ادامه می‌یابد : «آنگاه لنین چشمهای خود را حسابی مالید و با لبخندی که غم‌انگیز بنظر میرسید اضافه کرد:

«ولی من دوست ندارم که بیش از اندازه گوش به موسیقی بدهم چونکه روی اعصاب من اثر میگذارد ، مرا جوری تغییر میدهد که هوس گفتن چیز های مهربان و بی‌معنی میکنم و دلم میخواهد دست نوازش بسر کسانی بکشم که در این جهنم بد زندگی میکنند و با اینهمه میتوانند چیز هائی بدین زیبایی بیافرینند . اما حالا زمان نیست که آدم نباید دست نوازش به سر کسی بکشد — چون ممکن است دستت را گاز بگیرند و آنوقت آدم باید توسرشان بزند، بدون رحم بزند ، هرچند که ما از لحاظ ایده‌آلی که بدان معتقدیم اعمال زور را علیه هیچکس قبول نداریم . هم ... هم ... چه کار جهنمی و مشکلی داریم ! ...»

به گفته لوی فیشر «شخصیت لنین دارای چندین خزانه بود که کلید مشترکی برای آنها وجود نداشت . ولی مطالبی که در آن شب گفته است شاید در را بروی همه آنها باز کند. وحشتناکترین مشکل کار او همان بود که سعی میکرد انسانیت خود را در خویش فروکشاند و استعداد شکستن سرها را درخود پیرو راند . لنین دست مخملی خود را در يك جفت دستکش آهنی قرار میداد . همیشه مراغب بود که شخصیت او با آنهمه مهربانی و نرمشی که در آن باقیمانده بود هیچگاه در سر راه وظیفه‌اش قرار نگیرد . او قبل از اینکه دیگران را تحت انضباط قرار دهد خود را به انضباط عادت میداد . خودش را محروم و مقید میساخت تا بتواند دیگران را مقید سازد . او روح خودش را به بت انقلاب فروخته بود و فرمانهای ظالمانه‌اش را اطاعت میکرد ... نه سیکار میکشید و نه مشروب میخورد . مبارزه غذایی بود و کار درمانش. ولی خوب نمیخواهید ... گورکی میگفت «او سکان دار سفینه‌ای است که از حیث بزرگی و سنگینی تنها به روسیه سربی و دهاتی ما میماند .»

گورکی در جای دیگر مینویسد : «در روسیه ، این کشوری که در آن لزوم رنج بردن چون داروی معجزه آسایی برای «نجات روح» تجویز میشود من هیچ کسی را نشناختم که باندازه لنین و با چنین قدرت و عمقی علیه درد و رنجهای انسانها موضع گرفته باشد ... او اعتقاد راسخ داشت که بدبختی اساس درمان ناپذیر زندگی نیست، فقط لکه‌ایست که انسانها میتوانند و باید از خود دور سازند . من این جنبه اساسی طبیعت او را بعنوان خوش بینی مبارزیک ماتریالیست معرفی میکنم .»

و چون وقت بسیار کم است، این مجموعه عکسهائی از لنین را با جملات زیر از نادیژدا کروپسکایا زن وفادار او تمام می‌کنم :

«نوزدهم ژانویه — دیشب داستان «عشق زندگی» جک لندن را برای او خواندم که هنوز هم روی میز اطاقش قرار دارد . چه داستان قشنگی است. دريك صحرای بیکران پر از برف و یخ که هیچ انسانی پایش را آنجا نگذاشته است ، مرد بیماری که دارد از گرسنگی میمیرد میخواهد خود را بسختی به ساحل يك رودخانه بزرگ برساند . دیگر نیروئی در او نمانده است و حتی قدرت راه رفتن ندارد ولی خود را شرم میدهد و میخزد و کنار او نیز گرگ محتضری است که بهمان نحو گرسنه است و روی یخ میخزد و سر میخورد . جنگی بین گرگ و انسان در می‌گیرد . انسان پیروز میشود و نیمه مرده و نیمه دیوانه به هدف خود میرسد. ایلچ خیلی

از این داستان خوشش آمد و روز بعد از من خواست که باز هم برای او چیزی از جک لندن بخوانم .

... اما داستان بعدی بکلی از نوع دیگری بود و مملو از مظاهر اخلاق بورژوازی بود. داستان سفینه‌ای پر از گندم است که ملوان آن به صاحبش قول میدهد آنرا با قیمت معقولی برایش بفروشد و زندگی خود را قربانی میکند تا بتواند به وعده‌اش وفا کند. ایلچ لیخند زد و با حرکت دست عدم علاقه‌اش را به داستان نشان داد . این آخرین باری بود که نوشته‌ای را برای او خواندم .»

سه روز بعد لنین در ۲۱ ژانویه ۱۹۲۴، در حالیکه از پیدایش رقابت های مهلك بین ستالین و تروتسکی و نفاقی که در رهبری بالای حزب رو بفزونی میرفت سخت نگران بود ، جهان را ترك نمود . و به قول مایاکوفسکی «قایق عشق برجدار هستی خورد و درهم شکست .»

زندگی پر شور لنین و جنبه‌های متضاد شخصیت و فعالیت‌های او را مسلماً میتوان از دیدگاههای مختلف مورد مطالعه قرار داد و در نتیجه قضاوت‌های کاملاً متفاوت درباره او کرد. بدین جهت است که گروه بشماري از مردم جهان هنوز او را بدرجه پرستش میستایند و گروهی دیگر او را به عللی دیگر مسئول فجایع بزرگ میدانند . قضاوت تاریخ درباره او هرچه باشد، هیچکس نمیتواند منکر نقش مؤثر او در ایجاد و پایه گذاری نظام جدید کشور خود و سایر کشور های سوسیالیستی جهان امروز بشود . و در زمینه خاص علوم و معارف، اگر اینک همسایه بزرگما شوروی بخود میبald که از هر سه فرد آنکشور یکی در حال تحصیل است ، اگر در مدارس عالی شوروی اینک جمعیتی در حدود ۵ میلیون نفر به تحصیل مشغولند ، اگر ۶۶۰ هزار محقق یعنی يك ربع محققان سراسر دنیا در ۴۶۵۰ موسسه تحقیقی بکار علمی میپردازند و یکی از شعارهایشان آنست که همه باید همیشه و در همه جا تحصیل کنند، به آسانی میتوان گفت که در این موفقیتها و در هر پیشرفتی که در پنجاه سال اخیر نصیب شوروی شده است لنین نقشی مؤثر و اساسی داشت . این از جمله دلایلی است که امروز مردم شوروی با علاقه و احترام و تجلیلی خاص مراسم صدمین سال ولادت او را برگزار میکنند و همه روزه هزاران نفر برای ادای احترام و رفتن به آرامگاه او در میدان سرخ صف می‌بندند . و مردم ما نیز که همواره خاطره خوبی از دوستی لنین نسبت به ایران دارند و تصمیم او را درباره الغای امتیازات استعماری و قرار داد های تحمیلی از یاد نمیبرند امروز در مراسمی که در سراسر جهان برگزار میشود شرکت میکنند .



## دانشگاه موجود زنده‌ای است

گفتگویی با عالی‌خانی رئیس  
دانشگاه تهران

ما در اینجا کارخانه دیپلم سازی نیستیم .

● کشور هم فقط به دانشگاه دیده احتیاج ندارد .

● هیچکس مدعی نیست که عربی نقشی  
در زبان فارسی ندارد ، بهیچوجه ،  
بلکه ...

● هیچ تردیدی نیست که عده‌ای برای  
گرفتن مدرک به اینجا می‌آیند .

● دانشگاههای شهرستانها هم چیزهائی  
دارند که شاید در نوع خود بی‌نظیر  
باشد و ما نداشته باشیم .

● اینکه ما يك روزی بوعلی سینا ها  
داشته‌ایم و امروز نداریم يك واقعیت  
تلخی است و ...

● ما هنوز در نهایت تاسف - در هیچ  
رشته یکنفر را نداشته‌ایم که جایزه  
نوبل ببرد .

● در مورد دانشکده بهداشت باید با  
اطمینان بگویم که همپایه هر دانشکده  
در هر کشور دنیاست .

● ما زبان انگلیسی یا فرانسه را در اینجا  
اجباری خواهیم کرد .

● بزودی برای تمام رشته‌های دانشگاه  
تهران انجمن‌های فارغ التحصیلان  
خواهیم داشت .

● من ادعا نمی‌کنم تمام اصلاحات از  
روزی شروع شده‌است که من به این  
دانشگاه آمده‌ام .

● ما هم سهم خودمان به پیشرفت دانش  
بشری کمک خواهیم کرد تا صرفاً جنبه  
جیره خواری فعالیت دانشمندان  
کشورهای دیگر را نداشته باشیم بلکه  
خودمان هم نقشی در این کوشش  
بزرگ انسانها بعهده داشته باشیم .

تلاش - شما که چندین سال در راس اقتصاد این مملکت قرار داشتید؛ بفرمایید چطور شد که ریاست دانشگاه تهران را پذیرفتید و تا چه اندازه خودتان را آماده برای انجام این مهم می‌دانستید؟

دکتر عالیخانی - آمدنم به اینجا به امر اعلیحضرت همایونی بوده و بنابراین وظیفه من بوده که قبول بکنم، ولی در ضمن این را هم باید بگویم که اشتیاق داشتم که یک چنین افتخاری نصیب من بشود، هم از نقطه نظر اهمیت علمی دانشگاه و هم از این نظر که در شغل قبلی خودم از نزدیک می‌دیدم که تاجه اندازه پیشرفت کشور ما بیش از پیش مربوط به داشتن کادر تحصیل کرده خواهد بود. چون کمبودی در این زمینه در تمام جهات احساس می‌کردیم و به این جهات برای من نهایت باعث خوشحالی بود که بتوانم به دانشگاه تهران بیایم.

تلاش - دانشگاه تهران تاجه حد تابع تصمیمات وزارت علوم و آموزش عالی می‌باشد و تاجه حد آزادی عمل دارد؟

دکتر عالیخانی - دانشگاه تهران کاملاً آزادی عمل دارد و مطابق قانون تابع هیأت امنای خود می‌باشد ولی پاره‌ای مسائل اصولی دانشگاهی را که مربوط به همه ما است با وزارت علوم باید حل بکنیم. مثلاً لوایحی که داریم وزارت علوم باید آنها را تعقیب بکند، یا اقدامات بین‌المللی که از طرف وزارت علوم انجام می‌شود و همه دانشگاهها در آن ذینفع هستند، یا هماهنگی‌هایی که باید در کارهای مختلف باشد. در تمام موارد با آنها تماس داریم و تماس ما هم خیلی رضایت بخش است. تلاش - بفرمائید هر ساله چه تعدادی در کنکور دانشگاه تهران شرکت می‌جویند و از این عده چند نفر پذیرفته می‌شوند؟

عالیخانی - تعداد کسانی که سال تحصیلی ۴۸-۴۹ در دانشگاه پذیرفته شدند در حدود ۳۲۰۰ نفر بود. و کسانی که در کنکور شرکت می‌کنند خیلی بیش از اینها هستند. بطور کلی در سال گذشته نزدیک به شصت هزار نفر در کنکور دانشگاه شرکت کردند و ۸۰۰۰ نفر از این شرکت کنندگان در دانشگاهها پذیرفته شدند و شاید نزدیک به ۲۰۰۰ نفر هم در مؤسسات عالی دیگر.

تلاش - نحوه انتخاب دانشجویان چطور است و آیا بنظر شما این روش (گذراندن کنکور) می‌تواند ملاک این باشد که زبده‌ترین شاگردان دبیرستانی انتخاب شده‌اند و شما اطمینان دارید که این عده محقق بوده‌اند؟

عالیخانی - بله، ما به کنکور احتیاج داریم برای این که بهر حال باید ضابطه‌ای برای تعیین دانشجویانی که وارد دانشگاه می‌شوند داشت. و بهترین ضابطه البته کنکور است. ولی راجع به نحوه خود کنکور می‌شود صحبت کرد که چه نوع کنکوری بهتر است. که آنهم روی تجربیاتی

که در این چند سال شده است، سعی کرده‌اند هر سال تکمیلش بکنند. بررسیهای انجام یافته نشان می‌دهد که علی‌الاصول دانشجویانی که در کنکور قبول شده‌اند، دانشجویانی بوده‌اند که در دوره دبیرستان هم برجسته بودند.

تلاش - آیا در فکر این نیستید که با شرایط و امکانات حاضر تعداد پذیرفته شدگان دانشگاه بیفزایید؟

دکتر عالیخانی - البته در هر جایی که برای ما چنین امکانی وجود داشته باشد، این کار را خواهیم کرد. اما نباید چنین کاری بقیمت پایین آوردن سطح آموزشی برای دانشجویان باشد. ما باید حتی المقدور سعی بکنیم تعداد شاگردان کلاسهایمان خیلی زیاد نباشد تا استاد بتواند به شاگرد برسد. عبارت دیگر باید به اندازه کافی کادر داشته باشیم. این مسئله مهمتر از داشتن آزمایشگاه یا کلاس درس است ولی البته در هر جایی که برای ما میسر باشد، این کار را خواهیم کرد.

تلاش - چرا بعضی از دروس را از مواد امتحانی کنکور حذف کرده‌اید مخصوصاً عربی را که علاوه بر اینکه در گذشته دارای ضرایب دو و حتی سه بوده، در دانشکده‌های حقوق قضایی و ادبیات فارسی و الهیات یکی از مهمترین مواد درسی بشمار می‌آید. در ضمن می‌دانیم که رابطه مستقیمی بین زبان عربی و ادبیات فارسی موجود است تاجیکه وقتی دیوان بزرگترین شاعر این مملکت را باز می‌کنیم با این مصراع «الایایها الساقی ادر کاساً و ناولها» شروع می‌شود و اخیراً هم شنیده شده است که در کنگره شیخ طوسی این زبان را زبان قرآن دانسته‌اید؟

عالیخانی - بله، در قسمت آخر که تردیدی نیست. اما باید در نظر بگیرید که ما در دانشکده ادبیات و حقوق فقط محصل را با دیپلم ادبی نمی‌پذیریم بلکه با دیپلمهای طبیعی و ریاضی هم محصلین می‌توانند وارد این دانشکده‌ها بشوند این عده که با دیپلم ریاضی و طبیعی وارد می‌شوند فقط امتحان رشته خودشان را می‌توانند بدهند که در آن رشته‌ها عربی نیست. ولی اگر بخواهم توضیح دقیق‌تری بدهم اینست که هیچکس مدعی نیست که عربی نقشی در زبان فارسی ندارد، بهیچوجه، بلکه صحبت این است که ما باید آن عربی را که در فارسی وارد شده است، امتحان بکنیم. و حتی تعدادی از استادان بسیار برجسته دانشگاه تهران هم معتقد هستند که تدریس عربی در دبیرستانها باید تدریس عربی برای فارسی‌باشد نه تدریس عربی من حیث خودش. به همین دلیل هم هست که ما تاکنون در دبیرستانها ایمان نتیجه مطلوبی از تدریس عربی به شیوه فعلی نگرفته‌ایم.

ما در کنکور آن مقدار اطلاعاتی را که دانشجوی آینده درباره زبان عربی باید بداند از طریق فارسی امتحان می‌کنیم، یعنی لغاتی که ما بطور دائم در زبان فارسی بکار می‌بریم. فرضاً می‌گویم - دائم، دوام، مداومت و چون این لغات در زبان فارسی آمده‌اند دانشجوی باید بتواند تشخیص بدهد که اینها از یک ریشه هستند و نحوه ساختمان این لغات چگونه است. بنابراین ما باید «عربی فارسی» را از شاگردها امتحان بکنیم و آن برای ما مهم است.

تلاش - در مورد همین درس من توضیحی باید خدمتتان بدهم که در کلاسهای دوره دوم متوسطه (رشته ادبی) این درس را از دروس اصلی می‌دانند یعنی مستلزم داشتن نمره ۱۲ برای قبولی. پس محصل اجباراً بین این زبان و زبان انگلیسی که نمره ۷ می‌خواهد فرقی می‌گذارد. و با همین امید هم در کنکور شرکت می‌کند که در رشته‌های قضائی و ادبیات و غیره با داشتن ضرائب مختلف شانس موفقیت بیشتری دارد. در حالیکه با تصمیمات اخیر شما چنین بنظر می‌آید که در حق این عده از دانش آموزان (گروه ادبی) کمی اجحاف شده است، چه توضیحی در این مورد می‌دهید؟

عالیخانی - با توضیحی که قبلاً دادم فکر می‌کنم موضوع حل شده باشد. به این معنی که بهر حال ما عربی که در زبان فارسی هست در شکم امتحان فارسی امتحان می‌کنیم و بدین صورت نیست که اگر کسی عربی که برای فارسی مورد احتیاج است نداند، می‌تواند نمره خوب بیاورد. بلکه، برعکس آنکسی که در عربی خوب کار کرده است بمراتب نمره بهتری خواهد آورد. و مقصود من این است که اگر عنوان خود امتحان عربی از بین رفته معنیش این نیست که عربی که در زبان فارسی مورد استعمال است، ما او را هم نفی کرده‌ایم، بهیچوجه آن عربی امتحان خواهد شد ولی در زبان فارسی. تلاش - در انتخاب سؤالات کنکور یک نفر سؤالات هر موادی را طرح می‌کند یا این کار بعهده چندین نفر از اساتید واگذار می‌شود؟

عالیخانی - البته اینکار بعهده چندین نفر واگذار می‌شود.

تلاش - برای کسانی که پشت دانشگاه می‌مانند چه فکری کرده‌اید؟

عالیخانی - ما برای تعداد معینی امکان داریم که این عده وارد دانشگاه می‌شوند. اما، کسانی هم که وارد دانشگاه نمی‌شوند با داشتن دیپلم، مورد احتیاج بازار کار مملکت هستند و کشور هم فقط به دانشگاه دیده احتیاج ندارد. کسان دیگری هم می‌خواهد که آنها حتماً باید دیپلم داشته باشند و این افراد میتوانند تخصصهای دیگری پیدا کنند. فرضاً در



کشاورزی است ولی همین علاقمند ورود بدانشکده کشاورزی ممکن است در کنکور آن مردود بشود اما میزان نمرات او به اندازه‌ای باشد که به این دانشجو که بهر حال معدل خوبی داشته است، این اجازه را بدهد که در رشته دیگر مثلاً علوم طبیعی دانشکده علوم یا جغرافیای دانشکده ادبیات اسم نویسی بکند. و نباید يك چنین شانس را از این دانشجو گرفت چون در آن صورت دانشجویان خوب همه به آن رشته‌ای که مورد علاقه آنهاست هجوم می‌آورند و احیاناً بعضی از دانشکده‌ها تعداد داوطلبانش زیاد خواهد بود. آنوقت دانشجویانی که نمره خیلی خوب در کنکور ندارند، می‌توانند وارد دانشکده‌های دیگر بشوند. پس باید تلفیقی بین هردو باشد در بعضی از رشته‌ها می‌بایست گفت اگر انتخاب اول شما نیست نباید بروید، مثل کشاورزی. چون به عقیده من ما وقتی چهار سال وقت دانشجو و مملکت را صرف می‌کنیم باید مطمئن باشیم کسانی را تربیت می‌کنیم که میخواهند کشاورزی را حرفه خود قرار دهند. اما همین دانشجو بهر حال بخاطر استعدادی که دارد بعنوان انتخاب دوم، سوم یا چهارم خودش، باید برایش این امکان را فراهم کرد که بتواند احیاناً به يك رشته دیگری که کمتر مورد علاقه‌اش بوده و برای ما آن حساسیت را ندارد، برود.

**تلاش - آیا آماری در دست دارید که نشان بدهد چه تعدادی از محصلین صرفاً بمنظور تحصیل و کسب علم به دانشگاه می‌آیند، نه بعلت گرفتن لیسانس و استفاده از مزایای آن؟**

عالیخانی - نه. متأسفانه آماری در دست نداریم ولی باید بگویم که همه دانشجویان بخاطر کسب علم نمی‌آیند و تعدادی از اینها فقط بخاطر گرفتن مدرک می‌آیند، شاید اگر يك روز مزایای استخدامی این مدرک کمتر می‌شد آنوقت برای ما سنجش کار راحت‌تر بود. ولی هیچ تردیدی نیست که عده‌ای برای گرفتن مدرک به اینجا می‌آیند.

**تلاش - بفرمائید پذیرش دانشجو با نیازمندیهای اجتماعی هماهنگی دارد یا نه؟ فرضاً اگر ما به پزشک بیشتری احتیاج داشته باشیم این امکان هست که در این رشته بیشتر دانشجو بپذیرید و در عوض از محصلین سایر رشته بکاهید؟**

عالیخانی - بدین صورت باید به این سؤال جواب بدهم که تقریباً در تمام رشته‌ها آن که ما دانشجو بیرون می‌دهیم مملکت به آن احتیاج دارد و احتیاجات مملکت هم در بعضی از رشته‌ها خیلی بیشتر از آن تعدادی است که ما تربیت می‌کنیم. مثل رشته‌های فنی یا علوم یا پزشکی و یادامپزشکی. اما این که اگر در يك دانشکده‌ای تعداد کمتری بپذیریم آیا می‌شود در دانشکده دیگری جبران کرد، باید بگویم که ممکن است يك

بسیاری از کارخانه‌ها، این افراد تدریجاً به تکنیسین تبدیل می‌شوند. یادر ادارات بهر حال برای کارهای جاریشان به دیپلمه احتیاج دارند. همچنین از این عده کسانی هستند که دانشی کافی دارند که بروند و خودشان کار آزاد برای خود دست و پا کنند.

**تلاش - چندی پیش یکی از اساتید دانشگاه در یکی از مجلات طرحی داده بود که دانشکده‌هایی که دانشجو در آنجا با آزمایشگاه سروکار ندارد، می‌توانند دووقته یا حتی سه وقته باشند و این کمک می‌کند که هم تعداد بیشتری دانشجو به دانشگاه‌ها پذیرفته شود و هم بتعداد تحصیل کرده‌های مملکت افزوده شود ممکن است در این باره نظر تان را بفرمایید؟**

عالیخانی - این کار عملی نیست. در آغاز گفتگویمان به این موضوع اشاره کردم - بخاطر اینکه یکی از بزرگترین مشکلات ما برای افزایش ظرفیت، نداشتن کادر کافی است. هم‌اکنون مثلاً تعداد کادر آموزشی ما در دانشکده حقوق که آزمایشگاه نداریم خیلی کمتر از آن حدی است که بتوانیم به همین عده دانشجو، به آن صورتی که می‌خواهیم تدریس بکنیم. یعنی با کمبود کادر روبرو هستیم. این کادر ما کمتر از ۳۰ نفر است برای ۱۸۰۰ نفر دانشجو. آنوقت چطور برای ما ممکن است که کار این کادر را دو وقته یا سه وقته بکنیم؟ برای استاد میسر نیست که از صبح تا غروب مرتب درس بدهد و چنین فردی دیگر استاد نخواهد بود!

**تلاش - آیا بهتر نبود که انتخاب دانشکده‌ها را برای شرکت کنندگان در کنکور محدودتر می‌کردید و به حداقل دو یا سه تقلیل می‌دادید. بدین وسیله هم زبده‌ترین شاگردان قبول می‌شدند و هم اساتید آسایش بیشتری داشتند. مثلاً کسی که دیپلم طبیعی دارد می‌تواند در پنج گروه شرکت کند. این شرکت کننده از ابتدا رشته پزشکی را فراموش می‌نماید. چه تعداد شرکت کنندگان این رشته زیاد و شانس قبولی کم. پس رشته‌های دیگر را انتخاب می‌کند و دو یا سه انتخاب آخر را هم برای دانشکده‌های بنظر خودش کم اهمیت می‌گذارد، و اتفاقاً هم حساب او درست درمی‌آید. در حالیکه نه علاقه‌ای به این رشته داشته است و نه پیدا خواهد کرد. در نتیجه ارزش لیسانس برای این دانشجو اهمیت دارد نه سواد. چه توضیحی در این موارد دارید؟**

عالیخانی - البته باید امکان انتخابات متعددی در بیشتر موارد برای دانشجویان در نظر گرفت. ولی در بعضی موارد هم این نکته که گفتید صحیح است و باید رعایت بشود. مثلاً برای کشاورزی یادامپزشکی یا دندانپزشکی به عقیده من باید تقدم را به دانشجویانی داد که اصولاً علاقمند به این رشته‌هاست. بعبارت دیگر انتخاب اول او دانشکده

مقدار مختصری کمک بکند ولی خیلی به ما کمک نخواهد کرد. مثلاً اگر دانشجوی کمتری در رشته تعاون بپذیریم این تأثیری در دانشکده پزشکی ندارد چون کادر می-خواهد، لابراتوار می-خواهد، ممکن است احیاناً از کلاس درسی که آنها داشته‌اند و کم می-شود برای کلاس درسمان استفاده بکنیم ولی کسی که تعاون درس می-داده است نمی-تواند پزشکی تدریس نماید. یا نمی-شود از آزمایشگاه صرفنظر کرد. بنابراین کاهش در یک رشته الزاماً باعث امکان افزایش در رشته دیگر نیست. و علی‌الاصول نیست. اما ما مراقب این مسئله هستیم که در رشته های مختلف آنچنان کسانی را تربیت بکنیم که مملکت احتیاج دارد. و اگر واقعاً رشته هایی داریم که مورد احتیاج نیست آنها را حذف بکنیم. به همین دلیل هم ما پرسشنامه هایی تهیه کرده‌ایم که مرتباً از دانشکده ها سؤال می-کنیم. از آغاز کار هم که-من بدینجا آمده‌ام این سؤال را کرده‌ام که ببینم هر دانشکده‌ای وظیفه خود را چه می-داند. و آنها چه حدس می-زنند. و بعد با توجه به آمار و امکانات مملکت ما می-گوئیم چه چیز هایی باید وجود داشته باشد، به چه نکاتی باید بیشتر توجه کرد. اینها مسائلی است که ما بطور کلی با آنها مواجه هستیم، باید اینطور خلاصه بکنم که احتیاج مملکت به بعضی از رشته ها بیشتر از رشته های دیگر است ولی به آن رشته ها هم مملکت احتیاج دارد و کادری که ما تربیت می-کنیم جذب می-شود.

**تلاش -** ممکن است بفرمائید در حال حاضر کدامیک از رشته ها بیشتر مورد توجه است و آیا ارتباطی بین این علاقمندی و مایحتاج می-بینید؟

**عالیخانی -** رشته‌هایی که بیشتر مورد توجه است در مرحله اول فنی و پزشکی است که خوشبختانه مورد احتیاج مملکت هم هستند.

**تلاش -** این علاقمندی بیشتر از جنبه مادی است یا معنوی؟

**عالیخانی -** بستگی به نظر دانشجوی دارد، ولی احساس می-کنم که این رشته ها هم بازار کار خوبی دارند و هم برایشان میسر است که داشته باشند و بعلاوه در اجتماع هم پرستیژ بیشتری دارند.

**تلاش -** چرا نمی-خواهید دانشگاه های دیگر را هم به پایه دانشگاه تهران یا بقولی دانشگاه مادر برسانید، شاید این کار را بتوان با سهل ترین نوع آن یعنی فرستادن اساتید برجسته برای مدت یکسال به دانشگاه های شهرستانها انجام داد؟

**عالیخانی -** ما بهیچوجه ادعا نداریم که دانشگاه های دیگر بخوبی دانشگاه ما نیستند و من فکر می-کنم دانشگاه های شهرستانها هم چیز هایی دارند که شاید در

نوع خود بی-نظیر باشد و ما نداشته باشیم. فرضاً وسائل سمعی و بصری که در دانشگاه اهواز وجود دارد مطلقاً در اختیار ما نیست. و اما راجع به اینکه استادان ما چرا نباید بجاهای دیگر بروند و درس بدهند، این منطق دارد: استاد برای اینکه درس خودش را خوب بدهد، راجع به درسش خوب تحقیق کرده باشد، با دانشجویان تماس داشته باشد، لازمه اش این است که در این دانشگاه باشد و برای دانشگاه کاربکند و اگر بخواهد یکی دو روز در تهران باشد و چهارپنج روز در شهرستانها هیچ ممکن نیست. چه، نه درست بدرسش خواهد رسید و نه بدانشجو. و به این دلیل ما با مقررات جدیدمان دیگر اجازه نمی-دهیم که استادانمان در جاهای دیگر تدریس بکنند و البته اگر در مواردی دانشگاه های دولتی - فقط همانها - واقعاً يك مشکلی داشته باشند، ما سعی می-کنیم که برای مدت کوتاهی این مشکل را برایشان حل بکنیم. اما نه بدین صورت که بطور دائم دانشگاهی برای تدریسش بخواهد روی ما حساب بکند. خوشبختانه اکنون خود دانشگاه ها متوجه این نکته هستند. مثلاً در یکی از دانشگاههای شهرستانها که تا دو سال پیش حدود سی نفر از استادان ما در آنجا تدریس می-کردند امسال فقط هشت نفر تدریس می-کنند. و خودشان هم کوشش می-کنند که این تعداد را کم نکنند چون برای آنها هم خوب نیست. آنها هم ترجیح می-دهند که استادی درس بدهد که در اختیارشان باشد، با شاگردان در تماس باشد، و بتواند واقعاً برای آنها کار بکند. و این سیستم که استاد از این منبر به آن منبر برود بهیچوجه صحیح نیست.

**تلاش -** از وضع آموزشی موجود دانشگاه تا چه حد رضایت دارید و اگر بخواهید در نظام حاضر جرح و تعدیلی بکنید کدامیک از سیستم های تعلیم و تربیتی خارج بیشتر با شرایط ما هماهنگی دارد؟

**عالیخانی -** اصولی که ما برای آموزشمان در نظر گرفته‌ایم رویهمرفته اصول صحیحی است ولی باید بگویم که عادت دارم هیچوقت از هیچ کاری بطور مطلق راضی نباشم و معتقدم انسان آنروزی که از خودش راضی شد دیگر پیشرفت و تحول او متوقف شده است. اما اینکه چه سیستمی واقعاً بهتر است، ما انواع و اقسام سیستمهای مختلف کشورها را می-بینیم. البته سیستمی که اکنون در دانشگاه رواج دارد - (چند سال اخیر) - که من معتقدم اصول بسیار خوبی است - سیستم کشورهای انگلوساکسون است. ولی این سیستمها را سعی کرده‌ایم با امکانات و شرایط خودمان تطبیق کنیم. در ضمن دانشگاه موجود زنده‌ای است و هرروز باید تجدیدنظری به مقررات و شرایطش بدهد که چه چیز هایی را باید آورد و چه

چیز هایی دیگر بدرد نمی-خورد. **تلاش -** آیا کادر آموزشی دانشگاه تکمیل است و از این بابت هیچ کمبودی ندارید و اگر نیست چه اقداماتی برای آینده بعمل آورده‌اید؟

**عالیخانی -** ابداً تکمیل نیست و خیلی هم بدنبال تکمیل آن هستیم. امسال اقداماتی از خیلی جنبه ها کرده‌ایم. سعی می-کنیم از میان کسانی که در اینجا به ما مراجعه می-کنند، افرادی صلاحیتی را انتخاب کنیم، کسانی را که در خارج از محیط دانشگاه هستند بدنبالشان برویم، یا با کسانی که در خارج درس می-خوانند تماس داشته باشیم و همه این کوشش ها را می-کنیم، ولی کادر ما کم است.

**تلاش -** در دانشکده ادبیات برای دانشجویان سال اول عمومی دروسی مثل فیزیولوژی، زمین شناسی، ریاضیات و غیره منظور داشته‌اند، البته بعضی از این دروس برای کسانی که روانشناسی یا علوم اجتماعی را انتخاب می-کنند، مفید است، ولی برای آن عده که ادبیات فارسی، زبان و نظایر آنها را می-خواهند بخوانند، چندان مفید نیست بلکه وقتگیر هم هست. اگر چه بظاهر این دروس اختیاری است ولی دانشجوی موظف است چندان از این دروس را انتخاب کند. آیا بهتر نبود برای این عده هم دروسی در نظر گرفته می-شد که بیشتر برایشان مفید بود نه اینکه فقط ۱۴۰ واحد را اشغال کند؟

**عالیخانی -** اینطور نیست. این موضوع کاملاً مطالعه شده است و این دروس بصورت واحد های آزاد در اختیار دانشجوی قرار گرفته است ولی باید در نظر بگیرید که در دنیای امروزی در ضمن اینکه تخصص لازم است، واقعاً مرزی هم بین تخصص های مختلف نمی-شود گذاشت. يك روز تصور می-کردند که فلسفه رشته‌ای است که در آن باید فقط به نگارش اکتفا کرد، در صورتیکه امروز معتقد شده‌اند در همه جا ریاضیات یکی از ارکان مهم درك صحیح فلسفه است. بیشتر فلاسفه بزرگ کسانی هستند که اطلاعات عمیقی در مورد فیزیک، شیمی و علوم دیگر دارند. من خودم چندی پیش یکی از کتابهای «آرتور کستلر» را می-خواندم این کتاب را نویسنده که شاید تصور بشود فقط يك نویسنده است و با مسائل علمی سر و کار ندارد، با همکاری چند نفر از برجسته ترین دانشمندان انگلیس نوشته بود و مسائل آن هم کاملاً جنبه علمی داشت. و من ناگهان متوجه شدم که آقای کستلر آدمی است که در مسائل علمی چندان ناوارد نیست. و کسی که به علوم انسانی توجه دارد حتماً باید يك دانش کلی درباره علوم تجربی داشته باشد. همچنانکه برعکس برای کسانی هم که در رشته های فیزیک و ریاضیات و فنی و غیره درس می-خوانند، لازم است که

با ابعاد دیگر زندگی بشری از نزدیک آشنا بشوند و مثلاً بدانند شعر چیست . آنچنانکه خیام را که ما بعنوان يك شاعر می‌شناسیم در اصل يك ریاضیدان بود و در مواقعی که شاید خیلی خسته می‌شد ، چند رباعی هم می‌گفت و انسان امروزی نباید يك انسان يك بعدی باشد . بنابراین نمی‌تواند صرفاً ادبیات بداند ولی هیچ نوع توجهی به این نداشته باشد که چه روابطی بین اجسام وجود دارد بصورت فیزیك و بقول شما چه مکانیزمی برای زندگی هست ، بصورت فیزیولوژی و غیره و بعکس . و به همین دلیل هم باید بگویم که من خیلی خوشحالم که ما يك گروه شعر در دانشکده دندانپزشکی داریم که شاید اشعارشان بتواند با اشعار دانشجویان رشته ادبیات رقابت بکند . و ما اینها را تشویق می‌کنیم ، برای اینکه باید اینها به مسائل دیگری همه توجه داشته باشند . پس من فکر می‌کنم این‌برایشان حتماً لازم است .

**تلاش - آیا معلومات فارغ التحصیلان نسبت به گذشته بیشتر شده است یا کمتر ، فرضاً يك فارغ التحصیل رشته فنی و یا ادبیات با قیاس به ده سال پیش یا بیشتر از لحاظ علمی پیشرفتی داشته است یا نه ؟**

عالیخانی - همیشه خیال می‌کنیم که گذشتگان آدمهائی خیلی بهتر از آدمهائی موجود هستند ولی شما را به کتاب هزار و یکشب ، فصل سندباد بحری مراجعه می‌دهم ، در آنجا یکی از قهرمانان از مردم زمانه شکایت می‌کند و می‌گوید که «در گذشته مردم بهتر بودند» . منظور من از این گفته این است که ما همیشه گذشته را فراموش می‌کنیم . بقیده من برعکس بخاطر تمام این تماسهائی که ایجاد شده است ، این جوانانی که دارند بیرون می‌آیند آدمهائی هستند که حتماً بهتر از ما تربیت شده‌اند چون این همه امکانات تکنولوژیکی که امروز در اختیار دارند بیست سال پیش در اختیار ما نبود و چهل سال پیش به طریق اولی . این همه کتاب که امروز به زبان فارسی هست اصلاً در تاریخ مملکت بیسابقه است . این همه کسانی که می‌توانند مسافرت بکنند ، بخارج بروند و بیایند ، تلویزیون ، رادیو ، صفحه و غیره ، اینها امکاناتی است که در گذشته تصور آن هم برای ما مقدور نبود . حال اگر بطور متوسط بخواهیم در نظر بگیریم حتماً اینها در سطحی بالاتر از ما هستند . چیزی که هست ممکن است نوع دانشی که ما داشته‌ایم ، آنها امروز نداشته باشند ، چون تقدم و تاخر اهمیت مسائل تغییر کرده است و من هیچ تردیدی ندارم که اینها بهتر از گذشتگان هستند .

**تلاش - ما در گذشته اشخاصی نظیر بوعلی سینا و رازی و امثال آنها داشته‌ایم که این اشخاص در نظامیه ها و حوزه های علمی قدیم تعلیم گرفته بودند . بفرمائید از**

موقعیکه دانشگاه تاسیس شده است چند نمونه درخشان بوجود آمده است و ما نظایر آنها بجامعه چه داده‌ایم و اگر نه ، آیا این دلیل عقب افتادگی نیست ؟

عالیخانی - نه ، ما از موقعیکه دانشگاه تهران را درست کردیم متأسفانه تاکنون يك بوعلی سینا و رازی نتوانسته‌ایم بیرون بدهیم . اما اصلاً این مقایسه برای اینکه بگویم قدیم از حال بهتر بوده است صحیح نیست چون بوعلی سینا يك انسان استثنائی بود و شما چیزی را که باید در نظر بگیرید این است که در جامعه ایران تعداد کسانی که يك معلومات عالی از طریق دانشگاه تهران کسب کرده‌اند چند نفر بوده است و از طریق نظامیه چند نفر . آن وقت خواهیم دید که اینها قابل مقایسه نیستند . یعنی نمی‌شود درباره آنها بحث کرده . و اینکه ما يك روزی بوعلی سینا ها داشته‌ایم و امروز نداریم يك واقعیت تلخی است و بخاطر همین است که چندین صد سال هر نوع تحقیقی و علمی را کنار گذاشتیم - دلیل تاریخی و اجتماعی متفاوتی دارد - و واقعا بیداری ما شاید از روزی شروع بشود که در جنگهای مختلف آغاز قرن ۱۹ شکست خوردیم و يك مرتبه متوجه شدیم که خیلی عقب هستیم و تدریجاً به خود آمدیم بخصوص از زمان اعلیحضرت فقید بعد که بیشتر متوجه آن شدیم ، در آن زمان ما برای بتون ریزی راه آهن مجبور بودیم کارگر ایتالیائی و یونانی استخدام کنیم حتی یکنفر نداشتیم که بتون بریزد . امروز این کادر را تهیه کرده‌ایم ؛ اما امروز هم دیگر نمی‌شود به آن سادگی سابق بوعلی سینا ها تحویل داد . چرا ؟ چون آنها در شرایطی بودند که حجم علوم بقدری کم بود که می‌توانستند تمام این علوم را یاد بگیرند و هر نوع کار کلی را که يك نفر می‌توانست انجام بدهد ، اثری در دانش بشری داشت ، امروز خطوط اصلی دانش بشری ترسیم شده است و کاری که شما می‌توانید انجام بدهید کار دسته جمعی است و کار هائی است که نتیجه تحقیق گروههائی بزرگ است و امکان کار تنها و فردی بسیار کم است . در دوره ما از دانشمندان بزرگ دنیا شاید فقط انیشتین را بشود گفت که يك اثر استثنائی گذاشته است ، بقیه حتی آنهائی که جایزه نوبل هم برده‌اند ، در يك رشته معین توانسته‌اند کار بکنند . اصلاً شرایط فرق کرده است چون حجم دانش بشری و مرز دانش بشری آنچه در سابق بوده است ، نیست . اما در همین حدود هم من می‌گویم که خود را با ابن سینا مقایسه کردن صحیح نیست . ولی اینرا هم اضافه کنم که ما هنوز - در نهایت تأسف - در هیچ رشته یکنفر را نداشته‌ایم که جایزه نوبل برد این يك واقعیت تلخی است و اگر این کار را بکنیم آنوقت سنت ابن سینا را هم حفظ کرده‌ایم .

**تلاش - آیا در تغییراتی که در دروس می‌دهید با اساتید و یالا اهل باسپرستان گروه آموزشی تبادل نظر می‌شود یا نه ؟**

عالیخانی - مطلقاً اینطور است ، بدین معنی که تاما بارئیس و معاون دانشکده مربوط و روسای گروهها صحبت نکنیم هیچ نوع پیشنهاد تغییری نمی‌دهیم . وقتی پیشنهاد تغییر را دادیم و مورد تأیید همکاران خودمان قرار گرفت ، آنوقت سعی می‌کنیم نظر استادان آن گروه را بخواهیم . ولی البته اگر در جایی تغییری لازم باشد بهر حال خواهیم داد . اما اول نظر همه آنها خواسته می‌شود .

**تلاش - تاجه اندازه در موارد علمی خود را با دروس و رشته‌های جدید نزدیک می‌دانید و آیا کوششی شده است (خاصه در زمان تصدی شما) که به دانشجویان رشته های جدید مثل فضا ، نجوم و بطور کلی علوم ده ساله اخیر تدریس بشود ؟**

عالیخانی - البته مثالهایی که زدید مرا وادار می‌کند که بگویم در مورد رشته های جدید ، ما نباید بدنبال هر رشته جدیدی برویم بلکه ما باید بدنبال آن رشته جدیدی برویم که وقتی کسی در آن رشته تخصص پیدا کرد در این مملکت مورد استفاده قرار بگیرد . بعبارت دیگر اگر ما بخواهیم به دانشجویان ، تکنولوژی موشک را بصورت خیلی عمیق درس بدهیم ، این شخص حتماً پس از اینکه تحصیلش تمام شد دیگر بدرود ما نمی‌خورد و باید به کشور دیگری برود . اما به آن رشته از علوم می‌که پیشاهنگ دانش امروزی بشری هستند و مورد استفاده ما قرار بگیرند ، توجه داریم . مثل رشته الکترونیک یا مسائل مربوط به Operational Research و هر نوع تحقیقات دیگری که شاید اسمشان خیلی دهن پرکن نباشد ولی در مسائل بیولوژیک ، فنی و یا هر نوع موضوع دیگر مورد استفاده است . علمی‌ای حال این کوشش را می‌کنیم ولی دنیا مرتب در حال حرکت است و ما هم باید پایه های تکنولوژی و علوم جدید دائماً در حال کوشش و پیشرفت باشیم . چه راضی بودن بآن مفهوم که مغرور شویم و دست از فعالیت برداریم کار خطرناکی است .

**تلاش - عده‌ای از دانشجویان خاصه پزشکان گله دارند از اینکه آنچه که در اینجا به آنها آموخته می‌شود با آنچه که بیرون از ایران می‌بینند حدود ۲۰ تا ۳۰ سال عقب تر می‌باشد ، بفرمائید تاجه حد این موضوع می‌تواند صحت داشته باشد ؟**

عالیخانی - اگر پزشکان این را می‌گویند من زیاد وارد نیستم ولی تصور نمی‌کنم مساله بدین شکل باشد ، من ادعا نمی‌کنم که در تمام رشته‌ها درست در آن استاندارد می‌باشد که باید هستیم ، ولی یقین دارم در بعضی از رشته‌ها باندازه کافی سطح خوبی داریم . بعضی از رشته‌های ما در دانشکده فنی

به عقیده من خیلی خوب است ، در مورد دانشکده بهداشت باطمینان بگویم که همپایه هر دانشکده در هر کشور در دنیا است دانشکده کشاورزی ما در بعضی از قسمت های فوق العاده قوی است ، اینرا در مورد تمام دانشکده ها - از بعضی جهات - می توانم بگویم . اما خوب کادر ما هنوز به قدرت کادری دانشکده های خیلی پیشرفته دنیا نیست و این را نباید منکر شد . از طرفی دیگر هم نمی توانم بگویم که ما در تمام رشته ها خودمان را واقعا به سطحی که امروز در بهترین مراکز علمی دنیا وجود دارد ، رسانده ایم . ولی من می خواهم بگویم که به آن بدی هم که گفتید نیستیم . اما يك اطمینان بشما می دهم که ما متوجه عيوب و گرفتاریهای خودمان هستیم و این مهم است تا بتوانیم اینها را برطرف کنیم .



**تلاش -** در نظر ندارید یکی از زبانهای زنده دنیا را به دانشجویان یاد بدهید تا بدین وسیله کمکی به آنها و حتی خودتان کرده باشید که بتوانند از کتابهای درسی دیگران استفاده کنند . و آیا بهتر نیست اینکار را در سالهای اول و دوم و بایک برنامه شدید و پی گیر انجام دهید تا از اوایل سال سوم آنها بطور کامل بتوانند از عهده این مهم بر آیند . وجه بهتر که در نیمسال اول ورود فقط و فقط زبان به آنها آموخته شود و حتی این درس بصورت نیم واحد یا يك چهارم واحد باشد؟

**عالیخانی -** بله ، این حرف صحیح است . از سال آینده به همین صورت خواهد شد . یعنی برای کسانی که بدانشگاه وارد می شوند ، تدریس زبان را به مقیاس وسیعی انجام خواهیم داد . شاید هفته ده تا دوازده ساعت . و در ضمن قبول شدن در امتحان زبان در تعداد واحدهائی که آنها می توانند بگیرند موثر خواهد بود . برای این کار ما يك بودجه فوق العاده قابل توجهی پیش بینی کرده ایم و شورای دانشگاه تصویب کرده است که يك مرکز زبان بوجود بیاید . هم اکنون رئیس گروه زبان در امریکا است . تا با چند دانشگاه امریکائی تماس بگیرد که ما بتوانیم از تجربیات آنها برای نحوه تعلیم زبان استفاده بکنیم . و ما زبان انگلیسی یا فرانسه را در اینجا اجباری خواهیم کرد ، و باید یاد بگیرند . تعدادی هم استاد از کشور های امریکا و انگلیس یا فرانسه خواهیم آورد ، چون کادری که خودمان در اینجا داریم و می توانیم در تهران پیدا بکنیم ، برای اینکار کافی نیست . بنابراین شاید این یکی از مهمترین فعالیتهای ما در سال آینده باشد .

**تلاش -** یکی از مشکلاتی که هر ساله دانشجویان با آن مواجه هستند موضوع کتابهای درسی و قیمت های بیش از اندازه آنهاست . چه بعضی از ناشرین بصرف اینکه بتوانند خرید این کتابها دانشجویان هستند

تلاش چنانکه اطلاع دارید تا چندی پیش شهریه ای از دانشجویان دریافت نمی شد و اکنون شاید از نظر آنها پرداخت این مبلغ یکی از بزرگترین مشکلاتشان باشد . آیا تصمیم ندارید در این مورد تغییراتی بدهید؟

**دکتر عالیخانی -** قبلا هم شهریه از دانشجویان گرفته می شد و شاید اکنون برای دانشجو خیلی آسانتر شده باشد . بدین معنی که دانشجویی که قادر به پرداخت شهریه نباشد فقط بصرف اظهار خودش شهریه نمی پردازد ولی قول می دهد که پس از رفتن به سرکار این مبلغ را تدریجا به دانشگاه بپردازد . و در حال باید در نظر بگیرید که این میزان شهریه ( که تعدادی از دانشجویان آنرا می پردازند چون از نظر مالی خودشان قضاوت کرده اند این امکان برایشان هست ) خیلی کمتر از میزان هزینه ای است که ما برای دانشجویان می کنیم . بطور متوسط اگر بخواهیم بودجه دانشگاه تهران را سرانه حساب بکنیم در حدود ده یا یازده هزار تومان می شود ولی شهریه ای که از دانشجو گرفته می شود در حدود هزار تومان در سال است .

**تلاش -** بفرمائید اصولا این شهریه به چه مصرفی می رسد ؟

**عالیخانی -** این شهریه جزئی از بودجه دانشگاه تهران را تشکیل می دهد و در کادر کلی آن بودجه مصرف می شود . ولی از نظر بودجه نویسی و اعزایاد تفاوتی ندارد ، بفرض اینکه بگوئید این را مصرف هر چه برسانید معنیش اینست که از پولی که جای دیگر دارید کم کم کسر شود .

**تلاش -** تا چه حد اجازه تحقیق بدانشجو می دهید و آیا تاکنون نمونه های چشمگیری در این مورد داشته اید؟

**عالیخانی -** تحقیقات در دوره فوق لیسانس می باشد نه در دوره لیسانس ، نمونه های چشمگیری من ندارم که بگویم ولی کم و بیش در تمام دانشکده ها به این موضوع توجه داریم و در بعضی از موارد حتی فشار فوق العاده زیادی وارد می آوریم . مثلا در دانشکده بهداشت دانشجویی که تحقیق نکند مسلما قبول نخواهد شد .

**تلاش -** آیا بدانشجویان ممتاز اجازه استفاده از بورسهای تحصیلی می دهید و اصولا شما رابطه مبادله دانشجو با دانشگاههای مهم را دارید یا نه؟

**عالیخانی -** خود ما بودجه ای برای بورس به این معنی که دانشجویان را بخارج بفرستیم ، نداریم . ولی اگر دانشجویی ممتاز باشد و رشته تحصیلی او مورد نیاز ما باشد ، برای دانشگاه تهران با مقررات جدید میسر است که از او پس از طی دوره فوق لیسانس یا در دوره فوق لیسانس بعنوان مربی استفاده بکنیم . و در این صورت ما بابعضی از دانشگاههایی که در تماس هستیم صحبت

و کتاب درسی است قیمت زیادی بر روی آن می گذارند بدون اینکه کنترلی در این مورد بشود . آیا امکان این نیست که این کتابها را خود انتشارات دانشگاه چاپ نماید و بدین وسیله کمکی به دانشجویان بشود ؟

**عالیخانی -** البته دانشگاه تهران هر ساله تعدادی از این کتابها چاپ می کند ولی بهر حال این کتب براساس اصول اقتصادی باید يك قیمتی داشته باشد ، و برای ما هم میسر نیست که کتاب را کمتر از قیمت تمام شده بفروشیم . اما از این نظر که برای بعضی از دانشجویان این فشار زیادی نباشد سعی کرده ایم از کتابهای اصلی درسی در کتابخانه بیشتر دانشکده هایمان نسخ متعددی تهیه بشود تا دانشجو بتواند این کتاب را قرض بکند و بخواند و بعد به دانشکده پس بدهد . از این گذشته ما از سال آینده فشار بیشتری روی یاد گرفتن يك زبان خارجی خواهیم گذارد ، و به این ترتیب سعی می کنیم بدانشجو يك کتاب درسی ندهیم ، بلکه چند کتابی را بعنوان مرجع بفارسی یا به زبان خارجی باو توصیه می کنیم که یاد بگیرد ولی استاد علاوه بر آن کتاب ، خود مسائل دیگری درس خواهد داد . و ما این کار را امسال برای سال اول اقتصاد کرده ایم .

**تلاش -** آیا برای لغات علمی کتابهای دانشگاهی فکری کرده اید ؟ بدین ترتیب که زیر نظر هیئتی معادل این لغات وضع شود و دانشجو مثلا برای يك لغت فرنگی چندین معادل مختلف نداشته باشد و سبب سهولت کار او باشد ؟

**عالیخانی -** با همکاران خودم در دانشکده ادبیات صحبت کرده ام که يك چنین کاری انجام بگیرد . و این را خیلی هم لازم می دانم .

کرده‌ایم که بتوانیم دانشجویان خود را به آنجا بفرستیم و بصورت منظم و بایک برنامه روشن این عده در رشته‌های خاصی تربیت بشوند و دو مرتبه بخود دانشگاه تهران برگردند. این امکان را در نظر گرفته‌ایم.

**تلاش -** چقدر در تحکیم روابط استاد و دانشجو کوشش کرده‌اید؟

عالیخانی - البته این کاری است که هیچوقت نه می‌شود اندازه گیری کرد و نه تمامی دارد. ولی سعی کرده‌ام که خیلی این موضوع را تاکید بکنم. در مرحله اول رئیس دانشکده و روسای گروه‌ها و بعد هم اساتید. در مورد روسای دانشکده‌ها باید بگویم که شخصا خیلی راضی هستم و فکر می‌کنم که با دانشجویان تماس خوبی دارند و امیدوارم با این توصیه‌ای که به آنها شده است، موفق شده باشند که همکاران خودشان را هم به این کار ترغیب بکنند. عده‌ای از استادان ما - که من از آنها سپاسگزارم - یک چنین تماسی را همیشه داشته‌اند ولی ماسعی می‌کنیم که تدریجا به این کاریک جنبه‌همگانی بدهیم. اما نمی‌توانم بگویم که الان هم در این شرایط هستیم.

**تلاش -** حد نصاب نمره برای ورود به دانشگاه‌ها و همچنین دوره‌های عالی تا چه اندازه می‌تواند مهم باشد؟

عالیخانی - تصور می‌کنم منظور شما بخصوص برای فوق لیسانس است که یک حد نصاب نمره گذاشته‌ایم، البته این لازم است. بدین معنی که تعداد کسانی که برای فوق لیسانس می‌آیند باید صرفا کسانی باشند که در دوره لیسانس خوب درس خوانده‌اند و استعداد اینکه در گروه‌های کوچکتر جمع بشوند، دارند و به اینها یک نوع آمادگی برای تحقیق داده می‌شود. باید بگویم که کلاس‌های ما در دوره فوق لیسانس خیلی کوچک است، یعنی کلاسها ۱۵ یا ۲۰ نفری و حداکثر ۳۰ نفری است. بعضی وقتها هم در بعضی کلاسها ۷ یا ۸ نفر بدور هم جمع می‌شوند و به همین دلیل می‌توانیم به این عده برسیم و میسر نیست که تعداد خیلی زیاد باشد - در هیچ کجای دنیا هم اینکار را نمی‌کنند - اما ما باید یا معدل را ملاک قرار بدهیم یا اینکه فقط یک امتحان بکنیم. ما معتقدیم که حتما باید معدل را در نظر گرفت تا اینکه بین دانشجویی که بطور مرتب و مداوم در تمام سالها درسش را خوانده است با کسی که در آن مورد زیاد مراعات نکرده است ولی احیانا حافظه‌ای قوی دارد و می‌تواند در مدت دو یا سه ماه یک مقدار مسائلی را حفظ بکند، امتحان بدهد، احیانا قبول هم بشود و باز هم دوباره یادش برود، تفاوتی باشد.

**تلاش -** چه سرگرمی‌هایی خارج از محیط درس یعنی فوق برنامه برای دانشجویان در نظر گرفته‌اید؟ اعم از مطالعه، سینما،

صفحه بیستم

گردشهای مختلف و مانند آن.

عالیخانی - در مورد گردشها، در زمان عید دانشگاه برای آنها تسهیلاتی فراهم می‌کند و در تابستان هم با همکاری وزارت علوم ما عده‌ای از این دانشجویان را به کنار دریا می‌فرستیم همچنین برای عده‌ای که نیازمند کارآموزی هستند برنامه کار - آموزی تنظیم می‌کنیم. اما کارهای فوق برنامه، مقداری در دانشکده‌های مختلف می‌شود. امسال گروه تئاتر دانشگاه تهران را ایجاد کرده‌ایم که تاکنون دو نمایشنامه اجرا کرده‌اند و یک نمایشنامه دیگر هم بزودی بروی صحنه خواهند آورد. همچنین بزودی فعالیتی بین نمایش و هنر یعنی راجع به مسئله نقالی خواهیم داشت.

از سال آینده سعی خواهیم کرد که بغیر از تئاتر و فیلم در رشته‌های نقاشی و مسائل دیگر هنری هم کار بکنیم در ضمن به موازات گروه‌های موجود این نوع فعالیت‌ها را در خود دانشکده‌ها هم تشویق می‌کنیم که ما بغیر از مثلا تئاتری که بصورت کلی و بنام دانشگاه تهران عرضه می‌کنیم، دانشکده‌های مختلف هم بتوانند برای خودشان چیز هایی داشته باشند که از میان آنها زبده‌ها را به تئاتر دانشگاه عرضه نمایند. در رشته‌های دیگر هم فعالیت هست. مثلا برای ورزش سالن سرپوشیده و مقداری زمین ورزش داریم ولی البته باید خیلی بیشتر از اینها داشته باشیم.

**تلاش -** تا چه اندازه به دانشجویان آزادی در گفتار و کردار داده می‌شود؟

عالیخانی - ما معتقد هستیم که دانشجو باید در این محیط برای گفتار خود آزادی داشته باشد به همین دلیل هم چه در کلاسهایشان و چه در کنفرانسهایی که داریم سؤالات زیادی می‌کنند بخصوص کنفرانسها که از امسال در دانشگاه خیلی زیاد شده است و ما در هر دانشکده هفته‌ای سه یا چهار بار کنفرانس داریم. در این کنفرانسها از تمام سخنرانان خواسته‌ایم که فقط به ایراد سخنرانی اکتفا نکنند بلکه پرسش و پاسخ و بحث و انتقاد باید قسمت مهمی از آن کنفرانس‌ها را تشکیل دهد. مثلا خود من در کنفرانسی که داشتیم شاید بیشتر از نیم ساعت صحبت نکردم ولی یکساعت با دانشجویان بحث می‌کردم.

**تلاش -** مسائل خانوادگی دانشجویان تا چه اندازه مورد توجه شماست. و با توجه به اینکه مدل اصلی هر جامعه مترقی خانواده است بفرمائید آیا دانشگاه کمکی به پیشبرد و تقویت این مسائل می‌کند یا نه؟

عالیخانی - بله، دانشجویان مامشکلاتی دارند اولابیش از پنجاه درصد آنها از شهرستانها می‌آیند و تعداد قابل توجهی از اینها با مشکلات مادی روبرو هستند. بنابراین مسائل خانوادگی که برایشان مطرح می‌شود احیانا در طرز درس خواندن و رفتار آنها اثر می‌گذارد. ما از

طریق سرپرستهایمان و همچنین اداره سر - پرستی دانشجویان تا آنجا که میسر است سعی داریم با آنها تماس داشته باشیم و مشکلاتشان را با تهیه بورس - تهیه کار - راهنمایی و غیره حل کنیم.

**تلاش -** تا چه اندازه به دانشجویان اجازه می‌دهید که مستقیما با خود شما در تماس باشند و مشکلاتشان را با شخصی شما در میان بگذارند؟

عالیخانی - من مقدار زیادی در محوطه دانشگاه پیاده روی می‌کنم و البته در این محوطه دانشجویان مختلف را می‌بینم و با آنها صحبت می‌کنم. گاهی دانشجویان - چون تعدادشان خیلی زیاد است و نمی‌توانم تک تک آنها را در دفترم ببینم - به اینجا می‌آیند و من را به رستوران دانشکده‌اشان دعوت می‌کنند. من به آنجا می‌روم و با آنها صحبت می‌کنم و نماینده‌های دانشجویان دانشکده‌ها با معاون من آقای دکتر مفیدی تماس خیلی زیادی دارند. خود من هم تا آنجائی که برایم میسر باشد آنها را می‌بینم. ولی اگر دانشجویانی باشند که واقعا گرفتاری داشته باشند و بدفتر من مراجعه بکنند هیچوقت به آنها نه گفته نخواهد شد حتی اگر برای یک دقیقه هم باشد آنها را خواهم پذیرفت که چکار دارند و بهر حال تا آنجا که وقت من اجازه بدهد سعی می‌کنم که با آنها در تماس باشم.

**تلاش -** ممکن است بفرمائید اصولا بیشتر این مشکلات روی چه مسائلی دور می‌زند؟

عالیخانی - مسائل مختلفی هست، بعضی اوقات مسائل خانوادگی‌شان را برای من مطرح می‌کنند و از من کمک می‌خواهند که تا آنجا که برای من میسر بوده است، برایشان انجام داده‌ام. که هیچ ارتباطی به دانشگاه هم نداشته است، بعضی از مواقع گرفتاری دانشگاهی دارند که در آن مورد کمک می‌خواهند، بعضی از مواقع به کمک مالی احتیاج دارند که برایشان ترتیب می‌دهیم، حتی یکی دو مرتبه هم راجع به کارشان بوده است که گفتند آمده‌ایم از شما سؤال بکنیم معنی فلان چیز چیست یا فلان کار را داشتیم، یا در یک مورد یکی از دانشجویان وقت گرفته بود تا کتابی بمن هدیه کند.

**تلاش -** دانشجویان مکررا گله می‌کنند از اینکه جزوه‌هایی که بعضی از اساتید به آنها می‌گویند همانهایی است که در ده یا بیست سال پیش به دیگران گفته‌اند بدون اینکه زیاد و کم بشود. فکر نمی‌کنید با پیشرفت‌هایی که امروزه در دنیا می‌شود این عمل بضرر دانشجویان باشد؟

عالیخانی - حتما اگر یک چنین کاری باشد بضرر دانشجویان است، ولی باید بگویم که این موضوع بصورت یکی از آن

کلیشه هائی درآمده است که از بس تکرار می کنند خیال می کنند که واقعیت هم دارد. من نمی خواهم بگویم که چنین مواردی نبوده است ، ولی تصور نکنید که تدریس در دانشگاه تهران اصلش بریک چنین فرمی گذاشته شده است و ما خیلی سعی کرده ایم که چنین فرمی وجود نداشته باشد .

**تلاش - آیا به کوی دانشجویان دانشگاه نظارتی کرده اید تا بخواست های آنها رسیدگی شود و بفرمائید اصولا در چه شرایطی دانشجویان را در آنجا می پذیرید و تا چه حد به آنها کمک می کنید - از هر لحاظ - ؟**

**عالیخانی -** البته چندین بار به کوی دانشگاه رفته ام . بکار آنها هم می رسیم و تصور می کنم تا آنجا که برایمان میسر باشد سعی می کنیم به خواسته های منطقی آنها جواب بدهیم . شرایط رفتن به کوی دانشگاه علی-الاصول این است که اولاً دانشجو باید شهرستانی باشد تا بتواند به آنجا برود و بعد کسانی را بکوی دانشگاه راه می دهیم که این برایشان یک نوع کمک از نظر مادی محسوب بشود . بعبارت دیگر اگر کسی شرایط مرفهی داشته باشد به او توصیه می کنیم که به آنجا نرود . ولی متأسفانه تعداد جائی که در کوی داریم به نسبت دانشجویان کم است . البته وقتی به آنجا وارد می شوند پول خیلی مختصری از آنها گرفته می شود که بزحمت تکافوی تمیز کردن و نگهداری این کوی را می کند . ولی بقیه هزینه اش را دانشگاه می دهد . شرایط پذیرش در آنجا هم براساس نمره ای است که داشته اند و شرایط خانوادگی که هر چه در شرایط سختی تری باشند تقدم بیشتری دارند .

**تلاش - در این صورت دانشجویان سال اول در آنجا پذیرفته نمی شوند ؟**

**عالیخانی -** علی الاصول نه .

**تلاش - چرا اخیراً به مسئله حضور و غیاب دانشجویان سخت توجه کرده اید و اصولاً اینکار بنظر شما مفید است ؟**

**عالیخانی -** صد در صد . برای اینکه ما کنکوری می گذاریم که براساس آن تعدادی دانشجو را به دانشگاه راه می دهیم استدلال ما هم این است که ظرفیت ما یک میزان معینی است و اگر قرار باشد دانشجویی که قبول می شود به کلاس درس نیاید معنیش این است که دانشجوی دیگری که می توانسته است در سراین کلاس شرکت بکند را حذف کرده ایم . و اگر قرار باشد همه اینها بخواهند بیایند ولی در کلاس درس شرکت نکنند واقعاً هدف فقط گرفتن یک مدرک است . نه اینکه در طول سال زحمت بکشند و کار بکنند . پس برای اینکه دانشجو یک راهنمایی صحیحی از طرف استاد بشود ، حضور و غیاب لازم است . و ما صرفاً نمی خواهیم عده ای در منزل خودشان کتاب بخوانند بعد هم در آخر سال بیایند و امتحان

بدهند و مدرکی بگیرند .

**تلاش -** آیا استاد صرف اینکه استاد است دیگر بی نیاز از هر چیز می باشد ؟ در این مورد اشاره ای بکنم به کتاب تاریخ ایران باستان که درباره تعلیم و تربیت متذکر می شود «هم کودک و هم جوان و هم پیر نیازمند به تعلیم می باشد و برای هر کدام از این طبقات معلمان خاصی وجود داشته است که تعلیمات لازم را به آنها می داده اند . آیا چنین تعالیمی هم در اینجا رایج است یا نه ؟

**عالیخانی -** نه تنها در ایران باستان همین امروز هم در حوزه های علمی وضع به همین صورت است اولاً تعداد طلاب به نسبت استاد کم است بنابراین استاد به طلبه خودش می رسد و بعد هم سعی می کنند تا باهم چیز هائی یاد بگیرند و این واقعاً سنتی بود که در کشور ما وجود داشت . و هیچ تردیدی در این نیست که استادان ما باید یاد بگیرند و چون ما خیلی ضرر اینرا کشیده ایم که صرفاً چون یک نفر یکروز باسواد بوده است بفکر این نبوده ایم که این امکان را برایش فراهم بکنیم که همیشه سطح علمی خود را نگهدارد . و به همین دلیل در مقررات جدید پیش بینی کرده ایم که هر چهار سال یک بار هر یک از اعضاء هیئت آموزشی ما بتواند درس ندهد و در یک مرکز علمی ضمن اینکه تمام حقوق و مزایایش را می گیرد کار بکند . البته محلی که او برای کار می رود و نحوه ای که تحقیق می کند باید مورد تایید دانشگاه باشد ولی واقعاً باید اینرا اذعان داشته باشیم که تحول علمی در تمام رشته ها ، بدون استثنای در علوم انسانی رشته های فنی ، پزشکی و تمام رشته های دیگر - آن چنان زیاد است که اگر ما هر چهار سال یکبار این امکان را به استادانمان ندهیم ، عقب خواهیم افتاد . و نه فقط باید بفکر این چهار سال یکبار باشیم بلکه سعی بکنیم در آن مواردی که کنفرانس های علمی هست - که واقعاً برای ما ارزش دارد - شرکت بکنیم یا کنفرانسهائی در مملکت خودمان تشکیل بدهیم یا آنها را به نوشتن مقالات تشویق بکنیم . و ما نوشتن مقالات را که یکی از شروط ارتقاء مقام کادر آموزشیمان دانسته ایم .

**تلاش -** می دانیم که تعداد شاگردان نسبت به گذشته بیشتر شده است ، آیا این نسبت در مورد اساتید هم موجود است یا نه . یعنی نسبت ازدیاد دانشجو با نسبت تربیت استاد هماهنگی دارد ؟

**عالیخانی -** در بعضی از رشته ها اینطور است ولی در بعضی از رشته های دیگر متأسفانه تعداد دانشجو بیشتر شده است بدون اینکه تعداد اساتید زیاد بشود . البته بطور نسبی .

**تلاش -** بیشتر اساتید از این گله دارند که اکثر دانشجویان صرفاً برای اخذ لیسانس و داشتن موقعیت بهتر و مزایای بیشتر به

دانشگاه آمده اند البته خود دانشجویان هم اعتراف می کنند ولی می گویند که محیط این را از ما می خواهد ، نمی خواهید تحولی در این امر بوجود بیاورید ؟

**عالیخانی -** چرا ، بطور قطع و به همین دلیل ، هم به دانشجویان و هم استادان گفته ام که ما در اینجا کارخانه دیپلم سازی نیستیم و نباید توجه ما به این معطوف باشد که فقط نمره ای بدهیم که دانشجو مدرکی بدستش بیاید . بلکه باید به او دانش حسابی یاد بدهیم . من فکر نمی کنم که دانشجویان با یک چنین طرز تعلیمی مخالف باشند . هر وقت که فرصت داشته ام با عده ای از آنها صحبت کرده ام . خودشان هم تایید می کنند . اولاً احترام مدرک دانشگاه تهران به این خواهد بود که در خارج هم ما را محترمانه قضاوت و تایید بکنند که این مدرک نشانه دانش است . از این گذشته کسانی که در این کنکور های سخت ورودی قبول می شوند باید بدانند قدرت مغزی جذب دروس را دارند . بنابراین ما سعی میکنیم بطور خیلی جدی در امتحانات دانشگاهی عمل کنیم و من هیچ دلیلی نمی بینم که آنها از عهده آن امتحان بر نیایند . ولی البته باید بیشتر کار بکنند ، و تا آنجائیکه من استنباط کرده ام دانشجو هم از این موضوع ابائی ندارد . اطمینان می دهم که من جز این نخواهم کرد . در این مورد هم به تمام همکاران خود در دانشکده های مختلف گفته ام و آنها هم این را قبول دارند و این کاری است که ما انجام می دهیم .

**تلاش -** بعضی از اساتید در چندین محل کار می کنند و حتی بعضی ها در چندین دانشکده و مدرسه عالی تدریس می کنند . آیا این باعث نمی شود که وقت آنها از صبح تا شام به تدریس در کلاسهای مختلف بگذرد و فرصتی برای مطالعه نداشته باشند ؟

**عالیخانی -** این صحبتی بود که قبلاً کردیم و من با شما موافقم به همین دلیل در مقررات جدید جلوی این کار را گرفته ایم . و از سال آینده به این وضع برای استادان تمام وقت خاتمه داده خواهد شد .

البته اگر کسی نیم وقت است و یا فقط ساعات معینی برای ما تدریس می کند ، آزاد است .

**تلاش -** آیا زندگی استاد از هر لحاظ تامین است ؟ در نظر داشته باشید که فراغت یک استاد این فرصت را به او می دهد که بیشتر تحقیق کند و این خود ، هم بنفع دانشگاه و هم بنفع دانشجو است .

**عالیخانی -** البته و باید ما به این فکر باشیم . با توجه به امکانات کشور کارهایی که میسر بوده انجام شده است . ولی من معتقد هستم که هر چه قدر ما به این نکته توجه کنیم کار خطایی نکرده ایم .

**تلاش -** چه فکری برای مقررات تمام وقت

صفحه بیست و نهم

اساتید کرده‌اید، از نظر جا و وسائل تحقیق، در حالیکه چنین بنظر می‌رسد مکانهای موجود برای آنها کافی نیست و بیشتر اساتید از این لحاظ در مضیقه می‌باشند؟

عالیخانی - البته. ولی در عرض امسال ما تعداد زیادی اطاقهای کوچک یا بزرگ درست کرده‌ایم که مورد استفاده اساتید مقرر بگیرد و تدریجا هم سعی می‌کنیم اینها را بیشتر کنیم. برای خیلی از آنها هم قبلا وسائل وجا بوده است. بهر حال هر چقدر کمبود داشته باشیم سعی می‌کنیم تا از بین ببریم.

تلاش - آیا از اساتید خارجی برای تدریس در رشته‌های مختلف استفاده می‌شود؟ عالیخانی - اساتیدی داریم که از کشورهای مختلف به اینجا آمده‌اند و با ما برای تدریس یا تحقیقات در رشته‌های مختلف همکاری می‌کنند. و این را تقریبا در بیشتر دانشکده‌ها داریم؟

تلاش - ممکن است بفرمایید در حال حاضر حدوداً چند نفر از این اساتید در دانشگاه تدریس می‌کنند و بیشتر در چه رشته‌هایی است و روش تدریس آنها چگونه است. یعنی مستقیماً با دانشجویان است یا وسائل دیگر مثلاً از وجود مترجم استفاده می‌کنید؟ عالیخانی - از وجود مترجم استفاده نمی‌کنیم و تعداد این استادان ۴۲ نفر است و از این عده در دانشکده‌های مختلف، مثلاً در علوم تربیتی در رشته کتابداری، یا روانشناسی تربیتی با ما همکاری می‌کنند. چند نفر هم در دانشکده‌های بهداشت - دامپزشکی - ادبیات - مرکراتمی و غیره داریم.

تلاش - در نظر ندارید مانند بعضی از کشورها از سیستم آموزش تلویزیونی و یا مکاتباتی استفاده نمایید و آیا اصولاً این روش‌ها را مفید تشخیص می‌دهید؟

عالیخانی - چرا در این مورد ما مطالعه‌هایی می‌کنیم و فکر هم کرده‌ایم که شاید مفید باشد، البته همه دانشگاه‌های متری دنیا این کار را نمی‌کنند بلکه آنها هم این کار را بصورت تجربی برای بعضی از رشته‌ها شروع کرده‌اند. شاید برای رشته‌هایی که کاملاً جنبه نظری دارد مثل ریاضیات و تاریخ‌میسر باشد. اما برای رشته‌هایی که همراه با عمل است، معلوم نیست که جوابش چه باشد. این تجربه در آمریکا، انگلستان، اسرائیل و بعضی از کشورها شده است و در ایران هم تجربیاتی شده که ما امیدواریم بتوانیم از یک چنین روش‌هایی استفاده بکنیم و شاید آنجا بخصوص بتواند این امکان را بدهد که دانشجویان بیشتری را بپذیریم یعنی - کسانی که فقط از طریق تدریس تلویزیونی و غیره با ما در تماس هستند.

تلاش - آیا نخواسته‌اید نظر مقامات و مسؤولین نظام وظیفه را جلب کنید به اینکه این اجازه را به دانشجویان ممتاز بدهند که پس از اخذ لیسانس به تحصیل ادامه داده و

صفحه ۱۸

این کار را تا آنجا که دانشجو می‌تواند و می‌خواهد انجام بدهد. و اصولاً بهتر نیست که اجازه ادامه تحصیل به دانشجویانی که محق می‌باشند داده شود؟

عالیخانی - خود مسؤولین وظیفه عمومی متوجه این موضوع شده‌اند و ما هم با آنها مذاکراتی کرده‌ایم و نمایندگان دانشگاه با نمایندگان وظیفه عمومی جلساتی در وزارت علوم داشته‌اند طرحی هم تهیه شده است که تصور می‌کنم جوابگوی این مشکلات باشد. تلاش - دانشگاه هر ساله تعداد کمی از دانشجویان را برای کارآموزی به کارخانه‌ها و یا سایر نقاط معرفی می‌کند. امکان اینکه این کار را عمومیت بدهید برایتان هست یا نه؟ عالیخانی - این کار در واحدهای صنعتی میسر است. ولی در تمام رشته‌ها برای هجده هزار نفر کار فوق‌العاده سختی خواهد بود. فرضاً اگر یک نفر حسابداری می‌خواند می‌گوییم برود و در مؤسسات مختلف کار بکند، البته این شدنی است. اما کسی که سال اول اقتصاد است هنوز کار زیادی از دستش بر نمی‌آید بهمین دلیل این کار بیشتر در رشته‌های صنعتی و مشابه آن شدنی است. البته برای رشته جنگل یا نظایر آن هم برنامه‌هایی از امسال تابستان شروع خواهیم کرد. تلاش - بعضی از دانشجویان بنا به مقتضای رشته‌ای که می‌خوانند با آزمایشگاه‌های سروکار دارند و کم و بیش هم به این مکانها می‌روند در مورد دانشجویان دیگر که نوعی به آزمایشگاه‌های دیگر احتیاج دارند آیا اجازه تماس نزدیک به این آزمایشگاه‌ها داده می‌شود؟

فرضاً آزمایشگاه یک دانشجوی علوم اجتماعی جامعه است و همچنین آزمایشگاه دانشجوی حقوق سیاسی، آشنایی و شرکت در سیاست و موارد مختلف آن و آزمایشگاه دانشجوی رشته قضایی شرکت در محاکم و نظایر آن می‌باشد.

عالیخانی - در این مورد مسؤولان وزارت دادگستری - که خیلی از کمک‌های آنها سپاسگزار هستیم - دانشجویان رشته قضایی ما را بعنوان کارآموز در دادگستری می‌پذیرند و کمکی هم به آنها می‌کنند. بنابر این اینها تمام فعالیت‌های دادگستری را از نزدیک می‌بینند. همچنین از چندی پیش با همکاری وزرای امور خارجه، دادگستری و کشور ترتیبی داده‌ایم که یک عده از صاحب‌منصبان عالیرتبه این وزارتخانه‌ها با ما همکاری و درباره نحوه تدریس در دانشگاه اظهار نظر بکنند.

آقایان وزرا هم این لطف را بجا کرده‌اند که کادرهای برجسته وزارتخانه‌ها بتوانند در ساعات معینی بیایند یا تدریس بکنند و یا کنفرانسهایی برای دانشجویان بدهند. و روی همین زمینه هم قبلاً گفتیم که ما امسال کنفرانسهایی خیلی زیادی در دانشگاه داشتیم



که در سال آینده بیشتر خواهد شد و هم اکنون تعداد قابل توجهی از کادرهای ورزیده این وزارتخانه‌ها در رشته‌های مختلف تدریس می‌کنند. یا مثلاً مادر دانشکده علوم اجتماعی گروه‌های مختلفی را فرستاده‌ایم که مطالعات فوق‌العاده زیادی درباره جنبه‌های مختلف مسائل اجتماعی کشور کرده‌اند و اکنون کادر خیلی ورزیده‌ای در علوم اجتماعی داریم که می‌توانم بگویم بنوبه خود کادر رضایت‌بخش و خوبی است و قابل مقایسه با بسیاری از نقاط پیشرفته دنیا است.

**تلاش در مورد دانشجویانی که در آزمایشگاه‌ها کار می‌کنند وقتی دانشجو به نتیجه نرسد یا بخواهد تحقیق بیشتری بکند، دبیر و مسؤولین آزمایشگاه‌ها سر ساعت مقرر می‌خواهند بروند، در حالیکه آزمایشگاه باید در اختیار دانشجو باشد، شما در این مورد چه تصمیمی گرفته‌اید؟**

عالیخانی - باید بین دانشجوی دوره لیسانس و فوق لیسانس تفاوت قائل شد. آنهائیکه در دوره لیسانس هستند سر ساعت باید بروند چون گروه دیگری وارد همان آزمایشگاه می‌شوند ولی برای دانشجویان دوره فوق لیسانس که تحقیق می‌کنند، باید برایشان تسهیلات لازم فراهم شود.

**تلاش - رابطه دانشجو با دانشگاه پس از اخذ لیسانس بطور کلی قطع می‌شود و احیاناً اگر فارغ التحصیلی در حرفه‌ای که دارد به اشکالی برخورد کند هیچ مرجع و مأخذی نیست که رفع اشکال او را بنماید. آیا بهتر نیست که این ارتباط همیشه برقرار باشد و فارغ التحصیلان هم بتوانند مانند دانشجویان از مسائل دانشگاه اعم از کتابخانه و آزمایشگاه استفاده بکنند؟**

عالیخانی - قسمت آخری که بعنوان نمونه گفتید زیاد مطمئن نیستم. به این معنی که واقعا نمی‌شود آزمایشگاه را در اختیار کسانی که از دانشگاه بیرون رفته‌اند گذاشت. مگر اینکه کار مشخصی داشته باشند که البته همیشه می‌توانند اجازه بگیرند و بیایند. اما قسمت اول را ما در فکرش بوده‌ایم و آلان هم اساسنامه‌ای تهیه کرده‌ایم و فهرستی هم تهیه شده است که از تعدادی از فارغ التحصیلان دانشگاه دعوت بکنیم. ما بزودی برای تمام رشته‌های دانشگاه تهران انجمن‌های فارغ التحصیلان خواهیم داشت، که این راجحندی پیش هم اعلام کردیم و این انجمن‌های فارغ التحصیلان دانشگاه تهران هستند که باید با مشکلاتی که در اجتماع روبرو می‌شوند و کارهایی که دارند دست همدیگر را بگیرند و هم با دانشگاه در تماس باشند که به آن کمک بکنند و هم به کسی که از دانشگاه بیرون آمده است. یعنی این انجمن‌های فارغ التحصیلان باید واقعا خودشان سعی بکنند فرضاً در آینده پولهایی جمع بکنند که از نظر کتاب و وسائل به دانشگاه کمک بکنند

یا بورس‌هایی بدهند. و یا برای کسی که از دانشگاه بیرون می‌آید در آن رشته کار پیدا بکنند. یا بدانشجویی که احتیاج به مشاوره دارد کمک بکنند و نظیر این نوع مسائل. عبارت دیگر توقع ما از کسانی که از دانشگاه تهران فارغ التحصیل می‌شوند این است که از آن پس آنها کسانی باشند که بخواهند دین خود را به این دانشگاه ادا بکنند. و به این صورت البته دانشگاه همیشه منزل آنهاست همیشه حق دارند که به اینجا بیایند ما هم خوشحال خواهیم شد.

**تلاش - بفرمایید از مدتی که تصدی دانشگاه بعهده سرکار محول شده است چه اقداماتی برای بهبود وضع دانشگاه - اعم از استاد، دانشجو و یا غیره - کرده‌اید. و برای آینده چه طرحهایی دارید؟**

عالیخانی - من ادعا نمی‌کنم که تمام اصلاحات از روزی شروع شده است که من به این دانشگاه آمده‌ام، بلکه خود را مدیون و مرهون تمام کسانی می‌دانم که در این دانشگاه زحمت کشیدند و سنگ روی سنگ گذاشتند تا به این پایه رسیده است. من

هم بسهم خودم و با همکاری کادر آموزشی سعی می‌کنم این دانشگاه را، بیشتر بطرف جلو ببرم. هدفی که من دارم و فکر می‌کنم منحصر بمن نباشد اینست که کاری بکنیم که این دانشگاه بصورت یک مرکز علمی بزرگ و هم‌تراز با پیشرفته‌ترین مراکز علمی جهان دربیاید و ما هم بسهم خودمان به پیشرفت دانش بشری کمک بکنیم و صرفاً جنبه جیره خواری فعالیت دانشمندان کشورهای دیگر را نداشته باشیم بلکه خودمان هم نقشی در این کوشش بزرگ انسانها بعهده داشته باشیم.

**تلاش - اگرچه به این سؤال در خلال پاسخهای قبلی اشاره کرده‌اید، ولی بعنوان یک پاسخ مستقیم بفرمایید آیا شما با ناراحتی‌ها و مشکلاتی درگیر هستید و ممکن است مختصری از این ناراحتی‌ها و مشکلات و یا حتی گله‌های خودتان را بفرمایید؟**

عالیخانی - گله‌ای ندارم، مشکلات نمک زندگی است و زندگی بدون مشکلات بسیار زندگی بیمعنی خواهد بود و اگر هم مشکلی نداشته باشم خودم برای خودم درست می‌کنم.

## از لطائف الطوائف

قزوینی را پسر در چاه افتاد. گفت جان باباجائی مرو تا من بروم رسن بیاورم و ترا بیرون کشم.

قزوینی با سپری بزرگ بچنگ ملاحظه رفته بود. از قلعه سنگی بر سرش زدند و بشکستند. برنجید و گفت ای مردك، کوری سپری بدین بزرگی نمی‌بینی؟ سنك بر سر من می‌زنی؟

شخصی دعوی خدائی می‌کرد. او را پیش خلیفه بردند، او را گفت پارسال اینجا یکسی دعوی پیغمبری می‌کرد او را بکشتند. گفت نيك کرده‌اند که او را من نفرستاده بودم.

شخصی با دوستی گفت که مرا چشم درد می‌کند تدبیر چه باشد؟ گفت مرا پارسال دندان درد می‌کرد برکندم.

اعرابی بحج رفت. در طواف دستارش بر بودند. گفت خدایا یکبار که به خانه تو آمدم فرمودی که دستارم بر بودند اگر یکبار دیگر مرا اینجا ببینی بفرمای تا دنداهايم بشکنند.

گفت و شنود با پرفسور ژیلبر لازار استاد زبانها و فرهنگ ایران در دانشگاه پاریس (سربن)

اصل تمام زبان‌های دنیا چه بوده است؟ ما نمی‌دانیم و احتمال می‌رود که هیچوقت هم ندانیم.

## شرق و غرب یعنی چه؟

زبان همیشه در حال تحول و تغییر است

من یقین ندارم که شعر حافظ را خوب می‌فهمم اما چه کسی می‌تواند این یقین را داشته باشد؟  
\* از شعر فروغ خوشم می‌آید.

\* فهم شعر کلاسیک برای ما خارجی‌ها مشکل است و واقعاً باید به آن عادت داشت تا آن را فهمید.

\* ما نمی‌توانیم در مورد مسائل زمان خودمان به‌طور قاطع قضاوت کنیم، این وظیفه آیندگان است.

\* ادبیات امروز هم دنباله همان ادبیات کلاسیک است و از آن جدا نیست و تنها «عامل زمان» در تغییر فرم آن دست دارد.

\* شعر نیما یک شعر ایرانی است.

لازار - فردا کلاس ادبیات فارسی دارم. منوچهری را می‌خوانیم. از اشعار منوچهری، قصاید و مسطعهایش را با دانشجویان می‌خوانیم و آنرا به زبان فرانسه ترجمه می‌کنیم. این ترجمه ها کمک می‌کند تا آنها بهتر و دقیقتر شعر منوچهری را درک کنند و بفهمند.

تلاش - دانشجویان شما بیشتر از چه کشوری هستند؟

ژیلبر لازار - اغلب فرانسوی هستند. تلاش - موضوع تدریس شما در دانشکده زبانهای شرقی پاریس چیست؟

ژیلبر لازار - «زبان و ادبیات فارسی» زبانهای مختلف فارسی و لهجه های ایرانی مثلاً روز جمعه درس ما درباره «فعل» است. از چند ماه قبل تا به حال کوشش کرده‌ایم سیستم فعل را در زبان فارسی (هم در فارسی ادبی و هم در فارسی عامیانه تهرانی و فارسی روستایی، مثل سیستانی و فارسی کابلی) بشناسیم و نیز اینکه بدانیم تفاوت بین این لهجه های مختلف چیست. روز جمعه آینده به تدریس زبان کردی شروع خواهیم کرد و آنرا با فارسی و لهجه های دیگر ایرانی مقایسه خواهیم کرد.

تلاش - آیا این دانشجویان مستقیماً دانشجوی رشته زبان و ادبیات فارسی هستند و یا اینکه از سایر دانشکده ها به صورت آزاد در کلاس شما شرکت می‌کنند و حاضر می‌شوند؟

ژیلبر لازار - بیشتر دانشجوی رشته ادبیات و زبان فارسی هستند و می‌خواهند دکترای این رشته را بگیرند بعضی ها هم به صورت آزاد در کلاس حاضر می‌شوند.

تلاش - آقای لازار، خود شما چگونه شد که با زبان فارسی آشنا شدید؟

لازار - خوب من زبان شناس هستم و بیشتر علاقه‌ام به زبانهاست. اتفاقاً با پرفسور «ماسه» که استاد بود صحبت می‌کردم، دیدم از زبان فارسی بسیار خوشم می‌آید و برایم جالب است در نتیجه این زبان را برای تحصیل انتخاب کردم و به‌طور کلی شروع به آموختن زبانهای ایرانی، از جمله اوستایی، پهلوی، فارسی، کردی و پشتو و غیره کرده‌ام. این قضیه مربوط می‌شود به ۲۵ سال قبل... خیلی وقت پیش است.

تلاش - شما بیشتر از راه ادبیات به زبان فارسی نزدیک شدید و یا از طریق ارتباط مستقیم با مردم؟

لازار - از هر دو طریق. چون در ایران هم بودم البته اول تحصیلات فارسی را در فرانسه شروع کردم: در مدرسه زبان های شرقی پاریس و نزد پروفیسور «بنونیست» بعد به ایران سفر کردم و چند سالی در آنجا ماندم و عملاً طی مسافرتها می‌کردم که به نقاط مختلف ایران کردم، با مردم نواحی مختلف

و طرز تکلم آنها آشنا شدم.

تلاش - دلیل از بین رفتن و یا حتی مرگ برخی زبانهای باستانی و جایگزین شدن زبانهای نو به جای آنها چیست؟ و آیا به نظر شما از دوره های مختلف زبان فارسی کدام دوره از داشتن زبانی دقیقتر و خالص تر برخوردار بوده است؟

لازار - واقعاً نمی‌شود گفت که زبانها می‌میرند و از بین می‌روند. مثلاً زبان لاتین از بین نرفته است. لاتین تغییر کرده و زبانهای لاتینی از آن به وجود آمده است: در ایتالیا، ایتالیایی، در فرانسه، فرانسوی و در اسپانیا، اسپانیایی... زبان لاتین بنابراین از بین نرفته است. زبان همیشه در حال تحول و تغییر است، و همیشه هم همینطور بوده است. یعنی زبان فرانسه امروز با زبان فرانسه سه قرن پیش فرق دارد. فارسی هم همینطور. فارسی امروز البته با فارسی دوره تیموریه فرق زیادی ندارد اما کاملاً هم مثل آن نیست و یک تفاوتهایی با آن دارد. و این کاملاً عادی است. در جهان همه چیز در حال تغییر است و زبان هم همینطور.

تلاش - در مقایسه زبان امروزی فارسی با زبان دوره هخامنشی چه نظری دارید؟

لازار - خوب نمی‌شود گفت که بیشتر کلمات فارسی امروزی در فارسی هخامنشی وجود داشته است. اما بعضی از کلمات در فارسی باستان زبشهای دارد. مثلاً خود کلمه «گفتن»، که امروز اینطور استعمال می‌شود در فارسی زمان هخامنشی ریشه‌ای مثل گوها gouha داشته است که همین گفتن است.

تلاش - این تغییر فرم، آیا به نظر شما در جهت تکامل انجام گرفته است؟

لازار - نه، نمی‌شود گفت در جهت تکامل زبان بوده است.

تلاش - اما تغییرات پدیده ها در جهان همه از حس نیاز به تکامل به وجود آمده‌اند... شاید نیاز های مردمان از نظر بیان فرق کرده باشد؟

لازار - این صحیح است. نیازهای مردم حتماً فرق کرده... اما رویهمرفته تغییر فرم زبان معلول عوامل زیادی است. تلاش - اگر بپذیریم که همه زبانها، به صورت بدوی آنها، تنها ایجاد اصواتی برای برقراری ارتباط بوده است، آیا زبانها به میزان پیشرفت موسیقی تکامل داشته‌اند؟

لازار - باز هم فکر نمی‌کنم بشود از کلمه «پیشرفت» استفاده کرد می‌شود گفت «تحول». ما نمیدانم اصل تمام زبانهای دنیا چه بوده است و احتمال می‌رود که هیچوقت هم ندانیم. چون مردم هرگز بی‌زبان نبوده‌اند یعنی وقتی مردم زبان نداشتند می‌شود گفت که اصلاً مردم نبوده‌اند. پس من

با تحول زبانها موافقت بیشتری دارم تا با تکامل زبانها و جهت تحول را هم نه تنها من بلکه فکر می‌کنم هیچکس نتواند تشخیص بدهد. واقعاً هم نباید مساله زبان را با دیگر پدیده های اجتماعی و فنی مقایسه کرد.

تلاش - اما زبان مستقیم ترین ارتباطها را با زندگی و با انسان دارد. و اگر بخواهیم از میان هنرها نمونه‌ای برای زبان بیابیم تنها هنر معماری بستگی اینگونه مستقیمی با انسان و جهان دارد.

لازار - شما از هنر نام بردید. آیا می‌شود گفت هنر پیشرفت کرده است؟ نمی‌دانیم. آیا یقین دارید که هنر امروز از هنر دو هزار سال قبل متمایزتر است؟ نه نمی‌شود به این سؤال جواب داد. «هنر تحول کرده» این را می‌شود باراحتی و شجاعت گفت. تحول زبان هم مثل تحول در هنر است.

تلاش - در مورد آمیزش زبان عربی با زبان فارسی و تداخل حروف عربی در الفبای فارسی و در نتیجه تغییر صوتی زبان فارسی چه عقیده‌ای دارید؟

لازار - از نظر فونتیک، من فکر می‌کنم زبان فارسی امروزه حتماً با زبان فارسی دیرین نزدیکی و بستگی بیشتری دارد تا با زبان عربی. اما در مورد کلمات عربی زیادی که به خود گرفته. بله می‌شود این را قبول کرد. ولی باز هم خود زبان، زبان فارسی است و ریشه زبان با زبان عربی هیچ رابطه‌ای ندارد: هم از لحاظ صوت و هم از لحاظ دستور زبان.

تلاش - در مورد آمیزش این دو زبان چگونه فکر می‌کنید، آیا این آمیختگی باعث ناخالص زبان فارسی نشده است؟

لازار - آیا می‌توان گمان داشت که یک زبان خالص در همه دنیا وجود داشته باشد؟ همه زبانها تا اندازه‌ای آمیختگی دارند.

تلاش - نباید «بستگی» را با «آمیختگی» اشتباه کرد.

لازار - به آن صورت که اول گفتند در مورد همه زبانها آمیختگی مطرح است تا بستگی... مثلاً ببینید که چقدر در زبان انگلیسی کلمات لاتینی و فرانسوی وجود دارد. فارسی مثل انگلیسی است. تغییر فرم کلمه‌ها را هم که در زبان انگلیسی وارد شده‌اند، البته باید در نظر داشت. کلمات عربی هم که در فارسی امروزه استفاده می‌شود، تلفظشان تغییر کرده است. مثلاً در فارسی کلمه غذا و یا قضا تلفظ کاملاً متفاوتی از تلفظ آنها در زبان عربی دارند. تلاش - اما در نوشتن که اصلاً تغییر نمی‌کنند.

لازار - خوب، این به دلیل آن است که ایرانی‌ها خط عربی را گرفتند. تلاش - در حالیکه فرهنگستانی که

در ایران وجود داشت ، اقدام به ایجاد معادلهای فارسی کلمات عربی زبان فارسی کرده بود ... در این مورد چطور فکر می کنید ؟

لازار - چون کلمه‌هایی که فرهنگستان وضع کرد از بین رفت ، شاید آن کار ضروری نبود . البته کلمات دولتی و رسمی که فرهنگستان ساخت از بین نرفت . مثلاً امروز وزارت معارف را ، وزارت فرهنگ می گویند . اما کلمه‌های غیر معمولی که وضع شد ، از بین رفت ، چون واقعاً نه دولت و نه فرهنگستان و نه دانشگاه نمی‌تواند بگوید : از این به بعد مردم از این کلمه استفاده کنند و از آن کلمه استفاده نکنند . این عملی نیست .

تلاش - اما ، این کار را می‌دانید که در ترکیه انجام دادند و حتی در ایران هم حرفش بر سر زبانها بود ..

لازار - تا اندازه‌یی ... اما نه واقعاً در خود زبان ترکی این تغییر فقط در خط ترکی ایجاد شد و نه در زبان و نه در محاوره . اگر خط تغییر کند ، زبان تغییر نخواهد کرد . اما حتماً فرهنگ با خط رابطه دارد .

این اشکال بسیار بزرگی در تغییر خط بوجود می‌آورد . مردم به خط قدیم عادت و آشنایی دارند و با آن می‌توانند کتاب بخوانند . اگر خط فارسی را تغییر بدهند ، بایستی تمام متون ادبیات فارسی را به خط تازه بنویسند و البته که این کار بسیار مشکلی است . از طرف دیگر رسم الخط فارسی بد نیست ، آنقدر بد که احتیاج به تغییر داشته باشد . در این مورد من هم نمی‌توانم اظهار نظر کنم چون با همه علایقی که به فرهنگ و ادب ایران دارم باز خارجی هستم و در این مورد خود ایرانی‌ها باید تصمیم بگیرند . اما رویهمرفته به عقیده من رسم الخط زبان فرانسه خیلی بدتر از زبان فارسی است ، خیلی پیچیده‌تر است . مثلاً کلمه‌هایی که تلفظشان یکسان است ، در نوشتن خیلی فرق دارند .

تلاش - چه تفاوتی است میان لهجه و زبان ؟ آیا «لهجه» زبان مستقلی است و یا شعبه‌یی از زبان است ؟

لازار - زبان یعنی وسیله تکلم ملت . زبان عبارتست از کلام دبستان ، دبیرستان ، دانشگاه ، دولت و ادبیات . و لهجه عبارتست از وسیله تکلم ناحیه‌یی کوچک و منطقه‌یی محدود . در ملتهای امروز ، لهجه‌ها کم کم از بین می‌روند . این از بین رفتن لهجه‌ها مثلاً در فرانسه کاملاً مشخص است . تا صد سال قبل در اطراف پاریس لهجه‌های مختلفی وجود داشته که امروز کاملاً از بین رفته‌اند . در نقاط دیگر فرانسه هم لهجه‌ها کم کم در حال از بین رفتن

هستند . گمان می‌کنم در ایران هم اینطور باشد . البته ممکن است در حال حاضر لهجه‌های زیادی در ایران وجود داشته باشد اما با پیشرفت وسایل مختلف ارتباطی ، از جمله رادیو و تلویزیون و سینما و مطبوعات ، در آنجا هم لهجه‌ها کم و کم‌تر خواهد شد .

تلاش - پس به این ترتیب به وجود آمدن يك «زبان جهانی» قابل پیش‌بینی است ؟ چون به همان دلیل پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی تماس مردمان قاره‌های مختلف هم قطعاً سریعتر و بیشتر خواهد شد ؟

لازار - زبان ملی هر کشور ، در نقاط مختلف کشور‌ها شیوع پیدا خواهد کرد و لهجه‌ها کم کم از بین می‌رود و خود این تغییر خیلی طولانی خواهد بود و ما نمی‌دانیم سرعت این تغییرات تا چه اندازه است (منظورم هم این نیست که باید اینطور باشد بلکه به خودی خود می‌بینیم که اینطور است) . اما اینکه زبانهای ملی هم از بین رفته و يك زبان جهانی به جای آن وضع گردد هیچکس نمی‌تواند این پیش‌بینی را بکند . زبان تکنیک هم که تا اندازه‌یی در همه زبانها مرسوم شده زبان نیست و فقط کلماتی هستند . اگر بخواهد يك زبان جهانی به وجود بیاید ، این مربوط به آینده بسیار دور خواهد بود و پیش‌بینی ما در مورد این آینده بسیار دور زیاد هم ضروری نیست .

تلاش - به نظر شما آیا می‌شود در مورد تجدید حیات زبانهای متروک کوششی بعمل آورد ، و آیا اصولاً این کوشش ضروری است و نتیجه‌یی خواهد داشت یا خیر ؟

لازار - گمان نکنم که بتوان اقدامی در مورد استفاده مجدد از زبانهای گذشته به عمل آورد و ممکن نیست . مثلاً در مورد زبان اوستایی ... این زبان اصولاً چه بوده است ؟ احتمال می‌رود که زبان یکی از ناحیه‌های ایران قدیم بوده باشد . حتی نمی‌دانیم زبان کدام محل و کجا بوده است . اما در اینکه زبان محاوره بوده ، شکی نیست . بعد زبان اوستا شده ، یعنی زبان زرتشت و نوشت‌های زرتشتی ... و بعد هم از بین رفته است و دیگر گمان نمی‌کنم بتوان آنرا بازسازی کرد .

تلاش - آیا استفاده‌های بیشمار شاعران مشهوری چون «فرانسواویون» فرانسوی و دیگر شاعران ، از لغات قدیم زبانهای متروک ، نشانه تمایل به تجدید حیات این زبانها نیست ؟ لازار - در مورد بعضی کلمات شاید بتوان علاقه و تمایل را در نظر گرفت . ممکن است شاعری چند کلمه از يك زبان قدیم ایران را در اشعار خود بیاورد . اما بیشتر از چند کلمه نمی‌شود . از طرف دیگر به هر حال نویسنده با مردم رابطه دارد . اگر از زبانی استفاده کند که مردم آنرا نفهمند ، دیگر هنرش اقبالی نخواهد داشت و آثارش

زنده نخواهد بود .

تلاش - آقای لازار ، بفرمائید که مطالعه شما در زمینه ادبیات فارسی بیشتر در شعر ایران و یا نثر فارسی بوده است ؟

لازار - بیشتر درباره نثر فارسی مطالعه کرده‌ام . کتاب قطوری را هم که نوشته‌ام درباره نثر فارسی است : نثر قرن‌های چهارم و پنجم . اما البته به شعر هم بسیار علاقه دارم و بحث و گفتگو در کلام بیشتر درباره شعر است و خیلی زیاد شعر می‌خوانم .

تلاش - از میان متون ادبیات فارسی به کدام متن علاقه بیشتری دارید ؟

لازار - از «تاریخ بیهقی» خیلی خوشم می‌آید . گمان می‌کنم کتاب بسیار مهمی است هم از لحاظ زبان و هم از لحاظ موضوع . تلاش - آیا با ادبیات عرفانی ایران نیز آشنائی دارید ؟

لازار - بلی ، مشنوی را می‌شناسم . جلال‌الدین بلخی خیلی مرد عجیبی است .

تلاش - در مورد کتاب «اشعار پراکنده از قدیمترین شعرای پارسی گوی» که شما تهیه و تنظیم کرده‌اید ، بگویید و اینکه به فکر شعر دیرین ایران افتادید ؟

لازار - من واقعاً به شعر آن دوره علاقه زیادی دارم . شاید هم برای من درک و فهم آن آسانتر از درک شعر کلاسیک بود . فهم شعر کلاسیک برای ما خارجی‌ها مشکل است و واقعاً باید به آن عادت داشت تا آن را فهمید بنابراین برای من بهتر بود که از شعرهایی قدیمی‌تر شروع کنم تا اینکه بی مقدمه از سعدی و حافظ شعر بخوانم . چون اصولاً روح فرهنگ ایران با روح فرهنگ غرب تفاوت بسیار دارد . باید کم کم آن را حس و درک کرد .

تلاش - در حال حاضر که دیگر باید به ادبیات کلاسیک ایران عادت کرده باشید ؟

لازار - فکر می‌کنم حالا دیگر از حافظ خیلی خوشم می‌آید . واقعاً نمی‌دانم چرا ؟ چون یقین ندارم که شعر حافظ را خوب می‌فهمم . اما از خود ایرانی‌ها چه کسی می‌تواند این یقین را داشته باشد . آیا به عقیده شما ایرانی‌ها شعر حافظ را کاملاً فهمیده‌اند ؟ و همه هم مثل هم او را شناخته‌اند ؟ فکر نمی‌کنم اینطور باشد . هر کسی او را یکجور شناخته است . حافظ را هر کسی یکجور می‌بیند . فردوسی را هم دوست دارم .

تلاش - به نظر شما کدامیک از شاعران ایرانی به روح و زیباشناسی زبان و نیز احوال و چگونگی زبان شعر توجه داشته‌اند ؟

لازار - من فکر می‌کنم همه شاعران بزرگ ایرانی به این مساله توجه داشته‌اند . کسی که به این مساله توجه نداشته باشد ، دیگر شاعر نیست .

تلاش - اما اگر مقایسه‌ای پیش بیاید ،

آیا فکر نمی‌کنید مثلاً «حافظ» بیشتر به فن و ظرفیت زبان و دقایق بیان شعر خود توجه داشته است، مثلاً جلال‌الدین بلخی؟

لازار - خود مولوی، خود را شاعر نمی‌دانست. واقعا حافظ يك شاعر است و بعد هم ممکن است مثلاً يك صوفی هم باشد. اما مولوی اول يك صوفی است و بعد ممکن است شاعر هم باشد.

تلاش - شما گفتید روح فرهنگ ایران با روح فرهنگ غرب خیلی تفاوت دارد. آیا واقعا هیچ تشابه و نزدیکی بین هیچکدام از شاعران و نویسندگان ایرانی با نویسندگان فرانسوی ندیده‌اید؟ مثلاً نزدیکی روحیه ادبیات آندره ژید با طرز تفکر حافظ ...

لازار - واقعا نمی‌شود به‌طور صریح نظر داد. چون ادبیات کلاسیک فارسی مربوط به قرون وسطی است. بنابراین اگر مقایسه‌ای بخواهد به عمل بیاید باید بین ادبیات کلاسیک فارسی و ادبیات قرون وسطی فرانسه باشد. اگر ادبیات کلاسیک ایران را با ادبیات کلاسیک فرانسه مقایسه کنیم کاملاً بی‌معنی است و آنقدر باهم فرق دارند که نمی‌توان هیچ تشابهی و نزدیکی بین آنها یافت.

تلاش - آیا شما نزدیکی روحی و اجتماعی خاصی بین ملل شرقی و فرهنگهای مختلف شرقی حس می‌کنید؟

لازار - اصولاً فکر نمی‌کنم «شرق» و «غرب» دیگر معنایی زیاده‌تر از آنچه به عنوان اسامی جغرافی دارند، داشته باشند. آیا می‌توان تصور کرد که نزدیکی ایران یا چین بیشتر از نزدیکی ایران و اروپاست. ایران وجود دارد، يك ملت است. هند هم همینطور اما «شرق» یعنی چه؟ بله تا چندی قبل از نظر تفاوت سیستمهای زندگی ملل شرقی شباهت هایی داشته‌اند و در اوضاع بدی مشترك بودند. اما حالا دیگر این وضع از بین رفته است و یا در حال از بین رفتن است. تازه آنوقت معلوم خواهد شد که در این تفاوتهای روحی بین شرق و غرب، چه عواملی مربوط به مراحل قدیمی و چه عواملی مربوط به روحیات ملل بوده است. حالا نمی‌شود قضاوت کرد.

تلاش - به این ترتیب، آیا فکر نمی‌کنید همیشه برای قضاوت دیر باشد؟ چون همواره زمان و همه عوامل مربوط و وابسته به زمان در حال تغییر بوده و خواهد بود.

لازار - کاملاً صحیح است. ما نمی‌توانیم در مورد مسایل زمان خودمان به‌طور قاطع قضاوت کنیم. این وظیفه آیندگان است.

تلاش - با ادبیات جدید ایران آشنایی دارید؟

لازار - از شعرا، کمی از نیما یوشیج

و بعد هم از پیروان او خوانده‌ام، اخوان ثالث، نادرپور، فروغ فرخزاد و دیگران. از شعر فروغ خوشم می‌آید. به نظر من. کتاب آخر او «تولد دیگر» را خوانده‌ام و دوست دارم. از نویسندگان جدید هم صادق هدایت را می‌شناسم کارش خوب بود.

تلاش - در مورد شعر نیما چه فکر می‌کنید؟

لازار - خوب آنرا نمی‌فهمم. البته حس کرده‌ام که چیزهایی دارد. اما از نظر مطلب واقعا باید بگویم خوب آنرا نفهمیده‌ام. یا شاید هم کم خوانده باشم.

تلاش - به ادبیات کلاسیک ایران بیشتر علاقه دارید و یا به ادبیات امروز؟

لازار - ادبیات کلاسیک ایران خیلی بزرگ و مهم است و حتماً شگفتگی بسیار داشته است. اما دیگر فکر می‌کنم امروز تقلید کورکورانه از آن مطابق زمان نباشد. ادبیات امروز هم دنباله همان ادبیات است و همان روح ایرانی در آن زنده است. تنها عامل زمان در تغییر مضامین و قوالب آن دست داشته است، مثلاً شعر نیما يك شعر ایرانی است، اگرچه باقوالب شعری کلاسیک ایران تفاوت زیاد دارد. حتماً شعر نیما ایرانی است. گمان هم نمی‌کنم ممکن باشد شعر يك شاعر واقعی ایرانی، ایرانی نباشد.

تلاش - شما بیشتر از تحول تفکر شعر نیما خوشتان می‌آید و یا از سبک و فرم شعر او؟

لازار - فرم شعر او خیلی مهم

است. نشان کوشش زیاد او است. و این کوشش بسیار جالبی است. کوشش کرده چیز تازه‌ای به وجود آورد. شاید موفق نشده باشد، این را نمی‌دانم. اما کوشش بسیار مفیدی بوده است. دلیل آن هم اینکه شاعران جوانتر از او تقلید کرده و پیرو او شدند.

تلاش - از شعرای فرانسه به کدام علاقه بیشتری دارید؟

لازار - بودلر را خیلی دوست دارم. اشعارش به فارسی ترجمه شده است.

تلاش - بله، اصولاً ما ترجمه های زیادی از شاعران فرانسه داریم. اما کوشش زیادی از جانب فرانسویان برای ترجمه متون ادبیات فارسی به عمل نیامده است.

لازار - ترجمه شعر واقعا خیلی مشکل و تقریباً غیر ممکن است. اما به هر حال آنتولوژی شعر ایران در حدود ۵ یا ۶ سال قبل در پاریس ترجمه و چاپ شد. از روی «گنج سخن» دکتر ممّا. خود من هم در ترجمه آن شرکت داشتم. اما ترجمه شعر فارسی همانطور که گفتیم واقعا مشکل است و می‌ترسم نتیجه خوب هم نداشته باشد. تلاش - ترجمه شما در این کتاب از شعر کدام شاعران بود؟

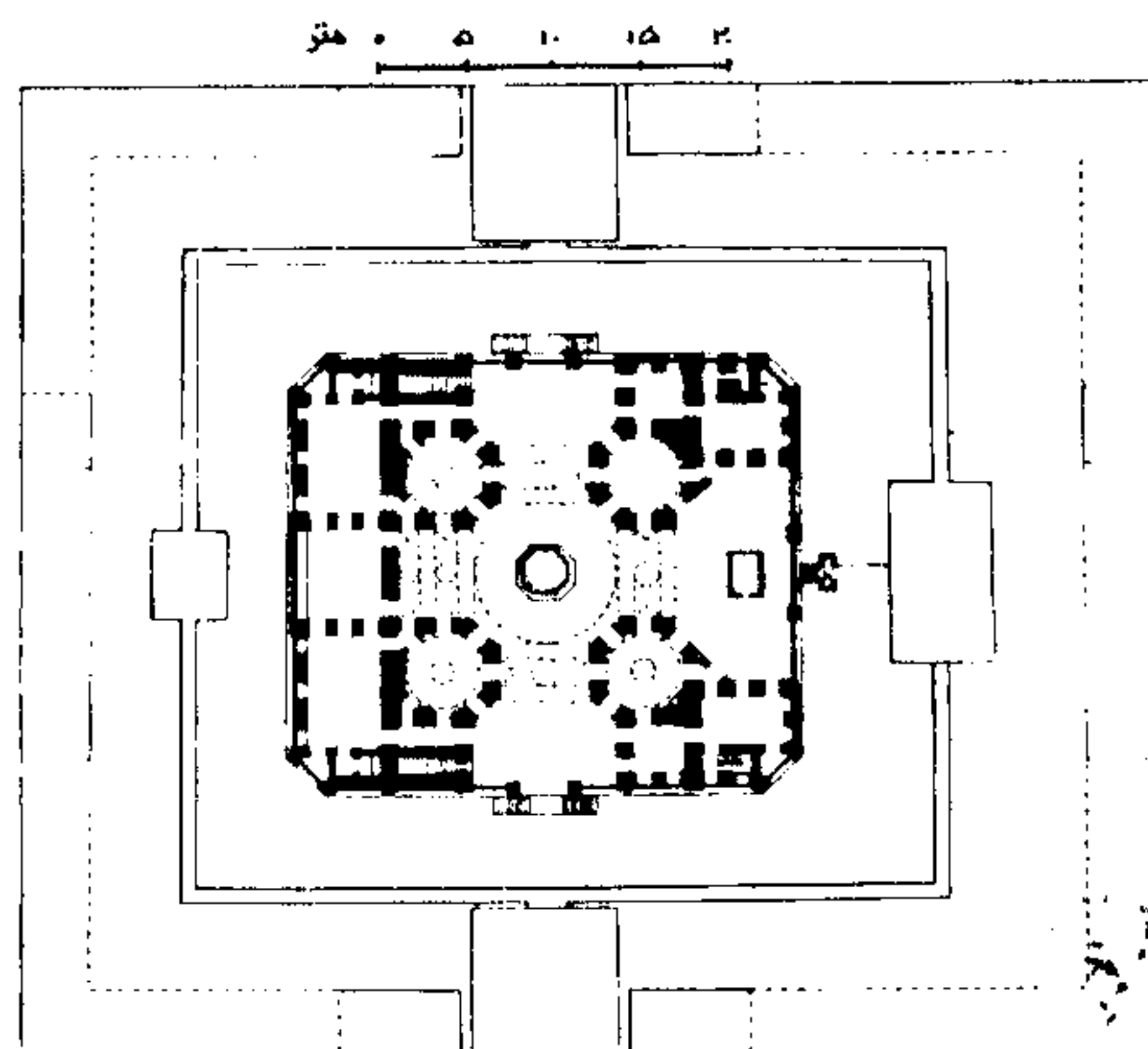
لازار - ترجمه قسمت های اول و آخر و قسمتی هم از میانه کتاب از من بود. از شعرای قرن چهارم و پنجم نظامی و خاقانی و از شاعران قرن اخیر... بهار و دیگران.. تلاش - خیلی متشکریم

### از لطائف الطوائف

روزی شیخ سعدی در تبریز بحمام درآمد و خواجه همام نیز با عظمت تمام در حمام بود، شیخ طاسی آب آورده بر سرخواجه همام ریخت، خواجه همام پرسید که این درویش از کجاست؟ شیخ گفت از خاک پاک شیراز، خواجه همام گفت عجب حالیت که شیرازی در شهر ما از سگ بیشتر است شیخ تبسمی کرد و گفت اینصورت خلاف شهرماست، که تبریزی در شهر شیراز از سگ کمتر است.

در باره قیام بهشت اصفهان کمتر حرف زده اند. گروهی میگویند که این بنا را در تمام درخشندگی و جلوه آن در باره این بنا زیبا کمتر سخن شنیده اند. از آنجندی پیش هشت بهشت در مالکیت شخصی بود. طبیعی است که مالکان آن جزء به گروهی محدود از میهمانان اجازه دیدن این بنا را نمی دادند.

و البته نمی شد درباره وضع بنا، رنگ، معماری و شرایط یک ساختمان که ملک شخصی بود مطالعات و تحقیقاتی بشکل علمی و هنری بعمل آورد. اکنون ساختمان هشت بهشت از مالک آن خریداری شده و یکی از آثار ملی ایران بشمار می رود. دولت ایران مشغول تعمیر و مرمت آن و پاک کردن کچ کاری ها و کچ مالی ها، از روی نقاشی ها و رنگهای دقیقیت و بلکه با اصطلاح کارشناسان «بدون قیمت»



پیش عرضی قصر هشت بهشت اصفهان



# هشت بهشت



عمارت هشت بهشت در زمان شاه سلیمان

کار "کوست"

ترتیب‌های داخل و خارج آن است.

این قصر اخیراً به‌همت عده‌ای از کارشناسان معماری و هنرهای زیبا از زیر گچ‌کاری‌هایی که در دوره قاجاریه بر روی آن کشیده شده بود دارد رفته رفته بیرون می‌آید.

قصر هشت بهشت سیصد سال قبل به‌منظور پذیرائی میهمانان و بعنوان يك قصر شخصی در میان «باغ بلبل‌ها» در اصفهان ساخته شد.

دستور بنای آن را شاه سلیمان پادشاه صفوی داد.

عمارت هشت بهشت دارای دو طبقه است که در هریک از آنها چهاربنای مستقل یا با اصطلاح امروزی آپارتمان وجود دارد.

رواق‌های نیم هشت ضلعی در شمال و جنوب آن قرار دارد که دارای سقف‌های بسیار مرتفعی است که ستونهای بلند و نازک بار آن را تحمل می‌کنند. ارتفاع این ستونها بیش از بیست‌متر است و در زمان ساختمان روی آنها تماماً آئینه‌کاری کرده بودند.

در وسط تالار مرکزی بزرگ هشت ضلعی آن، حوض کوچکی قرار داشته که از میان آن چشمه‌آبی همواره می‌جوشید و موسیقی و تلولو آب را در پاشویه‌های آن که از نقره ساخته بودند منعکس می‌کرد. درست در بالای این حوض کوچک طاقی است آئینه‌کاری که دورادور آن گل‌فروشنگ‌ها به‌رنگهای طلایی، آبی، قهوه‌ای، سبز و فیروزه‌ای که ذرات طلا در لابلای آن دیده می‌شود به‌نظر می‌رسد.

تالار از همه طرف بسوی «باغ بلبل‌ها» باز می‌شود بطوری که وقتی شخص در کنار آن استخر کوچک و در زیرسقف آئینه‌کاری ایستاده چنین‌بنظرش می‌آید که باغ و گلهای آن از هرسو می‌خواهند وارد تالار و قصر گردند. متأسفانه گچ‌هایی که بعنوان ترتیب مجدد بر روی نقش‌ونگارهای هشت بهشت در زمان قاجاریه کشیده شده بود مدت‌ها زیبایی آنها از چشم‌ها مخفی می‌کرد ولی اخیراً کارشناسان عاشق ایران قسمت عمده این گچ‌کاریها را به‌کناری زده‌اند و نقش‌ونگارها و زیبایی‌های این بنا را دارند ظاهر می‌سازند.

باید گفت که داخل هشت بهشت دارای یکی از زیباترین ترتیبات دوره صفویه است و شکوه آن‌براستی خیره‌کننده.

در هرسو گردهای طلا است آمیخته با فیروزه و لاجورد و رنگهای دلپذیر.

اما باید گفت که اهمیت معماری این بنا از شکوه و زیبایی خیره‌کننده داخل و خارج آن بسی مهم‌تر است.

تناسب‌های مهندسی که در فضای این قصر بکار رفته و در حقیقت آشنایی از فرو شکوه بوجود آورده يك نوع قدرت و توانائی و نجابتی که کمتر در معماری‌ها دیده شده باین بنا می‌بخشد.

تالار عظیم مرکزی که از همه طرف باز است البته يك‌جور حدود و مرزی بوجود آورده و لسی بهیچوجه چهار ساختمان اصلی دو طبقه (هشت بهشت) آنها محبوس نساخته است.

در مقابل این عظمت خیره‌کننده تالار اصلی قصر، اطاق‌های کوچکی قرار دارد که باید آنها را «کلبه‌های آرام» خواند. این خلوت‌های زیبا و

کوچک، گوئی می‌خواهند هم‌آهنگی را به چشم‌ها متعادل سازند و يك نوع تضاد میان این عظمت و شکوه امپراطوری صفوی و آرامش و خلوت يك خانه بوجود آورند که در حقیقت تضاد نیست بلکه هم‌آهنگی و پیوستگی است. و همین گوشه خلوت نشان هم‌آهنگی روح زیبای ایرانی است که مردم آن در میان همه جلال و عظمت‌ها در زندگی خودشان پیوسته بدنبال‌گوشه‌ای آرام و خلوت بوده و هنوز هم بدنبال آن شب‌های خلوت و آرام روز را بکار و کوشش می‌گذرانند.

پرفسور پوپ فقید درباره ساختمان قصر هشت بهشت از این زیبایی‌ها و کمال «هشت بهشت» در دوران حیات خود سخن‌ها گفت و مورخین و ایران‌شناسان و کسانی که ایران را در زمان صفویه و بعد دیده‌اند مانند فلان‌دن کوست، دیولافوا، کورزون و دالمانی نیز از این بنا ستایش‌ها کرده‌اند.

این ساختمان آهسته آهسته با کمک کارگران عاشق هنر ایران دارد از زیر گچ‌هایی که به اصل بنا لطمه بسیار وارد کرده بود بیرون می‌آید و امید آنست که بزودی بتوان تمام زیبایی‌های آن را به چشم دید و از هم‌آهنگی و موسیقی رنگها و شکل‌ها و ایوان‌های آن لذت برد.

در عکس‌هایی که ملاحظه می‌کنید فیلم عکاسی کوشش کرده پرتو و آثاری چند از زیبایی‌های این بنا را منعکس کند. ولی بدون تردید هرگز عکس‌ها قادر نیستند که جلوه‌های حقیقی زیبایی هشت بهشت و اثر فکر و دست کسانی که بایران عشق می‌ورزیدند و عشق می‌ورزند را آنطور که هست نشان دهد.

میل داشتیم نظر همه محققین و هنر دوستانی را که هشت بهشت را دیده‌اند در اینجا بیاوریم اما این میل باصفحات محدود ما طبعاً نمی‌توانست منطبق باشد.

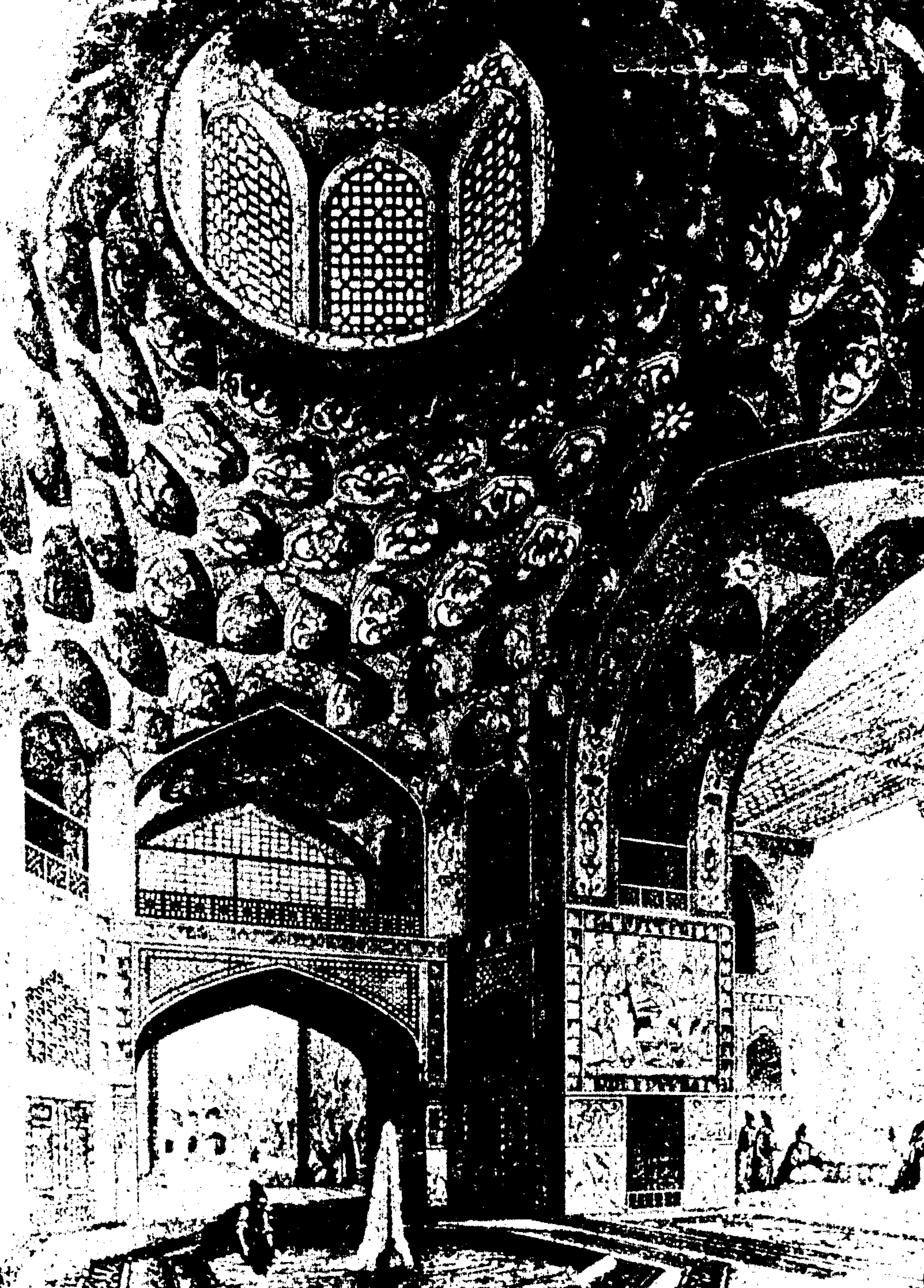
اینک در زیر نظر «ویلبر» یکی از محققین خارجی را که در باره باغ‌های ایران کتابی نوشته برایتان می‌آوریم که ببینید در باره قصر هشت بهشت چگونه قضاوت کرده است: «از کلیه کاخهای با صفا و کلاهی رنگی‌هایی که در کنار چهار «باغ احداث گردیده بود فقط کاخ هشت بهشت باقی مانده است. این «کاخ در دوران شاه سلیمان در نزدیکی باغ بلبل ساخته شد. شاردن در سال ۱۶۷۰ از آن بازدید کرده است. طرح تجدید شده این باغ، «موقع کوچک را در وسط اراضی وسیع آن نشان می‌دهد»

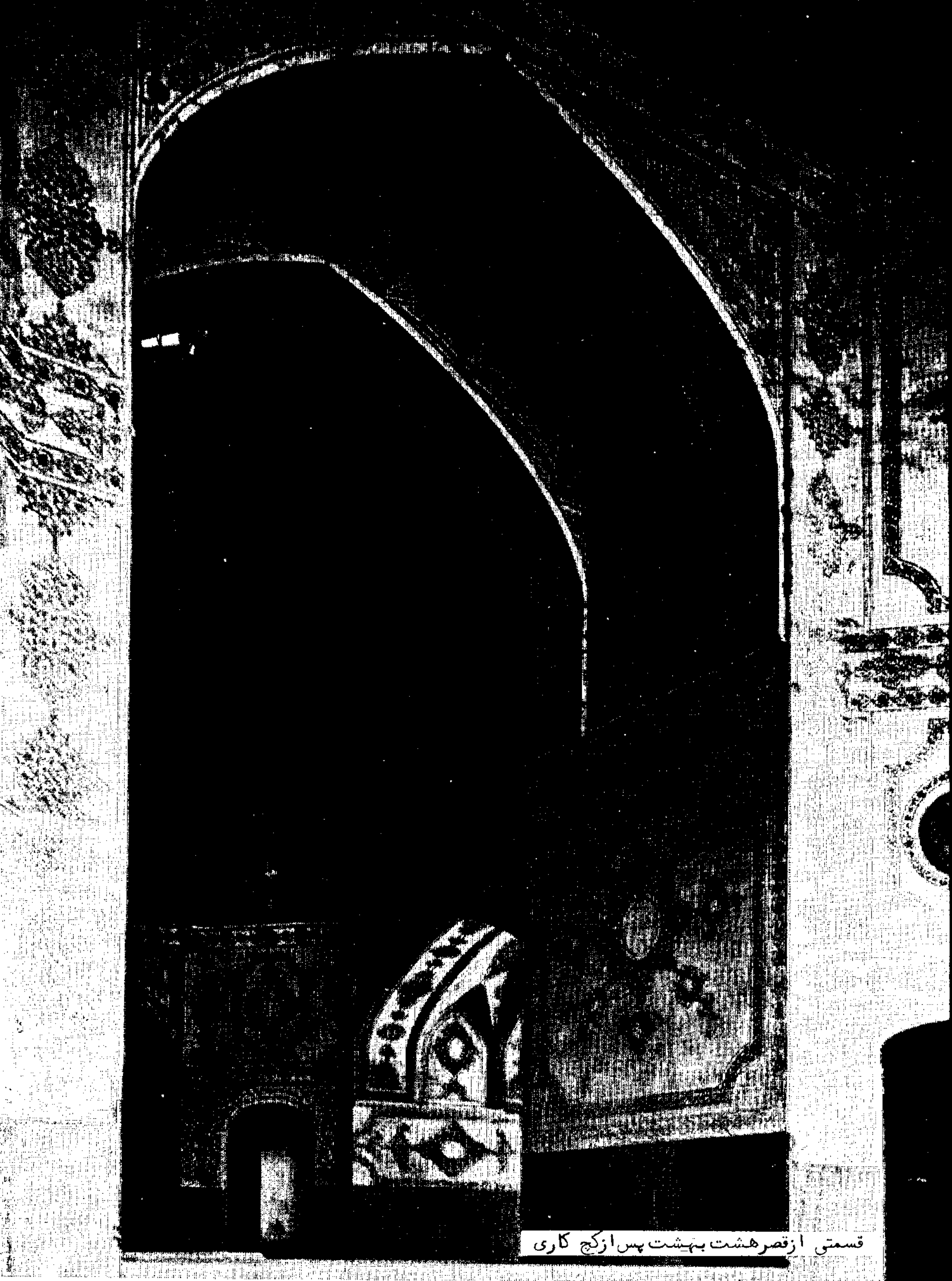
«امروز کالبد یانمای خارجی ویران آن از دکانهایی به سبک جدید احاطه شده است. این کوچک طرحی عادی و معمولی داشته است. ولی تابلویی از این عمارت که صدسال پیش تهیه شده نشان می‌دهد که «اضلاع و زوایای آن دارای طرح بخصوص و غیر عادی بوده است مخصوصاً منظره‌ای که از دهلیز مرکزی قابل مشاهده

«بود بسیار زیبا و تماشایی بوده است، روسازی آن با مقابر گنبددار «آن دوره ارتباط دارد ولی روزنه طاق و سردر آن کاملاً رو به بیرون «گشوده می‌شود و ترتیبات آن بسیار نشاط‌آور و بهجت‌افزاست. طبقه دوم این ساختمان به راهروها و اطاقهای متعدد

«تقسیم شده است. هریک از اطاقهای کوچک، دارای شکل و ترتیبات «خاصی است، بعضی از آنها دارای حوضی بوده است و آب‌فواره‌هایی «که به این حوضها می‌ریخته از يك لوله سربی که در دیوار کنار «گذاشته بودند تامین می‌گردیده است. سقف و دیوارهای برخی دیگر «آئینه‌کاری بوده است. در بیشتر این اطاق‌ها رو به باغ باز می‌شده «و چشم‌انداز آنها را باغ و استخرهای متعدد آن تشکیل می‌داده است.

«در سمت جنوبی کاخ هشت بهشت بنایی است که اکنون به نام «مدرسه مادرشاه معروف است، و ساختمان آن در سال ۱۷۱۴ پایان یافته است.»





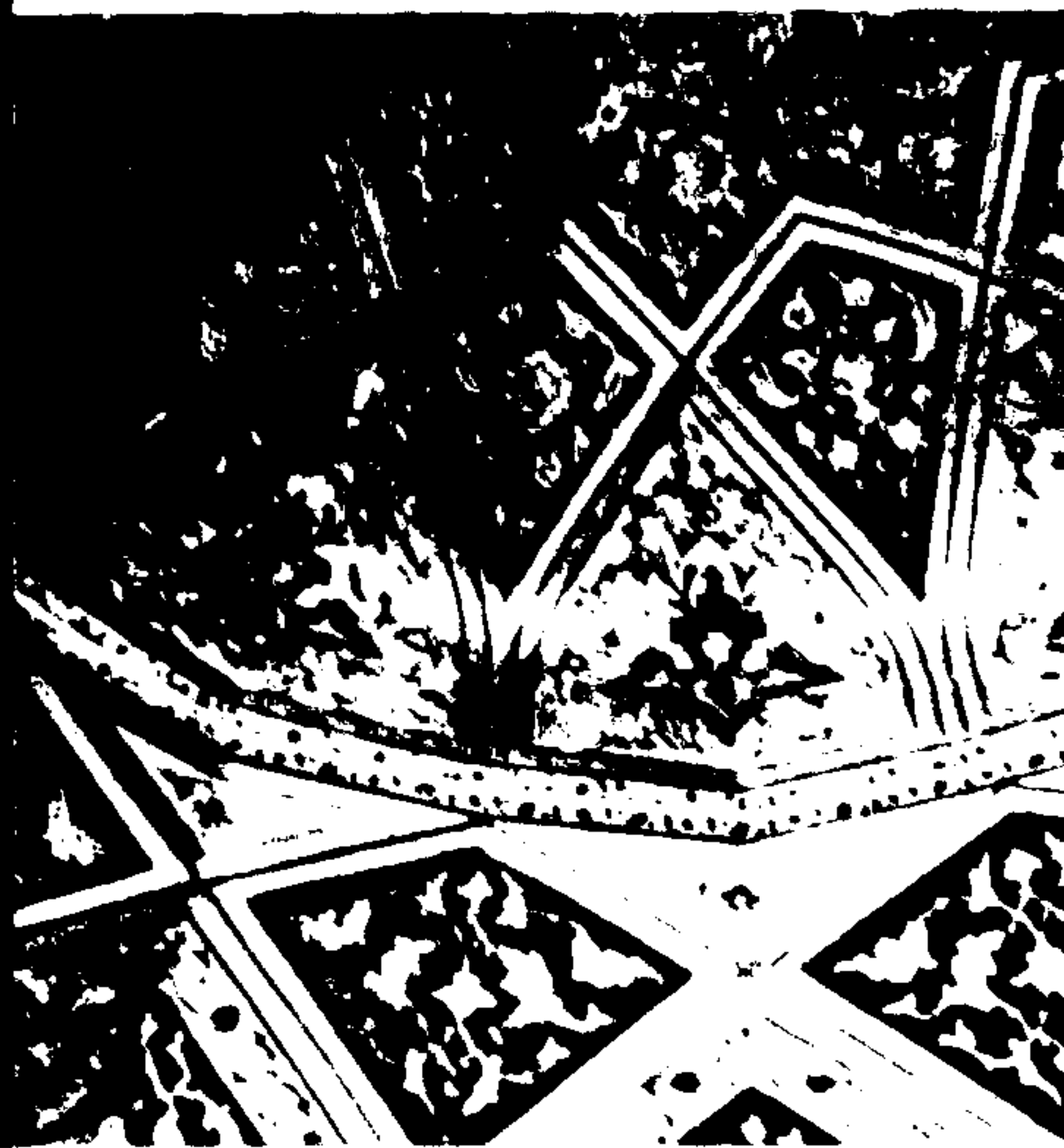
قسمتی از قصر هشت بهشت پس از کج کاری



www.KetabFarsi.com



طرح ورنك آميزی دیوارها و طاق‌های طبقه دوم هشت، بیست  
خط آبی و نقاشی پرندگان در اطراف گل‌ها و رنگ  
های کتیه‌ها و طرح‌های آن به‌خصوص قابل توجه است.





نقش و نگارهای دیوار و سقف راهرو و غرفه‌های طبقه دوم  
مخصوص سکونت قصر هشت بهشت





# سرمایه گذاری باید اشتغال زا باشد

- بیمه کردن کارگران نزد سازمان بیمه های اجتماعی يك تكلیف و الزام قانونی است .
- سندیکاهای کارگری نه فقط مانعی برای وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد نمی نمایند بلکه دوشادوش مسؤولان وزارت کار و امور اجتماعی مقررات کار را در حق کارگران اجرا می نمایند .

مصاحبه با آقای عبدالمجید مجیدی  
وزیر کار و امور اجتماعی

وزیران رسید و سپس در سال ۱۳۳۷ تجدید نظر آن بتصویب کمیسیون مشترك کار مجلسین رسید .

سازمان وزارت کار و امور اجتماعی دارای پست های سازمانی به شرح زیر است:

| تهران                        | شهرستانها | جمع      |
|------------------------------|-----------|----------|
| تعداد پستهای کارمندی ۸۷۸ نفر | ۶۲۲ نفر   | ۱۵۰۰ نفر |
| تعداد پستهای کارگری ۲۴۳ نفر  | ۱۶۰ نفر   | ۴۰۳ نفر  |
| جمع کل ۱۱۲۱ نفر              | ۷۸۲ نفر   | ۱۹۰۳ نفر |

سازمانهایی که زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی انجام وظیفه می کنند به شرح زیر است :

- ۱- سازمان بیمه های اجتماعی
  - ۲- بانک رفاه کارگران
  - ۳- شرکت سهامی خاتم سازی ایران
  - ۴- انجمن توان بخشی
  - ۵- موسسه کار و تامین اجتماعی
- تلاش - قرارداد کار در ایران چند نوع است و هنگامیکه قراردادها لغو شود چه وضعی پیش می آید ؟ کارفرما چه تعهداتی نسبت به کارگر دارد و کارگر چه حقی ؟ و چه وظیفه ای و چه اختیاری ؟

کار عملی است که انجام می شود و کسی که کاری را انجام می دهد کارگر گویند . بشر همیشه احتیاج به کمک برای انجام کار های خود داشته و از روزی که تکروری در شکار را کنار گذاشت و روبه ابزار کشاورزی و صنعتی آورد محتاج به کمک گردید و این یاور را کارگر نامید و چون رفته رفته صنعتی شدن کشور ها بیشتر می شود احتیاج به کارگر نیز زیادتر می گردد و چون تعداد کارگران زیاد می شود ناچار برای نظم زندگی و احتیاجات آنها قوانینی و مقرراتی لازم می گردد و همین امر باعث شد که در ایران وزارت کار بوجود آید . چون آشنائی با وضع کار و قوانین آن برای عموم ضرورت دارد آقای وزیر کار حاضر شدند مصاحبه ای با ایشان بعمل آید :

تلاش - آقای وزیر کار خوانندگان تلاش خیلی میل دارند بدانند که آیا وزارت کار کی بوجود آمد و سازمان وزارت کار اکنون چند نفر کارمند و کارگر دارد و چه اداراتی زیر نظر آن و با آن کار می کنند .

مجیدی - مبنای تشکیل و ملاک عمل وزارت کار طرح قانون کار ۱۳۲۵ است که در دولت مرحوم قوام السلطنه ، بواسطه نبودن مجلس ، بصورت تصویب نامه به تصویب هیئت

جز در مواردی که در متن قرارداد پیش بینی شده باشد ، ندارد . و هر يك از طرفین که در غیر از موارد مذکور قرارداد را فسخ نماید مکلف بچران خسارت طرف دیگر خواهد بود . هرگاه قرارداد برای مدت نامحدود منعقد شده باشد هر يك از طرفین می تواند با پانزده روز اخطار کتبی قبلی آنرا فسخ نماید . ترتیب فسخ قرارداد بدین نحو است که کارگر اخراجی در صورتی که یکسال اعم از متوالی یا متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد ، کارفرما بایستی در موقع فسخ قرارداد کار به نسبت هریکسال خدمت معادل پانزده روز آخرین مزد کارگر را پرداخت نماید . و در صورتی که تا تاریخ خاتمه خدمت خود لااقل سه ماه متوالی و یا ششماه متناوب نزد کارفرما خدمت کرده باشد حق دارد ظرف ۱۵ روز بمراجع حل اختلاف شکایت کند و مراجع مذکور می توانند با توجه به مدت کار و میزان مزد و سن و عائله کارگر و سایر شرایط و اوضاع و احوال اضافه بروجوه مذکور در فوق مبلغی که از جمع مزد سه ساله کارگر تجاوز نکند به عنوان خسارت تعیین نمایند و کارفرما مخیر بپرداخت این خسارت یا بازگرداندن کارگر

مجیدی - قرارداد کار طبق ماده ۳۰ قانون کار عبارت است از «قرارداد کتبی یا شفاهی که به موجب آن کارگر متعهد می شود درقبال دریافت مزدکاری برای مدت معین یا مدت نامحدود برای کارفرما انجام دهد» بطوریکه ملاحظه می شود قرارداد کار از نظر شرایط صوری بدو نوع (کتبی و شفاهی) و از نظر مدت قرارداد بدو نوع (برای مدت معین یا مدت نامحدود) تقسیم می شود .

در مورد فسخ قرارداد کار ، هرگاه قرارداد برای مدت معین منعقد شده باشد هیچیک از طرفین به تنهایی حق فسخ آنرا ،

بکار و پرداخت مزد ایام بلا تکلیفی او خواهد بود.

**تلاش -** آیا ممکن است بفرمائید تعهد چیست و آیا تعهد يك طرفه است و یا کارگر و کارفرما هر دو تعهداتی دارند و اگر بآن عمل نکنند چه وضعی پیش می آید و کدام مرجع می تواند بشکایت این ها رسیدگی کند؟

**مجیدی -** تعهد عبارت است از الزام بانجام عملی که کارگر یا کارفرما به موجب قرارداد کار بعهده می گیرد. تعهدات ناشی از قرارداد کار دوجانبه است. کارگر به طوریکه ذکر گردید، متعهد می شود که در قبال دریافت مزد کاری را برای کارفرما انجام دهد. در مقابل، کارفرما متعهد به پرداخت مزد کارگر برای کار انجام شده می باشد. هر يك از طرفین ملزم بانجام تعهدات خود هستند و اگر یکی از طرفین به تعهد خود عمل نکند طرف دیگر می تواند طبق مقررات مواد ۳۷ و ۳۸ قانون کار بمرأه حل اختلاف (شورای کارگاه و هیئت حل اختلاف) مراجعه نماید.

**تلاش -** اگر اختلافی بین کارگر و کارفرما پیدا شد کدام مرجع می تواند بآن رسیدگی کند و معمولاً حق را دستگاه شما بیشتر به چه کسی می دهد.

**مجیدی -** همانطوریکه در پاسخ سؤال قبلی ذکر گردید اختلافات ناشی از قرارداد کار بین کارگر و کارفرما در مراجع حل اختلاف (شورای کارگاه و هیئت حل اختلاف) مورد رسیدگی قرار می گیرد. بدیهی است این مراجع، که بطور مستقل انجام وظیفه می کنند، وظیفه دادرسی خود را نسبت به طرفین بطور یکسان انجام می دهند. در حقیقت این مراجع دادگاههای کار هستند.

**تلاش -** آیا برای کارخانه و یا کارگاه قوانینی خاص با توجه به نوع آن کار وضع شده؟ و آیا به وضع بهداشتی این کارگاهها کدام مرجع رسیدگی می کند؟

**مجیدی -** در این مورد در درجه اول باید از آئین نامه مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۳۹ که باستناد تبصره ۱، ماده ۱۱ قانون کار به تصویب شورای عالی کار رسیده است نام برد. این آئین نامه مربوط به انواع کارهای سخت و زیان آور که ایجاب می کند کارگر کمتر از ۸ ساعت در شبانه روز کار کند می باشد. راجع به رسیدگی به وضع بهداشتی این کارگاهها خاطر نشان می شود که فصل دهم قانون کار که عنوان آن حفاظت فنی و بهداشت کار است تدوین و تصویب آئین نامه هایی را بمنظور تامین بهداشت کار و حفاظت کارگران و جلوگیری از وقوع حوادث در محیط کار بوسیله هیئتی بنام شورای عالی حفاظت که بریاست وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل می شود پیش بینی کرده است. آئین نامه حفاظت و بهداشت عمومی در کارگاهها مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۸ مشتمل بر ۸۰ ماده و ۲ تبصره از آئین نامه های مصوب این هیئت می باشد.

همچنین به موجب ماده ۴۸ قانون کار، کسانی که می خواهند کارگاه جدیدی احداث نمایند و یا کارگاههای موجود را توسعه دهند مکلفند بدواً برنامه کار و نقشه های ساختمانی و طرحهای مورد نظر را از نظر پیش بینی در امر حفاظت و بهداشت کار برای تصویب بوزارت کار و امور اجتماعی ارسال دارند. بهره برداری از کارگاههای مزبور منوط به رعایت مقررات حفاظتی و بهداشتی می باشد.

بازرسان کار مامور مراقبت در اجرای مقررات و آئین نامه های حفاظتی و بهداشتی در کارگاه ها هستند.

**تلاش -** کارگر و کارفرما هر يك چه سهمی برای بیمه کارگر می پردازند و چه سهمی باید بپردازند؟ و در کشور های مشابه

ما وضع به چه ترتیب است؟

**مجیدی -** به موجب بند ۱، ماده ۲۱ قانون بیمه های اجتماعی حق بیمه به میزان ۱۸ درصد مزد می باشد که پنج درصد آن بعهده کارگر و سیزده درصد بعهده کارفرماست. فزونی سهم کارفرما نسبت به کارگر منحصر به کشور ما نیست در اغلب کشورها وضع به همین منوال بوده و حتی کارفرمایان سهم بیشتری می پردازند.

**تلاش -** در برنامه چهارم پیش بینی شده است که سطح عدم اشتغال در پایان برنامه در حدود يك درصد خواهد بود آیا تصور می فرمائید که در پایان برنامه به این هدف نائل شویم؟

**مجیدی -** توسعه مداوم اقتصاد کشور و گسترش روزافزون سرمایه گذاریها فرصت های زیادی برای اشتغال جویندگان کار بوجود آورده است و بدون تردید در سالهای آتی نیز اقتصاد کشور توسعه خواهد یافت و امکانات اشتغال مولد فزونی خواهد شد. اجرای اصول انقلاب سفید شاه و مردم مخصوصاً آزادی زنان تمایل افراد را به مشارکت بیشتر در فعالیت های اقتصادی و اجتماعی افزوده و فرصت بیشتری برای استفاده صحیح تر از منابع انسانی مملکت فراهم ساخته است.

علی رغم افزایش سریع تعداد داوطلبان اشتغال و جویندگان کار اطلاعات موجود نشان می دهد که سطح عدم اشتغال در پایان برنامه چهارم در حد قابل تحمل و قابل قبولی خواهد ماند. (پیش بینی های کنونی حاکی است که نرخ عدم اشتغال در پایان برنامه چهارم در حدود ۴ درصد خواهد بود) نرخ عدم اشتغال در پایان برنامه از نرخ عدم اشتغال در اکثر کشورهای صنعتی و در حال توسعه جهان کمتر است و با حفظ سلامت اقتصاد کشور نیز کاملاً انطباق دارد.

**تلاش -** آیا برای آن يك درصد افراد بیکار چه طریقی برای تامین معاش و زندگی در نظر گرفته اید؟

آیا بیمه بیکاری یا پرداخت وجوهی به افرادی که قادر و آماده بکار هستند ولی برای آنها کاری نیست در نظر خواهید گرفت. شرایط و ترتیب اجرای این امر را توضیح بفرمائید.

**مجیدی -** وزارت کار و امور اجتماعی اهمیت و ضرورت تاسیس بیمه بیکاری و ایجاد يك وسیله مطمئن برای امرار معاش بیکاران را شناخته و مطالعات وسیعی در این زمینه انجام داده است و امیدوار است علی رغم تمام مشکلاتی که در زمینه تحقق این برنامه وجود دارد بتواند بیمه بیکاری را در ایران بهرور بمرحله اجرا درآورد. لیکن باید توجه داشت که حتی کشور های پیشرفته و صنعتی نیز هنوز نتوانسته اند این مشکل را بنحو مطلوب مرتفع سازند.

بدون تردید بیمه بیکاری با افراد جویای کار تعلق خواهد گرفت و از نظر اجرا به ترتیب در مورد کارگران و کارکنان فعالیت های مختلف اقتصادی بموقع اجرا گذارده خواهد شد.

**تلاش -** آیا تعداد اشخاصی که دارای شغلی نیستند و درآمدی ندارند معلوم است و آیا برای آنها برنامه ای وجود دارد؟

**مجیدی -** آمارگیرهای مستمر نیروی انسانی وزارت کار و امور اجتماعی و اطلاعات مراکز کارایی این وزارت تعداد بیکاران و کم و کیف بیکاری را در مناطق مختلف کشور معین می نماید.

وزارت کار و امور اجتماعی برنامه های زیر را در مورد بیکاران اجرا می نماید.

۱- آموزش بیکاران برای انطباق آنان

با نیاز کشور به نیروی انسانی ماهر. ۲- هدایت سریع بیکاران بسوی بهترین فرصت های اشتغال. به علاوه با اجرای بیمه بیکاری می توان حدود حمایت از بیکاران را توسعه داد.

**تلاش -** هدف وزارت کار از فرستادن تعدادی کارگر به خارج از کشور چه بوده است.

**مجیدی -** وزارت کار و امور اجتماعی علاوه بر فراهم ساختن مقدمات آموزشی و اشتغال کارگران در داخل کشور از امکانات بازارهای کار کشور های صنعتی نیز استفاده مینماید و هر ساله تعدادی از کارگران مستعد ایرانی را برای آموزش ضمن کار بکشور های صنعتی اعزام میدارد.

این کارگران پس از پایان دوره اقامت خود در کشور های صنعتی بکشور مراجعت و نیاز صنایع در حال گسترش کشور را به نیروی انسانی ماهر تا حدودی تامین مینمایند.

**تلاش -** از نحوه تقسیم نیروی انسانی در بخش های کشاورزی - معادن، خدمات و غیره اطلاعاتی بدهید.

**مجیدی -** با گسترش صنایع کشور و افزایش فرصت های اشتغال در بخش خدمات همراه با مکانیزه شدن نسبی کشاورزی پیش بینی می شود که به مرور از نسبت شاغلین در بخش کشاورزی کاسته گردد و تعداد شاغلین در دو بخش صنایع و خدمات افزوده شود.

**تلاش -** تناسب نیروی انسانی با رشد اقتصادی را چگونه می بینید و بنظر شما در چه شرایطی بهترین بازده را نیروی انسانی لایق و توانا با حداقل سرمایه می تواند بدهد؟

**مجیدی -** بطور کلی در کشورهای در حال رشد آهنگ سرمایه گذاری با تربیت نیروی انسانی متناسب نیست بدین معنی که سرمایه گذاری در بخش های اقتصادی با آهنگی سریعتر به پیش می راند در حالی که تربیت نیروی انسانی پایای رشد اقتصادی پیشرفت ندارد و به همین ملاحظه در زمینه آموزش در کلیه سطوح از کارگر گرفته تا مهندس باید تعلیمات اساسی و تخصصی و حرفه ای و آموزش ضمن کار در مقیاس وسیع و با سرمایه گذاری های بزرگ جریان یابد تا این عقب ماندگی جبران شود. باید توجه داشت که تلاش دولت در این زمینه با آگاهی هایی که بر مسائل موجود دارد هم از جهت کمیت و هم از لحاظ کیفیت آموزش ادامه خواهد یافت از آن جمله وزارت کار و امور اجتماعی با تقدیم طرح قانون کارآموزی به مراجع قانونگذاری امیدوار است که کارفرمایان را هم در سرمایه گذاری بمنظور تربیت کادر متخصص شریک و سهم سازد.

بازده مطلوب نیروی کار از دو دیدگاه اجتماعی و اقتصادی مطرح است.

از نظر اجتماعی که بخاطر سنت های موجود در رژیم کار و جامعه ی کارکن باید میان این سنت ها و پذیرش تکنولوژی نوین سازگاری پدید آید که با گذشت زمان وغنای فرهنگی جامعه ملازم است. در عین حال نقش راهبری دولت در اعتلای فرهنگ جامعه موثر است و دولت باید بیشترین کوشش را در این زمینه بعمل آورد و از آن فارغ نباشد.

همچنین بمنظور برقراری توازن میان عرضه و تقاضای نیروی کار در ارتباط با برنامه های توسعه اقتصادی باید به نیاز های انسانی برنامه آگاه بود. در چنین شرایطی است که می توان انتظار داشت که تضاد میان وفور و کمبود نیروی کار به حداقل برسد در عین حال از نظر اقتصادی باید توجه

داشت که حجم سرمایه‌گذاری باید به‌میزانی باشد که بتواند تا حد مطلوب به جذب نیروی بیکار و کم‌کار و نیروی فعالی که در آینده وارد بازار کار خواهند شد کمک کند.

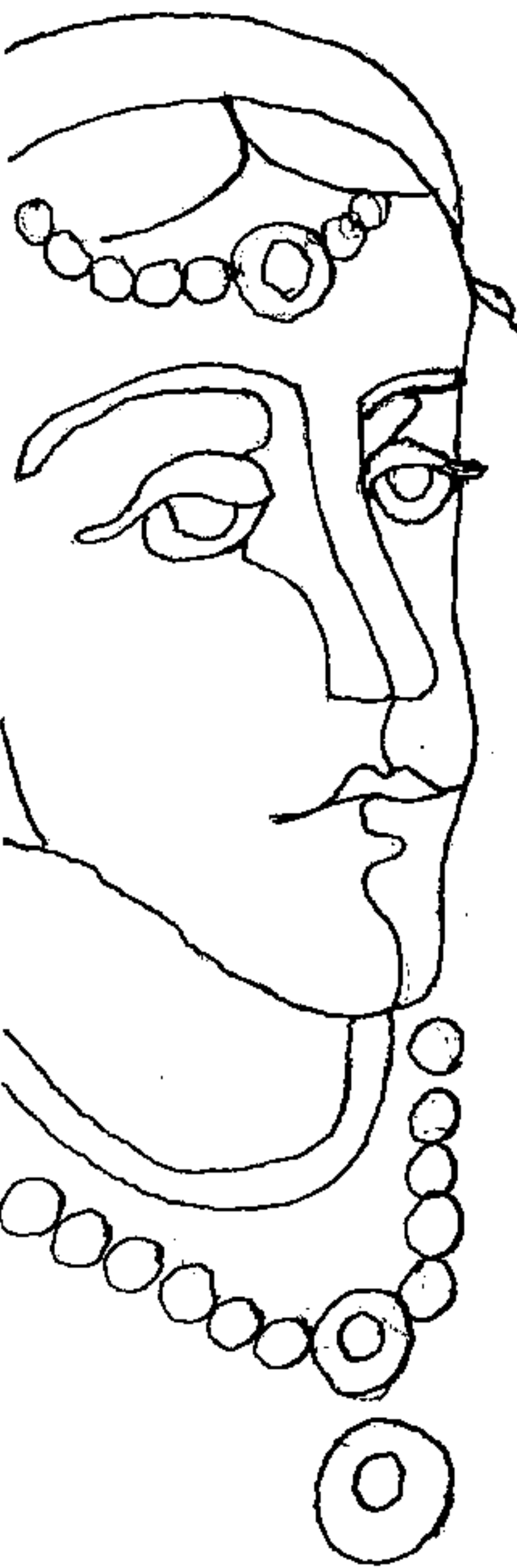
در مورد بهترین بازده نیروی کار با حداقل سرمایه بهبود مدیریت، افزایش مهارت و انضباط کار را می‌توان بعنوان مهمترین عوامل موثر برشمرد.

تلاش - تناسب سرمایه‌گذاری و تولید با بهره‌وری از نیروی انسانی بنظر شما در باقی مانده برنامه چهارم و در پایان برنامه چهارم چه باید باشد؟

مجیدی - خطوط اساسی این مطلب در برنامه چهارم ذکر شده است.

ما بایستی در سرمایه‌گذاری هایمان به يك مطلب در اولین وهله توجه بکنیم و آن مسئله اشتغال هست، چون هدف توسعه اقتصادی این هست که وضع مردم بهتر شود روز بروز. یعنی وضع مادی آنها و درآمد سرانه زیاد شود. برای اینکه وضع مادی افراد بهتر شود و شرایط زندگی آنها بهتر بشود در وهله اول لازم است که شخص شاغل باشد. شخص بیکار که نمی‌تواند وضعیتش بهتر شود. پس ما بایستی که در سرمایه‌گذاری - هایمان توجه بکنیم که سرمایه‌گذاری تا آنجا که ممکن است اشتغال را باشد. نیروی دنیال يك راه حل هائی که مثل کشور های غربی و کشور های پیشرفته که فقط دنیال راه حل های اتوماسیون باشند. ما بایستی سعی بکنیم که بهترین تکنولوژی را وارد مملکتمان بکنیم. مادامی که این بهترین تکنولوژی تطبیق بکند با شرایط اجتماعی مملکتمان یعنی این تکنولوژی حداکثر اشتغال را ایجاد بکند. خوب پس يك مطلب اینست که سرمایه‌گذاری تا آنجا که ممکن است تا آنجائی که مصلحت اقتصاد مملکت اجازه می‌دهد که کالائی که تولید می‌شود کالائی باشد که از نظر کیفیت و مرغوبیت قابل رقابت با کالا های خارجی باشد این سرمایه‌گذاری اشتغال را باشد. دومین مسئله اینست کسی که بوسیله سرمایه‌گذاری اشتغال پیدا کرده دارای درآمد کافی باشد که بتواند با آن دارای يك زندگی شرافتمندانه بشود. برای آنکه بتواند يك درآمد کافی از شغلش کسب بکند بایستی سطح بهره‌بری اش و سطح قابلیت تولیدش در حدی باشد که به او اجازه بدهد که مزد بالاتری را بگیرد یعنی اگر شخصی بدون تخصص کافی و بدون علاقه و واقعا بدون میل و رغبت مشغول کار بشود مسلما حداقل نصیب او می‌شود. اگر در يك رشته‌ای حداقل یازده تومان هست همان یازده تومان را به او میدهند، اما اگر کسی با يك تخصص بیشتری با يك قابلیت تولید بیشتری و سطح «پروودتکنیویته» بیشتری در همان واحد بیکار پرداخت مسلما بجای یازده تومان هیچ‌ده تومان نخواهد گرفت. پس به همین نسبت شرایط زندگیش بهتر خواهد شد پس ما بایستی در سرمایه‌گذاری هایمان و در اداره واحد های صنعتی مان اولاً به مسئله اشتغال توجه بکنیم که سرمایه‌گذاری هایمان اشتغال را باشد. دوم مدیریت مان آنچنان باشد و تعلیمات حرفه‌ایمان و تخصص‌مان آنچنان باشد که يك فرد با حداکثری ممکنه قابلیت تولید کار بکند که در نتیجه آن واحد اقتصادی برایش صرف بکند. این بطور خلاصه بایستی سیاست ما باشد در سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی مان پس ما یکی به مسئله سیاست اشتغال باید توجه بکنیم یکی به مسئله قابلیت تولید هر فرد کارگر که این ناشی از يك مدیریت صحیح و بکار بردن تکنولوژی صحیح است. دوم مسئله تعلیمات حرفه‌ای که بایستی به آن توجه کامل بشود و در تمام برنامه های اقتصادی اولویت لازم به آن داده شود.

تلاش - بفرمائید که در چه صورتی



موسسه‌ای مشمول بیمه اجتماعی می‌شود؟

مجیدی - ماده پنج قانون بیمه های اجتماعی می‌گوید که به پیشنهاد سازمان بیمه های اجتماعی یعنی هیئت مدیره سازمان بیمه های اجتماعی و تصویب وزیر در سازمان بیمه های اجتماعی گروههای مختلف که حقوق بگیران و مزدبگیران باشند می‌توانند مشمول قانون بیمه های اجتماعی قرار گیرند. به این ترتیب هر گروهی که سازمان بیمه های اجتماعی تشخیص می‌دهد که تعدادشان و شکل کارشان و نظم پرداخت حقوقشان و غیران به وضعی رسیده که بتوانند مشمول قانون بیمه های اجتماعی قرار بگیرند پیشنهادی به من می‌کنند بعد از اینکه هیئت مدیره و من تایید کردیم، البته در اینجا در وزارت کار رسیدگی می‌شود و تأیید که شد اینها اجباراً مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند.

تلاش - آیا کارگران می‌توانند در هر شرکت بیمه‌ای بیمه شوند یا فقط در شرکت های بیمه خاصی بیمه می‌شوند.

مجیدی - فقط در سازمان بیمه های اجتماعی باید بیمه گردند. البته می‌توانند در خارج علاوه بر این هم خود را بیمه نمایند.

تلاش - آیا کارخانجاتی که نخواهند مشمول قانون کار بشوند می‌توانند خودشان در موسسه خودشان بیمه درست کنند؟

مجیدی - نه نمی‌توانند. یعنی اجباری است و همه جای ایران تکلیف قانونی است. چون وجوهی که از این طریق جمع‌آوری می‌شود وجوهی است که متعلق به کارگر و کارفرما هر دو است. و در واقع وجوهی است که مثل بیت‌المال تلقی می‌شود و به این ترتیب بایستی حتماً متمرکز شود و تحت کنترل دولت باشد. البته می‌توانند اضافه بر آنچه که بیمه های اجتماعی می‌گیرد يك سیستم های داوطلبانه خودشان برقرار بکنند مانند صندوقهای تعاونی کارگران یا کارگر و کارفرما مشترکاً صندوقی درست بکنند که مکمل مزایای بیمه های اجتماعی باشد. اخیراً ما يك قانونی تقدیم کردیم که برای گروههای کارمندی در موسساتی که غیر صنعتی هستند: مثل بانکها مثل موسسات بیمه و موسسات بازرگانی يك راهی را باز می‌کنیم که صندوقهایی بوجود بیاید که این صندوقها مجزا از کار سازمان و بیمه های اجتماعی بتواند مسئله پیری و از کار افتادگی و فوت این قبیل کارمندان را به عهده بگیرد. البته در مورد آنها هم نظارت دولت در هر صورت باقی خواهد بود. چون واقعا همان طوری که عرض کردم نمی‌توانیم از نظارت دولت صرفنظر بکنیم چون مسئله حقوق افراد مطرح است. يك موسسه‌ای ممکن است وجوه را جمع‌آوری کند و فرداً این موسسه ورشکسته شود و تشکیلاتش را جمع کند کسی باید باشد که جوابگوی کارمندان باشد. بدین دلیل دولت حتماً نظارت بکند.

تلاش - مستخدمین و خدمتکاران منازل و موسسات چگونه از قوانین بیمه استفاده می‌کنند و آبراهه‌ای وجود دارد که مستخدمین منازل بیمه شوند و اگر آری چگونه و به چه نحو؟

مجیدی - تا بهمن ۱۳۴۷ بیمه مستخدمین منازل طبق قانون اختیاری و موکول به تقاضای مستخدم و موافقت کارفرمای او بوده و بعداً قلیلی از کارفرمایان نسبت به مستخدمین منزل خود داوطلبانه اقدام نموده‌اند. در بهمن ۱۳۴۷ که در قانون بیمه های اجتماعی تغییراتی داده شد و برخی از مواد آن اصلاح گردید اختیاری بودن بیمه مستخدمین منازل از قانون حذف گردید و باین ترتیب این گروه نیز مانند سایر گروههایی که باید تدریجاً مشمول بیمه های اجتماعی قرار گیرند میبایست در آینده بیمه شوند.

امکان بیمه این افراد با مقررات فعلی وجود دارد ولی با توجه باینکه تصمیم مقررات بیمه های اجتماعی با در نظر گرفتن اولویت ها از نظر احتیاج افراد شروع گردیده و از کارگران شاغل در صنعت شروع و سپس بکارگران شاغل در معادن و خدمات اشاعه داده شده است بیمه این افراد در برنامه کار های آتی سازمان بیمه های اجتماعی قرار دارد. ضمناً باید توجه شود که این افراد که در منازل خدمت مینمایند معمولاً از لحاظ مسکن و تغذیه دارای مزیت هائی هستند و در صورت بیماری نیز معمولاً کارفرما خدمتکار منزل را از دارو و درمان بهره‌مند می‌سازد. ولی بهر حال بیمه این طبقه مانند سایر گروههایی که هنوز بیمه نشده‌اند مورد توجه قرار دارد.

تلاش - اصولاً چه نوع موسسات مشمول بیمه های اجتماعی خواهند شد اعم از بخش خصوصی و کارگاهها و اصناف و غیران؟

مجیدی - قانون بیمه های اجتماعی بالقوه شامل کلیه افراد حقوق بگیر اعم از کارگر و کارمند می‌شود. تنها کارمندان رسمی دولت و بعضی از موسسات دولتی یا وابسته بدولت که دارای مقررات بیمه خاص هستند از مشمول قانون مستثنی هستند. بنابراین مقررات قانون طرفظنر از دولتی یا خصوصی بودن موسسه شامل حال حقوق - بگیران می‌شود. منتها همانطور که گفته شد چون تصمیم مقررات بیمه های اجتماعی تدریجی صورت می‌گیرد گروههایی هنوز بیمه نشده‌اند که باید در آینده بیمه شوند.

تلاش - بیمه اجباری در چه مرحله است و چه نوع کارگرانی بیمه می‌شوند و حق بیمه آنها چگونه است و چقدر آنرا خود کارگر و چه قدر آنرا کارفرما می‌پردازد؟

در دستگاههای دولتی و بخش خصوصی؟

مجیدی - بیمه های اجتماعی علی‌الاصول اجباری است و از تاریخ اعلام بیمه، کارفرما مسؤول بیمه خود یا حقوق بگیران خود بوده و باید حق بیمه را بپردازد حق بیمه ۱۸٪ دستمزد و مزایاست که پرداخت ۵٪ آن به عهده بیمه شده و پرداخت ۱۳٪ آن به عهده کارفرما است که بطور ماهانه پرداخت می‌گردد.

و این نرخ حق بیمه برای موسسات دولتی و خصوصی یکسان است. در مورد نوع کارگرانی که بیمه می‌شوند همانطور که گفته شد وقتی موسسه‌ای مشمول بیمه‌های اجتماعی قرار می‌گیرد عموم مزدبگیران صرفنظر از نوع کار و نحوه استخدام بیمه می‌شوند.

تلاش - صندوق بیمه کارگران، خانواده کارگر را با چه وضعی بیمه می‌کند و اطفال کارگر تا چند سالگی بیمه هستند و زن و فرزند آنها بعد از وفاتشان از این بیمه استفاده می‌کنند یا نه؟ در چه شرایط و چه وضعی؟

مجیدی - خانواده بلافصل کارگر که شامل همسر - فرزندان - پدر و مادر تحت تکفل او از مزایای بیمه استفاده می‌کنند. همسر مادام که در زوجیت کارگر است. فرزند تا سن ۱۲ سال و در صورت تحصیل تا ۲۱ سال و پدر و مادر تحت تکفل در صورتی که سن پدر از ۶۰ و سن مادر از ۵۵ سال متجاوز باشد. در صورت فوت بیمه شده نیز همین افراد مستمری بازماندگان را دریافت خواهند داشت.

تلاش - هنگام بروز حوادث ناشی از کار وضع کارگر چیست؟ اگر فوت کند چه می‌شود و اگر دچار از کار افتادگی شود، موقت و یا دایمی چه خواهد شد؟

مجیدی - در صورت وقوع حادثه ناشی از کار کلیه اقدامات درمانی از طرف سازمان انجام می‌گیرد و حقوق ایام معالجه با و پرداخت می‌شود. در صورتیکه نقص عضو در نتیجه حادثه پیدا نماید غرامت نقص عضو با و پرداخت

های اختصاصی در مقابل کارگر از خود دفاع نماید آیامنظورداشتن این مواد عملی بوده یا فقط برای قراردادهای کوتاه مدت گنجانده شده است ؟

مجیدی - در ماده ۳۲ قانون کار پیش بینی شده کارفرما و کارگر می توانند برای انجام کار معینی و یا برای انجام کار در مدت معینی قرارداد کار با رعایت سایر ضوابط مقرر در قانون کار تنظیم نمایند . این ماده اصولاً برای کارهای فصلی ساختمانی و موقت و همچنین برای کارهایی که کارفرما نیاز به نیروی کار کارگر در مدت مشخصی داشته باشد نافذ است و بموجب این ماده هر یک از طرفین در صورت فسخ «قرارداد کار» قبل از پایان مدت قرارداد و یا قبل از اتمام کار مکلف به پرداخت خسارت وارده طرف دیگر می باشند.

تلاش - وزارت کار برای مناطقی که منطقه صنعتی خواهد شد چه پیش بینی هایی کرده یا می کند (مقصود نواحی مانند شهر صنعتی قزوین و شهر ذوب آهن اصفهان و شهر صنعتی تبریز و اراک و مانند آن می باشد) .  
مجیدی - تحولات شگرفی که ماشین در تکامل و پیشرفت صنعت بوجود آورده روز بروز توجه افراد را به حفظ عوامل انسانی که در گردش چرخهای عظیم صنعتی نقش بسیار مؤثری دارند معطوف ساخته است . پیش گیری حوادث و بیماریها و خطرات ناشی از کار بهمان نسبت که ماشین در دنیای صنعت رو به ترقی و کمال می رود لازم و ضروری است . وعدم توجه به این مسئله خسارات مالی و جانی فراوانی بوجود خواهد آورد.

برای جلوگیری از این زیان های احتمالی بایستی محیط کار را بنحوی سالم سازیم که کارگر بتواند با امنیت بیشتر ، کار بهتر و تولید بیشتر نموده و از لحاظ بیماری و حوادث ناشی از کار در امان باشد . وبطور خلاصه می توان بهداشت کار را بشرح زیر بیان داشت .

الف - ارتقاء و بالا بردن سطح بهداشت جسمی و روانی کارگران در هر شغلی که باشند .

ب - پیشگیری از حوادث و بیماریهای ناشی از کار و حفاظت کارگران از خطراتی که سلامتی آنان را تهدید مینماید .

ج - بکار گماردن کارگران بکاری که متناسب و برآزنده استعداد جسمی و روانی آنان باشد و بعبارت دیگر تطبیق کار با کارگر و بالعکس .

برای اجرای موارد ذکر شده اقدامات دامنهداری در کلیه کارگاهها در سراسر کشور صورت گرفته و این امر توسط بازرسان کار که تماماً دارای تخصص بوده و در امر حفاظت و بهداشت کار مطالعات زیادی دارند ، مورد بررسی و کنترل قرار می گیرند .

با آنکه در این زمینه موفقیت های زیادی نصیب وزارت کار گردیده ولی ما به آنچه که انجام شده راضی نیستیم و اخیراً با ایجاد مرکز تحقیقات و تعلیمات حفاظت و بهداشت کار - امر مطالعاتی و تعلیمات در این زمینه را گسترش خواهیم داد . تا بتوانیم در این وظیفه سنگینی که بهمه داریم توفیق بیشتر بدست آوریم .

تلاش - کار آموزان در چه وضعی قرار می گیرند ؟ يك کارخانه ای کارآموز می گیرد آیا به این کارآموز حقوق می دهند یا نمی دهند ؟ و اگر حقوق می دهند مشمول حقوقهای متعلقه اجتماعی و بیمه کارگری و غیره نیز می گردد ؟

مجیدی - بنده ماده دو قانون کار را برایتان می خوانم که راجع به همین مسئله است . می گوید کارآموز از لحاظ قانون به

برای کمک به کارگران عضو بیکار به تاسیس صندوق بیکاری اقدام مینمایند و با این ترتیب سندیکاهای کارگری نه فقط مانعی برای وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد نمی نمایند بلکه دوشادوش مسؤولان وزارت کار و امور اجتماعی مقررات کار را در حق کارگران اجرا می نمایند .

تلاش - آیا برای دستمزدها تعرفه مخصوص وجود دارد و این تعرفه آیا چند وقت یکبار ترمیم می گردد ؟

مجیدی - قانون فعلی کار فاقد آئین مخصوصی جهت تعیین مزد هر یک از مشاغل است . و در حال حاضر اغلب عرف تعیین کننده مزد است . معهذا در بعضی از واحدهای صنعتی «مزد مبنای» از طریق مذاکره و عقد قرارداد دسته جمعی تعیین و براساس آن مزد سایر مشاغل نیز مشخص می گردد و همچنین در بعضی واحدهای دیگر یا در صنایعی که طبقه بندی مشاغل در آنها انجام شده است پس از اینکه ارزش نسبی مشاغل مشخص گردید با تعیین حداقل مزد در آن قسمت مزد سایر مشاغل به آسانی مشخص می گردد . در هر صورت تعرفه برای دستمزدها که از طرف وزارت کار و امور اجتماعی پیشنهاد یا تصویب شده باشد وجود ندارد .

ضمناً با اطلاع می رساند که از اول سال ۴۸ بموجب تصویب شورایی کار ، کشور به ۳ منطقه مزدی تقسیم و حداقل مزد در هر یک از مناطق تعیین و به مرحله اجرا در آمد و از اواخر سال ۴۸ نیز کوششهایی صورت گرفت که از طریق تعیین حداقل مزد در صنایع اقدامات ذکر شده تکمیل گردد این اقدامات تا حصول نتیجه قطعی تعقیب خواهد شد .

تلاش - تعطیلات کارگری چند نوع است و رویهمرفته چند روز در سال می باشد و هدف آنست که به چند روز در آینده برسد ؟

مجیدی - کارگران در هر هفته روز های جمعه را تعطیل با استفاده از مزد می نمایند و در صورت موافقت کارگر بجای استفاده از تعطیل روز جمعه از روز دیگری در هفته بعنوان روز تعطیل استفاده مینمایند . علاوه بر تعطیلات هفتگی هر کارگر در طول سال از ده روز تعطیلات رسمی برخوردار است . در مورد تغییر این مدت با توجه به لزوم فعالیت بیشتر نیروی کار و نیاز کشور به توسعه صنعتی و تولید بیشتر فعلاً برای افزایش آن طرحی در دست نیست ضمناً هر کارگر در مقابل هر سال کار حق استفاده از ۱۲ روز مرخصی استحقاقی سالیانه را دارد کارگران کمتر از شانزده سال از ۱۸ روز مرخصی با حقوق برخوردار هستند .

تلاش - گفته می شود که قوانین کارگری موجود در کشور در همه موارد به نفع کارگر بوده و در صورتی که از طرف کارگر مشکلی در کار ایجاد شود کارفرما نخواهد توانست به هیچوجه به سهولت آن کارگر را از کار برکنار نماید . آیا هیچ پیش بینی شده است که قوانینی گذرانده شود که طرفین چه کارگر و چه کارفرما به سهولت بتوانند منافع خود را تأمین کنند ؟

مجیدی - هدف اساسی از تاسیس وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد حسن رابطه بین کارگر و کارفرما بوده و با عنایت باین هدف قوانین کارگری در جهت حفظ منافع گروه خاصی تنظیم نیافته و کارگرانی که در انجام کار تقصیر و یا اخلاقی نشان می دهند برابر ماده ۳۴ قانون کار بنابه تشخیص هیئتی بنام هیئت حل اختلاف پس از احراز تقصیر مقصر شناخته شده و هیچگونه حقی برای این کارگران پیش بینی نگردیده است .

تلاش - در قوانین کار موادی موجود است که کارفرما می تواند قرارداد موقت با کارگر برقرار نماید که باین نوع قرارداد

می شود اگر از کار افتاده شد مستمري از کار افتادگی دریافت خواهد نمود . و اگر حادثه منجر بقوت شد بپایماندگان اوستمري پرداخت خواهد شد .

در مورد از کار افتادگی موقت از تاریخی که موجبات از کار افتادگی زائل گردد و بیمه شده قادر بکار باشد .

تلاش - کارگران کشاورز ، کارگران معادن و ساختمان باتوجه به سؤالات فوق چه وضعی دارند .

مجیدی - کارگران معادن مشمول قانون بیمه های اجتماعی هستند و سالها است که از مزایای بیمه های اجتماعی استفاده می کنند . کارگران ساختمانی که در کارهای راهسازی و ساختمان های بزرگ شاغل هستند بیمه می باشند ولی کارگران ساختمانیهای کوچک مانند ساختمانیهای شخصی هنوز بیمه نشده اند . ولی کار همه آنها در دست بررسی و طرحی نیز در این زمینه تهیه گردیده است . کارگران کشاورزی نیز باید توسط سازمان بیمه های اجتماعی روستائیان بیمه شوند .

تلاش - آیا در سراسر ایران مراکز بیمه اجتماعی موجود است ؟ اگر آری تعداد آنها چقدر است .

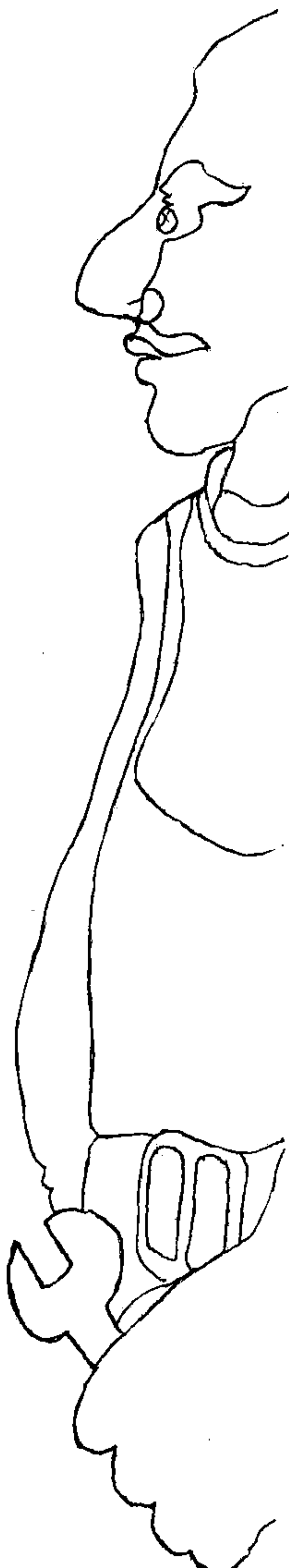
مجیدی - سازمان بیمه های اجتماعی در مراکز استانها و شهرستانهای کشور دارای شعبه نمایندگی و درمانگاه می باشد . تعداد شعب سازمان ۴۶ نمایندگی : ۲۰ درمانگاه : ۱۷۶ بیمارستان : اختصاصی (ملکی سازمان) در تهران : ۶ در شهرستانها : ۸ (جمعاً ۱۴) . بیمارستان قرار دادی در سراسر کشور : ۸۱ بیمارستان در شهرهای کوچک که تعداد بیمه شده قلیل است با پزشک و داروخانه های ملی برای درمان و تحویل دارو قرارداد منعقد گردیده است .

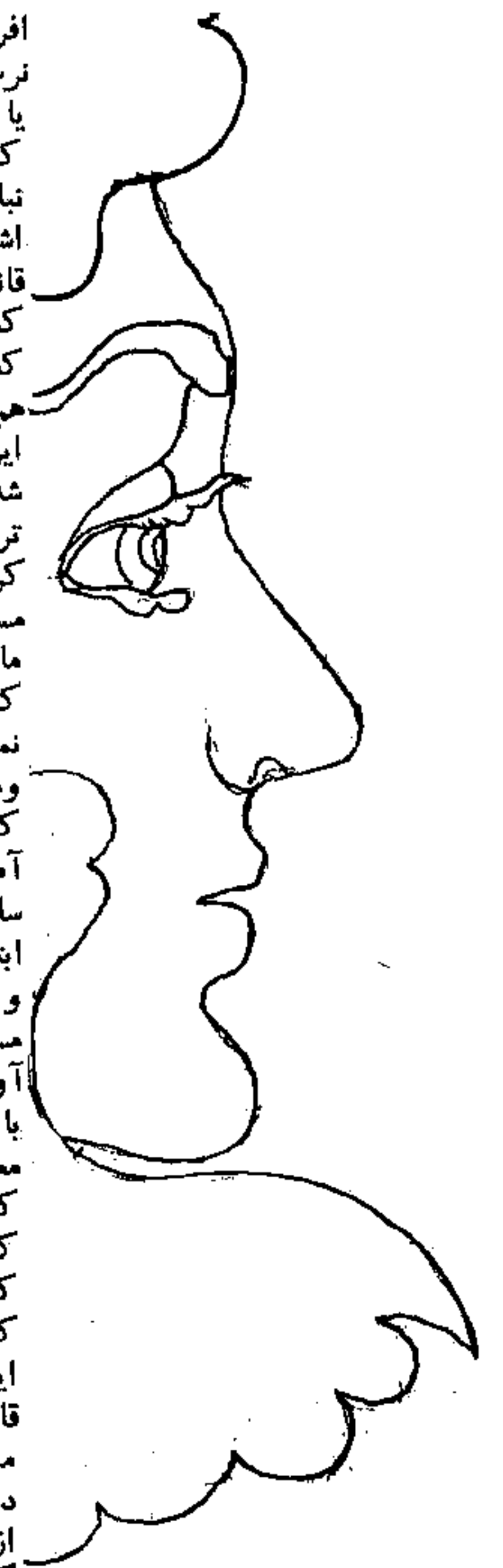
تلاش - آیا امکان دارد که موسسات صنعتی بزرگ بدون اینکه مجبور باشند کارگران خود را در بیمه اجتماعی کارگران بیمه نمایند بطور خصوصی بیمه نموده و برای آنها درمانگاه اختصاصی ایجاد نمایند یا مع الوصف مجبور به بیمه در بیمه اجتماعی خواهند بود .

مجیدی - کارفرمایان نمی توانند کارگران خود را غیر از بیمه های اجتماعی نزد مؤسسه دیگری بیمه نمایند و بیمه کردن کارگران نزد سازمان بیمه های اجتماعی يك تکلیف و الزام قانونی است . منتها در نقاطی که مراجعه بموسسات درمانی سازمان بیمه های اجتماعی مشکل باشد و کارفرما دارای وسائل درمانی کافی باشد سازمان بیمه های اجتماعی طبق قراردادی امور درمانی را متناسب با وسائلی که کارفرما در اختیار دارد بکارفرما واگذار مینماید و بر اجرای قرارداد نظارت خواهد نمود .

تلاش - سندیکاهای کارگری موجود چه رفاه یا موانعی برای وزارت کار و امور اجتماعی ایجاد کرده یا خواهد کرد ؟

مجیدی - بطوریکه استحضار دارید برای سندیکاهای کارگری از نظر دفاع از منافع حرفه ای کارگران و ایجاد روابط صحیح و منطقی بین کارگران و کارفرمایان حقوق و وظایف خاصی در قانون کار پیش بینی شده . بعبارت روشن تر سندیکاهای کارگری از یکطرف برای تأمین مزد و مزایا - ساعات کار - تعطیلات و مرخصی و اضافه کار و سهم کردن کارگران در منافع کارگاهها و سایر شرایط کار با کارفرما مذاکره و پیمان دسته جمعی منعقد و از بروز اختلافات بین کارگر و کارفرما پیشگیری مینمایند و در نتیجه بار سنگین مراجع رسیدگی باختلافات کار را تا حدود قابل ملاحظه ای کاهش می دهند و از سوی دیگر اغلب سندیکاهای برای افزایش قدرت خرید و تأمین رفاه کارگران عضو سندیکا بنسبیس شرکت های نما ، نه مصرف ، مسکن ، اعتبار و همچنین





افرادی اطلاق می‌شود که بسن ۱۸ سال تمام نرسیده و به منظور تکمیل تا فرا گرفتن حرفه یا صنعت مخصوص طبق قرارداد کارآموزی کتبی برای مدت معین که زائد بر دو سال نباشد در یک کارگاه و یک کلاس مخصوص اشتغال داشته باشند. پس به این ترتیب در قانون کار ما وضع کارآموز را شناختیم که می‌گویند کارآموز بایستی طبق قرارداد کارآموزی استخدام بشود و بیش از دو سال هم نمی‌تواند بصورت کارآموز باشد. اما در این قانون کارآموزی که تقدیم قوه مقننه شده یک خورده در این تغییر داده شده به این ترتیب که مسئله سن را ما اینجا مطرح کردیم ولی آنجا به شکل دیگری مطرح شده و مسئله مدت هم همچنین. چرا؟ برای اینکه ما فرض کردیم در قانون کارآموزی کسانی که مدرسه ابتدائی را تمام کردند و دیگر نمی‌خواهند به تحصیلات کلاسیک ادامه بدهند و می‌خواهند وارد یک حرفه‌ای بشوند گفتیم که این فرصت را داشته باشند که بایند کارآموز بشوند. یک چنین آدمی بین حدود ۱۳ سال دارد یعنی در سن ۱۲ سال تحصیلات ابتدائی‌اش را تمام کرده یا در سن ۱۳ سال و اگر تنبیل باشد ۱۴ سال. پس ما بایستی به مسئله سن توجه می‌کردیم و این را تغییر دادیم و آوردیم در اختیار وزارت کار گذاشتیم که متناسب با نظم تعلیمات اجباری مان سن کارآموزی را معین بکند. مدت را هم همینطور. ما در قانون کارآموزی پیش‌بینی کردیم که کسی که کارآموزی می‌کند فرصت این را داشته باشد که بتواند در مراکز کارآموزی که در کنار کارخانجات است کارآموزی انجام بدهد و این ممکن است یک مدتی همینطور که در قانون پیش‌بینی شده دو سال پشت سر هم باشد. ممکن است یک سال تعلیم یک سال کار باشد دو مرتبه یک سال تعلیم باشد، متناوب باشد از نظر مدت هم در اختیار وزارت کار گذاشتیم پس از این نقطه نظرها وضع کارآموز مشخص است. اما از نقطه نظر مزد و شرایط کار وضع فرق می‌کند از نظر مزد تابع قراردادی هست که بین کارگر و کارفرما امضاء می‌شود ولی از نظر شرایط کار تابع قانون کار است یعنی بیشتر از همان ساعتی که معین است نمی‌توانند از او کار بکشند.

**تلاش - تعطیلات کارگر چند ماه یا چند روز در سال می‌باشد و هدف وزارت کار آنست که به چند روز در سال برسد؟ در دنیا صحبت می‌شود که در سال ۲۰۰۰ مثلاً درممالک متحده آمریکا نیمی از سال را مردم کار کنند و نیمی دیگر به استراحت می‌پردازند (گزارشی بوسیله آنتونی وینوهرمان کان در این باره تهیه شده است).**

**مجیدی -** مسئله‌ای که سؤال فرمودید در مورد اینکه ساعت کار چرا در مملکت ما ۴۸ ساعت در هفته است در حالیکه مثلاً کشور های پیشرفته تقلیل داده‌اند به ۴۰ ساعت. این مسئله به دو عامل بستگی دارد یک مسئله اشتغال تام هست که مادام که در یک مملکتی اشتغال تام بوجود نیامده ما نمی‌توانیم از ساعت کار کم بکنیم. دوم این که مسئله سرمایه گذاری به میزان کامل در اقتصاد هست و به اندازه کافی سرمایه گذاری شده باشد که برای همه شغلی تولید شده باشد و سطح درآمد به حدی رسیده باشد که فرصت اعطای فراغت بیشتر را بدهد. و بالاخره مسئله قابلیت تولید هست که در سطح تولید به حدی برسد که کارگر با ساعات کار کمتر بتواند تولید هرچه بیشتر را هم عملی کند. در مملکت ما به علت اینکه سطح تخصص تامین و وسعت کافی پیدا نکرده ما در عین حالی که بایکاری مواجه هستیم کمبود کارگر متخصص را هم داریم. پس اگر یک کارگری هست که تخصص دارد نه تنها هشت ساعت از آن استفاده می‌کنیم بلکه ۴۸ ساعت اضافه کار

هم دارد همانطوری که می‌بینید اشخاصی که دارای تخصصی هستند عملاً چه کار فکری بکنند و با اصطلاح اشتکتوتل باشد و چه غیر اشتکتوتل باشند عملاً خیلی بیشتر از ۴۸ ساعت در روز کار می‌کنند و واقعاً هم احساس می‌شود که برایشان کار هست یا تدریس می‌کنند یا کار دفتری می‌کنند. پس علتش چیست؟ علتش اینست که در یک کشور در حال توسعه در عین حال که بیکاری وجود دارد کمبود کارگر متخصص هم وجود دارد پس ما نمی‌توانیم بگوئیم که مصنوعاً خیلی خوب ساعت کار کمتر از ۸ ساعت. چرا؟ برای اینکه اضافه حقوقش بیشتر است. چون عملاً این شخص چون در مقابلش تقاضا وجود دارد و پرداخت می‌شود اگر بخواهیم مصنوعاً کار را کم کنیم مثل اینست که ما مصنوعاً حقوقها را زیاد کنیم، از نظر اقتصادی این کار مضرات زیادی خواهد داشت. از نظر سطح قابلیت تولید هم به علت مدیریت و سطح تکنولوژی به آن حدی نرسیده که ما بتوانیم تولیدمان را واقعاً تا یک حد مطلوبی بالا ببریم بر حسب واحد. در نتیجه از نظر اقتصادی قیمت کالای تمام شده مان خیلی گران تر خواهد شد اگر این کار را انجام بدهیم و مضافاً اینکه چون سطح درآمد آفندر نیست که نه تنها زندگی عادی را تامین بکند بلکه زندگی دوره فراغت و مرخصی را بتواند تامین بکند ما عملاً هیچ استفاده‌ای به کارگر نخواهیم رساند یا به حقوق بگیر نخواهیم رساند. چون در هر صورت این درآمد کافی را نخواهد داشت که بتواند برود تعطیلات یا دو روز در هفته‌اش را ورزش بکند یا برود تفریح بکند یا کار دیگر. اینها همه موازی با پیشرفت و موازی ناثروتمند شدن مطرح می‌شود و من فکر نمی‌کنم که هنوز ما بتوانیم بخودمان اجازه بدهیم که از این گشادبازها بکنیم.

**تلاش - آیا راجع به افرادی که تنها سرمایه آنها نیروی فکری و کار فکری است و بنابراین ممکن است سرمایه مادی نداشته باشند فکری کرده‌اید؟ و بنظر شما حقوق اینگونه افراد که سرمایه مادی ندارند چگونه باید تامین گردد.**

**مجیدی -** در مورد افرادی که دارای یک تخصصی هستند که در واقع برای آنها سرمایه‌شان سرمایه تخصصی و فکری است، باید توجه داشت که ما باید سعی بکنیم که در مملکت شرایط اشتغال بوجود بیاید. شرایط اشتغال یعنی اینکه هرچه بیشتر شغل ایجاد بشود تا افراد مختلف و با تخصص‌های مختلف بتوانند جلب و جذب شوند. مسلماً از نظر اقتصادی برای هر شغلی که در جامعه بوجود می‌آید یک سرمایه گذاری لازم است برای این که یک کارگر صنعتی را بکار واداریم یک سرمایه گذاری لازم است. برای اینکه یک کارگر کشاورز را به کار واداریم یک سرمایه گذاری لازم است. برای اینکه یک هنرمند را به کار واداریم یک سرمایه گذاری لازم است. مهندس یا یک قاضی به همین طریق. پس آنچه که برای ما مهم است اینست که با سرمایه گذاری که در شئون مختلف می‌شود و با محبتی که برای فعالیت سرمایه گذاران و صاحبان ابتکار و مدیران در جامعه بوجود می‌آوریم شرایطی را ایجاد کنیم که با سرمایه بخش خصوصی و بخش عمومی شغل های هرچه بیشتر و متنوع تر و برای گروه‌های مختلف بوجود بیاید. پس کسی که از دانشگاه خارج می‌شود و دارایی متعلق به خودش نیست بایستی که سعی بکند و دولت بایستی که کمکش بکند برای اینکه یکی از شغل های که برای او آماده و خالی هست بتواند اشغال بکند. و اما از نظر حمایت که برای کارگران چه فکری کردیم قانون کار می‌گوید که هر کسی در مقابل یک قرارداد

معینی به خدمت دیگری در بیاید مشمول آن قانون تلقی شود. فقط کسانی که تابع قوانین استخدام کشوری و لشکری و یا سایر قوانین استخدامی و مقررات استخدامی مدون هستند از قانون کار مستثنی هستند. پس هر کسی که در یک جایی شروع به کار بکند و کار - فرمائی داشته باشد، برای ما مشمول قانون کار می‌شود. حالا این ممکن است کارگر خیازی باشد، کارگر کارخانه صنعتی باشد، یا کارمندی باشد که در یک تجارتخانه کار می‌کند. یا یک هنرمندی باشد که در یک دستگاه مربوط به کار خودش مشغول کار شود. همه مورد حمایت قانون کار قرار می‌گیرند مگر آنهایی که تابع قوانین استخدامی خاص هستند.

**تلاش - آیا قوانین کارگری موجود مانع رشد و توسعه صنایع نمی‌گردد؟ مقصود اینکه مثلاً بفرض کارگر قانونی دارد که باید کار بکند اگر برود پشت میز کارش بایستد ولی کار نکند آیا وی عملاً کار را لنگ نکرده است؟**

**مجیدی -** اصولاً قوانین اجتماعی مسلماً برای اقتصاد مملکت یک هزینه‌ای دارد یک سنگینی دارد و این سنگینی طبعاً از سرعت سرمایه گذاری در اقتصاد مملکت کم می‌کند. مثال می‌زنم در انگلستان در دوره انقلاب صنعتی چون مقررات کار وجود نداشت سرمایه گذاران و صاحبان معادن و صنایع به نحو خیلی شدیدی افراد را استثمار می‌کردند و توانستند سرمایه قابل توجهی را بوجود بیاورند و کارخانجات و موسسات عظیمی را بوجود بیاورند و از آن بهره‌برداری کنند. اما اگر قوانین اجتماعی امروز در آنروز وجود می‌داشت مسلماً انگلستان نمی‌توانست با این سرعت انقلاب صنعتی‌اش را انجام بدهد. پس طبعاً قوانین اجتماعی در واقع، از نظر خاص و خالص از نظر کاملاً دید منحصر اقتصادی یک ترمز تلقی می‌شود. اما باید توجه داشت که اگر ما قوانین اجتماعی را طوری وضع و تدوین بکنیم که فرد ضمن برخورداری از یک شرایط زندگی شرافتمندانه و انسانی بتواند در یک امر تولید مشارکت بکند آنوقت می‌بینیم که این فرضیه که قوانین اجتماعی ترمزی برای پیشرفت اقتصادی است صحت پیدا نمی‌کند، بلکه می‌تواند در جهت پیشرفت اقتصادی عمل بکند و اثر بگذارد. پس از این نقطه نظر باید توجه بکنیم که در واقع قوانین کار و شاید مهمترین قانون از قوانین اجتماعی باشد یک وسیله و یک تضمین به حساب برقراری توازن در رشد اقتصادی و اجتماعی جامعه است. پس از این جهت باید توجه بکنیم که قوانین اجتماعی بخصوص قانون کار را طوری اجرا بکنیم که در جهت توسعه اقتصادی باشد و روابط انسانی و روابط صنعتی را تنظیم بکند و بهبود ببخشد. اما اگر ما این قوانین را درست اجرا نکنیم و یا اینکه دستگاههای قوی اجرائی برای اجرای این قوانین وجود نیاوریم ممکن است در اثر عدم اطلاع و کم بودن دانش عمومی موجب بشود که یک ناراحتی‌هایی بوجود بیآورد. و مثلاً اگر ما فقط بطور یکطرفه بخواهیم قانون کار را اجرا بکنیم و فقط منافع کارگر را در نظر بگیریم و هیچوجه به پیشرفت صنعت و مصالح کارفرما توجه نکنیم مسلماً این قانون کار اثر نامطلوبی خواهد گذاشت. ولی وزارت کار سعی می‌کند که در واقع نقش بی‌طرف را بین کارگر و کارفرما ایفا بکند و آنچه خواسته و خواهش منطقی و مشروع کارگر هست از او دفاع بکند و آنچه که مسائل و مصالح منطقی موجه کارفرما هم هست در نظر بگیرد و بین این دو قطب و بین این دو منفعت متضاد و در بعضی مواقع متعارض ماسمی می‌کنیم خط‌مزر را جایی بگذاریم و قضاوت را به ترتیبی انجام

می کند و تابع و گرفتار آن نظم ها و قوانین که حاکم برای استخدام دولتی هست نیست. تلاش - آقای مجیدی از اینکه مدت زمانی از وقت عزیز خودتان را در اختیار خوانندگان تلاش گذاشتید سپاسگزاریم.

بدیهیم که این دو عامل بتوانند دست به دست هم کار بکنند و تولید را بالا ببرند و به اقتصاد مملکت و پیشرفت اقتصاد کمک بکنند. تلاش - اطلاع دارید که به مشاورین و مهندسین و کار شناسان خارجی حقوقهای گزاف داده می شود. آیا فکر نمی کنید که اگر نظیر همین افراد که ایرانی و در خارج هستند و مشابه این کارها را می کنند مشابه یا اندکی کمتر از همین حقوقهایی را که به مشاورین داده می شود بدیهیم برای مملکت مفیدتر باشد.

حبیب الله زعفرانی

شاید...  
~~~~~

مجبودی - این مسائل خیلی مشکل و پیچیده است. از يك طرف اگر ما سایر جهات و نظرات را کنار بگذاریم منطق حکم می کند که ما بجای اینکه يك آمریکائی یا يك آلمانی یا يك ژاپنی را بیاوریم به ایران و ماهی ۱۵ هزار تومان به او حقوق بدیم يك نفر مشابه ایرانی را بیاوریم و همان حقوق یا قدری کمتر به او بدیم. منطق ساده اینطور حکم می کند. ولی معمولاً این مسئله اگر به این ترتیب عمل بشود عدم توازن هائی در داخل مملکت ایجاد خواهد کرد و موجب می شود که بسادگی نشود يك چنین راه حلی را قبول کرد. بطور مثال برایتان می گویم که سازمان ملل هیچوقت اهل آن مملکت را بعنوان کارشناس به آن مملکت نمی فرستد چرا؟ برای اینکه سطح حقوق کارشناسان آن مملکت نسبت به سطح حقوق که در داخل مملکت آن کارشناس وجود دارد بالاتر است و اگر کارشناس اهل آن مملکت حقوق بیشتری بگیرد يك ناراحتی ها عدم رضایت هائی در آن مملکت بوجود می آید. البته باید سعی بکنیم تا حدی که ممکن است این اختلاف مرتفع بشود و مرتفع شدنش هم بوسیله بخش خصوصی امکان پذیر است. برای اینکه دولت ناچار است که يك روش یکنواخت و منظمی داشته باشد که برایش متخصص تحصیل کرده خارجی و یا متخصص تحصیل کرده داخلی فرق نداشته باشد، چون هر دو ایرانی هستند یکی این شانس را داشته که در فلان دانشگاه امریکا تحصیل کند و دیگری در دانشگاه ایران. اگر ما نتوانستیم به همان شاگردی که از دبیرستان درمی آید آموزش عالی در سطح مطلوب بدیم تقصیر آن شاگرد نیست تقصیر آن است که جامعه نتوانسته واقعا او را پرورش بدهد. در صورتی که دیگری شانس این را داشته که برود به خارج و از امکانات آموزش عالی کشور دیگری استفاده کرده است. پس برای دولت نمی توانیم يك چنین راه حلی را پیشنهاد بکنیم چون ایجاد عدم توازن و تعادل خواهد کرد. اما بخش خصوصی این آزادی را دارد و آلمان هم بخش خصوصی این کار را می کند. آلمان بخش خصوصی برای کارخانجات، موسسات مختلف تجارتي و اقتصادی تا حد اکثر ممکن از متخصصین ایرانی استفاده می کند و حقوقهای خیلی کافی هم می دهند و شاید حقوق هائی که می دهند معادل و بلکه بیشتر از حقوقی را می دهند که همان فرد ممکن است در يك کشور خارجی بدست بیاورد. پس ما بایستی امکانات توسعه فعالیت های بخش خصوصی را زیاد بکنیم و ترتیبی فراهم بکنیم که شاغل بخش خصوصی روز به روز بیشتر بشود تا به این طریق قدرت جذب مملکت و اقتصاد ملی در مجموع زیاد بشود. و هرچه بیشتر بتوانیم ایرانیانی که در خارج تحصیل کرده و کسب تخصص کرده اند و می کنند را در اقتصاد مملکت جذب بکنیم. اینکه دولت آنقدر روی بخش خصوصی تکیه می کند که بخش خصوصی باید فعالیتش توسعه پیدا بکند برای این است که بخش خصوصی راه حلی برای يك مقداری از این مشکلات است چون بخش خصوصی بصورت واحدهای جدا جدا و مستقل عمل

صفحه چهل و هشتم

«چه میدان کسی شاید که او هم»

«چه میدان کسی شاید که او هم»

چه میدان کسی شاید زمانی

خیال من با رمی و گرمی

چه میدان کسی شاید که او نیز

بجانش آتش بی منتهایی است

چه میدان کسی شاید که هر شب

بیادم بیت های شک جانوز

چه میدان کسی شاید در آن چشم

بجام خاطر پر شور و حالش

چه میدان کسی شاید که هرگز

سرابی بوده پندارم، سربازی

مراد خاطر آردگاه و بیگاه

چو من شبها نخته تا سحرگاه

که خاموش و سخن بلب نداد

چو خون در پیکرش ره سپارد

ندارد طاقت و آرام یکدم

که می سوزد و جودش را دادم

چو سر را روی بالین میگذارد

نبرگان روی بترمی نگارد

تنهایی بجز آغوش من نیست

بغیر از باده خوش نوش من نیست

مراد خاطر او ره نبوده

فریبی خردی کوه نبوده

# شهرهای ایران اغلب توسعه يك قلعه قدیمی است.

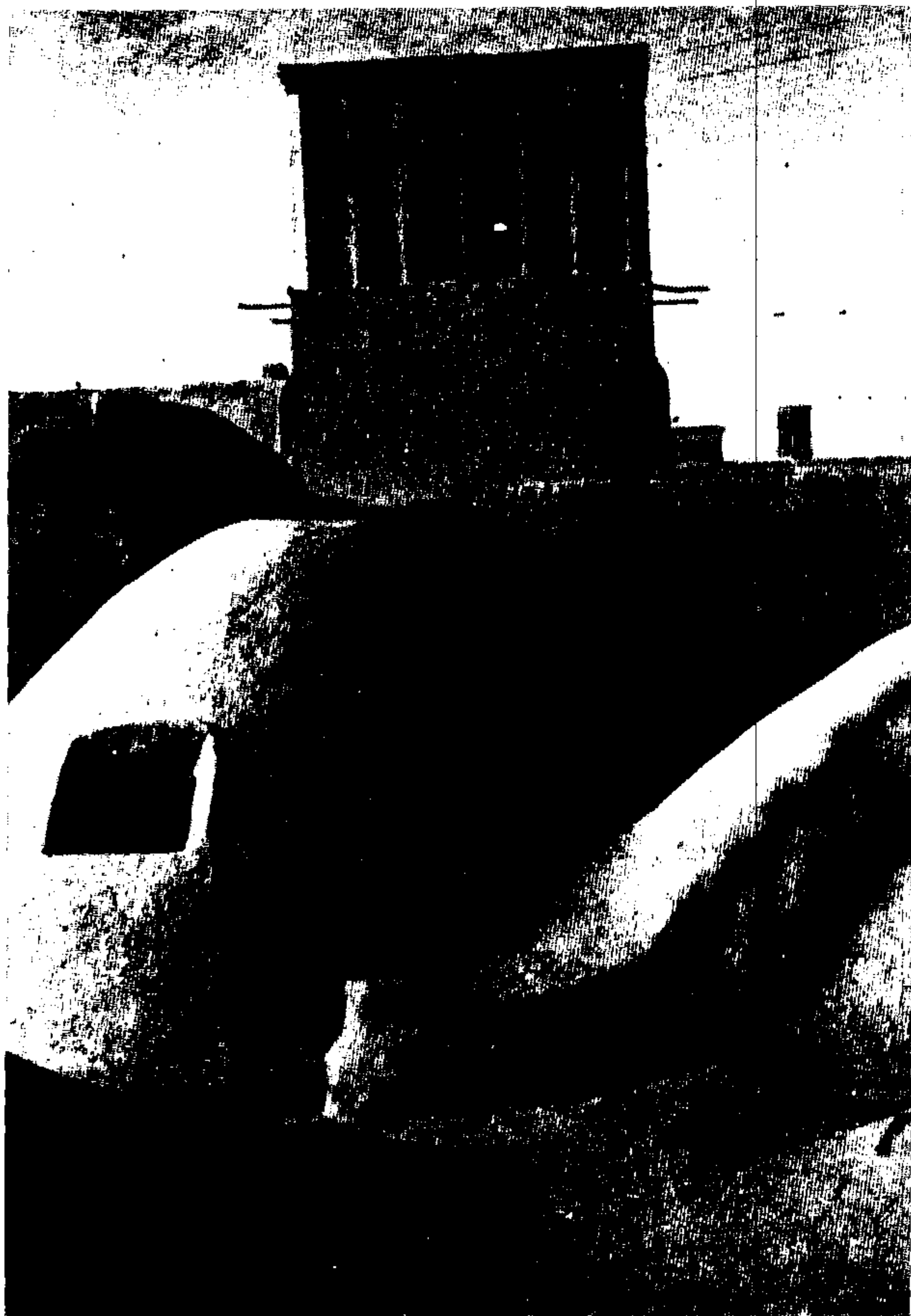
● قلعه در حقیقت هسته مرکزی و زندگی دسته جمعی است.

- شهر ابرقو در استان فارس
- خاک بعنوان خاکی که در زمان ساخت قلعه به آن شکل میدهد.
- وقتی به يك شهر ایران نگاه میکنیم، ما و مردم سیم های گاهگلی که این شهر را تشکیل داده ارتباط معنوی بخصوص در طول هر سال با آن با شخصیت و نظر شهرسازی برخورد نمود.

## مصاحبه با مهندس مقتدر

مهندس مقتدر پس از گرفتن دیلم متوسطه در ایران به فرانسه رفت و پس از اتمام دوره مهندسی معماری بوطش بازگشت و فعلا حدود ۳۰ سال است که در ایران فعالیت دارد و از مهمترین کارهای فعلی او و همکارانش مطالعه طرح جامع تهران و همچنین نگاه بهلوی است. البته در کنار این کارها فعالیت های دیگری نیز داشته است و در خصوص فعالیت های اخیر او میگوید: «در این سالها فعالیت های زیادی داشته ایم که باعث شده است تا ما را به عنوان یکی از فعالان در مورد معماری ایران و فرانسه در این بحث بخصوص در مورد زیبایی حجم ساختمانی معمولی و عادی شهرها سخن گفت

مورچه خورت : کوچه زیرساختمانهای مسکونی



اردکان : ترکیب حجم های مورب با خطوط مستقیم



کاشیکاری در لایه های قطعات آجر؛ تکامل ظرافت در معماری عامیانه

تلاش - در مورد معماری عامیانه که عنوان صحبت شما بود برای ما چند کلمه ای بگوئید.

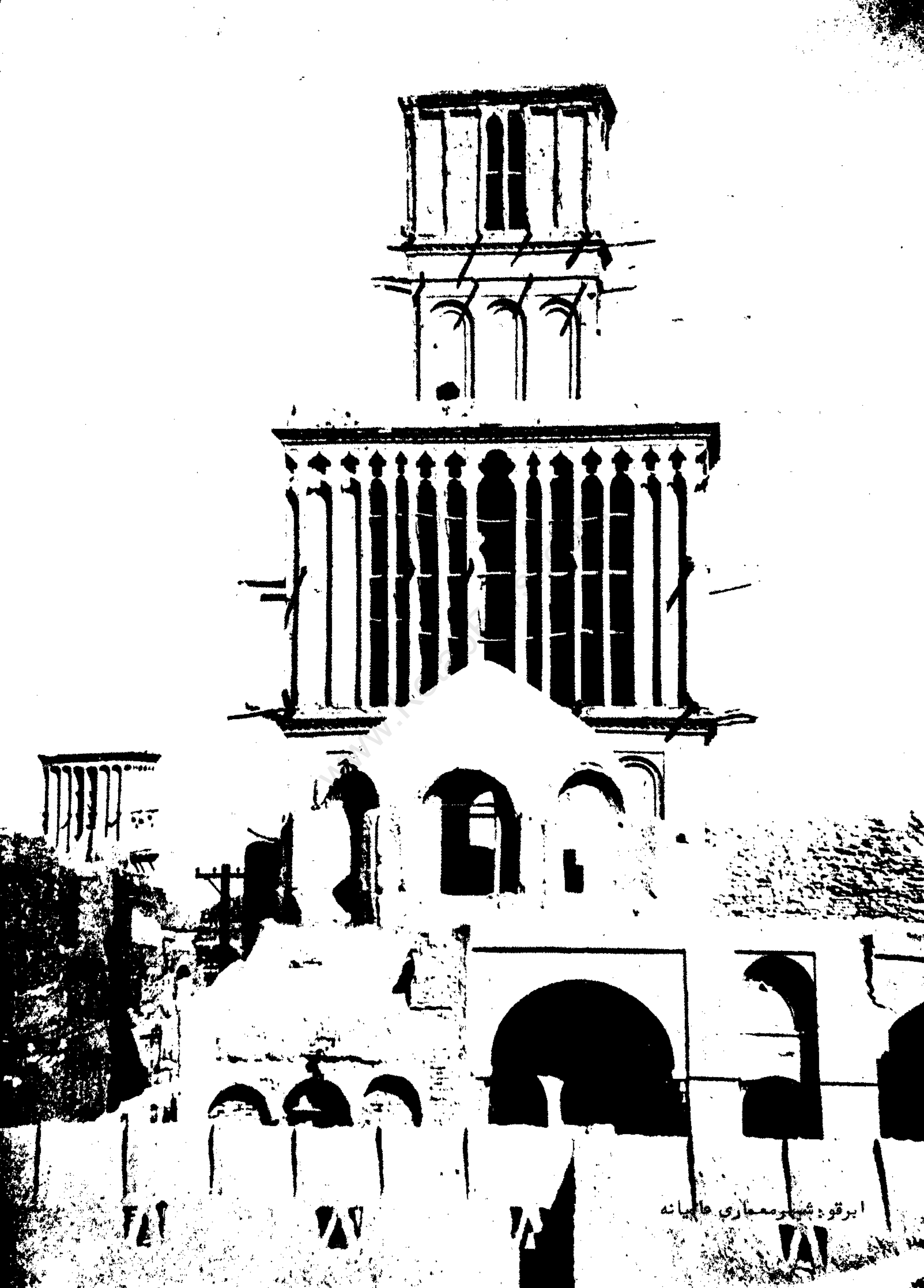
مقتدر - مطلبی که در معماری ایران کمتر در مورد آن بحث شده و علاقه مندان به هنر و معماری ایران قدم اساسی در راه آن برنداشته اند هنر معماری «عامیانه» ماست چون لغت «عامیانه» منظور اصلی مرا بطور کامل نمیرساند در این باره توضیح میدهم: این لغتی که انتخاب کرده ام شامل معماری میشود که بطور خیلی طبیعی و عادی بدست مردم بنا شود یا بهتر بگویم معماری است که از زمین میروید! این روئیدن بخاطر احتیاج زندگی انسانها است. انسانهای فلات ایران. و این حجم ها جوابگوی مسکن - بازار محل عبادت - آب انبار - کاروانسرا و دیگر احتیاجات روزمره آنهاست.

در ایجاد این حجم ها خاک بعنوان ماده اصلی بکار میرود و دست های مردم و یا بناهای ساده محل بآن شکل میدهند. سادگی و خلوصی که در هنر عامیانه نهفته است یک هنر معماری «پلاستیک» تازه ای بجای میگذارد که با طریقه درك هنری دوره خودمان به ارزش فوق العاده آن پی میبریم. در این معماری مطالعه و فکر يك معمار بزرگ بکار نرفته و ترکیب های عظیم پی ریزی نشده است.

بهمن جهت من عقیده دارم که اصالت هنر معماری ایران را باید در معماری عامیانه جستجو کرد زیرا این نوع تظاهر هنری که مملو از سادگی و لطافت است نماینده هنر و سلیقه اقوام سرزمین ما بوده و هیچ قدرت مادی دیگری اجرای آنرا ضمانت نکرده است. شاید همین مطلب باعث میشود که وقتی به يك شهر کویری ایران نزدیک میشویم بین ما و توده حجم های کاهگلی که این شهر را تشکیل داده ارتباط معنوی بخصوصی برقرار میشود.

تلاش - از يك ارتباط معنوی صحبت کردید! فکر نمیکنید این ارتباط همیشه بین انسان و يك اثر هنری از هر نوع که باشد میتواند برقرار شود؟

مقتدر - چرا. بین انسان و يك اثر هنری همیشه ارتباط معنوی هست. ولی نوع این ارتباط یکسان بروز نمیکند دیدن يك قلعه ساسانی یا هشت بهشت و یا ساختمان امامزاده ای در خارك اثر واحدی در انسان نمیگذارد. انسان از شخصیت معماری هر سه این بناها متأثر میشود، از هر کدام بطریقی متفاوت. توده معماری عامیانه ایران نیز در بیننده تاثیر بخصوصی دارد: وقتی که به يك شهر كوچك اطراف کویر نزدیک میشویم ترکیب حجم های مورب پوشش بناها با خطوط مستقیم بادگیرها و مناره ها، مفهوم زندگی انسان ها را با ملامت به دل مینشانند در اینجا لزومی ندارد که بیننده با این چشم



ایر قزوین شهر معماری عالیانه

انداز آشنائی قبلی داشته باشد وبدون شك اسمی هم از معمارهای این مجموعه نمیداند. ارتباط خود بخود بطریق ساده‌ای بین انسان وشهر برقرار میشود.

در حالیکه چشم انداز شهری مانند تهران که در نتیجه توسعه سریع وبدون طرح شخصیت معماری خود را از دست داده بهیچوجه برای بیننده خوش آیند نیست و ارتباطی هم که بشود از آن نام برد در میان نخواهد بود.

ترکیب عناصر يك شهر حتی بصورت يك عکس بازگوی احساس انسان هائی است که آنها بنا کرده‌اند. این احساس با وسعت زیاد در برخورد با شهرهای دست نخورده فلات ایران درك میشود.

تلاش - این شهرهای دست نخورده را برای ما اسم ببرید.

مقتدر - خوشبختانه در طول هر مسافرتی در ایران میتوان با چند شهر دست نخورده وباشخصیت از نظر شهرسازی برخورد نمود. من باب مثال اگر از تهران بطرف یزد برویم در مسیر راهمان از نطنز - اردستان - زواره - نائین و بالاخره عقدا میگذریم که چشم انداز هر کدام برای ما گویای اصالت معماری عامیانه است. و یا در کنار کرمان میتوانیم ماهان ویم را ببینیم - از یزد مجددا میتوانیم راه شمال را از طریق مشرق کویر انتخاب کنیم و در مسیرمان تون - طبس - قائن - گناباد - تربت حیدریه را ببینیم و یا در فارس میتوانیم جهرم - فسا - نیریز - ایج - اصطهبانات را بگردیم. و اگر احيانا گذارمان به اصفهان وشیراز که از فرم شهر های کوچک درآمده است بیفتد از موهبت دیدن معماری عامیانه در قلعه مورچه خورت و قلعه ایزدخواست برخوردار میشویم.

بهر صورت تعداد شهرهای دست نخورده مثل نقاط درخشانی روی نقشه ایران پاشیده شده است.

تلاش - دیدن کداميك از این شهرها در شما تاثیر بیشتری گذاشت ؟

مقتدر - پاسخ این سؤال معمولا کار آسانی نیست زیرا بدون تردید شخصیت هر کدام از این شهرها آنقدر انسان راتحت نفوذ خود میگیرد که با آسانی نمیتوان از میان آنها يك شهر بخصوص را نام برد. مع هذا چون بارها بسفرهائی که در ایران کرده‌ام اندیشیده‌ام واغلب اوقات بیشتری بیاد ابرقو بوده‌ام شاید بین این شهر و من که حقیقتا دلیل خاصی هم برای آن نمیبینم ، بیشتر از شهر هائی که تاکنون دیده‌ام ارتباط هست . شهر ابرقو در نهایت سادگی واقعا قابل ستایش است . در مقابل کاهگل زرد رنگ که دیوار اغلب خانه‌های ابرقو را پوشانیده است ، خطوط ظریف و محکم گچ سطوح آنها محدود

یزد : معماری عامیانه دور از معماری مدرن نیست



کاشان : هنر پلاستیک و معماری عامیانه



### تفت : معماری راه ابریشم

از دیاد جمعیت حصار را میترکاند و قلعه باید توسعه پیدا کند. شارستان که مزارع اطراف قلعه است زیر بنای خانه‌های جدید می‌رود عمل «تولد شهر» از درون قلعه شروع می‌شود. در اینجا این عمل یا بصورت کندی پیش می‌رود، متوقف می‌شود و قسمت اعظم حصار بجای میماند و توسعه قلعه حجم ناچیزی را در اطراف حصار بوجود می‌آورد مثل: عقدا و یا اینکه این توسعه تکامل پیدا میکند و شهر آنقدر بزرگ می‌شود که از قلعه تنها قطعات ناچیزی در داخل شهر به چشم می‌خورد مثل: یزد تلاش - از زندگی در قلعه‌های موجود که بصورت فرم قدیمی مانده است برای ما چند کلام بگوئید.

مقتدر - متأسفانه باید بگویم که زندگی مردم در قلعه‌هایی که توسعه پیدا نکرده است امروز وضع قابل قبولی ندارد. ساختمان قلعه‌ها بعلت فقدان نگاهداری در حال ریزش است. شارستان که برای کشاورزی در اختیار مردم قلعه بوده صاحبان دیگری پیدا کرده است و برنامه جدیدی برای ساکنین قلعه‌ها تنظیم و اجرا شود.

تلاش - متشکریم.

و محکم میکند، حجم‌های مورب و آزادپوشش شهر از میان بادگیرها براحتی می‌گذرد. ابرقو مثل يك موسیقی بزرگ برای همیشه درون انسان جای می‌گیرد. از ابرقو که بگذریم معماری قلعه‌ها نیز که انسان را بیاد استقرار اقوام فلات ایران می‌اندازد معماری اصیل و دوست داشتنی است. تلاش - از معماری قلعه که اسم آن برای ما اینقدر آشنا هست ممکن است بیشتر بگوئید؟

مقتدر - قلعه ابتدائی‌ترین صورت شهر نشینی در فلات ایران است قلعه در حقیقت يك عمارت عظیم زندگی دسته جمعی است. انسان و حیواناتی که با آنها زندگی میکنند در داخل آن محفوظ‌اند. روزها درب و یا دربهای قلعه باز می‌شود انسان کشاورز و دامدار به کار می‌رود. و غروب پس از بازگشت به قلعه در پناه دیوارهای عظیم آن از تهاجم نمی‌هراسد.

شاید از جهاتی بشود قلعه را بایک ساختمان مرتفع امروزی مقایسه کرد.

ترکیب قلعه‌های ایران مرکب از چهار قسمت است: اول - حاکم نشین که معمولاً در مرکز قلعه و حتی المقدور بر روی تپه‌ای بنا شده. دوم قسمت مسکونی مردم و ساختمان‌های مربوط به خدماتش مانند بازارچه حمام - مسجد و غیره. سوم حصار قلعه با برجها. چهارم مزارع اطراف قلعه که محل زراعت ساکنین قلعه را تشکیل میدهد.

معماری قلعه‌ها معمولاً معماری آزاد است که ترکیب حجم ساختمانهای آن پیرو قانون بخصوصی نبوده، براحتی در کنار یکدیگر قرار گرفته و معمولاً فرمهای پلاستیک بسیار زیبایی را ایجاد میکنند. کوچه‌ها در قلعه در سطوح مختلف رد می‌شود گاه از زیر خانه‌ها و گاه از کنار آنها می‌گذرد.

قلعه‌های ایران به نسبت وضع جغرافیائی فرم‌های مختلفی دارند من باب مثال قلعه ایزدخواست که تاریخ بنای آن بدوران ساسانی میرسد و از نظر دفاعی قلعه فوق‌العاده بااهمیتی بوده در این قلعه به بناهای چند طبقه بر می‌خوریم که با عظمت خاصی تا به امروز برجا ایستاده است. در حالیکه قلعه‌های بنا شده در دشت بیشتر روی سطح زمین توسعه پیدا کرده و اغلب ارتفاع آن از دو طبقه تجاوز نمی‌کند.

تلاش - در مورد شهرهای زیبای کویری و از قلعه‌های قدیمی صحبت کردید چه ارتباطی بین شهر و قلعه بوده است؟

مقتدر - شهرهای ایران اغلب توسعه يك قلعه قدیمی است. در این مورد مدارك زیادی موجود هست که بدقت میتوان قلعه قدیمی را در میان شهر یافت. زندگی در قلعه محدود است و حصار حجم‌های داخل قلعه را بیکدیگر می‌فشرده. روزی میرسد که



# مغز

## گفتگو با

پروفسور ابراهیم سمیعی

استاد دانشگاه و

جراح مغز

این نکته برای اطباء جوان مهم است که تصور نکنند که باید همه وسائل یکجا در اختیار آنان قرار گیرد که بتوانند با موفقیت کار خود را انجام دهند.

جراحی مغز امروز دیگر جراحی تزیینی و لوکس نیست بلکه يك امر بسیار لازم می باشد.

تلاش - آقای پروفسور سمیعی راجع به دنیای شگفت انگیز مغز (به تعبیر ما) چه حرف هائی دارید آیا مغز هنوز بعنوان يك عضو مبهم در بدن باقی مانده است ؟

پروفسور سمیعی - با وجودیکه ۲۰۰ سال است که علما مسائل مربوط به مغز را مورد تفحص و پژوهش قرار داده اند مغز هنوز عضوی مبهم در بدن باقی مانده است . و بنابراین درمان امراض مغزی هم در ۵۰ سال اخیر آن ترقی شایانی را که اطباء انتظار آنرا داشتند نکرده است . مثلاً امروز ما نمی دانیم که محل هوش و ادراک در کدام نقطه از مغز قرار گرفته و احساسات مختلف بشر مانند اندوه و شادی و یا خشم و کینه چه مراکزی را در مغز اشغال می کنند امتحانات الکتریکی مغز از طرفی و تفحصات جراحان مغز در حین جراحی و پژوهش های متخصصان شیمی اعصاب توانسته اند تا اندازه ای پرده از روی ابهامات بردارند .

کوشنیک "جراح معروف مغز امریکا تقریباً در ۴۵ سال قبل توانست در حین عمل های جراحی روی مغز مقداری از مسائل را حل کند همزمان با اوفورستر در آلمان در حین جراحی سعی می کرد که اهمیت نقاط مختلف مغز را تشریح کند تا اندازه زیادی هم موفق شد .

بعد از این دو نفر "هن فیلد" در کانادا توانست در حین اعمال جراحی برای درمان مرض صرع مراکز حرکتی و تکلمی مغز را آشکار سازد بعد از او پروفسور "هس" فیزیولوگ زوریخ موفق شد با تحریک در وسط مغزی حیوانات غضب ، شادی ، اشتها ، خواب ایجاد نموده و لااقل این نکته را روشن سازد که این اعمال مراکزی مخصوص بخود در میان مغز دارد .

امروزه با عمل های جراحی که پایه آنها محاسبات ریاضی و عکس برداریهای دقیق می باشد جراحان می توانند به هر يك نقطه ای از مغز دسترسی پیدا کرده این نقاط را تحریک و یا بوسائلی منهدم ساخته و جلوی تحریکات غیر طبیعی مغز را گرفته و بسیاری از امراض را که تاکنون غیر قابل درمان بنظر می رسیده اند معالجه نمایند . هدف بزرگ متخصصان این بوده است که روح را با ماده مغز مطابقت دهند . میدانیم که ضایعاتی در قسمت شقیقه ای مغز ممکن است در بیماران ایجاد رویاهائی بکند و این رویا ها ممکن است سمعی ، بصری و یا متعلق به حس شامه باشند . جوانی را می شناسم که قبل از حملات صرعی نغمه موسیقی می شنید و آن نغمه را هم می دانست و پس از شنیدن این نغمه بحالت اغما می افتاد و یا بیمارانی هستند که مناظر پسندیده و زیبا بنظرشان رسیده و پس از آن دچار حملات صرعی می شوند کسی را ذکر

می کنند که در انگلستان بمحض شنیدن زنگ کلیسا دچار حملات صرعی می شد و اشخاص فراوانی دیده شده اند که قبل از حملات صرعی دست به اقدامات عجیب و غریبی زده بطوریکه اولین رهگذر آنان قبل از پزشک و بیمارستان در کلاتریها بوده است . چند سال قبل مریض جوانی داشتم که يك روز در خیابان قدم می زد و يك مرتبه طفلی را بغل کرده و فرار کرد او را به عنوان بچه دزد گرفتند و بعد معلوم شد که این اقدام او قسمتی از حملات صرعی اش بوده است و یا کارگری که مکرر با رئیس خود در افتاده و با او پرخاش کرده بود و برای این تهمت ها و بی انظباطی ها مورد تنبیه قرار می گرفت تمام این حرکات را این کارگر ناخود آگاه انجام داده و در آن موقع در يك حالت شبیه به صرع بوده است .

همه این بیماران و بیماران دیگری شبیه آنان مورد عمل جراحی قرار گرفته اند و در هنگام جراحی معلوم شده که قسمت معینی از مغز آنان دچار ضایعاتی بوده است . از این رو معلوم می شود که در آینده محل روح و احساسات تعیین خواهد شد .

تلاش - در اینجا این مساله مطرح می شود که آیا روح زیربنای مادی دارد یا خیر و به توضیح دقیق تر روح نشانی از ماده است ؟

سمیعی - در این قسمت متخصصین شیمی مغز سخت در تلاش هستند و ثابت کرده اند که جابجا شدن بعضی از مواد شیمیائی از محلی در مغز به محل دیگری باعث بعضی تحولات در روح بشر می شوند . این جابجا شدن مواد شیمیائی خود امواج الکتریکی ایجاد می کند که می توان این امواج را بوسیله گذاردن الکترودهای در داخل مغز حیوان و حتی انسان ثبت نمود . پس علم امروز به این مرحله رسیده است که می تواند تا اندازه ای محل احساسات را که قسمتی از روح است تعیین نماید و علت تغییر آنرا مشخص کرده و حتی این تغییرات را بشکل منحنی ها و امواج بروی کاغذ بیاورد .

تلاش - ماشین های الکترونیک چه رابطه مستقیمی با دستگاههای مغز بشر دارند آیا مغز بشر نیز مانند همین ماشین ها فعالیت می نماید ؟

سمیعی - اصل ماشین های الکترونیک این است که بشر اطلاعات وسیعی را در موضوع های مختلف به این ماشین ها وارد نموده و بعداً مسائلی را که مربوط به این اطلاعات هستند مطرح نموده و پاسخ این مسائل را از ماشین می گیرد . مغز بشر هم در حقیقت به همین نحو کار می کند زیرا از بدو طفولیت محیط ، مخصوصاً آموزش اطلاعات زیادی را به مغز تحویل داده و مغز این اطلاعات را در خود نگاه داشته و با کمک این اطلاعات می تواند حتی مسائل بفرنج اجتماعی و صنعتی خود را حل نماید هم در ماشین و هم در مغز بشر يك

عامل مشترك دیده می شود و آن عامل تجزیه است .

**تلاش -** آیا می توان یکی از علل احساس بیهودگی و ناامیدی و اضطراب «انسان امروز» را در اثر نارسائی فعالیت های مغزی بشمار آورد ؟

**سمیعی -** بدون شك تحریکات مغز در اثر محیط و کار تغییرات شیمیائی می باشد . عالم کاندائی دکتر سلی بیش از ۱۰ سال قبل ثابت کرد که تحریک بشر بوسیله نا-گواریها باعث می شود که غده فوق کلیه بیش از معمول آدرنالین ترشح نماید . این ماده در خون می ریزد و خون نیز این ماده را به مغز می رساند تحولاتی که در مغز انجام می گیرد و این تحولات انعکاس بشر را در مقابل تغییرات خارج نمایان می سازد هنوز معلوم نیست ولی از طرف دیگر صنعت داروسازی توانسته است تعداد زیادی دارو کشف نماید که همه آنها بر روی مغز اثر کرده و به بشر تحریک شده امروز آرامش می بخشد . شاید کشف این دسته از داروها یک قدم بزرگی در جلوگیری از بی هدفی ها و ناامیدیها و اضطرابها و دلهره های انسان امروز باشد . ولی متأسفانه استعمال زیاده از اندازه این دارو ها بی زیان نیست و یکی از نگرانی های بزرگ اطباء شایع شدن بیش از حد این داروها در میان مردم می باشد . چند سال قبل پس از اعمال جراحی روی مغز حیوانات ثابت شد که قطع قسمت های معینی از مغز از احساسات بی رویه و شدید بیماران می کاهد چند سالی این اعمال جراحی در همه جای دنیا رواج داشته اند و در طی این اعمال تا اندازه زیادی هم مراکز مربوط به احساسات در مغز پیدا شده اند ولی با کشف داروهای مسکن اعصاب این اعمال جراحی کم کم از رواج افتاد و جای خود را به این داروها داده اند .

اکنون که از جراحی مغز صحبت شد . امروز متخصصان در این رشته می توانند جان عده ای از افراد بشر را نجات بدهند از همه مهم تر به عقیده من بیماران مصدوم می هستند که دچار خونریزیهای داخل جمجمه بوده و بدون کمک جراح محکوم به مرگ می باشند . دسته دوم کسانی هستند که مبتلا به غده های سرطانی مغز می باشند در این دسته از بیماران هم جراح مغز می تواند کمک های شایانی نماید .

آنهايي که غده های خوش خیم دارند برای همیشه از خطر کوری ، فلج ، و بالاخره مرگ نجات یافته و دسته ای که دچار سرطان مغز هستند لااقل برای مدت کوتاهی از این عوارض رهائی می یابند .

**تلاش -** آقای پروفیسور سمیعی بهتر است درباره سرطان مغز صحبت کنید و بماند بگوئید که هنوز امیدی اساسی به کشف علت این بیماری وجود دارد ؟

**سمیعی -** سرطان مغز هم مانند سرطانهای نقاط دیگر بدن می باشد یعنی سلولهای مغز بدون عللی که ما از آن اطلاع داشته باشیم شروع به نمو نامتناسب کرده و بالاخره حجمی را در داخل جمجمه اشغال می کنند . منتها چون نسج مغز نسج نرمی است رشد این سرطانها سریع تر از اعضاء دیگر انجام می گیرد و چون مغز در کاسه استخوانی جمجمه قرار گرفته است این حجم زیادی فشار داخل کاسه جمجمه را بالا برده و در بیمار ایجاد سردرد و استفراغ و بالاخره کوری هر دو چشم می نماید . علاوه بر این اگر این تومورها در مجاورت مراکز حرکتی قرار گیرند بیمار را فلج و یا تعادل او را بهم می زنند . اما در مورد سایر جراحی های مغزی باید عرض کنم که :

دسته دیگر از امراضی که جراحان مغز به درمان آنها مبادرت می ورزند عفونت های داخل جمجمه می باشند تجمع چرک را در محل می گویند و چنین دملي ممکن است در مغز پیدا شده و اگر درمان نشود بسرعت باعث مرگ بیمار خواهد شد .

خونریزیهای داخل مغز رشته دیگری از امراض این عضو می باشند ضایعات مادر زائی شریانها و ورید های مغز و یا ضایعات عروقی در سنين بالا ممکن است باعث خونریزی در داخل مغز بیماران گردد . در اکثر موارد تخلیه این لخته های خون بیمار را از مرگ نجات می دهد .

**تلاش -** در باره خودتان حرف بزنید . شما که می گوئید اولین جراح مغز در ایران هستید در پیشبرد هدف هایتان تا چه حد توفیق حاصل نمودید و حالا چگونه فکر می کنید ؟

**سمیعی -** جراحی مغز در ایران تا سال ۱۳۲۷ وجود خارجی نداشت . در آن تاریخ اولین بار این جانب مبادرت به عمل جراحی روی مغز کردم و اولین عمل من روی بیماری بود که یکماه قبل سرش به درشکه خورده و به تدریج اختلال روحی پیدا کرده بود . علت این اختلال يك خونریزی وسیع بود که به سطح بزرگی از مغز فشار وارد می آورد تخلیه این لخته خون باعث بهبودی کامل بیمار گردید . در همان مواقع افتخار شرفیابی به حضور مبارک شاهنشاه آریا-مهر نصیب اینجانب گردید و معظم له ضمن سوالات خردمندانه راجع به جراحی

مغز عنایت فرمودند که به ترویج این رشته در ایران مساعدت فرمایند و در طی سالهای بعد به بهترین وجهی مساعدت و معاضدت فرمودند و در سایه همین مساعدتهای گرانقدر بود که جراحی مغز در ایران رشد کرد . مخصوصا این نکته برای اطباء جوان مهم است که تصور نکنند که باید هم وسائل یکجا در اختیار آنان

قرار گیرد که بتوانند با موفقیت کار خود را انجام دهند . چون در همان سالهای گذشته وضع چنین نبود اینجانب جراحی مغز را در بیمارستان فیروزآبادی با حداقل وسائل و تجهیزات شروع کردم در آن موقع متخصص بیهوشی و دستگاههای بیهوشی وجود نداشتند و کسی هم پیدا نمی شد که خون خود را برای بیماران اهدا نماید و تشکیلات عکس برداری با اندازه ای ابتدائی بودند که امروز اگر کسی با آنها مواجه شود تعجب می کند که چگونه می شد با این دستگاهها امراض مغزی را تشخیص داد ولی همین زحمات اولیه و از خود گذشتگی ها بودند که در سالهای بعد رشته جراحی مغز را بصورت یکی از رشته های ترقی پزشکی در ایران در آورد .

دیری نگذشت که اکثر امکانات لازم بتدریج فراهم آمد . در آوردن غده های مغزی به سہولت امکان پذیر شد و حتی اعمال سخت جراحی مغز در تهران انجام گرفت . در محیط دانشگاه تهران تعدادی از جوانان در این قسمت تخصص یافته و امروز بعنوان متخصصان مجرب بیماران مغزی را از درد و خطر مرگ نجات می دهند . راجع به کار های انجام شده در ایران تعداد زیادی مقالات در مجلات انگلیسی ، سويسی آلمانی و امریکائی بچاپ رسیده است . بطوری که جراحی مغز ایران در مراکز علمی دنیا انعکاس پیدا کرده است . یکی از مسائلی که امروز جراحی مغز با آن مواجه است بدون شك درمان سرطانهای مغزی است و آن هم تا مرض سرطان و علل آن بخوبی شناخته نشوند درمان این بیماران بصورت يك درمان موقتی باقی خواهد ماند . مساله دوم مساله سکنه مغزی است که تعداد زیادی از افراد در اثر آن از بین می روند . امروزه جراحی اعصاب می تواند تعدادی از این بیماران را درمان بخشد و در آینده نزدیکی با پیوند شریانهای باریک مغز جراحان اعصاب خواهند توانست عده خیلی زیادتری را از فلج و مرگ نجات دهند . مساله سوم مساله مصدومین مغزی است که امیدوارم در آینده مراکز متعددی برای رسیدگی به این بیماران در کشور ما افتتاح گردد و به این وسیله از مرگ غیر لازم عده زیادی از مردم کاسته شود .

تعداد جراحان مغز در ایران بسیار کم است بطوریکه شهرستانهای پر جمعیتی نظیر آذربایجان و خراسان و کرمان فاقد جراح اعصاب می باشند . اطباء جوان لازم است در محیط دانشگاه ها بعنوان متخصصان جراحی مغز تربیت شده و به نقاط مختلف پر جمعیت کشور فرستاده شوند و وسائل لازم در اختیار آنان گذارده شود جراحی مغز امروز دیگر جراحی تزئینی و لوکس نیست بلکه يك امر بسیار لازمی می باشد .

**تلاش -** متشکریم

# ترانه های از کویر

## سنجدک بافق

الا فاطمه که میخوام خاطرت را  
به برگ گل بستم چادت را  
به برگ گل نباشه برگ ریحا  
به خاکستر نشویم دشمنت را<sup>(۱)</sup>

سیر عمو گل رازونه من  
بکن گفتش بیا درخونه من  
بکن گفتش بیا بر روی قالی  
بده دستمال دستت یادگاری  
بده دستمال دستت را بشویم  
به آب زمزم و صابون لاری

سر دست حنا باشه معصومه  
گلوبندت طلا باشه معصومه  
اگر یاری بغیر از منو بگیری  
حواله ت با خدا باشه معصومه

(۱) فاطمه = فاطمه . (۲) شوخ = شوخ.

از اون بالا صدای منی می آید  
گل من شهربانو کی می آید ؟  
گل من ششمانو . شاه زنها  
به گل چیدن خدایا کی می آید ؟

شب جمعه که فاطمه در مزاره  
سر گفتش مثال گل اناره  
خداوند اخطا بری دانداز  
که فاطمه طاقت گرمانداره

شب مهتاب و ابر پاره پاره  
نما چون چهره اش مثل ستاره  
نما چون تو قدم آهسته بردار  
که شاید بخت برگرده دوباره

از این کوچه مرو ، کوچه درازه  
دل بی صبر من ، تا کی بسازه  
دل بی صبر من صبرش تموم شد  
بروز گر بسیار از نو بسازه

گرد آورنده : صاحب عطارزاده دبیری دانش بنک

# مشکلات و دورنمای صنایع شیمیائی در کشورهای در حال توسعه

از آقای باقر مستوفی

## مقدمه

امروزه پتروشیمی بطرز غیر قابل باوری در تمام مراحل زندگی بشر رسوخ نموده است - تأثیرات مواد شیمیائی مشتقه از نفت و گاز طبیعی در امر کشاورزی و تولید مواد پلاستیکی و الیاف مصنوعی وعده بشمارى فعالیت‌های صنعتی دیگر تصاعدی و روزافزون است . مواد خام مورد نیاز تولیدات پتروشیمی و مواد دیگری مانند گوگرد و نمک و سایر مواد معدنی در ایران بوفور یافت میشوند هرچند وجود و دسترسی به هیدروکربنها بعنوان خوراک اصلی مواد پتروشیمی فی حد ذاته بسیار ارزشمند است معذک عاملی نیست که به تنهایی موفقیت و بهره‌وری صنایع پتروشیمی را تضمین نماید .

بسیارند عوامل و مسائل دیگری که در ایجاد چنین صنعتی باید مورد توجه و حل و فصل قرار گیرند - مطالعات حداقل ظرفیت کارخانه‌ها و اقتصادی بودن طرح‌ها - وجود بازارهای مصرفی داخلی و صادراتی - کار دانی فنی و معلومات تکنولوژی - منابع مالی و انسانی بویژه وجود تکنیسین‌ها و کارکنان ماهر - شیمیست‌ها و مهندسان و

غیره و غیره مسائلی هستند که با آنها مواجه خواهیم بود . امیدوارم بتوانم در اینجا به رؤس مطالبی که به ممالک در حال توسعه مرتبط میشود اشاراتی نموده و بعنوان مثال زنده مجتمع‌های پتروشیمی ایران را که اخیراً تکمیل شده و یا در دست تکمیل‌اند تشریح نمایم .

## خوراک صنایع پتروشیمی

بدواً لازم است که وضعیت صنایع پتروشیمی از نظر مواد اولیه در نظر گرفته شود . استخراج نفت خام بلااستثناء همراه با تولید گازهای سبک هیدروکربوری است . ومعمولاً بازاء هریشکه نفت خام که استخراج شود مابین ۴۰۰ تا ۱۵۰۰ فوت مکعب (استاندارد) گاز حاصل میشود .

در ایران که تولید نفت خام در حال حاضر بیش از سه میلیون بشکه درروز میباشد روزانه بیش از ۲۷۰۰ میلیون فوت مکعب گاز بدست می‌آید که قسمت اعظم آن بعلت عدم استفاده سوزانیده میشود .

امکان مصارف مختلف برای این گاز مانند صدور به اتحاد جماهیر شوروی - تولید کود شیمیایی - مصرف در کارخانه

ذوب آهن اصفهان و مصارف خانگی در شهرها مورد توجه و مطالعه قرار گرفته است . لکن انتظار نمیرود که مقدار گاز مورد نیاز مقاصد فوق از ۱۷۰۰ میلیون فوت مکعب در روز در سال ۱۹۷۵ تجاوز نماید . بنابراین مقدار معتناهی گاز مازاد وجود خواهد داشت که بمنظور جلوگیری از هدر رفتن آن موارد مصرف دیگری باید برای آن جستجو شود . مضافاً اینکه میزان تولید نفت خام ایران تا سال ۱۹۷۵ مطمئناً بمراتب بیش از سطح تولید امروزی خواهد بود که بنوبه خود رقم تولید گاز طبیعی را افزایش میدهد . اضافه بر گاز نفت فعلی ذخائر گازی فراوان در کشور وجود دارد که تاکنون استخراج نشده است . ذخائر گاز ایران در ردیف بزرگترین ذخائر شناخته شده گاز دنیاست بیش از ۲۵٪ ذخائر گاز طبیعی دنیا که وجود آن مسلم شده در خاورمیانه و بیش از نصف ذخائر خاورمیانه در ایران است .

بعضی از گازهای طبیعی ایران از نظر هیدروژن سولفور به نسبتاً غنی بوده و از آن میتوان باآسانی گوگرد استخراج نمود . یک ماده‌کافی مهم دیگر - نمک - که از آن



میتوان «کلر» و «سود» ساخت نیز بحد وفور در ایران یافت میشود. کلر نه تنها در ساختن پلاستیک پلی وینیل کلرید (P.V.C) بکار برده میشود بلکه در تولید محصولات پتروشیمی دیگر مانند اکسید پروپیلن - حلالهای کلره و حشره کشها نیز مورد استفاده قرار میگیرد.

با چنین ثروتی از ذخائر طبیعی که با جزئی هزینه ای می توان از آن استفاده کرد، وبا وجود سرمایه داخلی ونیروی انسانی ماهر ونیمه ماهر بجرئت میتوان گفت که ایران توانائی تولید هر گونه محصول شیمیایی را دارا میباشد.

### ظرفیت مقرون بصرفه

رشد سریع مصرف محصولات پتروشیمی در دنیا عامل مشوق جهت جلب عده کثیری از تولید کنندگان به فعالیت در این صنعت بوده است. کثرت تولید کنندگان منتج به رقابت شدید اقتصادی گردیده ومحیطی بوجود آورده است که در آن فقط تولید کننده ای که بتواند با مخارج کمتری محصول بدست آورد امید به دوام و توفیق دارد. تمهیداتی که دائماً برای تقلیل مخارج تولید بکار میرود باعث شده که روشها مرتباً بهبود یافته و واحدهای تولیدی بزرگتر و بزرگتری ساخته شود.

از طرف دیگر باید باین تناقض توجه داشت که تکنیک و اقتصاد طرح در صنایع پتروشیمی تازگی و کارآئی خود را مرتباً از دست میدهد و تکنیک و اقتصاد نوین تری جانشین آن میشود. تناقض از اینجا پیش می آید که کهنه شدن تکنیک معمولاً عاملی برای اضافه خرج است. ایجاد کارخانه های هرچه بزرگتر ظرفیت حداقل و اقتصادی واحدها را بالا برده است. برای مثال تاچند سال قبل واحدهای تولید اتیلن بظرفیت ۳۰۰۰ تن در سال عمومیت داشت ولی امروزه واحدهای ۳۰۰۰۰ تنی معمول گردیده و حتی در حال حاضر چندین واحد با ظرفیت های بیشتر از ۳۰۰۰۰ تن در سال مشغول کارند. مسلماً بهره وری یک واحد کوچک نمیتواند با کارخانه ده برابر بزرگتر رقابت نماید.

جالب توجه اینست که برخلاف صنایع شیمیایی ظرفیت مقرون بصرفه پالایشگاههای نفت تقریباً تثبیت شده است. روند کار در صنعت نفت بیشتر اینست که پالایشگاهها در نزدیکی مراکز مصرف و برای تامین نیازمندی های محلی ساخته شود. بالعکس در مورد تاسیسات شیمیایی بنظر میرسد که گرایش به ایجاد واحدهای بزرگتر مرتباً ادامه دارد. بنابراین در مطالعات مربوط به تأسیس صنایع شیمیایی باید از ابتدا چنان ظرفیتی طرح ریزی شود که محصولات آن در بازار فروش قادر

برقابت باشند.

راه دیگر برای کشورهای در حال رشد این است که واحدهای کوچکتر آنهم فقط بمنظور برآوردن احتیاجات داخلی کشور بسازند. اما چنین اقدامی بدون شك باعث بالا رفتن بیش از اندازه قیمت محصولات خواهد گردید. خطر پیروی از این روش تولید آنستکه فاصله مابین سطح زندگی کشورهای مرفقی و کشورهای در حال توسعه را بعوض کم کردن زیادتر نماید.

### بازارهای داخلی

يك مانع بزرگ در راه ایجاد صنایع شیمیایی در کشورهای در حال توسعه مانند کشور ایران پائین بودن میزان مصرف سرانه میباشد. تاسیسات شیمیایی «مادر» با چنان ظرفیتی که بتواند مقرون بصرفه باشد دارای تولیدی بیش از قدرت جذب بازار داخلی است لیکن آینده را نیز باید مدنظر داشت. خوشبختانه در ایران در بسیاری از زمینه ها رشد بسیار سریعی در میزان تقاضا برای کالای مصرفی مشاهده میشود و چنانچه رشد اقتصاد کشور با سرعت چند سال گذشته و آنچه برای آینده پیش بینی میشود ادامه یابد میزان احتیاجات عمومی برای تعداد زیادی از محصولات پتروشیمی بچنان سطحی خواهد رسید که تولید این محصولات بامقیاس اقتصادی امکان پذیر باشد.

عقیده راسخ من اینست که با وجود سطح مصرف نسبتاً پائین فعلی ما باید از هم اکنون شروع بتولید بسیاری از این محصولات در تاسیساتی بزرگ نمائیم تا بتواند جوابگوی احتیاجات آتی باشد. این وضع ممکن است باعث شود که در ابتدا برای مدتی مصرف کننده محصولات را با قیمتی اندکی بیش از قیمت محصولات مشابه وارداتی خریداری نماید لیکن در حقیقت این نوعی فداکاری است که کشورهای در حال رشد در راه صنعتی شدن، و جلوگیری از خروج ارز، و ایجاد کار باید بنمایند. بالمال همین عوامل باعث بهبود زندگی افراد کشور وبالا رفتن سریع و مداوم سطح زندگی مردم آن خواهد گردید.

مطالعات اولیه نشان داده است که در ایران میتوان محصولات پتروشیمی متنوعی را بطور اقتصادی تولید نمود. لیکن تعداد زیادی از اینگونه طرحها با یکدیگر مرتبط و بهم متکی میباشد. برای مثال ما در نظر داریم که دو طرح یکی برای ساخت پلی اتیلن و دیگری برای تولید مواد نرم کننده (Plasticizers) که هر دو مصرف ثابتی در ایران دارند اجراء نمائیم. ماده اولیه برای این دو محصول اولفین ها و مواد حلقوی معطر (آروماتیکها) میباشد. بنابراین ما باید ابتدا دو طرح بزرگ دیگر - یعنی طرح های

تولید آروماتیک و اتیلن را قبل از شروع تولید پلی اتیلن و مواد نرم کننده ایجاد نمائیم. اشکال کار در اینجاست که هم اتیلن و هم مواد آروماتیک را باید بمقادیر زیاد تولید نمود تا از لحاظ مخارج تولید مقرون بصرفه باشد. بنابراین لازم است بازارهای مطمئن دیگری برای محصولات این واحدها در نظر گرفته شود.

راه دیگر اینست که این محصولات شیمیایی (میانی) از خارج وارد شود. اما انتخاب چنین راهی موجب میگردد تا هزینه تامین مواد اولیه کارخانجات تولید مواد مصرفی نهائی بالا رفته و توازن اقتصادی این واحدهای کوچکتر مختل شود و نیز خروج ارز کشور از اینطریق قابل توجه و عاملی نامطلوب خواهد بود.

در شکل ۱ بشما يك مجتمع پتروشیمی برای تولید مواد آروماتیک و اولفین که اکنون در مرحله طرح ریزی میباشد نشان داده شده است.

طرح فوق شامل تامین مواد اولیه جهت تولید بعضی محصولات میانی است که بنوبه خود تبدیل به محصولات نهائی خواهند شد. برای مثال ارتواکسیلن (Ortho - xylene) و پارا اکسیلن (Para - xylene) حاصل از واحد آروماتیک بترتیب برای تولید مواد پلاستیکی نرم کننده و دی متیل تری فتالات (Dimethyl-terephthalate یا DMT) خواهد شد و بنزن حاصل از همین واحد اولیه یا مادر را میتوان برای تولید کاپرو-لاکتوم استایرین و دی دوسیل بنزن (DDB) بکار برد.

محصولات اصلی مجتمع الفین شامل اتیلن - پروپیلن و بوتادین خواهد بود. اتیلن را میتوان برای تولید محصولاتی مانند پلی وینیل کلراید (P.V.C) - پلی اتیلن - اکسید اتیلن - تترا اتیل سرب TEL استایرین و اتاتول مورد استفاده قرار داد.

پروپیلن را ممکن است به پلی پروپیلن - دودسیل بنزن و مواد نرم کننده تبدیل نمود. بوتادین را ممکن است با استایرین ترکیب نمود تا لاستیک استایرین بوتادین (SER) بدست آید.

این طرح نشان میدهد که در تعیین درجه اهمیت محصولات مختلف نه تنها باید میزان مصرف هر محصول در نظر گرفته شود بلکه مقدار ارتباط تولید محصولات بیکدیگر نیز باید مورد مطالعه قرار گیرد.

### بازارهای صادراتی

اگرچه بازار داخلی برای محصولات پتروشیمی رو به گسترش بوده و در بعضی موارد همانطوریکه قبلاً اشاره شد مصرف بحدی رسیده است که تولید محصولات بخصوصی

را در داخل کشور از لحاظ اقتصادی موجه مینماید معهذا در بیشتر موارد میزان مصرف سرانه محصولات پتروشیمی در ایران آنقدر کم است که پیش بینی میشود در آینده نمیتواند بازار مصرفی قابل ملاحظه‌ای را برای کلیه محصولات یک مجتمع پتروشیمی بوجود آورد. بنابراین دست‌یابی به بازارهای خارجی برای فروش حداقل تعدادی از محصولات وابسته، حیاتی است.

کشورهای ایران، ترکیه و پاکستان در چهارچوب سازمان همکاریهای عمران منطقه‌ای اجرای طرحهای مشترک صنعتی مابین کشور های عضو را ترغیب و تشویق مینمایند و این خود امکان ایجاد واحدهای تولیدی پتروشیمی با ظرفیتهای مقرون بصره را بمیزان قابل توجهی بالا میبرد.

ایران همچنین مبادرت بانجام برنامه‌های وسیعی در زمینه عقد قراردادهای تجاری مبادله نفت خام - محصولات پتروشیمی - منسوجات و محصولات کشاورزی در مقابل اقلامی مانند ماشینهای ابزار و ماشین آلات کشاورزی نموده است. این برنامه‌ها با توسعه کنونی خود - بازارهای دیگری را برای محصولات پتروشیمی بوجود آورده و مبنائی برای طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک با کشورهایی مانند هندوستان میباشد.

#### طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک

قانون مصوب تیر ماه ۱۳۴۴ در خصوص توسعه صنایع پتروشیمی در ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران را مجاز نموده است که با مؤسسات خارجی که دارای شرایط مالی - فنی و سایر شرایط لازم باشند مشارکت نماید. این قبیل مشارکتهای از مزایائی که در قانون صنعت پتروشیمی و همچنین قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی پیش‌بینی شده است برخوردار میباشند.

انگیزه‌های تشویقی این قوانین عامل محرکه مؤثری در پیشرفت صنعت پتروشیمی در ایران بوده و باعث شده است که تاکنون سه طرح بزرگ که شرح بیشتر آنها بعداً داده خواهد شد بمرحله اجرا درآید. پروژه‌های دیگری هم در مرحله طرح ریزی و مذاکره است.

اینکه کشور ایران حداقل برای ایجاد صنایع مادر و تاسیس کارخانجات اصلی پتروشیمی روش مشارکت را انتخاب نموده است دلایلی چند دارد.

دلیل اقتصادی آن مختصراً آنستکه فعالیت‌های طرفین مشارکت خاصه آنکه طرف مشارکت دلخواه باشد مکمل یکدیگر خواهند بود.

ایران سهم خود دارای منابع طبیعی عظیم بوده و علاوه بر این دارای یکی از سریعترین آهنگ‌های رشد در تولید محصول ناخالص ملی (GNP) (در حدود ۱۲٪ در

سال) و مصرف داخلی میباشد. مضافاً اینکه سابقه کشور در تولید - تصفیه و صدور نفت ذخیره بزرگی از نیروی انسانی متخصص را تأمین نموده است.

شریک دوم بنوبه خود میتواند با تکنولوژی مدرن و موقعیت استوار در بازار مصرف جهانی به طرح مشترک کمک نماید. موضوع اخیر از اینجهت حائز اهمیت است که ممری اضافی برای فروش محصولات ایجاد مینماید که خود برای ایجاد و برپاداشتن مجتمع‌های پتروشیمی با مقیاس اقتصادی ضروری است. و بالاخره فعالیت سرمایه‌گذار دوم در زمینه‌های تحقیقاتی میتواند در جهت بهبود دائمی روشهای تولید و محصول - ازدیاد راندمان و توسعه و تنوع محصولات و استقرار سازمانهایی برای انجام امور تحقیقاتی و فنی در ایران کمک نماید.

تأثیر این عوامل در آینده صنعت پتروشیمی در ایران با توجه به تغییرات سریعی که دائماً در اقتصاد و تکنیک صنایع شیمیائی روی میدهد حائز اهمیت فراوان میباشد.

#### تکنولوژی و منسوخ شدن آن

کشورهای در حال توسعه هنگامیکه رأساً اقدام به صنایع شیمیائی مینمایند با دو مشکل مهم که یکی منسوخ شدن روشهای تولید و کهنگی واحدها و دیگری خطر عقب افتادن در صحنه رقابت بین‌المللی است مواجه میشوند. برای مقابله با این مشکلات لازم است تحقیقات در این رشته با مقیاس وسیعی انجام شود و این فقط از عهده کشورها و مؤسساتی برمیآید که دارای منابع عظیم از افراد متخصص بوده و از فروش بسیار وسیع برخوردار باشند.

برای کشورهای در حال توسعه زمان لازم برای ایجاد چنان زمینه‌ای در تحقیقات و تکنیک بطوریکه صنایع شیمیائی این کشور ها را قادر نماید که در بازار جهانی رقابت نموده و دوام آورد بسیار طولانی خواهد بود. لکن این کشورها میتوانند با سرمایه‌گذاریهای مشترک با مؤسسات شیمیائی بین‌المللی حداقل برای مدتی براین مشکل غلبه نمایند.

اما مآلاً و بتدریج کشورهای در حال توسعه باید بتوانند گلیم خود را از آب کشیده و بمرحله‌ای برسند که ثمرات تحقیقات خود را با آنچه که دیگران کشف کرده‌اند مبادله نمایند.

کشور ژاپن مثال خوبی برای اثبات این نکته است. این کشور توانست در اندک زمانی از جرگه کشورهای وارد کننده تکنولوژی به وضعیتی درآید که بتواند ابداعات و پیشرفتهای متعددی در زمینه علم و صنعت به دنیا عرضه نماید. البته ژاپن این موفقیت را بمقدار زیاد مدیون صنعتی است بمراتب پیشرفته‌تر و بازار داخلی بمراتب

وسیعتر از آنچه که کشورهای در حال توسعه دارند معهذا این مثال همچنان صادق است.

#### دسترسی بمنابع پولی

این حقیقت مسلمی است که پتروشیمی از جمله صنایعی است که مستلزم سرمایه‌گذاری زیاد و اشتغال افراد قلیلی است. از اینرو بنظر میرسد که این فیل سرمایه‌گذاری نمیتواند هدف کشورهای در حال توسعه را که ایجاد کار برای حداکثر افراد توام با صرف حداقل سرمایه است تأمین نماید.

برای مثال سه طرح پتروشیمی که هم اکنون در ایران در دست اجرا میباشد مستلزم صرف ۳۰۰ میلیون دلار (۲۲۵۰ بلیون ریال) سرمایه میباشد. این سه طرح بر رویهم برای کمتر از یکهزار و پانصد نفر ایجاد شغل مینماید که معادل با صرف ۲۰۰۰۰۰ دلار (۱۵۰ میلیون ریال) سرمایه برای هر شغل میباشد. سرمایه سرانه لازم برای واحدهای مادر دیگر مانند واحدهای تولید اروماتیک - اتیلن و یا مشتقات اولیه مانند پلی‌اتیلن - پلی‌پروپیلن و استایرین در همین حدود میباشد.

خوشبختانه نسبت تعداد مشاغل به سرمایه در مورد صنایع محصولات بعدی بخصوص در صنایع تبدیلی و ساخت محصول مانند صنایع تولید کالای مصرفی مساعدتر از واحد های تولیدی مادر میباشد. علاوه بر این ایجاد این صنایع تولیدی بخوبی از عهده سرمایه‌های خصوصی متوسط و کوچک بر میآید. ما میتوانیم این نوع صنایع کوچک و متوسط را از راههای مختلف ترویج نمائیم ولی موثرترین راه برای کمک به ایجاد این صنایع تأمین مواد اولیه و مواد میانی پتروشیمی ارزان قیمت برای آنها میباشد.

قسمت دیگر برنامه صنایع پتروشیمی ما - یعنی قسمت پر سرمایه - احتیاج به چنان کمکهای مالی و غیر مالی دارد که معمولاً از دسترس سرمایه‌گذار خصوصی ایرانی خارج میباشد. بطور کلی در حدود ۳۰٪ از سرمایه لازم برای طرحهای مابوسیله شرکت ملی صنایع پتروشیمی و سرمایه‌گذار خارجی به نسبت سهمشان در این مشارکت، و بقیه سرمایه لازم از طریق وام تأمین میشود. ما معمولاً سه نوع اعتبار مالی را برای انجام این پروژه‌ها در نظر میگیریم که عبارتند از: اعتبارات عادی تجاری یا اعتبارات فروشندگان وسایل و یا اعتبارات آزادی که در دسترس خریداران قرار میگیرد.

دور نمای صنعت پتروشیمی در ایران هنگامیکه آینده صنعت پتروشیمی را در ایران مورد مطالعه قرار دادیم بضرورت این امر واقف شدیم که ماباید در طراحی و برنامه ریزی این صنعت ابتکار و پیش قدمی بیشتری از آنچه که در مورد صنعت نفت بخرج داده

بودیم از خود نشان دهیم - در مورد صنعت پتروشیمی ما با وضعی متفاوت از وضع نفت مواجه میباشیم زیرا تولید کنندگان بزرگ مواد شیمیائی در جهان بیشتر در جهت دست یابی به بازار فروش فعالیت می کنند تا در جهت دسترسی به منابع طبیعی در حقیقت صنعت پتروشیمی به مواد خامی نیاز دارد که صنایع نفت و گاز میتوانند تولید نمایند.

بنابراین طراحی آینده صنعت پتروشیمی ایران بر این شناسائی استوار گردیده است که مسئولیت اصلی برای ساخت محصولات اولیه و محصولات میانی که مستلزم واحد های تولیدی بسیار بزرگ میباشد باید لزوماً تا مدت زیادی به بخش عمومی واگذار شود. قانون فعلی پتروشیمی مقرر داشته است که سهم شرکت ملی صنایع پتروشیمی در سرمایه گذاریهای مشترک حداقل ۵۰ درصد باشد. مع هذا برای آنکه بتوان میزان فشار بر روی منابع مالی دولت را تقلیل داد مطالعاتی در دست انجام میباشد که از طریق دعوت بخش خصوصی به سرمایه گذاری در مجتمع های بزرگ پتروشیمی از سهم اجباری شرکت ملی صنایع پتروشیمی کاسته شود.

واحد های تولیدی «مادر» که با سرمایه بخش عمومی تاسیس میشود باید مواد اولیه ارزان قیمت برای تغذیه تعدادی کارخانه های نسبتاً کوچک و متنوع که محصولات ساخته شده تولید خواهند نمود تهیه نماید. شرکت ملی صنایع پتروشیمی بخش خصوصی را ترغیب مینماید که در این کارخانه های تهیه محصولات نهائی پتروشیمی مستقلاً و یا با شرکت با موسسات خارجی سرمایه گذاری نمایند.

#### اقداماتی که تاکنون انجام شده

ایران میتواند ادعا کند که اولین کشوریست که صنعت پتروشیمی را در حدود ده سال قبل در منطقه ساحل خلیج فارس با ایجاد کارخانه کود شیمیائی در شیراز شروع نموده است. این کارخانه - که جزئیات آن بعداً شرح داده خواهد شد - به مقیاس و استاندارد های امروزی کوچک بوده و لزوماً بمنظور برآوردن احتیاجات محلی ساخته شده است. لیکن از زمان تشکیل شرکت ملی صنایع پتروشیمی، برای گسترش صنایع پتروشیمی در ایران بادی وسیع تر و قدمهایی بی باکانه تر عمل نموده ایم.

ما تاکنون موفق شده ایم که چندین قسمت مهم از برنامه خود را بمرحله اجرا درآوریم. چندین طرح با مقیاس بزرگ برای تولید کود گرد - کود شیمیائی و گاز مایع برای صادرات با تمام رسیده و یا نزدیک با تمام است. تولید محصولاتی مانند ترکیبات قلیائی کلره پلی وینیل کلراید، P.V.C. و دود سیل بنزن که اصولاً بمنظور برآوردن احتیاجات داخلی است انجام پذیرفته است.

#### کارخانه کود شیمیائی شیراز

کارخانه کود شیمیائی شیراز در اصل برای تولید ۱۲۰ تن آمونیاک در روز طرح شده است که کلیه آمونیاک حاصل تبدیل به ۵۰۰۰۰ تن اوره و ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تن نیترات در سال میشود. این کارخانه هم چنین دارای تاسیساتی برای تولید کود های شیمیائی مخلوط میباشد.

همانطوریکه قبلاً گفته شد کارخانه شیراز بدواً بمنظور رفع احتیاجات محلی از نظر کود شیمیائی ایجاد گردید. اما باید خاطر نشان کرد که مدتی است میزان احتیاجات داخلی از میزان ظرفیت تولید کود این کارخانه تجاوز نموده است.

تجارب و مطالعات ما در کارخانه کود شیمیائی شیراز خود داستان جالبی است. ما از تجربیات خود نکاتی را فرا گرفته ایم که در ارزیابی مجدد سیاست و برنامه ریزی صنایع پتروشیمی ایران بما کمک نموده است.

ما آزمایش کارخانه کود شیمیائی شیراز را دیگر تجدید نخواهیم کرد. این کارخانه در حین تکوین یک انقلاب فنی در طراحی کارخانه های کود شیمیائی ساخته شد و بنا براین تقریباً حتی در همان زمان شروع بکار از نظر تکنیک قدیمی بود.

محل این کارخانه هم از نظر بازار و هم از نظر نیروی کار نامناسب بود. چون کارخانه کود شیمیائی شیراز اولین کارخانه از نوع خود نه تنها برای ایران بلکه برای منطقه خلیج فارس بود و عرضه محصول به بازار مسئله ای بود که در ابتدای امر در هیجان تحلیل مسائل فنی فوری تر مورد اغماض و غفلت قرار گرفت. نتیجتاً قسمت عمدای از بازده کارخانه در سالهای اول اجباراً بازیان به خارج از کشور صادر گردید. لکن کارکنان ایرانی تخصص کسب نمودند و لیاقت خود را در ساختن کارخانه های شیمیائی و بخصوص جوشکاری مشکل آلیاژهای فولاد در ظروف تحت فشار و محتوی هیدروژن به اثبات رساندند. این کارخانه تماماً بوسیله کارکنان ایرانی مورد بهره برداری آزمایشی و بهره برداری دائمی قرار گرفت.

پس از بهره برداری مقدماتی نامطلوب که در حین آن مقدار زیادی از محصول بعثت مشکلات مکانیکی و بازاریابی ضایع گردید بهره برداری از کارخانه در چند سال اخیر در سطحی بالاتر از حد انتظار طرح بوده است.

طرحهای بزرگی که بوسیله شرکت ملی صنایع پتروشیمی پس از دست گرفتن کارخانه کود شیمیائی شیراز آغاز شده است عبارتند از:

۱- شرکت شیمیائی شاهپور که مشارکتی

با الاید کمیکال کورپوریشن بر پایه ۵۰-۵۰ میباشد.

۲- شرکت پتروشیمی آبادان - یک سرمایه گذاری مشترک که ۲۶ درصد از سهام آن به شرکت بی - اف - گودریچ - اکرون - اوهایو تعلق دارد.

۳- شرکت شیمیائی خارك که مشارکتی با شرکت اماکو اینترنشنال بر پایه ۵۰-۵۰ میباشد.

#### شرکت شیمیائی شاهپور

یکی از بزرگترین مجتمع های کود شیمیائی دنیا در حال حاضر در بندر شاهپور واقع در کرانه خلیج فارس در دست ساختمان و اتمام میباشد.

این مجتمع از گاز طبیعی که در جنوب ایران بحد وفور یافت میشود برای تولید گوگرد و کود های شیمیائی استفاده خواهد نمود.

شرکت شیمیائی شاهپور در مرحله اول محصولاتی را بمقادیر ذکر شده زیر از گاز طبیعی و سنگ فسفات وارداتی تولید خواهد نمود:

آمونیاک ۱۰۰۰۰ تن در روز  
کود گرد ۱۵۰۰۰ تن در روز  
اسید سولفوریک ۱۳۰۰۰ تن در روز  
اوره ۵۰۰۰ تن در روز

اسید فسفریک (P<sub>2</sub>O<sub>5</sub>) ۴۵۰ تن در روز  
فسفات دی آمونیم (DAP) ۳۰۰ تن در روز  
باتریل سوپرفسفات (TSP) ۴۵۰ تن در روز  
پیش بینی های لازم از نظر ظرفیت خطوط لوله و مساحت کارخانه انجام شده تا بتدریج که میزان تقاضای محصولات زیاد میشود بازده کارخانه در طی مراحل بعدی به دو برابر ظرفیت فعلی افزایش داده شود.

مجتمع شاهپور یک طرح کامل و اساسی بوده و متضمن صرف یک سرمایه گذاری اولیه بمیزان ۲۳۰ میلیون دلار (۱۷۲۲ بلیون ریال) بوده است. این طرح شامل هفت واحد تولیدی همراه با تاسیسات سرویس که شامل تسهیلات تولید و توزیع نیروی برق یک اسکله دریائی - خط لوله گاز طبیعی - واحد آبرسانی از رودخانه کارون کارگاهها آزمایشگاه و ساختمانهای اداری است.

گاز طبیعی از چاههای منطقه نفت خیز مسجد سلیمان گرفته میشود. این گاز ابتداء به دستگاههای جدا کننده تغذیه شده و آب موجود در آن گرفته میشود. سپس هیدرو کاربورها همراه با گاز های اسیدی قبل از آنکه به لوله انتقال گاز طبیعی هدایت شود از یک دستگاه خشک کننده میگذرد.

در حدود ۲۰ میل (۳۲ کیلومتر) لوله های جمع آوری کننده گاز به یک خط لوله بطول ۱۰۸ میل (۱۷۴ کیلومتر) که دارای ۲۰ اینچ (۵۰ سانتیمتر) و قطر یک دوم اینچ



کارخانه کودشیمیائی شیراز

(۱۲۵ سانتیمتر) ضخامت بوده و بدون درز است متصل میشود. این لوله قطور ترین لوله این نوع است که تا بحال در صنعت ساخته شده است.

در شاهیپور گوگرد گاز استخراج میشود و قسمتی از گاز شیرین باقیمانده که بیشتر متان میباشد به آمونیاک و کودهای شیمیائی ازته تبدیل میشود.

مجتمع شاهیپور برق مورد نیاز و سایر سرویسهای لازم خود را تامین مینماید ۱۸۰ میلیون متر مکعب آب صاف شده مورد لزوم سال بوسیله یک خط لوله بطول ۶۰ میل (۹۶ کیلومتر) و بقطر ۴۰ اینچ (۱۰۰ سانتیمتر) که اخیراً احداث شده است از رود کارون به محل کارخانه آورده میشود.

اسکله دریائی مخصوص این مجتمع ساخته شده شامل سه لنگرگاه میباشد. یک لنگرگاه برای بارگیری مایعات - دیگری برای بارگیری عمومی و محصولات مظروف و لنگرگاه سوم برای بارگیری و تخلیه مواد غیر مظروف و عمده تخصیص داده شده است. کلیه این لنگرگاهها دارای وسائل کامل بندری و یک سیستم نقاله دو طرفه به محوطه انبارها میباشد.

ساختمان مجتمع با اشتغال ۵۰۰۰ مهندس و کارگر بخوبی پیشرفته و در مراحل نهائی است. در حقیقت تولید گوگرد در ماه سپتامبر ۶۹ شروع گردیده و واحد تولیدی آمونیاک این مجتمع در آخر سال میلادی گذشته مورد بهره برداری آزمایشی قرار گرفت و کود شیمیائی جامد در سه ماهه اول سال ۱۹۷۰ تولید خواهد گردید.

با ظرفیت فعلی و مرحله اول - این واحد تولیدی بمنظور رفع احتیاجات داخلی و بازارهای بزرگ منطقه ای در مشرق سوئز در نظر گرفته شده است. در سطح بازار داخلی کوشش ما براین است که تقاضا برای کودهای شیمیائی را تا زمان شروع کار این واحد تولیدی به حداکثر مطلوب برسانیم. در مورد بازارهای صدور سعی ما تا اندازه ای در جهت ایجاد توازن و ارتباط موثر مابین کشور های تولید کننده و مصرف کننده بر مبنای اصول اقتصادی صحیح میباشد و در اینخصوص مذاکراتی با چند کشور همین منطقه در جریان میباشد.

یکی از خصوصیات منحصر بفرد این طرح برنامه بازاریابی آن برای قسمت اعظم بازده این واحد تولیدی بشکل محصول میانی یعنی بصورت گاز آمونیاک و گوگرد (ونه) بصورت کود شیمیائی تهیه شده) میباشد گوگردی که در مجتمع شاهیپور تولید خواهد شد بالنفسه خوراک واحد تولیدی بعدی نیست اما این عنصر بمیران وسیعی در تولید کودهای شیمیائی (بخصوص کود شیمیائی فسفاته) بکار میرود و صنعت کود

شیمیائی بیش از ۴۰٪ از گوگرد تولیدی دنیا را بمصرف میرساند.

آمونیاک خالص را میتوان مستقیماً به عنوان کود شیمیائی به خاک اضافه نمود و یا میتوان آنرا به کودهای ازته و یا مرکب بحالت جامد و یا مایع تبدیل نمود.

در ایالت متحده امریکا مقدار زیادی آمونیاک خالص مرتباً از سواحل گلف به مناطق کشاورزی غرب میانی امریکا از طریق جاده - بوسیله راه آهن و از طریق راههای آبی و دریا و حتی اخیراً بوسیله خطوط لوله حمل میشود.

در سالهای اخیر دامنه رقابت با استفاده از تانکرهای اقیانوس پیمای مخصوص حمل آمونیاک بطرز قابل توجهی توسعه یافته است. برای مثال ایالات متحده امریکا در سال ۱۹۶۷ مقدار ۴۰۰۰۰ تن آمونیاک خالص به ساحل شرقی این کشور وارد کره و بیش از ۷۰۰۰۰ تن از ساحل گلف صادر نموده است.

بیشتر صادرات ایالات متحده امریکا به اروپا بوده ولی حتی مقداری از آمونیاک به کشورهای دور دست مانند استرالیا حمل شده است. صدور بکشورهای ماوراء بخار در سال جاری نیز بشدت افزایش یافته است و در سه ماهه اول این سال بمیزان یک میلیون تن در سال بالغ شده است.

اگرچه حمل دریائی آمونیاک خالص در نیمکره غربی و در اروپا پیشرفت قابل ملاحظه ای کرده است اما در شرق کانال سوئز هنوز در مراحل اولیه میباشد. لکن ما معتقدیم که این روش صدور در این منطقه نیز آینده درخشانی دارد زیرا کشور های محتاج به کود شیمیائی را قادر مینماید که به مواد اولیه ارزان قیمت موجود در خلیج فارس برای کارخانه های تولید کود شیمیائی خود دسترسی پیدا نمایند. مع هذا همانند شروع هر کار دیگر مشکلات و موانع بسیاری در سر راه انجام این کار موجود است که باید بتدریج حل و رفع شود. شرکت شیمیائی شاهیپور نیز با این مشکلات و موانع روبرو خواهد شد اما ما اطمینان داریم که میتوانیم با این مشکلات مبارزه کنیم.

همانطوریکه در ماه اکتبر گذشته در سخنرانی خود در شهر پرنس تن اظهار نمودم\* لازمست که هرچه زودتر به هدفهائی که بمنظور آن شرکت شیمیائی شاهیپور را ایجاد نمودیم نایل آئیم. ایران دارای ۲۷ میلیون یا نزدیک به دو سوم جمعیت منطقه خلیج فارس میباشد و در نزدیکی ایران بعضی از نقاط پر جمعیت دنیا قرار دارند. در حدود یک سوم از جمعیت دنیا در فاصله دریائی ۵۰۰۰ ریه میلی (۸۰۰۰ کیلومتری) از ایران

یعنی در فاصله ای تقریباً مساوی با فاصله سواحل خلیج مکزیک امریکا از اروپا زندگی میکنند و با سانی بیش از نیمی از جمعیت دنیا در فاصله ۷۰۰۰ میلی (۱۱۳۰۰ کیلو متر) یا فاصله ای معادل فاصله خلیج مکزیک تا مدیترانه شرقی اقامت دارند.

تولید ناخالص ملی جمعیتی نزدیک به دو بلیون که در این حوزه ۷۰۰۰ میلی زندگی میکنند کمتر از نصف تولید ناخالص ملی ایالات متحده امریکاست - یعنی با وجود این جمعیت انبوه مردم بیشتر این قسمت از دنیا از جمله محتاج ترین مردم میباشد.

مقدار کود شیمیائی لازم برای تامین غذای لازم این جمعیت از قوه تخیل خارج است. هدف فوری و ضروری کلیه ملل این منطقه طبیعتاً آنست که در حداقل زمان ممکن دور تسلسل زمین بی قوت - نباتات بی ثمر - و مردم گرسنه را متوقف نمایند. مجتمع پتروشیمی شاهیپور اولین قدم بزرگ برای کمک به هدف ایجاد طرق و روشهائی است که مردم این ناحیه بتوانند بوسیله آن زندگی خود را بهبود بخشیده و آرزوهای ملی خود را تحقق دهند.

#### شرکت پتروشیمی آبادان

شرکت پتروشیمی آبادان سه سال و نیم قبل بمنظور تهیه مواد اولیه برای صنایع پلاستیکی مواد پاک کننده ایجاد گردید. تولید پلاستیک در ایران از سال ۱۹۵۸ مورد مطالعه و چندین طرح مختلف چه از طرف دولت و چه از طرف سرمایه گذاران خصوصی پیشنهاد گردیده بود. اندکی پس از تشکیل شرکت سهامی صنایع پتروشیمی در سال ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۴۳ شمسی) یک برنامه فوری برای تعیین مناسبترین محل و ظرفیت واحد تولیدی ترکیب محصول و منابع تکنولوژی و اشتراك سرمایه گذاری انجام گردید.

نتیجه این مطالعه این بود که شرکت بی - اف - گودریچ (یکی از دارندگان اجازه تولید پلاستیک است) پیشنهاد گردید که بمیزان ۲۶ درصد در این طرح سرمایه گذاری نماید. با سهم نمودن شرکت مزبور این اطمینان حاصل گردید که از معاضدت مداوم و هرچه بیشتر این شرکت در امور فنی و مدیریت طرح برخوردار خواهیم بود.

این مجتمع پتروشیمی در کنار یکی از بزرگترین پالایشگاههای نفت جهان یعنی آبادان قرار گرفته و شامل هفت کارخانه شیمیائی مرتبط و متصل بیکدیگر میباشد. شرکت پتروشیمی آبادان با استفاده از گاز های پالایشگاه و نمک موجود در محل سالیانه مقدار ۲۰۰۰۰ تن پلی وینیل کلراید P.V.C

۲۴۰۰۰ تن سودسوزآور - ۱۰۰۰۰ تن دود سیل بنزن تولید خواهد نمود. ظرفیت واحد تولید پلی وینیل کلراید P.V.C را میتوان تا ۴۰۰۰۰ تن در سال افزایش داد. محصولات میانی و جانبی این واحد تولیدی شامل اتیلن - اتیلن دی کلراید مونو وینیل کلراید - اسید کلریدریک - پروپیلن و تترامر پروپیلن میباشد.

فعالیت هاتولیدی و تجاری شرکت در درجه اول متوجه بازارهای داخلی میباشد. هرچند ممکن است مقداری از محصولات این مجتمع بخارج از کشور صادر شود اما هدف اصلی همانا رفع احتیاجات محلی است. با رشد سریعی که در بازار داخلی مشاهده شده است از هماکنون طرح هائی در دست انجام است که ظرفیت تولید P.V. دو دود و سیل بنزن (DDB) افزایش داده شود.

مشکلاتی که هنگام اجرای طرح کارخانه پتروشیمی آبادان با آن مواجه شدیم عموماً همان اشکالاتی بود که در هر کشور در حال توسعه انتظار آن میرود. اولین اشکال یافتن بهترین طریق تامین سرمایه لازم بود.

در ژوئن ۱۹۶۶ - سه ماه پس از تشکیل شرکت پتروشیمی آبادان - اصول سرمایه گذاری طرح مورد موافقت قرار گرفت و مراجع تکنولوژی طرح انتخاب شدند و قرارداد برای انجام امور ساختمان و مهندسی طرح با یک موسسه بزرگ امریکائی بامضاء رسید. کارهای اجرائی ساختمان واحد تولیدی در سپتامبر ۱۹۶۶ شروع گردید. عدم یک مبنای متحدالشکل برای امور طراحی و مشخصات وسایل مسبب بسیاری از اشکالات اولیه مهندسی طرح بود. ایران فقط در مورد تعداد کمی از زمینه های فعالیت های صنعتی دارای استانداردهای شناخته شده میباشد مضافاً اینکه این استانداردها بهیچ وجه تکمیل نبوده و مورد اجرای جدی قرار نمیگیرند.

از آنجائیکه ترتیبات مالی طرح تهیه وسایل را بیشتر به سازندگان امریکائی محدود کرده بود لازم گردید که استاندارد هائی در طرح مورد استفاده قرار گیرد که میانگینی مابین روشهای مهندسی معمول در ایران و وسایل موجود در ایالات متحده امریکا بود. مشکلات دیگری نیز در وفق دادن طرح روش تولید با جزئیات طراحی مکانیکی شرکت سازنده کارخانه و همچنین روشها و استانداردهای صنعتی محل بوجود آمد.

یک مانع بزرگ بعد مسافت مابین محل کارخانه و منابع خرید وسایل بود. در کشور های توسعه یافته محل کارخانه بندرت بیش از چند ساعت از سازنده وسایل مواد اولیه و خدمات فاصله دارد. اما هنگامیکه

کارخانه در محلی مانند آبادان ساخته میشود این فاصله زمانی به هفته و حتی ماه میکشد. نتیجتاً حتی کوچکترین اشتباه و یا از قلم افتادگی باعث تاخیرهای طولانی در اجرای پروژه میگردد. این وضعیت با بسته شدن کانال سوئز در ۱۹۶۷ وخیمتر گردید و برنامه های تحویل را در حدود دو ماه طولانی تر نمود.

هنگام آغاز بهره برداری نیز با مشکلاتی که نتیجه کم تجربگی کارکنان راه اندازی و نگهداری دستگاهها بود مواجه شدیم. این وضعیت نیز بعلت عدم کتابهای دستورالعمل مشروح مربوطه وخیمتر گردیده بود. در بسیاری از موارد کتابچه های دستورالعمل با فرض وجود تخصص ها و تجربه هائی که عموماً در محل موجود نبود تهیه گردیده بود.

درس دیگری که از این طرح آموختیم این بود که چنین مجتمعهای صنعتی در کشور های در حال رشد احتیاج به ظرفیت انبار بیشتری دارند تا در کشور های توسعه یافته. این موضوع در مورد نیاز بیشتر به وسایل یدکی و انبار های مواد خام و اولیه - محصولات میانی و نهائی و غیره نیز صادق است.

عوامل فوق پارهای از موانع موجود در واحد های تولیدی در کشور های در حال توسعه است همراه با تولید در مقیاسی نسبتاً کوچک این عوامل امکان رقابت یک طرح پتروشیمی را که صرفاً بمنظور رفع حوایج داخلی ساخته شده با غولهای صنعتی پرسابقه کشور های اروپا - امریکا و ژاپن مشکل میسازد.

بازاریابی نیز خالی از اشکال نیست. در بازار هائی که از مدتها قبل بوسیله واردات مارک ها و علائم تجارتي تسخیر شده محصول داخلی باید مورد قبول مصرف کننده باشد. بسیاری از مصرف کنندگان از اینکه قیمت محصولات داخلی باندازه کافی از قیمتهای وارداتی همان اجناس کمتر نیستند ابراز نارضایتی کردند و یا از اینکه بهترین شرایط وارد کنندگان قبلی سهل تر از شرایط اعتباری محصولات داخلی است ابراز نگرانی نموده اند. این موانع یک پیک مرتفع میشود اما چنانچه ما واجد منابع بزرگتری از نیروی انسانی با دانش فنی و مهارت در بازاریابی بودیم این مسائل با سرعتی بیش از حد ممکن در حال حاضر از میان برداشته میشود.

من خوشوقتیم که با اطلاع برسانم که ما اخیراً آغاز بهره برداری موفقیت آمیز واحد های پتروشیمی آبادان و فروش محصولات آنها اعلام نمودیم. بتدریج که بر تجربه ما افزوده میشود ما قادر خواهیم بود که بر فعالیتهای بازاریابی و خدمت به مصرف کننده بیافزاییم.

ما اطمینان داریم که با اقداماتی که در جهت بهبود عملکرد و گسترش بازار و محصولات نموده و با پیشرفتی که در بنیان کشور ما مشهود است موفقیت نهائی این طرح حتمی است.

### شرکت شیمیائی خارک

در جزیره خارک واقع در خلیج فارس روزانه ۶۰۰ تن گوگرد و ۶۰۰۰ بشکه گاز مایع از گاز های حاصله از تولید نفت خام در مناطق نفت خیز مجاور بدست میآید.

اصولاً مجتمع خارک طرحی برای بازار - یابی محصولات ذیقیمتی است که در غیر اینصورت سوخته و یا دور ریخته میشد. شرکت ملی صنایع پتروشیمی و شرکت اماکو (یکی از شرکتهای فرعی استاندارد اوپل - ایندیانا) در اواخر ۱۹۶۶ قراردادی بمنظور ایجاد واحد تولیدی لازم منعقد نمودند. پیمان ساختمان این طرح به یک شرکت مقاطعه کاری ژاپنی واگذار گردید. این پیمان براساس قیمت مقطوع و اعتبار طولی مدت منعقد گردید.

مشکلات موجود در اجرای این طرح بیشتر ناشی از دور افتادگی جزیره خارک که محل تاسیس کارخانه است میباشد.

خود جزیره خارک دارای منابع طبیعی ناچیزی است و قادر بجلب و نگهداری جمعیت قابل ملاحظه ای نمیشد و از اینرو بیشتر نیروی کارگر مورد لزوم - مصالح و آذوقه و حتی آب شیرین بایستی از خارج جزیره آورده شود.

در طرح کارخانه شیمیائی خارک یک واحد تهیه آب شیرین از آب دریا برای تامین احتیاجات صنعتی و عمومی طرح پیش بینی شده است.

کارخانجات جزیره خارک اخیراً مورد بهره برداری قرار گرفت. بازده این واحد تولیدی در درجه اول به صادرات اختصاص داده شده است اگرچه درآینده ممکن است که محصول این واحد به فرآورده های پتروشیمی متنوعتری تبدیل شود.

مسئله قابل تعمق بعدی استفاده از گاز باقیمانده این واحد تولیدی است. در حال حاضر روزانه در حدود ۷۰ میلیون فوت مکعب استاندارد گاز شیرین که دارای ۹۰ درصد متان است (۱۰ درصد بقیه اتان است) با فشار ۴۰۰ پوند براینچ مربع موجود میباشد. استفاده اقتصادی از این ماده اولیه اکنون مورد توجه مخصوص بوده و اساس توسعه های آینده این سرمایه گذاری مشترک را تشکیل میدهد.

\*سخنرانی تحت عنوان «ذخائر پتروشیمی وامکانات خلیج فارس» که در تاریخ ۲۵ اکتبر ۱۹۶۸ در دانشگاه پرستن بوسیله آقای باقر مستوفی ایراد شد.





دو صحنه از «سرواپادرونا» در تالار رودکی





دو صحنه از رقص «رونما» در تالار رودکی





صحنه‌ای از «آرایشگر سوئد» در تالار رودکی



صحنه‌ای از رقص پروانه در تالار رودکی



صحنه‌ای از «دون ژوان» در تالار رودکی

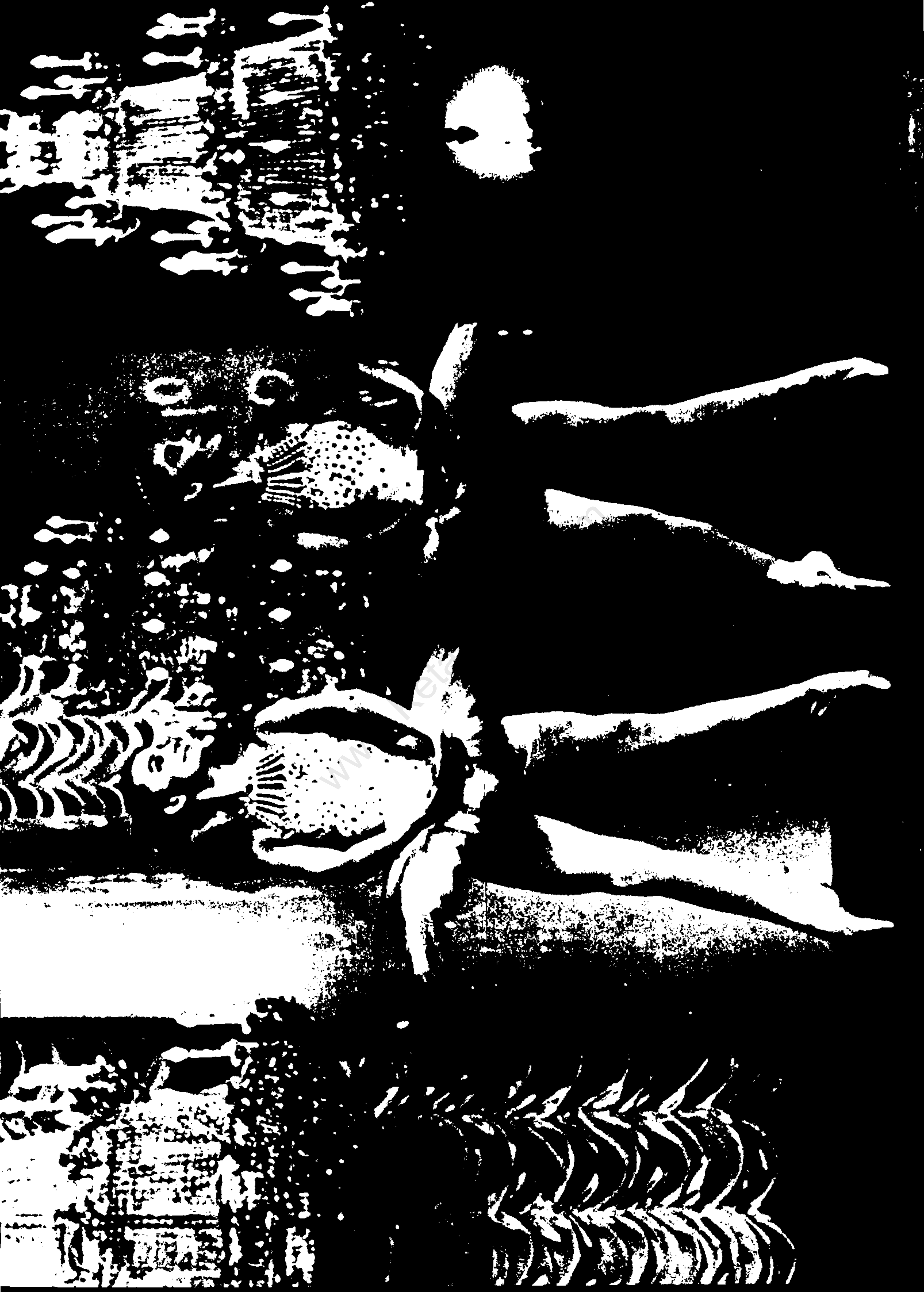


صحنه‌ای از تالار برنس در تالار رودکی



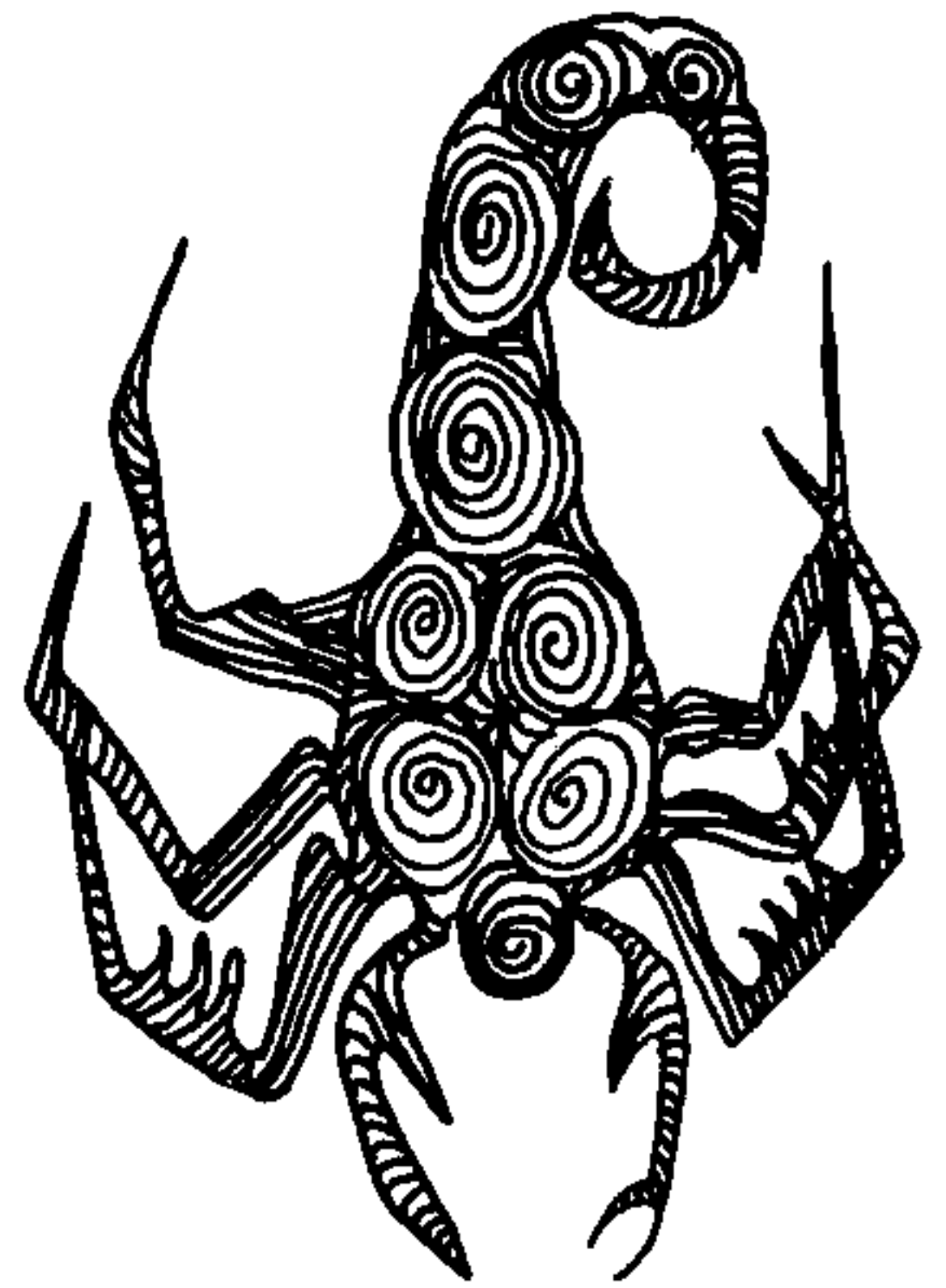
صحنه‌ای از باله اسپارتاکوس در تالار رودکی





# عقرب

نوشته — ابوالقاسم فقیری



دیری از شب میگذشت هنوز خواب بچشانم ننشسته بود. سکوت بود و گاهگاهی صدائی نامفهوم و بعد هم صدای ساعتی از مسافتی دور که نصف شب را اعلام میکرد. نگاهم به ستاره ها بود که چون خرده های الماس برپهنه آسمان میدرخشیدند. روی تخت خوابم حرکتی کردم ناله اش بلند شد صدای پدرم را از آن طرف حیاط شنیدم که گفت: هنوز بیداری؟

— بله بیدارم  
— منم بیدارم  
— راستی چرا امشب خوابمان نمی برد؟  
— نمیدانم  
همانموقع از ناودانیکه مستقیماً از پشت بام پائین میرسید صدائی بگوش رسید. همه یکمرتبه در جاهايمان راست شدیم و یکصدا گفتیم: عقرب

زیرا تاکنون از ناودان چهار عقرب پائین افتاده بود آنهم چه عقربهایی هر کدام باندازه يك كف دست و مثل شب سیاه — برادرم که نزدیکتر از همه به ناودان بود رفت که کفشش را برسر عقرب بکوبد ولی دستش در هوا خشک شد پدرم گفت: بزنش داره میره

برادر کوچکم گفت: میترسه  
مادرم گفت: حق هم داره بترسه!  
پدرم گفت: حالا جای ترسیدن نیس. اینطور که نمیشد عقرب داشت فرار میکرد. بلند شدم دوان دوان خود را بآن طرف حیاط رساندم، ولی دیر شده بود عقرب به باغچه رفته بود. باغچه پراز گل بود — گلهای اطلسی، شاه پسند، میمون و در چهار گوشه باغچه چهارتا لاله عباسی بود که مثل چهارتا عروس دلبری میکردند.

برادرم چراغ را روشن کرد حیاط روشن شد و بعد یکی یکی چراغهای اطراف حیاط روشن شدند و حیاط چون روز روشن شد. همگی، کوچک و بزرگ باغچه را احاطه کرده بودیم — ترسی که از هر لحاظ برایمان تازگی داشت در دلمان نشسته بود — نگاهایمان زوایای باغچه را میکاوید ولی سرانجام این جستجو بجائی نرسید همه از این می ترسیدند که عقرب بسراغشان برود.

برادرم گفت: عقرب از تخت هم بالا میره؟  
مادرم گفت: عقرب از دیوار راست راست بالا میره

پدرم گفت: بی فایده است که عقرب و مار زمین بحکم فرمانشونه هرجا بخوان میرن.  
مادرم گفت: آب حوض رو توی باغچه باز میکنیم — باغچه که پر شد عقرب نمی تونه تحمل کنه — میخواد خودشو بیرون بکشه ماهم که اطراف باغچه ایستادیم حسابی بهش خدمت میکنیم.

همه پذیرفتیم، ولی پدرم مردد بود — آب حوض را تازه خالی کرده بودیم — از این گذشته الان نزدیک شش متر آب در حوض بود. مادرم گفت: میدونم بچی فکر میکنی حتماً بفکر پول آبی — فرض کن این ماه هم دو تومن پول بیشتر دادی، کشتنی که نیس.

منتظر اظهار نظر پدرم نشد رفت زیر آب حوض را کشید. آب سرعت رو بطرف باغچه میرفت و همه انتظار میکشیدیم که سر و کله عقرب پیدا شود ولی خبری نشد.  
برادرم با دست اندازه عقرب را نشان داد ولی پدرم گفت بزرگتر بود من تابحال چنین عقربی را ندیده بودم میگو روز قیامت عقربهای بزرگتر از این بجون تارك الصلوة میفتند.

برادرم گفت: تارك الصلوة یعنی چه؟  
مادرم گفت پس شما میرین مدرسه چی چی یادتون میدن. تارك الصلوة یعنی آنها که نماز نمیخوانن.  
— حتماً میخواهی بگی مثل احمد (اشاره بمن کرد)  
— معلومه پس کی؟

خواب از چشمهایمان پریده بود بفکر

چیزی که نبودیم خواب بود. هرچه میانیدیشیدیم پایانش به عقرب ختم میشد. آب حوض خالی شد ولی از عقرب خبری نبود.

پدرم سیگاری روشن کرد و گفت: بچه ها برید بخوابید تو کلت علی الله، هرچه باد آ باد — اگر قسمت باشه که با نیش این عقرب بمیریم میمیریم، اگر هم قسمت نباشه عوض یکی صد عقرب هم باشه ککمان نمیکزه.

مادرم پرید تو حرفش و گفت: مگر جونمونو سر صحرا جستیم، ما نمیخواهیم بمیریم. مگر ما چه خبری از این زندگی دیدیم که سرنوشتمون این باشه؟ از این گذشته اگر قرار باشه مرك بسراغ يك ما بیاد من ترجیح میدم یکهو مثل شمع خاموش بشم. مردن اینجوری عینهو عسل شیرینه. مدتی هم در این باره صحبت شد ساعت نزدیک دو بعد از نصف شب بود. دوباره به تختهایمان پناه بردیم و دلشوره داشتیم که نکند عقرب از تخت بالا بیاید. خواب از چشمهایمان گریخته بود و دروازه چشمهایمان رویهم نصرفت.

پدرم همانطوریکه بآسمان می نگرست گفت: حالا معلوم شد کی بیشتر جانشو دوست داره؟  
گفتم: کیه که جونشو دوست نداشته باشه!

مادرم گفت: باین حضرت آقا که جونشو دوست نمیداره بگین اگه راس میگی چرا همونموقع که عقرب دمش را روی کولش گذاشته بود و سلاانه سلاانه میرفت به پیشوازش رفتی؟

پدرم گفت: کم کم داره صبح میشه راستی دعائی هس که برای گزند از مار و عقرب میخوانند، کی یادشه؟

مادرم گفت: این دعا رودس نداره هرجا که این دعا رو بخونی هرچرنده یا پرنده ای که باشه سر جاش خشک میشه: بستم بستم زبانش — هفتاد و هفت دهانش — قفل علی بر کمرش — مهر علی بر دهنش — بستم که بسته باشی تا صبح خسته باشی — شجاً قرنیاً — قرنیاً — قرنی

صدای اذان صبح شنیده شد — خواب کنار خواب کردند ولی چشم هیچ کدام از ما رویهم نرفت. آفتاب داشت از رخ بام پائین میآمد که دو سوسك از باغچه بیرون زدند. آنکه اولی را دنبال میکرد بالهایش را باز کرده بود و شاخکهایش را راست نگاه داشته بود و جلوی با ناز هر لحظه بطرفی متمایل میشد و دومی هم خونسرد او را تعقیب میکرد — مثل اینکه میدانست سر — انجام باو خواهد رسید.

تازه آنوقت فهمیدیم که آنشب ابداعقربی در کار نبوده است.



## گفته‌گو با خانم پری صابری

اشاره :

... آنچه از پس می‌آید ، ماحصل گفتگوی کوتاهی است با خانم پری صابری کارگردان تئاتر، در زمینه مسائل نمایشنامه نویسی و کم و کیف تئاتر دیروز و امروز و هم‌چنین در این نشست نظری داشته‌ایم به «امشب از خود می‌سازیم» آخرین کار این کارگردان که از ۱۵ الی ۳۰ بهمن ماه گذشته در تالار دانشکده هنرهای زیبا بر روی صحنه بود . صابری را از سالها پیش می‌شناسیم . او کار تئاتر را چندسال پیش شروع کرد و دوسه پس از آثار نویسندگان خارجی را بدروی صحنه آورد . تماشای نمایشنامه «امشب از خود می‌سازیم» دستاویز مغتنمی بوده‌است برای این گفته‌گو و آگاهی از نظریات این کارگردان بدین‌امید که روشنگر بسیاری از مجهولات و معضلات این مقوله باشد و گشایشگر دریچه‌های تازه‌ای برای تئاتر ما .

تلاش - درباره «تاتر» بطور کلی چطور فکر می‌کنید ؟ خطوط انحرافی و مسیرهای اساسی آنرا نشان دهید.

صابری - تئاتر کشف يك واقعیت مخفی است فرصتی است برای شناختن انسان، تلفیقی است از انواع هنر ، تلاشی است در راه آفرینش زندگی ابدی در قالب موجوداتی فرضی ، آفرینشی که غایت هدف هر هنری هست : «تجسم دريك واقعیت زنده» . در برخورد با تماشاگر موجوداتی گنگ و شکل نگرفته از مرزهای خلاء به واقعیت عینی می‌رسند ، تماشاگر : ناظر کشف این واقعیت مخفی است .

تلاش - در مورد رسالت تئاتر چه حرف‌هایی دارید آیا تئاتر بهترین نوع هنر القائی و بیانی است ؟

صابری - تئاتری که در پرداخت شناخت انسان و کشف واقعیت‌ها صادق بود به حوزه ریشه‌های اصالت راه یافته است .

تلاش - بهتر است سیری اجمالی در تاریخ تئاتر بکنیم و ببینیم این پدیده چه فراز و نشیبی داشته و چه طریقی پیموده و در حال حاضر چه موقعیتی دارد.

صابری - تاریخ هنر یعنی تاریخ تحول هنر در سبک بیان ، آغاز يك بیان نو مرحله ایست از تکامل بیان حس و اندیشه ، طول - تاریخ و موقعیت‌های خاص زمانی انعکاسی

دیگر از مشکل انسانی بما میدهد . موقعیت موجود تئاتر پیوسته به موقعیت خاص زمان ما است، توقفی در کار نیست.

تلاش - در مورد نمایشنامه نویسی معاصر ایران چه نظری دارید ؟ آیا نمایشنامه نویسی معاصر از لحاظ کیفی تحرك و پیشرفتی داشته است ؟

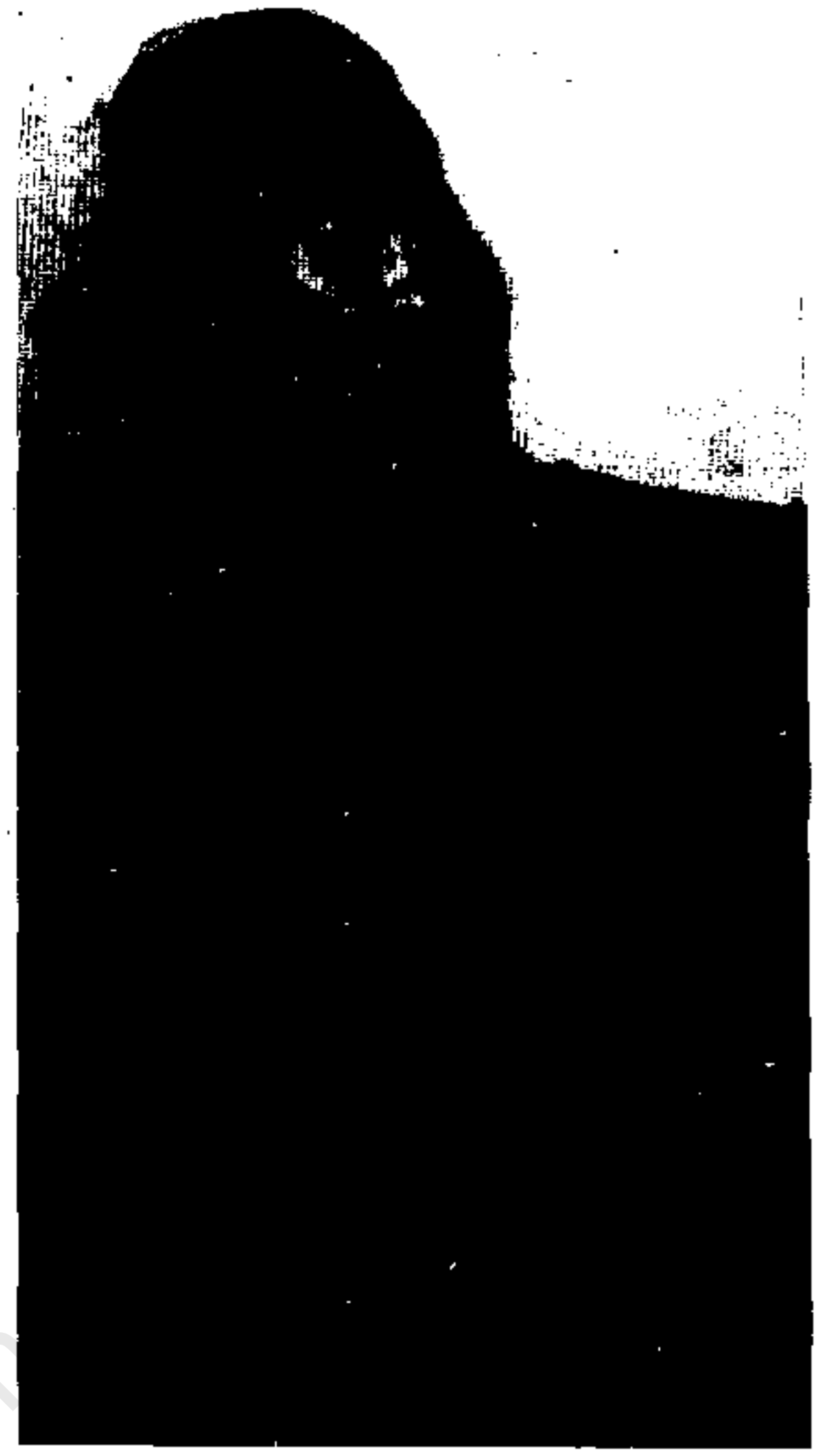
صابری - اگر بگوئیم توقفی در کار نیست پس تحرك و پیشرفت نمایشنامه نویسی معاصر ما غیر قابل انکار می شود ، شاید فقط سرعت در تحرك مورد ایراد باشد ، پرواز فکر ما باید همگام پرواز زمان ما باشد .

تلاش - بنظر شما تئاتر پوچی ( Absurde ) تا چه حد می تواند حقایقت داشته باشد ؟ آثار بکت یونسکو وینتر ؟ تا چه حد توانسته اند سرگردانی و بهت زدگی و درماندگی «انسان امروز» را توجیه نمایند . اصولا شما برای تئاتر وظیفه ای قائل می باشید ؟

صابری - تئاتر پوچی آگاه از تحولات عصر ما ، آغاز بیان بدیعی است برای انعکاس مشکل بشر امروز پیوسته به بشر دیروز . مگر یونسکو نمی گوید که : «شکسپیر پدر تئاتر پوچ است» اوست که می گوید ، دنیا سرگذشت دیوانه هاست از زبان یک دیوانه ؟ اوست که می گوید ، همه چیز خشم و هیاهو است ؟ از زمانی دور شکسپیر همه چیز را گفته است . بکت می گوید تا نظر او را تکرار کند ولی من حتی قادر به تکرار نمی باشم . دیگر چه چیز می توان به گفته های او اضافه کرد ؟ نمی دانم : وظیفه تئاتر صداقت در توصیف و انعکاس مشکلات بشری است . تلاش - «رئالیسم» تند و نیشدار تئاتر کلاسیک تا چه حد توانسته است در مقابل ظرفیت های نیهلیستی تئاتر امروز مقاومت کند و یا اصولا شما وجه رجحانی بر رئالیسم قائلید ؟

صابری - در ذهن من وجه رجحان خاصی در مقابل مکاتب مختلف تئاتر وجود ندارد مکاتب مختلف هنری قلابهای زنجیر تحول تمدن را می سازند و هر کدام در جای خود قابل تعمق و تأمل هستند . تلاش - درباره خودتان و کارهایتان حرف بزنید . و درباره «امشب از خود می سازیم» که آخرین کارتان بود .

صابری - درباره خودم حرف زیادی ندارم و درباره «امشب از خود می سازیم» تماشاگر قاضی است . نمایشنامه ای بود که با کوشش فراوان دانشجویان دانشگاه تهران و عده ای دوستدار تئاتر بروی صحنه آمد . تلاش - سیستم کارهای پوچی مانند برشت - پیراندلو - بنظر برخی از سیستم های کهنه تئاتری است زیرا همانطور که اطلاع دارید زمان شکوفائی کار برشت در حدود سال ۱۹۳۰ بود (یعنی چهل سال پیش) و همینطور دوران درخشندگی پیراندلو هم



آرزو داریم با قوت گرفتن از سنتهای دیرینه آفرینندگانی هم نفس بامولانا و حافظ به میدان آیند.

تلاش - بنظر شما چطور شد که خانم سوسن تسلیمی توی سایر بازیکنان درخشید و این عیب يك پيس نیست که فقط يکنفر بدرخشد گواينکه کار آنهاهم متناسب بازيشان خیلی خوب بود.

صابری - هم صدا با شما قبول دارم که سوسن تسلیمی بازی موفقی راعرضه کرد ولی معتقد نیستم که بازی درخشان سوسن ذره‌ای از درخشش بازی صیاد، دولتشاهی، آزادی، فرخزادی کاسته باشد. و اگر هم حادثه صرفاً درمدار می‌می‌قهرمان در مانده نمایشنامه دور می‌زد که چنین نیست، باز هم جای ایراد در ساختمان نمایشنامه نبود. چه تراژدی عظیم هاملت هم در قالب قهرمان اصلی داستان هاملت خلاصه می‌شود.

تلاش - اثر این پيس‌ها در بين دانشجویان و مردم چطور بوده؟

صابری - امشب از خود می‌سازیم دومین نمایشنامه‌ای بود که امسال بعد از نگاهی از پل با شرکت دانشجویان در دانشگاه تهران بروی صحنه آمد و با استقبال شدید دانشجویان و تماشاگران غیر دانشجو روبرو گشت.

تلاش - متشکریم

در همین اوان بود آیا فکر نمی‌کنید که امروز از بایگانی بیرون کشاندن این نویسندگان که در زمان خود کارهای خوبی هم کردند کمی حالت مندرس و کهنه پیدا کرده باشد؟

صابری - اگر معیار و انتخاب ما در هنر یا گذشت زمان پیوند داشت کلیه آثار گذشتگان برای اید درمداخل های بایگانی دفن می‌شدند و هرگز توفیق آشنائی با آثار بتهوون، موزارت، باخ، شاگال، داوینچی، رامبرانت، چخوف، سوفوکل، برشت، شکسپیر بما داده نمی‌شد. حال آنکه يك آفرینش هنری واقعیتی است مطلق، ابدی و دور از گزند زمان و از دیدما که بهرحال عقیده ما است. آثار پیراندلو قدرت تحمل گذشت زمان را دارد.

تلاش - بازی درخشان دانشجویان ایرانی را در کار «امشب از خود می‌سازیم» - که ترجمه آن يك کمی دور از متن بنظر می‌رسد و آنها که بزبان فرانسه آشنائی دارند معتقدند که بهتر بود «امشب فی البداهه می‌سازیم» ترجمه شود - گرامی می‌داریم ولی انتخاب این نمایشنامه در این زمان که رفتن به ماه‌مورد بحث است. به نظر ما کار کارگردانی و کار بازی‌کنان در سطح کار خوب تئاتری بود حتی بامعیار قضاوت دنیائی ولی انتخاب آن در چنین زمانی آیا مناسب بنظر می‌رسد آیا توجیهی درمورد این مساله دارید؟

صابری - اگر استناد شما بر پایه ایراد کسانی قرار می‌گرفت که «بزبان ایتالیائی» آشنائی دارند و نه فرانسه بهتر بود چون بهرحال پیراندلو ایتالیائی است و نه فرانسوی مسئله انتخاب عنوان نمایشنامه بیشتر مورد بحث و تردید بود. ولی سلیقه شخصی بکنار که خودعامل اصلی است در ترجمه. ما معتقد هستیم که عنوان «امشب از خود می‌سازیم» ترجمه دقیق و وفاداری است به متن اصلی نمایشنامه.

تلاش - آیا بنظر شما حتی یونسکو که هم‌اکنون کارهائی در تئاتر جهانی دارد کهنه نشده است؟ و آیا نباید با تکنولوژی نو و با کشف ذراتی که از سرعت نور سریعتر حرکت می‌کنند و فرنگی‌ها اسم آنرا تاکیون گذاشته‌اند تئاتری هم متناسب با آن در دنیا بوجود آید؟ و درباره روحی‌های قدیم و سنت شوخی و هزل و مطایبه که در ایران بود آیا گاه هم لازم نیست که يك کم‌دی‌قشنگ ایرانی ساخته شود و یا پيس‌هائی که متناسب با زمان باشد انتخاب شوند آیا کسانی را در میان جوانانی که تربیت می‌کنید برای این امور سراغ دارید؟

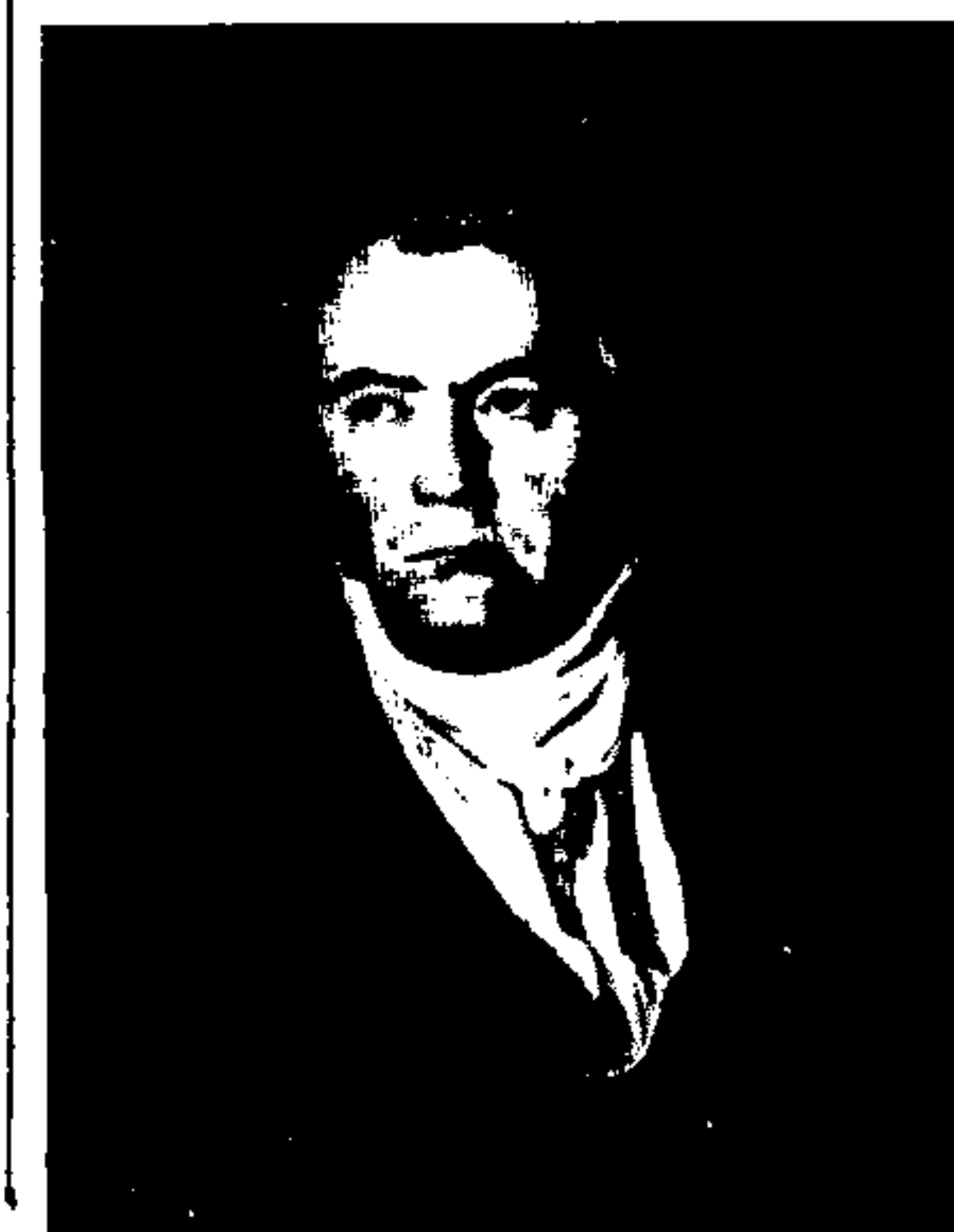
صابری - مسؤولیت خلق آثار هنری هم سطح و هم‌گام با سرعت سریع تحول تمدن بعهدۀ آفریننده است نه ما. مسؤولیت انتخاب اثر با ما است. همین. و ما در این انتخاب با ارزشهای مطلق آفرینش تعهد بسته‌ایم و



باخ



برشت



بتهوون

امروزه متجاوز از ۳۰۰۰۰ پروژه تحقیقاتی در دست اجرا است که هزینه سالیانه آنها بالغ بر ۸۵۰ میلیون دلار میشود.

اگر چه شرط لازم برای موفقیت در رسیدن به هدفهای این انقلاب علمی فعالیت مداوم و سعی و اهتمام برای پیشرفت علوم و تکنولوژی است معذک استفاده صحیح و سریع از نتایج حاصله مستلزم داشتن کادر متخصص و کارشناسی است که بتواند بکمک روشها و ابزار فنی جدید بلافاصله پس از عرضه شدن محصولات صنعت تحقیقات استفاده صحیح از آنها را در کشور عمومیت داده و وسایل لازم را برای استفاده از آخرین اختراعات و اکتشافات علمی در راه بهبود روشهای تولید و تهیه فرآوردههایی با مرغوبیت بیشتر - ازدیاد بهره‌وری نیروی انسانی - توسعه و بسط شبکه های آبیاری - مدیریت صحیح و پائین آوردن هزینه تولید - جمع آوری و توزیع تولیدات کشاورزی و غیره فراهم آورد. بنابراین نه تنها بهبود روشها و ابزاری که برای استفاده بمقیاس ملی از نتایج علمی و اکتشافات جدید لازم است. حائز اهمیت زیاد میباشد بلکه تربیت کادر متخصص و کارشناسانی که قادر به بکار بردن این روشها و استفاده از این ابزار جدید باشند نیز بسیار مهم و بخصوص برای کشور های در حال صنعتی شدن سریع که توسعه فعالیت های صنعتی و کشاورزی آنها تاحدی بستگی به استفاده از تکنیک های جدید خارجی دارد جنبه فوری و فوتی داشته و از این لحاظ باید در راس برنامه های آموزشی صنعتی این کشور ها قرار گیرد. تشکیل قطب های کشت و صنعت و انجام امور کشاورزی بمقیاس بزرگ و بصورت کاملاً صنعتی و مکانیزه همراه با پیشرفت های خارق العاده تکنولوژی کشاورزی باعث شده است که در ترکیب نیروی انسانی مورد نیاز تغییر و تحول بزرگی حاصل شود و مهندسين و تکنولوژیست ها به تدریج جانشین کارگران کشاورز شده و به آنها دانشمندان و تکنیسین های متعددی در رشته های مختلف از قبیل شیمی دانه ها - بيموشیمیست ها - متخصصین خاک شناسی - کارشناسان کشاورزی - کارشناسان الکترونیک - حشره شناسها - فیزیک دانها - کارشناسان فن مدیریت و برنامه ریزی - مهندسين مکانیک و ماشین های صنعتی و بسیاری از مشاغل دیگر در کشف اسرار رشد گیاهان - تنظیم امور کشاورزی و هم آهنگ نمودن عملیات صنعتی و کشاورزی کمک نمایند. از آنچه گذشت نتیجه میگردد که نیروی انسانی مورد نیاز برای صنایع کشاورزی بطور کلی در چهار سطح مختلف بشرح زیر میباشد:

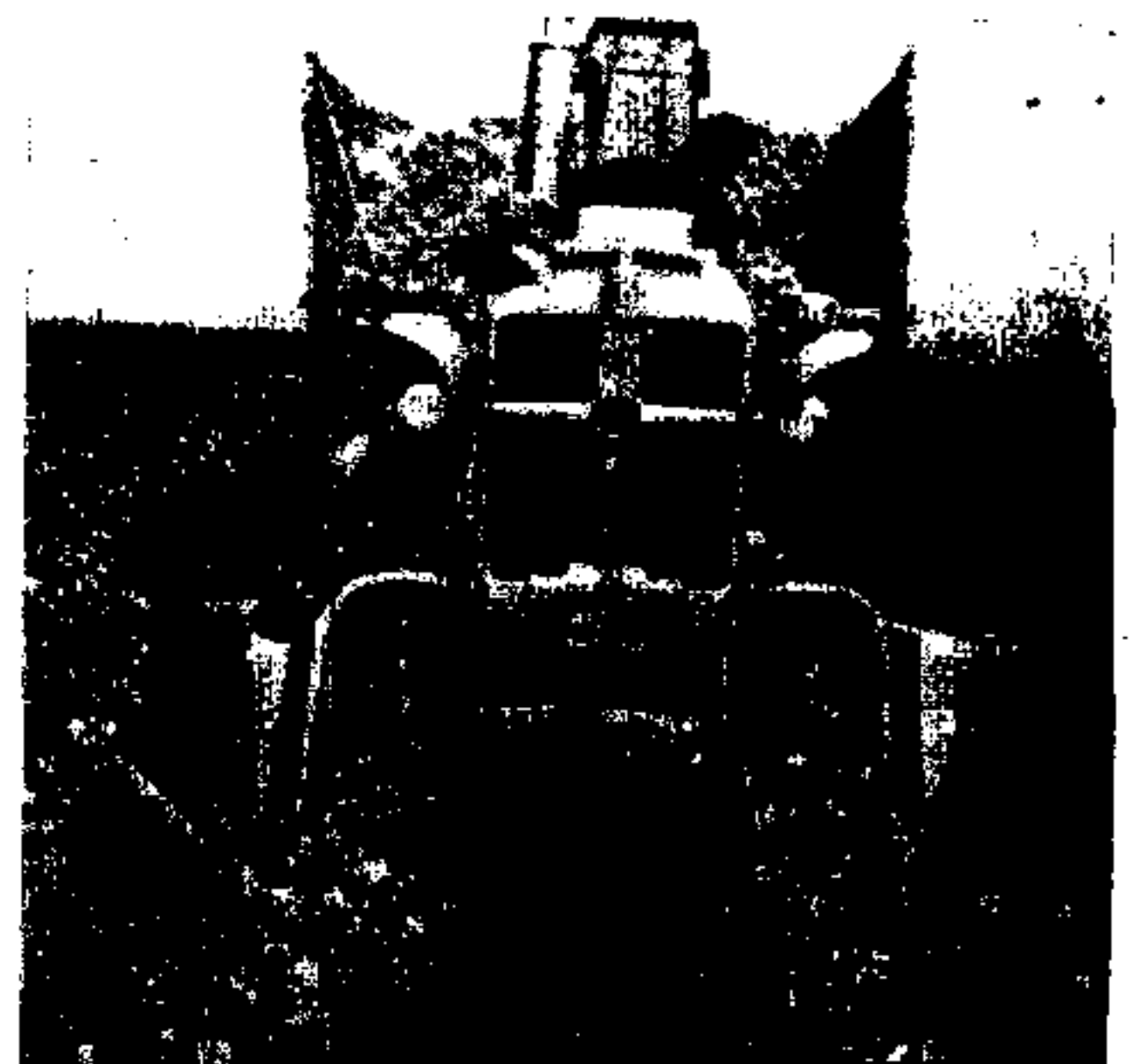
۱- کارگران صنعتی و کشاورزی که

## نیروی انسانی مورد نیاز برای کشاورزی نوین

از: دکتر پرویز اعتماد مقدم

یکی از مشخصات بارز عصر ما انقلاب علمی بزرگی است که در آغاز قرن بیستم به آرامی شروع و در حال حاضر بسرعت پیشرفت میکند. این انقلاب علمی که بدنبال انقلاب صنعتی قرن نوزدهم پدید آمده است اگرچه در حال حاضر هنوز در مراحل اولیه بوده و پیشرفت های علمی که تاکنون از آن نتیجه گردیده است با احتمال قوی تنها جزء ناچیزی از پیشرفت هایی خواهد بود که در آتی حاصل خواهد شد، معذک از هم اکنون اثرات آن بطور کاملاً محسوس در تمام شئون زندگی بشر هویدا گردیده است بطوریکه نتایج حاصله از آنرا می توان امروزه از وسایل اصلی و بسیار موثر پیشرفت اقتصادی و بهبود وضع زندگی جامعه بشری دانست.

نتایج حاصله از این تحول بزرگ علمی در صنایع کشاورزی بسیار محسوس است و اثرات آن بصورت روشهای نوین کشت و برداشت محصول - ازدیاد بهره‌وری نیروی انسانی و بازده زمین های زراعتی - تولید محصولات بیش از پیش مرغوب و طرق جدید جلوگیری از خرابی و از بین رفتن محصولات تولید شده و بالاخره پیشرفت های خارق العاده و همه جانبه تکنولوژی کشاورزی در حال حاضر ظاهر شده است. برای تامین کادر و فراهم کردن وسایل لازم برای پیشرفت و سیر بطرف تکامل این تحول بزرگ علمی در کشور های صنعتی و توسعه یافته صنعت تحقیقات در اوایل قرن بیستم پایه گذاری شد. این صنعت امروزه در اغلب کشور های جهان تاسیس گردیده و بموازات و متناسب با پیشرفت های اقتصادی بسرعت توسعه می یابد. بطور مثال تنها در زمینه کشاورزی در کشور های متحده امریکای شمالی



علاوه بر خواندن و نوشتن آشنائی با حساب مقدماتی نیز دارند.

در اینجا لازم بتذکر است که با توجه به پیشرفت های بزرگ تکنولوژی امروزه کشاورزی بسبک نوین و صنعتی ایجاب میکند که کلیه کارگران حتی المقدور این دوره آموزش مقدماتی را دیده باشند.

۲- کارگران ماهر صنعتی و کشاورزی که علاوه بر خواندن و نوشتن و حساب مقدماتی آموزش لازم را برای کار کردن با ماشین های مختلف کشاورزی دریافت نموده و با روش های نوین کشت و برداشت محصول - مبارزه با آفات نباتی و حفظ محصولات تولید شده و غیره آشنائی حاصل کرده اند.

اطلاعات کارگران ماهر بحدی است که می توانند به تکنیسین های کشاورزی و صنعتی کمک نموده و آنها را در کارهایشان معاونت کنند.

۳- کادر تکنیسین که حداقل دارای تحصیلات کامل متوسطه عمومی و یا حرفه ای بوده و دارای تجربه و اطلاعات کافی در رشته های مختلف از قبیل تعمیر ماشین های کشاورزی و برقی و الکترونیکی - تعمیر وسایل حمل و نقل زمینی و هوایی - رانندگی هواپیما و هلیکوپتر های مخصوص تخم - پاشی و سم پاشی و غیره - مصرف انواع مختلف مواد شیمیائی (کود های شیمیائی - سم های حشره کش و غیره) و امور آبیاری و هواشناسی می باشند. اطلاعات این دسته بحدی است که می توانند به مهندسین کشاورزی کمک کرده و آنها را در کارهایشان معاونت نمایند.

۴- مهندسین کشاورزی و تکنولوژیست ها که تجربیات علمی ایشان بمیزان کافی برای درک مفهوم صحیح پیشرفت های جدید

علمی و تکنولوژی بوده و در عین حال آشنائی لازم بروشهای جدید استفاده علمی از این پیشرفت ها دارند.

مسئولیت های مهم و درجه اول و مدیریت فنی واحد های مختلف در قطب های کشت و صنعت معمولاً بمعده این دسته که دارای تحصیلات عالی دانشگاهی میباشند گذارده میشود.

۵- کادر دانشمندان که در مراکز فنی و تحقیقاتی کشاورزی تربیت شده و در این مراکز بانجام امور تحقیقاتی علمی و عملی اشتغال می ورزند.

مراکز فنی و تحقیقاتی نه تنها مسائل و مشکلات فنی-تکنولوژی و اقتصادی صنعت را حل و رفع میکنند بلکه با ارائه پیشنهادات مفید و مؤثر وسایل لازم را برای توسعه فعالیت واحد های کشاورزی و قطب های کشت و صنعت در زمینه های مختلف فراهم می نمایند.

اگر تعداد دانشمندان و تکنولوژیست ها متناسب با تعداد مهندسین و تکنیسین ها نباشد و یا تعداد کارگران ماهر، غیر متناسب با تعداد تکنیسین ها باشد بهمان نسبت میزان بهره وری نیروی انسانی موجود و بازده زمین های زراعتی و کارخانجات صنعتی وابسته بآن تقلیل خواهد یافت. در جدول ۱ ترکیب متوسط نیروی انسانی مورد احتیاج برای صنایع مختلف بطور مثال نشان داده شده است. البته باید توجه داشت که اگر چه سازمان نیروی انسانی صنعتی هر کشور بستگی بدرجه پیشرفت اقتصادی - میزان فروش محصولات و نوع این محصولات و بسیاری از عوامل دیگر دارد، معذک ارقام ذکر شده در این جدول می تواند مثال خوبی برای ترکیب نسبی نیروی انسانی صنعتی در کشور های پیشرفته تلقی شود.

جدول ۱ ترکیب نیروی انسانی صنعتی در صنایع مختلف

| صنایع                         | تکنولوژیست |        | کارگر ماهر |         |
|-------------------------------|------------|--------|------------|---------|
|                               | دانشمند    | ومهندس | تکنیسین    | ومعمولی |
| صنایع سبک (و کشاورزی نوین)    | ۳ درصد     |        | ۱۰ درصد    | ۸۷ درصد |
| صنایع سنگین                   | ۵          |        | ۱۵         | ۸۰      |
| صنایع ابزار دقیق و الکترونیکی | ۵          |        | ۳۵         | ۶۰      |
| صنایع شیمیائی                 | ۱۰         |        | ۶۰         | ۳۰      |
| صنعت تحقیقات علمی و فنی       | ۲۰         |        | ۴۰         | ۴۰      |

تأمین نیروی انسانی مورد نیاز برای قطب های کشت و صنعت معمولاً طبق یک

برنامه آموزشی دقیق و کوتاه مدت صورت می گیرد. این برنامه باید بادر نظر گرفتن برآورد احتیاجات کشور بخصوص از نظر کادر کارشناس و متخصص در سالهای آتیه تنظیم شود. برای پیش بینی و برآورد نیروی انسانی در سطح تعلیماتی بالای مورد نیاز امروزه از روشهای جدید و پیچیده استفاده میشود که در آنها از مدلهای ریاضی بمقدار زیاد استفاده میشود. ولی برای این منظور می توان از ارتباط موجود بین درآمد ملی کشور و نیروی انسانی در سطح بالای آن استفاده نمود در این حالت پس از تعیین میزان رشد اقتصادی و درآمد ملی در سال های آتیه نیروی انسانی مورد نیاز مربوط بهر یک از درجات درآمد ملی، برآورد شده، از راه مقایسه با کشورهای که در حال حاضر در این درجه درآمد ملی می باشند تعیین می گردد. البته در این برآورد باید نیروی انسانی اضافی لازم برای جبران نیروئی که بتدریج از بین میرود و هم چنین نیروی انسانی اضافی لازم برای تأمین رشد پیش بینی شده نیز منظور شود. اعدادی که بدین طریق بدست می آید اگر چه بسیار تقریبی است معذالک از آنها می توان برای تنظیم برنامه های آموزشی کوتاه مدت (از ۵ تا ده سال) برای کشور استفاده نمود.

امروزه ما مواجه بانقلاب علمی بزرگی می باشیم که سرعت در حال پیشرفت میباشد. در واقع این انقلاب علمی تازه شروع شده است و نتایجی که تاکنون از آن حاصل شده است تنها جزء بسیار ناچیزی است از آنچه ما در آتیه خواهیم دید. موفقیت مادر رسیدن بهدفعهای این تحول بزرگ خلق کننده و سازنده نه تنها احتیاج به یک فعالیت عظیم و مداوم برای پیشرفت علوم و تکنولوژی دارد بلکه مستلزم بهبود بیش از پیش روشهای آموزشی و تربیت کادر لازم برای فراهم نمودن وسایل استفاده کامل و صحیح از محصولات علوم و تکنولوژی در جامعه میباشد.

توسعه سریع صنعتی و پیشرفت اقتصادی کشور ما امروزه وجود یک کادر متخصص و کارشناس ذیصلاحیت را در تمام سطوح آموزشی متناسب با احتیاجات برنامه های متری در دست اجرا ایجاب میکند. پیشرفت های خارق العاده در سالهای اخیر در زمینه آزمایش های تحقیقاتی دانشگاهها و ایجاد و توسعه مراکز تحقیقاتی علمی و صنعتی وبخصوص تأسیس وزارت علوم محیط مناسبی را برای تربیت این کادر فراهم آورده است و شکی نیست که ما در سالهای آتیه شاهد اجرای طرحها وبرنامه های آموزشی وسیع و دقیق برای تربیت و تأمین نیروی انسانی مورد نیاز بخش های مختلف کشاورزی - صنعتی - اقتصادی و اجتماعی کشور خواهیم بود.

تألیفات : مقدمه بر حافظ شناسی ، تحقیق درباره دوره ایلخانیان ایران ، جام جم درباره حافظ و مقالات متعدد در زمینه زبان و ادب فارسی و مسائل زبان شناسی .

بخش های پژوهشی دانشکده ادبیات تبریز

۱- موسسه تاریخ و فرهنگ ایران ۲- تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی (فوق دیپلم) بخش تحقیقات روستایی وابسته به موسسه تحقیقات اجتماعی سازمان نشریه دانشکده ادبیات تعداد کل دانشجویان در سال تحصیلی ۴۸-۴۷ ، ۱۱۴۰ جمع دانشجویان دختر ۲۳۱ جمع دانشجویان پسر ۹۰۹ رشته های که بیشتر از همه دانشجوی دختر دارد ادبیات و زبان فارسی است و کمتر از همه در زبان فرانسه دانشجوی دختر مشغول تحصیل است .

گروه های آموزشی

زبان و ادبیات فارسی ، زبان شناسی و زبان های باستانی ، فلسفه ، روان شناسی ، زبان های خارجی ، علوم اجتماعی ، تاریخ ، جغرافیا .

رشته های آموزشی

زبان و ادبیات فارسی ، تاریخ ، جغرافیای انسانی و اقتصادی ، جغرافیای طبیعی ، روان شناسی ، علوم تربیتی ، زبان انگلیسی ، زبان فرانسه ، علوم اجتماعی ، فلسفه .

رشته های جدید که در سال ۴۸-۴۹ قرار است دایر خود

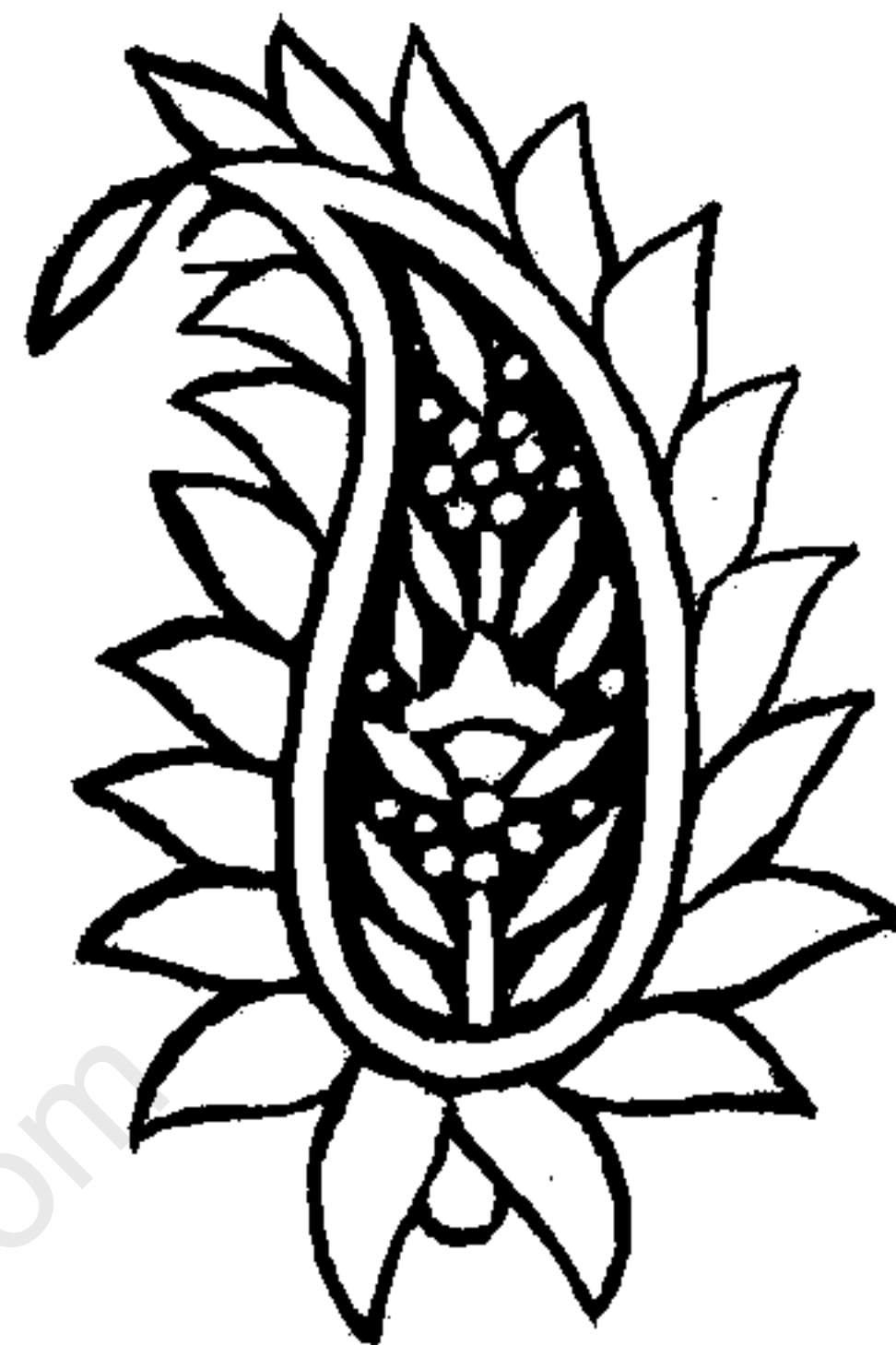
زبان شناسی و زبان های باستانی ، فوق لیسانس ادبیات فارسی ، فوق دیپلم مدیریت روستایی .

تلاش - آیا معتقد هستید که تدریس ادبیات معاصر در دانشگاه عملی و مورد نیاز هست و اگر هست چه مشکلاتی داریم و اصولاً معتقد هستید که ماجیزه بنام ادبیات معاصر داریم یا نه که قابل طرح و دفاع باشد .

دکتر مرتضوی - سؤال بسیار جالبی است بخصوص طرح این سؤال در هنگامیکه این موضوع مثل اینکه در بعضی از دانشگاهها مورد توجه قرار گرفته و تصمیم بر این است که در مقابل کرسی های متعدد مربوط به ادبیات کلاسیک کرسی ادبیات معاصر نیز ایجاد شود اهمیت بیشتری این سؤال پیدا میکند بطور کلی بنده تصور میکنم که بوجود آمدن درسی باسم ادبیات معاصر نه تنها عیبی ندارد شاید ضرورت هم داشته باشد آنچه که محصل بحث است این نیست که چنین درسی یا چنین کرسی باید باشد یا نباشد بلکه اینست که هدف از این تدریس چه باید باشد اینجاست که وضع این درس و وضع این موضوع در دانشگاه با ادبیات کلاسیک متمایز میشود و اختلاف پیدا میکند یعنی در مورد ادبیات کلاسیک و دروسی که تدریس می شود و در واقع مسائلی که تا حدی میتوان گفت جنبه قانون و تحقیقات کلی دارد مطرح میشود قضاوت مطرح است در مورد ادبیات کلاسیک قضاوت وقتی میگوئیم منظورمان این نیست که درباره ادبیات ایران ادوار مختلف آن و بزرگان ادبیات ایران مطالبی که گفته میشود دارای شکل واحد و وضع واحدی است چه بسا که متخصصان مختلف نظریات گوناگون در باره هر يك از مسائل مربوط به ادب کلاسیک ایران داشته باشند ولی در هر حال زمینه انچنان روشن و جاده انچنان کوبیده است که هر يك از آنها نظر قطعی ابراز میدارد و منطقاً نیز این اجازه داده میشود که کسی درباره ادبیات کلاسیک ایران نظر قطعی داشته باشد اگر چه این نظر بانظر دیگران کاملاً موافق و یکسان نباشد ولی در مورد ادبیات معاصر آنچه که متفاوت است با ادبیات کلاسیک و ادبیات رسمی این است که این درس و این کرسی برای قضاوت نباید بوجود بیاید بلکه برای آشنائی باید بوجود بیاید قضاوت تنها درباره مسائلی منطقاً امکان پذیر است که انسان خود در وسط و در میان آن معرکه نباشد در هیچ مسئله اعم از اجتماعی و فرهنگی و

ذوقی و سیاسی و ادبی بازیگران حادثه نمی توانند قاضی باشند زیرا خواه ناخواه هر اندازه از دانش و بینش و ژرف نگری برخوردار باشند داوران و قاضیان چون انسان هستند و ناچار محکومیت هایی نسبت بشرايط انسانی خویشتن دارند تحت تاثیر آنچه که در خود آنها مؤثر و آنها نیز نسبت به آن ذی غرض هستند قرار خواهند گرفت .

ذی غرض عرض کردم و فکر میکنم توضیحی درباره آن هم باید بدهم صاحب نظر بودن غیر از ذی غرض بودن است ممکن است انسان درباره چیزی که هیچ ارتباطی با او ندارد و نسبت بیک مسئله مربوط به هزار سال پیش نظری داشته باشد مثلاً داشته باشد ولی ذی غرض بودن یعنی حب و بغض داشتن و انسان درباره چیزهایی که ملازم زندگی او و مؤثر در زندگی اوست ناچار غرضی دارد ممکن است این غرض از نوع بی تفاوتی از نوع منفی و یا مثبت باشد درباره ادبیات معاصر نیز وضع چنین است مابهر حال و از هر - دیدگاهی قضاوت میکنم نسبت به این مسئله دارای غرض و دارای هدف هستیم و مجبوریم باشیم و کسانی که ادعای بی طرفی میکنند خود بی طرفی نیز چیزی بین نظر منفی و مثبت داشتن است یعنی در هر حال این مسئله مربوط به آنها و زندگی آنهاست منتها طرز فکر آنها اینست که رای بی طرف میدهند یعنی رای بی اعتنائی میدهند این غیر از اینست که مسئله ای مطلقاً به انسان مربوط نباشد و در نتیجه بتوانند درباره آن آزادانه انچنان قضاوت بکنند که مادر باره مسائل مربوط مثلاً به عصر دردو هزار سال قبل از میلاد قضاوت میکنم به این ترتیب بدیهی است که ادبیات معاصر هنوز به مرحله ای نرسیده است که درباره آن داورى قطعی داشته باشیم چه درباره ماهیتش چه درباره شعب و شؤون مختلفش و چه درباره هدفهای آن و آینده آن زیرا این هدفها این آینده و این شعب و این ماهیت در هر حال پدید آمده ای است مربوط به زندگی جامعه ای که مادر آن زیست میکنیم و همان طور که درباره لباس جدید که می پوشند ، خوراک جدیدی که به بازار می آید و وسایل جدیدی که از نظر ارتباطات وارد زندگی میشود نظریات متفاوت و گوناگون ابراز میشود و این نظرها مربوط به عکس العمل افراد يك جامعه به نسبت ذوق و شخصیت و تربیت و سنتهایشان در مقابل عملی است که می بینند ، درباره ادبیات معاصر نیز این چنین عکس - العملی ظاهر میشود و در نتیجه حق قضاوت بی طرفانه راسب می کند اما نداشتن چنین حقی ارتباطی بالزوم شناسائی این مسئله و کوشش برای شناسائی آن مثل تمام مسائل دیگر ندارد ما نمی توانیم درباره ادبیات معاصر داورى بکنیم ولی باید بگوئیم که آنرا از صورت يك مسئله کاملاً وحشی و وحشی برای عده کثیری از جوانان خارج بکنیم وحشی که عرض میکنم ممکن است این ایراد متوجه این اصطلاح بشود که این نامانوس و وحشی نسبت به جوانان نیست بلکه جوانان مجذوبیت بیشتر به ادبیات معاصر دارند من نمی خواهم عرض بکنم شاید تا حدی چنین باشد ولی کاملاً این طور نیست اگر صاحب نظران و افراد معین را در نظر بگیریم اکثریت افرادی که امروز درباره مسئله ادب معاصر قضاوت دارند نظر منفی شان یا نظر مثبت شان بدون آشنائی با واقعیت ادب معاصر است بخصوص درباره مخالفان مثلاً ادبیات منظوم معاصر یا ادبیات آهنگ دار معاصر که مثلاً شعر نو باشد نظر مخالفان صدی نود و نه بنده تصور میکنم بدون حتی این مرحله ابتدائی و مقدماتی است که به خودشان رحمت این راداده باشند که چند قطعه را دقیقاً بخوانند و بعد اظهار نظر کنند اصطلاح جیغ بنفش و اصطلاح تیک تیک ساعت اصطلاح يك چهار است دو



سعدی و حافظ ،  
چار دیواری ساختند که دیگر  
زبان فارسی نتوانست خود را  
از آن رها سازد .  
وضع کردن قاء - ده ای  
در يك اطاق در بسته هر گز  
نمی تواند برای  
۲۵ میلیون گوینده زبان فارسی عادت  
بیافریند .

آقای دکتر منوچهر مرتضوی به سال ۱۳۰۸ در تبریز متولد شده و تحصیلات ابتدایی را در تبریز و متوسطه را در تهران به پایان رسانده اند همچنین درجه لیسانس و دکتری را در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران دریافت کرده و فعلاً علاوه بر ریاست دانشکده ادبیات تبریز سمت استادی زبان های باستانی و ادبیات فارسی را در آن دانشکده دارند . از شغل های مورد علاقه شان تصدی نشریه دانشکده ادبیات تبریز است که چندین سال مشغول بوده اند و هنوز هم سرپرستی کلی آن را به عهده دارند . مدتها با مرحوم دهخدا در تألیف لغت نامه همکاری داشته اند . و فعلاً رئیس دانشکده ادبیات تبریز هستند .

چهار است سه چهار است ، بدون اینکه مقدمه مؤخره این مسائل در نظر منتقدان معلوم باشد و بدانند که چه مضمونی مسئله يك چهار است را بوجود آورده و شاید با آن مقدمه این مؤخره منطقی باشد نمودارهای این است که وقتی در جامعه قضاوت سطحی نسبت به مسئله ای پیدا میشود این قضاوت چه معایبی میتواند داشته باشد به این علت در درجه اول حتی برای بارور کردن ادب معاصر و برای اینکه امکان بیشتری بوجود بیاوریم که رشد این نهال طبیعی باشد آشنائی بیشتر با ادب معاصر ضرورت دارد پس کرسی در دانشگاه بوجود میآید ادبیات معاصر تدریس میشود ولی نه بخاطر اینکه آنچنان که ما درباره سبک ترکستانی یا سبک عراقی یا سبک معروف به هندی یا سبک بازگشت بحث میکنیم در این باره بحث بشود بلکه بدین منظور که مطالب پراکنده که فقط از زبان مدافعان آن تنظیم و شنیده شده از زبان اشخاصی که آکادمی تر و منطقی تر بحث میکنند جمع آوری شود و تا حدودی که امکان دارد مشخصات آن ارائه بشود بدون اینکه گفته شود این مشخصات حتی خوب است یا بد است مگر در جاهائی که کاملاً جنبه روشنفردی دارد بفرض اگر پژوهنده ای که مأمور تدریس این مسئله در يك دانشگاه است پی برد چیزی باسم شعر عرضه شده ولی نه تنها موزون نیست که اهمیت ندارد چون ممکن است يك چیزی موزون به وزن عروضی نباشد ولی موزونیت کلی داشته باشد آهنگ دار باشد از قوانین خوش آهنگی برخوردار باشد ، و با وجود اینکه مطابق الگوهای سنتی دیرین ما ، از نظر مفهوم وزن نیست مطابق الگوهای کلی تر و فلسفی تر آهنگ و وزن محسوب شود ، بلکه يك شعری را بررسی کنید و ببینید که هیچ يك از مشخصات و عناصر آهنگی و موزونیت در این وجود ندارد گفتن اینکه این نوع شعر شعر نامیده میشود و یا فاقد فلان عنصر از عناصری است که معمولاً هر شعری در هر جای دنیا واجد آن خصوصیات است این مسئله در واقع قضاوت بنظر بنده محسوب نمیشود بلکه جزء آن مشخصات فنی است که اجازه میشود داد پژوهنده و مدرسی ادبیات معاصر آنها را مطرح بکند و بهر حال آنچه در این زمینه مهم است و قطعاً باید انجام بگیرد این است که همین طور که عرض کردم دو امکان بوجود بیاید که اولین امکان عبارت از اینست که بجای اینکه ماسئله ادبیات معاصر را درباره زمینه های مختلفش از زبان مدافعان آن یا مخالفان آن بشنویم از زبان کسان دیگری نیز بشنویم که آنها نه مدافع آن و نه مخالف آن هستند بلکه فقط وظیفه دارند که بگردند بچونند تحقیق بکنند استخراج بکنند و بدان صورت که درباره ادب کلاسیک عمل شده یا چیزی شبیه آن موادی که برای شناختن این مجموعه تاحدودی کافی باشد در اختیار دانشجویان قرار بدهند .

دومین مسئله ای که اهمیت دارد عبارت است از این که در این تدریس باید کوشش کافی بعمل بیاید که نوعی طبقه بندی و نوعی تشخیص مشخصات بطور منطقی و بدون نظر مخالف یا موافق داشتن مورد توجه باشد چون من تاکنون ندیدم جز بطور پراکنده آنها را بطور افراطی یا تفریطی بحث خیلی مفصل بصورت کتاب یا مقاله درباره ادب معاصر شده باشد . آنهايي که کاملاً بی طرف بوده اند به علت بی علاقه گی نسبت به مساله چیزی نگفته اند و کسانی دنبال این کار را گرفته اند که یا رسالت مخالفت با این پدیده باشکوه را در خودشان احساس میکردند در نتیجه بقول هیچکدام از آنها اعتمادی نیست زیرا این قضاوت ها از حجب و بغض خالی نیست . اما

وقتی چنین وظیفه ای بعهده دانشگاه گذاشته میشود و کسی که این وظیفه را انجام میدهد بحکم ذوق انجام نمیدهد بلکه بحکم يك وظیفه انجام میدهد ، می تواند منطقی تر و بی طرفانه تر قضاوت کند . بدیهی است در انتخاب چنین کسی نیز باید دقت کافی بشود که هم آگاهی کامل نسبت به ادب معاصر تاحدود امکان داشته باشد و هم از اشخاصی که اشتباه به مخالفت و یا موافقت ادب معاصر یا ادب قدیم دارند نباشد . روی این اصل بنده تصور میکنم که ادب معاصر در دانشگاه باید تدریس بشود و خلاصه میکنم فرق تدریس ادبیات معاصر در دانشگاه با تدریس ادب کلاسیک اینست که در آن مورد قضاوت ها مطرح است و ذکر قوانین ، بعبارت دیگر در این مورد کمک به شناختن ها و شناساندن ها و مسئله ای پراکنده را مدون ساختن در واقع مطرح است اما اینکه چه کسی باید در این مورد داوری بکند بنده شخصاً عقیده ام اینست که اگر ما انتظار داشته باشیم تا در زمان ما قضاوت صحیحی در ایران بعمل بیاید بعلى که قبلاً عرض کردم شاید غیر ممکن باشد و ضمناً خیلی زود است چون هنوز پختنی شروع شده است ولی مسلماً تا این آتش فروکش نکند تا این ديك از روی آتش برداشته نشود و در کاسه ها کشیده نشود و کمی سرد نشود نمی توان مزه این طعام را درست درك کرد بعبارت دیگر در حال جوشیدن يك طعام تشخیص اینکه این تلخ است شور است و یا شیرین است خیلی مشکل است برای اینکه این جوش خودش مانع از این خواهد بود که مذاق انسان مسائلی را که احتیاج به آرامش و مضمضه کردن کافی دارد ، درك بکند دهان انسان خواهد سوخت یا در هر حال در موقعیتی قرار خواهد گرفت که نخواهد توانست آن قبیل مسائل را که در آرامش میتواند احساس کند ، موفق به دركشان بشود ، خیلی معذرت میخواهم که بیش از این چیزی فعلاً در این زمینه بنظم نمیرسد .

تلاش - سؤال دیگر اینست که برای تحقیق اصولاً در هر رشته ای بخصوص در رشته ادبیات چه روشی و چه شیوه ای جناب عالی پیشنهاد میکنید با توجه به این مسئله که گروهی معتقدند تحقیق امروز در کشور ما يك صورت ابتذال بخود گرفته و آن هدفی را که ما از تحقیق داریم نمیتوانیم به آن برسیم با این وضع که پیش گرفته ایم و استندای دیگر که داریم اینست که آیا تاحالا کاری که طبق روش پیشنهادی جناب عالی که الان خواهید فرمود شده یا نه و اگر شده مشخصات آن چیست و یا عقیده دارید اینکه مجبوریم راه فرنگی ها را در پیش بگیریم و از آنها تقلید صرف بکنیم .

دکتر مرتضوی - بنده اصولاً نسبت به پیشرفت تحقیقات در ایران جدید در ایران معاصر یعنی از مشروطیت به بعد بدین سیستم و حتی خوشبین نیز هستم باین معنی که درست است که الان در بخش بزرگی از مسائل مربوط به ایران و مطالب ایران شناسی به علل و جهات گوناگون دانشمندان ایران شناس یا دانشمندان غرب عنوان گذشته را ندارند ولی نباید تصور کرد که اگر امروز در ایران دستی بقلم برده میشود و کاری میشود فقط بعلى اینست که میدان از آن قبیل دانشمندان خالی است و ناچار این وظیفه بطور تصنعی بگردن دانشمندان آویخته است بلکه بنده معتقدم که در زمینه های خاصی اکنون صد در صد ابتکار را می شود درست دانشمندان خودمان تشخیص داد بطور کلی در زمینه ادب اسلامی ایران امروز مستشرقی که با دانشمندان ایران بتواند برابری از نظر تحقیقات بکند بنده نمی شناسم چند تن دانشمند بودند و هستند که بزرگترین آنها به نظر

بنده نمی توان گفت برجسته تر از دانشمندان ایرانی است که در زمینه های مربوط به ادب ایران کار کرده اند و ارزش آنها بیشتر از لحاظ این بوده است که يك بیگانه در زمینه ای که مستقیماً به او مربوط نبوده به علت عشقی که به میهن پرافتخار ما داشته کوشیده است و در این زمینه ها که اتفاقاً شاید مهم ترین زمینه تحقیقات ادبی هم باشد کار کرده است .

ما اکنون دانشمندی داریم که این دانشمندان خودشان مرجع خاور شناسان و ایران شناسان در سرتاسر دنیا محسوب می شوند ما دانشمندی داشتیم و داریم که امثال براون لوئی ماسنیو و پرفسور ماسه و امثال اینها به شهادت کتابهایی که نوشته اند و آثاری که دارند در مشکلات خود با آنرا مشورت میکردند به این ترتیب حق خاصی بطور کلی در این زمینه بنده احساس میکنم یعنی واقعا معتقدم که امروز در بعضی زمینه ها ما کار خود را خودمان بدست گرفته ایم البته بعضی زمینه ها هست که در آن زمینه ها هم هر چه ما ادعا بکنیم کار ها را بدست خودمان گرفته ایم مسلماً تظاهری بیش نخواهد بود و این در شان ما نیست که آنچه که بدان نرسیده ایم ادعا بکنیم . یکی از زمینه ها زمینه مربوط به تحقیقات زبان شناسی یا مسائل مربوط به ایران قبل از اسلام است بخصوص جنبه هایی که بزبان و فرهنگ ملت ما مربوط میشود ما کتابهای خوبی شاید به فارسی داشته باشیم ولی اغلب آنها از همان آبخورهای غریبان برخوردار باشد و کار آتقدر پخته ای که بتوان آنرا در ردیف کار دانشمندان بزرگ و عالی مقامی که در زمینه زبان باستانی میهن ما کار کرده اند قرارداد . البته مرکز این مسائل را نمیتوان بطور قطعی تشخیص داد و گفت در کجاست ولی میتوان گفت هنوز به میهن اصلی خود منتقل نشده است البته اینک عرض کردم مرکز اصلی را نمیتوان تشخیص داد برای اینکه يك موقع فرانسه مرکزیت دارد زمانی آلمان مرکز این نوع تحقیقات محسوب میشود ولی گاهی خلا پیش می آید امروز چنین وضعی در جامعه است چند تن از دانشمندان در این زمینه ها کار می کردند که متأسفانه برخی از آنها در گذشته اند یکی دو تن زنده اند و یکی دو تن بعلى این که سن شان از مرز های عادی برای کار کردن گذشته دیگر قادر به ادامه کار نیستند . باین ترتیب تشخیص اینکه انگلستان یا آلمان یا فرانسه یا کجا را می شود مرکز این نوع تحقیقات دانست مشکل است ولی بهر حال هنوز این مرکز به ایران منتقل نشده اما این عرض بنده بعنوان مقدمه بود و بدان معنی نیست که آنچه ما در زمینه تحقیقات بخصوص تحقیقات مربوط به زبان و ادب فارسی و فرهنگ ایران داریم ، کامل است و بنده کاملاً تأیید میکنم که کار هایی که امروز انجام میشود به نحوی در مسیر ابتذال راه می پیماید یعنی اگر پنجاه سال پیش کارهایی که انجام میشد نوید بخش و طلیعه شروع کار به سبک غریبان در زمینه تحقیقات اصیل بود امروز با وجود افزایش حجم و افزایش علم و تحقیقات و شواهد کامل نمیتوان به این نوع تحقیقات اکتفا کرد .

ببینم ابتذال به چه چیز میگوئیم تصور میشود موقعی که این کار ها شروع شد در يك زمینه محدود و درباره مسائل معین و شیوه های معینی شروع بکار کردند که میتوان امثال مرحوم میرزا محمدخان قزوینی را در ردیف نخستین کسانی دانست که به شیوه های جدید مشغول تحقیق شده اند

البته نمی توان گفت شیوه ها کامل بوده ولی می توان اطمینان داشت در آن زمان این شیوه ها مبتذل نبوده یعنی بالاخره از يك جا میبایست شروع بشود و اگر هم چنان پیش میرفت یعنی آینده آن نیز به نسبت و با توجه به امکانات زمانی امکانات دیگر و کثرت تعداد محققان همان وضعی را که در آغاز داشته حفظ میکرد مسلماً امروز تحقیقاتی که ما میکنیم وضع بهتری داشت ولی متأسفانه در يك زمینه های معین و با يك طرز فکر معین دنبال روش های آسان رفتن گریز از ماهیت ها و معنی ها و توجه به ظاهر ها تحقیقات ادامه یافته و در نتیجه تحقیقات امروز معنای اصلی خود را از دست داده است جنبه ای بهتر میدانید که درباره تصحیح يك متن انتقادی که ما به سادگی صد ها نفر را می شناسیم که بی آنکه حتی روش تحقیق انتقادی را در جائی آموخته باشند این کار را انجام میدهند و ظاهر ا هم کار بی عیب می توانند تحویل بدهند خود این روشها فکر برده است عدمای نشسته اند و چند روش در دنیا بوجود آورده اند که گاهی بحث است که آیا يك متن در چه شرایطی با کدام روش باید به زیور طبع انتقادی آراسته بشود در حالی که ما مسئله را خیلی آسان گرفته ایم و تصور کرده ایم البته منظورم تمام کسانی که دست به این کار زده اند نیست ، مقصودم آنهایی است که عامل ابتذال محسوب میشوند که بعضی اینکه نسخه ای را اصل قرار دادیم و بقیه را با الف و ب و ج و د و ویا علامت اختصاری دیگر در ذیل آن آوردیم کار تمام شده است بهر حال آنچه امروز در زمینه تحقیقات انجام میشود بیشتر یا از این قبیل کار هاست و یا کار های دیگری است که اغلب آنها جنبه گردآوری دارد مثلاً لهجه ها را جمع کردن یا بفرض از ادوار ادب فارسی پاره ای از عناصر را جمع آوری کردن البته هر يك از اینها کار شایسته ای است و باید انجام بگیرد ولی شان يك جامعه فرهنگی و علمی پیشرفته که میخواهد تمام مسؤولیت و حاکمیت بر سر نوشت تحقیقاتی خودش را بدست بگیرد توقف در این حد نیست آنچه انجام شده غالباً خالی از ابتذال نبوده و آنچه هم که خالی از ابتذال بوده و خوب انجام شده است غالباً عیبی نبوده است یعنی در مسیر های معین انجام شده مهم اینست که چه کار هایی بایست انجام بشود که نشده است چون همان طور که ما در باره ابتذال بعضی کار ها صحبت کردیم خود انتقاد بی دلیل و انتقاد بدون اینکه گفته شود که چه می باید بشود و چه نشده خود این هم مبتذل شده است باین ترتیب برای اینکه از این ابتذال خارج شویم بیشتر باید تکیه روی کار هایی بکنیم که متأثریم چرا قبلاً مورد توجه نبوده است اصولاً اغلب محققان جدید بخصوص محققان جوان این تصور برایشان پیش آمده است که تحقیقات به شیوه غریبان و پژوهش به شیوه اروپائی مفهومش آن است که یکباره اجتهاد کنار گذاشته بشود و فکر و اندیشه واستنباط کنار گذاشته بشود و فقط چشم کار بکند با يك مقدار بقول جدیدی ها فیش ، غافل از اینکه این مسائل و ابزار های نيك در صورتی می توانند نتیجه نيك بیار بیاورند که مقدمه بشوند برای اینکه نهایت امر باز اندیشه ، استنباط و اجتهاد در مورد آنها بشود والا اگر قرار باشد ما فقط در مقدمه جمع مقدمات و جمع مواد متوقف بشویم کی فرصت این را خواهیم داشت که عناصر بسیار مهمی را که ارزش همه این مواد بخاطر در خود نهفته داشتن آن معانی و مضامین و آن مسائل معنوی است ، بشناسیم ؟ به عبارت دیگر ما بیاییم تمام دواوین شعرا را

در نظر بگیریم اصطلاحات دستوری آنها را جمع بکنیم اصطلاحات و لغات آنها را جمع بکنیم اصطلاحات فلسفی و مذهبی و دینی و هرچه از این قبیل تصور فرمائید در آنهاست جمع بکنیم ترکیبات آنها را جمع بکنیم و بگوئیم که خوب عمری در باره فلان دیوان و فلان دیوان ها به سر آوردیم و آن دیوان بطور کامل حلای شد اینها مهم نیست مهم آن عناصری است که مطالبی که ما جمع کردیم ارتباط زیادی با آنها دارد و آنچه ارتباط با آن مسائل مهم معنوی دارد و شخصیت يك گوینده و ارزش يك دیوان بآن مربوط است بدست آوردن معیارها و قانونها از بین مجموع آثار پراکنده يك گوینده در باره او و از بین مجموع آثار گویندگان مختلف در باره يك نوع مساله بخصوص است اگر ما فهرست های مفصل در باره وزن مورد توجه تمام شعرا فراهم بکنیم این يك شاهی ارزش ندارد موقمی ارزش پیدا میکند که ما بتوانیم دقیقاً بگوئیم کدام اوزان بیشتر مورد توجه کدام شعرا بوده است در کدام ادوار کدام اوزان بیشتر مورد علاقه بوده در کدام يك از مناطق ایران بیشتر اوزان مثلاً رملی و رجزی مورد توجه بوده است این استنباط که تمام مقدمات بخاطر اینست ارزش دارد چیزی را نشان میدهد بنده فراموش نمیشد کم که در سخنرانی که سه سال پیش در تهران در کنگره ایران شناسان ایراد کردم به مسئله که درست به سؤال جنابعالی مربوط است در آنجا اشاره کردم موضوع مطالبی که بنده در آنجا عرض کردم و تاحدی مورد توجه بعضی از حضار قرار گرفت و تشویق فرمودند کیفیت استفاده از منابع ادبی برای مطالب تاریخی بود بنده در آنجا مطرح کردم که ما متأسفانه در اغلب موارد ادبیات خودمان را بی حاصل و راکد رها کرده ایم غافل از اینکه در آنها هزاران نکته نهفته است شما دیوان منوچهری را یا دیوان فرخی را یا اسرار التوحید یا دیوان خاقانی را در نظر بگیرید ملاحظه خواهید فرمود در هر يك از اینها گنجینه از عناصر بی جانی از قبیل تعبیرات و استعارات و ترکیبات و نظایر اینها هزاران نکته معنوی از زندگی انسانها از تحول جامعه ها و از هست و نیست قومی آنها وجود دارد که تحول زندگی آنها امروز ما را بوجود آورده است. شما وقتی اسرار التوحید را بررسی می فرمائید همه اش لزوم ندارد داستان ها را مورد توجه قرار دهید بلکه میتوان از همین اسرار التوحید يك تصویر کلی از زندگی و وضع مردم آن زمان در بعضی از مناطق ایران بدست آورد. مثلاً فهمید که در آن زمان در ایران گیوه می پوشیدند میتوان از روی این کتاب فهمید مبادی چگونه ساخته میشدند و جمعه چه میکردند در بازارها حتی چه نوع اغذیه ای می پختند در این کتاب موادی بدست می آید که در هیچ کتاب تاریخی که فقط برای نشان دادن این قبیل مسائل باید نوشته شده باشد کلمه ای از این مواد را نمیتوانید پیدا کنید ملاحظه فرمائید این درد بسیار بزرگی است که فرهنگ بسیار قدیم مین ما این فقر را متأسفانه به علت بی توجهی کسانی که عهده دار تحقیق و پژوهش بودند دارد که ما شاید تعداد فیل های سلطان محمود غزنوی را می دانیم ولی مطلقاً نمیدانیم که این محمود غزنوی در يك زمینه از زندگی انسانها بالاخره وجود داشته است فقط يك محمود غزنوی با مقداری سپاه و اسلحه هندوستان را فتح نکرده و فتح هندوستان در این چند ساله ختم نمیشود، مردم هند یا مردم ایران در آن زمان آدابی داشتند و رسومی داشتند در همان غزنین که پایتخت باشکوه غزنویان

بود کوچه ها پس کوچه ها بود گریه ها بود شادی ها عزاداری ها بود عروسی ها بود مردمی با تمام خصوصیات که در همه ادوار می زیسته در آنجا بودند اینها را از کجا میشود بدست آورد مسلماً از روی کتابهایی که به عنوان تاریخی نوشته شده است نمیتوان بدست آورد برای این منظور باید يك كتاب های ادبی را که برای نشان دادن هیچ حقیقتی از نوع حقایق تاریخی نوشته نشده اند بلکه بطور عادی نویسنده بحکم اینکه هر گوینده و هر نویسنده فقط از مواد موجود در محیطش میتواند استفاده برای بیان افکار خودش بکند ناچار موادی را آورده است، جستجو کرد این مواد امروز بدو اینگونه گوینده چنین قصدی داشته باشد میتواند نکات بسیار ارزنده ای از زندگی مردم از وضع اجتماعی وضع جغرافیائی تاریخی و هزاران نکته دیگر از این قبیل در اختیار مردم بگذارد شما همین خاقانی را اگر بررسی فرمائید ملاحظه خواهید فرمود که اولاً مطالب فراوانی از لحاظ ابزار زندگی وسایل زندگی انواع خوراکیها وسایل و آلات مربوط به اطاقهای زمستانی و منظره های تابستانی از آن بدست می آید با نهایت دقت بطوریکه حتی آن آهن آلات و آن شبکه فلزی که روی منقل ها می گذاشتند و روشنائی آن در نوری که چراغهای آن زمان تولید میکرد است يك سایه مشبك در دیوار های نیمه تاریک تولید می کرد و یا آن پوستین سموری که در آن موقع مرغوب ترین پوشش ها بوده برای شخصی که یا ثروت مند است و یا مقامی را میخواهد احرار بکند پردوش بپفکند و بر روی نهالی بلند و کتابی در پیش بگذارد و مطالعه بکنند همه اینها در خاقانی هست و اهمیت این موقمی معلوم میشود که توجه کنیم که اینها محیط و اقامتگاههای مختلف خاقانی را نشان می دهد و گوشه ای از شیر و گوشه ای از تبریز و گوشه ای از بعضی از مناطق ایران را میتوانیم با این وضع ملموس و محسوس در دیوان خاقانی مطالعه کنیم از این مطالب این نتیجه را می گیریم که مسلماً می توان ادعا کرد تاکنون دیوان سخنور بزرگ شروان فقط بعنوان دیوان يك شاعر مورد توجه بوده فقط الفاظش مورد توجه بوده کسی کاری باین نداشته است که این شخص قصیده پرداز بالاخره مواد شعری خودش را از نظر ارتباط مضامین از محیط خود و آنچه میدیده و میفهمیده و میشناخته انتخاب کرده است پس اگر شاعری بازبان جادوگران هم صحبت کرده باشد که برای هیچ کس مفهوم نباشد باز می توان از خلال گفته های او هزاران حقیقت بزرگ که در باره حوادث تاریخی از قبیل حمله ها و اقوامی که در آن حمله ها شرکت داشتند و همین شرکت آنها نماینده ای از نوع ارتباطات اقوام در آن زمان محسوب میشد بدست آورد. زندگی مردم چگونه میگذشته منقلشان چگونه بوده اطافایشان چگونه بوده آلات موسیقی شان چگونه بوده همه اینها را میشود از آن بدست آورد اینست که بنده تصور میکنم که در زمینه تحقیقات ادبی ما يك کمی عامل اجتهاد و استنباط را نیز به تحقیقات جاری باید بیفزاییم یعنی جمع آوری مواد را تایید میکنیم منتها معتقدیم این جمع آوری مواد بصورت بی روح و يك پیروی خشك و بی احساس همانطور که يك بار معمول و رایج شده نباید صورت بگیرد بلکه در خود تحقیق و حتی در طرز بررسی يك دیوان نیز دلیل ندارد دانشمند ایرانی خود روش نیافرند و اگر چند روش در دنیا وجود دارد روش دیگری را که تراوش ذهن ایرانی باشد می توانیم ابداع کنیم مثلاً عاملی برای تلفیق تصحیحات قیاسی و نسخه ای و غیر قیاسی البته منظور بنده توسعه می بند

و باری نیست بلکه منظور بنده اینست که نباید در آنچه گروهی با مطالعه معین در زمان معین گفته اند دل خوش کرد و درجا زد زیرا چه بسا اگر خود آنها فرصت داشتند یا این زمینه کماکان مورد توجهشان بود شاید روش های بهتری بوجود می آوردند و گذشته از اینکه در این زمینه ها تجدید نظر میکنیم باید سعی بکنیم که اجتهاد و استنباط یعنی بهره برداری معنوی از ذخائر بی پایانی که هرگز کشف نشده اند و مورد توجه محققان قرار نگرفته اند از قبیل مطالبی که بنده عرض کردم و در زیر تمام ظواهر ادبیات ایران نهفته است آن قبیل مسائل را استخراج کنیم عبارت دیگر وقتی در باره شاعری بحث میکنیم فقط منظورمان این نباشد که سبك او به آن شیوه که امروز درباره سبك معمولاً قضاوت یا تدریس می شود چه بوده است الفاظش بیشتر عربی بوده یا مثلاً در آثار خود استعاره بیشتر استعمال کرده یا تشبیه یا هیچ کدام را مثلاً این نباشد بلکه بیشتر در نظر داشته باشیم و ببینیم جهان بینی شاعر چه بوده است برخورد او با حوادث زمان خودش چه بوده از همین برخورد که منعکس در دیوان اوست حوادث زمان او چگونه ارزیابی می شود چه موادی مربوط به زندگی او در دیوانش پیدا می شود و وقتی به صائب بفرس می رسیم فقط مسئله باریک بینی ها و موشکافی را در نظر نگیریم فقط این مسئله را در نظر نگیریم که واقعا شخص بسیار بسیار دقیق بوده است صائب که گفته است «من از بی قدری خار سردیوار دانستم» اهمیت این شعر در درجه اول مربوط به همان خار سردیوار که یکی از مناظر دائم و مشهود برای صائب بوده است یعنی مجسم شدن دورانی که صائب می زیسته و در دیوان او منعکس است مسلماً مسئله ای خطیرتر و مهم تر از نظر فرهنگی ایران و از نظر سوابق اجتماعی و فرهنگی و جغرافیائی مین ما است تا اینکه صائب کلمات را چگونه انتخاب کرده چگونه ترکیب داده چگونه الفاظ را بهم پیوسته که البته این دومی هم اهمیت دارد ولی دومی فقط بعنوان يك کلید می تواند ارزش داشته باشد اگر کسی از این کلید استفاده ای نکند و نداند که در درون این خانه چیست و فقط کلید داری پیش بگیرد مسلماً نخواهد توانست از ذخائر مخزون در این گنجینه ها استفاده بکند تصور میکنم که این اشاره مختصر برای نمایش دیدی که نسبت به مسئله داریم تاحدی کافی باشد البته بحث بیشتری در این زمینه میشود کرد که فعلاً فرصت نیست.

**تلاش - سؤال دیگر من این است که از نظر نقد مخصوصاً نقد ادبی ماباید چکار بکنیم آیا میدان را برای آن عده ای که دائماً در مشاجره هستند خالی بگذاریم یا باید عده ای پیش قدم بشوند و این عده ای که باید پیش قدم بشوند شرایطشان چی میتواند باشد و اصولاً چه روشهایی برای نقد ادبی پیشنهاد می فرمائید.**

دکتر مرتضوی - بنده تصور میکنم میدان را برای پرخاش گران و مشاجره جویان خالی گذاشتن مسلماً کار صحیحی نیست حوادث و پدیده های ادبی يك زمان تعلق به همه مردم يك سرزمین دارد این ارث پذیری هیچ کس و مؤثر در زندگی هیچ طبقه ای بخصوصی نیست چه بد باشد چه خوب چه ناقص چه کامل مربوط به همه مردم ایران است باین علت بنده تصور میکنم که ناچار باید مسئله را از این دیدگاه مورد بررسی قرار داد که واقعا مثل اینست که بعد از يك دوره یعنی در گذشته که میدان در دست طرفداران سبك قدیم و معتقدان بشیوه قدیم بود والان مثل اینکه آن گروه با آن شیوه های خود

بکلی کنار رفته اند و يك گروه دیگر درست نقطه مقابل آنها باشیوه های مخصوص خودشان زمام این کار را در دست گرفته اند در حالی که زمان آن کارسیری شده و این کار نیز که اکنون انجام میشود اگر خوراك مناسبی برای شب گذرانی و صرف وقت اشخاص بی کار باشد، مسلماً نمیتواند بعنوان يك امید برای تحقیقات آینده مملکت به شمار بیاید. اما اینکه چه اشخاصی باید عهده دار این کار بشوند بنده تصور میکنم منظور جناب عالی آن نیست که نام اشخاص را بعنوان اینکه اینها بتوانند وظیفه انتقاد صحیح و بر کفین خلا یا ایجاد تعادل راعهده دار گردند برده شود ولی میتوان بطور کلی گفت که چنین کسانی هستند این افراد نه دانشگاهی اند نه اداری نه کار آزاد دارند بلکه همه اینها هستند به کرات شما در مباحثات و برخوردها تان با اشخاص مختلف و با مردمی از طبقات مختلف به روش فکرائی بر می خورید که قضاوت صحیح و اندیشه ای روشن نسبت به مسائل ادبی دارند اگر چه چون وظیفه نداشته اند یا امکان و فرصت آن را پیدا نکرده اند مواد کافی در اختیار ندارند یا نتوانسته اند فصول افکار خود را مدون بکنند ولی در هر حال روشن بینی و صحت عقیده و بی طرفی در ناصیه سخنان آنها نهفته است بنده تصور میکنم این افراد باید بخود بیایند و از بهت و حیرت یا احساس بی مسؤولیتی که دامن گیرشان شده خودشان را رها بکنند امروز گروهی که اصولاً مخالف جریان های جدید ادبی هستند به علی و بی طرفان به علل دیگر گوشه گرفته اند دسته اول شاید باین علت که یا متظاهرند که جریان های جدید ادبی لیاقت آنرا اصلاً ندارد که آنها زبان بکشایند و سخنی بگویند و آنچه سبیل این جریان معاصر می آورد مثل لاشه هایی که بر روی يك رودخانه یاسیل حرکت میکند ناچار به گوشه و کنار پرتاب خواهد شد و خود به خود به مرور زمان از بین خواهد رفت که البته بنظر بنده حتماً اشتباه میکنند ولی خوب از این گروه ما توقع نداریم که وظیفه منتقدین راعهده دار بشوند چون باین طرز تفکر مسلماً انتقاد آنها و مباحثه آنها هم جز اینکه باب دومی در جوار باب نخستین باز بکند سود دیگری نخواهد داشت ولی دسته دیگر که نه متعصب درباره ادب قدیم نه متعصب درباره ادب جدیداند بلکه با ذوق سالمی که دارند لذت رادرسرشاری پیمانه يك گفتار و يك نوشته از هنر و ذوق میجویند این افراد به نظر بنده مسؤولیت بیشتر دارند و گناه اصلی متوجه آنهاست که چرا این افراد احساس بی مسؤولیتی کامل میکنند شاید به این علت که بعضی بگویند ما وظیفه ای در این مورد نداریم بیاچه بگوئیم و فحش بشنویم بما چه درباره مسئله ای که از ما نپرسیده اند قضاوت بکنیم ولی این اشتباه محض است برای آنکه اتفاقاً مسئله انتقاد ادبی در این نوع مسائل چیزی است که اگر بی هیچ اجباری و الزامی و لزوم ظاهری مطرح بشود مسلماً پخته ترین و از دل برآمده ترین و صحیح ترین نوع از انواع خودش میتواند باشد این احساس عدم مسؤولیت باید کنار گذاشته شود و سعی شود که واقعا جنبش های پراکنده که زمینه جریانه های جدید ادبی معاصر و پایگاه آن در مقابل اقیانوس عظیم ادبیات سنتی و رسمی ایران است و طرز برخورد این جریان قدیم و جدید و آثاری که از این برخورد حاصل میشود و امکان یا عدم امکان نوعی پیوند و آشنائی بین این دو مذهب مختلف و بالاخره آینده ای که لزوماً مظاهر ذوقی ایرانی خواهد داشت باشد اعم از قدیم و جدید معین و مشخص بشود زیرا از دو حال بیرون نیست یا ادبیات جدید ایران امروزه شکلی پیدا کرده و این شکل مورد توجه اشخاص بی نظر و علاقمند هست

و بامعتقدیم در آینده شکلی بخود خواهد گرفت و باید به اندازه خودمان و در حدود توانائی خودمان اگر از گروه انشا کنندگان هستیم از راه انشا و ابداع آثار و اگر از گروه منتقدان هستیم از راه نشان دادن عیبها و حسن‌ها و ارائه بی‌طرفانه زیبایی‌ها و زشتی‌ها و عیبها و کمال‌های آنچه که می‌بینیم کمک بکنیم که در آینده چیزی که ناچار شکل معین بخود خواهد گرفت و نماینده آینده ذوق ایرانی محسوب خواهد شد مبادا به نحوی از انحا شکل ناهمواری بخود بگیرد این مسؤولیتی است که همه ما داریم و گمان هم نمی‌کنم دانشمندان و بینندگان واقعی این مسؤولیت را احساس نکنند وقتی شاید مسئله کمبود امکانات و جلوه‌گاهها برای ارائه نظر هاست که تا حدودی باعث می‌شود این قبیل نظرها مکتوم بماند چون تصدیق می‌فرمائید که ما الان دونه‌ای خاص انتشارات در مملکت داریم یا از نوع نشریه‌های خیلی سنتی است که علاقه زیادی نشان نمی‌دهند به طرح این نوع مسائل و البته این راهم بنده اعتراف می‌کنم آنها وظیفه‌ای شاید دیگر دارند و بهتر است بگذاریم آنها وظیفه خودشان را در زمینه گذشته ادب ایران که خیلی کار در آن زمینه دارند و قدم‌هایی برداشته‌اند خیلی ناچیز است بموجب آنچه قبلاً گفتیم بردارند و یک مشت نشریه دیگر داریم که این نشریه‌ها مسلماً حرفی جز آن قبیل که در بعضی روزنامه‌ها و مجلات ملاحظه می‌فرمائید بدرشان نمی‌خورد آنها آن شیوه را انتخاب کرده‌اند و شاید مجلاتی از نوع تلاش که در آن زمینه صحبت می‌کنیم باشد که متعهد نیستند به نحوی از انحا جانب‌گیر یکی از دو جریان باشند و امیدوار باشیم این نوع جلوه‌گاه‌های بیشتر بشود بدیهی وقتی که جلوه‌گاه بیشتر شدن و زخود بخود ما در می‌شود اندیشه و فکر و

عقیده چیزی نیست که بتوان روی آن برای همیشه حجاب کشید ولی خوب بدیهی است اگر حجابی طبیعتاً وجود داشته باشد آنرا پوشیده خواهد داشت یا اگر روزنه‌ای برای تابیدن پیدا نکند نخواهد توانست بتابد پس روزنه‌ها را بکوشیم تا بیشتر بکنیم برای اینکه اگر نوری هست از این روزنه‌ها بیرون بتابد.

تلاش — يك سؤال دیگر دارم در مورد آشنائی دادن جوان‌ها با ادبیات. البته نمی‌خواهم اظهار نظر کنم که جوانان ما نسبت به ادبیات چه برداشتی دارند ولی پیشرفت تکنولوژی و صنعتی شدن دنیا بطور کلی این توهم را بوجود آورده که جوان‌ها از ادبیات روگردان هستند و کتاب نمی‌خوانند اصولاً کتابهای ادبی، علت این چیست آیا واقعا همین تکنیک است که در دنیا رایج شده یا دلایل دیگری هست که جوان‌ها را نسبت به ادبیات دلزد می‌کند و چه راهی ما داریم که بتوانیم تشویقشان بکنیم البته غیر از نوشتن مقالاتی که متلاً انشائی ما بنویسیم که بله ادبیات خوب است و فلان است و اتفاقاً يك راه عملی برای آشتی دادن طبقه جوان با ادبیات اعم از کلاسیک و مدرن.

دکتر مرتضوی — سؤالی که مطرح فرمودید دوگانگی دارد یا دارای دو جنبه مختلف است که شاید یکی قابل طرح و بحث باشد و دیگری از حوادثی است که مشکل می‌توان برای آن چاره اندیشی کرد چون مسئله وقتی خیلی خطیر بود خیلی کلیت و عمومیت داشت مواجهه‌های حزبی و فردی نه تنها مؤثر نیست بلکه شاید گاهی نتایج خوبی هم ببار نیارد آن جنبه که جنبه کلیت و عمومیت دارد بنظر بنده اینست که امروز همه جای جهان بهم پیوسته است چیزهای خوب دشوار، آنچه احتیاج به رنج بردن‌هایی دارد کمتر مورد استقبال دنیا است تا آنچه جنبه بی‌مسؤولیتی‌ها، بی‌توجهی‌ها لذت‌جویی‌ها

و نظایر اینها. چنین میکروبی به سرعت در تمام جاها پراکنده میشود من شخصاً نشنیده‌ام که جامعه‌ای دردناک وجود داشته باشد جز جامعه‌های خیلی عقب‌مانده که مسئله بی‌توجهی و بی‌بندباری طبقه جوان در آن مطرح نباشد و بدیهی است که این چنین طرز فکری و این چنین پدیده‌ای به سرعت امواجش به مهن ما نیز رسیده است و حتی اگر اجازه داشته باشیم بنده اشاره‌ای به مسئله ادبیات و شعر نو بطور کلی بکنم این عقیده دیرین خودم را بار دیگر میخواهم تاکید بکنم که مسئله ادبیات معاصر و بیشتر البته شعر نو و شعر معاصر با شکلی که امروز برای متعصبان قدیم و جدید مطرح است بیشتر يك طرز فکر و پدیده اجتماعی محسوب میشود و کمتر جنبه ادبی دارد چون يك موقع است که بطور خالص و بطور کامل يك سبک جدید و شیوه جدیدی فقط از نظر ادبی مطرح میشود قضاوت درباره این‌ها آسان‌تر است ولی وقتی این امر پشتوانه‌هایی از خصوصیات و طرز فکر معین مربوط به زبان و زمان معین داشت مسئله دشوارتر میشود عناد های بزرگ دسته بندی های بزرگ طرفداری های بزرگ همه اینها بیشتر ناشی از این جنبه است نه از جنبه‌های دیگر یعنی اگر شما عواملی را که آن عوامل باعث میشود برای نخستین بار — غیر از شیوه چند تنی مثل نیما پایه‌گذار شعر نو و امثال آن — سطح روزنامه‌ها اشغال از طرز بیان خاص و طرز خاص شود تفکر و سبلیزم خاص شود در نظر بگیرد خواهید دید که آن عوامل بهمان اندازه که ممکن است جنبه ادبی و گرایش ادبی داشته باشد جنبه اجتماعی دارد و از خصوصیات مربوط به زمان ما از لحاظ طرز فکر، يك روح اعتراض روح توقع عصیان است که البته در بعضی از کشورها به مراتب بارزتر و مهم‌تر و در بعضی موارد بصورت مهم تظاهر می‌کند و ما نمونه کوچک آن را شاید در کشور خود داشته باشیم باین علت بنده تصور می‌کنم تا آنجا که مسئله به جنبه عمومی و جهانی موضوع مربوط میشود مقابله با مسئله آسان نیست و شاید طرح آن هم نه آسان باشد و نه پاسخ خاصی برای آن بشود در نظر گرفت چون وقتی این شاخه‌ای از يك جنبه کلی محسوب شود و آن جنبه کلی درمانی نداشته باشد این نخستین هم بی درمان خواهد ماند و اگر درمانی هم داشته باشد بدیهی است وقتی که اساس درمان شد فروع آن نیز چاره‌پذیر خواهد بود اما گذشته از جنبه‌های جهانی موضوع،

مسئله در چهار دیواری های خصوصیات ملی قابل طرح است یعنی باید دید که جوان ایرانی یا بطور کلی جوانان تنها نسبت به ادبیات سنتی بی‌علاقه شده‌اند یا موارد دیگر نیز وجود دارد و آیا علل دیگری غیر از پیشرفت صنعت در این امر مؤثر است یا نه که البته چنین است مسلماً شکوه و عظمت پیشرفت های فنی و آنچه مدرنیزاسیون نامیده میشود یکی از علل و عوامل اصلی است که باعث بی‌توجهی کاذب نسبت بسائلی میشود که جزء مسائل مربوط بگذشته و سنتی محسوب میشود هرگاه شما با جوانی برخورد میکنید که متظاهر بمخالفت با ادبیات است وقتی او را بطوریکه متوجه نظر شما نباشد در مقابل يك قطعه شبوای ادبی قرار میدید بی‌اختیار و بی‌آنکه متوجه باشد ما همین را میگفتیم و او می‌تاخت و میگفت بدر نمیخورد اظهار توجه و اظهار ستایش می‌کند پس آن حمله‌ای که می‌کرد ناگاهانه بود حمله پیزی که نمی‌شناخت و فقط گمان می‌کرد که دنیادنیای این قبیل مسائل نیست خلاصه تا کسی شعر بخوانیم تا کی افسانه بشنویم دنیا دیسای پیشرفت حقیقت و این گونه چیزهاست بی‌بردن

به ریشه روانی و نوع این بی‌توجهی که الان گوشه‌ای از آن عرض شد خودش میتواند کمک بکند به آنکه مطالعه بکنیم که از چه راهی می‌شود این بی‌توجهی کاذب را از میان برد

پس ما اگر بتوانیم وسایلی فراهم بکنیم که مصداق های شایسته ادبی باشد مستقیماً بی‌تردید و بی‌آنکه درباره اهمیت ادبیات بحث کنیم و همانطوریکه در سؤال اشاره فرمودید در دسترس جوانان قرار بدیم بدیهی است آنها ادبیات خواهند خواند و از ادبیات خوششان خواهد آمد و هیچ مهم نیست که جوانی که خوب ادبیات خوانده تظاهر به مخالفت یا موافقت با ادبیات بکند چون آنچه میخواند اثر تربیتی و اخلاقی و معنوی خود را روی خواننده میگذارد پرسیدن اینکه ادبیات خوب است یا بد خود سؤال محرک است در اینکه فرمودید راههای عملی یا مقاله نوشتن یا تبلیغات که جنبه انتشاری دارد این کاملاً صحیح هست حتی بنده فکر میکنم که تبلیغات ناشیانه اغراق آمیز بدون اینکه جنبه تلقینی و جنبه عملی و واقعی داشته باشد خودش یکی از عوامل منفی بوده است که بطور فزاینده‌ای کرده باین بی‌توجهی چون ذهن انسان مقاوم در برابر تحمیل است بخصوص آنچه باسم تربیت گفته بشود نمی‌گویم که انسان از تربیت گریزان است ولی تربیت مانند آب است که باید وقتی طرف احساس تشنگی کرد آب را باو نشان داد و بدیهی است که او بهر قیمت که باشد آب را خواهد خورد ولی لزومی ندارد مادر برابر روح سرکش جوانان که شباهت زیادی به طبیعت يك کودک دارد که وقتی باو میگویند بخور نمی‌خورد وقتی میگویند نخور میخورد و به طبیعت غریزی انسان آنچه علما گفته‌اند انسان حریص است یا آنچه از آن منع میشود باین ترتیب بنده فکر میکنم اگر ما بجای اینکه از راه تبلیغ و پند و اندرز خشک و مطالب انشائی و خطابی سعی بکنیم توجه جوانان را بادبیات و تاریخ پرافتخار گذشته و گرانهای فرهنگی میهن‌شان جلب بکنیم و سعی بکنیم این آثار را بطور زنده و محسوس در دسترس آنها قرار بدیم که آنها دائماً با مصداق واقعی و با مظاهر ادبیات نه با عنوان ادبیات و تبلیغ ادبیات و شهرت ادبیات مواجه باشند، مسلماً توفیق زیادی در این راه بدست خواهیم آورد و هیچ انسانی حتی با داشتن هیچ نوع طرز فکر نمیتوان تصور کرد که از شنیدن زیباییها و از درک زیباییها لذت نبرد البته در ادبیات يك چیز هست که در موسیقی مثلاً این عیب نیست موسیقی هم یکی از مظاهر هنری است و ادبیات است ولی کسی مخالف موسیقی نمی‌شود در صورتیکه بی‌توجهی نسبت به چیزی که ادبیات سنتی نامیده می‌شود وجود دارد دلیلش هم این است که موسیقی از نظر علمی احتیاج به فهم و درک ندارد بلکه تلقین مستقیم محسوب میشود و تأثیر مستقیم محسوب میشود و بواسطه. در حالیکه ادبیات با واسطه باید منتقل شود آن واسطه واسطه زبان است و همین علت يك شعر انگلیسی بسیار برجسته برای کسی که انگلیسی نمیداند با کلمات مختلفی هیچ لذتی نمیتواند داشته باشد و برجسته‌ترین شعر حافظ و مولوی برای کسانی که هیچ فارسی نمیدانند با حروف بی معنا و اصوات بی معنایی که پهلوی هم چیده باشند هیچ تفاوتی ندارد، در حالیکه در موسیقی الفاظ، الفاظ جهانی و بی‌واسطه است و مستقیماً در گوش شنونده اثر میگذارد و نارسائی و ناتوانی از لحاظ استفاده از این واسطه‌ای که مفاهیم ادبی را باید منتقل بکند خود مشکلی بزرگ بحساب می‌آید. ستاینده‌گان مولوی فراوانند ولی مطالعه کنندگان مولوی خیلی کم‌اند

شناسندگان مولوی خیلی ندارند و کسانی که مولوی را عرضه کرده‌اند مسلماً نمی‌شود گفت از تعداد انگشتان يك دست تعدادشان تجاوز می‌کند. در حالیکه در مورد فرخی این طور نیست در مورد قاضی این طور نیست در مورد دیگر شعرائی از این قبیل به هیچوجه مسئله باین شکل مطرح نیست چرا دلیلش این است که در مورد مولوی آن واسطه کار را خراب کرده شخصی که قدرت و توانائی کافی ندارد و مجهز نیست آن استعداد و توانائی که بتواند از آن پرده نسبتاً ضخیم الفاظ بگذرد و بمعنایی برسد و بالاتر از حجاب الفاظ حجاب منطقی کلام و طرز بیان خاص نیز گاهی مانع محسوب می‌شود. چند بیت اول مولوی را که مولانا با آن شور شروع میکند خوش می‌آید ولی وقتی بآن سلسله پیچیده گفته‌های مولوی از نظر عرفان میرسد از درک آن دقایق عاجز می‌شود وقتی شما مطلبی یا حکایتی را مطرح می‌فرمائید شنونده عاشق و شیدای مولوی می‌شود ولی وقتی آن حکایت را خود شروع می‌کند و می‌خواهد آنرا بخواند حکایت زیر و بم پیدا میکند و چند دفعه این شخص احساس خستگی میکند برای اینکه مفزح استعداد و معلومات آن را ندارد که از این همه حجاب عبور کند و به لب مطلب برسد و بهمین علت این مرد بزرگوار با همه اهمیتی که دارد شناساندش بسیار بسیار محدود و کم عملی شده است حالا چه بکنیم که این مشکل را از بین ببریم بر میگردیم يك مشکل و آن مشکل عبارت است از تعلیمات معاصر. میتوان بزرگترین عیب و بزرگترین مسئله قابل توجه را در تعلیمات معاصر و در شیوه‌های فرهنگی معاصر و سطحی بودن آن خلاصه کرد همه چیز سطحی است فارسی را سطحی یاد میگیرند دانش‌هایی را که یاد میگیرند غالباً سطحی است و مرض مدرک جوئی و مرض تورم دیپلمه، و کثرت تعداد کسانی که تئوری دان هستند و ... که البته از مقوله بحث ما خارج است و امیدواری کامل باین هست که با توجهی که الان بمسئله پیدا شده هوشیاری که بمعایب و نقمها داریم مسلماً در آینده راه چاره‌اش هم پیدا بشود

تلاش — يك سؤال در ضمن همین که فرمودید برای من پیش آمد و آن اسم بردن از نیما است اصولاً شما نیما را چطور می‌بینید و آیا چیزی درش هست يك رسالتی يك چیز نو و دیدن ان اصولاً از نیما چی هست این را ممکن است بطور خلاصه هم شده برای بنده بفرمائید آیا با آثارش آشنائی دارید بعدی که بشود در باره‌اش قضاوت کرد.

دکتر مرتضوی — بنده صادقانه بایست عرض بکنم که تا آن حدی که بتوانم قضاوت بکنم آگاهی ندارم مخصوصاً با توجه به اینکه بنده اصولاً در قضاوت آدم بسیار محتاطی هستم نمی‌توانم این مطلب را که می‌گویم بعنوان قضاوت ابراز کنم اما چند کلمه‌ای در این باره استنباط کلی خودم را عرض میکنم نیما مسلماً یکی از قابل احترام‌ترین و یکی از اصیل‌ترین شاخه‌های همان جریان ادبی معاصر محسوب می‌شود به چند علت یکی از مهم‌ترین علل این است که ایراد‌هایی که بخوبی از طرفداران و گویندگان شعر نو گرفته می‌شود در باره نیما و امثال آن که چند تنی هستند باز صدق نمیکند و آن ایراد اگر چه ظاهراً مبتذل به نظر میرسد ولی بنظر بنده ایراد واردی است و تا حدی عمیق هم هست این عنوان که متهم میکنند طرفداران شعر نو یا بعبارت بعضی از استادان معاصر شعر تندرو را به اینکه چون آنها قادر به این نیستند که در مسیر نسبتاً دشوار و قانون‌دار ادب رسمی آن حس خود شاعریابی خوشتن را ارضا کنند در نتیجه به این راه بی‌قانون

بی‌قاعده و آسان روی می‌آورند مسلماً این حمله متوجه نیما نمی‌شود برای اینکه نیما هم مانند چند تن از اساتید بزرگ شعر نو فرانسه است، شعر نو که عرض میکنم منظوم شعر آزاد است، که نخست دیوان کلاسیک ساختند و وقتی بعنوان شاعری بزرگ شناخته شدند شیوه‌ای را که بنظرشان رساتر و با مقتضیات زمان سازگارتر بود در پیش گرفتند مسلماً نیما را هم یک چنین شخصی میتوان دانست یعنی کسی که قادر است بر شیوه رسمی و کلاسیک سخن برجسته بگوید و جوشش و ذوق خود را در پیمانه کلاسیک خالی نکند و عرضه بدارد بدون تردید از روی ناتوانی روی نمی‌آورد بشیوه دیگر بلکه یا از باب احساس یک ضرورت یا از باب تراوش و جوشش یک ذوق بهر حال ناتوان نیست اما درباره آثار نیما باید یک طبقه بندی انجام داد بنده گمان نمی‌کنم که خود نیما تمام آثارش را با یک میزان بسنجد آثار او بر چند دسته قابل تقسیم است که بیشتر فکر میکنم دو دسته مهم در بین آثار او قابل مشاهده باشد البته آثار نیمائی را عرض میکنم نه آثار کلاسیک را که از او باقی مانده چون این آثار نیمائی نیست و بقیه یک قسمت آنهایی است که واقعا این اصطلاح تندرو را که عرض کردم می‌شود به آنها اطلاق کرد و قسمتی هم هست که شعر تندباد نامیده میشود و شاید پایان زندگی او با تندروی سازگارتر است و این هم دلیل معقولی میتواند داشته باشد و اگر معقول نباشد دلیل محسوس میتواند باشد که در این راه‌ها یعنی راههای خسر عادت‌ها و شکستن سنت‌ها انسان هرچه سنتها را می‌شکند دلیرتر میشود و رسالت بیشتری در خود احساس میکند هرچه مجتهد تر میشود در این راه اجازه بیشتر پیدا میکند و اجازه بیشتر رغبت بیشتر تولید میکند برای اینکه بیشتر سنت شکنی بکند. بنده با آثاری که به این حد نرسیده و نمونه از خود پیادگار گذاشته موافق‌ترم در آن آثار بنده خاصیت اساسی شعر را که بآن اعتقاد دارم منعکس می‌بینم و قصد بنده درباره اساس شعر نو نیز در همین نکته‌ای که میخواهم عرض بکنم مستتر است و در واقع پاسخی به دو سؤال میتواند محسوب بشود بینم شعر چیست کاری به نو و کهنه نداریم البته نمی‌گویم شعر کهنه با نو شعر رسمی باشد نو اختلافی ندارد اختلاف خیلی زیاد دارد ولی بالاخره شعر نو گویان نیز معتقد هستند که اثر می‌گویند و خود شعر خود را شعر می‌نامند پس باید یک مفهوم خاصی برای شعر در نظر بگیریم که اگر آن مفهوم را پیدا کردیم، در هرچه باشد آن را شعر بگوئیم و اگر در شعر نو آنرا نیافتیم یا باید معتقد باشیم اینجا شعر در مفهوم دیگر بکار رفته است از مخیل بودن کلام از قدیم از دوره ارسطو و شاید ماقبل آن یعنی دوره شعر نامدون و شعر در واقع طبعی تا دوره ارسطو و از دوره ارسطو که شعر قانون پیدا میکند بطور مشخص تا امروز در هیچ جایی چه اشعار را مطالعه کرده باشیم و خود استنباط کرده باشیم که چه خاصیت مشترکی در اینها هست و چه به قوانینی که متفکران درباره شعر اندیشیده‌اند توجه کرده باشیم می‌بینیم شعر با اثر این تفاوت را دارد که شعر پیمانه دارد قالب دارد در حالی که اثر طرف معین ندارد برای روشن شدن مطالب دو مرتبه اشاره میکنم که منظور بنده از ولو بودن و ظرف داشتن و نداشتن اینست که یک موقع است که شما چیزی دارید چنین چیزی را لزومی ندارد که در قالب بگذارید تا شکل بگیرد زیرا چند ملاحظه زیاد و کم شدنش اصالت را از بین نمی‌برد اثر چنین است.

**تلاش - آقای دکتر مرتضوی خواهش می‌کنم عقیده خود را در باره زبان امروز فارسی بیان فرمایید و توضیح دهید که آیا در استعمال کلمات باید به اصل آنها توجه شود یا اینکه زبان محاوره مردم عامی را باید قبول کرد و اصولاً چه زبانی را برای نوشتن و گفتن می‌پسندید؟**

**دکتر مرتضوی :** اول باید به یک مسأله توجه کنیم و آن اینست که در این مورد عقاید ضد و نقیض وجود دارد و افراط‌ها و تفریط‌های خاصی در این مسئله دیده شده گروهی که آنها را دارای عقیده خاص نمی‌توان دانست روی عادت و خوگری به شیوه خاصی که از نظر تربیت اولیه و تحصیلات خودشان داشته‌اند گرایش بطرف اصول قدیمی یعنی زبان فارسی که در ادب کلاسیک فارسی دیده میشود دارند و آنرا تجویز کرده یا عملاً در نوشته‌های خود ارائه کرده‌اند گروه دیگر مسئله جدیدی را بعنوان ایجاد یک فارسی کامل و خالص مدنظر قرار داده‌اند و طرفداران نظریه دوم نیز در واقع از طرق مختلف در راه برگری نشانند نظر خودشان یا در راه معرفی آنچه که می‌پسندند و آنها مصلحت میدانند اقدام می‌کنند این طرق بطور خلاصه می‌تواند عبارت باشد از نظریه اشخاصی که از راه آشنائی‌های تصادفی یا علمی با آتشخور ایران باستان علاقه و توجه خاصی به آن آتشخور پیدا کرده و بطور کاملاً افراطی در صدد برآمده‌اند زبان فارسی را بقول خودشان از هرگونه تقصیر بیگانگی و لغات دخیل خارجی عاری بکنند و پیرایند و بجای تمام واژه‌های تازی بفرض واژه‌های ایرانی اصیل بگذارند و در این راه ساده‌ترین و آسان‌ترین راه را برگزیده‌اند یعنی حتی در مواردی که میتوانستیم این نظر را اعمال بکنیم از راه پیدا کردن معادل فصیحی که با تتبع امکان پیدا کردن آنها بود به ساختن واژه‌ها و کلمات پرداخته‌اند و یا با استفاده از ریشه‌های واژه‌های باستانی کلمات برساخته‌ای را ابداع کرده‌اند و در فارسی به کار برده‌اند. مشکل بزرگی که در این کار اعم از اینکه طرفداران این کار با آن موافق بوده باشند یا نه مطرح بوده این بوده که حیات و زنده بودن یک کلمه مد نظر نبوده است میدانید که کلمات و واژه‌ها نیز مثل انسانها زندگی میکنند همان‌طور که یک انسانی در طول عمر خود و در طول زندگی خود وقتی پنجاه سالگی را با پنجاه سالگی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم در عبور از کانال زمان خیلی چیزها را جذب کرده خاطره‌ها گذشته‌ها اندوه‌ها شادی‌ها همه اینها در تکوین شخصیتی که کسی در شرایط فعلی دارد مؤثر بوده و او بدون هیچ‌یک از این عوامل مفهومی نمی‌تواند داشته باشد واژه‌ها نیز این چنین است کلمات را ما امروز در معنایی بکار می‌بریم که معنای سنتی آنهاست که در طول زمان و به مرور زمان و استعمال های گوناگون قطره قطره معنای جدید دست بدست هم داده و یک معنای کاملی که امروز معنای فلان لغت میدانیم بوجود آمده است بطوری که حتی مترادف‌های به ظاهر کامل نیز هر کدام بمعنی دیگری نمی‌تواند استعمال شود حالا بینم چه مشکل بزرگی پیش می‌آید وقتی که ما میخواهیم یک کلمه را از زبان حذف کنیم و بجای آن کلمه جدیدی بگذاریم که همان معنا را برساند، مسلماً دچار گرفتاری و ناراحتی میشویم و گاهی مجبوریم اعتراف کنیم که هیچ واژه‌ای عین واژه دیگری نمیتواند باشد اگر یک مرتبه بی‌بند و بار و بی‌قانون بخواهند هزارها کلمه را اخراج بکنند و بجای آنها واژه‌های نوئی بگذارند معلوم است که چه بر سر زبان خواهد آمد زیرا بلای بزرگتر بر سر قدرت تعبیری زبان خواهد آمد. چاره این است که در این راه خیلی با مطالعه و

اندیشیده باید عمل کرد و گرنه روی هوی و هوس روی خوش آمدن از فلان نوع کلمه، آمدن و چنین گرفتاری را برای زبان و برای اهل زبان و برای همه مردم و نویسندگان ایجاد کردن کاری پسندیده نمی‌تواند محسوب شود تصور میکنم بررسی راه راست در این مورد کار دشواری نباشد یعنی بسادگی میتوانیم این حقیقت را درک کنیم که یک زبان چیست مواد اصلی آن کدام‌ها میتواند باشد و چه نه الزاماتی ممکن است در تاریخ زندگی یک قوم پیش بیاید که دست زدن به کارهای بزرگ و گاهی الزامی و اجباری را ضروری بکند از نظر تصفیه زبان، اصولاً مسئله تصفیه زبان هیچگاه نمی‌تواند جنبه علمی صرف داشته باشد پسائلی مربوط میشود که از مقوله تعصب‌ها از مقوله نظرهای اجتماعی و فطری یک قوم و بالاخره ضرورت‌های فنی است که افرادی از برجستگان یک قوم احساس می‌کنند که برای بیان قسمتی از مافی‌الضمیر خودشان و ادراکات خودشان وسایل کافی در زبانی که سخن می‌گویند نیست و در نتیجه مجبورند واژه‌هایی وضع بکنند و این مسئله‌ای است که زبان را در معرض خطر قرار می‌دهد چون وقتی مفهوم جدیدی را که واژه‌ای برای آن نیست برایش علامتی وضع کردند برایش یک نشانه گفتاری وضع کردند ناچار آن نشانه گفتاری در یک زمینه خالی به جریان می‌افتد یعنی حیاتش از آن زمان شروع میشود هیچ چیز را از دست نمیدهد بلکه در آینده هست که باید چیزهای بیشتری را کسب بکند و چنین نیازی از چند راه بنظر بنده رفع شدنی است یکی از آنها وام گرفتن از زبانهای دیگر است یا بصورت مستقیم یا غیر مستقیم و یا بصورت نفوذ اقتصادی و تجاری و اختلاط دو قوم و نظایر اینها بصورت ساختن ترکیب‌های مناسب و کلمه‌ها و واژه‌های مناسب برای مفاهیم جدیدی که بوجود می‌آید و یا انتخاب یکی از کلماتی که در گذشته معانی و مفاهیم خاصی را این کلمات نشان میدادند و بعلی دیگر مورد استعمال نیست و میتوان از آن کلمات در موارد خاص برای مفاهیم جدید با رعایت مناسباتی که وجود دارد استفاده کرد و گاهی نیز میتوان در مواردی چنان که کلمات مشترک معنای موجود در فرهنگ فارسی نشان میدهد در موارد خاصی برای یک واژه چند معنای مختلف بمناسبت‌هایی در نظر گرفت اما این غیر از این است که ما بیائیم بدون اینکه این موجبات وجود داشته باشد فقط برای اینکه کلماتی را بیگانه می‌دانیم یا نسبت به کلماتی نظر خوشی نداریم آنها را دور بریزیم و خودمان را دچار مخصصه‌ای بکنیم که با اشاره عرض شد و فکر میکنم صراحت کافی داشته باشد و احتیاجی به تکرار آن نیست اما یک زبان چیست و خصوصیات آن کدام است و مثلاً از جهت زبان فارسی اکنون در چه شرایطی قرار داریم خود این مسئله که زبان فارسی وقتی می‌گوئیم به چه چیز باید اطلاق بکنیم قابل بررسی است برای اینکه ما یک زبان گفتاری کاملاً عامیانه داریم یک زبان گفتاری عادی داریم همین زبانی که الان در این بحثی که ما میکنیم مورد استفاده است و یکی هم زبان ادبیات که بیشتر به نوع دوم که عرض کردم شباهت دارد ما یکی از زبان‌های فاخر مربوط به سبک‌ها و دوره‌های معین ادبیات داریم که خوشبختانه تقریباً جامع همه این‌ها که عرض کردم میتواند باشد و یکی از شاید تصادفات خاصی است که در مورد همین و زبان ما پیش آمده. در اغلب کشورهای دنیا زبانی که امروز بدان سخن می‌گویند و می‌نویسند نسبت به زبان سی سال پیش یا سیصدسال پیش آن کشور کاملاً متمایز است و حتی اگر زبان هشتصد سال پیش را

در نظر بگیرید نه نوشته‌اش برای مردم عادی مفهوم است و نه کلمات و ساختمان‌های که در آنها بکار رفته است و آن البته خیلی طبیعی است برای اینکه زبان دائماً در تحول است، تحول در یک قرن شاید محسوس نباشد و خیلی اندک است و اگر به چند قرن رسید به جایی میرسد که دیگر جز افراد متخصص کسی نمیتواند آن زبان را درک کند در مورد زبان فارسی مسئله درست برعکس وضع عادی است که عرض کردم یعنی زبانی که ما بآن سخن می‌گوئیم غیر از اختلاف لهجه‌ها تقریباً همان است که هفتصد سال پیش به آن سخن می‌گفتند و حتی این زمان را می‌توان بیشتر از این هم برد.

بنده زبان امروز را بهیچوجه زبانی متمایز از زبان شاهنامه و زبان شاهنامه را زبانی کاملاً متفاوت با زبان کنونی نمیدانم اگر کلمات مشکل را برداریم البته کلمات مشکل از مقوله دشواری‌های ادبی و فاخر بودن استعمال ادبی در این فاصله غیرادبی است یعنی شاید آن واژه‌ای که فردوسی بکار برده و امروز آنرا در یک فاصله زمان فردوسی با زمان خودمان میدانیم در زمان خود او نیز برای مردم آن زمان همان اشکال را داشته از این گذشته زبان فردوسی زبان ایرانی است چو ایران نباشد تن من میاد مسئله‌ای نیست که اگر امروز بخواهند بگویند اصلاً غیر از این بتوان طوری دیگر گفت بدین بوم و بر زنده یک تن میاد بجز اینکه بوم و بر اصطلاح ادبی است در مقابل مملکت و سرزمین و ادبی بودن استعمال است که بوم و بر آمده نه مربوط به اینکه در آن زمان اطمینان داشته باشیم و بتوانیم قسم بخوریم که مردم عادی به سرزمین و به منطقه و به مملکت بوم و بر می‌گفته‌اند و می‌گفتند مثلاً من به بوم و بر خودم میخواهم برگردم مگر اینکه چاشنی ادبی خواسته باشند به گفتار خودشان بزنند زبان فارسی در چنین شرایطی است یعنی زبانی است که خوشبختانه امروز با هزار سال پیش ارتباط‌های خیلی فراوان دارد.

و این اگر مخصوص زبان ما نباشد یکی از موارد شاذی است که در مورد بعضی از زبانها در نیادیده میشود. موضوعی که میتوان درباره اهمیت ادب فارسی و تاثیر نفوذ فوق‌العاده آن مطرح کرد همین است و به این دلیل زبان و ادبیات فارسی غالباً مورد توجه دنیا است و این همان عامل است که تاثیر بر روی گفتار مردم گذاشته و در بسیاری از موارد متوقف ساخته است اگر عیب باشد مربوط به ادبیات است و اگر حسن باشد مربوط به ادبیات است و حتی وقتی نیمه خدایان ادب فارسی سعدی حافظ مولوی فردوسی و دیگران را بایمه خدایان ادب کشورهای دیگر مقایسه می‌کنیم بهیچوجه نمیتوانیم شخصی شبیه اینها از این لحاظ پیدا بکنیم سعدی و حافظ مستقیماً در اذهان مردم و در زبان مردم رسته‌اند بی‌آنکه جنبه تخصصی و سعدی‌شناسی و حافظ‌شناسی و فردوسی‌شناسی اصلاً مطرح باشد ولی زبان قالب‌های خود را از آنها گرفته است بطوریکه این بزرگان چهار دیواری بوجود آوردند که دیگر زبان فارسی نتوانست از این چهار دیواری خودش را نجات بدهد و تحول سریع پیدا بکند زبان ما این زبان است و باین ترتیب وقتی ما فارسی می‌گوئیم یک کمی با زبان آنها تفاوت دارد در حالیکه وقتی انگلیسی می‌گوئیم باید مشخص شود که انگلیسی معاصر است یا انگلیسی فلان دوره است ولی فارسی که ما می‌گوئیم حتی اگر تصریح هم نکنیم بالاخره زبانی که الان سخن می‌گوئیم بازبانی که فرخی سیستانی یا آن صحبت میکرد تفاوت چندانی ندارد یعنی غذایی است همان پلو است که شاه غذای ایرانی محسوب می

شود مخلفاتش ممکن است متفاوت باشد در سفره طرز آرایش و چین ممکن است تفاوتی داشته والته کسی نخواهد گفت که ما عناصر ویژه ادب کلاسیک را در زبان معمولی و محاوره‌ای خود حفظ بکنیم .

اگر در زبان کنونی آذربایجانی توجه بفرمائید کلمات فارسی هم وارد شده که این مسلما از راه با سوادان نفوذ کرده ولی کهنه‌ترین این واژه‌ها واژه‌های فارسی نیست بلکه واژه‌های ایرانی است که مربوط به دوران آذری و قدیم‌تر می‌تواند باشد که البته اغلب آنها در فارسی اصلا وجود ندارد در فارسی که ما می‌شناسیم ولی در ایرانی بودنش هیچگونه تردیدی نیست .

دیگر از کلمات دخیل در فارسی کلماتی است که از عربی وارد آن شده است کلمات عربی که وارد زبان فارسی شده تقریباً آنهایی که از نظر جنبه روانی نه جنبه ادبی خاص و سبک خاص که اشاره به مطرح بودن آن کردیم بنظر میرسد اینها یکی ایرانی شده‌اند یعنی این نوع کلمات کلماتی هستند که یا اصلاً تغییری در آنها راه نیافته یا معنای تغییر یافته‌اند بطوریکه اکثر معنای این کلمات که ایرانیان بکار می‌برند برای هیچ فرد عرب که فارسی نداند مفهوم نمی‌تواند باشد شما حتی مثلاً اگر کلمه مایل را که ما خیلی بکار می‌بریم با عربی صحیح آن از نظر تلفظ و معنا که اسم فاعل از میل است مقایسه بفرمایید خواهید دید هم از نظر تلفظ و هم از نظر مفهومی که عرب از قالب فاعل از آن درک می‌کند تفاوت دارد امروز ما میل را در معنی اشتها و خواست و آرزو و نظیر اینها بکار می‌بریم این تلفظش با عربی البته متفاوت شده و از نظر معنا هم با میل که بیشتر گرایش را می‌رساند اختلاف پیدا میکند و کلمات متعددی مانند تماشا ممکن است باشد تماشا ما می‌گوییم عرب نمی‌فهمد برای اینکه عرب يك چیزی بوزن تماشا ندارد باید توضیح بدیم این تماشا همان تفاعل از می است و بعد تماشا میشود تماشا به معنی مربوط میشود و ذهن آموخته فرد تازی به معنی و مشتقات آن يك چیزی شبیه گشتن راه رفتن و باهم رفتن و نظایر اینها از آن می‌فهمد. در حالی که تماشا امروز با چشم بیش از پا در اینجا ارتباط دارد نگرینی است با شوق و لذت و این کلمات با این تشریحی که شد به هیچ وجه عربی نیستند و آری سزاوار است که ما این کلمات را به جرم اینکه یک روز از جای دیگر گرفته شده‌اند از زبان خودمان اخراج نکنیم و آنوقت برای هر کلمه‌ای که اخراج میکنیم یا کلمه‌ای بسازیم که به هیچ وجه به زبان فارسی نتوان چسباند و یا اگر هم چسبیده شد حاوی آن مفهوم و تعبیری که کلمه قبلی داشت نباشد چه کلمه دیگری میتواند امروز معنی عشق را برساند نه مهر می‌رساند نه دوست داشتن می‌رساند هیچکدام نمی‌رساند چون آنها معنی خودشان را دارند شما وقتی شعر حافظ را بررسی میکنید که دوستی را هم بکار میبرد مهر را هم بکار میبرد عشق را هم بکار میبرد و آن مرد توانا عشق را در جایی بکار میبرد که مهر بگوئیم مفهومی صافی تر رقیق تر و حقیقی تر از آن درک میشود ولی عشق شدیدتر آتش تر و بارنگی سرخ تر به چشم میخورد و مفهوم دیگر دارد تماشا را برداریم چه بگوئیم بگوئیم به شوق نگرستن شوق عربی میشود و چرا دو کلمه را بجای يك کلمه بکار ببریم حالا ممکن است پیشنهاد بکنند که مثلاً نگرش یا نگرانی را بجای آن بگوئیم که اینها به نظر من البته بی‌ذوقی خواهد بود برای اینکه وضع کردن قانونی در يك محیط کوچک و اطاق درسته هرگز نمی‌تواند برای زبانی که بیست و پنج میلیون نفر گوینده دارد

عادت بیافریند بنده معتقدم این کلمات گذرنامه ایرانی گرفته‌اند از هر جهت ایرانی شده‌اند و همانطور که امروز در هیچ کشور تازی زبان مسئله بیرون راندن مرزبان مطرح نیست بلکه مرزبان از نظر تشریح ریشه مطرح است که می‌گویند این معرب است و این عربی است ما هم باید آنها را برسمیت بشناسیم و توجه بکنیم که این کلمات کاملاً ایرانی شده‌اند و اگر قرار باشد ما زبان را به این معنی بگیریم که هیچ چیز از ریشه خود زبان باشد ریشه زبان فارسی حتی شامل بسیاری از کلمات غیر عربی نیز نیست و اگر قرار باشد ما تغییری بدهیم خیلی از کلمات را که اصل یونانی هم دارد میتوانیم بنویسیم در حالی که هیچ کس در اینکه دیهیم فارسی است تردید نکرده است یا یاقوت فارسی است تردید نکرده است ولی خوب شاید نوعی تظاهر است که شخص يك موقع مطالعه میکند تصادفاً برمیخورد که یاقوت ریشه یونانی دارد و فقط برای اینکه فرصت برای عرضه داشت این دانش داشته باشد به این فکر می‌افتد که این یونانی است و قاعده ندارد و سعی میکند وقتی به کلمه دیهیم یا یاقوت برمیخورد يك واژه دیگری مثلاً بجای آن بکار ببرد یا پیشنهاد بکند

در حالیکه امروز فقط فارسی زبانان هستند که از کلمه دیهیم مفهوم تاج را درک می‌کنند و یونانیان با این کلمه بیگانه هستند. در اینجا باید اشاره بکنیم که گروه دیگری هم هستند که نقد وضع‌شان ساده‌تر است که نه تنها عربی بکار می‌برند اصرار دارند عربی صریح و از روی کتاب لغت ، بکار برند . به این معنا که بعضی اینکه شما کلمه‌ای را را طوری دیگر استعمال میکنید بلافاصله آنها می‌گویند غلط است و برای اثبات ادعای خود سراغ کتاب لغت می‌روند و ضبط صحیح و بقول خود اصل آن را به رخ می‌کشند . مختل بودن این اندیشه کاملاً روشن است و از يك اشتباه ناشی می‌شود دو گروه هستند که واژه عربی را در فارسی ممکن است به غیر شوه عربی و دیده کار می‌برند یکی جاهلان کامل یکی عاقلان کامل و خطر همیشه از طرف آن طبقه ثالث است که علم ناقص دارند و چند کلمه‌ای یاد گرفته‌اند به آن غره شده‌اند و برای آنها خیلی مهم است که بگویند این کلمه اصل عربی است این است یا اصل اوستایی آن اینست و یا اصل پهلوی است اینست در حالی که اگر ما بخواهیم يك منطق مدرج برای پیشرفت فکری در نظر بگیریم این چنین خواهد بود که می‌بینیم يك تن اول يك کلمه را چنانکه مردم می‌گویند بکار می‌برد بعد به مدرسه می‌رود و یاد می‌گیرد که از فلان باب است و معنی فلان است بعد می‌خواند و می‌فهمد و بعد به این نتیجه میرسد که بفرض اگر ما تماشا و تماشایی داریم يك تماشایی در زبان عربی داریم و يك تماشا در زبان فارسی که سدی هم به کار می‌برده است و این دو کلمه برای دو گروه مشخص قابل فهم است وقتی شخصی این چنین فکر کرد رفته رفته دیدگاهی وسیعتر و منظری بازتر در زبانش گشوده میشود و می‌فهمد که مسئله به آن سادگی نیست که انسان تا اصل يك چیزی را فهمید فوری سعی در بکار بردن اصلش در تمام شرایط بکند آن اصل برای جای خودش معتبر است در جای دیگر و خانواده‌ای دیگر زیرا کلمه‌ای که وارد زبان شده تمهید ها سپرده و تغییرها یافته و مثلاً قبول کرده که وارد زبان فارسی میشود ایرانی خواهد بود مهر به قوانین ایران خواهد داشت تابع قوانین زبان فارسی خواهد بود . به هیچ وجه نمی‌توانیم تمهیدهای بی‌ثابتهای را که طی قرون سپرده و عمل شده یکباره فراموش کنیم

مثلاً بگوئیم که تمام کلمات باید مطابق اصلشان تلفظ شود زیرا در آن هنگام زبانی خواهیم داشت که مردم امروز آن را نخواهند فهمید و معلوم نیست که اگر گذشتگان نیز آن را بشنوند چیزی از آن بفهمند پس واژه‌هایی که شکل ایرانی و رنگ فارسی بخود پذیرفته آنها فارسی است و تعلق به هیچ زبان دیگر ندارد و مفهوم برای هیچ قوم نیست اگر واژه‌های دیگری پیدا بکنیم آن واژه‌ها را برای غنی‌تر کردن زبان و افزودن برداشته سلسله مترادفات که باعث آن میشود که بهتر بنویسیم و دقیق‌تر بنویسیم وسیع‌تر امکان داشته باشیم وارد زبان کنیم نه اینکه اینها را بیرون بریزیم و چیز دیگری جایشان بگذاریم .

نظر ثرو دوم این است رفتن به طرف تلفظ های اصل که اخیراً در رادیو هم شنیده میشود و به نظر بنده خطرش همان خواهد بود که عرض کردم چون هر واژه‌ای که در زبان فارسی هست بهمان شکلی که پذیرفته شده محترم و معتبر است. بعد از این مقدمه تابه اینجا رسیدیم که باید به اشاره‌ای که در اول جواب شد تصریح کنیم که چه نوع زبانی میتوان زبان مخصوص برای نوشتن و برای گفتار فصیح در زبان ما محسوب بشود . ابتدا باید بگوئیم که این مقدمات در واقع برای گریز از این مسئله نبود بلکه برای این بود که بدانیم چه نوع زبان میتواند برای نوشتن و برای گفتار در زمان ما مرسوم بشود . از نظر بنده جواب دادن به این سؤال خیلی دشوار است شاید اصولاً صحیح نباشد که ما برای يك جمعیت ۲۵ میلیون نفری زبانی را پیشنهاد بکنیم که همه از نظریات مایه‌روی کنند ولی می‌توانیم بگوئیم امکان این هست که از کتابها و مواد کلاسیک فارسی و ادبیات خودمان زبانی را به عنوان الگو انتخاب بکنیم. مثلاً فارسی که در ادبیات سعدی مطرح است یا فارسی که در آثاری مثل اسرارالتوحید مطرح است ، فارسی که در بعضی قسمتهای چهار مقاله مطرح است البته نه همه جای آن فقط بعضی قسمتها این نوع نوشته‌ها فاصله زیادی با آن فارسی که ما بخواهیم فارسی فصیح بدانیم ندارند ولی بهر حال فارسی نیستند که عیناً ما بتوانیم مورد تقلید قرار بدهیم چون يك قانون کلی وجود دارد و آن عبارت از عدم امکان رجعت است هرگونه اصرار برای اینکه ما بتوانیم موضوعی را انتخاب کنیم و بخواهیم الگو قرار بدهیم ما را در مظان همان تهمتی که در ضمن این بحث گفتیم قرار خواهد داد. در واقع مجبور کردن مردم برای پیروی از مسئله‌ای که کاملاً جنبه نظری دارد صحیح نیست. يك چیز باید واقعا به عنوان حقیقت پذیرفته شود و آن اینست که بحث ما میتواند درباره نظر فلان دانشمند معاصر باشد که صحیح است یا نه یا نظر فلان دسته یا فلان رده باشد که خط تغییر بکند یا نکند زبان باید پیراسته از کلیه کلمات بیگانه باشد یا نباشد زبان باید آراسته به تعبیرات و اصطلاحات و واژه‌های مصطلح ادب فارسی باشد یا نباشد جای خود دارد ولی راجع به آنچه که زبان ایرانی نامیده میشود و حتی آنهایی که نظر خاصی دارند مولود تحولات است و در باره آن نمی‌شود گفت چطور است . منتهی چون ناچار خود آن نیز در حال تحول است ما فقط جهت وسوی این تحول را میتوانیم تعیین کنیم نه اینکه تکلیف برای اینکه زبان فعلی را چگونه تغییر بدهیم و تعیین کنیم . آن سوی و جهتی که بنظر میرسد مطلوب باشد اینست که عوامل مزاحم را يك يك تشخیص بدهیم و عوامل مساعد را نیز پیشنهاد کنیم که اینها لازمست مورد توجه باشند. عوامل مزاحم عبارت از اینست که باید

بطور کلی از هرگونه افراطی در استعمال واژه های عربی خودداری کنیم و در مواردی که فارسی هم وجود دارد که مفهوم ما را برساند از کلمه فارسی استفاده کنیم ولی خارج از این مسلماً افراط محسوب میشود و باید از آن خود داری بشود هیچ لزومی ندارد که نثر ما و گفتار ما مستشهد باشد به چیزهایی که به درد يك متر قدیمی می‌خورد. ولی امروز در زبان ما آن استشهاد ضرورتی ندارد جز پیچیده کردن زبان و جز مغایرت با يك هدفی که ما لا مردم ایران دارند و آن اینست که زبانشان بیشتر ایرانی باشد پس خود افراط باید کنار گذاشته شود و در مقیاس آن از افراط دیگری که عبارتست از سره سازیت مطلقاً خودداری بشود چون زبانها و بی‌مزگی‌هایی که در این جهت وجود دارد قطعاً نمی‌شود گفت کمتر از آن عربی های افراطی است بلکه بیشتر است چون آن یکی باز پشت به يك سنتهایی دارد این پشت به هیچ سنتی ندارد بلکه در واقع زائیده تفکر و سلیقه شخصی سازندگان آن است اینها اساس مسائلی بود که مطرح شد. میتوان به عنوان تبصره به موضوع واژه‌های خارجی و اصراری که بخصوص باتوسعه علوم و وارد شدن آن در زبان فارسی از لحاظ ورود واژه های بیگانه بدون قید و بند و مرز پیش می‌آید توجه کنیم که امروز خطر جدی که زبان فارسی را تهدید می‌کند شاید همین هجوم واژه های بیگانه باشد چون ناچار تأثیر افرادی که تحصیل کرده هستند جهاندیده هستند مثل اینکه در سرنوشت يك زبان گاهی بیشتر است تا يك فرد عادی این افراد آگاهانه یا ناخود آگاهانه توجه زیادی به واژه‌هایی دارند که ایرانی نیست و شاید نوعی مرغوبیت و محبوبیت از نظر آنها دارد و این يك مساله روانی است که اصولاً مردم خیال می‌کنند وقتی کسی کلمه فرنگی بکار می‌برد از جهت وسوئی اهمیتش بیشتر است و دلیل عالمیت بیشتر است این هم البته موضوعی است که مسلماً میتواند مورد بحث قرار بگیرد و ما خیلی به اجمال اشاره می‌کنیم که چاره در این مورد همان چاره طبیعت زبانی و همان چاره تحول زبانی است که آنچه مطلقاً در زبان ما وجود ندارد بعضی را بتناسب موضوع و بطور مطلوب میتوان ساخت زبان فارسی يك زبان فرهنگی است در این ساختن رسائی ها و تجانس‌ها و قابل هضم بودن‌ها باید مدنظر باشد نه نزدیک بودن به اصل باستانی کلمات. کلمات تازه باید طوری ساخته شود که مثل شربت گوارا باشد و بشود آنرا به خورد مردم داد من باب مثال عرض می‌کنم مثلاً اصطلاح همه خدائی ساخته شده است در مقابل يك کلمه فرنگی که عربی هم البته دارد این همه خدائی در جامعه علمی ما است در حالی که واژه‌ایست که هضم نشده. اشخاص باسواد ما اغلب این واژه‌ها باز هم نمی‌فهمند و به لغت مراجعه می‌کنند و می‌فهمند. البته همه خدائی هم از نظر لغت که همه و خدا است و هم از نظر نحوه و ترکیب خیلی ترکیب مانوسی است و به کلی در ذهن جا می‌گیرد و بعد از دوبار استعمال همیشه مستعمل بوده است به این ترتیب در مواردی میتوان بارعایت این نکته واژه‌های مناسبی ساخت در اینجا ممکن است این اعتراض را بکنند که در مورد اصطلاحات کاملاً بدیع می‌توان به جای آنها معادل ساخت باید عرض کنم که اصولاً ساختن آسان است ولی پیدا کردن معادلی که سابقاً در زبان وجود داشته و امروز به علی عاقل مانده به جای کلمه بدیع کار مطلوبی است و گرنه هر کس می‌تواند یکروز بنشیند و صدها لغت بسازد و ارتباط منطقی آن فقط در ذهن خودش باشد در مورد کلمات بین‌المللی مانند تلفن و تلویزیون

بزرگ بود، از جمله چند آوایی حروف مسئله همروارش یعنی به يك زبان نوشتن و به يك زبان دیگر خواندن بود و چند آوایی بودن هم خیلی وسیع بود بطوری که خط را بصورت اشکال و نقوش عجایب در میآورد در حالی که خط امروز مسائل چند آوایی درش چندان مطرح نیست مسئله نشاننداری هم زیاد مطرح نیست ولی نبودن حروف صدادار که میتوان هر کلمه‌ای را چند جور خواند و قالب مشخصی کلمه به دست نمی‌دهد اشکال بزرگی است و تردید نیست که خط ما خط بسیار ناقصی است و ضمناً مدعی هم نیستیم که ریشه ایرانی دارد اصولاً خط در ایران غالباً ریشه غیرایرانی داشته ولی دخالت ذوقی ایرانی خطوط را کاملتر کرده است عیب بزرگ دیگری که پیش میآید دشواری آموزش با این خط است یعنی در واقع ارزش یابانی که معتقد به لزوم تغییر خط هستند معتقدند بخش بزرگی از اوقات اطفال و آموزندگان صرف چیره شدن بر مشکلاتی میشود که هیچ لزومی ندارد که ما آن مشکلات را داشته باشیم تا آن اوقات گرانها صرف آن بشود چه لزومی دارد که ما چند جور (س) داشته باشیم این ت سه نقطه است این سین است این صاد است و همه‌اش هم يك جور تلفظ میشود بنابراین دلیلی ندارد که علائم متعدد داشته باشد. این فساد است در خط و باعث اتلاف وقت میشود. یعنی آنچه که ما به عنوان هنر دیکته در مورد اطفال ممتاز می‌شناسیم در واقع هیچ هنری نیست اگر خط، خط صحیحی باشد این هنر که دلیلی بر بی‌هنری خط است از بین خواهد رفت چه هنریست که ما اوقات عزیز اطفالمان را صرف بکنیم و مغز خسته اینها را صرف این مطلب بکنیم که آنها یاد بگیرند که وقتی که صدای (س) میآید آنرا با کدامیک از علائم متنوع و متعدد باید بنویسند.

البته در مراحل بالاتر نیز این نداشتن حروف صدادار ایجاد مشکلات زیادی می‌کند مثلاً در مورد شعر معروف خاقانی :  
از نوحه جغد الحق مائیم بدر دسر  
از دیده گلایی کن در دسر ما نشان  
گل آب پسندان از اندیشه گلاب آلوده  
خود مدد می‌گیرند و می‌گویند که از ذوق شاعری مثل خاقانی و از سیاق مطلب برمیآید که این گل آب است منتهای بی‌ذوقی است که این گل آب با کسرگاف گفته بشود و تازه رگل خودش خاک و آب است دیگر رگل آب معنی ندارد. و رگل آب پسندان نیز از سرچشمه اندیشه گل آلود خود قضاوت می‌کنند آنها هم به دلایل ست و ضعیف و نامربوط از قبیل طب عامیانه و کافور کشیدن و سرگیجه در حال بیهوشی و اینها متوسل می‌شوند و می‌گویند این مسئله است در حالی که در این مورد اشکالی به نظر بنده نیست چنانکه امروز نیز در مجالس روضه خوانی سنت دیرین گلاب پاشیدن بعد از گریه برای اینکه سردرد گریه دفع بشود کاملاً معمول است و در هیچ جا و هیچ طب عامیانه و روستائی غیر عامیانه گل آب برای سردرد نبوده است بلکه کاهگل و نظائر اینها بوده آهم برای سردرد نبوده برای نوع دیگر از عوارض بوده و بالاخره مجبور بشویم دیوان خاقانی را بگردیم و از روش صحیح تحقیق استفاده بکنیم و آن بیت مشهور خاقانی را پیدا بکنیم که گفت :  
گل در میان کوره پی در دسر کشید  
تا بهر رفیع در دسر آخر گلاب شد  
اگر ما خطی داشتیم که این مشکل را نداشت دیگر ساعتی از اوقات دبیرستان ها و دانشگاهها از طرف دبیران و از طرف

استادان صرف بحث همین يك مسئله نمیشد و چون هر ساعتی نرخی دارد از لحاظ حقوق و مزایایی که گرفته میشود شاید يك میلیون تومان چند میلیون تومان تاکنون فقط برای حل این مشکل صرف شده باشد. در حالی که اگر خط، خط میبود بعد از کاف واو میآمد گل خوانده میشد و این درهم بسته میشد. بسیاری از مشکلات از این قبیل است و در مواردی واقعا مشکل طوریت که لایحل میشود.

مسئله دیگر سعی در بین‌المللی شدن نشانه ها و علائم نگارش زبان است که اگر این خط را نباید حفظ کرد چه چیز را باید بجای آن گذاشت چون میدانید تئوریهای مختلف هست سه نظریه از همه اینها معتبرتر است - نظریه اول اینکه دانشمندان قدیم هم متوجه آن بودند و پیشنهاد می‌کردند که مثلاً ما می‌خواهیم گالی، گولی، گیلی، گلی، گلی، رگلی بنویسیم اینها را میتوان متفاوت بنویسیم و وقتی می‌خواهیم بنویسیم گل، گک و الف و ل می‌نویسیم وقتی گل می‌خواهیم بنویسیم گک و واو و ل می‌نویسیم وقتی گل می‌خواهیم بنویسیم دو تا الف می‌نویسیم برای گول دوتا واو می‌نویسیم وقتی گیل می‌نویسیم با يك ی می‌نویسیم میشود از این نوع پیشنهاد ها را پذیرفت و آن عیب بزرگ را از بین برد نظریه دوم اینکه گروهی معتقدند اساس خط باید تغییر یابد شاید گروهی که مطلع بودند از اینکه در ایران خطی به اسم دین دبیره وجود داشته که شاید از کاملترین خطوط دنیا باشد و من خطی کاملتر از این بنظرم نمیآید چون حتی اصوات نامعلوم شبیه حیوانات را هم اگر اغشراق نشود، با آن انواع حروف صدادار که در این خط هست میتوان نوشت بطوری که اگر کسی درست به خط و علائم آن آشنا باشد، یعنی اشتباه در تلفظ آنها نکند، آنچه را که نوشته شده عیناً تلفظ خواهد کرد پیشنهاد عده‌ای این بوده است که اگر این خط را باید تغییر بدهیم بهتر است اگر يك خط ایرانی کامل ساخته و پرداخته داریم و از همه الفباها به مراتب کاملتر است همین خط خودمان را برگزینیم گروه سوم نظریه اول را ناقص می‌دانند و نظریه دوم را برای این ایراد می‌گیرند که میگویند حالا که ما می‌خواهیم يك خط مانوس و خو کرده را از دست بدهیم و چیز دیگری بجای آن بگذاریم چرا چیزی را بجای آن بگذاریم که هیچ فایده‌ای نداشته باشد لاقط خطی برگزینیم که ما را با دانش جهانی بیشتر آشنا بکند و ارتباط ما را با خطوط بین‌المللی بیشتر بکند و به این علت آنها استفاده از الفبای لاتین را با نوعی تغییرات پیشنهاد می‌کنند و در واقع نظری شبیه آنچه که در کشور دوست ما ترکیه اجرا شد ابراز می‌دارند البته ما نمی‌خواهیم درباره موجبات این امر در کشور دوستان ترکیه حرفی بزنیم، ولی می‌خواهم عرض کنم که در آن صورت شکاف عظیمی را که بین نسل جوان و افراد آگاه به خط قدیم پیدامی‌شود به هیچ وسیله‌ای نمی‌توان پر کرد، زیرا در آن صورت اگر بخواهند کلیه چیزهای قدیم را که در آن دوره نوشته شده، به خط جدید چاپ بکنند مسلماً به جایی نمیرسد و در هر حال مثل این که آن آثار از بین می‌رود. مشکل دیگر اینست که ما اگر بخواهیم خط خودمان را تغییر بدهیم و خط لاتین را جای آنها بگذاریم اولاً هیچیک از خطوط اروپائی خودشان نماینده خطی کامل نیستند و قسمتی از دشواری های خط ما را دارند به اضافه دشواریهای دیگری که مخصوص هر يك از آن زبانهاست و ما باید نداشته باشیم اگر تقلید هم بکنیم

این برای ملتی مثل ایران و برای مردمی مثل مردم جامعه ما خیلی غیر قابل تحمل‌تر است تا برای افرادی که تاریخ کوتاه پانصد ساله دارند زیرا این کار در واقع فتوا و حکم قطع ارتباط ما با فرهنگ و ادب کهنسال ما خواهد بود هیچ عقل سلیمی فتوا نمی‌دهد که ما ادبیات غنی دوره اسلامی و همه زحمتهای و مرارتها و رنجهایی را که تحمل شده دور بریزیم.

با توجه به اینکه هنوز با این همه کتاب که از متون گذشته ما چاپ شده نمی‌توانیم ادعا کنیم که حتی یکدهم آنها را چاپ کرده‌ایم زیرا اکثر این متون مربوط به بزرگان است مربوط به آثار مشخص است پس ما هم اکنون در جاده‌ای پیش می‌رویم که منزل ایده‌آل و مقصد ایده‌آل رسیدن به این هدف است که بسیاری از آثار گذشته را تاکنون در دسترس خودمان و در دسترس جوانان و محققان قرار دهیم اگر خط را تغییر بدهیم دیگر چه امیدی هست که دو مرتبه ما بتوانیم حتی کاری را که تا امروز انجام دادیم بتوانیم انجام بدهیم این کار برنامه می‌خواهد سرمایه می‌خواهد و چون مسائل ادبی چیزی نیست که بطور حتم و مربوط به احتیاجات روزمره باشد اغلب معطل می‌ماند و کسی دنبال آن نمی‌رود نان نیست که بگوئیم در هر حال پخته خواهد شد گوشت نیست که اگر يك روز پیدا نشد ناراحتی ایجاد بشود و بلافاصله از هر جا شده گوشت تهیه کنیم خواهد دید اگر چنین حادثه‌ای پیش بیاید شاید کلیات سعدی هم مدتی طول بکشد تا چاپ شود چون نخواندن کلیات باعث این نمیشود که انسان احساس گرسنگی بکند و حالت اغما در او پیدا بشود این نیاز، نیاز روحی است و نیاز روحی اثر خودش را باقی می‌گذارد ولی هیچوقت اجبار و الزام ایجاد نمی‌کند و به این ترتیب تغییر خط بزرگترین عیبش این خواهد بود که ملتی که یکی از غنی‌ترین فرهنگها و ادبیهای جهانی را قطعاً و مسلماً دارد و قدیمی‌ترین و غنی‌ترین ادب و شعر جهان را دارد رابطه‌اش با گذشته‌ها قطع بشود و نمیتوانیم به وعده های پوچی که داده میشود قناعت کنیم که نه ان شاء الله همه‌اش را چاپ می‌کنیم با دلائلی که عرض کردم هرگز ما شاید در صد سال موفق نشویم آنچه را که لاقط امروز داریم همه‌اش را بدست آوریم تاچه رسد به اینکه باید داشته باشیم اینست که بنده با تغییر خط موافق نیستم و معتقدم که باید همتی کرد که این خط را از نقائصی که دارد تا حدود امکان پراست.

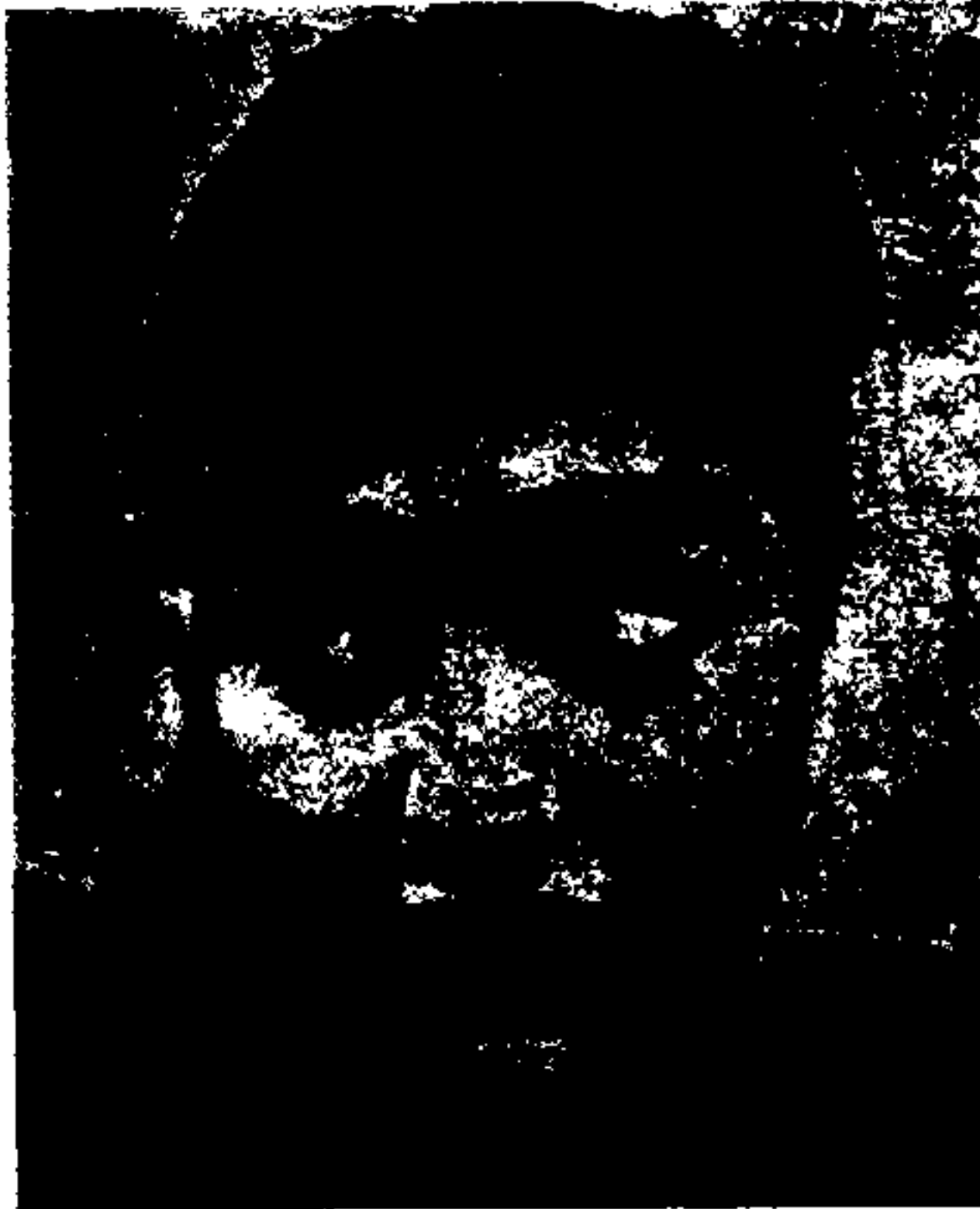
تلاش - آقای دکتر برای وقتی که در اختیار ما گذاشتید و به پرسش های ما پاسخ دادید از جناب عالی متشکرم.

## اشعار آهنگ‌های پر فروش دوماه اخیر

«خوشبختی»

خواننده دالیدا

برای اینکه مرا بیشتر خوشحال کنی  
میخواستی در بازوانت ،  
تمام دنیا را بمن هدیه کنی  
و تمام ثروتهای افسانه‌ای را فتح کنی  
اما من به اینها احتیاجی ندارم  
خوشبختی آواز پرندهای در صبح است  
و این قلب من است  
با وجودی که تو بمن هیچ نگفتی  
او برای خود شگفتیهایی می‌آفریند .  
خوشبختی ماسه‌ای است که ،  
لبان تو روی لبانم قرار میگیرد ،  
خوشبختی ماسه‌ای است که ،  
از میان انگشتهای دستانم میریزد  
خوشبختی ترس من است ،  
وقتی در انتظار هستم تا بیائی ،  
و خوشحالی من است ،  
آنگاه که تو میآئی .  
خوشبختی که تو در زندگی بمن میدهی ،  
چیزی است که مدتها ،  
من در انتظارش میمانم  
و میدانم که اکنون هیچکس و چیزی ،  
نمیتواند ، آنقدر خوشبختی را که تو داری ،  
بمن باز دهد .  
خوشبختی همان است که صبحگاهان بیدارم میکرد .  
خوشبختی همان است که من تمام رؤیاهای شب‌پیش‌را  
با دیدن آنچه که تو برایم میآوری از یاد می‌برم .  
خوشبختی شناختن رنج است  
و این خوشبختی و شانس من است ،  
که در کنار تو بسر می‌برم  
خوشبختی فقط این است که ،  
من ترا دوست دارم ،  
و تو نیز هنوز مرا دوست داری .



ستاره آی ستاره خواننده گوگوش

ستاره ، آی ستاره  
چشم اشکی نداره  
دیگه پیداش نمیشه  
نمیداش دوباره  
آخه گوش کن ، ستاره آی ستاره  
دل عاشق خریداری نداره  
خدایا اونو با عشق و محبت آشنا کن  
بدر این دل دیوونه من مبتلا کن  
بیابشون گل مهر و وفاروتوی سینه‌اش  
من و از دست دلتنگی و تنهایی رها کن  
آخه گوش کن ، ستاره آی ستاره  
دل عاشق خریداری نداره  
اگه عشقی نباشه  
دلی رسوا نمیشه  
دل پاک مثل شیشه  
دیگه پیدا نمیشه  
آخه گوش کن ، ستاره آی ستاره  
دل عاشق خریداری نداره .

چشمان تو خواننده - عارف  
شعر از شهرام  
آهنگ از - حسن لشکری

یادم نیس ، چشمون  
تو چه رنگه  
میدونم ، دنیای رنگ  
وارنگه (۲ بار)  
جام بلوره چشمت  
دریای نوره چشمت  
جادوی خوابه چشمت  
تنگ شرابه چشمت  
یادم نیس ، چشمون تو چه رنگه  
میدونم ، دنیای رنگ وارنگه  
بهار با لبهای گلی  
با پیرهن مخملی  
دامشو پراز جوونه کرده  
تو باغ چشمان تو خونه کرد  
بسکه قشنگه چشمت  
شهر فرنگه چشمت  
یادم نیس ، چشمون تو چه رنگه  
میدونم ، دنیای رنگ وارنگه  
گاهی برنگ دریا  
گاهی برنگ آسمونه  
گاهی برنگ جنگل  
جنگل سبز بی‌خزونه  
بسکه قشنگه چشمت  
شهر فرنگه چشمت .



عارف

از گروه شالینگ بلو

«ونوس»

شعر و موزیک از - ار . وی . لیوون  
اجراء کننده - گروه شالینگ بلو  
در قله کوهی بلند  
الهای با شعله‌ای نقره‌فام می‌سوخت  
اوج زیبایی و عشق بود  
و نامش ونوس .  
او ، آن الهه است ، در آن قله بچه  
هی ، او آن الهه است  
و حالا من ونوس تو هستم  
من آتش تو و در میان هوسهای تو هستم  
اسلحه او  
آن چشمان بلور مانندش بود .  
چشمانی که هر مردی را بدیوانگی میکشید .  
چشمانی سیاه ، به سیاهی شب ،  
و هر آنچه که هیچکس نداشت ،  
بدرست می‌آورد  
او ، آن الهه است .

صفحه شصت و یکم

## فهرست رویدادها

| عنوان                                | صفحه |
|--------------------------------------|------|
| آهنگ‌های ماه                         | ۸۱   |
| اعلامیه مذاکرات ایران و شوروی        | ۸۲   |
| ای‌کاش ماهم خانه فروزانفر داشتیم     | ۸۳   |
| پیک تلاش                             | ۸۴   |
| جامعه باید دارای منزه‌های متفکر باشد | ۸۶   |
| قیمت اجناس                           | ۸۷   |
| کنکور دانشگاه‌ها                     | ۸۸   |
| مصاحبه‌ها                            | ۸۸   |
| آب و برق                             | ۸۹   |
| بهداشت و درمان                       | ۸۹   |
| منابع طبیعی                          | ۸۹   |
| تولیدات                              | ۸۹   |
| اقتصاد و بازرگانی                    | ۸۹   |
| پیکار با بی‌سوادی                    | ۹۰   |
| توریت                                | ۹۰   |
| تعاون                                | ۹۰   |
| نفت                                  | ۹۰   |
| کار و کارگران                        | ۹۱   |
| علوم                                 | ۹۱   |
| راه‌ها                               | ۹۱   |
| آبادانی                              | ۹۱   |
| تشریح سیاست ایران                    | ۹۲   |
| دادگستری                             | ۹۴   |
| دارائی                               | ۹۵   |
| پیشاهنگی                             | ۹۵   |
| آموزش                                | ۹۵   |
| ستو                                  | ۹۵   |
| بیمه                                 | ۹۵   |
| چشما                                 | ۹۶   |
| کنفرانس‌ها                           | ۹۶   |
| شهر و مسائل شهری                     | ۹۶   |
| خدمات                                | ۹۶   |
| مسابقات                              | ۹۶   |
| دیدارها                              | ۹۶   |
| صنعت                                 | ۹۷   |
| تحقیقات                              | ۹۷   |
| ارتش و ژاندارمری                     | ۹۷   |
| سیاحیان انقلاب                       | ۹۷   |
| زنان                                 | ۹۷   |
| کودک                                 | ۹۸   |
| کشاورزی                              | ۹۸   |
| تلفن                                 | ۹۸   |
| هواپیمائی                            | ۹۸   |
| اصلاحات ارضی                         | ۹۹   |
| گاز                                  | ۹۹   |
| رویدادهای هنری                       |      |
| شعر ، اپرا ، باله ، رادیو            | ۱۰۰  |
| تلویزیون ، موسیقی ، کتاب             | ۱۰۰  |
| ایران‌شناسی ، نمایشگاه‌ها            | ۱۰۱  |
| نقاشی ، سخنرانی‌ها                   | ۱۰۱  |
| روز جهانی تأثیر                      | ۱۰۳  |
| ایران در مطبوعات جهان                | ۱۰۳  |
| فیلم و سینما                         | ۱۰۳  |
| چندکلمه با سوسن                      | ۱۰۴  |

## اعلامیه مذاکرات سران ایران و شوروی

در پایان سفر رسمی حضرت نیکولای پادگورنی صدر هیئت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی اعلامیه مشترک ایران و شوروی بدین شرح انتشار یافت.

● بنا بدعوت اعلیحضرت همایون محمدرضا شاه پهلوی آریامهر شاهنشاه ایران حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از تاریخ چهارشنبه ۵ تا شنبه ۱۱ فروردین ماه سال ۱۳۴۹ (برابر با ۲۵ تا ۳۱ مارس سال ۱۹۷۰) بازدید رسمی از ایران بعمل آوردند.

حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و همراهان از تهران و اصفهان و جزیره خارک دیدن فرموده با علاقتندی بسیار با آثار برجسته فرهنگ ایران و موسسات صنعتی منجمه طرحهایی که با همکاری اتحاد شوروی در دست ایجاد است و همچنین بازدید مردم و کوششهایی که برای پی‌ریزی بنای اقتصادی و فرهنگی کشور بعمل آمده است آشنا شدند.

میهمان عالیقدر و همراهان در همجا با استقبال صمیمانه و گرم که نشانه‌ای از احساسات دوستانه ملت ایران نسبت به ملت اتحادشوروی است مواجه گردید.

طی این بازدید بین اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مذاکرات و تبادل نظر های سودمندی در محیط دوستانه و حسن تفاهم در زمینه روابط بین دو کشور و همچنین مسائل مهم بین‌المللی صورت گرفت.

در این مذاکرات از طرف دولت شاهنشاهی ایران:

- ۱- جناب آقای امیرعباس هویدا نخست وزیر.
- ۲- جناب آقای صفی‌اصفیا وزیر مشاور و نایب نخست وزیر در امور اقتصادی و عمرانی.
- ۳- جناب آقای عباسعلی خلعت‌بری قائم‌مقام وزیر امور خارجه.

۴- جناب آقای احمد میرفندرسکی سفیر شاهنشاه آریامهر در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی

- ۵- جناب آقای منوچهر ظلی معاون سیاسی وزارت امور خارجه.
- ۶- جناب آقای عطاءاله سلمان پورمعاون وزارت اقتصاد.

۷- آقای احمد اردلان سرپرست اداره دوم سیاسی و از طرف دولت اتحادجماهیرشوروی سوسیالیستی:

- ۱- جناب آقای آ. م. قلیچف معاون صدرهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و صدر هیئت رئیسه شورای عالی جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان.
- ۲- جناب آقای ن. آ. تیخوف معاون رئیس‌شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- ۳- جناب آقای د. م. وینوگرافد معاون وزارت خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- ۴- جناب آقای ای. و. آرخیپوف قائم‌مقام رئیس کمیته دولتی روابط اقتصادی خارجی شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.
- ۵- جناب آقای و. یا. یروفیف سفیر اتحادشوروی سوسیالیستی در ایران.
- ۶- جناب آقایان ل. م. زامیاتین - آل. وارونین روسای ادارات وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی.

شرکت داشتند.

حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جناب آقای امیرعباس هویدا نخست‌وزیر و جناب آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه را پذیرفتند و درباره مسائل مورد علاقه تبادل نظر و مذاکره بعمل آوردند.

شاهنشاه آریامهر و حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برای روابط کنونی حسن همجواری بین ایران و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی ارزش بسازی قائل بوده و تأیید نمودند که روابط مزبور براساس احترام متقابل بهحاکمیت و استقلال ملی و تساوی حقوق و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر همچنان تحکیم مییابد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

حضرت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی قصد اتحاد شوروی را تأیید نمودند که اصول سیاست خارجی صلح جویانه آن کشور که وای. لنین بنیان‌گذار دولت شوروی آنرا پی‌ریزی نموده است و امسال صدعین سالگرد تولد وی بطرز باشکوهی برگزار میشود همچنان در آینده نیز نسبت به ایران کشور دوست و همسایه ادامه یابد.

شاهنشاه آریامهر متقابلاً علاقه ایران را در ادامه دوستی و تحکیم روابط حسن همجواری با اتحاد شوروی که از تجلیات سیاست مستقل ملی ایران است ابراز فرمودند. طرفین برای همکاری و توسعه مناسبات اقتصادی ایران و شوروی اهمیت خاص قائل گردیده و بدین مناسبت خاطر نشان نمودند که همکاریهای اقتصادی و فنی بین دو کشور دارای جنبه های مختلفی است که با منافع آنها منطبق میباشد. در سال جاری شاه‌لوله گاز سراسری ایران و تا سیات برق آبی سد رودمرزی ارس شروع به کار خواهد نمود. ساختمان کارخانه ذوب‌آهن «آریامهر» در اصفهان و کارخانه ماشین سازی در اراک وارد مرحله قطعی شده است.

طرفین از مساعی مشترکی که در چهارچوب کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی ایران و شوروی در مورد توسعه روابط موجود اقتصادی نافع برای طرفین و یافتن امکانات تازه برای ۱۲ تا ۱۵ سال آینده بعمل آمده است ابراز خشنودی نمودند.

طرفین با خوشوقتی این نکته را که پیشرفتهای زیادی در روابط بازرگانی بین دو کشور نیز حاصل گردیده و در نتیجه اجرای موافقتنامه بازرگانی بین ایران و شوروی حجم مبادلات بازرگانی فیما بین در پنجسال اخیر افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته تأیید نمودند. طرفین همچنین مراتب رضایت خود را از مذاکراتی که اخیراً در تهران جهت توسعه بیش از پیش روابط بازرگانی که در محیط تفاهم متقابل صورت گرفت ابراز داشتند. در مذاکرات مزبور خطوط اصلی افزایش حجم مبادلات فیما بین تعیین گردیده و مقرر شده است که این مذاکرات در شهر مسکو بمنظور امضاء موافقتنامه جدید بازرگانی برای سالهای ۱۳۵۴ - ۱۳۵۰ (سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱) ادامه یابد.

طرفین همچنین مسئله گسترش همکاریهای علمی و فنی بین ایران و اتحاد شوروی را مورد بحث قرار داده و مقتضی دانستند که در آینده مذاکراتی جهت انعقاد موافقتنامه‌ای در این زمینه بعمل آورند.

طرفین از اجرای موفقیت‌آمیز موافقتنامه فرهنگی فیما بین اظهارخوشوقتی نموده و خاطر نشان ساختند که توسعه روابط مذکور در فوق به تحکیم مبانی دوستی و حسن همجواری بین دو کشور کمک خواهد نمود. طرفین در جریان تبادل نظر صریح و سودمندی که در مورد مسائل مهم بین‌المللی بعمل آوردند دریافتند که نظراتشان در مورد پاره‌ای از مسائل مذکور منطبق و یا با یکدیگر نزدیک است. همچنین لزوم حل اختلافات بین کشور ها را از طریق مسالمت آمیز مطابق اصول منشور ملل متحد تأیید کردند و باین مناسبت بار دیگر پشتیبانی خود را از اصول منشور سازمان ملل متحد اعلام داشتند و اهمیت نقش آن سازمان را در تأمین و تحکیم مبانی صلح جهانی و توسعه همکاری دولتها تأکید نمودند.

طرفین با ابراز نگرانی از وضع خطرناکی که همچنان در خاورمیانه وجود دارد عزم راسخ خود را ابراز داشتند که با توافق سایر کشورهای صلح‌دوست مساعی خود را بمنظور اجرای تمام مقررات قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای امنیت بکار برند.

طرفین تأکید کردند که تخلیه سرزمینهای اشغال شده بوسیله اسرائیل شرط اساسی حل این بحران میباشد و همچنین بمباران اراضی و سکنه غیرنظامی کشورهای عربی را تقبیح نمودند. طرفین خاطر نشان ساختند که یافتن راه‌حل پایدار برای بحران خاورمیانه بشرط رعایت حقوق حقه ملل عرب منجمه مردم فلسطین امکان پذیر است و لزوم اجرای قطعنامه‌های مربوطه سازمان ملل متحد را تأیید نمودند. طرفین با ابراز نگرانی از ادامه جنگ در ویتنام اظهار امیدواری نمودند که در مذاکرات پاریس کوششهایی بمنظور خاتمه دادن باین جنگ بعمل آید.

طرفین معتقدند که حل مسئله ویتنام میتواند بر- اساس موافقتنامه های ۱۹۵۴ ژنو بنحوی که حق ملت ویتنام در تعیین سرنوشت خود بدون مداخله خارجی تضمین گردد صورت پذیرد.

طرفین همدردی و حمایت کامل خود را نسبت به مللی که در راه نیل به آزادی و استقلال مبارزه میکنند ابراز داشتند و هرگونه مساعی را برای تحمیل اشکال جدید استعمار به کشور های آزاد شده محکوم نمودند. طرفین اجرای بلاقید و شرط مفاد اعلامیه مصوب پانزدهمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد را مبنی بر اعطای استقلال به کشور ها و ملل تحت استعمار مصرأ

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

طرفین معتقدند که روابط فیما بین نمونه مشخص و عملی اجرای اصول همزیستی مسالمت آمیز دول دارای سیستم های اجتماعی متفاوت است و با رضایتمندی خاص متذکر گردیدند که مرز ایران و شوروی مرز صلح همکاری بین دو کشور میباشد.

خواستار میباشند.

طرف شوروی راجع به اقداماتی که در زمینه تدارک و تشکیل کنفرانس عمومی اروپا درباره مساله امنیت اروپا بعمل می‌آید توضیح داد.

طرف ایران تأیید نمود که تأمین امنیت اروپا بمنزله یکی از عوامل مهمی است که میتواند در بهبود وضع کلی بین‌المللی موثر باشد.

طرفین در زمینه خلع سلاح تأیید نمودند که تحقق خلع سلاح عمومی و کامل بخصوص در مورد سلاحهای هسته‌ای تحت کنترل موثر بین‌المللی و همچنین ایجاد مناطق غیر اتمی منجمه در خاورمیانه و نزدیک، قدمهای موثری در راه تحکیم امنیت بین‌المللی و تأمین صلح عمومی خواهد بود.

طرفین ضمن اظهار خوشوقتی از اینکه پیمان منع گسترش سلاحهای هسته‌ای پمرحله اجرا در آمده است ابراز امیدواری نمودند که عده بیشتری از کشور ها بآن ملحق شوند.

طرفین آمادگی خود را جهت تبادل نظر صریح بین شخصیتهای دو کشور در سطوحهای مختلف چه در باره روابط فیما بین و چه در مسائل مهم بین‌المللی که بصورت سنت نیکویی در آمده و فائده‌آن مشهود گردیده است در آینده نیز ابراز داشتند. منجمه قرار شد هیئت پارلمانی ایران بدعوت شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بآن کشور مسافرت نمایند.

حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی مراتب امتنان قلبی خود را بخاطر میهمان نوازی گرم و صمیمانه‌ای که از طرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و همچنین دولت و ملت ایران از ایشان و همراهان بعمل آمده ابراز داشتند.

طرفین معتقدند که بازدید حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدرهیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از ایران و تبادل نظر مفید راجع به مسائل مورد علاقه طرفین موجب تحکیم دوستی و توسعه بیشتر روابط حسن همجواری بین ایران و اتحاد شوروی و به نفع صلح جهانی خواهد گردید.

حضرت نیکولای ویکتوریچ پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی از طرف هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و دولت شوروی از اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران دعوت نمودند که از اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بازدید رسمی فرمایند. این دعوت با کمال مسرت پذیرفته شد تاریخ این بازدید بعداً مورد توافق قرار خواهد گرفت.

حاکم قطر در ایران

● حضرت شیخ احمد بن علی آل‌ثانی حاکم امارت قطر در راس هیئتی از مقامات این امارت برای دیدار رسمی پنج روزه وارد تهران شدند و از طرف آقای هویدا نخست‌وزیر مورد استقبال قرار گرفتند.

حاکم قطر در مدت اقامت خود در ایران بحضور شاهنشاه آریامهر شرفیاب گردیدند و نیز مذاکراتی با معظمله و وزیر امور خارجه ایران بعمل آوردند.

بافتخار حاکم قطر ضیافتی بشام از طرف آقای هویدا نخست‌وزیر در کاخ وزارت امور خارجه ترتیب یافت. و آقای هویدا در این ضیافت بیاناتی بدین شرح ایراد داشتند:

حضرت شیخ احمد بن علی آل‌ثانی حاکم معظم قطر برای اینجانب موجب کمال خرسندی است که مقدم حضرت حاکم را به کشور شاهنشاهی گرامی داشته و سفر رسمی آن برادر بزرگوار را بایران گام دیگری در طریق توسعه مناسبات و علاقی فیما بین تلقی نمایم.

موجب کمال خوشوقتی است که بحمدالله بین ایران و قطر هیچگونه مانع و رادعی بمنظور نیل به هدفهای مشترک که همان ثبات و امنیت و رفاه منطقه خلیج فارس باشد وجود ندارد.

حضرت حاکم استحضار دارند که دولت شاهنشاهی برهبری اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر نظری جزسلاح و رفاه همسایگان و هم کیشان خود ندارد و در اجرای این سیاست نهایت اهتمام را مبذول میدارد. تفاهم و حسن رابطه‌ای که در حال حاضر حاکم بروابط ما است نشانه بارزی از این حقیقت است.

بعنوان شاهد مثال بی‌مناسبت نمیدانم که به قرارداد تحدید حدود فلات قاره ایران و قطر که سال گذشته امضاء شد و به تصویب قوه مقننه ایران نیز رسیده است اشاره نمایم. نشانه دیگری از حسن تفاهم فیما بین مسافرت حضرت شیخ خلیفه ولیعهد گرامی قطر بایران است که در حدود یکسال و نیم قبل صورت گرفت و موجبات تفاهم بیشتری را در مسائل مورد علاقه طرفین فراهم آورد.

حضرت حاکم قطر در این ضیافت بیاناتی بدین شرح ایراد داشتند:

حضرت حاکم قطر در این ضیافت بیاناتی بدین شرح ایراد داشتند:

حضرت حاکم

اکنون که خلیج فارس در آستان تحولات نوینی قرار گرفته است طبعاً این دوستی ها واجد ارزش و اهمیت بیشتری خواهد بود و خصوصیات و ویژگی های زمان ایجاب مینماید که از زمینه های مثبت و مساعد موجود برای تحکیم علائق فیما بین بدمنظور تامین هدفهای مشترک کاملاً استفاده نماییم .

قطع و یقین دارم که مسافرت حضرت حاکم قطر بایران فرصت مغتنمی فراهم خواهد آورد که از حسن نیت دولت شاهنشاهی نسبت به رفاه و صلاح منطقه ای که بحکم مشیت الهی در قلمرو آن و در جوار یکدیگر زیست میکنیم بیش از پیش آگاه شوند .

امیدوارم در سایه تعالیم عالییه اسلامی که بیش از هر عامل دیگری در تحکیم رشته های مودت و حسن همجواری بین ملل مسلمان موثر است جهان ما شاهد ارتقاء کلیه ملل و جوامع مسلمان بوده و بویژه در منطقه ای که ما و شما در آن زیست میکنیم ثبات و امنیت حکمفرما باشد و در پرتو این صلح و صفا موجبات همکاری های وسیع مشترک و بهره جویی از امکانات مادی و معنوی موجود از هر جهت فراهم گردد .

در خاتمه از فرصت استفاده کرده و برای آن حضرت و خاندان گرامی و مردم مسلمان قطر از خداوند متعال سعادت و سلامت روزافزون مسئلت مینمایم .

پس از پایان سخنان آقای نخست وزیر حضرت حاکم قطر بیاناتی باین شرح ایراد کردند :

برادر ارجمندم جناب آقای امیرعباس هویدا از عواطف و احساسات بزرگوارانه ای که طی بیانات خود اظهار فرمودید و از اینکه ترجمان احساسات برادرانه ملت دوست ما ایران نسبت به کشور و ملت من بوده اید صمیمانه سپاسگزاری می کنم و بدین مناسبت میخواهیم با آنجناب اطمینان دهیم که دولت قطر عین این احساسات را نسبت بایران کشور دوست خود دارد . مادر قطر با اصحاب فراوان شاهد نهضت بزرگی که برهبری خردمندان اعلیحضرت شاهنشاه آریامهر در ایران بوجود آمده است هستیم و این پیشرفتهای فوق العاده مورد ستایش ما است . از روابط دوستانه ای که خوشبختانه بین ما و شما موجود است خشنودیم و همواره بیاری خداوند متعال در راه تحکیم و توسعه روابط برادرانه دو کشور که مقرون بخیر و صلاح طرفین است کوشا خواهیم بود . روابط دوستانه موجود بین قطر و ایران برای روابط دول همجوار که باید براساس محبت و برادری و همکاری در راه خیر استوار باشد نمونه بسیار خوب و سرمشق ارزنده است . فرمودید تحدید حدود قلات قاره بین دو کشور دلیل حسن تفاهم و اعتماد متقابل و علاقمندی به تحکیم روابط ریشه دار بین دو کشور است . بدینمناسبت باید گفت که درآینده امکانات فراوان دیگری برای همکاری در راه منافع مشترک قطر و ایران وجود دارد که باید از آن استفاده شود .

حسن نیتی که براساس آن سیاست ایران در مورد همسایگان عرب و اسلامی پایه گزاری شده هیچگاه مورد شك و شبه مانده و گامهای که اخیراً در راه حل بعضی مشکلات منطقه ما برداشته شده روشن ترین دلیل اثبات این حقیقت است . ما با شما هم عقیده ایم که سرنوشت منطقه ما باید فقط بوسیله مردم این سامان و بدون مداخله خارجی تعیین شود .

برادری دولت عرب و ایران که توانست در سایه دین مبین اسلام تمدنی چنان درخشان بوجود آورد که اعجاب تاریخ بشریت را برانگیزد ، مادامیکه آیه شریفه «واذکرو نعمه الله علیکم اذ کنتم اعداء قالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمه اخوانا» (یعنی نعمت خدا را بخاطر آوردید که دلهای شما را بهم نزدیک کرد و در پرتو این نعمت باهم برادر شدید) باقی است ادامه خواهد داشت .

عالیجنابا بسیار خشنودم که این فرصت دست داد و موفق شدم از کشور زیبا و مهمان نواز شما بازدید کنم و وظیفه خود میدانم از اعلیحضرت همایون شاهنشاه و آنجناب بخاطر پذیرائی گرمی که از من بعمل آمد سپاسگزاری کنم . در پایان سلامت شاهنشاه آریامهر و سعادت آنجناب و توفیق روزافزون و رفاه ملت برادر ایران را در ظل توجهات و رهبری خردمندان اعلیحضرت همایونی از درگاه خداوند متعال مسئلت میکنم

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته  
بازدید از مرکز رفاه اجتماعی

● علیاحضرت شهبانو بدون اطلاع قبلی از مرکز رفاه اجتماعی دفتر مخصوص خود که برای رسیدگی به مراجعات و درخواستهای مردم تاسیس شده است دیدن کردند . در این قسمت که بنا به امر علیاحضرت اخیراً تشکیل شده عده ای از درخواست کنندگان که برای دادن عرضه های خود حضور داشتند متوجه تشریف فرمائی

شهبانو شدند و توانستند عرایض خود را شخصاً بامعظم لها در میان بگذارند . شهبانو برای مدتی بیش از دوساعت در میان مردم بودند و به یکایک درخواست های آنان رسیدگی کردند . ضمن این بازدید آقای بهادری رئیس دفتر مخصوص شهبانو طی گزارشی اظهار داشت که مرکز رفاه اجتماعی با استفاده از روشهای جدید مدیریت در کوتاهترین مدت ممکن حداکثر کمک را بنامین درخواست های مراجعه کنندگان میکند . در این مرکز علاوه بر کارمندان دفتر مخصوص عده ای از دانشجویان دانشگاهها نیز بکار اشتغال دارند .

سپس قسمت های عرایض : مددکاری ، کمکهای مالی و درمانی و همچنین قسمت آموزشی مورد بازدید شهبانو قرار گرفت .

## ای کاش ماه خانه فروزانفر داشتیم



دردا که آفتاب خراسان به خون نشست  
چشم امید مردم ایران به خون نشست  
نیکان می میرند ؛ همانگونه که آفتاب . هر شامگاه . ولی آن روز آن روز شوم و فاجعه ، نیروز ، کشنده آفتاب آمد . این روزگار تباه نیکان را بر نمی تابد . و دلکان همواره زنده اند . چه رازی است آن که باید بمیرد به سوک می نشیند و ابله وار گمان می دارد که میدانش گشاده تر شد . بی تردید مرگ جلال الدین تکرار شد . کار زمانه تکرار است ، اما تا کی ؟ آیا باز هم غافل وار امید بندیم که فروزانفر تکرار خواهد شد ؟ پس چرا نامش بدیع الزمان بود . چه ابلهانه است این پندار . او را بردیم و بخاکش سپردیم . آنچنان که دیگران را . و چه شتابگر بودند گورکنان و مرده خواران زود باز گشتند . مشتی خاک و چند شاخه گل بجا ماند و دنیایی زیر خاک .

خود می گفت : «مردگان از زنده ها می برند و نباید حرفشان را زد» و گاهی نیز می گفت : «مردم دیگر نفعی از زندگان نمی برند ولی نفع زنده ها ادامه می یابد» .

او زنده است ، او هنوز در کلاس نشسته و اصرار که «صندلیم رو به خراسان باشد» چرا خراسان ؟ برای شرمگینی آفتاب یا ارادت به مردی بزرگ ، او هم در خاک خفته ، نمی دانیم ولی میدانیم که هرزاد روز هشتمین امام به مشهد می رفت و می گویند چهارشنبه شانزدهم اردیبهشت ماه مرگ روز امام نیز بود .

التماس کردیم که جلد چهارم شرح مثنوی را آغاز کند ولی درد چشم و دیباچه آب مروارید مگر می گذاشت . بیشتر از روزی دو ساعت بخواند . گفتیم تقریر کن ما می نویسیم گفت باید با مولا خلوت کنم . و تنها سه هزار و دوازده بیت شرح شد . می گفت : «مولانا قرآن را بهتر از هر کسی فهمید» و ما چرا نگوئیم استاد ، مثنوی را بیشتر از هر کس شناخت . آخر چهل سال با او راز و نیاز داشت . و چمنان بگوئیم با آن ذهن و قواد و جهان بینی وحشت انگیز و چهل سال معاشقه ، رازی نامکشوف در آن باقی گذاشت . ولی خود می گفت هر بار مثنوی را تکرار می کنم چیز های تازه در می یابم . شاید تواضع بود و یا برای اینکه شاگردانش با آن مغز های فلج معرفت گونه ای به حال او و

بازدید عمرسقا ف از ایران

● آقای عمرسقا ف وزیر مشاور در امور خارجی عربستان سعودی برای دیداری از ایران وارد تهران شد آقای سقا ف در برابر جمع خبرنگاران خبرگزاری پارس و نمایندگان مطبوعات داخلی و خبرگزاریهای خارجی روش ایران را در مورد حل مسئله بحرین یک روش آرام و صلح آمیز و منطقی نامید و اظهار داشت که سیاست خردمندانه شاهنشاه ایران همواره مورد ستایش ما بوده است زیرا شاهنشاه کشور خویش را بسوی آینده ای رهبری میکنند که نه تنها برای ایران بلکه برای تمام منطقه خاورمیانه روشن و امید بخش است .

حال مثنوی بیابند .

همه می گویند حیف شد ولی نمی گویند چرا و چه خوب که نمی گویند .

می گفت علم هر کسی برایشا مقدمات ذهنی خود اوست . پس چه بهتر که کسی نگوید چرا . وقتی حلقه اش می کردیم جرأت حرف زدن نداشتیم و مجال سؤال نیز . می گفت در بحث من اگر دقت کنید جای سؤال برایتان نمی ماند . گستاخ ها گاهی می پرسیدند و گاهی نیز سخنی در ستایش استاد . روزی سخن از نشر به میان آمد خود برای جواب تلفن رفته بود با شتاب حرفهایی زدیم و وقتی برگشت یکی گفت نثر استاد مثبت کاری است . هیچ نگفت . ندانستیم بدش آمد یا خوشحال شد .

می گویند زود خاموش شد . این خودخواهان و دلکان همانگونه که در کلاس ، وقتی خسته می شد و اجازه مرخصی می خواست برداشتن می آویختند که «سیراب نشدید باز هم بیشتر» . آخر او خسته می شد . چرا اینقدر خودخواهیم .

دو ماه پیش فرانک عروس شد ، دختر عزیزش را می گویم و دور از وطن . مرگ پدر را ندید ولی نوشین تا دم مرگ بالاسرش بود . و آخرین ضریان قلب پدر را در میان انگشتانش لمس کرد و آخرین کلام را از لبان استاد شنید . «نوشین چرا ناراحتی ؟ من که طوریم نیست .» راحت شد . دیگر چشمش به روی این مردم نمی افتد این مردم بد .

ساعت ۱۰ صبح احساس ناراحتی کرد . نوه هایش را نوشین گرامیش در ماشین نشاند و از راننده اش خواست گردشی در شهر بکنند . شاید حالش بهتر شود . بدتر شد . دستش درد گرفت و حالت تهوع . نوشین مضطرب شد او پزشک است . ولی استاد عتابش کرد «چرا اینقدر برای من می ترسی ؟» اما دخترش حق داشت . به منزل برویم و بعد پزشک و آمبولانس .

در بیمارستان حالش بهتر شد . نبض و فشار خون عادی است . از خانم خواست به منزل برگردد . و این شیرزن و عزیزترین انیس استاد به خانه برگشت .

فقط نوشین در اطاق ماند با یک پزشک و یک پرستار .

نبض استاد دوباره کند شد . دخترش از اطاق بیرون آمد و یک دقیقه بعد : «متاسفم» . چه مرگ خوبی ، برای خودش . هفتاد سال داشت .

و حالا دیگر دست ما چیزی نیست جز کتابهایش ، سه جلد شرح مثنوی ، ترجمه حی یقظان آیات و احادیث مثنوی ، ترجمه رساله قشیریه و ... حالا دل به چه چیز خوش داریم ؟ دیگران چه کرده اند ؟

خانه شکسپر ، خانه گوته . خانه ...

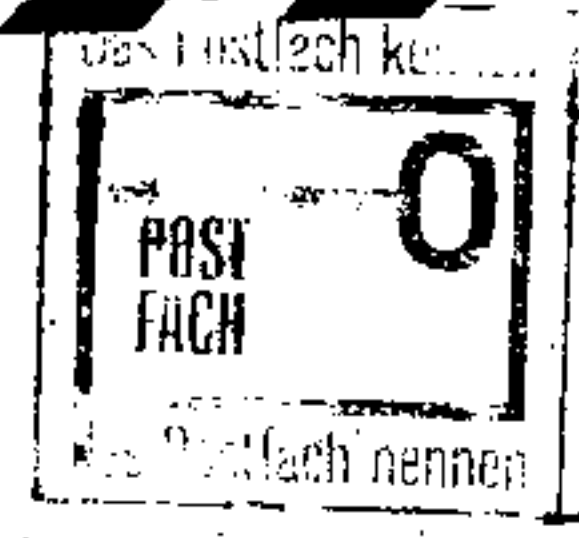
ای کاش ما هم خانه فروزانفر داشتیم .

از محمد حسین مصطفوی



وزارت دارائی  
اداره کل مرک

AN



ایران = ایران

IRAN

تهران مخیابان شاه کوچه جم شماره ۲۷

خیابان شاه کوچه جم شماره ۲۷ دفتر تلا  
نشریه تلاش عطف بنامه شماره ۳۵۳ مورخ ۱۳۵۱/۲/۱  
ذیلا مقررات بند ۱۷ از ماده ۲۰ قانون تعرفه کمر

نقل میشود

۲۷۱۱

## پیک تلاش

● برای فرودگاه جدید تهران فورم های  
اصیل و غنی ایرانی را در خاطرها  
داشته باشند .

بنده یکی از طرفداران قدیمی  
تلاش هستم و از خواندن مجله شما لذت  
می برم در شماره ۱۸ مورخ مهر ۱۳۴۸ مقاله ای در  
باره آقای مهندس ابراهیمی و نظریات ایشان در  
خصوص طراحی سبک اصیل ایرانی چاپ شده بود  
که تقاضا دارم تبریکات صمیمانه مرا باین آقا  
بخاطر نظریاتشان تقدیم کنید. در ثانی می خواستم  
خاطر نشان شوم که حالا که ایران عزیز ما روز  
بروز بیشتر پیشرفت کرده و در نتیجه بیشتر  
بنظر جهانیان می آید. موقع آن است که ایران را هرچه  
بیشتر بصورت «ایرانی» دنیا عرضه کنیم.  
در هر صورت در یک روزنامه تهران ذکر شده  
بود که امکان بسیار ساختن یک فرودگاه جدید و  
باعظمت برای تهران به پیش آمده است. این جانب  
می خواستم پیشنهاد کنم (یا خواهش کنم) در مورد  
طراحی ساختمان این فرودگاه مسئولین امر فورم  
های اصیل و واقعا زیبا و غنی ایرانی را در خاطر  
داشته باشند. چون اگر این ساختمان سبک غربی  
ساخته شود، هرچه مجلل و باعظمت، یک مسافر  
ایرانی و یا یک جهانگرد خارجی بالاخره نظیر این  
ساختمان را در یک شهر و یا کشور خارجی دیده اند.  
در حالی که یک ساختمان کاملا ایرانی برای  
فرودگاه ها در تمام دنیا یکتا و بی همتا خواهد بود  
و فقط خدا می داند چه اثر عالی بر روی یک مسافر  
ترانزیت و یا یک جهانگردی که بدیدار مملکت ما  
آمده خواهد گذاشت.

کامبیز اقدامی از آمریکا

\*\*\*

از نامه آقای محمد حسین حصنی

● من این صدا را بخوبی می شنوم

پرچم

در اهتزاز باش ای دستمزد دلاوریهای  
اجداد من. خوش باش ای یادگار قهرمانان شیر  
افکن ... برقرار باش ای آیت شهادت و مردانگی.  
تو نشان استقلال و نشانه منی. تو علامت آزادی  
و قدرت کشور ایرانی. در هر جا با اهتزاز در آئی  
قبله افتخار منی و بهر جا افراشته شوی کعبه آرمانی.  
ای سرخ گشته از خون شهیدان راه آزادی، ای  
سبز گشته از ایمان و یکتا پرستی وای سفید گشته

صفحه ششم و چهارم

از صفای دل ایرانی تو نشان شهادتی. تو مظهر و  
علامت صلح و صفائی ... ای پرچم زیبا من ترا  
دوست دارم زیرا معنی استقلال و مفهوم آزادی در  
حرکات خوشایند تو خود دیده می شود و هر دم  
باصدای بلند و خشم آلود فریاد میزنی (پای  
بیگانگان از کشور ما دور باد) ...  
من این صدا را بخوبی می شنوم.

● کمبودهایی در تلاش به چشم می خورد

من اکنون نزدیک به دو سال است که پی در  
پی مجله نفیس تلاش را دریافت کرده، می خوانم.  
بی باکانه باید بگویم که این مجله از لحاظ گوناگون  
بودن متن هایش و همچنین مختلف بودن رپرتاژها  
در شماره های مختلف که همواره با عکسهای جالب  
و زیبا مزین شده است، مجله ایست بسیار کم نظیر  
و زیبا، البته این مقایسه فقط درباره دیگر مجلات  
ایران با «تلاش» صدق می کند.

فراغوش نشود که گاه و بیگاه کمبودهایی در  
تلاش به چشم می خورد یا اینکه در پیرامون برخی  
از مقالات بیش از حد سخن رانده می شود.  
به عقیده من بد نمی بود اگر رپرتاژهای زیاد  
تری همراه با عکسهای رنگین درباره طبیعت ایران  
بچاپ می رسید. یا مثلا عکسهای هوایی از بعضی  
مناطق کوهستانی و جنگلی بعنوان مثال متنوع  
بودن طبیعت قسمت های شمال ایران یا قسمت های  
شرق و جنوب، فرق بین فرم های ساختمانی و شکل  
دهات و نمونه های مختلف لباس های روستائی.

از نامه آقای علیرضا معتمدی از آلمان باختری

\*\*\*

● جنبه های هنری را بیشتر ترجیح دهید

از نامه آقای جعفر قدسی زاد از تهران  
معتمدی اگر نقدی نوشته می شود (که یکطرفه  
و یا برله و علیه نباشد) یا یک ارزیابی دقیق و نیز اگر  
جوابی بر آن نوشته آید چاپ گردد.

هم چنین اعتقاد دارم برای استفاده بیشتر تلاش  
جنبه های هنری را بیشتر به جنبه های دیگر ترجیح  
دهید از نظر پخش، تسهیلاتی فراهم شود که در  
همه مراکز پخش موجود باشد.

در پرسشنامه جای کافی برای درج جواب  
موجود باشد.

در چاپ مقالات برعکس مجلات هفتگی و  
غیره به مقاله دوست یا آشنا یا معرفی شده یا اقوام  
کمتر توجه می شود

داورانی یا هیئت نویسندگان تلاش کمال

عدالت و بیطرفی را در قبول یا رد آثار فرستاده  
شده بکار برند. با همه نکات مزبور من تلاش را  
بهنتر از هر مجله یا نشریه هفتگی یا ماهانه تشخیص  
دادم و غیر از کتاب و سایر نشریات بسیار کم (ماهی  
سالی) این تلاش است که مرا تاحدی زیاد اشباع  
می سازد امیدوارم تلاش واپس نرود همین که  
هست نماند و فراخنای مسیر بهتر شدن را به پیماید.

\*\*\*

● چند صفحه را به معرفی شاعران و

نویسنده ها و با آثارشان اختصاص دهید

از نامه آقای پرویز قدیمی سپاهی دانش  
شهرستان نظرب  
مجله تلاش

مدت مدیدی است تلاش را می خوانم و از  
مطالب و طرز نگارش آن لذت می برم

نظر من در مورد بهبود این نشریه اینست  
اگر چند صفحه آنرا به شناسایی یک شاعر یا نویسنده  
ایرانی و خارجی با معرفی یک اثر کوتاهش در مجله  
اختصاص دهید علاقمند فراوان دارد و این باعث  
خستگی خواننده نمی گردد و تلاش مطالب ادبی اعم  
از تشریفات خیلی کم دارد همچنین مطالب سینمایی.

\*\*\*

تلاش عزیز

سلام گرم و صمیمانه مرا از فرسنگها راه دور  
بپذیر برایت دنیائی موفقیّت و کامیابی آرزو می  
کنم، دلم می خواهد تعریف کنم اما از تعریف بدم  
می آید.

راستی وقتی ترا می خوانم از  
اینکه در وطنم چنین نشریه نفیس و باارزشی منتشر  
می شود احساس غرور می کنم

از نامه آقای حسن فضل اله پور دانشجوی  
دانشکده ادبیات رشته روانشناسی

\*\*\*

مجله محترم تلاش

سلام گرم مرا بپذیرید، اینجانب مسعود غیائی  
دانشجوی رشته پلی تکنیک ارگون در رشته مهندسی  
دیزل محترما بعرض برساند خیلی خیلی از خواندن  
این مجله لذت می برم.

مدت شش سال در جنوب کالیفرنیا زندگی  
کردم دوستان دانشجوی ایرانی زیادی داشتم سال  
گذشته فارغ التحصیل شدم. بخاطر گرفتن تخصص  
که در رشته دیزل به ایالت اورگون آمدم متأسفانه  
هیچ ایرانی دیگر در این دانشگاه تحصیل نمی کند  
تنها دوست من مجله تلاش است که واقعا از خواندن  
آن لذت می برم. خبرهای روز مخصوصا خبرهای  
ورزشی و فنی.

(( لوازم خانه واثاثی مستعمل ایرانیان مقیم خارجه و ماورین دولت مقیم خارجه -  
و همچنین لوازم خانه واثاثیه مستعمل اتباع خارجه که برای قامت در ایران وارد -  
میشوند اعم از آنکه قبل و یا منتها ثانه ماه بعد از تاریخ ورود مسافر وارد شود بشرطی که  
با وضع اجتماعی آن متناسب باشد از حقوق و عوارض گمرکی با استثنای حق انبارداری و  
باربری معاف خواهد بود ))

تبصره . بخشودگی فوق شامل پیهانو - ارگ - اکوردئون - هارمونیم - رادیو گراما فون

دستگاه ضبط صوت و وسائط نقلیه نمیشود این قبیل اشیاء در صورتیکه مستعمل باشد ۲۷ (قر خرم تلاش) تاریخ  
متناسب فرسودگی آن تخفیف در حقوق گمرکی انبساط داده میشود . ط  
از طرف سرپرستکل گمرک . خلیلی

۸۶۸۷/۲۷  
۱۳۳۲ برای اطلاع

### ● کم بودن شعر

#### انتشارات تلاش

احتراما بعرض عالی می‌رساند اینجانب محمد حسن طالب‌پور سپاهی دانش دوره سیزده مامور خدمت در روستای بیزخ بخش شسته شهرستان سبزوار اولاً بکلیه کارکنان و کارمندان این کانون سلام عرض می‌کنم و موفقیت همگان را از پروردگار منان مسئلت دارم در ضمن با مطالعه چندین شماره از مجله چنین نتیجه گیری کردم که تلاش با دارا بودن ضمیمه‌های مختلف بچوانان کشور ما خدمت شایانی کرده و جای هیچگونه انتقادی نگذاشته مگر کم بودن شعر که آنهم امیدوارم در هر مجله از شاعران نامی اشعاری بچاپ رسانند .

#### خرم آباد بخش زاغه سپاهی بهداشت

#### تلاش پیرارج ، سلام

سلامی گرم و صمیمانه تقدیم حضور شما تلاش - کاران و درودی صادقانه حضور گردانندگان ، من احمدهادی پور سپاهی بهداشت بخش زاغه هستم و از طریق مجله با تلاش پیگیر شما آشنا هستیم در مورد همه پسندی تلاش شکی نه ، و مبتکرانه بودن آن ظنی باقی نبوده و تلاش واقعا در يك سطح عالی واقع شده که سرمشق آن هر شماره بهتر از شماره پیش بودن است . باور بفرائید اینها مبالغه نیست و مقدمه چینی نبوده شاید اذعان حقایقی است که تاکنون کارکنان گرانقدر آن به این مطالب پی نبرده‌اند .

ممنون و متشکر : احمدهادی پور

\*\*\*

#### از نامه آقای صالح عطارزاده

#### هیئت تحریریه محترم تلاش

تنهایی بود و اندوه که (تلاش) را با ضمیمه‌های جالبش بدستم دادند . شب تا دیرگاه به مطالعه مشغول بودم . الحق والانصاف که شایسته است این تلاش با داستانهای خوب و مطالب قابل توجه . از ضمیمه‌ها ، بیش از همه ، (کتابها) ، (بریده چاپ شده‌ها) و (هنری) را پسندیدم . روستا است و فاصله‌های طویل تا شهر و در نتیجه بی‌خبری از هرچه در جهان می‌گذرد . این است که تلاش را صمیمانه دوست باید داشت و قلباً ستایش کرد . (ترانه‌هایی از کویر) را ارمغان می‌دارم با این امید که قابل چاپ بوده باشد . دوستدار توفیق شما

صفحه شاد و خرم

و همه آن مجله از راه دور برسایند . بخصوص که تا مدت کوتاهی دیگر که تحصیلاتم در رادیو و تلویزیون پایان (تقریباً و یا رسماً) می‌رسد به ایران عزیز برمی‌گردم علاقمندم بیشتر از کشورمان با خبر باشم .

\*\*\*

#### از نامه آقای عبدالرضا روانپور دانشجوی زمین شناسی از آلمان مجله محترم تلاش

ضمن سپاسگزاری فراوان بخاطر ارسال تلاش برای بنده ، برایتان در سال نو موفقیت و شادکامی بیشتری آرزو می‌کنم . برای من جای خوشبختی است که موفقیت اینرا دارم تا بتوانم جالب‌ترین و آموزنده‌ترین نشریه وطن خودم را در اینجا ملاحظه نمایم . باید اقرار کنم که از مدتی که تلاش را دریافت میدارم معلومات و سوادم درباره ایران زمین چندین برابر شده زیرا که جمع‌آوری و خواندن چنین مطالبی از عهده هر کسی بخصوص کسانی که در خارج از ایران هستند بسیار دشوار است .

\*\*\*

#### ● به اشتباه کوچکی که در مقاله شماره ۱۹ تلاش اشاره می‌کنم ...

#### مهندس آرمن حقنظریان از آلمان

هیئت مدیره مجله تلاش مقاله جالبی را که آقای واهرامیان در شماره نوزدهم تلاش در باره صومعه تادئو (تادوس) نوشته است خوانده و از اینکه خوانندگان بدینوسیله با یکی از ائینه تاریخی در ایران که ارزش جهانی دارد آشنا می‌شوند بسیار خوشحال شدم . ولی من می‌خواهم به اشتباه کوچکی که در این مقاله وجود دارد اشاره بکنم . عکس شماره یک (صفحه ۳۹) مربوط بصومعه تادوس نیست بلکه این عکس در ورودی صومعه استیانوس ناخاوکا را نشان می‌دهد . که در آذربایجان شمالی در ۳۰ کیلومتری غرب جلفا و در ۳ کیلومتری جنوب ارس قرار گرفته دارای اهمیت تاریخی و باستانی فراوانی است . امروز که تکلیک عکسبرداری چنان پیشرفت کرده است شرح نمای هر بنای تاریخی چه برای متخصص و چه برای خوانندگان

کننده خواهد بود . بعقیده من بهتر است بجای شرح مفصل بنا مقداری از مقاله برای بررسی و درک سازندگان آن و نیز ارزش واقعی این بنا از نظر سیاسی و اقتصادی مثل آن در تاریخ ایران اختصاص داده شود .

\*\*\*

#### نامه آقای مسعود غیائی از امریکا

\*\*\*

#### ● تلاش باید بیشتر تلاش کند

#### سردبیر ارجمند

درود فراوان بکلیه کارمندان تقدیم میدارم توفیق روز افزون کارمندان و تلاش عزیزم را از خداوند بزرگ خواستارم . جناب آقای سردبیر هر برگه از اوراق زرین این مجله را ورق می‌زنم مهارت شما را از هر لحاظ حس می‌کنم باز دلم می‌خواهد بیشتر از این تلاش ، تلاش کند . با اینکه مطالب تلاش بسیار زیاد و سنگین است . از نامه آقای آصف سلطانی سپاهی دانش

\*\*\*

#### تلاش محبوب

برای من باعث بسی افتخار است که ابتکارات و ایده‌های جالب شما در راه بشر رساندن هدف های جدیدی در مورد مقالات و عکس ها ، تصاویر و فرم جدید نشریه‌ای تازه در ایران تبریک عرض نمایم و در آغاز سال نو بهاری شکوفان همانند شکوفه های سپید برای شما آرزو کنم - شاید برای من اولین مرتبه باشد که در اداره ترویج کشاورزی بخش بستک تلاش هائی که بایگانی شده عمیقاً مطالعه و از مقالات آن محظوظ گشته‌ام و مرا بر آن داشت که بنام يك ایرانی ، يك خواننده از زحمات شما قدردانی و ایده های جدید را به «تلاش» گرامی عزیز تبریک عرض نمایم . از نامه آقای اصغر دهقانی مروج سپاهی

اداره ترویج کشاورزی بستک

\*\*\*

#### محمد اسماعیل منتظری از گرگان

#### تلاش عزیزم

اکنون که بیست و یکمین شماره تو در دست من است احساس شعفی وصف ناشدنی بمن دست داده است .

پیشرفت های سال گذشته واقعا چشم گیر بود . ضمائم پیوست هر شماره هریک خود منبعی عظیم از مطالب علمی اجتماعی و خانوادگی بود در اینجا لازم می‌دانم صمیمانه‌ترین تشکرات قلبی خود را تقدیم نموده و موفقیت هرچه بیشتر تو را در جامعه مطبوعات از خداوند متعال خواستارم

#### ● از مطالب خراسان لذتی بردم

از نامه آقای غلامحسین عطائی دانشجوی امریکا مجله محترم تلاش از آخرین شماره تلاش که مطالبی از خراسان داشت بخصوص لذتی بردم درود فراوان بنده را بتمام نویسندگان ، عکاسان و رهبران خلاصه همه

## جامعه باید دارای مغزهای متفکر باشد و این فقط موقعی امکان خواهد داشت که هم استاد درست درس بدهد و هم شاگرد درست درس بخواند

کاری که برای ۴ ساله برنامه چهارم در نظر گرفته شده بود طی دو ساله گذشته انجام شده

فرا رسیدن نوروز باستانی را به ملت ایران تبریک میگویم و سعادت و تندرستی و رفاه و آسایش روزافزون همگی را از درگاه خداوند مسئلت دارم. آرزو مندم سال نو برای مردم ایران سالی از هر جهت پر برکت و توانم با توفیق و پیشرفت فراوان باشد.

سالی که گذشت برای ملت ما سالی ثمربخش و موفقیت آمیز بود. طی این سال ما توانستیم رشد اقتصادی ۹۰ درصد به قیمت ثابت داشته باشیم که این رقم بالاتر از آن اندازه‌ای است که قبلاً در برنامه پنج ساله چهارم پیش‌بینی کرده بودیم. رشد تولید ناخالص ملی ما در همین سال جاری در حدود ۱۳ درصد بود. منتها بر اثر عواملی که از حدود تسلط ما خارج بود بخصوص به علت بالا رفتن قیمت‌های بین‌المللی بنسبتی فوق‌العاده، منجمد ترقی قیمت فولاد و آهن و سایر کالاهایی که میبایست از خارج وارد شود، قیمت‌ها نسبت به سالهای پیش به نسبت بیشتری بالا رفت و ترقی آن به حدود ۳۵ درصد رسید.

باید توجه داشت که در همین مدت نرخ بهره در دنیا گماکان در سطحی بالا بود که در قیمت‌های داخلی ما طبعاً بی‌تاثیر نبوده است. و این حاکی از عدم سلامتی وضع اقتصاد بین‌المللی است که امیدواریم هرچه زودتر سر و صورتی پیدا کند.

در سال گذشته آهنگ پیشرفتهای ما در شئون مختلف بنحو رضایت‌بخشی ادامه یافت، ۲۱۵ دبستان و ۳۹ دبیرستان تازه تأسیس شد و بر تعداد دانش آموزان ابتدایی ۲۸۰ هزار نفر و بر عده دانش‌آموزان دبیرستانها ۸۷ هزار نفر اضافه گردید. ضمناً در کلاسهای پیکار بسا بیسواد ۳۵۰۰۰ نفر در دوره اول و ۱۵۰۰۰ نفر در دوره دوم بیش از سال ۱۳۴۷ مشغول تحصیل شدند. در این سال ۱۵۰۰ تخت جدید بر تختخوابهای بیمارستانهای کشور افزوده شد و انواع واکسیناسیون بمقیاس وسیع و بیسابقه‌ای در سراسر مملکت عملی گردید. مسئله بهداشت و تنظیم خانواده که امروزه از نظر اجتماعی و اقتصاد خانواده از مهمترین مسائل اجتماعی محسوب میشود در این سال مورد توجه خاص قرار گرفت و ۱۲۰۰ مرکز جهت تأمین این منظور و انجام خدمات مجانی در این زمینه تجهیز گردید. آمار مراجعان باین مراکز در سطح کشور حاکی از آن است که کاری که برای پنج ساله برنامه چهارم در نظر گرفته شده بود طی دو ساله گذشته انجام گرفته است. تصمیم گرفته شده است که در سالهای آینده برنامه بهداشت و تنظیم خانواده تمام خانواده‌های ایرانی را اعم از شهری و روستائی شامل گردد.

در همین سال گذشته ۲۸۹ خانه تازه انصاف و ۴۹ شورای داوری جدید در سراسر کشور تشکیل شد ۱۰۷ شرکت تعاونی تازه روستائی با عضویت ۱۵۰۰۰۰ خانوار زارع و ۵ شرکت سهامی زراعی جدید با ۱۴۰۰ نفر زارع سهامدار بوجود آمد و ۱۱۰ خانه فرهنگ روستائی بر خانه‌های قبلی اضافه شد. در منطقه عمل ۱۲ شرکت سهامی زراعی روستائیان مشمول مقررات بیمه شدند و برای تأمین اعتبارات مورد نیاز شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی روستائی بانک تعاون کشاورزی تأسیس گردید. البته در امور شرکت‌های تعاونی هنوز نواقصی وجود دارد که طبعاً تا مدتی گماکان وجود خواهد داشت و فقط وقتی این نواقص بکلی برطرف میتواند بشود که مردم بیش از پیش روح تعاونی پیدا کنند و کادر لازم نیز تربیت شود.

در همین سال ۵۴۰ کارگاه جدید با قریب ۲۲۰۰۰ کارگر بوجود خواهد آمد که همه آنها مشمول قانون-سهیم کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی هستند و با تجدید نظر هایی که در پیمان نامه‌ها با اجرای قانون تکمیلی سهیم شدن کارگران در منافع بعمل آمد منافع کارگران از ۲۰ تا ۱۲۰ درصد نسبت به سالهای قبل افزایش یافت.

علاوه بر سرمایه‌گذاریهای مربوط به صنایع موجود در سال گذشته ۹۰ کارخانه جدید با سرمایه ۱۳ میلیارد و نیم ریال شروع بکار کرد که از مهمترین آنها میباید از دو واحد بزرگ پتروشیمی در آبادان و خارک و کارخانه های نورد آهن و الیاف نایلون وقتند و سیمان و ترانسفور

ماتورسازی نام برد.

در همین مدت صنعت برق بعنوان اهرم توسعه در اجرای برنامه های صنعتی و اجتماعی کشور توسعه فراوان یافت. بطوریکه تنها در بخش دولتی از یک رشد ۳۵ درصد برخوردار شد و در نتیجه تولید کل به ۵ میلیارد و نیم کیلووات ساعت رسید و مصرف سرانه سالانه از ۲۰۰ کیلووات ساعت تجاوز کرد. در زمینه توسعه منابع آب کارهایی که در برنامه سوم آغاز شده بود تدریجاً به مرحله تکمیل و بهره‌برداری رسید. بطوریکه در سال جاری پنج سد مخزنی جدید با کل حجم مخزن ۳۸۰۰ میلیون متر مکعب متجاوز از ۵ میلیارد متر مکعب آبهای سرکش را مهار کرده و در دسترس اقتصاد ایران قرار میدهد و بدین ترتیب تعداد سد های مخزنی ایران به ۱۱ و حجم مخازن آنها به بیش از ۹ میلیارد متر مکعب با قدرت مهار کردن ۱۵ میلیارد متر مکعب آن می‌رسد. در زمینه کشت و صنعت کار ایجاد واحد های بزرگ کشاورزی و صنعتی با سرمایه‌گذاری خصوصی داخلی و خارجی و سرمایه‌گذاری دولتی بخوبی پیش میرود و امیدواریم تا خاتمه برنامه چهارم تولید قابل ملاحظه این واحد ها در بازار ایران در اختیار عموم قرار گیرد.

در این سال اقدامات مهمی در زمینه عدم تمرکز امور در مرکز و واگذاری اختیارات و مسئولیتها بمنطقه استانها برای پیشرفت سریعتر امور در هر منطقه مطابق با احتیاجات همان منطقه و واگذاری کار مردم به مردم صورت گرفت و نیز در امر انتخاب انجمنهای شهر ها و انتخاب شهرداران با آراء انجمنهای شهر و تشکیل کلاسهای تعلیم و تربیت برای شهرداران و روسای انجمنها قدمهای موثری برداشته شد. امیدواریم هرچه زودتر کار ایجاد انجمنهای ایالتی و ولایتی نیز پس از تصویب قانون مربوط تحقق یابد.

امر انقلاب آموزشی که از نظر آینده جامعه ما حائز اهمیت حیاتی است تا حد زیادی پیشرفت کرده و میتوان گفت که تمام مواد منشور راسر پیاده شده است. ولی موفقیت نهایی در این زمینه مستلزم توجه کامل همه افراد ایرانی به مسئولیت خطیری است که در این زمینه برعهده دارند. برای اینکه جامعه ایرانی در آینده با جوامع مترقی دنیا کاملاً یکسان و برابر باشد باید افراد ایرانی افرادی حقیقتاً پاسوآ باشند. ولی باید بگویم معنی سواد این نیست که در پایان یک مدت تحصیل خود بخود ورقه‌ای بدست هر کسی بدهند، بلکه باید جامعه دارای مغز های متفکر و طبقه دانشمند و متخصص برگزیده بشود. و این فقط موقعی امکان خواهد داشت که هم استاد درست درس بدهد و هم شاگرد درست درس بخواند و تمام هم خویش را صرف تحصیل و فرا گرفتن معلومات کند. هراقتصادی که راهی غیر از این در پیش گیرد، خواه ناخواه از لحاظ تکنولوژی عقب خواهد ماند و در دنیای مبارزه پیشرفت سرنوشت چنین جامعه‌ای بالمآل این خواهد بود که دوباره بدرون غارها برگردد.

در امر انقلاب اداری نیز قدمهای زیادی برداشته شده، هرچند که پیشرفتهای حاصله در حدی که انتظار داشته‌ایم نبوده است. البته باید متوجه بود که تحقق واقعی چنین انقلابی همانقدر که مربوط به روحیه کارمند پشت میز نشین است مربوط به روحیه مراجعه کننده نیز هست و جز با همکاری نزدیک آنان در رفع نقایص این تحول بصورت مطلوب خود عملی نخواهد شد.

در مورد بیمه های اجتماعی طرحهای وسیعی مورد اقدام قرار گرفته است که از آن جمله بیمه حمایت کارمندان در مقابل ازکارافتادگی و پیری و فوت و طرح تأمین خدمات درمانی برای کلیه کارمندان دولت و طرح تأمین آموزش فرزندان کارگران است که لایحه یکی از آنها در سال گذشته از طرف دولت تقدیم قوه مقننه شد و لوابیح مربوط به دوتای دیگر در سال جاری تقدیم خواهد شد. با این وجود تذکر این نکته را لازم میدانم که بیمه های گوناگون اجتماعی آنطور که میل من بوده پیشرفت نکرده و هنوز بیمه های عمومی همه گیر نشده است. شاید يك علت این امر این باشد که ماکاردان کافی در این رشته ها نداریم، ولی این مسلم است که بهر حال برای پیشرفت در این زمینه میباید خود مردم اهمیت موضوع را بیشتر و بهتر درک و از آن استقبال بکنند.

در سال گذشته متأسفانه وقوع سیل‌های بهاری در آذربایجان خسارات بسیاری ببار آورد. ولی از لحاظ

زراعی سالی که اکنون آغاز میشود بخواست خداوند تابحال بسیار خوب بوده است و امیدواریم در بهار حاضر نیز اوضاع جوی طوری مناسب باشد که وضع محصول ما در سال جاری از هر جهت درخشان باشد. البته در این مورد میباید هدف ما این باشد که وضع زراعت در ایران بکلی دگرگون شود و با آخرین اسلوب معمول در دنیا تطابق یابد. امیدواریم با تشکیل شرکت‌های تعاونی و بخصوص شرکت‌های سهامی زراعی بشود این کار را عملی کرد. زیرا زراعت مکانیزه باید روی اراضی وسیع عمل

شود از طرف دیگر کارخانه های ما باید پحداکتر ظرفیت برسند تا مورد حداکتر بهره برداری با حداقل قیمت تمام شده قرار گیرند و در نتیجه هم کارگر و هم کارفرما درآمد بیشتری داشته باشند و هم کالا بقیمت ارزان‌تری بدست مصرف کننده برسد. لازمه چنین امری از یکطرف کارشناسی کامل مدیریت و از طرف دیگر تبحر و تخصص هرچه بیشتر کارگران در امور فنی است.

در سال گذشته همانطور که در آغاز سال گفته بودم اضافه شدن تقریباً دو برابر مخارج لوله گاز و نیز گران شدن تقریباً ۴۰ درصد هزینه کارخانه پتروشیمی شاهیور ممکن بود اشکالاتی برای اقتصاد ملی ما فراهم کند، که با اعمال بعضی محدودیتهای وارداتی برطرف شد و ما توانستیم سال را از این حیث بخوبی پیاپیان برسانیم.

در این سال ما مخصوصاً در مورد قاچاقچیان مواد مخدیره شدت عمل پخرج دادیم زیرا برای ما قابل تحمل نبود که کسانی بخاطر سودجویی با حیثیت انسانی و با سرنوشت افراد جامعه ما بازی کنند. کاش سایر ممالک هم يك صدم همین مراقبت را در این مورد میکردند تا جوانان امروز دنیا دچار سرنوشت وحشتناکی که اکنون در برابر میلیونها نفر از آنها قرار دارد نمیشدند.

متأسفانه اوضاع دنیا بطور کلی هنوز سر و سامانی نگرفته است بدین معنی که یا از لحاظ سیاسی هنوز اشکالات متعددی وجود دارد و یا جوامع پیشرفته دنیا دچار اختلالات و بحرانیهای شده‌اند که گاهی باعث وحشت میشود و این سؤال را در پیش می‌آورد که بالاخره چه بمر این جوامع خواهد آمد؟ خوشبختانه من و شما مردم ایران در کشور خود شاهد چنین جریاناتی نیستیم و بخواست خداوند اجازه وقوع آنها نمیدهیم.

در سال گذشته بطوریکه میدانید ما به قرارداد استعماری ۱۹۳۷ در باره اروند رود پایان دادیم زیرا معتقدیم استعمار که از جهان رخت بر بسته است طبعاً نمیتواند از خودش میراثی بجای بگذارد. ولی ماهیثه حاضر بوده‌ایم و هستیم که اختلافات خود را با دیگران با وسایل مسالمت‌آمیز بر اصول قوانین متداول بین‌المللی حل و فصل کنیم.

از نظر نظامی، با توجه به وضع کنونی جهان ما بمنظور حفظ و حراست منافع حقه و مشروع ایران تا موقعی که خلع سلاح عمومی واقعا عملی نشده باشد و بالخصوص تا وقتی که ممکنست خطراتی برای منافع عالیه ایران در پیش باشد نمیتوانیم آنی از تقویت نیرو های مسلح ایران خودداری کنیم.

ممالکی که در راه تحولات اساسی قدم برداشته‌اند يك نسل و بلکه دو نسل از ملت‌های خود درخواست فداکاری کرده‌اند و از آنها خواسته‌اند که کمتر بخورند و کمتر بیوشند تا هرچه تولید میکنند در راه تقویت پنبه اقتصادی و دفاعی کشور بکار رود ولی ما بخواست خداوند بجای چنین محرومیت‌هایی رشد سالانه ۱۰ درصد برای شما تأمین کرده‌ایم و این واقعا معجزه‌ای است که در همان حال که عمیق‌ترین انقلابات اجتماعی در کشور ما در جریان است و محکمترین زیربنای سیاسی و اقتصادی و نظامی در این مملکت بنیان‌گذاری میشود زندگی عمومی اینطور ترقی پیدا کرده و رشد اقتصادی و درآمد عمومی تا بدین حد بالا رفته است. البته احتیاجی نبوده است که ما از ملت ایران در این مورد توقع قبول فداکاری و محرومیت کنیم، ولی مطمئن هستم که اگر چنین فداکاری لازم میبود مسلماً ملت ایران هم مثل هر ملت زنده دیگری حاضریدان بود.

اکنون که بار دیگر سالی نو در تاریخ کهن ایران فرا رسیده است و ساعتی دیگر نخستین فروغ خورشید نوروزی بر این مرز و بوم پرافتخار خواهد تابید من برای همه شما از درگاه خداوند متعال توفیق و شادکامی هرچه بیشتری مسئلت دارم.

پیام نوروزی شاهنشاه آریامهر



## کلیه داوطلبان ورود به دانشگاههای دولتی و مؤسسات آموزش عالی دولتی در يك كنكور سراسری شرکت خواهند کرد .

امتحانات امسال بصورت تست وبدون در نظر گرفتن نمره منفی انجام می شود

● وزیر علوم و آموزش عالی در يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی گفت که بنابه تصمیم شورای هماهنگی دانشگاهها كنكور سراسری از بیستم تیر ماه آغاز میشود و پس از سه روز پایان مییابد نتایج كنكور سراسری که با ماشینهای آی - بی - ام تصحیح میشود حداکثر تا پانزدهم مرداد ماه اعلام خواهد شد و برای رشتههایی نظیر نقاشی و موسیقی نیز يك امتحان اختصاصی در روز بیست و سوم تیرماه برگزار خواهد شد . مواد امتحانی كنكور براساس تعلیمات متوسطه در سه گروه ادبی، ریاضی و طبیعی صورت میگیرد و علت برگزاری كنكور در تیر ماه این است که پاره ای از دانشکده ها مایل اند کلاسها و دوره های آماده سازی برای دانشجویان تشکیل دهند.

وزیر علوم و آموزش عالی گفت مطالعاتی بوسیله موسسه آموزن شناسی در دست انجام است تا با کمک وزارت آموزش و پرورش دانش آموزان با استعداد از روی معدل امتحانات نهایی برای ورود به دانشگاهها انتخاب شوند و اصولا كنكور را از میان برداریم و امید است در سالهای آینده بتوانیم این طرح را اجرا کنیم.

آقای مجید رهنما در پایان مصاحبه خود گفت که چون کلاسهای دانشگاه پهلوی از اول مرداد ماه تشکیل میشود كنكور این دانشگاه جداگانه برگزار خواهد شد و موسسات غیر دولتی نیز باید زیر نظر وزارت علوم و موسسه آموزن شناسی كنكور خود را برگزار کنند.

## كنكور دانشگاهها

دفترچه راهنمای سابقه های ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی در سال تحصیلی ۱۳۴۹ - ۱۳۵۰ روز نهم اردیبهشت ۱۳۴۹ از طرف مرکز آموزن شناسی وزارت علوم و آموزش عالی انتشار یافت و اعلام شد که کارت ورودی كنكور سراسری از روز شانزدهم تیر ماه توزیع میشود .

دفترچه های راهنمای كنكور که بین تمام شعبه های بانك ملی ایران توزیع شده هنگام مراجعه داوطلبان بانك برایگان در اختیار آنان قرار خواهد گرفت .

نام نویسی برای شرکت در مسابقه های ورودی دانشگاهها از روز شانزدهم اردیبهشت ماه آغاز شد و تا روز شنبه شانزدهم خرداد ماه ادامه خواهد داشت .

حق ثبت نام در مسابقه های ورودی پانصد ریال است و نام نویسی از طریق پست انجام میشود . دانش آموزانی که در کلاس ششم متوسطه تحصیل میکنند میتوانند قبلا مدارك خود را برای شرکت در مسابقه ورودی بفرستند ولی لازمه شرکت در كنكور سراسری - قبولی در امتحانات نهایی دبیرستانها است شرکت کنندگان در كنكور سراسری میتوانند در رشته تحصیلی را

## مصاحبه ها

توجه فرهنگ و تمدن ایران

● والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی در برنامه تلویزیونی «فرهنگ و تمدن ایران» که از طرف دانشگاه نیویورک با همکاری بنگاه تلویزیونی «سی - بی - اس» ایالات متحده آمریکا ترتیب یافته بود شرکت کردند . والا حضرت در این برنامه ضمن بیان مطالب مشروحی در باره انقلاب سفید و فعالیتهای سپاه دانش و همکاری کمیته ملی پیکار جهانی با یسوا دی با یونسکو پیرامون اعطای حقوق سیاسی و اجتماعی بزنان ایران سخن گفتند .

این برنامه بتقاضای پروفیسور «چلکوسکی» استاد دانشگاه نیویورک و خانم «پاتریشیا مایرز» مسئول برنامه فرهنگ و تمدن ایران در تلویزیون مذکور اجرا شد .

ادغام محصولات صنعتی و معدنی با کیفیت بهتر و قیمت ارزان تر

● رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران امروز در يك مصاحبه مطبوعاتی و رادیویی بمناسبت ادغام اتاق های بازرگانی كنكور و اتاق صنایع و معادن ایران گفت: ما برنامه های خود را بر اساس حمایت از سیاستی قرار خواهیم داد که توده های تولید کننده توزیع کنند و مصرف کننده از هرگونه فعالیت اقتصادی به میزان معقول بهره مند شوند .

وی افزود: ما سعی خواهیم کرد محصولات صنعتی و معدنی ما با کیفیت بهتر و قیمت ارزانتری تمام شود میزان تولیدات ما بحد معقول افزایش یابد و هزینه های تولید تا سرحد امکان تنزل پیدا کند . اتاقهای بازرگانی و صنایع و معادن ایران بنا بر مقتضیات اقتصادی كنكور در هم ادغام شده و هدف دولت از انجام اینکار بذل توجه بیشتر به بخش خصوصی بوده است .

این اتاق با شبکه وسیعی که در سراسر كنكور خواهد داشت باید دارای اختیارات کافی نیز باشد تا عملامشاه اثر شود .

رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران دریایان افزود : اتاق جدیدالتاسیس برای انجام وظایف خود نزدیکی بیشتر و همکاری مسیمانه تری را با وزارت اقتصاد لازم میسرود و توجه این وزارت خانه را به تقویت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به یزانی برانب پیشتر از گذشته ضروری و غیر قابل اجتناب میدانند .

کارهای سپاهیان دانش و برنامه های آینده آن

● خانم دکتر فرخ رو - پارسای وزیر آموزش و پرورش در يك مصاحبه

مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی فعالیتها و اقدامات انجام شده سال ۱۳۴۸ سازمان سپاه دانش و برنامه های آینده این سازمان را تشریح کرد . وی گفت : پس از بررسی کار سپاهیان در سال جاری وی برین به احتیاجات آنان تصمیم گرفته شد از سال ۱۳۴۹ حد اقل سه تا چهار بار در ماه نحوه فعالیت آنان ارزشیابی شود و راهنمایان و هیئت های پیگیری و نظارت از محل کار آنان دیدن کنند و بویژه دقت خواهد شد تا تعیین شود که هر سپاهی علاوه بر خدمات دیگر چند تن را باسواد میکند . همچنین تصمیم گرفته شد که با فرستادن هیئتهای بازرسی به روستا ها مشکلات و نیازمندی های سپاهیان از هرجهت مورد بررسی قرار گیرد تا آنان مجبور نباشند بسیاری رفع مشکلات خود بشهر ها بیایند و در نتیجه محل کار را ترک کنند .

وزیر آموزش و پرورش در این مصاحبه اظهار داشت که در تابستان آینده اردوئی با شرکت چهار هزار و پانصد تن دختر سپاهی و هفتصد و پنجاه تن راهنمای تعلیماتی برای بررسی فعالیت آنان تشکیل میشود و برنامه های آینده نیز مشخص خواهد شد .

مصاحبه آقای زاهدی در باره كنفرانس جده «از طرف بعضی منابع تحریکاتی شده بود»

«در این كنفرانس اختلاف شدیدی بوجود نیامد»

● آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه که برای شرکت در كنفرانس وزیران امور خارجه كنكور های اسلامی به جده رفته بود به تهران بازگشت . وی هنگام ورود به تهران در گفتگوی کوتاهی با خبرنگاران داخلی و خارجی فاش ساخت که از طرف بعضی منابع تحریکاتی شده بود تا كنفرانس وزیران امور خارجه كنكور های اسلامی با شکست روبرو شود و جلوی گام مهمی که در راه تحکیم همبستگیهای اسلامی برداشته میشد گرفته شود . وی با توافقی که شرکت کنندگان در كنفرانس کردند و با هشیاری و روشن بینی و درك متقابل که بر كنفرانس حکمفرما بود همه چیز بخوبی و در جهت حفظ منافع اسلام برگزار شد و نتیجه كنفرانس بسیار موفقیت آمیز بود .

یکی از خبرنگاران از وزیر امور خارجه درخواست کرد تا هرگاه در كنفرانس اختلافاتی بین شرکت کنندگان بوجود آمده است بیان دارد . آقای زاهدی در پاسخ گفت اصولا وقتی ۲۲ یا ۲۳ کشور در كنفرانسی بگرد هم جمع میشوند و هر يك نظریات خاصی دارند و روی نظریات بحث میشود طبیعتا بطور منطقی برخورد هائی پیشتر

میآید اما در كنفرانس جده اختلاف شدیدی بوجود نیامد و مذاکرات بسیار موفقیت آمیز بود .

بعقیده من پیروزی این كنفرانس نه تنها برای دول اسلامی موفقیت بزرگی است بلکه برای صلح منطقه و حتی برای صلح بین المللی اهمیت بسیار دارد .

خبرنگار دیگری از وزیر امور خارجه در باره نظریات دولت شاهنشاهی که در كنفرانس جده مطرح شد پرسش کرد . آقای زاهدی در پاسخ اظهار داشت سیاست دولت شاهنشاهی يك سیاست ملی و مستقل و مبتنی بر منطق و آزادیخواهی و عدالت بین المللی است .

اعراب برادران ما هستند و ایران تاکنون در جمیع موارد از حقوق مشروع آنان دفاع کرده است . در پاسخ پرسش خبرنگار دیگری در باره سرنوشت خلیج فارس وزیر امور خارجه اظهار داشت که روش دولت شاهنشاهی در خلیج فارس کاملاً روشن است . ایران همیشه از يك سیاست صلح جویانه پیروی میکند و کوشش دارد با همه برادران و همسایگان خود در شرایط بسیار خوبی زندگی کند .

یکی از خبرنگاران علت عدم شرکت بعضی کشور های اسلامی را در كنفرانس جده سؤال کرد ؟

وزیر امور خارجه در پاسخ اظهار داشت که كنفرانس جده بهر حال گام مهمی بود که در راه صلح و تفاهم و تحکیم همبستگی بین کشور های مسلمان جهان برداشته شد و هر کشوری که باین مسائل علاقمند بود در آن شرکت کرد . آقای زاهدی دریایان اظهار داشت که كنفرانس آینده وزیران امور خارجه کشور های اسلامی در پاکستان تشکیل خواهد شد .

مصاحبه احمد السوسی «روابط ایدآل است، هر بار که به ایران می آیم چیزهای تازه بیشتری می بینیم»

● آقای «احمد السوسی» وزیر اطلاعات مغرب پس از بازدید از تلویزیون ملی ایران در يك مصاحبه تلویزیونی نیز شرکت کرد و به سؤالات نماینده تلویزیون ملی پاسخ داد .

آقای سوسی ضمن این مصاحبه در باره روابط دو کشور گفت :

باید بطور صریح بگویم که این روابط ایده آل است و مناسبات ماقبل از هر چیز نمره روابط حسنه ای است که میان شاهنشاه آریامهر و سلطان حسن دوم پادشاه مغرب در زمینه شرکت فعال در راه حفظ صلح در جهان وجود دارد .

روابط حسنه رهبران دو کشور در همه زمینه های فرهنگی ، اجتماعی و سیاسی ایران و مغرب اثر گذاشته

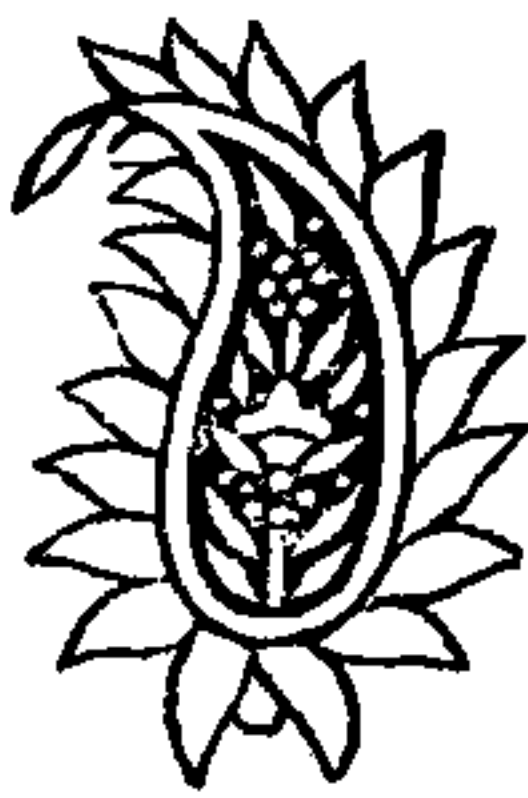
است ، در زمینه فرهنگی که سؤال کردند باید بگویم که ما مرحله حساسی را میگذرانیم رادیو و تلویزیون نقش حساسی را در قرن ما بعهده دارد و از وسایل موثر برای تحقیق بخشیدن به هدفهای عالی و کشور است مردم مغرب از طریق اطلاعاتی که سرویس های تلویزیون ایران در اختیار دستگاههای رادیو تلویزیون مغرب میگذارند از پیشرفت های درخشانی که تحت رهبری شاهنشاه آریامهر نصیب ایران شده است اطلاع پیدا میکنند .

در پاسخ سؤالی که در باره كنفرانس اسلامی رباط بعمل آمد وزیر اطلاعات مغرب گفت :

در باره این كنفرانس چیز های زیادی میتوان گفت میتوانم صادقانه بگویم که كنفرانس رباط با رهبری های خردمندانه شاهنشاه آریامهر و پادشاه عربستان سعودی و سلطان حسن دوم پادشاه مغرب گام های موثری بنفع سرنوشت آینده جهان اسلامی برداشت .

باید گفت که در واقع جهان مسلمان با تشکیل این كنفرانس گام موثری در راه آینده جهان اسلامی و پیشرفت مسلمین برداشت .

به همین دلیل بود که كنفرانس جنبه تاریخی بخود گرفت ، در باره این كنفرانس و نتایج آن سخنه ای زیاد گفته شد ، گروهی سعی در کم اهمیت جلوه دادن آن کردند ولی صریحا میتوانم بگویم همین مسئله که این كنفرانس توانست یکبار در تاریخ ، همه سران كنكور ها را گرد هم آورد يك نتیجه فوق العاده بود . بعلاوه سران كنكور ها در اجتماع خود علیه زور و اجحاف و تجاوز که مردم فلسطین قربانی آن شده اند تصمیمات مهمی گرفت . آقای سوسی گفت : این نخستین سفر من نیست ، ولی هر بار که به ایران می آیم چیز های تازه بیشتری می بینیم ، می بینیم که در همه زمینه ها پیشرفتهای زیادی حاصل شده است ، سال گذشته که بهمراد سلطان حسن دوم به ایران آمدم از رادیو و تلویزیون شما بازدید کردم و همچنین قسمتی از شهر تهران را نیز دیدم و احساس کردم تغییرات چشم گیری در همه زمینه ها در کشور شما بوجود آمده است .



## آب و برق

تربیت کمک تکنسین

● چهارمین دوره تربیت تکنسین برای وزارت آب و برق با شرکت ۱۱۸ کار آموز دیپلمه در مرکز شماره ۳ تعلیمات حرفه‌ای وزارت کار و امور اجتماعی افتتاح شد.

۸۰ نفر از این کار آموزان دوره الکتروتکنیک برای فشار قوی و ۳۸ نفر بقیه دوره الکترونیک برای تربیت اپراتور را طی خواهند نمود.

## آمار

تشکیل کلاس آموزشی

● در وزارت اطلاعات يك کلاس آمار و سنجش و کتابداری افتتاح شد و در آن عده‌ای از کارکنان اداره کل بررسی و سنجش و مرکز مدارک این وزارتخانه وی

و پنج نفر کارآموز از استان های مختلف کشور شرکت دارند.

در این کلاس که مدت چهار ماه زیر نظر عده‌ای از استادان دانشگاه، کارشناسان سازمان اموراداری و استخدامی کشور و مرکز آمار ایران دایر است روشهای جدید تنظیم آمار، نمونه گیری و احتمالات، آمارگیری، کتابداری و روش جمع‌آوری آمار و اطلاعات و مدارک، جامعه شناسی و روانشناسی اجتماعی تدریس خواهد شد. هدف از تشکیل این کلاس بالا بردن سطح معلومات و مهارت کارمندان می باشد.

## منابع طبیعی

واگذاری اراضی جنگلی

● وزارت منابع طبیعی اعلام کرد که در اجرای

## بهداشت و درمان

احداث بیمارستان روی

● وزارت بهداری اطلاع داد که ساختمان بیمارستان روی اداره کل بهداری اصفهان تکمیل و آماده بهره برداری شد.

چهار میلیون و ۱۴۱ هزار ریال هزینه اجرای این طرح از طرف سازمان برنامه تامین شده است.

گشایش يك بیمارستان مدرن

● يك بیمارستان و زایشگاه بنام «پاسارگاد» که به همت گروهی از پزشکان متخصص تحصیل کرده در کشور های آلمانی زبان تاسیس شده است در پیشگاه شاهنشاه آریامهرو شهبانو گشایش یافت. این بیمارستان دارای ۱۲۰ اطاق،

مقررات واگذاری اراضی جنگلی، جلگه‌ای شمال منطقه بین نثارود و رودسر برای کشت مرکبات، صنوبر، درختان میوه و سایر درختان بدون میوه که زود رشد می کنند و همچنین دامپروری و تولید علوفه، کشت برنج و پرورش ماهی در اختیار متقاضیان قرار داده خواهد شد.

داوطلبان بهره برداری باید طرح خود را که شامل هدف، نحوه اجرا و جنبه اقتصادی طرح باشد حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ انتشار اولین آگهی به وزارت منابع طبیعی اداره کل اراضی مستحدثه ساحلی و جنگلی ارسال دارند. وجوهی که بابت اجاره و فروش این زمین دریافت می شود بصرف رامسازی و بهره برداری از جنگلها و تاسیس کارخانه صنایع چوب خواهد رسید.

يك درمانگاه و ۱۴ بخش است و بوسیله ۲۰ پزشك متخصص رشته‌های مختلف پزشکی که هر کدام حداقل ۱۵ سال سابقه تحصیلات عالی در اروپا دارند، گردانده میشود.

کلاس آموزش حین خدمت بمنظور بالا بردن سطح دانش پزشکان مراکز بهداشتی در رشته‌های مربوط باصول بهداشت يك کلاس شش هفته‌ای با همکاری استادان دانشگاه و کارشناسان وزارت بهداری در دانشکده بهداشت دانشگاه تهران تشکیل شد. شرکت کنندگان با آخرین روشهای پیشگیری شیوع بیماریها، اصول صحیح مدیریت و بهداشت و برنامه ریزی آشنا شدند.



## توليدات

خرید شکر خام

● وزارت توليدات کشاورزی و مواد مصرفی قراردادی برای خرید ۲۰ هزار تن شکر خام پايك موسسه بازرگانی شوروی امضاء و مبادله کرد. نخستین قسمت این شکر خام بزودی از طریق راه آهن جلفا به کارخانه تصفیه شکر اهواز حمل می شود.

بموجب يك قرارداد جدا گانه ۴۵ هزار تن دیگر شکر خام از این موسسه تحویل گرفته میشود.

توسعه سيلو

● کار های ساختمانی سيلوی هشت هزار تنی سنج بامهمکاری کارشناسان شوروی پايان رسید و به سازمان غله کشور تحویل داده شد.

برای توسعه این سيلو طرحی در دست مطالعه است که با اجرای آن ظرفيت سيلوی سنج دو برابر خواهد شد. هزینه اجرای این طرح از محل اعتبارات عمرانی برنامه چهارم کشور تامین شده است. کارخانه تهیه غذا برای کودکان

● عملیات ساختمانی کارخانه تهیه خوراك كودك پايان یافت و کارخانه بزودی آماده بهره برداری خواهد شد.

ماشین های این کارخانه براساس قرارداد وزارت توليدات کشاورزی و سازمان ملل متحد بطور رایگان از طرف سازمان «یونیسف» در اختیار کارخانه شیر پاستوریزه تهران قرار میگیرد. این کارخانه که نزدیک کارخانه شیر پاستوریزه تهران قرار دارد در زمینی مساحت دو هزار متر مربع ساخته شده و با نظارت کارشناسان تغذیه سازمان ملل روزانه ۲۰ هزار قوطی خوراك كودك تهیه و عرضه خواهد کرد.

محصول این کارخانه محتوی موادی از قبیل آرد، غلات، شیر خشك، مواد معدنی و ویتامینهای لازم برای رشد کودکان است و در قوطی های ۲۵۰ گرمی برایگان در اختیار موسسات خیریه شیر خوارگاهها و شهرداریها گذاشته میشود.

سردخانه سه هزار تنی

● وزارت توليدات کشاورزی و مواد مصرفی قرارداد خرید و نصب ماشین های سردخانه سه هزار تنی

سمیدآباد شهریار را با يك موسسه بازرگانی ایتالیایی مبادله کرد.

این سردخانه در زمینی به مساحت دو هزار متر مربع و برای نگهداری گوشت و میوه ساخته میشود و هزینه آن از محل اعتبارات عمرانی برنامه چهارم کشور تامین شده است.

## اقتصاد و بازرگانی

نامه در سال جاری در مسکو صورت گیرد.

غرفه ایران در نمایشگاه اوزاکا

● وزارت اقتصاد اعلام کرد که قسمت اعظم کالاهای غرفه ایران در نمایشگاه اوزاکا بفروش رفته است. این کالا ها برای فروش در دوره شش ماهه نمایشگاه ارسال شده بود و باوجود این همه آنها در نتیجه استقبال خریداران ژاپنی طی پانزده روز اول نمایشگاه بفروش رسید.

مذاکرات بازرگانی با شوروی

● نخستین مرحله مذاکرات بازرگانی ایران و شوروی با انتشار اطلاعیه‌ای پايان یافت دو هیئت در این مذاکرات موافقت کردند که طرح موافقت نامه جدید بازرگانی و پرداخت بین ایران و شوروی برای سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ بوسیله کارشناسان دو هیئت تنظیم شود و مرحله نهائی مذاکرات و امضای موافقت

پیام شاهنشاه آریامهر به سمینار بین المللی بررسی مسائل توسعه اقتصادی

● برگزاری سمینار بین المللی بررسی مسائل توسعه اقتصادی که با حضور گروهی از کارشناسان و استادان برجسته امور اقتصادی دانشگاههای مختلف جهان تشکیل میشود موجب خوشوقتی ماست.

مسئله توسعه اقتصادی در عصر مابصورت یکی از چالترین مباحث علم اقتصادنویین درآمده است بدین جهت از طرفی دامنه مطالعات در این زمینه چنان گسترش یافته که منابع لازم بصورت کتب و مقالات مربوط بمسائل بسط و توسعه روز بروز بیشتر میشود و از طرف دیگر تجربیات کشور های مختلف که هر يك باتوجه بمسائل خاص ملی خود میخواهند مرحله عقب افتادگی اقتصادی را پشت سر بگذارند درخور مطالعه و مقایسه است.

مردم عصر ما با شور و شتابی که درطول تاریخ جهان نظیر ندارد میخواهند مراحل توسعه و ترقی را به پیمایند بویژه در کشورهای کمتر توسعه یافته کرایشی بزرگ بجهان عقب افتادگی های گذشته وجود دارد. پیروزی در این مورد هنگامی میسر خواهد بود که همه دانشهای انسانی وبخصوص علم اقتصاد بخدمت پیشرفت جامعه انسانی در آیند و از هیچ کوششی در راه نوساختن نظریات علمی و روش های اجرایی و هماهنگی آنها بامقتضیات ملی کشورها فروگذار نشود بهمین سبب باید از تشکیل چنین اجتماعات علمی و فرهنگی ومبادله افکار وعقاید و مطالعات گوناگون در زمینه جنبه های نظری و تجربی بسط وتوسعه اقتصادی حسن استقبال کرد. خوشبختانه برنامه سمینار حاضر بادقت وجامعیت تنظیم شده است و شرکت گروهی از استادان برجسته دانشگاههای مختلف جهان و کارشناسان مجرب باعث خواهد شد که بررسیها و مطالعات سمینار به پیشرفت قابل ملاحظه ای درشناسائی مسائل توسعه اقتصادی وجنبه های گوناگون آن منتهی شود.

کشور ما در سالهای اخیر با آهنگی رضایت بخش وشاید شگفت آور درراه توسعه اقتصادی پیشرفته است. درعین حال این پیشرفت بانجام اصلاحات اجتماعی در زمینه رفح موانع شالوده ای توسعه وترقی همراه بوده وخوشبختانه برخلاف بسیاری دیگر از کشورهای جهان فشارهای توری و نوسانات نامطلوب قیمتها رادر پرنداشته است.

باتوجه بدین واقعیت یقین است که شناسائی تجربیات ایران در زمینه توسعه اقتصادی برای استادان و کارشناسان کشور های دیگر سودمند خواهد بود. ابتکار دانشگاه بهلوی برای برگزاری این سمینار شایان ستایش و تقدیر است و آرزو مندیم این دانشگاه بتواند همچنانکه انتظار داریم نقش موثری دربررسی مسائل اجتماعی واقتصادی ایفا کند.

در سمینار مذکور گروهی از استادان دانشگاهها و کارشناسان اقتصادی آمریکا، ایران، پاکستان، ترکیه فرانسه، کانادا وهیچنین کارشناسان اقتصادی سازمان همکاری عمران منطقه ای وسازمانهای اقتصادی ایران شرکت داشتند و درآن مسائل گوناگون توسعه اقتصادی مورد بررسی وتبادل نظر قرار گرفت.



## تعاون

### خرید گندم

● در سال گذشته جمعا ده هزار و سیصد و هشتاد و شش تن گندم و جوی مازاد بر مصرف از شرکت های تعاونی روستائی کشاورزان و خریده مالکان مناطق مختلف کشور خریداری شده است. در این مدت یکصد و دو هزار و هشتصد و هفتاد تن گندم و آرد در اختیار نیروهای انتظامی و ناوهای پایتخت گذاشته شده است.

### همکاریهای آموزشی

● نمایندگانی وزارت همکاری های اقتصادی آلمان فدرال و موسسه تعاونی (رایفایزن) این کشور یک قرار داد چهار ساله برای همکاری های آموزشی با وزارت اصلاحات ارضی و این نمایندگان که به دعوت تعاون روستائی امضاء کردند. وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی به ایران آمده بودند در مدت اقامت خود در تهران در زمینه همکاری های آموزشی، امور تعاونی های روستائی، توزیع اعتبارات مورد نیاز روستائیان و بازاریابی شرکت های تعاونی روستائی و شرکت های سهامی زراعی نیز با مقامات وزارت اصلاحات ارضی مذاکراتی انجام دادند.

بموجب قرار داد منعقد در سال جاری یک سمینار آموزشی در زمینه بازاریابی محصولات کشاورزی با شرکت مسئولان امور شرکت های سهامی زراعی و مدیران عامل اتحادیه های تعاونی روستائی زیر نظر متخصصان آلمانی در تهران تشکیل میشود.

همچنین اسامی سمینار آموزشی دیگری برای ۱۶۰ تن کارآموزان تعاونی وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی که هم اکنون سرگرم طی دوره یکساله آموزشی خود در دانشگاه پهلوی شیراز هستند بامداد موسسه مذکور ترتیب خواهد یافت. یک شرکت جدید

● شرکت تعاونی قریه مراد آباد تابع بخش نورآباد در منطقه لرستان گشایش یافت. در مراسم افتتاح این شرکت تعاونی دو تن از نمایندگان مردم لرستان در مجلس شورای ملی و گروهی از مردم حضور داشتند.

## پیکار با بیسوادی

در آذربایجان شرقی  
● در حال حاضر ۶۵ هزار و ۵۵۶ نوآموز زن و مرد در یک هزار و ۷۱۲ کلاس پیکار با بیسوادی استان آذربایجان شرقی سرگرم تحصیل هستند.  
در این کلاسها یک هزار و ۶۲۲ مدیر - آموزگار و راهنمای تعلیماتی تدریس و تعلیم نوآموزان را به عهده دارند.

● کمیته ملی پیکار جهانی با بیسوادی اعلام کرد که تا پایان اسفندماه سال گذشته ۷۷۵ هزار و ۱۴۴ نفر از نوآموزان کشور دوره اول کلاسهای پیکار با بیسوادی را گذرانده اند.  
این گزارش حاکیست که تا پایان اسفند ماه سال پیش ۳۱۵ هزار و ۸۸۱ نوآموز دیگر نیز خواندن و نوشتن فرا گرفته اند.

### توریست

اطلاعیه برای جهانگردان  
● سازمان جلب سیاحان اطلاع داد که از این پس جهانگردان خارجی که مایل دیدار حرم مطهر حضرت رضا علیه السلام باشند میتوانند همه روزه بجز ایام سوگواری از ساعت ۸ تا ۱۱ با تفاق راهنما - یان آشنا پزبانهای خارجی از این مکان مقدس دیدن کنند. جهانگردانی که مایل بدیدار اینگونه اماکن در مشهد هستند باید قبلا دفتر اطلاعات سازمان جلب سیاحان استان خراسان مراجعه کنند و ضمنا از آراستگی و نظافت لازم برخوردار باشند.

### مراسم نیایش بمناسبت

#### ۲۱ فروردین

● بمناسبت سالگرد بیست و یکم فروردین در تهران و شهرستانها مجالس دعا و نیایش ترتیب یافت و برای سلامت شاهنشاه و پایداری میهن دعا شد.

از طرف آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی نیز دو سید گل بزرگ به خانه های استواران شهید آیت الله الشکری و محمد علی بابائیان فرستاده شد و در دبیرستان دخترانه کیوان و دبستان پاسارگاد و دبیرستان هدف که محل تحصیل فرزندان دوفقید سعید است از آنان تجلیل بعمل آمد و از طرف دربار شاهنشاهی هدایایی به فرزندان شجاعان شهید داده شد.

به همین مناسبت مراسم ویژه و یادبودی نیز مزار شجاعان شهید بعمل آمد.

## سرطان در بسیاری از موارد درمان پذیر و تقریباً در تمام موارد قابل کنترل است

### ● هم میهنان گرامی :

موجب خشنودی است که موضوع روز بهداشت جهانی «تشخیص بموقع سرطان زندگی را نجات میدهد» انتخاب شده است. این بیماریها نه تنها از لحاظ میزان ابتلا و تلفات اهمیت دارد بلکه بعلل سوابق ذهنی مردم نسبت به آن افراد و خانواده ها دچار یک نوع هراس ناشی از نداشتن آگاهی به واقعیات علمی هستند.

در اثر پیشرفتهای قابل توجهی که در زمینه پیشگیری و درمان این بیماری از راه کشف داروها و روشهای جدید جراحی و استفاده از پرتوها بعمل آمده سرطان در بسیاری از موارد درمان پذیر و تقریباً در تمام موارد قابل کنترل است. لیکن شرط اصلی موفقیت در این پیکار هشیاری افراد و رها کردن افکار عامه از ترس بیمورد است تا ضمن مراقبت فردی راه پیشروی بیماری را با مراجعه بموقع، به پزشک سد کنند. تکیه گاه اساسی برنامه مبارزه با سرطان باید آموزش بهداشت بمعوم باشد و علاوه بر فعالیتهایی که در این زمینه از طرف مراجع رسمی بهداشت کشور میشود جمعیت ملی مبارزه با سرطان نیز نقش مؤثری به عهده بگیرد. این جمعیت همچنین میتواند با جلب همکاری مردم از لحاظ مادی و معنوی کمک قابل ملاحظه ای بشمارد و تکمیل وسایل تشخیص بموقع و درمان بیماران بکند. در کشور ما گامهای مؤثری در راه پیشگیری از بیماریهای واگیر و توسعه خدمات بهداشت عمومی برداشته شده و در نتیجه مرگ و میر ناشی از این گروه بیماریها کاهش یافته است.

بیماریهای مزمن فردی از لحاظ اهمیت که از نظر میزان ابتلاء و تلفات دارند روز بروز نمایان تر میشوند و از نظر بهداشت عمومی مورد توجه بیشتر قرار میگیرند. موجب رضایت ماست که مسئولان خدمات بهداشتی و مراکز علمی از این موضوع فارغ نبوده اند و تحقیقات اساسی با همکاری سازمان بهداشت جهانی و مرکز بین المللی تحقیقات سرطان درباره انواع بخصوصی از سرطان در مناطقی از ایران در جریان است و جمعیت ملی مبارزه با سرطان نیز در تدارک مسائل تشخیص و درمان و آموزش همگانی و حرفه ای گامهایی برداشته است.

مشاهده رنج بیماران سرطانی و نگرانی های خانواده ها برای همه اندوه آور است. برای ما نیز که سلامت و رفاه همه هم میهنان مورد علاقه و وجهی همت مان است موضوع مبارزه با سرطان کمال اهمیت را دارد و از این رو مقرر میداریم هفته دوم مهرماه هرسال در سراسر کشور هفته سرطان اعلام گردد تا با متوجه ساختن گروههای مختلف اجتماع و در نتیجه جلب همگانی آنها نتایجی درخشان تر در این مبارزه بدست آید.

امید دارد که بطف خداوند و یاری همگان توفیق بیشتری در راه پیشگیری و درمان بموقع این بیماری بدست آید. از پیام علیاحضرت شهبانو بمناسبت روز جهانی بهداشت جهانی

### نفت

● کمک به دانشگاه اصفهان  
● آقای دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت مبلغ ده میلیون ریال در اختیار دانشگاه اصفهان گذاشت.

این مبلغ که برای تأمین احتیاجات دانشگاه اصفهان بمصرف خواهد رسید بوسیله رئیس ناحیه نفت اصفهان تسلیم آقای دکتر متمدنی رئیس دانشگاه اصفهان شد. فعالیت شرکتهای عامل نفت در سال ۱۹۶۹

● سال ۱۹۶۹ بعنوان سال بدست آوردن حد نصابهای جدید در تولید نفت خام و صدور آن شناخته شد. در پایان سال ۱۹۶۹ شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران نخستین واحدهای نفتی در دنیای آزاد بود که متوسط تولید روزانه آن در یکسال تمام از ۳ میلیون بشکه فزونی یافت.

سایر حد نصابهایی که طی سال بدست آمد شامل تولید ۳۸۲۲۰۰۰ بشکه نفت خام در یک روز واحد و صدور ۵۹۵۰۰۰ بشکه از مرکز بارگیری نفت خام جزیره خارک باز هم در یک روز واحد

طی ماه آوریل جمع کل تولید نفت از حوزه قرارداد از تاریخ نخستین کشف نفت ایران

در سال ۱۹۰۸ از رقم ۱۰ بیلیون بشکه تجاوز کرد که بیش از ۷۵ درصد آن توسط شرکت سهامی اکتشاف و تولید نفت ایران از آغاز بنیاد آن در سال ۱۹۵۴ تولید شده است.

تصفیه نفت خام در پالایشگاه آبادان بار دیگر به سطح بسیار بالای ۴۰۹۴۷۶ بشکه بطور متوسط در روز برای تمام سال رسید. در ماه نوامبر متوسط تولید روزانه پالایشگاه به ۵۵۵۸۸۲ بشکه بالغ گردید.

گاز خشک حاصله از این دستگاه ها برای استفاده شرکت ملی گاز ایران به شرکت ملی نفت ایران تحویل داده خواهد شد تا از طریق شاه لوله گاز باتحاد جماهیر شوروی و مراکز داخلی کشور توزیع گردد.

ساختمان یک دستگاه تفکیک بوتان و یک پالایشگاه گاز طبیعی نیز که بزرگترین پالایشگاه نوع خود در دنیا محسوب میشود در بندر مام شهر به تکمیل رسیده است که مایع خام را از دستگاه های تصفیه دریافت خواهد داشت. این پالایشگاه قادر خواهد بود روزانه ۸۰۰۰۰ بشکه خوراک اولیه تصفیه نماید.

از گزارش آقای اوبراین رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکتهای عامل نفت ایران

### سمینار بررسی و تولید و مصرف مواد نفتی

آقای دکتر اقبال هنگام گشایش این سمینار میزان مصرف محصولات نفتی در سال گذشته و سال آینده را مورد بررسی قرار داد و ضمن ارائه راههای علمی و اقتصادی تولید و پخش مواد نفتی با توجه بتوسعه شبکه گاز کشور، چگونگی ایجاد موازنه بین تولید و مصرف این فرآورده ها را تشریح کرد.

وی سپس از اینکه یکی از مسائل مهم مملکتی یعنی تأمین انرژی مورد نیاز کشور در این سمینار مورد تبادل نظر قرار میگردد اظهار خوشوقتی کرد و افزود: تاکنون شرکت ملی نفت این وظیفه را انجام داده است و چون پیش بینی میشود که میزان مصرف مواد نفتی در کشور در سال ۱۹۷۹ حدود نیم بیلیون بشکه در روز برسد با توجه باهنگ سریع افزایش مصرف فرآورده های نفتی، توسعه امکانات تولید و سپس توزیع این محصولات در داخل یکی از مسائل مهم قابل مطالعه ای است که به پیش بینی ها و برنامه ریزی های دقیق و دائمی نیاز دارد.

رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت در خاتمه اظهار امیدواری کرد که با طرح و بررسی جنبه های مختلف تولید و پخش محصولات نفتی و نتیجه ای که از برخورد اندیشه های کارشناسان و صاحب نظران بدست میآید راههای اقتصادی بهتری برای تأمین انرژی مورد نیاز مملکت پیدا و بکار بسته شود.

پس از آن آقای دکتر پرویز مینا عضو علی البدل هیئت مدیره و رئیس کل قسمت امور شرکتهای وابسته و روابط با گروه های بین المللی دستور جلسه سمینار را مطرح کرد و در زمینه تولید فرآورده های نفتی و مصرف آن در ایران اطلاعاتی در اختیار شرکت کنندگان در این سمینار گذاشت.

وی اظهار داشت که در پایان برنامه سمینار موضوع های طرح شده و شبوه های پیشنهادی در کمیته ای از اعضای این سمینار مورد بحث و بررسی قرار میگیرد و نتایج بدست آمده بصورت گزارشی بشرکت ملی نفت ایران تسلیم خواهد شد. این سمینار که از طرف انجمن نفت برگزار شده بود سه روز ادامه داشت.

## کار و کارگران

توزیع سود ویژه

● دو میلیون و دویست و سی هزار و نهصد و پانزده ریال سود ویژه نیمه دوم سال جاری هفت کارگاه در کرمانشاه بین کارگران این کارگاهها توزیع شد.

اعزام کارگران به خارج

● یکصد کارگر ایرانی برای کارآموزی در صنایع لاستیک سازی، شیمیایی، برق و اتومبیل ریسپار آلمان فدرال شدند. وزیر کار و امور اجتماعی آنان را در فرودگاه مهرآباد بدرقه کرد. ششمین سمینار کارگری

● ششمین سمینار (سهیم) کردن کارگران در منافع کارگاههای تولیدی و صنعتی که در اهواز تشکیل شده بود بکار خود پایان داد.

در جلسات چهار روزه این سمینار ضمن بحث و تبادل نظر درباره نحوه اجرای قوانین مربوط به سهیم کردن کارگران در سود ویژه کارخانهها برای اجرای سریع این قانون پیشنهادهایی نیز ارائه شد.

## علوم

کمک شرکت نفت به دانشگاه

جندی شاپور

● آقای دکتر اقبال رئیس هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ملی نفت ایران مبلغ ده میلیون ریال برای توسعه تجهیزات دانشگاه جندی شاپور کمک کرد.

در دانشگاه پهلوی

● هیئت امنای دانشگاه پهلوی بریاست آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی در محل آن دانشگاه در شیراز تشکیل جلسه داد و بودجه سال ۴۹ دانشگاه را بملغ هفتصد و هزار ریال تصویب کرد.

در جلسه هیئت امناء دانشگاه پهلوی همچنین آئین نامه مربوط به هیئت آموزشی و مزایای خدمت تمام و استادن - آئین نامه جدید صندوق ذخیره و بازنگستی کادر آموزشی و اداری - آئین نامه انتصابها و ترفیعات کارکنان غیر آموزشی - آئین نامه مربوط به مرخصی های کارمندان دانشگاه و

آئین نامه مربوط به مقررات وصول شهریه از دانشجویان بتصویب رسید.

دبیر هیئت امنای دانشگاه پهلوی

● به پیشنهاد آقای علم وزیر دربار شاهنشاهی و رئیس هیئت امنای دانشگاه پهلوی و تصویب شاهنشاه آقای عباس آرام بسمت دبیر هیئت امنای این دانشگاه برگزیده شد. وی قبلا عضویت هیئت امنای دانشگاه پهلوی را عهده دار بود.

## راه

گزارش وزارت راه

● در پنج سال اخیر پنج هزار و ۳۷۴ کیلو متر راه اصلی اسفالت و پنج هزار و ۹۰۷ کیلو متر راه فرعی ساخته شده و هم اکنون یک هزار و ۳۹۷ کیلومتر راه اصلی و سه هزار و ۲۹۱ کیلو متر راه فرعی در نقاط مختلف کشور در دست ساختمان است.

## آبادانی

پارک جدید اهواز

● بزرگترین پارک استان خوزستان در اهواز افتتاح شد. این پارک ۸۵ هزار متر مربع وسعت دارد و دارای کتاب خانه کودک، آب نما های زیبا و سایر تاسیسات تفریحی است.

ساختمان های جدید در تهران

● ساختمان ۱۲۸ دستگاه آپارتمان در میدان ثریا و ۱۰۶ دستگاه خانه جدید در کوی نهم آبان آغاز شد. آپارتمان ها در زمینی به مساحت ۱۲ هزار متر مربع ساخته میشود که ۳۰۰۰ متر مربع آن زیر بنات و ۹۰۰۰ متر مربع نیز برای فضای سبز و پارک، محوطه آزاد و محل بازی کودکان اختصاص خواهد یافت. آپارتمانهای مذکور ۲ و ۳ اتاقه ساخته میشود.

طرح جدید

● عملیات اجرائی ۲۲ طرح آبادانی روستائی و شهری در استان فارس پایان

یافت.

اجرای این طرحها که مربوط به تامین آب، برق، ایجاد دبستان و ساختمان راه و دهرا و اسفالت خیابان در شهرهای کازرون و جهرم و روستاهای تابع داراب، مرودشت، کازرون، فیروز آباد، شیراز و فسا است بیش از ۲۵ میلیون ریال هزینه داشته است.

طرح آبادانی روستائی

● اجرای هیجده طرح آبادانی در هیجده روستای فرمانداری کل لرستان با هزینه سیزده میلیون و ششصد و هشتاد و هفت هزار ریال پایان یافت.

این طرحها شامل ساختمان يك دبیرستان چهار کلاسه و هفت دبستان، لوله کشی آب آشامیدنی حفر چاه، ساختمان پله اسفالت و جدول سازی و اجرای دو طرح بهداشتی است.

لوله کشی آب آشامیدنی

در شهر ماسوله ● عملیات اجرائی لوله کشی آب آشامیدنی شهر ماسوله در استان گیلان به

وسیله وزارت آبادانی و مسکن پایان یافت.

طول شبکه لوله کشی ۲۶۰۰ متر و هزینه اجرای آن بیش از ۲ میلیون و ۷۶۰ هزار ریال شده است.

طرحهای آبادانی کرمانشاه

● ساختمان کاخ جوانان کرمانشاه با هزینه چهار میلیون و ۲۵۰ هزار ریال و اجرای چهار طرح آبادانی دیگر در چهار روستای استان کرمانشاهان با هزینه يك میلیون و ۷۸۰ هزار ریال پایان یافت. این طرحها شامل لوله کشی آب آشامیدنی، ساختمان دو دبستان و يك راه فرعی است.

ایجاد يك بیمارستان جدید

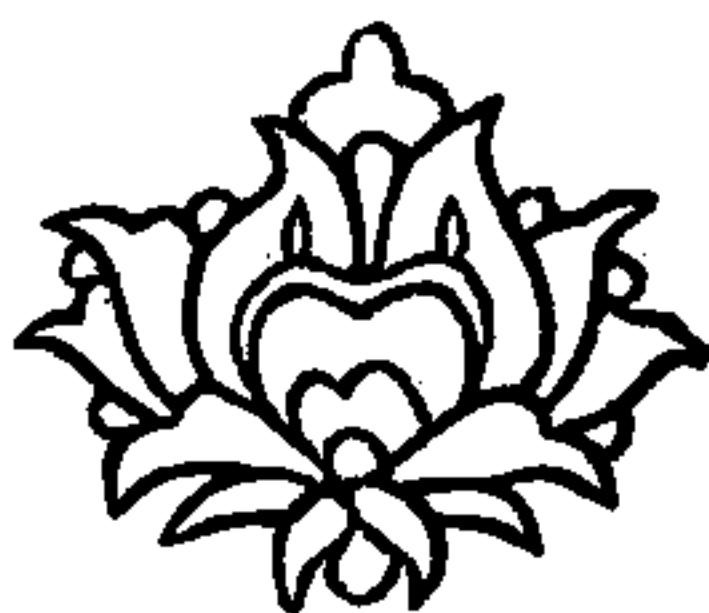
● ساختمان بیمارستان ربوی اداره کل بهداشتی اصفهان تکمیل شد. ۴ میلیون و ۱۴۱ هزار ریال هزینه اجرای این طرح از طرف سازمان برنامه تامین و پرداخت شده است.



## اجرای سه طرح

● وزارت آبادانی و مسکن اطلاع داد که قرارداد اسفالت چند خیابان در شهیرزاد واقع در فرمانداری کل سمنان و لوله کشی آب آشامیدنی قریه سید شهاب از توابع توپیرکان و همچنین قرارداد ساختمان درمانگاه شهر اسد آباد در فرمانداری کل همدان با پیمانکار مبادله شده است.

برای اجرای این طرحها مجموعا بیش از چهار میلیون و هفتصد و شصت و نه هزار ریال هزینه پیش بینی شده است.



فروردین بوسیله هواپیماهای اسرائیلی که باعث ویرانی يك مدرسه و کشته شدن عده ای از کودکان بیگناه مصری شده است ابراز داشت و این اقدام را که برخلاف مقررات کنوانسیونهای ژنو میباشد محکوم کرد.

سفیر ایران در برمه

● وزارت امور خارجه اعلام داشت که آقای محمد رضا امیر تیمور سفیر شاهنشاه آریامهر در دهلی نو با حفظ سمت بعنوان سفیر اکردیتشه شاهنشاه در اتحادیه برمه منصوب شد.

صلح در منطقه عربی خاور میانه کمک بزرگی کند. آقای زاهدی اظهار داشت که ما در اینجا گرد آمده ایم تا بهترین راه حل را برای مشکلات جهان اسلام پیدا کنیم و بنظر ما پیروی از شعار اسلامی بهترین راه برای حل هر اختلافی است.

ایران بمباران مدرسه

مصری را محکوم کرد

● سخنگوی وزارت امور خارجه اظهار داشت دولت شاهنشاهی مراتب تاسف عمیق خود را از بمباران مناطق غیر نظامی مصر در روز ۱۹

وزیر امور خارجه ضمن نطقی در کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای اسلامی در جده اعلام داشت که ایران همواره پشتیبان حقوق مردم فلسطین بوده است و در آینده نیز خواهد بود.

وزیر امور خارجه ایران ضمن نطق خود لزوم همبستگی و همکاری عمیق بین کشورهای اسلامی را مورد تاکید قرارداد و اعلام داشت که از نظر دولت شاهنشاهی ایران اجرای قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۴۷ شورای امنیت سازمان ملل متحد میتواند به نجات

آقای فریدون هویدا معاون امور بین المللی و اقتصادی وزارت امور خارجه به نیابت ریاست کمیته تهیه مقدمات کنفرانس محیط انسانی سازمان ملل برگزیده شد.

آقای اسد صدیقی معاون نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد نیز به نیابت ریاست کمیته ضد استعمار این سازمان انتخاب شد.

نطق آقای زاهدی در کنفرانس جده

● آقای اردشیر زاهدی

## روابط خارجی

انتخاب دو ایرانی

# تشریح سیاست ایران از طرف آقای هویدا

## هویدا: وطن پرستی انحصار هیچکس نیست

و مردم ایران از خرد و کلان و پیر و جوان به وطن خود عشق می ورزند و آنرا با جان و دل دوست دارند.

● استعمار باید بهر طریقی که باشد از خلیج فارس رخت بربندد و روابط استعماری بین ملل برادر و همکیش نیز بهر نحوی که باشد از میان برود.

● برای هر کس که به تاریخ جریانات اخیر خلیج فارس آشنایی مختصری دارد روشن است که در این مدت منافع استعماری از هیچگونه اقدامی برای بسط حکومت خود و تفرقه و جدایی بین ملل برادر این منطقه و جلوگیری از رشد نهضت های مترقیانه دست بردار نبوده اند.

● جداساختن بحرین از خاک ایران و اقداماتی که بیش از صد سال متوالی برای تغییر دادن شکل جمعیت و استقرار نظام دیگر در آن سرزمین انجام یافت از عواقب شوم و دردناک همین سیاستهای استعماری بود.

● بنظر ما سیاست مستقل ملی در درجه اول سیاستی است که منافع واقعی و دراز مدت یک ملت را در شرایط جهانی که در آن زندگی میکند تامین سازد.

● سیاست مستقل ملی آنست که دولتی بر اساس اراده مردم خود شرایط انقلابی پیشرفت و توسعه و موجودیت ملی را بالفعل و در عمل، و نه در قالب جملات و خیالهای خام، فراهم آورد.

● سیاست مستقل ملی آنست که مسئولان کشور باتکای اراده آزاد ملت و با پشتیبانی مداومی که ناشی از این اراده و احساس مسئولیت مشترک نسبت بسرنوشت ملی است و بیش از هر چیز به مفهوم میهن و وحدت ملی معنی و محتوی می بخشد نیرو های خلاق مردم را در جهت هدفهای بزرگ ملی بسیج کنند و بقدرت حقیقی ملت بطور مداوم بیفزایند و بالاخره سیاست مستقل ملی سیاستی است که مفهوم حاکمیت و موجودیت ملی را از تعهداتی که ملتها در سطح بین المللی و بخصوص در قبال منشور ملل متحد بعهده میگیرند جدا نسازد.

## آقای عاملی گفتند: در حال حاضر

شرایطی در بحرین وجود ندارد که مردم آن سرزمین قادر باشند نظریات خود را آزادانه ابراز کنند.

سخنان آقای نخست وزیر در جلسه امروز مجلس شورای ملی در جواب استیضاح

مجلس شورای ملی اول اردیبهشت استیضاح گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست از سیاست دولت در مورد بحرین را مطرح کرد. به دولت آقای امیر عباس هویدا رأی اعتماد داد.

مسئله بحرین باید بطریقی حل شود که دیگر مجالی برای بازگشت استعمار و امکان دعوت استعمارگری جدید نباشد.

وی در آغاز سخنان خود از نمایندگان درخواست کرد که عجولانه قضاوت نکنند و دلایل و استدالات گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست را مورد توجه دقیق قرار دهند و سپس اعلام داشت

که حزب پان ایرانیست بهیچوجه مخالف حل مسئله بحرین نیست اما سیاست دولت را در این زمینه درست نمیداند آقای عاملی اظهار داشت که استعمار بدلیل ضعف روز افزون نهاد های اقتصادی خویش ناچار است خلیج فارس را ترک گوید و حزب پان ایرانیست مخالف آن نیست که در چنین شرایطی مسئله بحرین بنحوی شایسته و مثلاً از طریق سازمان ملل متحد حل و فصل شود و نیز به نظریات شاهنشاه که در مصاحبه مطبوعاتی معظم له در دهلی نو در همین زمینه ابراز شدایمان و اعتقاد راسخ دارد و معتقد است باید از طرف مسئولان اجرائی به نحو درستی موضوع تجزیه و تحلیل شود. بنابراین استیضاح گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست هرگز معطوف به اصل قضیه (یعنی حل مسئله بحرین) و یا متوجه استفاده از مساعی جمیل سازمان ملل متحد در این راه نیست بلکه صرفاً ناظر بر چگونگی اجرای این برنامه است.

\*\*\*

آقای عاملی سپس به تشریح جزئیات همین موضوع پرداخت و گفت: مسئله اساسی در این میان آنست که در حال حاضر شرایطی در بحرین وجود ندارد که مردم آن سرزمین قادر باشند نظریات خود را در باره سرنوشت بحرین آزادانه ابراز کنند. کوتاهی دولت در این زمینه آنست که هیچگونه اقدامی برای رفع فشار از مردم بحرین معمول نداشته است و حال آنکه ما قادر بودیم با انواع وسایل بمردم بحرین بفهمانیم که نزدیک به سی میلیون ایرانی یکدل و یک جهت مدافع حقوق و آماده حمایت آنانند.

دولت باید توضیح دهد که برای برطرف ساختن رعب و هراس و شرایط غیرعادی در بحرین چه اقداماتی کرده است؟ مسئله بحرین باید بطریقی حل شود که دیگر مجالی برای بازگشت استعمار و امکان دعوت استعمارگری جدید نباشد. آقای عاملی در پایان بار دیگر تاکید کرد که استیضاح گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست بهیچوجه در باره لزوم یافتن راه حلی برای مسئله بحرین نیست و این گروه صمیمانه اعتقاد دارد که حل این مسئله با تمهید مقدمات صحیح و با اتکاء به اصل عدم ضرورت توسل به زور کاملاً میسر است.

\*\*\*

در این هنگام آقای هویدا نخست وزیر چنین اظهار داشتند:

آقای رئیس، خانها، آقایان: از دولت دعوت کرده اید که در اینجا حضور یابد و استیضاح فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست را پاسخ گوید. اما ابتدا باید باین نکته اشاره کنم که بین آنچه که رهبر حزب پان ایرانیست هنگام طرح استیضاح بیان داشتند و آنچه که امروز معاون ایشان گفتند تناقض آشکاری وجود دارد و فرق زیادی هست. مسلماً اگر در این مدت متوجه اشتباه خود شده اند و نظریات خود را عوض کرده و یا اصلاح کرده اند چه بهتر. ولی چون متن استیضاح در این مجلس مطرح شده است من ناگزیرم که بآن پاسخ بدهم. قسمتهای زیادی از بیانات آقای عاملی در حقیقت تأیید نظریات و سیاست دولت بود که من طبعاً در باره آن حرفی ندارم. اما قسمتهایی از اظهارات ایشان مطالبی بود که باید بآن پاسخ بدهم.

آقای عاملی ضمن اظهارات خود، دم از وطن پرستی زدند. اما باید بایشان بگویم که وطن پرستی انحصاری نیست، همه مردم این مملکت وطن پرست هستند. چنانکه در مواقع گوناگون هم وطن پرستی خود را به ثبوت رسانده اند.

استیضاح کنندگان محترم از دولت خواسته اند که در اینجا حضور یابد و توضیحاتی بدهد و اینک دولت برای ادای توضیحات آماده است تا مسائل برای نمایندگان محترم برای استیضاح کنندگان و برای ملت ایران روشن شود.

چنین بنظر میرسد که آقایان به نطق وزیر امور خارجه به هنگام ادای توضیحات درباره همین مسئله توجه کافی مبذول نداشته اند باعتقاد من هنگامی که یک مسئله حساس مملکتی مطرح است باید سنجیده فکر کرد و سنجیده سخن گفت تا احتیاج به تغییر سخنان خود نداشته باشیم و تضادی بین صحبت هایی که میکنیم بوجود نیاید.

در این هنگام آقای نخست وزیر به پاسخ استیضاح پرداختند و گفتند:

در جلسه مورخ نهم فروردینماه مجلس شورای ملی هنگامی که گزارش اقدامات دولت برای حل مسأله آمیز موضوع بحرین از طرف آقای وزیر امور خارجه باطلاع نمایندگان محترم رسید آقای پزشکپور نماینده پان ایرانیست ضمن سخنانی که در آن جلسه بیان داشتند از طرف خود و چهار نفر دیگر نمایندگان پان ایرانیست در باره اقداماتی که از طریق سازمان ملل متحد در مورد بحرین بعمل آمده است دولت را استیضاح کردند. هر چند که اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان محترم مجلس با تأیید گزارش آقای وزیر امور خارجه در این زمینه به ایرادات ایشان در عمل پاسخ دادند اینک جواب استیضاح ایشان به استحضار نمایندگان محترم ملت ایران میرسد.

در این ساحت مقدس مجلس و مخصوصاً در این دوره قانونگزاری که مقارن با دوران پرافتخار انقلاب ایران است و هر روز در این مجلس محترم مظهری از مظاهر میهن پرستی و خدمتگزاری بمنصه ظهور میرسد دولت همواره مفتخر بوده که نه تنها لوایح مهمی را که ارکان ترقیات مملکتی بر آن استوار است و اتخاذ تصمیم در باره آن از وظایف و خصایص قوه مقننه است تقدیم کند بلکه هر زمان که مسائل مهم مملکتی پیش آمده شرح و جزئیات آنرا نیز به استحضار نمایندگان محترم ملت ایران رسانده و از نظریات صائب شما استفاده کرده است.

در مورد مسئله بحرین نیز بنا بر وظیفه خطیری که بر عهده دارد دولت از مدتی قبل اقدامات وسیع بین المللی بمنظور حفظ صلح و آرامش منطقه و برانداختن هرگونه آثار استعمار در این منطقه بعمل آورد که گزارش آن در جلسه مورخ نهم فروردینماه تقدیم شد.

درباره این اقدامات آقای پزشکپور دولت را استیضاح کردند و ضمن آن اساس استدلال خود را بر دو نکته قرار دادند:

از یکسو ایشان معتقدند که اقدامات اخیر دولت در باره بحرین با سیاست مستقل ملی ایران مغایرت دارد. و از سوی دیگر ایراد دارند که دولت نمیبایست در این مورد از امکانات ملل متحد یعنی به اصطلاح ایشان (یک مرجع غیر ملی) استفاده کند.

قبل از اینکه به این دو نکته پاسخ بدهم لازمست بار دیگر اقدامات دولت را در اینجا خلاصه کنم:

نمایندگان محترم استحضار دارند که در پیروی از سیاستهای استعماری، یعنی تسلط بر دیگران از راه تفرقه جویی که از دویست سال پیش

در خلیج فارس آغاز شد، و اشغال بحرین یکی از مظاهر آن بود، وضع خاصی در این منطقه بوجود آمده بود که در سالهای گذشته روز بروز وخامت آن افزایش مییافت و امکانات حل مسائل حیاتی این منطقه بوسیله ملت های ذینفع مشکوکتر میشد.

برای هر کسی که به تاریخ جریانات اخیر خلیج فارس آشنایی مختصری دارد روشن است که در این مدت منافع استعماری از هیچگونه اقدامی برای بسط حکومت خود و تفرقه و جدایی بین ملل برادر این منطقه و جلوگیری از رشد نهضت های مترقیانه دست بردار نبوده اند.

جدا ساختن بحرین از خاک ایران و اقداماتی که بیش از صد سال متوالی برای تغییر دادن شکل جمعیت و استقرار نظام دیگر در آن سرزمین انجام یافت از عواقب شوم و دردناک همین سیاستهای استعماری بود.

بخصوص پس از آنکه انگلستان قصد حساب شده خود را برای بیرون بردن قوای خود از خلیج فارس اعلام کرد منافع استعماری به اقداماتی دست زدند که از راه تفرقه انداختن بین مردم این منطقه هیچ قدرت ملی نتواند در دفاع از منافع مشترک در برابر جبهه استعماری و هرگونه آشوبگریهای دیگر توفیق یابد. و کوچکترین علاقه ای به مصالح عالیه مردم مسلمان این منطقه نداشتند اما دولت شاهنشاهی، که اینک بزرگترین مسئولیت را در مبارزه با استعمار و حفظ صلح و امنیت این منطقه دارد، بی شک نمیتوانست در برابر تحریکات و همچنین آشوبگریهایی که در شرف تکوین بود بی تفاوت و بی اعتناء بماند. مصالح عالیه ملت ما و بیش از هر چیز سرنوشت ما و برادران مسلمان و ملت های دیگر آنسوی خلیج فارس ایجاب میکرد که از هیچ اقدامی برای دفاع از مصالح مشترک در برابر هر نوع یازگشت استعمار در این منطقه و خطرات ناشی از آن فروگذار نشود، و اقدامات اساسی دامنهداری که مخصوصا در ماههای اخیر از طرف دولت انجام گرفت (ومظهر بارزی از سیاست مستقل ملی ما بود) هدفی جز این نداشت که مقاصد و آرمانهای بزرگ ملی خود را در شرایط خاصی که در این منطقه حساس بوجود آمده بود به بهترین نحوی تامین سازیم.

آقای نخست وزیر در اینجا رهبر فراکسیون پارلمانی حزب پان ایرانیست را مخاطب قرار دادند و گفتند:

بنظر میرسد که برای اطلاع شما لازم است به تعریفی از این سیاست مستقل ملی بپردازیم تا شاید اشتباهی که برای شما و دوستان شما پیش آمده مرتفع شود.

بنظر ما سیاست مستقل ملی در درجه اول سیاستی است که منافع واقعی و درازمدت یک ملت را در شرایط جهانی که در آن زندگی میکند تامین سازد.

سیاست مستقل ملی آنست که دولتی براساس اراده مردم خود شرایط انقلابی پیشرفت و توسعه و موجودیت ملی را بالفعل و در عمل، و نه در قالب جملات و خیالهای خام، فراهم آورد.

سیاست مستقل ملی آن است که مسئولان کشور باتکای اراده آزاد ملت و با پشتیبانی مداومی که ناشی از این اراده و احساس مسئولیت مشترک نسبت بسرنوشت ملی است و بیش از هر چیز به مفهوم میهن و وحدت ملی معنی و محتوی میبخشد نیرو های خلاق مردم را در جهت هدفهای بزرگ ملی بسیج کنند و بقدرت حقیقی ملت بطور مداوم بفرمایند و بالاخره سیاست مستقل ملی سیاستی است که مفهوم حاکمیت و موجودیت ملی را از تعهداتی که ملتها در سطح بین المللی و بخصوص در قبال منشور ملل متحد بعهده میگیرند جدا سازد.

برای کشوری مانند ایران، که افتخار دارد از بانیان اصلی سازمان ملل متحد است، سیاست مستقل ملی سیاستی است که یکی از پایه های اساسی آن توجه مداوم به اصول منشور ملل متحد و رعایت آن است.

آقای پزشکپور، ما همیشه خیال میکردیم که شما نیز از دل و جان سیاست مستقل ملی را همین نحو تعبیر میکنید و سربلندی کشور را در آن میدانید که ضمن صیانت منافع ملی به رسالت تاریخی خود وفادار بمانیم و هیچگاه ارزشهای درخشان انسانی و صلحجویانه ای را که حاصل تمدن چند هزار ساله ما است از نظر دور نداریم. شما که در اظهارات خود صحبت از وطن میکنید باید بدانید که وطنپرستی انحصار هیچکس نیست و مردم ایران از خرد و کلان و پیر و جوان به وطن خود عشق میورزند و آنرا با جان و دل دوست دارند. وطنپرستی آن نیست که از راه تعصب و اندیشه های باطل بایجاد اختلاف بین ملتها و مخصوصا بین ما و برادران مسلمان خود دامن زنی. اینگونه تعصب های نژادی بود که بزرگترین جنگ تاریخ و تلفات و ضایعات مادی و معنوی را بوجود آورد و بالاخره به شکست کشوری که آن آتش را برپا کرده بود منتهی شد. ولی برای ما که همواره در رعایت آزادی و احترام ملتها و رواج عدالت و قانون در روابط بین المللی و دفاع از اصول منشور ملل متحد قدم برداشته ایم شایسته نخواهد بود که بخاطر تعصب ها و تعبیرات خام بهمان روشهای محکوم متوسل شویم.

اینک باین بحث، که امیدوارم شما را به واقعیت روشن تر کرده باشد، خاتمه میدهم و شرح اجمالی اقدامات دولت در ماه های اخیر میپردازم. این اقدامات ساده و روشن بود.

پس از جریاناتی که بدان اشاره کردم لازم بود تدابیر واقع بینانه و دوراندیشانه ای برای حفظ منافع حیاتی ملت ایران اتخاذ شود تا ما و همه برادرانی که در آینده و سرنوشتمان بستگی مستقیم با صلح و آرامش این منطقه دارد هدفهای مشترک خود را فارغ از هرگونه مداخله خارجی یا دسیسه استعماری تامین کنیم و لازم بود که با استفاده از کلیه امکانات ملی و بین المللی مردم مسلمان این ناحیه از خطر جنگ و آشوب و تشنج های تخریبی مصون باشند و در این راه نهایت مجاهدت را بکار بردیم تا اقدامات خود را از یک سو با اصول سیاست مستقل ملی، و از سوی دیگر با اصول منشوری که ما و سایر ملل آزاد و صلحجوی جهان آنرا برای حفظ موجودیت مشترک خود بوجود آورده ایم منطبق سازیم.

اقداماتی که آقای وزیر امور خارجه گزارش آنرا بمجلس شورای ملی تقدیم کرد منحصرناشی از این اصول بود و غرض از این گزارش در درجه اول آن بود که به پیروی از سنتی که دولت همواره بدان توجه خاص داشته است نمایندگان محترم مجلس در اولین فرصت مناسب از جریانات اقدامات و هدفهای دولت مستحضر شوند تا هرگونه اقدامی که در این خصوص بعمل خواهد آمد همواره، منطبق با رأی صائب شما باشد.

اینک بجواب ایراد دوم ایشان میپردازم که چرا دولت در این مورد بفکر افتاد تا از امکانات خاص ملل متحد (که باصطلاح آقای پزشکپور مرجع غیر ملی است) استفاده کند؟ در این خصوص باید بدوا باطلاع شما برسانم که سازمان ملل متحد در جهان امروز مرجعی برای کلیه کشورها است اگر اینطور نبود چرا عموم کشورهای جهان، اعم از دول کوچک و بزرگ، بآن مراجعه میکنند. و آیا بنظر شما همه دولتها بمرجع غیر ملی مراجعه کرده اند؟

ثانیا لازم است توضیح بدهم که حدود و جهات و دلایل درخواست ما از دبیر کل سازمان ملل متحد چه بوده است؟

ابتدا باید این نکته را یادآور شوم که همان اندازه ای که ما کوچکترین تردیدی نسبت بحقوق تاریخی خود در بحرین نداریم شاید آقای پزشکپور نیز اذعان فرمایند که دولت انگلیس نیز متاسفانه پس از تاریخ اشغال این قسمت از خاک مامعاری برای خود در این مورد نشناخته و با امضای قراردادی که همه برماهیت آن واقفند تصرف استعماری این جزیره را ادامه داده و در عمل از امتیازات اعمال حاکمیت بالفعل در این منطقه برخوردار بود و تاکنون نیز بهیچوجه حاضر نشده بود حق مسلم و تاریخی ایران را بنحوی از انحاء برسمیت بشناسد ولی باعمل دولت انگلیس در قبول استفاده از مساعی جمیله دبیر کل سازمان ملل متحد، این کشور در عمل حقی را که همواره منحصر از آن خود میدانست (و بر همان اساس نیز بحرین را اشغال کرده بود) بمعرض رسیدگی قرار داد. و در نتیجه امروز اراده آزاد مردم بحرین مسلما خواهد توانست بشصرف استعماری این جزایر پایان دهد.

آنها که بتاریخ پانزده سال اخیر ملل متحد آشنا هستند میدانند که کشورهای اداره کننده استعماری کمتر به طیب خاطر حاضر بچنین اقدامی میشدند. ولی در مورد مسئله بحرین اقدامات دولت ایران بود که آنها را بقبول این امر وادار ساخت. با آنکه ما میدانیم برادران بحرینی ما هیچگاه علائق تاریخی ناگسستنی خود را با سرزمین «مادر» فراموش نخواهند کرد و منافع دراز مدت آنها بهرقابلی که درآید در راه تحکیم و تشدید این علائق خواهد بود.

برای ما که بعلت استعمار در عمل از آنها دور شده بودیم لازم بود که از طرف یک مرجع بیطرف به حالات و تمنیات آنها پی ببریم. فرزندی که سالها از خانواده خود دور شده باشد ممکنست حتی روزی پدر خود را در برخورد اول نشناسد در آن صورت لازم است این آشنایی و علائق گذشته بنحوی تجدید شود. این بود جهاتی که ما از دبیر کل ملل متحد خواستیم که مساعی جمیله خود را بکار برد و با اعزام نماینده ای بیطرف ما را تا حدودی که میسر بود نسبت به تمایلات و تمنیات امروزی برادران بحرینی ما روشتر سازد. و همانطور که گفتم در اولین فرصت شما را در جریان گذاشتیم و بطوریکه آقای وزیر امور خارجه ضمن گزارش خود باستحضار مجلس رساند اضافه کردیم، بشرط اینکه نتیجه گزارش دبیر کل به تأیید شورای امنیت برسد دولت آنرا محترم خواهد دانست. بدیهی است که نتیجه اقدامات برای اتخاذ تصمیم نهایی بمجلسین تقدیم خواهد شد.

این اقدامات معنای آنرا دارد که در حل نهایی مسئله بحرین مجلسین ایران مرجع نهایی برای اتخاذ تصمیم خواهند بود. اما از طرف دیگر وظیفه ما است که عوامل همه جانبه قضاوت را با دیدی وسیع و واقع بینانه و یا برداشتی متناسب با واقعیات جهان فعلی در اختیار شما نمایندگان محترم ملت قرار دهیم.

جای تاسف است که آقای پزشکپور بجای توجه باین نکته اساسی اقدامات مقدماتی دولت را برای استفاده از امکانات ملل متحد حمل بر توسل بیک مرجع غیر ملی کرده اند.

در این ساحت مقدس مجلس شورای ملی من صریحا شما اعلام میدارم که دولت شاهنشاهی ایران که خود از بنیانگزاران سازمان ملل متحد بشمار میرود و در جهان پر آشوب امروز همیشه پرچمدار صلح و صفا بوده، و بدفعات در مورد اختلافات دیگران و خطراتی که متوجه صلح جهانی شده،

در راه ایجاد دوستی و تفاهم بین دول و ملل خودداری نکرده است. پیروی از اصول منشور ملل متحد را نه تنها با هدفهای بزرگ سیاست مستقل ملی خود مغایر نمیداند بلکه آنرا مکمل آن می شمارد. در مسئله بحرین هم با خصوصیات که همه میدانند باز راه منشور ملل متحد است که میتواند راهی امن و معقول برای حفظ مصالح عالیه ملت ایران و تامین منافع مشترك مردم خلیج فارس باشد.

اما متأسفانه معلوم نیست که چرا شما با چنین احساسات عالی دولت و ملت ایران مخالفت کرده و راه و روشهای بین المللی را که مورد قبول عموم کشورهای جهان است مغایر با سیاست مستقل ملی و حاکمیت ملی قلمداد کرده اید. مگر سیاست مستقل ملی جز این اقتضاء میکند که دولت شاهنشاهی ایران بمنظور حفظ مصالح عالیه خود و تامین صلح جهانی و از بین بردن استعمار هر راهی را که بنظرش منطبق با منافع ملت ایران و همگام با معتقدات صلحجویانه جهان امروزی است اتخاذ کند؟

مگر اصل حاکمیت ملی جز این نیست که دولت آنچه را که منطبق با سیاست مستقل ملی دانسته است اعمال و اجرا کند و آیا بنظر شما منشور ملل متحد با اصل حاکمیت دولتها منافات دارد؟

اگر شما از سیاست مستقل ملی و حاکمیت ملی چیز دیگری استنباط میکنید قطعاً در اشتباه هستید. سیاست مستقل ملی ما پیش از هر وقت دیگر ایجاب میکند که در مورد بحرین برای تامین هدفهای بزرگ و دراز مدت ملی خود به تنهایی مرجع جهانی که وجود دارد و حافظ و حامی اصول منشور ملل متحد است مراجعه کنیم. و ما نیز همین کار را کردیم، حال اگر معدودی عقیده دارند که بهتر بود این نوع مشکلات بدست حوادث سپرده شود و به آینده های دور و دراز واگذار شود باید صریحاً اعلام کنم که اینگونه روشهای کهنه و غیر اصولی در کار و برنامه این دولت هیچگاه محلی نداشته و نخواهد داشت.

جای بسی تعجب است که از اظهارات شما چنین بنظر میرسد که نمیخواهید هدفهای ملی ما در محیط آرام و سازنده تامین شود و نمیخواهید ریشه های استعمار در این منطقه خشکد. ملت ایران مصمم است با همکاری برادران مسلمان خود در منطقه خلیج فارس آن استعماری را که قرنهای آن مبارزه میکرده براندازد و طبق دستورات عالیه اسلامی که فرموده است:

تعاونو علی البر والتقوى ولا تعاونو علی الائم و العدوان یعنی: (برای اعمال خیر بایکدیگر همکاری کنید نه برای گناه و دشمنی) و همچنین بفرموده دستور آسمانی «واعصموا بهیال الله جمیعاً ولا تفرقوا» یعنی (همگی در لواء الهی گردآید و از تفرقه پرهیزید) با تعاون و همکاری برادران مسلمان خود امنیت و ثباتی را که لازمه رفاه و سعادت قاطبه مردم این منطقه است حفظ و تقویت کند و با استفاده از امکانات روزافزون خود آنان را در راه ترقیات اجتماعی و اقتصادی بیشتر یاری دهد.

اما شما که افکار سیاسی خود را در قالبهای مخصوص و مطرود قدیمی محدود ساخته اید و به شعارهای شناخته شده دلخوش کرده اید متأسفانه با سیاست خاصی که در پیش گرفته اید دانسته یا ندانسته به بقای استعمار در این منطقه کمک میکنید و موجب نفاق و تفرقه میشوید. افکار شما بهیچوجه مورد قبول دولت و ملت ایران نیست و راه شما جز داعیه های خیالی و رویایی بیش نیست که نه تنها برای میهن ما و دنیای امروز نفعی ندارد، بلکه ضررهای فاحش آن به بشریت در سطح جهانی نیز باثبات رسیده است.

بیش از این وقت نمایندگان محترم رانمیگیرم

و باردیگر از یکایک شما میخواهم که در این قضیه حساس و خطیر یکدل و یکجان ما را در اقداماتی که برای حفظ مصالح ملی خود در جهان متلاطم امروز لازم است یاری فرمائید.

ما اطمینان داریم که اراده مردم بحرین بهر شکل تجلی کند اثرات جدسال جدایی و سیاست تحریک و تفرقه هیچگاه پیوند علائق دیرین مشترك ما را از هم نخواهد گسست. و هدف اصلی ایران آن است که این علائق همواره بر اساس اراده آزاد و ایمان و اعتقاد بسرنوشت مشترك ما استوار باشد و مردم ما و آنسوی خلیج فارس که همه باللهام از اصول مقدس اسلام میتوانند آینده ای بهتر و مرفه تر برای خویش بسازند مسائل خود را فارغ از هرگونه مداخله استعماری حل و فصل کنند.

استعمار باید بهر طریقی که باشد از خلیج فارس رخت بربندد و روابط استعماری بین ملل برادر و همکیش نیز بهر نحوی که باشد از میان برود.

شاهنشاه عالیقدر و دوراندیش ما در این مورد صریحاً فرموده اند که (گرفتن و حفظ کردن سرزمینی که مردم آن با شما ضدیت داشته باشند چه فایده ای خواهد داشت؟ قبل از هر چیز این عمل اشغال محسوب میشود و سیاست و فلسفه ما این است که با اشغال و گرفتن سرزمینهای دیگر از طریق زور مخالف باشیم. پس حتی اگر نتیجه بررسیهای فعلی مردم ایران را قانع سازد که برادران بحرینی ما میخواهند مسئله تحکیم علائق مادی و معنوی خود را با ما در قالبی نو بریزند درهای دوستی و محبت ایران را که خانه طبیعی آنها است همچنان برویشان باز خواهیم گذارد و در مسائل مربوط به پیشرفت و اعتلای آنان فرقی بین آنها و هممیهنان دیگر خود قائل نخواهیم بود.

باشد که این سیاست دور اندیشانه، اعضای گوناگون خانواده اسلامی را در محیطی آزاد و فارغ از نفاق بار دیگر متحد سازد و آنان را با همان سلاح معنوی که روزی دینان اسلام را در اقصی نقاط جهان مستقر ساخت مجهز دارد. شکی نیست که چنین سیاستی بیش از توسل بخاک و خون منافع ما و مردم دیگر خلیج فارس را تامین خواهد کرد، و بر قدرت ایستادگی و توفیق ما علیه دشمنان خارجی پیراتب بیشتر خواهد افزود. شاید بعضی در فکر آن باشند که موضوع بحرین را بصورت مسئله و این مسئله را بشکل غائله و به مثابه آبی برای حرکت آسیاب عوامفریبی و جاه طلبی های شخصی و سوء استفاده از افکار پاك ملی مردم بکار برند ولی باید همواره بیدار باشیم. استعمار در کارگردانی این وقایع، کهنه کار و دارای تجربه فراوان است. مبادا خدای نکرده دست آنان از آستین اینان بی خبر از افسانه ها و ماجراها بدرآید. ساخت مقدس مجلس شورای ملی همواره مرجع ارزشیابی کار دولت بود. است و خواهد بود. از این رو با توضیحاتی که باستحضار نمایندگان محترم ملت ایران رسید رجاء واثق دارم که مجلس شورای ملی رای قاطع خود دولت را در راهی که پیش گرفته است تأیید خواهند فرمود.

\*\*\*

پس از سخنان آقای نخست وزیر آقای عاملی مجدداً پشت تریبون قرار گرفت و توضیحاتی داد. وی اظهار داشت که از پاسخ دولت به استیضاح قانع نشده است.

آقای نخست وزیر پشت تریبون قرار گرفتند و گفتند ما چنین می اندیشیم که وطن پرستی در انحصار هیچکس نیست و همه مردان و زنان و حتی کودکانی که بعنوان ایرانی در خاک ایران زندگی میکنند عاشق ایران و شیفته سرزمین خویشند. بهر حال دولت پاسخ لازم را به استیضاح

داده و گروه پارلمانی حزب پان ایرانیست نیز نظریات خود را ابراز داشته است. اینک قضاوت با مجلس شورای ملی است و من از مجلس تقاضای رای اعتماد میکنم.

\*\*\*

در این هنگام آقای رامبد لیدر فراکسیون پارلمانی حزب مردم نطقی ایراد کرد و اعلام داشت که فراکسیون اقلیت در این مورد خاص بدولت رای اعتماد میدهد.

آقای رامبد گفت: در روزی که آقای وزیر امور خارجه گزارش اقدامات دولت را در باره مسئله بحرین به مجلس تقدیم کرد فراکسیون ما نظریات خویش را بیان داشت و امروز که آقای هوبدا برای کابینه خود درخواست رای اعتماد کرده اند از آنجا که حزب مردم در مسائل خارجی همواره دولت را تقویت و پشتیبانی میکند در این مورد خاص بدولت رای اعتماد خواهد داد.

\*\*\*

سپس آقای ارفع لیدر فراکسیون پارلمانی حزب اکثریت مطالبی بیان داشت و رئیس مجلس اعلام رای کرد.

رای با ورقه گرفته شد. و در پایان رئیس مجلس اعلام داشت که از دویست و سه نماینده حاضر در جلسه یکصد و نود و نه نفر بدولت رای اعتماد داده اند.

چهار رای کبودی که بدولت داده شد متعلق به نمایندگان گروه پارلمانی پان ایرانیست بود. آقای هوبدا نخست وزیر ضمن سخنان کوتاهی از رای مثبت و قاطع نمایندگان مجلس شورای ملی سپاسگزاری کردند و در ساعت یازده و نیم جلسه علنی مجلس شورای ملی پایان یافت.

و ۱۳۷ میلیون ریال برای زارعان و اشخاصی که بامر کشاورزی اشتغال دارند و هنوز عضو شرکتهای تعاونی روستائی نیستند و نیز ۷۹۵ میلیون ریال برای اجرای طرحهای افزایش تولید محصولات کشاورزی که زیر نظر وزارت ندارند پنج میلیارد و ۱۵۰ میلیون ریال وام پرداخته است.

## وام

پرداخت وام به کشاورزان

● بانک تعاون کشاورزی ایران اعلام کرد که در سال گذشته به سیصد و پنجاه هزار خانوار کشاورز که در شرکتهای تعاونی عضویت ندارند پنج میلیارد و ۱۵۰ میلیون ریال وام پرداخته است.

در این مدت کشاورزان و خرده مالکان سراسر کشور پنج میلیارد ریال از بدهی های خود را به بانک کشاورزی پرداختند که این مبلغ نسبت به سال ۴۷ ده و شش دهم درصد فروزی داشت.

در سال گذشته اندوخته های کشاورزان در حسابهای پس انداز به ۴۵۰ میلیون ریال رسید و این رقم نیز نسبت به سال ۴۷ شصت و یک میلیون ریال افزایش نشان میدهد.

پرداخت حدود ۸ میلیارد ریال وام برای کمک به کشاورزان

● نخستین مجمع عمومی بانک تعاون کشاورزی ایران بدینار تصویب و توشیح اساتمامه جدید این بانک تشکیل شد و پرداخت ۷ میلیارد و ۹۳۲ میلیون ریال وام برای کمک به کشاورزان و واحد های کشاورزی و افزایش سطح تولید در کشور را تصویب کرد.

۶ میلیارد ریال از این مبلغ برای شرکتها و اتحادیه های تعاونی روستائی، یک میلیارد

## دادگستری

سوگند قضاوت

● کارآموزان قضایی دوره هفتم طی مراسمی با حضور وزیر دادگستری، رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل کشور سوگند یاد کردند.

طی شش دوره گذشته بر رویهم سیصد و هشتاد و یک نفر با گذراندن دوره های کارآموزی بکسوت قضاوت در آمده اند و به محلهای ماموریت خود اعزام شده اند. در این دوره نیز چهل نفر که پنج نفر آنها بانو بودند و شاگردان اول و سوم نیز از بین آنان بوده است بافتخار قضا نائل میشوند.

خانه های انصاف

● پنج خانه انصاف در پنج روستای فرمانداری بکل یزد بوسیله رئیس کل دادگستری استان کرمان گشایش یافت. با گشایش خانه های انصاف مذکور تعداد خانه های انصاف در حوزه قضائی کرمان که یزد نیز جزو آن است به صد و هشتاد و هفت واحد رسید.

## دارائی

### برنامه وصول مالیاتها و کاهش تماس مأموران با مودیان

● وزارت دارائی اعلام داشت برنامه وصول مالیاتها از طریق بانک ملی که از سال ۱۳۴۷ بطور آزمایشی در تهران اجرا میشد از آغاز سال جاری در سراسر کشور با اجرا گذاشته شده است. این برنامه بمنظور تسهیل وصول مالیات و کاهش هر چه بیشتر تماس مأموران وصول با مودیان مالیاتی اجرا میشود.

● شعب جدید بانک ملی کرد که از روز هفتم فروردین ماه جاری هشت واحد جدید این بانک در رشت، شهرضا، سسج، پندر عباس، نهاوند، ماهن کرمان، نورآباد خرم آباد و داسال در توابع صومعه سرا افتتاح شده است.

● مالیات از اراضی بایر وزارت دارائی نحوه محاسبه وصول مالیات زمین های بایر شهرها را به سازمان های مالیاتی سراسر کشور ابلاغ کرد. بموجب این دستور عملتها زمینهای بایر واقع در محدوده شهرها مشمول مقررات مالیات اراضی بایر است و زمینهای خارج از محدوده شهرها نیز که بعدا وارد محدوده میشود در صورتیکه تا دو سال پس از ورود در محدوده تبدیل به باغ یا ساختمان و سایر تاسیسات پیشبینی شده در آئین نامه مالیات اراضی بایر شود از پرداخت مالیات معاف خواهد بود. درآمدهای گمرکی و مالیاتی کشور بالغ بر ۵۹ میلیارد ریال شد.

● وزارت دارائی آمار درآمد های مالیاتی و گمرکی کشور را در سال ۱۳۴۸ منتشر کرد.

بموجب این گزارش کل درآمدهای حاصله از مالیات های مستقیم و غیر مستقیم و حقوق گمرکی در سال گذشته به پنج میلیارد ریال بالغ میگردد که در حدود هشت میلیارد و پانصد میلیون ریال بیش از سال ۱۳۴۷ میباشد و قسمت اعظم این افزایش وصولی از محل مالیاتهای مستقیم حاصل شده است. میزان وصولی مالیاتهای مستقیم در سال ۱۳۴۸ از نوزده میلیارد ریال تجاوز کرده که نه فقط چهار میلیارد و دو بیست و پنج میلیون ریال بیش از وصولی سال گذشته میباشد بلکه بیش از یک میلیارد و هفتصد میلیون ریال نیز از پیش بینی بودجه سال ۴۸ بیشتر است. براساس این گزارش مهمترین منابع درآمد کشور مالیاتهای مستقیم، مالیات حقوق و مالیات شرکت ها و اشخاص حقوقی میباشد که در هر یک از این دو بخش نسبت بسال قبل بیش از یک میلیارد ریال اضافه وصولی

بدست آمده است. کل وصولی از منبع مالیات حقوق در سال ۴۸ بالغ بر چهار میلیارد و هشتصد و هفتاد و سه میلیون ریال میباشد که یک میلیارد و هفتاد و سه میلیون ریال بیش از سال ۴۷ است و وصولی از منبع مالیات شرکتها و اشخاص حقوقی خصوصی بالغ بر سه میلیارد و نهصد و بیست و هشت میلیون ریال است که قریب یک میلیارد و شصت میلیون ریال بیش از سال قبل میباشد.

در بخش مشاغل نیز مالیات های وصولی به رقم دو میلیارد ریال نزدیک شده که چهار صد و چهل و پنج میلیون ریال بیش از وصولی سال ۴۷ می باشد و در مقایسه با آخرین سال قبل از اجرای قانون جدید بیش از سه برابر و نیم افزایش یافته است.

میزان وصولی مالیاتهای غیر مستقیم در سال ۴۸ (بدون احتساب درآمدهای گمرکی) بالغ بر پانزده میلیارد و چهار صد و نود و دو میلیون ریال بوده که در حدود دو میلیارد ریال بیش از وصولی سال ۴۷ میباشد.

درآمد گمرکات کشور در سال ۱۳۴۸ بالغ بر بیست و چهار میلیارد و پانصد و پنج میلیون ریال بوده که دو میلیارد و شصت و نود و سه میلیون ریال بیش از وصولی سال ۴۷ میباشد. درآمد گمرک بدون احتساب حقوق گمرکی و سود بازرگانی و حق انحصار وزارتخانه ها و موسسات دولتی نیز بیش از یک میلیارد و هفتصد و بیست و هفت میلیون ریال نسبت بسال ۴۷ افزایش نشان میدهد.

## پیشاهنگی

شرکت ۲۵ هزار روستایی نخستین جلسه هیئت همکاری پیشاهنگی روستائی کشور در سال جاری در دفتر رئیس سازمان ملی پیشاهنگی ایران تشکیل شد. در این جلسه اعضای هیئت رئیس و روسای کمیته های هشت گانه هیئت همکاری پیشاهنگی روستائی انتخاب شدند و در باره اردو های جمعبوری پیشاهنگی روستائی کشور که ۲۵ هزار نفر از روستائیان در آن شرکت خواهند داشت بحث و مذاکره شد.

## آموزش

کارآموزی دبیران ریاضی یک کلاس کارآموزی شش روزه برای دبیران ریاضی حران و شهرستان هائیر نظر پرفسور ذکفور رئیس دانشکده علوم شهر پواتیه فرانسه و چهار کارشناس عالی دیگر در باشگاه معلمان تهران تشکیل شد. در این کلاس هشتاد نفر از دبیران ریاضی شرکت داشتند.

## «لیلا» نوزاد تازه دربار

سلطنتی ● دربار شاهنشاهی ضمن اعلامیه ای اطلاع داد که خداوند قادر متعال به شاهنشاه و شهبانوی ایران فرزندی گری عنایت فرمود.

برای نوزاد که دختر است نام «لیلا» انتخاب گردید.

از جمله نخستین دسته گل هایی که به بیمارستان رسید، سیدی بزرگ مملو از گل ارکیده بود که از جانب حضرت نیکلای پادگورنی صدر هیئت رئیس شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی - سوسیالیستی فرستاده شده بود. این سید گل را آقای کولوف رئیس تشریفات وزارت امور خارجه شوروی شخصا به بیمارستان آورد.

## آموزش صنعتی

● چهارمین دوره کلاس های کوتاه مدت رشته تعمیر و نگهداری و طرز کار ماشین های کشت برنج بایان یافت و ۴۰ نفر شرکت کنندگان در این دوره گواهینامه های خود را دریافت داشتند. از آغاز آذر ماه سال ۱۳۴۸ تاکنون بیش از ۱۴۰ نفر از روستائیان این استان دوره های هنرستان صنایع روستائی را گذرانده اند.

## توزیع هدایا

● علیاحضرت شهبانو و الاحضرت همایون ولایتعهد امال برای دانش آموزان بنادر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان هدایایی برسم عیدی فرستادند.

این عیدیها که شامل ۳۸۰۰ دست لباس، لوازم تحریر و شیرینی بود در جعبه های زیبایی بسته بندی شده است که بین دانش آموزان مدارس جزایر قسم، هرمز، لارک، هنگام، سری، کیش، لاوان و هندورابی توزیع شد.

## ایرانیان مقیم خارج

● آقای امیر فیروزآبادی دانشجوی ایرانی دانشکده ویسکانسین آمریکا بطرز مبتکرانه ای تشریهای درباره ایران انتشار داده و اطلاعات جالبی درباره میدان خویش در اختیار استادان و دانشجویان دانشگاه گذارده است. آقای فیروز آبادی همچنین سخنرانی آموزنده ای درباره تاریخ و تمدن گذشته و تحولات کنونی میهن خود برای دانشجویان در دانشگاه ویسکانسین ایراد کرد.

## ارتباطات

### فعالیت در اسفندماه

● وزارت راه اطلاع داد که طی اسفندماه گذشته کار های ساختمانی ۲۰۶ کیلومتر راه فرعی بین شفت سیاه مزگی، نصیر محله و گوراب پس در استان گیلان، باغ ملک، رامهرمز، مانهشهر و بیدبلند در استان خوزستان، شاده آباد، فرح آباد در مازندران، بالانش و اشویه در آذربایجان غربی و سرپل ذهاب در منطقه کرمانشاهان پایان رسیده است.

افزایش سرعت سیر قطارها به ۱۰۰ کیلومتر در ساعت

● وزارت راه اعلام کرد که با زیر سازی و تعمیرات اساسی خطوط آهن کشور سرعت سیر قطارهای مسافری از ۷۰ کیلومتر به ۸۰ کیلو متر در ساعت افزایش یافته و بزودی به ۱۰۰ کیلومتر در ساعت میرسد.

درآمد راه آهن ● درآمد راه آهن دولتی ایران در اسفندماه گذشته بالغ بر ۳۱۸ میلیون ریال گردید. این درآمد از بابت کرایه حمل بار و مسافر بوده است. درآمد ماه اسفند نسبت به ماه مشابه در سال گذشته ۴۰ میلیون ریال فزونی داشته است.

درآمد راه آهن در سال گذشته

● در سال گذشته بیش از سه میلیون و ۶۰۸ هزار نفر مسافر با قطار به نقاط مختلف کشور سفر کرده اند و این رقم نسبت بسال ۱۳۴۷ حدود ۱۹۵ هزار نفر و نسبت بسال ۱۳۴۶ هشتصد و بیست هزار نفر افزایش داشته است. جمع درآمد راه آهن دولتی ایران از محل کرایه حمل بار و مسافر در سال گذشته بیش از سه میلیارد و ۵۳۱ میلیون و ۲۲۶ هزار ریال بوده است.

این مبلغ نسبت به درآمد سال ۱۳۴۷ بیش از ۲۴۵ میلیون و ۴۱۲ هزار ریال افزایش نشان میدهد.

## سنتو

تشکیل اجلاس در تهران ● بیست و یکمین جلسه کمیته نظامی سازمان پیمان مرکزی «سنتو» روزهای ۱۸ و ۱۹ فروردین ماه سال جاری در تهران تشکیل گردید. روسای ستاد کل کشورهای ترکیه، انگلستان، آمریکا و نمایندگان نظامی ارتش پاکستان در این اجلاس به شرکت کردند شرکت کنندگان در اجلاس به حضور شاهنشاه آریامهر نیز شرفیاب شدند. تشکیل اجلاس کمیته نظامی سنتو در تهران ● بیست و یکمین اجلاس کمیته نظامی سازمان پیمان

مرکزی (سنتو) ریاست تیمسار ارتشید جم رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران در باشگاه افسران تهران تشکیل شد. در این کمیته که جلسات آن دو روز بطول انجامید روسای ستاد کل ارتش های ترکیه، انگلستان و آمریکا نماینده دائمی نظامی پاکستان در سازمان پیمان مرکزی و هیئت نمایندگی ارتش شاهنشاهی شرکت داشتند.

ریاست این اجلاس به تیمسار ارتشید جم رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران برعهده داشت. تیمسار سپهبد غلامرضا ازهاری جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ریاست هیئت نمایندگی ایران و تیمسار ارتشید ارشاد احمدخان نماینده دائمی نظامی پاکستان در سازمان پیمان مرکزی ریاست هیئت نمایندگی پاکستان را بر عهده داشتند و تیمسار ارتشید ممدوح تاماج ریاست ستاد کل ارتش ترکیه و مارشال نیروی هوائی سلطنتی انگلستان سر چارلز الورتی رئیس ستاد دفاع آن کشور و همچنین تیمسار ارتشیدارل ویلر رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح آمریکا بترتیب ریاست هیئت های نمایندگی ترکیه، انگلیس و ایالات متحده آمریکا را بر عهده داشتند.



## بیمه

بیمه سپاهیان دانش ● پنجاه و یک هزار و نهصد و شصت و هفت نفر از سپاهیان دانش و آموزگاران روستائی در سال ۱۳۴۸ در مقابل حوادث، نقص عضو و بیماری بیمه شدند.

همکاری آموزشی ● یک قرارداد همکاری آموزشی بین سازمان بیمه های اجتماعی و بنیاد ملکه پهلوی بامضاء رسید. بموجب این قرارداد همه ساله بیست و یک هزار نفر از جوانان بیمه های اجتماعی تربیت خواهند شد.

تاسیس شعبه شرکت سهامی بیمه ایران

● در امارت دومی حضرت شیخ راشد بن سعید آل مکتوم حاکم امارت دومی شعبه شرکت سهامی بیمه ایران را در این امارت افتتاح کرد و از طرف ایشان یک میهمانی شام نیز باقتضای مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران که به این امارت سفر کرده است ترتیب یافت.

مدیر عامل شرکت سهامی بیمه ایران که در رأس هیئتی به امارات خلیج فارس رفته است پس از بازدید از شارجه، عجمان، ام القوین و راس الخیمه بتهران باز گشت.

## جشنها

### روسی کمیته‌های جشنهای شاهنشاهی

● اعلام شد که حضرت رئیس جمهوری ایتالیا ریاست عالیته کمیته برگزاری جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران در آن کشور را برعهده گرفته‌اند.

دفتر اطلاعات و انتشارات شورای مرکزی جشن شاهنشاهی ایران اعلام داشت که در کمیته جشن شاهنشاهی ایران در آلمان فدرال نیز چندتن از نخست وزیران ایالتی، چند وزیر کابینه و نماینده پارلمان، شهرداران کلن و وین، رئیس و اعضای اتحادیه صنایع آلمان و ده نفر ایران شناس معروف آن کشور عضویت یافته‌اند. ریاست این کمیته را حضرت رئیس جمهوری آلمان فدرال شخصاً برعهده دارند. در سوئد نیز والا حضرت پرنس برتیل فرزند ارشد اعلیحضرت پادشاه سوئد ریاست کمیته جشن شاهنشاهی ایران را برعهده میگیرند.

## کنفرانس‌ها و

### سمینارها

#### نخستین کنفرانس ریاضی کشور

● نخستین کنفرانس ریاضی کشور در تالار پور داود دانشکده ادبیات و علوم دانشگاه پهلوی گشایش یافت. در این کنفرانس گروهی از صاحب نظران وزارت علوم و آموزش عالی وزارت آموزش و پرورش و موسسه آمار استادان ریاضی دانشگاه‌ها و مدارس آموزش عالی کشور و دوتن از ریاضی دانان کشور های انگلستان و ایتالیا شرکت داشتند.

در جلسات سه روزه این کنفرانس درباره راههای توسعه تحقیقات ریاضی بهبود نحوه تدریس آن در دانشگاهها و آموزشگاههای عالی بحث و تبادل نظر شد.

#### درباره پیشگیری و مبارزه با آفات

● سمینار هفت روزه مروجان کشاورزی استان اصفهان و فرمانداریکل بختیاری و چهارمحال که در مرکز آموزش کشاورزی کبوترآباد تشکیل شده بود پایان یافت.

در این سمینار درباره نحوه مبارزه و پیش گیری آفات و بیماریهای گیاهی، استاندارد میوه‌ها و خشکبار و طرز کار و نگهداری تراکتور بوسیله کارشناسان مطالبی ایراد شد و برنامه‌های آینده اداره ترویج مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت.

#### سمینار کوتاه مدت سپاهیان دانش

● سمینارهای سه روزه سپاهیان دانش دختر و پسر مامور خدمت در استان های کرمانشاهان و آذربایجان غربی

و فرمانداریهای کل ایلام و پشتکوه و همدان و همچنین شهرستانهای گرگان و گنبد قابوس پایان یافت. در جلسات این سمینارها مسائل و مشکلات حوزه‌های ماموریت سپاهیان دانش و نیز چگونگی هماهنگ ساختن فعالیت سازمانهای مختلف و لزوم توسعه پیکار بایسودای و تربیت پیشاهنگی در سطح روستاها مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفت و درباره گسترش برنامه‌های آموزشی، عمرانی کشاورزی و بهداشتی در روستاهای این مناطق تصمیماتی گرفته شد.

## شهر و مسائل شهری

### نامگذاری يك خيابان

● بمناسبت سفير اخير شاهنشاه آريامهر بپاکستان و استقبال بي نظير دولت و مردم آنکشور از معظله و باتوجه باين که در سفر شاهانه به لاهور و کراچي چند خيابان بنام «ايران» نامگذاري شده است يکي از خيابانهای تهران بنام «پاکستان» نامگذاري شد. اين خيابان در عباس آباد واقع است.

### قدردانی از شهردار

● انجمن شهر تهران در يکي از جلسات خود خدمات آقای نيک بي شهردار پایتخت را مورد قدردانی قرار داد. در این جلسه که بریاست آقای فرهودی تشکیل شد رئیس انجمن شهر بفعالیتهای شهرداری در مدت پنج ماه گذشته اشاره کرد و کوششهای

## برنامه جشن بهاره

● در جشن بهاره باشکوهی که از طرف ایرانیان مقیم لوس آنجلس در هیلتن هتل این شهر ترتیب یافت برنامه ویژه‌ای برای شناسائی ایران اجرا شد و پیشرفتهای اخیر کشور مورد تشریح و تفسیر قرار گرفت.

در این جشن که به همت یکی از ایرانیان بنام آقای اسد تهرانی برپا شد بیش از ۶۵۰ نفر شرکت داشتند و پس از قرائت پیام شهردار لوس آنجلس به شرکت کنندگان در جشن و ایراد يك سخنرانی درباره پیشرفتهای ایران چند برنامه هنری ایرانی اجرا شد.

این جشن «جشنواره بهاره» نام گرفته بود. گزارش رسیده حاکیست که بکوشش همین ایرانی و کمک مالی يك ایرانی دیگر مقیم لوس آنجلس يك برنامه نیمساعته معرفی ایران که «صدای ایران» نام دارد از رادیو لوس آنجلس پخش میشود و تاکنون بیش از هفت برنامه در این زمینه برای شنوندگان امریکائی پخش شده است.

شهردار تهران رادر راه عمران و آبادی پایتخت و رسیدگی بامور شهری رامورد قدردانی قرار داد.

### میدان دام تهران

● ساختمان میدان دام تهران در مجاورت کشتارگاه پایان یافت و بسازمان گوشت کشور تحویل شد.

این میدان باده میلیون ریال هزینه درزمینی بساحت ده هزار متر مربع برای نگهداری پنج هزار دام ساخته شده است. درمجاورت کلیه کشتارگاههای منطقه‌ای نظیر چنین میدانهای ایجاد خواهد شد.

تصویب پیشنهاد شهرداری ● پیشنهاد شهرداری پایتخت در مورد اختصاص مبلغ بیست میلیون ریال اعتبار برای ساختمان پرورشگاه کودکان شهرداری در جلسه

بموجب این گزارش تنها در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

یکهزار و ۸۲۴ صندوق دارو و لوازم پزشکی در اختیار موسسات درمانی سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گذاشته شد.

### کارهای سازمان شاهنشاهی

#### خدمات اجتماعی

در سال ۱۳۴۸

● طی سال گذشته در دویت و پنجاه و پنج درمانگاه و بیمارستان وابسته بایسن سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سراسر کشور حدود چهار میلیون و پانصد هزار بیمار درمان شده‌اند، و نیز بیش از سیصد هزار دانش آموز از درمان و داروی رایگان در این مراکز استفاده کرده‌اند. همچنین بیش از ۲۵ هزار خانوار نیازمند در اندرگاههای سازمان تحت مراقبت و حمایت قرار گرفتند و به آنها در زمینه‌های بهداشتی و غذایی کمک شد. در سال گذشته پانزده میلیون جلد کتابهای درسی ابتدایی با کمک وزارت آموزش و پرورش و سازمان برنامه چاپ شد و در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت. در این مدت یازدهموسه درمانی نوین در نقاط دور افتاده مملکت از طرف این سازمان دایر شده و ساختمان ده درمانگاه جدید نیز آغاز گردیده است.

ایران

● پروفیسور (لئورنارد) باین

(در) استاد دانشگاه شیکاگو با

آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی ملاقات کرد.

در این ملاقات که چند تن از معاونان وزارتخانه‌ها و جمعی از دانشمندان کشور حضور داشتند درباره مسائل دانشگاهی گفتگو و تبادل نظر بعمل آمد.

سفر رئیس دانشگاه بخارست به ایران

● به دعوت دانشگاه تهران

آقای «جان لیوسکو» رئیس دانشگاه بخارست به ایران آمد.

آقای جان لیوسکو مدت یک هفته میهمان دانشگاه تهران بود و در این مدت از دانشگاه و همچنین آثار باستانی ایران در اصفهان و شیراز دیدن کرد.

دیدار معلمین بلژیکی

● ۳۴۵ تن از دبیران دبیرستان های دخترانه و پسرانه بلژیک برای انجام يك دیدار علمی به ایران آمدند. اعضاء این گروه همچنین از آثار تاریخی و باستانی در شهرستانهای شیراز و اصفهان نیز دیدن کردند.

سفر معاون مدیر کل یونسکو

● آقای «ریبرو» معاون مدیر کل یونسکو برای يك بازدید سه روزه از ایران وارد تهران گردید. وی در مدت اقامت خود در تهران با آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی خانم دکتر

پارسای وزیر آموزش و پرورش و چندتن از مقامات یونسکو در ایران ملاقات و مذاکراتی بعمل آورد.

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

بموجب این ملاقات و مذاکراتی

## مسابقات

### مسابقه اتومبیل رانی

● دومین کنفرانس برگزاری مسابقه‌های اتومبیل رانی در شاهراههای آسیایی با شرکت نمایندگان ایران، افغانستان، پاکستان، نپال و هند در تهران گشایش یافت. این کنفرانس بریاست رئیس اداره سازمانهای بین المللی وزارت امور خارجه تشکیل شد و در آن چگونگی برگزاری مسابقه های اتومبیل رانی در مسیر «تهران - داکا» مورد بررسی قرار گرفت.

### انجام مسابقات ورزشی روستائی

● بمنظور گسترش امر ورزش و توسعه روح اتحاد و تعاون در روستاها و تشویق جوانان روستائی برای شرکت در بازیهای ورزشی و تفریحات سالم مقدمات برگزاری نخستین دوره مسابقه‌های قهرمانی روستائی در استان خراسان فراهم شد.

این مسابقه‌ها با همکاری سازمان تربیت بدنی و تفریحات سالم و وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی از نیمه اول اردیبهشت ماه آغاز گردید.

### همکاری منطقه‌ای

#### کنفرانس علمی

● نخستین کنفرانس مراکز اسناد و مدارك علمی کشورهای عضو پیمان همکاری عمران منطقه‌ای در تهران تشکیل شد.

## خدمات

### کمکهای سازمان شاهنشاهی به

#### درمانگاهها و بیمارستانها

● سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی گزارش داد که در سال گذشته ۲۸ هزار و ۵۴۳ صندوق دارو و وسایل طبی و جراحی از طرف این سازمان برای درمانگاهها و بیمارستانهای سازمان در سراسر کشور و تعدادی از موسسات بهداشتی و درمانی و خیریه ارسال شد که برایگان مورد استفاده مردم قرار گرفته است.

بموجب این گزارش تنها در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

در اسفند ماه سال گذشته

آن صاحبان این مشاغل از گروه خود به گروه‌های بالاتر ارتقاء خواهند یافت.

### انحلال چند انجمن شهر

● بتصویب هیئت وزیران انجمن های شهر کاشان، ورامین، خرمشهر، شوشتر، بروجرد، خوی، سردشت و پیرانشهر بعلت تخلفات و انحرافهایی که در آنها بوجود آمده بود منحل شد.

انحلال انجمن های این شهرها از طرف استانداران و فرمانداران کل پیشنهاد شد و در هیئت مخصوصی که بموجب ماده ۴۱ اصلاحی قانون شهرداری تشکیل میشود مورد بررسی دقیق و تأیید قرار گرفت و تصویب نامه هیئت وزیران با استناد گزارش این هیئت صادر شد.

## دولت

### تغییر در وضع استخدامی

#### آموزگار، دبیر، پزشک و نظایر آن

● دولت در مورد مشاغلی مانند دبیری، آموزگاری، پزشکی و نظائر آنها که تغییر شغل نمیدهند موافقت کرده این متن به ماده ۱۳۷ قانون استخدام کشوری اضافه شود. «در مشاغلی مانند آموزگاری، دبیری، پزشکی و نظایر آنها که مراتب اداری در آن ملحوظ نیست طبقه بندی بر طبق آئین نامه خاصی باتوجه به تجربه و تخصصی که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی پیشنهاد خواهد شد انجام خواهد گرفت و بر طبق

## صنعت

**ایجاد واحد های جدید صنعتی**  
● وزارت اقتصاد برای هفت واحد صنعتی و تولیدی در استان فارس و شهرستان های تبریز و مشهد پروانه تاسیس صادر کرد.

در این واحدها جمعا بیش از شصت و پنج میلیون و هشتصد و پنجاه هزار ریال سرمایه گذاری شده است. يك كارخانه آجرپزی مدرن از نوع (كور هوفمان) نیز در بندرعباس در دست احداث است كه ظرفیت تولید سالانه آن ۲۰ میلیون آجر خواهد بود.

## وام صنعتی

● بانک عمران اعلام کرد در اسفند ماه سال گذشته ۱۳ وام صنعتی ب مبلغ نهمی میلیون و ۹۲۵ هزار ریال از طرف صندوق ضمانت صنعتی این بانک به صاحبان صنایع دستی و كوچك پرداخت شده است. این وامها در تهران، مشهد، همدان، بندرپهلوی، اصفهان رشت و رضائیه داده شده است.

## اولین ماشین تراش علمی

● اعلام شد كه برای نخستین بار در ایران يك ماشین نمونه تراش علمی در ناحیه صنعتی اهواز ساخته شده است.

این ماشین بوسیله چندتن از كارشناسان و كارگران ایرانی و با كمك كارشناسان سازمان ملل متحد ساخته شده و كشور را از ورود ماشین های مشابه بی نیاز كرده کرده است.

## کنفرانس دیپلماتهای آمریکائی در تهران

● کنفرانس سفیران آمریکا در خاورمیانه در تهران تشکیل شد.

این کنفرانس با حضور و شرکت دیپلماتهای آمریکائی مقیم کشور های خاور میانه و جنوب آسیا و دو تن از معاونان وزارت امور خارجه آمریکا تشکیل گردید.

الیوت لی ریچاردسن و جوزف سیسکو معاونان وزارت امور خارجه ضمن شرکت در این کنفرانس به حضور شاهنشاه آریامهر نیز شرفیاب شدند.

## تحقیقات

### قرارداد همکاری

● يك قرارداد همکاری تحقیقاتی بین مرکز تحقیقات روستائی وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و دانشگاه تهران امضاء و مبادله شد.

وزیر اصلاحات ارضی و تعاون روستائی هنگام امضای این قرارداد اظهار داشت كه وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی برای انجام وظایف خود و حصول نتایج بهتر از برنامه های درست اجرا همیشه به تجربیات و امکانات وسیع تحقیقاتی

دانشگاهها و مراکز علمی كشور و دانشگاهها و موسسات تحقیقاتی بین السملی نیاز دارد.

رئیس دانشگاه تهران نیز طی سخنانی اظهار امیدواری كرد كه نتیجه این بررسیهای تحقیقاتی و علمی رضایت بخشی باشد.

## انجام مطالعات در مورد شناخت عوامل زراعی

● موسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک وزارت كشاورزی در سال گذشته ضمن مطالعات خاکشناسی در زمینه تعیین نیاز غذایی و رابطه بین مواد موجود در خاک و نسبت جذب و میزان مصرف در تناوبهای مختلف آزمایشات گوناگونی روی عوامل مختلف زراعی انجام داده است. آزمایشات مذکور در مورد آبیاری روی گندم، برنج، پنبه، سیب زمینی، هندوانه، خربوزه، یونجه، آفتابگردان، كنف، چنار، كدو، لوبیا، ذرت، گلرنگ نخود و همچنین درختان به، سیب، پسته، خرما، پرتقال، انگور و چای بوده است.

## درباره حاصلخیزی خاک

● موسسه خاکشناسی و حاصلخیزی خاک وزارت كشاورزی در سال ۴۸ مطالعات صحرائی خاک شناسی خود را در سطح ۸۷۸۰۰ هكتار بطور تفصیلی و در ۴۰۰۰۰ هكتار نیم تفصیلی و در ۲۱۶۰۰۰ هكتار بطور اجمالی انجام داده است. این مطالعات در مناطق جیرف، قزوین، دشت ذهاب، رضائیه، دشت ناز، مهاباد، ساری، بجنورد، كهگیلویه، قوچان و شیروان انجام گرفته است در مناطق مهران، آب سرد، قائنات، ماکو، پلدشت، دیزج، اردبیل، سرور رود، سرخس، اسلام، ساری، فومن، قزوین و جیرفت نیز نقشه های خاک و طبقه بندی آن و گرافهای آزمایشگاهی تهیه و تنظیم شده است.

## درباره دفع ملخ

● پنجمین کمیته اجرائی ششمین کمیسیون منطقه ای دفع ملخ صحرائی جنوب غربی آسیا وابسته به سازمان خواربار و كشاورزی ملل متحد با شرکت نمایندگان کشورهای پاکستان، ایران، هند، افغانستان و با حضور رئیس سازمان حفظ نباتات و نمایندگان سازمان خواربار و كشاورزی در تهران تشکیل شد.

جلسات این کنفرانس سه روز بطول انجامید.

## مطالعات خاکشناسی

● وزارت كشاورزی اعلام كرده كه دو هزار و يكصد و هفت نمونه خاک از نظر شیمیایی و فیزیکی در آزمایشگاههای موسسه خاک شناسی و حاصلخیزی خاک این وزارتخانه تجزیه شد. يكصد و پانزده نمونه آب و ۲۳۰ نمونه گیاه در

آزمایشگاه های این موسسه تجزیه شد. همکاری تحقیقاتی در امور شرکتهای زراعی ● يك قرارداد همکاری تحقیقاتی بین وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و دانشگاه تبریز، تبریز امضاء شد.

این قرارداد بمنظور ارزش یابی اثرات اجرائی قانون شرکتهای سهامی زراعی و بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی شرکتهای تعاونی روستائی در آذربایجان شرقی امضاء شده است.

## دعوت از كشتی اتمی تحقیقاتی اتوهان

● دانشگاه صنعتی آریامهر از اولین كشتی اتمی تحقیقاتی اتوهان در اروپا دعوت نموده تا جهت بازدید علمی وارد آبهای ایران گردد.

این كشتی سومین كشتی اتمی تحقیقاتی جهانی است. منظور از ساخت این كشتی تحقیق و بررسی در مورد مشكلات استفاده انرژی اتمی در كشتی رانی می باشد و یکی از امتیازات جالب آن نسبت به كشتی های معمولی اینست كه با سوخت گیری فقط ۲۰ کیلوگرم فز اورانیوم ۲۳۵ میتواند مسافت تقریبی سیصد هزار میل دریائی كه معادل چهارده بار مسافت دور دنیا است بدون سوخت گیری دوباره بپیماید. در صورتیکه كشتی های معمولی احتیاج به سوخت گیری چهارصد هزار تن نفت برای چنین مسافرتی دارند.

تعدادی از دانشجویان دانشگاهها و موسسات عالی صنعتی و متخصصین علاقمند در برنامه بازدید از كشتی مذکور شرکت کردند.

در این بازدید يك مسافرت چند ساعته دریائی با كشتی اتمی تحقیقاتی اتوهان در نظر گرفته شده بود.

## همکاری با دانشگاه لیون

● براساس همکاریهای فنی بین دانشكده دامپزشکی لیون فرانسه و دانشكده دامپزشکی دانشگاه تهران دو تن از استادان دانشكده مذکور بمدت يكماه در دانشكده دامپزشکی دانشگاه تهران با گروههای مربوطه همکاری خواهند داشت. این برنامه با كمك اداره همکاریهای فنی كشور فرانسه اجراء میگردد.

## كارخانه تولید قاب عینك

● تنها در سال گذشته يك میلیون قاب عینك وارد كشور شده است و محصولات این كارخانه ایران را از نظر ورود قاب عینك بی نیاز خواهد كرد.

● پروانه تاسیس اولین كارخانه دور عینك سازی مشهد صادر شد و از سال آینده بهره برداری از آن آغاز می شود.

این واحد هم سالانه ۲۸۰ هزار قاب عینك تولید میکند

و در آن نزدیک به ۳۰ میلیون ریال سرمایه گذاری شده است. مصنوعات كارخانه تراكتور سازی تبریز

● كارخانه تراكتور سازی تبریز نخستین قسمت محصول خود را كه شامل سي دستگاه تراكتور بود در اختیاربنگاه توسعه ماشینهای كشاورزی آذربایجان شرقی گذاشت تا با شرایط آسان به كشاورزان این منطقه فروخته شود. از این پس هرماه در حدود سیصد دستگاه تراكتور از ساخته های این كارخانه در اختیار كشاورزان قرار خواهد گرفت.

## ارتش و ژاندارمری

اطلاعیه اداره وظیفه عمومی در مورد مشمولین متولد ۱۳۲۹ و ۱۳۳۰

● از طرف اداره وظیفه عمومی در مورد احضار متولدين ۱۳۳۰ و اعزام متولدين ۱۳۲۹ اطلاعاتی انتشار یافت.

بموجب این اطلاعیه متولدين ذكور سال ۱۳۳۰ باید در سال ۱۳۴۹ برای روشن كردن وضع خود در تهران بحوزه های وظیفه عمومی و در شهرستانها بگروهها و پاسگاههای ژاندارمری مستقر در مراکز شهرستان و بخش مراجعه كنند و برگ قانونی وظیفه عمومی تهران برای سال بعد دریافت دارند. متولدين ذكور اتباع ایران كه در كشور های خارجی اقامت دارند باید بنمایندگی های سیاسی یا كسولی ایران در كشور محل

اقامت و یا نزدیکترین نمایندگی سیاسی یا كسولی ایران مراجعه كنند و پس از روشن شدن وضع مشمولیشان برگ قانونی دریافت دارند.

رسیدگی بوضع آندسته مشمولانی كه پس از صدور فرمان احضار طبقه مربوطه موقتاً بخارج از كشور مسافرت كرده اند و همچنین مشمولانی كه برای تحصیل بكشور های خارجی رفته اند بمهده سازمان های وظیفه عمومی داخله كشور است و نمایندگیهای دولت شاهنشاهی در كشور های خارج بوضع مشمولیت آنان رسیدگی نخواهند كرد.

## سپاهیان انقلاب

فعالیت نوزده هزار و شصت و ده سپاه دانش در سال ۴۸

● سازمان سپاه دانش گزارش فعالیتهای ۱۳۴۸ خود را انتشار داد. این گزارش حاکیست كه در سال گذشته سیزده هزار و سیصد و پنجاه نفر دیپلمه پرس و شش هزار و دویست و شصت نفر دیپلمه دختر در چهارده پادگان نظامی و پانزده مركز آموزشی تعلیمات شش ماهه سپاه دانش را فرا گرفته اند و برای نخستین بار دویست و سه نفر از زنان لیسانسیه پس از گذراندن يك دوره ششماهه در دبیرستانهای مركز بخش ها و شهرستانها مشغول تدریس شدند.

در این سال باتوجه به نیاز روستاها در مواد درسی سپاهیان دانشی تجدید نظر كلی بعمل آمد و دوره

در جلسات این کمیسیون پیشرفتهای زنان در زمینه به دست آوردن حقوق سیاسی، مسئله جوانان و حقوق بشر، شرکت زنان در اجرای برنامه های توسعه و آبادانی و اجرای خدمات آبادانی داوطلبانه در روستاها و نقش زنان در مبارزه بابیسوادی و حقوق اقتصادی زن و قوانین مربوط بكار و برنامه های تنظیم خانواده مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

تشکیل خانه (زن)

## زنان

### بیست و سومین اجلاسیه

● بیست و سومین اجلاسیه کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد از سوم تا بیست و یکم فروردینماه در ژنو برگزار گردید و ایران برای سومین بار پی در پی بعضویت این کمیسیون انتخاب شد.

از طرف والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه سازمان زنان ایران مبلغ ۵ میلیون ریال برای ایجاد پنج خانه زن در استان ساحلی بنادر اختصاص خواهد یافت. هزینه این خانهها ده میلیون ریال پیش بینی شده كه پنج میلیون ریال آن از اعتبارات محلی تامین میشود زمین خانه های زن استان ساحلی بنادر نیز از طرف شهرداریهای محلی در اختیار سازمان زنان ایران گذاشته خواهد شد.

از طرف والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی ریاست عالییه سازمان زنان ایران مبلغ ۵ میلیون ریال برای ایجاد پنج خانه زن در استان ساحلی بنادر اختصاص خواهد یافت. هزینه این خانهها ده میلیون ریال پیش بینی شده كه پنج میلیون ریال آن از اعتبارات محلی تامین میشود زمین خانه های زن استان ساحلی بنادر نیز از طرف شهرداریهای محلی در اختیار سازمان زنان ایران گذاشته خواهد شد.



## کودک

### روز کتاب کودک

● بمناسبت روز جهانی کتاب کودک در کتابخانه‌های شماره ۳ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه وحیدیه مراسمی برگزار شد.

روز جهانی کتاب کودک مصداق یا سالروز تولد کریستیان آندرسن داستان‌سرای مشهور کودکان است در مراسمی که باین مناسبت در کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و کتابخانه وحیدیه ترتیب یافت کودکان بازندگی آندرسن نویسنده بزرگ کتاب برای بچه‌ها آشنا شدند. همچنین مراسمی نیز در کتابخانه مرکزی کانون در پارک فرح برگزار شد و در ۱۴ کتابخانه تهران و ۳۷ کتابخانه در شهرستانها نیز که وابسته به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است مراسمی ترتیب یافت. آغاز کار یک مهد کودک انجمن ملی حمایت

کودکان اعلام کرد که نخستین مهد کودک این انجمن بنام «مهد کودک فرحناز پهلوی» در خیابان سیروس آغاز بکار کرده است.

در این مهد کودک یکصد کودک دو تا شش ساله که پدران و مادران آنها کار میکنند بطور روزانه نگهداری خواهند شد.

### نمایش عروسکی

● والا حضرت همایون ولیمهد باتفاق والا حضرت شادخت فرحناز و والا حضرت شاهپور علیرضا پهلوی از یک برنامه نمایش عروسکی بنام «بیر کوچولو» که بوسیله هنرمندان رومانی در کتابخانه پارک نیاوران اجرا شد دیدن کردند.

## کشاورزی

### وزارت کشاورزی در

سال ۱۳۴۸

● گزارش وزارت کشاورزی حاکیست که ۴۵۰ نفر مروج کشاورزی و دو هزار و ۶۹۰ نفر سپاهی ترویج و آبادانی در سال گذشته نه

هزار و ۲۶۸ هکتار مزرعه نمونه آموزشی با استفاده از بذرهای اصلاح شده احداث کرده‌اند و نیز ۱۳۲ هکتار باغ جدید و قلمستان بوجود آورده‌اند.

مروجان کشاورزی و سپاهیان ترویج و آبادانی همچنین برای مبارزه با بیماری‌های دامی بیش از چهار میلیون و دویست و سه هزار راس دام و هفتصد و نود و نه هزار پرند را علیه بیماری‌های مختلف مایه کسوبی کرده‌اند.

در زمینه بالا بردن سطح معلومات کشاورزان سراسر کشور نیز هیجده هزار کلاس کوتاه مدت ترویجی تشکیل شده و بیش از دویست و هفتاد هزار کشاورز در این کلاسها شرکت نموده‌اند.

● ماموران اداره حفظ نباتات آذربایجان غربی در سطح ۱۳۴ هکتار از باغهای این استان ۳۲ هزار و ۹۸۲ اصله درخت را سمپاشی کردند. سخنگوی وزارت کشاورزی گفت اداره حفظ نباتات

آذربایجان غربی بمناسبت فرا رسیدن بهار مبارزه علیه آفات درختان میوه را تشدید کرده است.

### نقشه برداری و تسطیح اراضی قزوین

● وزارت کشاورزی گزارش داد که محصول پنبه هکتار از اراضی شرکت سهامی دامپروری و کشاورزی اله آباد قزوین عملیات نقشه برداری و تسطیح بحرله اجرا درآمد است.

● وزارت کشاورزی گزارش داد که محصول پنبه کشور در سال ۴۸ افزایش قابل توجهی یافت و کشت این محصول در سطح ۳۳۸ هزار هکتار انجام شد و نسبت به سال ۴۷، ۵۲ هزار هکتار فرونی داشت. در این مدت محصول پنبه محلول (تصفیه شده) به ۱۶۷ هزار و ۴۰۵ تن رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۵۰ هزار تن افزایش نشان میدهد.

مروجان کشاورزی دوره آموزشی نخستین

گروه مروجان کشاورزی در آموزشگاه عملی کشاورزی اله آباد کمین فارس پایان یافت و ۶۲ نفر سپاهیان ممتاز ترویج و آبادانی که در این دوره شرکت کرده بودند برای عزیمت بروستاها آماده شدند.

### تلگرام تبریک شاهنشاه آریامهر

● بمناسبت بازگشت سرنشینان آیولو ۱۳

● بمحض بازگشت سه فضانورد سفینه آیولو ۱۳ از زمین این تلگرام از طرف شاهنشاه آریامهر برای حضرت رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا ارسال شد:

حضرت ریچارد - ام - نیکسون رئیس جمهوری ایالات متحده امریکا، واشینگتن، با کمال خوشوقتی خبر مسرت بخش بازگشت سالم فضانوردان شجاع آیولو ۱۳ را بزمین دریافت داشتم از جانب خود و ملت ایران با تعجید پیشرفتهای بزرگ تکنولوژی ایالات متحده امریکا

مایلم بهترین شادبشهای قلبی را به آن حضرت و بملت امریکا و به فضانوردیکه در راه خدمت به بشریت عالیترین سرمشق شهامت و استقامت را بمنصه ظهور رسانیدند ابراز دارم، خواهشمندم گرمترین درودهای مرا بپذیرید. محمدرضا پهلوی

## تلفن

● ایجاد مراکز تلفن کاریر در تهران

● وزارت پست و تلگراف و تلفن اعلام کرد که چهار مرکز تلفن کاریر برای مکالمه بین تهران و شهرستانها در چهار منطقه پایتخت تاسیس شده است.

این مراکز در سه رام شهرآرا، خانی آباد، نارمک و تهران پارس قرارداد و ساکنان این مناطق میتوانند مستقیما از طریق این مراکز با کلیه نقاط کشور ارتباط تلفنی برقرار کنند.

بودند، آقای غلامحسین جهانشاهی وزیر اسبق اقتصاد بجای ایشان انتخاب شدند. موافقت نامه بین دو شرکت

### هواپیمائی

● یک موافقتنامه هواپیمائی مربوط به پروازهای دوشرکت هواپیمائی توسط آقای فیصل الفولیع و تیمار سپهد علیمحمد خادمی در شیراز باامضاء رسید. مفاد این موافقتنامه از تاریخ ۱۲ فروردین ماه ۱۳۴۹ اجرا گردید.

این قرارداد بین هواپیمائی ملی ایران و شرکت هواپیمائی کویتی منعقد شد.

میکند انتخابات هیئت مدیره «هما»

● بمناسبت تجدید انتخابات هیئت مدیره هواپیمائی ملی ایران مراسمی در سالن کنفرانس اداره مرکزی «هما» برگزار گردید. در این مراسم تیمار ارتشید خاتمی و اعضای هیئت مدیره «هما»، معاونان مدیر عامل و مدیران شرکت حضور داشتند.

چون آقای جواد عامری از عضویت در هیئت مدیره «هما» تقاضای معافیت کرده

خادمی مدیر عامل هواپیمائی ملی ایران در شهر شیراز امضاء کردند.

نخستین پرواز مستقیم به لندن

● نخستین پرواز اروپایی جت بوئینگ ۷۰۷ هواپیمائی ملی ایران از تهران بقصد لندن انجام شد.

در مراسمی که بهمناسبت در فرودگاه مهرآباد ترتیب یافت مدیر عامل هواپیمائی ملی اعلام داشت که شرکت مذکور نخستین شرکت هواپیمائی در خاورمیانه است که پرواز مستقیم به پایتخت های مهم اروپایی برقرار

در سال جاری نیز اقداماتی برای توسعه ساختمان فرودگاه های بندرعباس و اهواز انجام خواهد یافت.

خط هوائی ایران - کویت موافقتنامه ای در مورد پرواز هواپیمائی شرکت هواپیمائی کویتی و شرکت هواپیمائی ملی ایران بین دو کشور باامضاء رسید. این موافقتنامه از تاریخ ۱۲ فروردین ۱۳۴۹ مورد اجرا قرار گرفت. موافقتنامه را آقای فیصل الفولیع رئیس هیئت مدیره شرکت هواپیمائی کویتی و تیمار سپهد علیمحمد

## هواپیمائی

کفیل ساختمان فرودگاهها سال گذشته ساختمان فرودگاههای کرمان، یزد، رامسر، رضائیه، تبریز و رشت پایان یافت.

## دومین هواپیمای

### جت چهار موتوره

### بوئینگ ۷۰۷ «هما»

عکس این صفحه از دومین هواپیمای جت چهار موتوره بوئینگ ۷۰۷ «هما» که باحروف EP-IRM مشخص میباشد، در سیاتل امریکا پیش از تحویل به مقامات هواپیمائی ملی ایران گرفته شده است.



## خدمات

برنامه‌های آینده سازمان شاهنشاهی

● در سال ۱۳۴۹ علاوه بر ادامه خدمات درمانی، آموزشی و اجتماعی از طرف سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در سراسر کشور، برنامه‌های تازه‌ای نیز انجام خواهد یافت. این برنامه‌ها در زمینه اتمام ساختمانهای نیمه‌تمام گشایش ده درمانگاه جدید، ساختمان آموزشگاه

حرفه‌ای رضاهلوی دراصفهان، توسعه کارخانه دارو سازی دارو پختی، توسعه برنامه‌های بهداشت و تنظیم خانواده در روستاهای کشور و گسترش بیش از پیش فعالیتهای درمانی بهداشتی، نو سازی و چاپ وانتشار کتابهای پنجساله ابتدایی اجرا خواهد شد.

## اصلاحات ارضی

تقسیم شالیزاربین زارعین وزارت اصلاحات ارضی وتعاون روستائی اعلام کرد که براساس قانون الحاقی به قانون اصلاحات ارضی تا کنون هیجده هزار و سیصد و سی هکتار از شالیزار های

مازاد بر سی هکتار مالکان گیلان و مازندران میان زارعان تقسیم شده است. این شالیزارها بموجب تبصره ششم ماده یک قانون مذکور بوسیله وزارت اصلاحات ارضی وتعاون روستائی خریداری و به زارعان واگذار شده و خرید دوهزار و نهصد و چهل و دوهکتار شالیزار دیگر ادامه دارد.

● مشاوران جدید برای مراقبت دائم و مستمر بر نحوه انجام وظیفه

ماموران وزارت اصلاحات ارضی وتعاون روستائی وبانك تعاون کشاورزی پنج تن مشاور تعیین شدند. این مشاورین در مناطق پنجگانه کشور مشغول خدمت شدند.

مناطق پنجگانه مذکور که برای تحقق بخشیدن به هدف های انقلاب اداری و نظارت بر کارهای ماموران و جلو گیری از هرگونه تخلف و اشتباه ماموران اصلاحات ارضی وبانك تعاون کشاورزی ایجاد شده باین شرح است:

منطقه اول شامل استانهای آذربایجان شرقی- آذربایجان غربی - کرمانستان - کرمانشاهان و فرمانداریکل ایلام که مرکز آن شهرستان رضائیه است.

منطقه دوم - شامل استان های مرکزی - مازندران - گیلان و فرمانداریکل سمنان و مرکز آن شهرستان نوشهر است.

منطقه سوم شامل استانهای خراسان و سیستان و بلوچستان و کرمان و مرکز آن شهرستان گناباد است.

منطقه چهارم - شامل استانهای اصفهان - فارس - ساحلی بندر و جزایر خلیج فارس و دریای عمان «بندر عباس و بوشهر» و فرمانداری های کل یزد و چهارمحال و مرکز آن شهرستان شهر کرد خواهد بود.

منطقه پنجم - شامل استان خوزستان و فرمانداریهای کل همدان - لرستان و کهگیلویه و مرکز آن شهرستان خرم آباد است.

در هر یک از این هیئت های نظارت کارشناسان امور اصلاحات ارضی و تعاون روستائی و شرکتهای سهامی زراعی و بیمه‌های اجتماعی روستائیان و خانه‌های فرهنگ روستائی و بانك تعاون کشاورزی عضویت خواهند داشت.

تشکیل سمینار ● سمینار روسای ادارات اصلاحات ارضی وتعاون روستائی خوزستان و فرمانداری کل بویر احمد و کهگیلویه در اهواز گشایش یافت. در جلسات این سمینار که دو روز بطول انجامید در باره امور اداری و اجرای قانون تقسیم و فروش املاک مسوره اجاره به زارعان مستاجر و ایجاد خانه های فرهنگ روستائی و فعالیتهای شرکتهای تعاونی بحث و تبادل نظر گردید.

## انتصابات

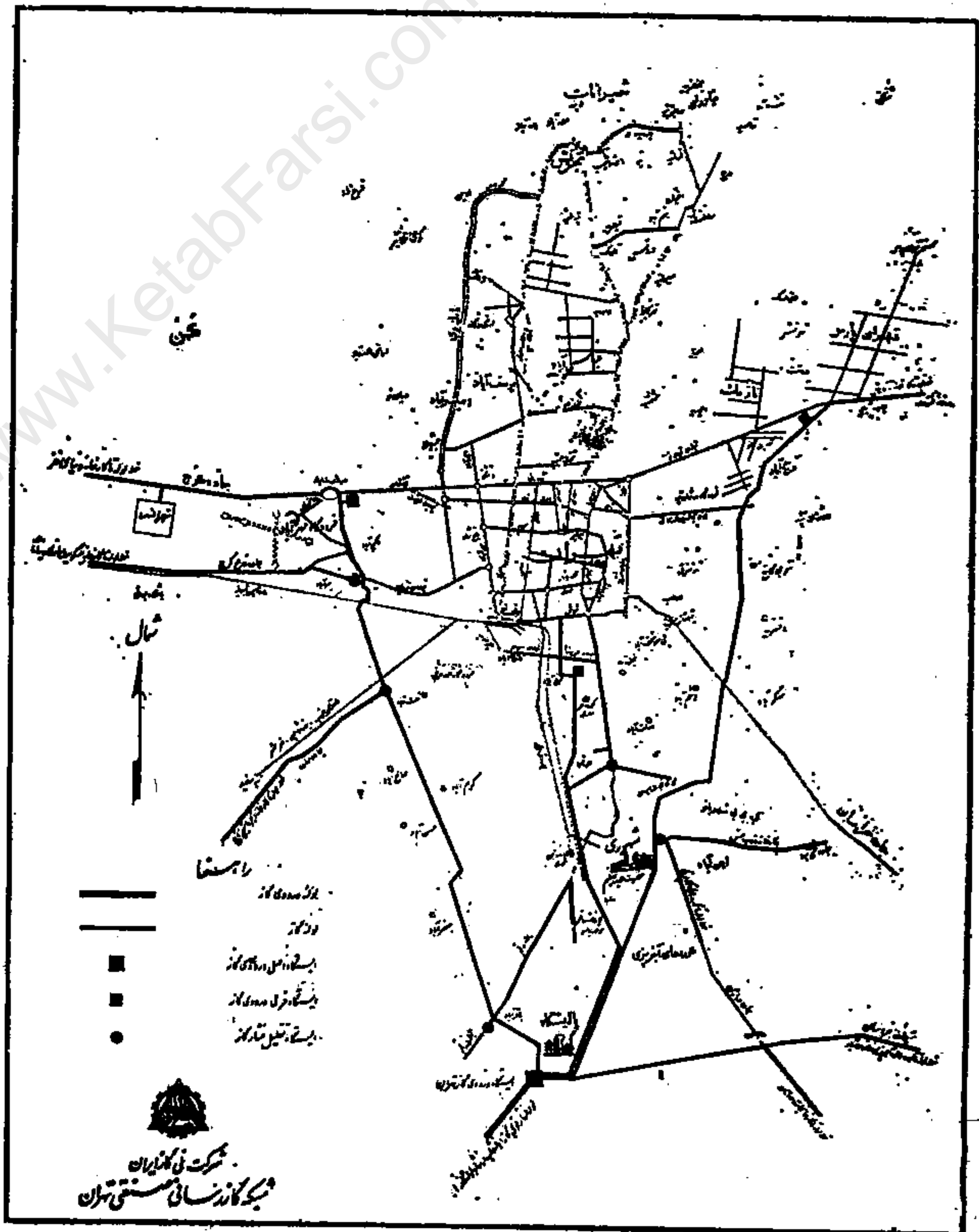
سرپرست جدید دانشجویان ● از طرف دانشگاه تهران آقای دکتر رضا فتورچسبی دانشیار دانشکده پزشکی بسمت سرپرست دانشجویان دانشکده پزشکی و هم چنین خانم منصوره دارا «رهبری» بعنوان مسئول کتابخانه دندان پزشکی دانشگاه تهران منصوب و شروع بکار کردند.

## گاز

استفاده از گاز طبیعی در صنعت

● ساختمان شبکه گاز رسانی به صنایع تهران که توسط شرکت ملی گاز ایران در دست ساختمان است تا پایان سال جاری آماده بهره‌برداری خواهد شد.

صاحبان صنایعی که کارخانجات آنها در مسیر خطوط گاز رسانی این طرح می‌باشد میتوانند از گاز ارزان برای مصارف صنعتی استفاده کنند.



## مدیران تازه گروههای آموزشی

● از طرف دانشگاه تهران آقای دکتر علی‌فر استاد دانشکده پزشکی بسمت مدیر گروه آموزش بیهوشی، آقای محمد حسن مهدوی اردبیلی استاد دانشکده کشاورزی بسمت مدیر گروه آموزشی آبیاری و عمران روستائی و آقای نورعلی نوری دانشیار دانشکده اقتصاد بسمت مدیر گروه آموزش اقتصاد پولی و مالی دانشگاه تهران منصوب شدند.

سرپرست جدید پلی تکنیک ● بدیال کناره گیری آقای «یگانه حائری» از ریاست دانشکده صنعتی پلی تکنیک از طرف آقای مجید رهنما وزیر علوم و آموزش عالی آقای دکتر جد بابائی معاون سابق دانشکده مهندسی و رئیس بخش مهندسی شیمی دانشگاه پهلوی بسمت سرپرست دانشکده صنعتی پلی تکنیک منصوب شدند.

رئیس پیشین دانشکده پلی تکنیک بعلت بیماری و دستور پزشکان از کار خود مستعفی گردید.

نخستین اقدام سرپرست جدید صدور کارتهای جدید دانشجویان برای دانشجویان رشته‌های مختلف دانشکده بود. در اجرای این تصمیم مقرر شده بود که دانشجویانی که تا موعد مقرر کارتهای دانشجویی خود را دریافت نداشتند دانشجوی صنعتی شناخته شده و بهیچ وجه حق ورود به محوطه دانشکده و شرکت در کلاسهای درس و استفاده از خوابگاههای دانشجویان را نخواهند داشت.

## تغییرات در کادر های سیاسی

● شاهنشاه آقای اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه را در کاخ نیاوران بحضور پذیرفتند.

وزیر امور خارجه در این شرفیابی آقای عباس قرزنگان را بسمت سفیر شاهنشاه آریامهر در جده و آقای عزت‌الله عاملی را بسمت معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت امور خارجه معرفی کرد.

## کشتیرانی

سازمان جدید و مستقل ● وزارت دارائی اعلام داشت که سازمان بنادر و کشتیرانی بموجب قانونی که بتصویب رسیده بصورت یک سازمان مستقل دولتی درآمد است و مدیر عامل و اعضای هیئت عامل جدید آن نیز برگزیده شده‌اند. انتخاب مدیر و اعضای هیئت عامل سازمان بنادر و کشتیرانی قبلاً بتصویب شورای عالی سازمان رسیده بود. در این شورا وزیران دارائی، اقتصاد، راه و هم چنین مدیر عامل سازمان برنامه و فرمانده نیروی دریائی شاهنشاهی ایران عضویت دارند.

شده است اجرا گردید.  
این برنامه بوسیله انجمن  
فیلارمونیک تهران ترتیب  
یافته بود.  
در تالار دانشکده هنرهای  
زیبا

● **انجمن فیلارمونیک تهران** یک برنامه موسیقی ترتیب داد که در تالار دانشکده هنر های زیبای دانشگاه تهران اجرا شد. در این برنامه نوازنده جوان ایرانی «علی فروغ» و همچنین نوازنده بلغارستانی «تفسو چکایانو» شرکت داشتند و آثاری از آهنگسازان مشهور جهان را بوسیله ویولون و پیانوا اجرا نمودند.

هنر برای مردم  
● در برنامه هنر برای مردم گاوگوش، بهشته، گلوریا روحانی، ویگن، وفایی و رسانی شرکت کردند. این برنامه از ساعت ۱۸ در محل شبانه روزی شماره ۳ جمعیت خیریه فرح پهلوی اجرا گردید.

کتاب و کتابخانه‌ها  
نمایشگاه کتاب

● بمناسبت روز جهانی کتاب کودک از طرف کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نمایشگاهی از کتاب های کودکان در محل کتابخانه مرکزی این کانون واقع در پارک فرح گشایش یافت.

در این نمایشگاه بیش از یک هزار جلد کتاب برگزیده کودکان از ۲۱ کشور جهان گردآوری شده بود.

کتابخانه کودک در اصفهان

● کتابخانه مرکزی کودک

**واگذاری زمین**  
● اسناد واگذاری ۲۵ هزار متر مربع برای ایجاد تأسیسات تلویزیون تبریز در اختیار تلویزیون ملی ایران گذاشته شد.

هنرمندی هنرمندان خرد  
موسیقی

● بیست و شش هنرمند  
خرد سال اتریشی که گروه  
آواز خوانان خردسال وین را  
تشکیل میدهند برنامه ویژه‌ای  
در تالار رودکی در تهران اجرا  
کردند.

این گروه از دسته‌های  
سرشناس هنری دنیا است و  
تاکنون در کشورهای مختلف  
آسیا و اروپا و آمریکا برنامه  
های جالبی عرضه کرده است.  
برنامه این گروه در تالار  
رودکی با همکاری انجمن  
فیلارمونیک تهران و اداره  
فرهنگ اتریش در ایران ترتیب  
داده شده بود.

برنامه «علی فروغ»  
نوازنده جوان ایرانی

● نالار رودکی یک برنامه مخصوص موسیقی بمنظور معرفی نوازنده جوان ایرانی «شکلی فروغ» ترتیب داد. در این برنامه نوازنده بیست‌ساله ایرانی که تحصیلات موسیقی خود را در رشته نوازندگی پیانو در کنسرواتوار ملیطتی بروکسل گذرانده‌است همراهی «تمنو شکایانو» یانیست بلغارستانی آثاری از ویتسارت ، باخ ، تارتینی ، ارتوئو و برامس نواخت . این برنامه در سال ۱۳۸۲

دو اوان " معلم سازمان باله  
ملی ایران در زمینه شناسائی  
هنر باله سخنانی ایراد داشت  
و سپس قطعاتی از رقصهای  
دو نفری باله دریاچه قو ،  
باله فندق شکن و باله زیبای  
خفته بوسیله بالرین های  
سازمان باله اجرا گردید .  
هنرنمایی ۶۵ هنرمند روسی  
در تالار رودکی

● شصت و پنج تن از هنرمندان باله کلاسیک شوروی برنامه هائی در تالار رودکی عرضه داشتند .  
این گروه چهار سال قبل بوسیله «ایگور مویسیف» هنرمند مشهور باله شوروی تأسیس شد .  
هنرمندان روسی در دومین برنامه‌ای که اجرا کردند پانزده قطعه از آثار برجسته باله از جمله قطعاتی از باله «اسپارتاکوس» ، باله «خاطره» ، باله «چشم‌انداز» باله «موج و صخره» ، باله «دنکیشت» و رقص دو نفره «ژیزل» را بروی صحنه آوردند . رهبری این عده را «والیشن فیدلر» برعهده داشت .

## قلویز یون

برنامه جدید سریال  
● دکتر جواد مجابی نیز  
نوشته یك برنامه سریال  
تلویزیونی پرداخت .  
این سریال قرار است بجای  
سریال آلاخون والاخون تهیه  
و پخش گردد و تهیه کنندگی  
و کارگردانی آنهم بمعده  
هوشنگ انصاری فر  
کارگردان سریال تلویزیونی  
لاخون والاخون می باشد .  
کارگاه موسیقی کودک

های مختلف هنری و اجتماعی  
برنامه هائی برگزار نمود که  
اهم آنها عبارتست از :  
- سخنرانی در باره دانش  
فضائی و پیشرفتهای آن توسط  
چند تن از استادان دانشگاه  
نمایش يك سری از فیلمهای  
کوتاه و مستند تهیه شده توسط  
فیلمبرداران و کارگردانان  
ایرانی .

- نمایش فیلمهای برگزیده
- سینمایی از کشور های خارج.
- تشکیل چند شب شعر
- با شرکت شاعران معاصر .
- سخنرانی در باره «نقش
- موسسات و سازمانهای تعاونی
- در حل مسائل جهان سوم» .
- اجرای برنامه هنری
- نوسط هنرمندان آذربایجانی
- وزارت فرهنگ و هنر .
- اجرای برنامه های بخش
- موسیقی کلاسیک غرب

## 456

شناسائی هنر باله  
● برنامه‌ای زیر عنوان  
شناسائی هنر باله\* در سالن  
کوچک تالار رودکی اجرا  
گردید.

ایرا

اثری از «روسینی»  
● گروه اپرای تهران ،  
اپرای «آرایشگر سویل» اثر  
روسینی آهنگاز ایتالیائی را  
بروی صحنه آورد .  
در این اپرا روح انگیز  
یشمی خواننده ایرانی اپرای  
وین و هم چنین الک ملکوتیان ،  
غایت رضائی ، و حیدر  
فتورچی و چند تن دیگر از  
هنرمندان گروه اپرای تهران  
شرکت داشتند .  
این اثر بکارگردانی غایت  
رضائی بروی صحنه آمد و  
همو سبقت آن نیز بوسیله ارکستر  
اپرای تهران برهسپری  
«سویستا» اجرا کردید .

## جو انان

● کاخ جوانان در زمینه      در این برنامه ابتدا «راپرت

**رادیو**

**رادیو**

خانم فروزنده اربابی  
مجری برنامه های رادیویی  
برای انجام يك ماموریت به  
اروپا و خاور دور رفت .  
خانم اربابی در این سفر

ضمن دیدار از چند کشور  
اروپائی ، کشور باستانی ژاپن  
و نمایشگاه جهانی اوزاکارا  
نیز مورد بازدید قرار داد.  
سفر خانم اربابی به خارج  
از کشور حدود یکماه بطول  
انجامید که قسمت اعظم آن  
در «اوزاکا» گذشت .



شهرستان اصفهان با حضور  
استاندار این استان و مدیر  
عامل کانون پرورش فکری  
نوجوانان و کودکان ایران  
گشایش یافت.

این کتابخانه از محل ده میلیون ریال عطیه علیاحضرت شهبانو در زمین اهدایی شهرداری اصفهان در خیابان پهلوی این شهرستان ساخته شده و ۸۰۰ متر مربع زیر بنا دارد.

تالار رودکی اجرا گردید.  
نوازندگان فرانسوی در  
تهران

● چهارده تن از نوآزندگان  
مشهور فرانسوی که ارکستر  
مجلسی (ورسای) را تشکیل  
میدهند برنامه جالبی در تالار  
روژکی عرضه نمودند.

در این برنامه آثاری از موسیقی مجلسی که بوسیله «هایند»، «روسل»، «برگو» و چندتن دیگر از آهنگ سازان معروف اروپا تصنیف

● **تولیزیون ملی ایران در**  
جهت پرورش فکری و روحی  
نوجوانان و کشف استعداد  
آنها اقدام به تشکیل یک  
کلاس موسیقی کرده است .  
این کلاس که «کارگاه  
موسیقی کودکان» نام دارد  
مدتیست کار خود را آغاز  
کرده و هم‌اکنون ۸۱ هنرجوی  
خردسال در کلاسهای آن به  
فراگیری موسیقی اشتغال دارند  
مسئولیت این کلاس به‌عهده  
دکتر خدیری است .



## ایران‌شناسی و باستان‌شناسی

● مراتب خوشوقتی و تقدیر شاهنشاه آریامهر از بابت حسن برگزاری کنگره جهانی ایران‌شناسان در رم طی تلگرافی بوسیله آقای اسداله علم وزیر دربار شاهنشاهی بفرهنگستان ایتالیا و به آقای پروفور چرولی رئیس کنگره ابلاغ شد.

متن تلگراف وزیر دربار شاهنشاهی بدین شرح بود:

آقای پروفور انریکو چرولی نایب‌رئیس فرهنگستان ایتالیا، رم،

بمناسبت پایان کنگره جهانی ایران‌شناسی در رم و با توجه بگزارش مبسوطی که معاون وزارت دربار شاهنشاهی در بازگشت از ایتالیا درباره جریان کار این کنگره به پیشگاه‌امپارک همایونی تقدیم‌داشته است، علیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر مقرر فرموده‌اند که اینجانب مراتب خوشوقتی خاطرملوکانه را از حسن‌برگزاری چنین کنگره با ارزش علمی و فرهنگی و مخصوصاً مراتب تقدیر معظمه را از مساعی خستگی‌ناپذیر شخص آن‌جناب در مورد تأمین موفقیت مجمعی بدین اهمیت علمی در سطح بین‌المللی بجناب‌عالی ابلاغ دارم.

اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر برای شما و بقیه همکاران عالیقدرتان کمال موفقیت را در ادامه مطالعات و کوششهای پرازش در خدمت بفرهنگ ایران و بفرهنگ بشری بطور کلی آرزومندند. خواهشمندم بهترین مراتب احترامات قلبی و احساسات صمیمانه مرا بپذیرید.

وزیر دربار شاهنشاهی - اسداله علم

تأسیس اتحادیه ایران‌شناسان ایتالیایی  
● تأسیس اتحادیه ایران‌شناسان ایتالیا رسماً از طرف کنگره جهانی ایران‌شناسان در شهر رم اعلام شد. تشکیل این اتحادیه بنام شاهنشاه آریامهر در کاخ تاریخی برآن کاجیو که مقر انستیتوی فرهنگی معروف ایتالیا است طی مراسم باشکوهی صورت گرفت.

در این مراسم کلیه دانشمندان عضو کنگره جهانی ایران‌شناسان و اعضای سازمان فرهنگی «ایسمو» و نمایندگان مطبوعات و خبرگزاریها و همچنین کاردینال «تیسراند» که بعد از پاپ اعظم بزرگترین شخصیت دربار واتیکان است حضور داشتند.

پس از اعلام تشکیل اتحادیه ایران‌شناسان ایتالیا که بوسیله پروفور (چرولی) رئیس کنگره جهانی ایران‌شناسان و پروفور (توجی) رئیس سازمان روابط فرهنگی ایتالیا صورت گرفت آقای شجاع‌الدین شفا معاون فرهنگی وزارت دربار شاهنشاهی و دبیر کل اتحادیه جهانی ایران‌شناسان طی نطقی تأسیس این اتحادیه را از طرف جامعه علمی ایران تبریک گفت و توجهات خاص شاهنشاه ایران در سرپرستی فعالیتهای این دانشمندان را بآنان ابلاغ کرد.

وی اظهار امیدواری کرد که قدمهای بزرگتری نه‌تنها در شناسائی تمدن و فرهنگ گذشته ایران بلکه در ایجاد همکاری بیشتر علمی و فرهنگی با ایران امروز برداشته شود.

سپس پروفور ویلهلم ایلرز استاد ایران‌شناسی دانشگاه روزنبورگ آلمان فدرال و پروفور محمود کورس استاد دانشگاه اشتوتگارت بنام ایران‌شناسان آلمان تشکیل این اتحادیه را تبریک گفتند.

## فرهنگ ایران که همواره جنبه‌ای جهانی و انسانی داشته است انحصاراً متعلق به ملی که آنها را پدید آورده‌اند نیست، بلکه جزئی از فرهنگ عظیم و مشترک جامعه بشری محسوب می‌شود

● روز پانزدهم فروردین ماه طی مراسم مجللی کنگره جهانی ایران‌شناسان با پیام شاهنشاه آریامهر و حضرت رئیس جمهوری ایتالیا در شهر رم در تالار بزرگ فرهنگستان ایتالیا گشایش یافت. در این کنگره که تحت سرپرستی عالی‌مقام شاهنشاه ایران و رئیس جمهوری ایتالیا قرار داشت و بوسیله آکادمی ایتالیا با همکاری کتابخانه پهلوی تشکیل شده بود دانشمندان ایران‌شناس برجسته سی کشور جهان شرکت داشتند.

پیام شاهنشاه که بوسیله آقای شجاع‌الدین شفا معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی و دبیر کل اتحادیه جهانی ایران‌شناسان قرائت شد بدین شرح بود:

تشکیل کنگره بین‌المللی ایران‌شناسان را در شهر تاریخی رم که بابتکار فرهنگستان ملی ایتالیا صورت‌میگیرد تبریک می‌گویم و به دانشمندان عالیقدر عضو این کنگره که برای بحث درباره تاریخ ایران گرد آمده‌اند درود

می‌فرستم.  
ما بسیاری از این دوستان گرانمایه فرهنگ ایران را در نخستین کنگره جهانی ایران‌شناسان که در سال ۱۹۶۶ در تهران تشکیل شد با خوشوقتی ملاقات کردیم و از آن پس نیز محافل علمی ایران پیوسته در جریان کارهای پرازش ایشان بوده‌اند. همچنانکه هنگام گشایش کنگره جهانی ایران‌شناسان در تهران اظهار داشتیم قسمتی از بهترین تنبغات مربوط به تاریخ و زبان‌شناسی و باستان‌شناسی و هنر ایران حاصل مساعی دانشمندان است که در دو قرن گذشته و در قرن حاضر عمر خویش را وقف تحقیق و پژوهش در این باره کردند و طبیعی است که ملت حق‌شناس ایران همواره خاطرملوکانه این خدمتگزاران صادق فرهنگ ایرانی را عزیز میدارد. ولی آنچه بخصوص مایه افتخار این طبقه از دانشمندان است، بنظر ما این است که ایشان با کوشش در راه بهتر شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران در واقع در راه شناخت بیشتر و بهتر تاریخ و فرهنگ عالم بشریت کوشیده‌اند زیرا هیچیک از فرهنگهای جهان و بالاخص فرهنگ ایران که همواره جنبه‌ای جهانی و انسانی داشته است انحصاراً متعلق به مللی که آنها را پدید آورده‌اند نیست بلکه جزئی از فرهنگ عظیم و مشترک جامعه بشری محسوب میشود.

همه میدانیم که در ترکیب تمدن انسانی عامل فرهنگی مهمترین عاملی است که هرگز نتوانسته است و نمیتواند در چهارچوب مرزهای جغرافیایی یا نژادی یا مذهبی محدود بماند.

موضوعی که کنگره کنونی به بحث در باره آن اختصاص یافته است هم از نظر تاریخ ایران و هم از لحاظ تاریخ جهان اهمیت خاص دارد زیرا دوران قرون وسطی شاهد یکی از اصیل‌ترین و عالیت‌ترین تجلیات فرهنگ ایرانی بوده است و در قسمت اعظم همین دوران بود که فرهنگ اسلامی ایران در جلوه‌های مختلف آن بوجود آمد. مطالبی که دانشمندان عضو کنگره حاضر درباره این دوره از تاریخ ایران و ارتباط آن با تمدن‌ها و فرهنگهای دیگر سرزمینهای جهان بیان خواهند کرد، مسلماً بعنوان منابع اطلاعات پرازشی در باره تاریخ ملت و کشور ما در آینده مورد استفاده فراوان محافل علمی و عموم مردم ایران قرار خواهد گرفت.

در این فرصت میل دارم از آکادمی «لینچی» که یکبار دیگر نیز در سال ۱۹۵۶ کنگره‌ای برای مطالعه در باره تأثیر ایران در تمدن یونان و روم تشکیل داد، بمناسبت علاقه خاصی که همواره نسبت به مطالعات ایران‌شناسی ابراز میدارد سپاسگزاری کنم. ما این فرهنگستان کهنسال را نماینده دانش و فرهنگ عالی ایتالیا می‌شماریم و با تقدیر از این آکادمی در واقع فرهنگ ایتالیا و منجمله سهم بزرگ این کشور را در مطالعات ایران‌شناسی تجلیل میکنیم. ملت ما بیش از دو هزار سال است که با فرهنگ درخشان که در سرزمین تاریخی ایتالیا بوجود آمده است آشناست و همواره بدان با دیده احترام و علاقه نگریسته است.

همچنین مایلیم دانشمندان عالیقدر سایر کشور های جهان را که در کنگره حاضر شرکت دارند وسیله ابلاغ درود ملت ایران بجامعه علم و فرهنگ کشور های متبوعه آنان بخصوص به محافل ایران‌شناسی آنها قرار دهم و اظهار امید کنم که در آینده همکاری این مراکز و دانشمندان با جامعه فرهنگ ایران در راه پیشرفت هدفی که همه آنها در آن مشترکند پیوسته وسیعتر و کاملتر گردد. توفیق همه خدمتگزاران فرهنگ را در سراسر جهان آرزو مندیم.

درگذشت یک ایران‌شناس برجسته

● مراتب تألیف شاهنشاه از درگذشت پروفور آنانیاس زینچکوفسکی دانشمند ایران‌شناس معاصر لهستان و تقدیر ملوکانه از خدمات وی طی تلگرافی توسط معاون فرهنگی دربار شاهنشاهی به آکادمی علوم لهستان و دانشگاه ورشو و نیز کنگره جهانی ایران‌شناسان ابلاغ شد.

پروفور «زینچکوفسکی» پس از پایان کنگره جهانی ایران‌شناسان در رم هنگام بازگشت بکشور خویش بعلت سکنه قلبی درگذشت و جسد وی بوسیله سفارت لهستان در ایتالیا به ورشو انتقال داده شد. وی استاد کرسی زبان فارسی دانشگاه ورشو و همچنین سرپرست فعالیتهای ایران‌شناسی فرهنگستان علوم لهستان بود.

پروفور زینچکوفسکی در مدت ۲۵ سال بیش از یکصد کتاب و مقاله ادبی و تحقیقی در باره ایران‌نگاشت که مهمترین آنها ترجمه دیوان حافظ بزبان لهستانی است و هنگام سفر شاهنشاه آریامهر و شهبانو به لهستان خدمات ارزنده این دانشمند نامی مورد تقدیر اعلیحضرتین قرار گرفت.

## نمایشگاهها

### مطبوعات قدیم ایران

● نمایشگاهی از مطبوعات قدیم ایران با همکاری دانشگاه تهران و مجله تحقیقات روزنامه‌نگاری در تالار نمایشگاههای دانشکده هنر های زیبا تشکیل شد. در این نمایشگاه در مجموع ۴۵۶ مطبوعات قدیم و ۷۶۷ نشریه جدید به نمایش گذاشته شده بود. که «کاغذآخبار» نخستین روزنامه فارسی نیز در آن دیده‌میشد. ایرج افشار مدیر کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران در مراسم افتتاح این نمایشگاه گفت:

بموجب آمار تاکنون بیش از سه هزار و پانصد روزنامه و نشریه فارسی بچاپ رسیده که یک‌هزار و دوست نشریه آن قبل از شهریور ۱۳۲۰ یافته و تاکنون هنوز مجموعه کاملی از این نشریات بوجود نیامده است.

### نمایشگاه کتب خطی فرانسه

● نمایشگاه بزرگ کتابهای علمی و فنی جدید فرانسه بوسیله آقای ریاضی رئیس مجلس شورایی و عضو هیئت امنای دانشگاه پهلوی در کوی دانشجویان این دانشگاه در شیراز گشایش یافت. در این نمایشگاه مجموعه‌ای از کتابهای فنی و علمی فرانسه بتماشای گذاشته شده بود.

### نمایشگاههای هنر مغرب

● بمناسبت بازدید آقای احمد سنوسی وزیر اطلاعات مغرب از ایران دو نمایشگاه از آثار هنرمندان مغربی در تهران افتتاح شد. نمایشگاه اول که در اقامتگاه آقای مهدی عبدالجلیل سفیر مغرب در دربار شاهنشاهی دایر شده شامل لباسهای مغربی بود که بوسیله چند مانکن ایرانی عرضه گردید و در آن نمونه‌هایی از لباسهای محلی مغرب عرضه شده بود. نمایشگاه دوم که در هتل هیلتون دایر شده مربوط به آثار نقاشان مغرب بود. در این نمایشگاه نیز در حدود پنجاه تابلو از نقاشان معاصر کشور مغرب گردآوری شده بود.

### نقاشی

● نمایشگاه طراحان شوروی نقاشان و طراحان شوروی در محل موزه نوبنیاد ایران باستان گشایش یافت. این نمایشگاه بمناسبت سفر رسمی حضرت صدر هیئت رئیسه شورایی شوروی به ایران ترتیب یافته و در آن آثار برگزیده‌ای از نقاشان و طراحان شوروی که ظرف سه سال اخیر خلق شده است به معرض نمایش گذارده شده بود.

## سخنرانی

### سخنرانی در انجمن قلم

● روز ۲۴ فروردین عباس شوشتری «مهرین» در باره «کتاب‌های پیش از اسلام» در انجمن قلم سخنرانی کرد. مهرین نویسنده کتاب ایران نامه در هشت جلد و نیز چند کتاب دیگر می‌باشد که سالها در دانشگاههای مختلف هندوستان به تدریس و تعلیم اشتغال داشته است.

### پیشرفت علوم در ایران

● پروفور «لئونارد باین» در «استاد دانشگاه شیکاگو» که مطالعات فراوانی درباره ایران و خاورمیانه دارد به وی در مدت اقامت خود مذاکراتی پیرامون ترویج و پیشرفت علوم در ایران و جهان با صاحبزنان بعمل آورد.

### وی در مدت اقامت خود در ایران چند سخنرانی در دانشگاه تهران ایراد کرد.

### تقدیر از نقش ایران

● رئیس اداره اطلاعات سازمان ملل در ایران نطقی ایراد نمود.

وی که در مجمعی در شهر ساری سخن میگفت اظهار داشت: «باعث افتخار است که ایران از قویترین مدافعان سازمان ملل متحد بوده و هست و از این سازمان حمایت میکند».

### سخنرانی رئیس دانشکده معماری «فلورانس»

● رئیس دانشکده معماری دانشگاه «فلورانس» در یک سخنرانی که در تالار جدید موزه ایران باستان در تهران ایراد کرد درباره مطالعات اولیه مربوط به مرمت مسجد و آرامگاه سلطان محمدخاندانه در سلطانیه زنجان مطالب مشروحی بیان داشت. سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران تعمیر و مرمت این بنای تاریخی را که در قرن هشتم هجری ساخته شده در برنامه جدید خود قرار داده است.



### اجرای آثاری از آهنگ سازان بزرگ جهان

● انجمن فیلارمونیک تهران با همکاری موسسه فرهنگی ایتالیا در ایران یک برنامه موسیقی ترتیب داد که در تالار دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران برگزار شد. در این برنامه چهار تن از نوازندگان مشهور ایتالیایی شرکت دارند و آثاری از «بتهوون»، «گابریل فوره»، «یوهانس برامس» آهنگ سازان بزرگ اروپایی را اجرا کردند.

تجلیل از پیانیت ایرانی  
● مطبوعات اروپای شرقی  
ضمن انتشار مقالات متعددی  
هنر ورزیدگی خانم نوین  
افروز پیانیت ایرانی را  
مورد ستایش قرار دادند.  
روزنامه «گازتاکراکوف»  
سکا چاپ لهستان در این  
باره نوشت «نوین افروز»  
پیانیت ایرانی برنامه  
کسرتی در انجمن فیلامونیک  
کراکوفیا اجرا کرد.

احساسات پر هیجانی است که  
باو الهام میبخشد تا چیره  
دستی خود را در نواختن  
قطعات مشکل آثار موسیقیدانان  
بزرگ به بهترین وجهی نشان  
دهد. یکی از تشریفات  
چکسلواکی نیز درباره کسرت  
این پیانیت ایرانی چنین  
اظهار نظر کرد: این برنامه  
یکی از درخشانترین برنامه  
های سال گذشته ما بود.



در مرکز سینمایی دانشگاه  
● دانشگاه تهران بمنظور  
آشنایی دانشجویان با آثار  
بزرگ سینمایی جهان دست به  
ایجاد یک مرکز سینمایی در  
دانشگاه تهران زده است.  
در اجرای این هدف مرکز  
سینمایی دانشگاه تهران در  
سالن مجهز دانشکده فنی  
افتتاح گردید و در نخستین  
دوره برنامه‌های این مرکز  
سینمایی که تا بیستم اردیبهشت  
ماه ادامه داشت برگزیده‌ای از  
بهترین فیلمهای سینمای فرانسه  
بتماشا درآمد.

وی در این کسرت سونات  
ماژور اثر «اسکار لاتی» و  
فانتزی اثر مندلسون و قطعاتی  
از شومان، لیست، راول،  
بارتوک و پروکوفیف را با  
مهارت و ورزیدگی فوق-  
العاده‌ای اجرا کرد.

صدای پیانوی نوین افروز  
عمیق، پراحساس و راحت  
بگوش می‌نشت. دقتی که او  
در نواختن قطعات مشکل بکار  
برد قابل تحسین است و  
برنامه‌ای که او در کراکوفیا  
اجرا کرد بدون شک یکی از  
برنامه‌های موفقیت آمیز  
اوست. روزنامه «اینفورماژیا»  
چاپ بخارست نیز ضمن تفسیری  
درباره کسرت خانم افروز  
نوشت «افروز» در  
برنامه کسرت خودشان داد  
که دارای استعداد همراه با

### بمناسبت روز جهانی تئاتر

● بمناسبت روز جهانی تئاتر - دبمتری شوستاکوویچ  
آهنگساز معروف پیامی از طریق انستیتوی بین‌المللی  
تئاتر برای مردم سراسر جهان فرستاد.

شوستاکوویچ در پیام خود چنین گفته است:  
بمناسبت نهمین سالروز جهانی تئاتر روی سخن من  
باهمه کسانی است که هنر را دوست دارند و مسئولیت  
آینده آنرا احساس میکنند.

سلیقه‌ها و نیازهای هنری ملتها در روزگار ما تلطیف  
شده و تنوع پذیرفته است و برما آفرینندگان هنر است که  
برای رفع تشنگی بشر به کسب دانش‌ها و اراضی آرزوهایش  
در رسیدن به کمال زیبایی همه امکانات خود را بکار بندیم.  
وظیفه هنرمند و حاصل زندگی وی تامین گامیابی  
انسانها و غنی ساختن روح و برانگیختن احساسات عالی  
ایشان است. اصول انسانیت و فضیلت‌های والا و اندیشه‌های  
صلح و دوستی بین ملتها باید در سیاره ما بر روی صحنه  
های نمایش تجسم یابد و برای رسیدن باین هدف باید این  
اصول و این عقاید بصورت نیاز درونی و زرق‌ترین فکر  
شخص هنرمند درآید. شوستاکوویچ در پایان این پیام  
گفته است سه بیستم آینده درخشان انسانها را بهما نزدیک  
ساخته است اینک بیش از همه برما هنرآفرینان سرتاسر  
جهان است که بر سرعت سیر زمان بسوی این آینده بیفزائیم.  
این پیام توسط آقای دکتر «مهدی فروغ» رئیس  
هنرکده هنرهای دراماتیک و مرکز ملی تئاتر ایران از  
شبکه رادیو تلویزیون کشور پخش گردید.

آقای دکتر مهدی فروغ همچنین بمناسبت روز جهانی  
تئاتر طی یک سخنرانی وضع و سابقه تئاتری ایران را  
مورد بررسی قرار دادند.

### فرهنگ و ادبیات پارسی

دو کشور اسلامی که در دوسر جهان اسلام قرار دارند  
«سخنرانی رهبر حزب استقلال مغرب در انجمن قلم»

● آقای علال‌الفاسی رهبر حزب استقلال کشور مغرب  
ریاست کنگره هزاره شیخ طوسی را برعهده داشت در انجمن  
قلم سخنرانی کرد.

سخنرانی این ایران دوست تحت عنوان «فرهنگ و  
ادبیات پارسی» ایراد شد. وی در این سخنرانی گفت:  
سروران گرامی

خانها، آقایان، برادران من، امروز افتخار بزرگی  
دارم که بنا به دعوت رئیس این انجمن آقای زین‌العابدین  
رهنما، از احساسات خود در چهار باری که در بیست  
سال اخیر ایران را زیارت کرده‌ام، مخصوصا دیدار  
کنونیم که ان‌شاءالله آخرین دیدارم نباشد با شما صحبت

کنم. سفر اخیرم به ایران بمناسبت کنگره هزاره شیخ  
طوسی رحمه‌الله علیه انجام گرفت  
خوشحالم بگویم که من یکی از اولین کسانی بوده‌ام  
که بلافاصله پس از استقلال المغرب برای پیوند برادری  
بین ایران و المغرب کوشش کرده‌ام و عقیده دارم اگر  
این دو کشور اسلامی که در دلبه جهان اسلام قرار  
دارند با هم متحد شوند و همکاری نمایند، خدمت  
شایانی به مسلمین انجام خواهند داد.

در روز افتتاح کنگره پس از تلاوت قرآن و نامه  
ارشاد ملوکانه که توسط جناب آقای مجید رهنما خوانده شد  
و سخنرانیهای مختلفی که نمایندگان دانشگاهها و  
موسسات تعلیمی ایراد کردند اعضای محترم کنگره  
مرا افتخار ریاست کنگره هزاره طوسی دادند و این دلیلی  
میشد بر اینکه فرهنگ اسلامی تعصب نمی‌شناسد و همچنین  
مودت عظیمی که میان دو کشور ما وجود دارد بزرگتر  
از این است که فقط نمودار تعارف باشد.

کنگره شش روز ادامه داشت. چهار اجتماع عمومی  
و شش کمیته تشکیل گردید که تمام وقت کار میکرد و  
در آن پنجاه و سه سخنرانی توسط دانشمندان ایرانی و  
خارجی ایراد شد که مشتمل بود بر تحقیق درباره نظریات  
طوسی و عصر و مسائل علم کلام و تفسیر و حدیث و فرق  
و مذاهب و اصول آنها و آثار چاپ شده و خطی  
طوسی و کتابخانه‌هایی که این نسخه‌ها را دارا می‌باشد.  
هر گروه مطالبی مربوط به فرهنگ اسلامی و همکاری  
برای احیای آثار اسلامی را پیشنهاد کرد که در آخرین  
جلسه، شرکت کنندگان در کنگره، آنچه را که از آن  
میان لازم دانستند پذیرفتند. در نظر من از مهمترین  
تصمیمات پذیرفته شده دو نکته بود:

۱- اول اعلام کنگره مبنی بر اینکه مسلمانان ملت  
واحدی میباشند و قرآن آنها یکپیکت که در سینه‌ها  
محفوظ مانده و در مصاحف مدون گردیده است و بر آنهاست  
که با همدیگر همکاری نمایند.

ارزش این اعتراف به اساس وحدت بزرگ اسلامی و  
وحدت ملت و وحدت قرآن و دور کردن تمام دسیسه‌های  
توطئه‌کنندگانی است که اغلیشان بیگانه میباشند و می-  
خواهند بقلط درگمانها آورند که دو قرآن وجود دارد  
یکی قرآن شیعی و یکی قرآن سنی و زیادت و نقصانی  
در کتاب خدا هست در این باب طوسی در مقدمه کتاب  
خود التبیان فی تفسیر القرآن اول کسی بود که این ادعا  
را رد کرد.

۲- نکته دوم ضرورت توجه بتدریس زبان و  
هنگ اسلامی مخصوصا زبان قرآن و علوم آن در مدارس  
ابتدائی و متوسطه و عالی.

این امر برای ایران راجع بلنت قرآن و علوم آن  
قرآنی و علوم آن مشتاق بودند و استمرار وجود آنرا در  
متعصبین را واداشته که بر بی‌نیازی از زبان عربی در  
بعضی از دوره‌های تحصیلی تبلیغ نمایند.

همچنین برادران ایرانی ما مخصوصا دانشمندان و  
استادان دانشگاهها در تاکید تعلق مسلمین به تحصیل زبان  
تحقیق یافته است هر چند که به علت بعضی اختلافات که  
میان دولت ایران و برخی از کشورهای عربی اتفاق افتاده،  
کنکورهای دانشگاه لازم شمرند فرصت این اجتماع را  
غنیمت می‌شمارم که در درجه اول ندائی بکشور خود  
المغرب و تمام کشورهای اسلامی در مشرق و مغرب بدهم  
تا در راه تحقق این دو نکته که برای تفاهم و تضامن  
اسلامی ضروری میباشند قدم بردارند.

برادران من! خواهران من! بزرگترین نکته‌هایی که  
در حین گفتگو در جلسات کمیته‌ها و کنگره در من اثر  
گذاشت، اطلاعات عمیق دانشمندان و بزرگان شما و  
پایبندی استادان قدیم و جدید شما و علمای دینی و  
دانشمندان دانشگاهی، بخواندن علوم عقلی و نقلی اسلامی  
است. این علوم در اغلب دانشگاههای اسلامی ضعیف  
گردیده ولی الحمدلله در نزد شما بفضل تعلق کثورتان  
باسلام و شوق علمای شما بر حفاظت از مراکز علم و تحصیلات  
قدیمه هنوز قوی و استوار مانده است.

در پایان ضرورت همکاری را تاکید می‌نمایم تا  
موافقی که در راه تحقق بخشیدن اتحاد اسلامی قرار دارد  
برداشته شود و بکمال صراحت و محبت صادقانه میگویم  
که باید مغرب و ایران دست بدست در انجام نزدیکی بین  
خود و کشورهای همسایه عربی بکوشند تا با هم در راه  
هدف منظور قدم برداریم. چقدر برایم خوش است سخنی  
را که جابر بن حیان گفته و استاد بزرگوار آقای دکتر نصر  
رئیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران برایم تعریف نمود  
در خاتمه گفتارم نقل نمایم: «خداوند برای درها دو کلید  
خلق کرده یکی را در دست عرب و دیگری را در دست  
فرس قرار داد اگر عرب و فرس از هم جدا شوند این دو کلید  
گم‌شده و درها همچنان بسته خواهد ماند».

خداوند در توحید و طاعت، ما را بهم پیوندده .  
آمین .

### تئاتر

#### عقاب

اسمعیل داورفر در نقش کارمند  
دو پایه.  
مهین شهابی در نقش خانم  
خانه‌دار.  
ناصر نجفی در نقش سردبیر  
روزنامه.  
غلامعلی نبی‌پور در نقش رئیس  
کارگرنی.  
ایرج راد در نقش پزشک  
مستبد.

داود آریا در نقش معاون  
اسمعیل محرابی در نقش  
کارمند بایگانی.

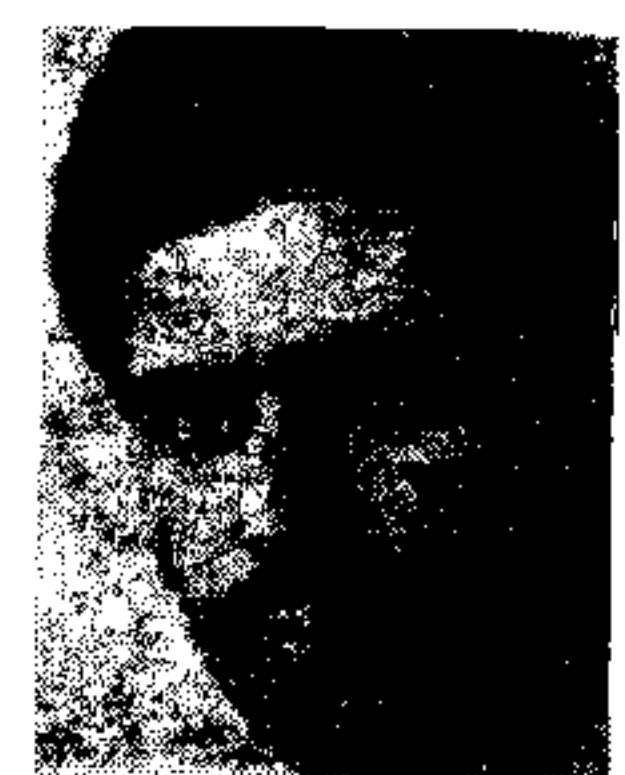
امیر ارسلان نامدار  
● امیر ارسلان نامدار نام  
نمایشنامه‌ایست که هنرمندان  
گروه تئاتر پارس در شیراز  
مشغول تمرین آن هستند.  
کارگردانی این نمایشنامه  
را تعدی ولایتی بعهده دارند.  
وبازیگران آن عبارتند از:  
فاطمه سرشار، زندیش  
حمیدی، عبدالله زاده،  
جهانبانیان، نیک سرشت،  
پدیدار، لایق، تعدی، دهقان  
نسب، رحیم هروی و اسمعیل  
خانی این گروه قبلا نمایشنامه  
های «بلبل سرگشته»،  
«مستاجر» و «درختان ایستاده»  
میمیرند را اجرا کرده  
است.

#### صیادان

● جعفر والی به‌مراه تروپ  
هنری خود تمرین نمایشنامه  
صیادان نوشته اکبر رادی را  
آغاز کرده است.

حسین دهقانی دست  
اندر کار تمرین نمایشنامه عقاب  
است تا آنرا در بوشهر بروی  
صحنه آورد.  
وی همچنین مجموعه  
داستانی نیز در زیر چاپ  
دارد که بزودی آماده توزیع  
خواهد شد.

پهلوان اکبر میمیرد  
● «هوشنگ فنی» نمایشنامه



«پهلوان اکبر میمیرد» رادر  
چهرم بروی صحنه آورد. این  
نمایشنامه نخستین پیسی است  
نقش آفرینان این نمایشنامه  
عبارت بودند از: حمیدآتش  
زای، شاهین خسروی، خلیل  
خاکسبز، ایرج خواجه‌پور،  
محمدرضا رئیس، محمدرضا  
خواجه‌ای، منصور حسین  
دوست، علی ناظمی، خانم  
علیزاده، خانم آموزنده.  
دکور این پیس را علی  
اصغر کمالی ترتیب داده بود.

#### تئاتر در سنجند

● گروه تئاتری شهاب‌در  
سنجد بزودی نمایشنامه‌ای را  
بروی صحنه خواهد آورد.  
این نمایشنامه مستاجر نام دارد  
که پرویز صیاد آنرا نوشته  
است.

#### مردی که مرده بود

● نمایشنامه موفق «مردی  
که مرده بود و خود نمیدانست»  
در تالار ۲۵ شهریور اجرا  
گردید.

این نمایشنامه را که پرویز  
صیاد نوشته است، عزت‌الله  
انتظامی کارگردانی میکرد  
وبازیگران عبارت بودند از:  
محمدعلی کشاورز در نقش  
مخبر روزنامه.

عزت‌الله انتظامی در نقش  
وکیل دعاوی.  
لاله تقیان در نقش پزشکیار.  
علی نصیریان در نقش کارمند  
رسمی دولت.



## ایران در مطبوعات جهان

**مطبوعات شوروی و ایران**  
● نشریه «اخبار مسکو» که بزبان انگلیسی در مسکو انتشار مییابد در مقاله‌ای زیر عنوان «بنام صلح و همکاری» توسعه همکاریها و روابط حسن همجواری ایران و شوروی را مورد بحث و ستایش قرار داده است.

«اخبار مسکو» در این مقاله که همراه عکسی از شاهنشاه و حضرت نیکلای پادگورنی در سفر اخیر رئیس کشور شوروی به تهران چاپ کرده بیانات شاهنشاه را در زمینه روابط دو کشور منعکس ساخته است. در این مقاله از نظریات نزدیک ایران و شوروی در بسیاری از مسائل مهم جهانی با اهمیت فراوان یاد شده است.

**نظر نیویورک تایمز**

● «نیویورک تایمز» روزنامه معروف امریکائی مقاله مبسوطی درباره فعالیت های والا حضرت شاهدخت اشرف پهلوی بعنوان رئیس کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد انتشار داد.

«نیویورک تایمز» در این مقاله مفصل از فعالیت های والا حضرت ستایش کرده و یادآور شده است که با ماسعی ایشان اجلاس کنونی کمیسیون حقوق بشر با وجود مسائل متعددی که با آن روبرو بود توفیق کامل داشت.

**پیشنهاد يك روزنامه هندی:**  
کلیه کشورهاییکه آثار نفیس قدیم ایران را بموزه های خود منتقل کرده اند اسرا به ایران بازگردانند.

● نشریه هفتگی «پلتر» که از نشریات متقابل به چپ و پر فروش هند است در مقاله ای زیر عنوان «ایران فصل جدیدی در تاریخ سازمان ملل متحد ایجاد کرده است» از اقدامات دولت شاهنشاهی برای حل مسئله بحرین پشتیبانی و تجلیل کرد.

پلتر نوشته است که شاهنشاه ایران با کمال بلند نظری از دبیر کل سازمان ملل متحد خواسته اند که تمایلات مردم بحرین را در مورد آینده این جزیره استفسار کند و ایران با این اقدام عاقلانه فصل تازه ای در تاریخ سازمان ملل متحد ایجاد کرده است زیرا این نخستین بار است که يك عضو سازمان ملل متحد از این دستگاه در مورد دعاوی قانونی خود تقاضای رسیدگی و تحقیق کرده است.

پلتر در دنباله این مقاله نوشته است این اقدام خردمندانه شاهنشاه ایران موجب تشویق و تقویت روحیه دیپلماتی شده است که این جریان را تحولی در جهت تحکیم و تقویت سازمان ملل متحد می داند اقدام دولت ایران ثابت میکند که لااقل يك دولت هست که هنوز منشور سازمان ملل را مقدس می شمارد.

این روزنامه ضمن ستایش از افتخارات کهن و تحولات و ترقیات کنونی ایران پیشنهاد کرده است کلیه کشورهاییکه آثار نفیس قدیم ایران را به موزه های خود منتقل کرده اند مذکور را بایران بازگردانند.

## فرهنگ و ادبیات

**گسترش روابط فرهنگی ایران و اردن و تدریس زبان فارسی در دانشگاه عمان و مبادله استاد میان این دانشگاه و دانشگاه های ایران در ضیافتی که در منزل سفیر شاهنشاه آریامهر در عمان ترتیب یافت.** مورد مذاکره قرار گرفت. در این میهمانی که جمعی از روسا و استادان دانشکده ها و شخصیت های علمی و مقامات وزارت اطلاعات و مدیران روزنامه های اردن حضور داشتند، درباره برنامه های جشن دوهزار و پانصدمین سال شاهنشاهی ایران در اردن نیز تبادل نظر شد.

● **کنگره هزاره شیخ طوسی** که از روز بیست و هشتم اسفند ماه گذشته در دانشگاه مشهد تشکیل شده بود با صدور قطعنامه ای بکار خود پایان داد.

در آخرین جلسه کنگره که ریاست آقای علل الفاسی رهبر حزب استقلال کشور مغرب تشکیل شده کتر حبیبی استاد دانشگاه کابل، دکتر سعدانی استاد دانشگاه مغرب، پروفیسور اسمعیل یعقوب رئیس دانشکده اسلامی اندوژی و پروفیسور حسن الامین استاد لبنانی درباره شخصیت و آثار علمی و اسلامی شیخ طوسی سخن گفتند.

دکتر حبیبی استاد دانشگاه کابل پیامی را که دولت پادشاهی افغانستان برای کنگره هزاره شیخ طوسی فرستاده بود قرائت کرد و ضمن سخنانی یادآور شد که ایران و افغانستان میراث فرهنگی مشترک دارند. در پایان قطعنامه کنگره خوانده شد.

در این قطعنامه گفته شد است که ملت های مسلمان جهان امت واحدی هستند که از يك کتاب آسمانی پیروی میکنند و بدین ترتیب در اساس فرقی بین فرقه ها و مذاهب اسلامی وجود ندارد. از این روی کنگره هزاره شیخ طوسی به ملت های مسلمان دنیا توصیه میکند که همفکری و همکاری را که مقتضی و مصلحت آنها است در پیش گیرند.

در قطعنامه پیشنهاد شده است که برای نشر کلیه آثار شیخ طوسی سازمانی بنام «مرکز طوسی» بوجود آید و بآموزش قرآن و زبانهای اسلامی بچوانان و نو نهالان توجه بیشتری شود. در قطعنامه اضافه شده است که «کنگره هزاره شیخ طوسی» مراتب سیاس خود را از

شاهنشاه ایران برای بذل توجه خاص و ارسال پیام که در حقیقت مشخص کننده برنامه کار کنگره بود و نیز بخاطر ابراز عنایت مخصوص نسبت به میهمانان خارجی تقدیم می دارد و موفقیت بیش از پیش معظله را در هدایت عالم اسلام و ترویج شعائر اسلامی و تحکیم مبانی وحدت مسلمانان جهان از درگاه خداوند آرزومند است.

## مطبوعات و نویسندگان

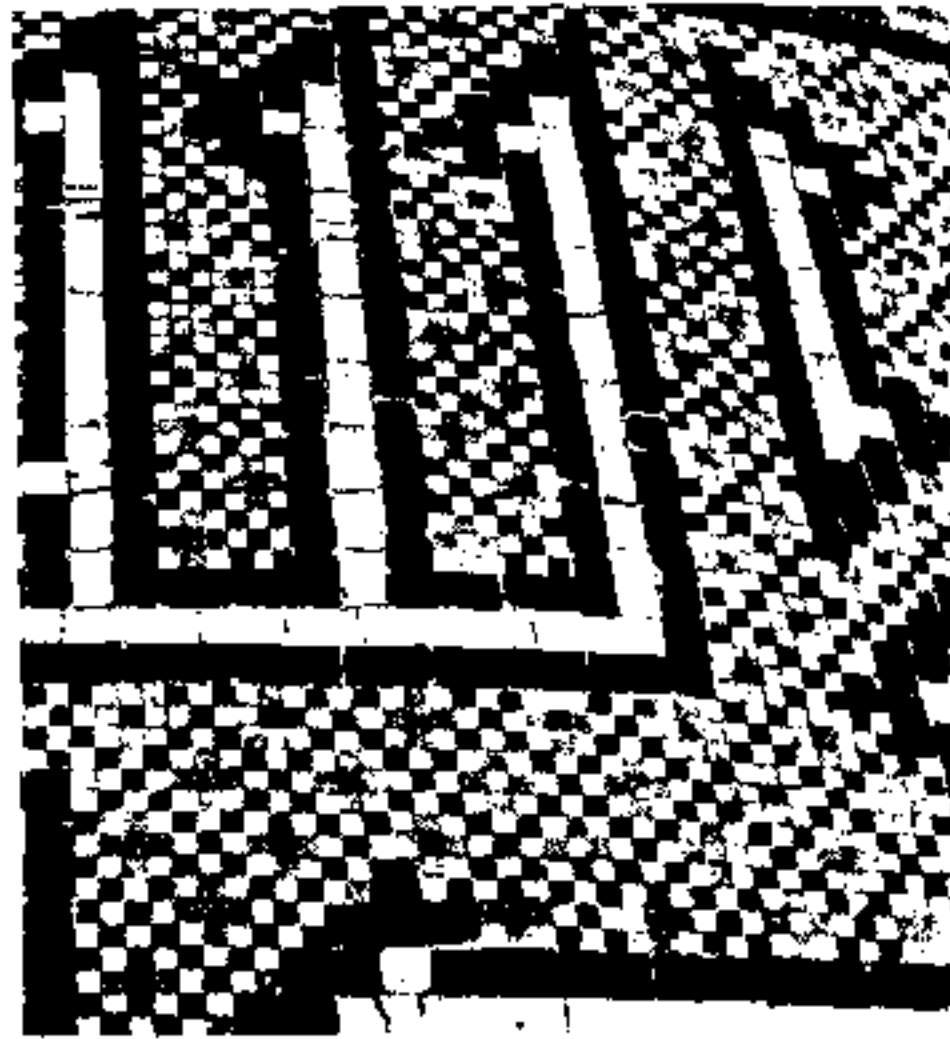
● **نشریه مذهبی** آقای دکتر شادمان استنادار تهران از طرف آستانه حضرت عبدالعظیم نشریه ای انتشار داد. در این نشریه شرح حال حضرت عبدالعظیم و امامزاده حمزه و نیز سابقه تاریخی ایجاد و مرمت های بقعه مبارکه حضرت تشریح شده است.

این نشریه همچنین حاوی عکسهائی از نمای پارک و بقعه و نیز نمای داخل حرم می باشد.

**هنر و مردم**  
● **هشتاد و هشتمین شماره «هنر و مردم»** ماهنامه هنری اداره کل روابط فرهنگی وزارت فرهنگ و هنر انتشار یافت.  
● **سالگرد ماهنامه «جام»** مجله ماهانه «جام» وارد دومین سال حیات خود گردید.  
● **جام اختصاص به درج خواندنیهای درباره تمبر**

داشته و مدیریت آنرا «وکایی» برعهده دارد.  
**گروه های داخلی سندیکای مطبوعات**  
● طبق تصمیم هیئت مدیره هشت تن از اعضای هیئت مدیره به ترتیب زیر عهده دارتشکیل گروه های داخلی سندیکا شده اند:  
● «بهشتی پور» مسئول تشکیل گروه اقتصادی نویسان.  
● «باشی» مسئول تشکیل

گروه اجتماعی نویسان.  
● «ملک محمدی» مسئول تشکیل گروه ورزشی نویسان.  
● «رنجبین» مسئول تشکیل گروه نویسندگان سیاسی و پارلمانی.  
● «امامی» مسئول تشکیل گروه هنری نویسان.  
● «مهری» مسئول تشکیل گروه مترجمین.  
● «حیدری» مسئول تشکیل گروه مخبرین عکاس.  
● «خرسندی» مسئول تشکیل گروه طنزنویسان.



قسمتی از پایه گنبد مطهر حضرت عبدالعظیم (ع) قبل از تعمیر

آغاز ششمین سال انتشار نشریه هفتگی اخبار پزشکی را به آقای دکتر طهمورث فروزین و دیگر گردانندگان آن نشریه تبریک میگوییم

تلاش

● **ویلیام بورلی** مردان حادثه جو رنگی - با شرکت : پل نیومن . رابرت ردفورد .  
● **مهریان رنگی** - با شرکت : سونیل دات . نوتان . کلنویاترا سینماسکوپ . رنگی . با شرکت : الیزابت تیلور . ریچارد برتن .  
● **مرد و زن و پول رنگی** - با شرکت : مارچلوماسترویان . اولیور رنگی - با شرکت : مارک لستر .  
● **دلاوران دوران رنگی** - «محصول شوروی» .  
● **شهای سن پترزبورگ رنگی** - با شرکت : ربرت حسین . قدرت با شرکت : جرج هامیلتون .  
● **شهر بی رحم با شرکت** : کرک دوگلاس .  
● **نوادا اسمیت رنگی** - با شرکت : استیومک کوئین .  
**فیلمهای فارسی**  
● **فیلمهای فارسی** که در سینماهای تهران نمایش درآمد عبارت بودند از :  
● **طلوع با شرکت** : جمشید مشایخی . گوگوش . فخری خوروش .  
● **آئینه زمان با شرکت** : سهیلا . عارف . امین امینی . سکه شانس با شرکت : فردین . ملک مطیعی . مرجان . دور دنیا با جیب خالی رنگی - با شرکت : بیک ایمانوردی . وثوقی . بنائی .  
● **حسن کچل رنگی** - با شرکت : پرویز صیاد . کتابون .

**فیلمهای خارجی در سینماهای تهران**  
**فیلمهای خارجی** که در سینماهای تهران نمایش درآمد عبارت بودند از :  
● **جوانان جور با ماشینهای قراضه رنگی** - با شرکت : تونی کرتیس .  
● **فرد بریتانیا رنگی** - با شرکت : لارنس الیویر .  
● **مایکل کین** - کوردوویورگنز .  
● **بولت رنگی** - با شرکت : استیومک کوئین . رابرت وان .  
● **داستان بزرگ غرب رنگی** - سینماسکوپ . با شرکت : کلودیاکاردیناله .  
● **استیلنو رنگی** - با شرکت : بریت ایکلند . الکس کورد .  
● **خدا حافظ آقای جیسیس رنگی** - با شرکت : پیتراوتول .  
● **پتولا کلارک** .  
● **نبردهای پانچوویلا رنگی** - با شرکت : یول برایش . رابرت میچام .  
● **کشتی پرنده «محصول شوروی»** . رنگی .  
● **رئیس رنگی** . با شرکت : گریگوری پک . آن هیوود .  
● **دلیجان خوشبختی رنگی** - «۷۰ میلیمتری» . با شرکت : لی ماروین .  
● **تکخال و ژوکر رنگی** - با شرکت : جولیانوجما .  
● **نینوبونوتی** .  
● **پسران خیابان پل رنگی** - با شرکت : آنتونی کمپ .

**وحدت . شیدا در فیلم**  
**اجل معلق**  
باشکوه ، همیشه پرشکوه ، افسون کاشانی ، پرستو ، فرشته ، طلوع و دهم دریا بهرمان ، فروزش  
فیلمبردار : شکراله رفیعی  
محصول : استودیو نقش جهان

## چند کلمه با سوسن

### «به عقیده من هر کسی نون طینت خودش را می خورد...»

تلاش - سوسن حالا که به این شهرت رسیدی  
دوست داشتی چه شخصی بودی ؟

سوسن - خودم خیلی خوب هستم من جای  
خودم همین که هستم مگر عیبی داره ؟

تلاش - آنطور که شنیده‌ایم زیاد درس  
نخوانده‌ای آیا می‌خواهی درست‌تر ادامه بدی ؟

سوسن - قبلا دوست داشتم دو ، سه کلاسی  
هم خواندم ، اما ادامه ندادم . فعلا هم ، چنین  
تصمیمی ندارم

تلاش - در مورد جوانان ایرانی چه عقیده‌ای  
داری ؟

سوسن - دوستان دارم خیلی خوب و عالی  
هستند . با نشاط و سرحال و اهل گردش و تفریح .

تلاش - اوقات تنهاییت را چطور می‌گذرانی ؟  
سوسن - خیلی کم تنها می‌شوم . اصلا وقت  
تنها شدن را ندارم .

تلاش - از میان خوانندگان ایرانی به کدام  
یکی علاقه‌مندتری ؟

سوسن - همه را دوست دارم . ولی از وقتی که  
من معروف شدم بعضی از خواننده ها خیلی عصبانی  
و حرصی شدند . برای همین هم هست که چشم دیدن  
منو ندارن

تلاش - با موزیک خارجی چطوری ؟  
سوسن - ای . بدم نمی‌آید .

تلاش - اصلا به امور فضایی علاقه‌داری ؟ نظرت  
راجع به مسافرت به کره ماه چیست . دلت می‌خواهد  
یکی از مسافران ماه باشی ؟

سوسن - خانم جون ، من فکر به اونجاها  
قد نمیده ، تا حالا هم فکر نکرده‌ام به اینکه به ماه  
بروم ، مگر کره زمین چه عیبی داره ، خوب از  
پیشرفت خوشم می‌آید .

تلاش - اگر صدايت را از تو بگیرند چه  
میکنی ؟

سوسن - خوب نمی‌خوونم ، اما من از صدام  
خیلی خوشم میاد

تلاش - آیا بفکر ترتیب دادن کنسرت در  
یکی از کشور های خارجی هستی ؟

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - نه ، من تا امکان دارد در کشور  
خودم کنسرت میدهم . چرا به خارج بروم ؟ جا  
هایی هست که مردم هنوز نمی‌دانند کنسرت یعنی  
چه ، من برای مردم کشور خودم ، بخصوص آنها  
که بقول روشنفکران طبقه سوم هستند ، می‌خوانم  
بنابراین جایی برای خارج رفتن نیست .  
تلاش - آیا دوست داری در تالار رودکی  
بخوانی ؟

سوسن - این یکی از آرزوهای بزرگ منست .  
ولی این آرزو را باید در خواب ببینم . تالار رودکی  
که جای من نیست جای خواننده های درس خوانده  
و روشنفکر و طبقه اول است نه من .

تلاش - هییی ها را حتما دیدی . آیا دوست  
داشتی هییی بشی ؟

سوسن - وای نه ! خوشم نمی‌آد . قربونت  
من از اونها می‌ترسم با اون حرکات و کارها خیلی  
زشت می‌شوند .

تلاش - همه می‌گویند تو گناهکاری و برای  
همین هم تصنیف گناه را به این خوبی اجراء  
کرده‌ای آیا حقیقت دارد ؟

سوسن - نه . نه . من کاری نکرده‌ام که  
گناهکار باشم . قلب من پاکتر از آن است که به  
من اجازه گناه کردن را بدهد

تلاش - بزرگترین آرزوی خصوصیت چیست ؟  
سوسن - چند سالی اوضاع به همین منوال  
باشد و بعد پیش مادرم بروم .

تلاش - چرا آنها را به نزد خود نمی‌آوری ؟  
سوسن - آخه ، بنظرشان من زن خوبی نیستم .  
چون در کاباره‌ها آواز می‌خوانم . به همین دلیل  
پهلوی من نمی‌آیند .

تلاش - با اینکه مادرت شوهر کرد . و تو  
را از خود راند ، هنوز هم دوستش داری ؟

سوسن - او مجبور بود . یا شوهرش نمی-  
خواست مرا نگه دارد یا خودش ، در هر حال حالا  
که وضع خوب شده می‌خواهم پهلوی آنها بروم .

تلاش - آیا بچه ها را دوست داری . دلت  
می‌خواست حالا به بچه داشتی ؟

سوسن - آره بچه‌ها را دوست دارم ، بدم  
هم نمی‌آد به دونه بچه داشته باشم . اصلا چرا بدم  
بیاید . بچه ها خیلی خوب هستن .

تلاش - چرا بعد از مرگ شوهر اولت شوهر  
نکردی ؟

سوسن - برای اینکه از زندگی زناشویی  
بدم می‌آد . از اون یکی هم هیچی نفهمیدم .

تلاش - حالا که به پول و شهرت رسیدی  
خودت را خوشبخت حس می‌کنی ؟

سوسن - آره چرا نباشم . فعلا که همه چیز خوب  
است . آرزو دارم تا چند سال دیگر اوضاع همین  
طور باشد .

تلاش - بهترین و بدترین ایام زندگیت کدام  
است ؟

سوسن - بهترینش ، وضع حال . و بدترین  
خاطره ، دوران تلخ کودکیم .

تلاش - آیا تا حالا عاشق شدی ؟  
سوسن - آره . ولی نمیدونه . فکر نمی‌کنم  
لرزمی داشته باشد به اون بگم من دوستش دارم ،  
همین برام کافیه .

تلاش - قبل از تو هم کسانی بودند که در  
این سبک آواز می‌خواندند تو چرا موفق شدی ؟

سوسن - من نمیدونم .  
تلاش - برای آینده‌ات چه نقشه‌ای داری ؟

سوسن - گفتم که يك مدت بخونم و بعد  
بروم پیش مادرم .

تلاش - فکر می‌کنی ارزش این موفقیت را  
داری ؟

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

سوسن - به عقیده من هر کسی نون طینت  
خودش را می خورد...»

خودش را می‌خوره . من واقعا آدم صادقی هستم  
و باید به اینجا هم می‌رسیدم . آنها که بد قلب  
هستند هر چه سعی و کوشش هم می‌کنند به جایی  
نمی‌رسند .

تلاش - خیال نداری در رادیو بخونی ،  
اینطور که شنیدم پیشنهاد کرده‌اند ؟

سوسن - چرا یواش یواش می‌خوونم .  
تلاش - چرا یواش یواش تو با بقیه خواننده‌ها  
چه فرقی داری ؟

سوسن - فرقان این است که من از کاباره  
شروع کردم و بعد به رادیو رفتم آنها اول از رادیو  
شروع کردند و بعد که مشهور شدند به کاباره رفتند ،  
کار من سختتر بود . خیلی سختتر .

تلاش - با این وضع کنونی چه تغییری در  
زندگیت داده‌ای ؟

سوسن - خونه‌ام را عوض کردم ، آخه  
زندگیم هم عوض شده . ولی دوستانم را هنوز  
دارم .

تلاش - درباره غمها و مصائب سخت زندگیت  
خیلی می‌نویسند آیا خودت می‌خواهی که این حرفها  
را بنویسند ؟

سوسن - بخدا نه . من همین طور که حالا  
مرتب می‌خندم آنوقت ها هم که چنین اوضاعی  
نبود می‌خندیدم و احساس بد یختی و بیچارگی  
نمی‌کردم . ولی امروز مجلات آنقدر مرا بدبخت  
و بیچاره جلوه می‌دهند که دلم به حال خودم می-  
سوزد . من واقعا اینقدر غمگین نبوده‌ام . من همیشه  
راضی بودم و همیشه خندیده‌ام

تلاش - اولین کسی که تو رو بنام يك  
خواننده معرفی کرد اسمش چه بود ؟

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

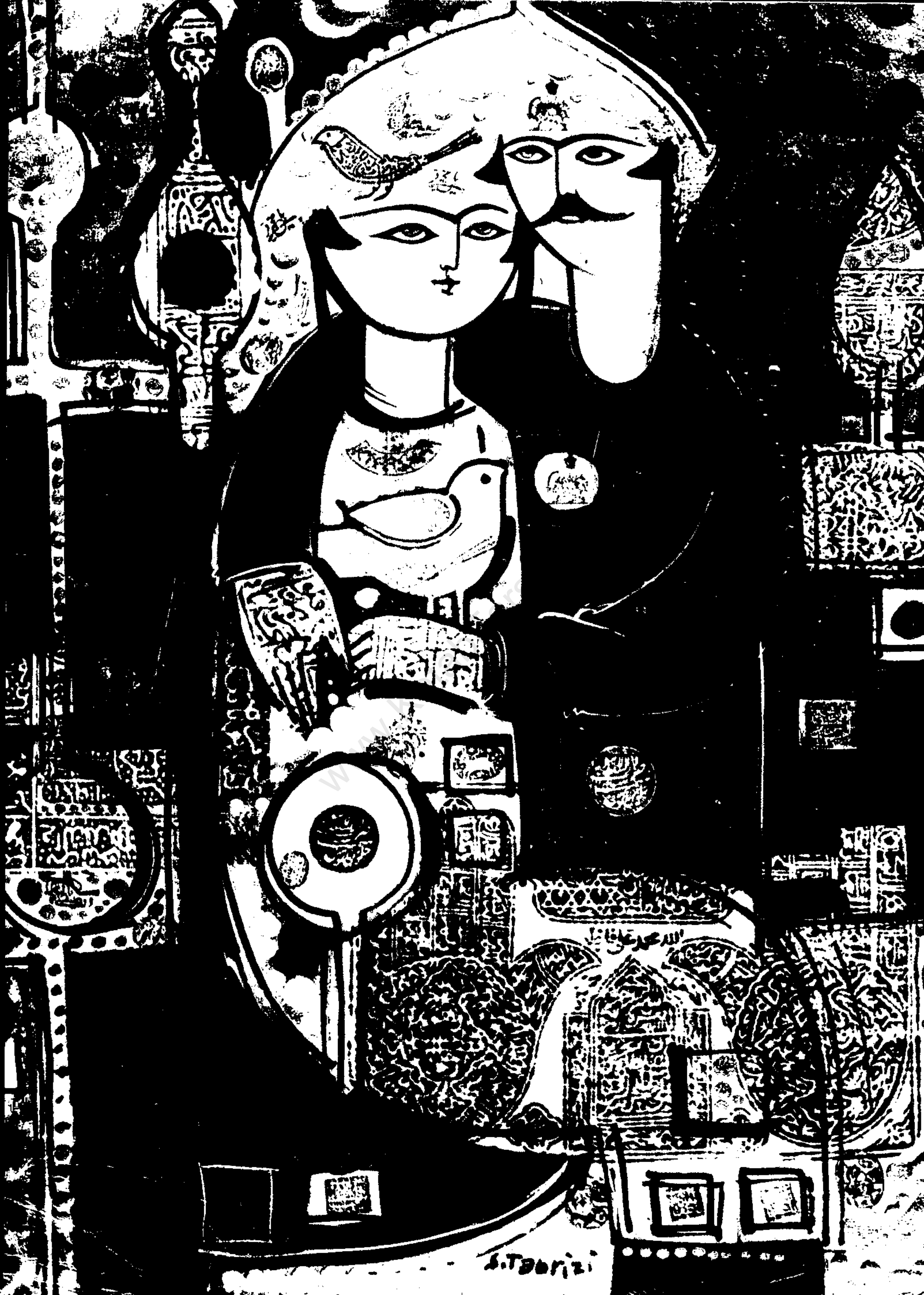
سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .

سوسن - شیرخدايي .  
تلاش - آیا همیشه روی صحنه موفق بودی ؟

سوسن - نه . نه . مردم از من می‌خواستن  
بشکن بزنم و برقصم . می‌خواستن آهنگهای جلف  
بخونم و برهنه شوم و من از این کارها بدم می‌آمد  
و نمی‌کردم . روی صحنه کم اتفاق می‌افتاد که  
موفق میشدم . اما حالا مردم عوض شده‌اند با صدای  
من کار دارند و دوست دارند فقط برایشان بخوانم .  
و خوب هم بخوانم . شاید اگر عقیده آنها عوض  
نمی‌شد من هم هیچوقت سوسن نمیشدم .





S. T. Darizi